

از من تعلیم یابید

۵۶ درس مقدماتی از کلام خدا برای بنا کردن ایمانداران

توسط افشین (مایکل) گرمی



شفای دست بیمار

امریکس ۱۳۶-۱۳۷، توبه ۱۵۱:۱۶

۶ و از آنها رفته به کلیسه ایشان در آمدند ۱۱
ناگاه شخص دست خشکی حاصر بود پس از
وی پرسیدم گفتند: آیا خدا روز شنبت شفا دادن
حایز است یا نه؟ تا آنجا که من بر او وارد آوردم
۱۱ وی به ایشان گفت: «کسیست از شما که به
گوسفند داشته باشد و هرگاه آن در روز شنبت به
حفرهای افتد، او را نخواهد گرفت و بیرونش آورد
۱۲ پس چقدر انسان از گوسفند افضل است
بنابر این در شنبت‌ها نیگوین که آن روا است»
۱۳ آنگاه آن مرد را گفت: دست خود را دراز کن
پس دراز کرد، مانند دیگری صحیح گردید
۱۴ آنگاه فریسان بیرون رفته بر او شورا نمودند که
چطور او را هلاک کنند

شبی ۱۲

سبحان سحر پند و نه پند را هیچ کس
می شناسد غیر از پس و کسی که پس خواهد بود
مکتوبه سازد ۲۸ بیاید نزد من ای تمام
از حسرت کشان و گنوا سازان و من شما را آرامش
خواهم بخشید ۲۹ بدخ مرا بر خود گیرید و از من
تعلیم یابید زیرا که حلیم و افتاده دل من باشم و در
تووس خود آرامش خواهید یافت ۳۰ زیرا بدخ من
خفیه است و بار من سبک است

شاگردان در روز شنبت گندم می چینند

امریکس ۱۳۶-۱۳۷، توبه ۱۵۱:۱۶

در آن زمان عیسی در روز شنبت از میان
کشزارها می گذشت و شاگردانش
می بردند به چیدن و خوردن خوشه‌ها
پس ایشان را دیدند بدو

۱۲

جماعت بزرگی پدنبال
عیسی می روند

از من تعلیم یابید

توسط افشین (مایکل) گرمی

برای دیدن درسهای ویدئویی این کتاب لطفاً به کانال یوتوب زیر مراجعه کنید:

Youtube: Michael Germi (از من تعلیم یابید)

برای سفارش این کتاب می توانید از طریق ایمیل یا نامه پستی، سفارش خود را برای ما

بنویسید. حق چاپ برای نویسنده محفوظ است.

ایمیل: afshin.germi@yahoo.com

تلفن خارج از کشور: ۶۴۳۸ - ۴۸۸ - ۶۶۱ - ۰۰۱

تلفن داخل آمریکا: ۶۴۳۸ - ۴۸۸ - ۶۶۱

آدرس پستی:

N69 W12703 Appleton Ave, Menomonee Falls, WI 53051

این دروس تقدیم می شود برای خداوندان عیسی مسیح که محور اصلی کتاب مقدس، تاریخ، جهان، ابدیت، و زندگی ماست. او خداست که به جسم ظاهر شد و به شکل انسان وارد این جهان شد تا برای انسانها مصلوب شود و فدیة ای باشد برای مجازات گناهان انسانها و تا ما را از دریاچه آتش ابدی نجات دهد. او از مردگان برخاست تا اثباتی باشد برای گفته ها و شهاداتی که او داد. هدف از این دروس اینست که با یادگیری کلام خدا بتوانیم شاگرد عیسی مسیح شده و در میان امتها به دولت بی قیاس مسیح بشارت دهیم (افسیسیان ۳: ۸). خداوند را سپاس می گویم برای همه کسانی که در جمع آوری این دروس به من یاری رسانیدند از جمله کشیش خودم که مرا به خداوندان عیسی مسیح راهنمایی و بشارت داد و تشکر می کنم از کالج بیتست سیدنی و معلمین آن کالج که کلام خدا را به من تعلیم دادند و مرا به قدرت کلام خدا مجهز کردند تا بتوانم سهمی در خدمت عیسی مسیح داشته باشم.

نحوه استفاده از این کتاب:

این دروس برای ایمانداران مسیحی نوشته شده تا آنها را از تعالیم کتاب مقدس آشنا کرده، شاگردانی برای عیسی مسیح گرداند تا با فیض خدا بتوانند پیرو و خادم نمونه ای برای عیسی مسیح باشند. هر درس را با دقت بخوانید و آیه هایی که در هر درس داده شده را در کتاب مقدس خود پیدا کرده و بخوانید، تا بیشتر درباره آن درس یاد بگیرید. در پایان هر درس سوالاتی داده شده است که جوابهای آن در داخل خود درس یافت می شود، به جز سوالاتی که از شما نوشتن آیه ای را می خواهد که در اینصورت باید از کتاب مقدس، آیه خواسته شده را بجویید و بنویسید. تمامی آیه های مورد استفاده در این کتاب از نسخه قدیم کتاب مقدس ترجمه فاضل خوانی می باشد.

فهرست مطالب

۱. نگرش کلی به کتاب مقدس (1. Overview on the Bible)..... صفحه ۱
۲. احکام و شریعت خداوند (2. The Law of God)..... صفحه ۹
۳. انسانها از دیدگاه خداوند (3. God's perspective of man)..... صفحه ۱۹
۴. تلاش انسانها برای رفتن به بهشت از طریق اعمال. (4. Heaven by Works). صفحه ۳۱
۵. انجیل راه خداست به بهشت (5. The Gospel is God's Way)..... صفحه ۳۶
۶. آزمودن اسلام از صحت داشتن آن (6. Cross Examining of Islam) صفحه ۵۳
۷. خدای تثلیث و چگونه عیسی مسیح پسر خداوند است؟..... (7. Trinity)..... صفحه ۷۰
۸. الوهیت عیسی مسیح (8. Deity of Jesus Christ)..... صفحه ۷۴
۹. خدای پسر در عهد عتیق (9. God the Son in the OT)..... صفحه ۹۲
۱۰. تولد دوباره (10. Being Born Again)..... صفحه ۹۸
۱۱. نجات (11. Salvation)..... صفحه ۱۰۲
۱۲. اطمینان یافتن از نجات (12. Assurance of Salvation)..... صفحه ۱۰۸
۱۳. غسل تعمید (13. Baptism)..... صفحه ۱۱۴
۱۴. روح القدس (14. Holy Spirit)..... صفحه ۱۱۹
۱۵. دعا (15. Prayer)..... صفحه ۱۲۴
۱۶. اراده خدا (16. The Will of God)..... صفحه ۱۳۰
۱۷. کلیسای محلی (17. The Local Church)..... صفحه ۱۳۵
۱۸. سایر مسیحیان (18. Other Christians)..... صفحه ۱۴۰
۱۹. ده یکه‌ها و هدایا (19. Tithes and Offerings)..... صفحه ۱۴۷
۲۰. پول و دارایی (20. Money And Possessions)..... صفحه ۱۵۳
۲۱. برخورد با گناه (21. Dealing with Sin)..... صفحه ۱۵۶
۲۲. آزادی در مسیح (22. Liberty in Christ)..... صفحه ۱۶۱
۲۳. شغل و کارفرما (23. Job and Employer)..... صفحه ۱۶۶
۲۴. انسانهای گمشده (نجات نیافته) .. (24. The Lost World)..... صفحه ۱۷۲
۲۵. ربایش کلیسا (25. The Rapture)..... صفحه ۱۷۸
۲۶. تخت داوری مسیح (26. The Judgment Seat of Christ)..... صفحه ۱۸۴
۲۷. هفت سال مصیبت (27. The Seven Years Tribulation)..... صفحه ۱۹۰
۲۸. مِلینیوم (عصر هزاره سلطنت مسیح) ... (28. The Millennium)..... صفحه ۱۹۶
۲۹. چیزهایی که خدا در ازای نجاتمان به ما می بخشد. (29. Things God gives us) صفحه ۲۰۴

۳۰	شام خداوند(30. The Lord's Supper)..... صفحه ۲۰۸
۳۱	مرگ عیسی مسیح(31. The Death of Jesus Christ)..... صفحه ۲۱۵
۳۲	قیام عیسی مسیح از مردگان.(32. The Resurrection of Jesus Christ) صفحه ۲۲۳
۳۳	جهنم(33. Hell)..... صفحه ۲۳۲
۳۴	بهشت(34. Heaven)..... صفحه ۲۴۰
۳۵	جدایی(35. Separation)..... صفحه ۲۴۷
۳۶	ترس و اضطراب(36. Fear and Worries)..... صفحه ۲۶۰
۳۷	ابزارهایی برای غلبه بر افسردگی و نگرانی (37.Tools to conquer fear) صفحه ۲۶۷
۳۸	مقابله شیطان با مسیحیان....(38. Satan's Opposition to Christians) صفحه ۲۷۴
۳۹	چگونه عادات زشت خود را تغییر دهیم؟ (39. How to change bad habits) صفحه ۲۸۰
۴۰	بخشش برکت خداوند (40. The Blessings of forgiveness) صفحه ۲۸۹
۴۱	زندگی پیروزمندانه در مسیح(41. Victorious Life in Christ)..... صفحه ۲۹۴
۴۲	ماهیت خداوند(42. The Nature of God)..... صفحه ۳۰۴
۴۳	درد و رنج(43. Trial and Temptations)..... صفحه ۳۱۱
۴۴	خانواده(44. Family)..... صفحه ۳۲۰
۴۵	غذای روحانی(45. Spiritual Food)..... صفحه ۳۳۰
۴۶	اطاعت از خدا(46. Obeying God)..... صفحه ۳۳۵
۴۷	مسیحیت و نوشیدن شراب(47. Christianity and Drinking)..... صفحه ۳۴۲
۴۸	عیسی مسیح نجات دهنده و خداوند ما. (48. Jesus Our Lord and Saviour) صفحه ۳۵۵
۴۹	عطیه زبانها(49. The Gift of Tongues)..... صفحه ۳۶۸
۵۰	شباهت عیسی و موسی(50. Christ a Prophet like unto Moses).... صفحه ۳۸۲
۵۱	الفبای زندگی مسیحی(51. ABC of Christianity)..... صفحه ۳۸۵
۵۲	چه نوع دستی دارید؟.....(52. What Kinds of Hands do you have?) صفحه ۳۸۷
۵۳	چرا عیسی به این جهان آمد؟ (53. Why did Jesus Come into the World) صفحه ۳۸۹
۵۴	چه چیزی در زندگی شما ناقص است؟ (54. What do You Lack)..... صفحه ۳۹۱
۵۵	چگونه شخصی را به مسیح هدایت کنیم. (55. How to lead a person to Christ) صفحه ۳۹۳
۵۶	تصاویر و جدولها (برگه ایست). (56. Charts and Tables- Stop tract)..... صفحه ۴۰۴
۵۶-۱	بهشت و سرّ کلیسا a.Heaven and Mystery of the Church صفحه ۴۰۸
۵۶-۲	خواب دانیال در باب ۷ b.Daniel's Dream in Dan 7 صفحه ۴۱۰
۵۶-۳	خواب نبوکدنظر (دانیال ۲) c.Nebuchadnezzar's Dream Dan2 صفحه ۴۱۱
۵۶-۴	پیشگویی هفتاد هفته دانیال (باب ۹) d.Daniel's 70 week Prophecy صفحه ۴۱۲

۴۱۴ صفحه e.7 Dispensations هفت دوره زمانی (۵ -۵۶

۴۱۵ صفحه f.Order of events in God's plan خداوند در برنامه ترتیب اتفاقات در برنامه خداوند (۶ -۵۶

مقدمه

در طول تاریخ، خدا به هر شخصی این فرصت را داده که نقشه نجات وی را بدست آورد. متأسفانه بیشتر مردم دنیا این نقشه را رد می کنند و برای بدست آوردن حیات جاودانی به سراغ نقشه ها و راههای انسانی روی می آورند که جز هلاکت عاقبت خوبی برای ایشان ندارد و در نتیجه باید عواقب و مجازات آن را تا ابد تحمل کنند. بنابراین پذیرفتن و دریافت کردن عیسی مسیح به عنوان منجی خود یکی از مهمترین تصمیمی است که می توانیم در طول زندگی خود بگیریم. با دریافت نجات عیسی مسیح، ما می توانیم حیات ابدی خود را با عیسی مسیح سپری کنیم به جای اینکه رهسپار دریاچه آتش شویم. دیگر زندگی ما در راههای بیهوده صرف نمی شود و ما برای ادامه زندگی پر از امید دلیل داریم و در نهایت می توانیم به پاداش جاودانی خود در آسمان دست پیدا کنیم.

شیطان نیز از زندگی تازه ما در عیسی مسیح با خبر است. نقشه های او برای از بین بردن نجات جاودانی ما دیگر تأثیری نخواهد داشت هر چند او تمام تلاش خود را بکار خواهد برد تا ما را از رشد روحانی و نزدیک شدن به خدا و به کمال رسیدن هدفهای خدا در زندگیمان باز دارد.

این کتاب "از من تعلیم یابید" برای این نوشته شده تا شما بتوانید با مطالعه آن و با استفاده از کلام خدا اولاً حیات جاودانی و ضمانت آنرا بدست آورید و دوماً بتوانید زندگی تازه ای که در عیسی مسیح شروع کرده اید را توسعه داده و در ایمان خود استوار شوید. این کتاب به شما کمک خواهد کرد که با رابطه تان با خدا آگاهی پیدا کنید، و چگونه با او ارتباط برقرار کنید، و چگونه اصول کتاب مقدس را در زندگیتان بکار برید، و چگونه زندگی شما می تواند شهادتی تأثیرگذار از فیض خدا باشد. چه شما نو ایمان باشید و یا سالها باشد که ایماندارید، یادگیری این دروس به شما کمک خواهد کرد که زیر بنای محکمی را برای ایمانتان در زندگی خود بسازید، و می توانید یاد بگیرید که چگونه از زندگی پیروزمانده در عیسی مسیح لذت ببرید.

دعای من اینست که این دروس به شما یاری رساند که در فیض و معرفت خداوندمان عیسی مسیح رشد کنید. همچنین دعا می کنم برای تمامی هموطنان عزیزم بخصوص خانواده خودم که به حقیقت کلام خدا پی ببرند و نجاتی که از طریق خداوندمان عیسی مسیح برای همه فراهم است، بتوانند دریافت کنند و صاحب حیات جاودان و زندگی تازه شوند. بیایید با هم برای نجات خانواده ها و دوستان و همه هموطنان خودمان در دعا باشیم. آمین

درس ۱: نگرش کلی به کتاب مقدس

مقدمه: هدف از این درس بررسی مقدمات مطالعه کتاب مقدس است. خواندن و عدم درک مفاهیم کتاب مقدس توسط خوانندگانی که مسیحی نیستند، مسئله بسیار متداولی است. در کتاب مقدس اول قرنیتیان ۲: ۱۴ ذکر شده که کسانی که عیسای مسیح را به عنوان نجات دهنده خویش نپذیرفته باشند قادر به درک کامل مطالب کتاب مقدس نخواهند بود، و در نتیجه جملات کتاب مقدس هیچ معنایی برای آنها نخواهد داشت.

من هنوز اولین باری که کتاب مقدس توجه مرا به خود جلب کرد را به خاطر دارم. در آن زمان هنوز به مسیح ایمان نداشتم، اما بسیار در مورد کتاب مقدس شنیده بودم بنابراین تصمیم گرفتم که آن را بخوانم. روزی کتاب مقدس دوستم را برداشتم و شروع به خواندن آن کردم اما از آنچه می خواندم هیچ چیز متوجه نشدم و از آنجا که ۶۶ مجموعه کتاب در کتاب مقدس وجود دارد حتی نمی دانستم برای خواندن آن باید از کجا شروع کنم.

برای آنکه بتوانیم کتاب مقدس را درک کنیم لازم است برخی موارد ابتدایی را بیاموزیم. ابتدا باید اصول و اساس کتاب مقدس را درک کنیم. بگذارید اینطور به موضوع نگاه کنیم. تصور کنید که شما به یک کشور خارجی که مردمان آن با تمدن امروزی آشنایی ندارند، سفر کرده اید. نزد مردمانی می روید که در جنگل ها و کوهستانها زندگی می کنند و تاکنون از محیط زندگی خود خارج نشده اند و هیچ تماس و تجربه ای از دنیای متمدن امروزی ندارند. کسانی که هرگز در طول زندگی خویش اتومبیل ندیده اند. با این شرایط فکر می کنید اگر به یکی از آنها بگویید "ما در خانه اتومبیلی داریم که با آن به این طرف و آنطرف می رویم" آیا آنها متوجه می شوند شما از چه چیزی صحبت می کنید؟ البته که نه!

تصور کنید که می خواهید چیزی را برای کسی توصیف کنید که هیچ تصویری از چگونگی آن ندارد. از کجا باید شروع کنید؟ مطمئناً از جزئیات تخصصی مربوط به خودرو مثل انواع مدل های اتومبیل و امکانات موجود در مدل های مختلف مانند تهویه هوا، شیشه بالا بر برقی، روکش چرمی و غیره شروع نمی کنید. در این مرحله این جزئیات هیچ معنایی برای شنونده نخواهد داشت. شما باید از ساده ترین و مقدماتی ترین موارد شروع کنید و به تدریج در مورد چرخ ها، صندلی ها، موتور، فرمان، ترمز و دیگر اجزای اصلی تعلیم دهید، آن هم به نحوی که برای شنونده معنی داشته باشد و باید مطمئن شوید که آنها متوجه موضوع می شوند.

دو روش مختلف برای توضیح این موضوع وجود دارد: ۱- روش اول ترتیب تاریخی اختراع اتومبیل است به این صورت که می‌توانید توضیح دهید که اولین اتومبیل چگونه اختراع شد، چگونه طراحی شد، اتومبیل‌های اولیه به چه شکل بودند، قسمت‌های اصلی تشکیل دهنده اتومبیل و کار هر یک از آنها چیست و چه تغییراتی در طول زمان در ساختار اتومبیل‌ها ایجاد شده است و انواع اتومبیل‌های موجود امروزی کدامها هستند.

در این روش می‌توانید تاریخچه ساخت اتومبیل را توضیح دهید اما برای شخصی که با تمدن و دنیای امروزی آشنایی ندارد احتمالاً صحبت‌های شما آنطور که باید، قابل درک نخواهد بود. این مثال در مورد کتاب مقدس نیز صدق می‌کند. اگر بخواهید از کتاب پیدایش شروع کرده و تمامی کتاب مقدس را تا مکاشفه برای شخصی که هیچ آشنایی با آن ندارد توضیح دهید، ممکن است نهایتاً به هدف خود برسید، اما احتمالاً زمان بسیاری را می‌بایست صرف این کار نمایید. درک بیشتر آنچه شما توضیح می‌دهید تا زمانی که عمده کتاب مقدس را برای شخص توضیح نداده باشید برای شنونده میسر نخواهد بود.

۲- روش دوم برای توضیح و معرفی اتومبیل این است که افکار خویش را بر حسب موضوع نظم بخشید و به شنونده نمایی کلی از آنچه سعی در توضیح آن دارید نشان دهید. به عنوان مثال، می‌توانید توضیح دهید که اتومبیل محلی برای نشستن سرنشینان و چرخ‌هایی در دو طرف دارد که آن را به حرکت در می‌آورند. در مرحله بعدی توضیح دهید که چطور موتور خودرو باعث حرکت چرخ‌ها می‌شود و چگونه سیستم فرمان خودرو امکان کنترل جهت حرکت را فراهم می‌سازد. تمامی این مطالب ابتدایی و اساسی است. در این مرحله نیازی نیست تفاوت فورد، تویوتا و یا پیکان را برای او توضیح دهید. بهترین راه بسنده کردن به اطلاعات ابتدایی مورد نیاز برای درک موضوع است.

این دقیقاً همان روشی است که ما قصد داریم در این درس پیش بگیریم. در واقع هدف ما مطالعه برخی از حقایق اصلی و ابتدایی است که تصویر جامعی از کتاب مقدس را برای شما ترسیم خواهد کرد. روشن است که نمی‌توان همه آنچه لازم به ذکر است را در این درس گنجانید و بعد از پایان این درس نیز مطمئناً قادر به درک تمامی مطالب کتاب مقدس نخواهید بود. در واقع هیچ کس در جهان وجود ندارد که کتاب مقدس را کامل درک کرده باشد. برخی‌ها طوری خود را نشان می‌دهند که گویی همه چیز را می‌دانند، اما این طور نیست زیرا تنها خداوند است که دارای علم و درک مطلق است.

نگرشی به اطراف به روش خداوند

در این درس سعی داریم به روش خداوند به پیرامون خویش نگاه کنیم. در اول سموئیل داستانی درباره سموئیل نبی آمده است. خداوند به سموئیل دستور داد تا برود و پادشاه بعدی اسرائیل را تدهین کند. او باید به خانه یسّا می رفت و از او خواهش می کرد که تمامی پسران خویش را فرا خواند. سموئیل آنچه را که خداوند به او فرمان داده بود به جای آورد و یسّا پسران خود را به حضور وی فرا خواند اما نه همه آنها را بلکه تنها هفت تن از پسران خود را. سموئیل به پسر بزرگتر الیاب نگاه کرد و پیش خود فکر کرد که حتماً اوست که مورد نظر خداوند است. در اول سموئیل باب ۱۶ آیه ۷ می خوانیم: " اما خداوند به سموئیل گفت: « به چهره اش و به بلندی قامتش نظر ننما زیرا او را رد کردم چون که خداوند مانند انسان نمی نگرد زیرا که انسان به ظاهر می نگرد و خداوند به باطن ».

خداوند الیاب را رد کرد چون که باطن و قلب او را می شناخت و می دانست که او پادشاه مناسبی برای اسرائیل نخواهد بود. سموئیل در طول صف پسران یسّا حرکت می کرد و یکایک آنها را از نظر میگذرانید و هر کدام از آنان به نظر وی جوان و قوی و باهوش به نظر می رسیدند، اما خداوند همه آن هفت پسران یسّا را رد کرد.

در این زمان سموئیل از یسّا پرسید که آیا پسر دیگری دارد؟ و همین طور بود. یسّا پسر دیگری داشت به اسم داود که از گله مراقبت می کرد. سموئیل فرمود تا وی را فرا خوانند. چون داود قدم به درون خانه گذاشت خداوند با سموئیل سخن گفت: " این فرد مورد نظر من است ، او را تدهین کن." توضیح خداوند درباره تمامی این اتفاقات در همان آیه هفتم بیان شده است. دید خداوند با انسان ها متفاوت است. او نه به ظاهر بلکه به باطن انسان توجه می کند چونکه او از نهاد و باطن انسانها آگاه است.

آنگاه که من و شما به مردم نگاه می کنیم از روی ظاهر درباره آن ها قضاوت می کنیم. این قضاوت و تصمیم گیری معمولاً بر پایه شکل ظاهری، لباس، کلام و دیگر موارد قابل رؤیت درباره آنهاست. اما هرگز نمی دانیم که به راستی در اعماق قلب هر شخص چه می گذرد. کتاب مقدس به ما می گوید که آنگاه که خداوند به انسان ها می نگرد آنها را نه بر اساس ظاهر بلکه بر اساس باطن آنها قضاوت میکند و خداوند به حقیقت راستین آگاه است.

من نمی دانم که چرا خداوند هفت پسر دیگر یسّا را رد کرد. اما یقیناً آنان مناسب مأموریتی که خداوند برای آنها در نظر گرفته بود، نبودند. خداوند می دانست که داود مناسب ترین و بهترین است و او بود که از جانب خداوند به عنوان پادشاه اسرائیل برگزیده شد، چرا که مناسب ترین و اصلح ترین فرد برای به انجام رساندن مأموریتی بود که خداوند در نظر داشت.

در راستای مطالعه این درس ما نیز سعی خواهیم کرد به اطراف خویش از چشم خداوند و به روش خداوند بنگریم. نگرش خداوند چگونه است؟ این نوع خاص نگرش چه تأثیری بر زندگانی ما دارد؟ این سوالات مبنای مباحث ما در تمامی دروس این کتاب خواهند بود.

رو برو شدن با خداوند

نهایتاً همه ما انسانها مجبور به رویارویی با خداوند هستیم. ما روزی در مقابل وی حاضر خواهیم شد و در قبال اعمال خویش به او پاسخگو خواهیم بود. روزی شما از دنیا خواهید رفت و این حقیقتی بارز است که هر انسانی با هر میزان از درک و فهم به آن واقف است. مهم نیست که چه میزان غذای سالم میخورید و ویتامین مصرف می کنید و به هر نحو ممکن از بدن خویش مراقبت می کنید. دیر یا زود بدن شما از کار کردن باز خواهد ایستاد و مرگ به سراغ شما خواهد آمد. ممکن است این اتفاق برای برخی دیرتر از دیگران واقع شود اما برای همه ما پایانی مشترک است.

کتاب مقدس به ما یاد می دهد که همه ما روزی در برابر خداوند حاضر خواهیم شد. در رومیان ۱۴: ۱۲ می خوانیم: "پس هر یکی از ما حساب خود را به خدا خواهد داد." روزی شما در برابر خداوند حاضر خواهید شد و در آن روز او از شما خواهد خواست که درباره زندگانی خویش جواب پس بدهید. او پرسش های بسیار مهمی از هر یک از ما خواهد داشت که می بایست با توجه به زندگانی و نحوه گذران عمر خود به آنان پاسخ دهیم.

شما را نمی دانم، اما وقتی من به مدرسه می رفتم از امتحان متنفر بودم و همواره در زمان امتحانات مضطرب و وحشت زده می شدم اما می دانستم که بالاخره آن روز فرا خواهد رسید و همین باعث میشد تا با دقت به درس ها گوش فرا دهم، چرا که از ترس پدرم نمی خواستم که وقتی کارنامه ام را به خانه می برم پر از نمرات ضعیف و بد باشد.

بیشتر انسانهایی که من می شناسم علاقه ای به امتحان در پایان زندگی خویش و یا پاسخ دادن به خداوند ندارند. در واقع بیشتر مردمانی که من می شناسم آنچنان خداوند را از زندگانی خویش کنار گذاشته اند که حتی به مرگ نیز فکر نمی کنند. اما خداوند می گوید که هر انسانی پس از مرگ در برابر وی حاضر خواهد شد و درباره زندگانی خویش جواب پس خواهد داد.

در رومیان ۲: ۲ می خوانیم: "و می دانیم که حکم خدا بر کنندگان چنین اعمال برحق است." آنگاه که در برابر خداوند حاضر می شویم بر اساس راستی و عدالت قضاوت خواهیم شد. نمی دانم نظر شما درباره سیستم قضایی چیست. در بسیاری موارد مردم دروغ می گویند و از محکمه خلاص می شوند

حتی اگر گناهکار باشند. ممکن است ما هرگز به حقیقت امر پی نبریم، اما خداوند به حقیقت آنچه اتفاق افتاده است آگاه است. قضاوت خداوند بر اساس راستی و حقیقت است.

آنگاه که من و شما در برابر خداوند حاضر شویم درباره زندگانی خویش جواب پس خواهیم داد. قضاوت خداوند بر اساس ظاهر ما و یا آنگونه که اتفاقات به نظر می آید، نخواهد بود. همچنین قضاوت وی بر پایه عقیده عموم مردم درباره ما و یا رأی گیری از دیگران و یا بر پایه رأی هیئت داوران نخواهد بود بلکه همه ما بر اساس حقیقت و راستی قضاوت خواهیم شد. اما این موضوع کمی اضطراب آور است زیرا راه راست بسیار باریک و دقیق و به دور از هرگونه کژی و کاستی است. آنگاه که بر اساس حقیقت و راستی قضاوت شویم همه ما گناهکار شناخته خواهیم شد و هیچ عذر و بهانه ای نخواهیم داشت.

یوحنا ۱۷:۱۷ به ما می گوید که حقیقت و راستی در کجا یافته می شود. عیسی مسیح در این باره می فرماید: "ایشان را به راستی خویش تقدیس نما. کلام تو راستی است." تا اینجا متوجه سه اصل مهم شده ایم. خداوند به ما می گوید که روزی در برابر وی حاضر خواهیم شد. آنگاه که در پیشگاه وی حاضر شویم درباره زندگانی و اعمال خویش جواب پس خواهیم داد و بر اساس حقیقت و راستی یعنی کلام خداوند قضاوت خواهیم شد.

ممکن است برخی از مردم بگویند: "خب، من در واقع به راستی و حقانیت کتاب مقدس ایمان ندارم." این حق شماس است که در این باره تصمیم بگیرید. اما باید خوب در این باره تفکر کنید. اگر نظر شما اشتباه باشد و خداوند مردمان را بر اساس حقیقت کتاب مقدس قضاوت کند، چه خواهید کرد؟ اینکه شما به کتاب مقدس باور ندارید، چیزی را عوض نمی کند.

شما می توانید هر چه را که دوست دارید، باور کنید و من مختارم تا هرچه را که دوست دارم، باور کنم اما نهایتاً آنچه من و شما به آن باور و عقیده داریم هیچ اهمیتی ندارد. خداوند می گوید که همه ما انسانها چه مذهبی و چه بی مذهب، بر اساس حقیقت و راستی قضاوت خواهیم شد و خداوند می فرماید که حقیقت و راستی او کتاب مقدس است. اما خداوند به شما اختیار داده که این موضوع را باور داشته باشید یا اینکه آن را رد کنید.

تصور کنید که به شما بگویم که شما قضاوت خواهید شد و تمام زندگانی شما به نتیجه یک امتحان پنج دقیقه ای بستگی دارد. در آن صورت آیا علاقمند می شوید که بدانید این امتحان در مورد چیست؟ یا پاسخ سوالات کدامند؟ من ترجیح می دهم که بدانم! من به حرف شخصی که به من می گوید "من از تمام سوالات و پاسخ های آنان اطلاع دارم" علاقمند بوده در طلب بدست آوردن آن سوالات و پاسخهای آن خواهم بود. حداقل علاقمند خواهم بود که درباره آن مطالعه ای داشته باشم تا ببینم که

آیا آن راه درست است یا اشتباه. بنابراین پیش از آنکه کتاب مقدس را کنار بگذارید، عاقلانه ترین کار اینست که بنشینید و حداقل نگاهی به آن بیاندازید و گوش کنید و ببینید خداوند در این باره چه می گوید و بعد تصمیم بگیرید.

حقیقت و راستی = کتاب مقدس

در یوحنا ۱۷:۱۷ می خوانیم که کتاب مقدس همان راستی و حقیقت است. بر اساس کلام خداوند، کتاب مقدس حقیقت خداوند است که در اختیار ما قرار داده شده است. در دوم تیموتائوس ۳: ۱۶-۱۷ آمده است: **"تمامی کتب از الهام خداست و به جهت تعلیم و تئیه و اصلاح و تربیت در عدالت مفید است تا مرد خدا کامل و به جهت هر عمل نیکو آراسته شود."** بنابراین کلام خدا می فرماید که تمامی کتاب مقدس از الهام خداوند است. الهام یعنی نفس خداوند. کلماتی که من می گویم از نفس من بیرون می آید یعنی من با هر نفس آنها را ادا می کنم. اما آنچه در کتاب مقدس بیان شده است نفس انسانی ندارد. کتاب مقدس نفس خداوند و الهام خداوند است. یعنی خداوند نفس خود را در این کتاب دمیده و بنابراین کتاب مقدس دارای حیات است و می تواند به کسی که به آن ایمان می آورد، حیات بخشد. کتاب مقدس سخنان خداوند برای من و شماست. به یاد داشته باشید که خداوند فرموده: **"روزی همه شما بر اساس حقیقت و راستی قضاوت خواهید شد و آن حقیقت کتاب مقدس است"** و اینک او به ما می گوید که کتاب مقدس کلام و سخن او با ما است. بنابراین بهتر است به آن توجه کنیم.

در دوم پطرس ۱: ۲۱ آمده است: **"زیرا که نبوت به اراده انسان هرگز آورده نشده بلکه مردمان به روح القدس مجذوب شده از جانب خدا سخن گفتند."** برخی عقیده دارند که کتاب مقدس توسط مردمان عادی نگاشته شده است اما کتاب مقدس در این باره نظر دیگری دارد. به یاد داشته باشید که ما سعی می کنیم همه چیز را از چشم خداوند و به روش خداوند بنگریم. خداوند می فرماید که کتاب مقدس بر اساس خواسته و آرزوی انسان نگاشته نشده است. این گونه نبوده که عده ای روزی تصمیم بگیرند به نگارش کتابی جدید و ایجاد مذهبی نوین. کتاب مقدس توسط پیامبران نوشته نشد که آنها بخواهند هر یک کتابی را به اسم خود تخصیص دهند و خود را مشهور کنند. کتاب مقدس بیان می کند که نگارش این کتاب ها نه به دلیل خواسته و آرزوی خود نویسندگان بلکه به خواست خداوند صورت گرفته است و روح القدس در آنان ساکن شده و در نگارش کتاب مقدس آنان را یاری کرده است.

برخی ها ممکن است بگویند: "هرکسی می تواند کتابی بنویسد و ادعا کند که کتابش کلام خداوند است. هرکسی می تواند کتابی بنویسد و ادعا کند که مصداق حقیقت و راستی است اما ما از کجا باید بفهمیم که این موضوع حقیقت دارد؟" بیایید به چند مورد توجه کنیم که به این موضوع پاسخ می دهد. کتاب مقدس از ۶۶ کتاب تشکیل شده که اولین آنها پیدایش و آخرین آنها مکاشفه است. در واقع می توان گفت که کتاب مقدس مانند کتابخانه ای از ۶۶ کتاب مختلف است که در یک جا جمع آوری شده اند. این ۶۶ کتاب ۴۰ نویسنده مختلف دارند. کسانی که در طول بیش از ۱۹۰۰ سال زیسته و آنچه خداوند به آنان الهام داشته را نگاشته اند. بیشتر این نویسندگان هرگز یکدیگر را ملاقات نکرده اند. بیشتر آنها حتی کتب دیگر نویسندگان را نداشته و نخوانده بودند اما با این حال محتوای تمامی این ۶۶ کتاب کاملاً در توافق با یکدیگرند و یکپارچگی خاصی دارند که انگار فقط یک نفر مؤلف آن است که در اصل چنین است. زیرا روح القدس مؤلف اصلی کتاب مقدس است.

چند لحظه در این باب تفکر کنید. حتی یک مورد تناقض نیز از کتاب پیدایش تا مکاشفه در آن یافت نمی شود. دو کتاب علمی را مطالعه کنید و ببینید آیا این چنین با یکدیگر مطابقت می کنند یا خیر. نیازی به آزمایش ۶۶ کتاب نیست. دو کتاب برای این آزمایش کفایت می کند. با خواندن دو کتاب علمی درباره یک موضوع متوجه خواهید شد که مطالب و مباحث آنها از هر نظر با یکدیگر متفاوت هستند. اما کتاب مقدس با ۶۶ کتاب و ۴۰ نویسنده و دوره نگارشی معادل ۱۹۰۰ سال دارای یکپارچگی و هماهنگی می باشند. نویسندگان این کتاب از نظر میزان تحصیلات و پیش زمینه کاملاً با یکدیگر متفاوت بوده اند و با این حال کتب آنها کاملاً با یکدیگر مطابقت دارد! چطور چنین چیزی امکان پذیر است؟ چون روح القدس خداوند مؤلف آن است.

همچنین می توانیم به صداقت نویسندگان توجه کنیم. اگر قرار بود من کتابی بنویسم و آن کتاب، کتاب مقدسی باشد و نام مرا به عنوان نویسنده داشته باشد مطمئناً راجع به مشکلات و اشتباهات خویش در آن نمی نوشتم و درباره تمامی گناهانم در آن سخن نمی گفتم. این ها در واقع موضوعاتی بود که سعی در مخفی کردن آنها می داشتم چرا که نیازی نیست شخص دیگری درباره آنها چیزی بداند. اما خداوند درباره قهرمانان خویش در کتاب مقدس بسیار صادق است. حتی بهترین آنها مشکلاتی داشته اند و خداوند صادقانه حقیقت را با ما در میان گذارده است. مردانی که نگارنده این کتاب ها هستند درباره زندگانی خویش و دیگران حقیقت مطلق را بیان داشته اند. پیامبرانی مانند داود نبی و ابراهیم و موسی درباره گناهان زشتی که انجام دادند، در کتابهای خود در کلام خدا ذکر کردند.

در مرحله بعد بیایید به پیشگویی های کتاب مقدس توجه کنیم. در کتاب مقدس پیامبر کسی است که حقیقت و راستی را برای دیگران بیان می کند. علاوه بر این هر از گاه قادر است درباره آینده و اتفاقاتی

که قرار است بیفتند پیشگویی کند. این پیشگویی می تواند به عنوان مثال نام پادشاهی باشد که صدها سال بعد از آن زمان به دنیا خواهد آمد و نام کشوری که این پادشاه بر آن فرمانروایی خواهد کرد. می توانید تصور کنید کسی قادر باشد چنین پیشگویی کند و در واقع پیشگویی او به حقیقت پیوندد؟ و یا پیشگویی می تواند درباره شهری باشد که نابود خواهد شد و چگونگی نابودی آن و چگونگی بازسازی آن در کتاب نوشته شده باشد. در کتاب مقدس صدها مورد از این پیشگویی ها وجود دارد که دقیقاً و با تمام جزئیات به وقوع پیوسته اند.

در دوم پطرس ۱: ۱۹ آمده است: " و کلام انبیا را نیز محکم تر داریم." پطرس نویسنده کتاب دوم پطرس شاهد تغییر چهره عیسی مسیح بود (با موسی و ایلیای نبی) که منظره ای بسیار خارق العاده و به واقع معجزه بود. دیدن عینی عیسی جلال یافته همراه با موسی و ایلیای نبی بسیار مهم بود. اما پطرس رسول متوجه این نکته بود که کلام خداوند از هر صحنه خارق العاده و هر معجزه ای مطمئن تر و قدرتمند تر است و این همان نگرشی است که خداوند نسبت به کلام خویش دارد. حقیقت و همین حقیقت کتاب مقدس است که روزی من و شما را قضاوت خواهد کرد. در درس بعد احکام و فرامین خداوند را مطالعه خواهیم کرد که در کتاب مقدس آمده است.

سوالات این درس:

- ۱- اول قرن تیان ۲: ۱۴ را بنویسید؟
- ۲- اول سموئیل ۱۶: ۷ را بنویسید؟
- ۳- خداوند به چه قسمت انسان نگاه می کند؟
- ۴- کدام آیه در کتاب مقدس می گوید که ما برای بازخواست با خداوند روبرو خواهیم شد؟
- ۵- هنگامیکه در برابر خداوند حاضر می شویم بر اساس چه چیزی قضاوت خواهیم شد؟
- ۶- راستی و حقیقت خداوند چیست؟ آیه ای را در این مورد ذکر کنید؟
- ۷- با توجه به دوم تیموتائوس ۳: ۱۶-۱۷ تمامی کتاب مقدس از الهام کیست؟
- ۸- با توجه به دوم پطرس ۱: ۲۱ نگارش کتاب مقدس چگونه و با یاری چه کسی شکل گرفت؟
- ۹- از کجا می توانیم بفهمیم که کتاب مقدس کلام خداست؟
- ۱۰- دوم پطرس ۱: ۱۹ را بنویسید؟
- ۱۱- با توجه به دوم پطرس ۱: ۱۹ چه چیزی از هر صحنه خارق العاده و هر معجزه ای مطمئن تر و قدرتمند تر است؟

آیه های کلیدی این درس: اول قرن تیان ۲: ۱۴ ؛ رومیان ۱۴: ۱۲؛ دوم پطرس ۱: ۲۱

درس ۲: احکام و شریعت خداوند

با توجه به آنچه در درس گذشته گفته شد بیایید از خود سوال کنیم که خداوند چگونه ما را قضاوت خواهد کرد؟ چه چیزهایی مورد توجه خداوند قرار خواهد گرفت؟ بیایید کتاب خروج باب بیستم را بخوانیم تا احکام خداوند را در آن مشاهده کنیم. کتاب مقدس به ما آموزش می دهد که خداوند مقدس است و به جهت همین قداست، او در عهد عتیق آنچه را که احکام وی می باشد در اختیار ما قرار داده است. تعداد این احکام و قوانین ۶۱۳ عدد است که به سه دسته تقسیم می شوند:

۱- **قوانین مدنی:** درباره نحوه زندگانی جامعه اسرائیل دستور العمل هایی را ارائه می کند. قانون مدنی قانونی بود که بر جامعه آن زمان اسرائیل حاکم بود.

۲- **قوانین قربانیها و عبادت:** مطابق این قوانین، دستورات لازم درباره چگونگی اجرا کردن مراسم قربانی و عبادت خداوند به یهودیان ارائه شده بود. این قوانین کلاً به تشریفات مذهبی روزانه قوم بنی اسرائیل دلالت داشت.

۳- **قوانین اخلاقی:** درباره نحوه نگرش خداوند به انسان و اراده وی برای نحوه گذراندن زندگی انسان بود و اینکه هر شخص در چه فعالیت هایی می تواند شرکت کند و چگونه باید زندگی کند.

احکام و قوانین خداوند هرگز تاکنون فسخ نشده است. عیسی مسیح در متی ۵: ۱۷ فرمود: **"گمان مبرید که آمده ام تا تورات یا صحف انبیا را باطل سازم. نیامده ام تا باطل نمایم بلکه تا تمام کنم."** بنابراین این قوانین و احکام خداوند در تورات هنوز ضمانت اجرایی دارد و هرگز لغو یا منقضی نشده است جز قوانین قربانیها که سایه و تصویری بودند از آمدن عیسی مسیح به عنوان پره خدا و با آمدن عیسی مسیح و قربانی او روی صلیب این قوانین قربانیها کامل و تمام شد و دیگر نیازی به انجام آنها نیست که در این مورد بیشتر در درسهای آینده بحث خواهیم کرد. احکام خداوند همانی است که در روز قضاوت من و شما مورد استفاده قرار خواهد گرفت. این احکام هنوز ضمانت اجرایی دارد و روزی همه زنان و مردان در برابر خداوند حاضر خواهند شد تا بر اساس این احکام قضاوت شوند. اما خداوند این ۶۱۳ قوانین و احکام را به ده فرمان بسیار مهم خلاصه کرده که در مورد آنها در این درس بحث خواهیم کرد. آن ده فرمان را می توانید در خروج باب بیستم پیدا کنید. ده فرمان عبارتند از:

۱. هیچ خدای دیگری وجود ندارد.

به خروج ۲۰: ۲-۳ توجه کنید که اولین مورد از ده فرمان در آن بیان شده است. "من هستم یهوه، خدای تو، که تو را از زمین مصر و از خانه غلامی بیرون آوردم. تو را خدای دیگر غیر از من نباشد". خداوند یهوه در اینجا بیان می کند که شایسته و جایز نیست خدایی جز او داشته باشیم. اما منظور خداوند از "خدای دیگر" چیست؟ منظور این است که هیچ کس و هیچ چیز دیگر در زندگانی شما نمی بایست جای خداوند را بگیرد. به عبارت دیگر خداوند مدعی برترین جایگاه در زندگانی من و شماست.

حالا بگذارید سوالی از شما بپرسم. با توجه به آنچه گفته شد اگر زندگانی خود را از روزگار کودکی خویش تا کنون مرور کنید آیا می توانید بگویید که همواره با هر ذره وجود خویش عاشقانه به خداوند عشق ورزیده اید؟ آیا می توانید چنین ادعایی داشته باشید؟ من فکر نمی کنم که حتی یک نفر روی زمین وجود داشته باشد که بتواند ادعا کند همواره خداوند را عاشقانه دوست داشته و بیش از هر کس و هر چیز در زندگی خویش تنها وجود خداوند را آرزو کرده است.

بیشتر مردمان اطراف ما زندگانی خویش را به تلاش برای به دست آوردن چیزها یا افراد دیگر اختصاص می دهند. آنها سعی می کنند رضایت خاطر خویش را در انسانها و مادیات بیابند در حالی که خداوند ما را از تلاش برای به دست آوردن آنچه موجبات رضایت ما را فراهم نخواهد ساخت منع می کند.

۲. بت پرستی نکن.

به فرمان دوم در خروج ۲۰: ۴ توجه کنید: "صورتی تراشیده و هیچ تمثالی از آنچه بالا در آسمان است و از آنچه پایین در زمین است و از آنچه در آب زیر زمین است برای خود مساز."

در اینجا خداوند در مورد بت ها سخن می گوید. بسیاری از مردمان در این باره خواهند گفت که در خانه خود هیچ مجسمه یا بتی ندارند که در مقابل آن خم شده و آن را پرستش کنند و من از این موضوع بسیار خوشحالم. اما خداوند در اینجا تنها در مورد بت هایی که دست ساز من و شما هستند سخن نمی گوید. بر اساس آنچه در رومیان ۱: ۲۱-۲۵ آمده است این قانون به تمامی تصورات و خیالات قلبی ما که مایل به تجسم خدا هستند نیز اشاره دارد.

چند لحظه ای در مورد این فرمان تأمل کنید. خداوند می فرماید: "من نمیخواهم جز من خدای دیگری داشته باشید و نمی خواهم هیچ یک از علایق خود و یا هر کس و هر چیز دیگر را در کنار من و هم

مرتبه با من قرار دهید. من نمیخواهم که خدای کاذب را در خیالات خود بسازید و پرستش کنید." اما مردمان این دنیا خدایان بسیاری را برای خود می آفرینند و پرستش می کنند.

برخی از انسانها خدایی دارند که خدای خوبی است. این خدا آنچنان بخشنده و مهربان و شگفت آور است که به همه انسان ها اجازه می دهد هرکاری که دلشان می خواهند انجام دهند. بنابراین شما می توانید هرطور که بخواهید رفتار کنید و آنگاه که از دنیا رفتید و در برابر خداوند حاضر شدید او به شما خواهد گفت: "همه چیز را فراموش کن و داخل بهشت شو!" این تصویری است که بسیاری از مردم جهان دارند.

برخی از مردم خدایی برای خود ساخته اند که بیشتر به بابا نوثل و یا به عبارت دیگر به چراغ جادو شباهت دارد. بنابراین هرگاه که به چیزی احتیاج دارند به سراغ این خدا می روند و به او می گویند: "من این را نیاز دارم و تو خدایی و باید آن را برای من فراهم کنی." و اگر نیازشان را برآورده نکند از دست او بسیار خشمگین می شوند. مثلاً اگر شخصی در میان آشنایان بیمار شده باشد این افراد به خداوند دستور می دهند که در قبال فرد بیمار چه باید بکند و اگر خواسته شان برآورده نشود از دست خدایشان بسیار عصبانی می شوند.

آیا تاکنون چنین موقعیتی را تجربه کرده اید؟ این موقعیت به معنی آفرینش و تصور خدایی به جز خدای یگانه است. در این حالت شما برای خود بتی آفریده اید و خداوند می گوید که این امر جایز نیست و این دستور خداوند است. با توجه به تمامی مباحث گذشته اگر ادعا دارید که هرگز تصور نادرستی از خدا نداشته اید و در تمام طول زندگانی خویش همواره با تمام قلب خویش او را پرستش نموده اید از نظر من این ادعا دروغی بیش نیست. هیچ کس نمی تواند چنین ادعایی را در مورد خداوند داشته باشد.

۳. نام خدا را بیهوده یاد نکن

به خروج ۲۰: ۷ توجه کنید تا سومین فرمان را در آن بیابید. "نام بیهوه خدای خود را به باطل مبر زیرا خداوند کسی را که اسم او را به باطل می برد بی گناه نخواهد شمرد."

بسیاری از مردم فکر می کنند که معنی این فرمان آن است که نمی بایست کسی را با یاد کردن اسم خدا نفرین کرد. به این معنا که نمی توان نام خداوند و عیسای مسیح را با لغاتی چون نفرین همراه کرد نفرینی مانند، "خدا تو را لعنت کند." این ایده کاملاً صحیح است و این فرمان کاملاً نفرین کردن را منع می کند و من عمیقاً امیدوارم که شما تاکنون کسی را نفرین نکرده باشید. اما اگر این کار را انجام داده اید می دانید نظر خداوند در این باره چیست؟ شما قانون خداوند را زیر پا گذاشته اید.

اما بگذارید نگاه دقیق تری به این مبحث داشته باشیم. خداوند می فرماید که نام مرا بیهوده به زبان نیاورید. بیهوده در اینجا به معنای بی جهت است. یعنی این فرمان تنها در مورد نفرین کردن و کفر گویی و توهین به مقدسات صادق نیست بلکه در مورد ذکر نام خداوند به صورت بی تفاوت و بدون احساس احترام و حرمت نیز مصداق دارد. اینکه مثلاً بدون داشتن کوچکترین حرمت بگویید، خداوند این را گفت یا آن کار را کرد یا به من گفت فلان کار را انجام دهم. این مورد حتی شامل ذکر نام خداوند در سرودها هم هست. اگر به کلام و معنای سرودی که در حال خواندن آن هستید توجه نکنید و آن را محترم نشمارید، مثل اینست که نام خدا را در حال سرود خواندن بیهوده بیاد می برید. علاوه بر این موارد سخن گفتن در مورد خداوند بدون حضور قلب نیز مشمول این فرمان است. به معنای ساده سخن گفتن بیهوده در مورد خداوند و ذکر نام خداوند به دلایل بیهوده در این فرمان منع شده است. حالا چه کسی گناهکار است؟

یهودیان در رعایت این فرمان دقت بسیار داشتند. مثلاً اگر کسی می خواست نام خداوند را نگارش کند پیش و پس از انجام آن، دستان خویش را می شست. آنان توجه زیادی به نام خداوند داشتند زیرا این موضوع برای آنها از اهمیت زیادی برخوردار بود. اما ما نام خداوند را همیشه در زبان خود بازیچه قرار می دهیم و می گوییم. "به خدا قسم" یا "خدا و کیلی" و غیره. امروزه نام خداوند بسیار به دور از احترام یاد می شود. ما در مورد او شوخی می کنیم و یا سریال و برنامه کمدی می سازیم و آنگونه که لازم است نام او را ارج نمی نهیم. کتاب مقدس می گوید ما گناهکاریم چرا که فرمان او را زیر پا گذاشته ایم و نام او را بیهوده و باطل بر زبان رانده ایم.

این تنها فرمان سوم بود. خوب در بررسی های خود درباره زندگانیان به کجا رسیده اید؟ ما انسان ها خیلی هم وضعیت خوبی نداریم. آنگاه که در برابر خداوند حاضر شویم اینها مواردی است که خداوند عملکرد ما را بر حسب آنها خواهد سنجید و می بایست درباره این موارد به او حساب پس دهیم. خداوند تمامی این موارد را در نظر خواهد گرفت و ما در حضور او قضاوت خواهیم شد چرا که فرمان او را بجا نیاورده ایم.

۴. روز سبت را بیاد داشته باش

فرمان چهارم در آیه هشتم ذکر شده است. خداوند در آیه هشتم می فرماید: "روز سبت را یاد کن تا آن را تقدیس نمایی." در دین یهود روز سبت روز شنبه بوده است اما هدف از روز سبت تفریح و استراحت و گذران وقت به بطالت نبوده است. روز سبت روز مقدسی به شمار می آمد و در این روز تمامی مردم می بایست از کار روزانه خویش دست کشیده و به تلاش در راه خداوند و عبادت وی بپردازند و این تنها هدف قرار دادن روز سبت بوده است.

امروزه ما مسیحیان، خداوند را در روز یکشنبه ستایش و عبادت می‌کنیم چرا که عیسیای مسیح در این روز از مردگان برخاست. اما با توجه به آنچه در رومیان ۱۴: ۵-۸ می‌خوانیم می‌توان نتیجه گرفت که فارغ از اینکه یک روز در هفته را به عبادت خداوند اختصاص دهیم و یا هر روز هفته، خداوند از بندگان خویش می‌خواهد که زندگانی خویش را وقف وی کنند. تمام وقت و زمان ما متعلق به اوست. عبرانیان ۱۰: ۲۵ می‌گوید که نباید گردهمایی خویش در کلیسا در روز یکشنبه را از یاد ببریم.

آیا تاکنون شنیده اید که وقتی برخی از افراد را دعوت به حضور در کلیسا می‌کنید ضمن رد دعوت پاسخ می‌دهند که این تنها روز استراحت آنهاست؟ چه گناه و اشتباه بزرگی! آنان با قرار دادن روز یکشنبه برای استراحت و تفریح از کلام خداوند سرپیچی می‌کنند. البته این روز برای فراغت از کار روزانه در نظر گرفته شده اما آن روز همچنین به هدف تلاش و عبادت خداوند با حضور قلب نیز شامل می‌شود. آیا شما می‌توانید ادعا کنید که در طول عمر خویش همیشه یکشنبه‌ها در کلیسا حضور یافته اید و خدا را پرستش کرده اید؟ آیا هر روز قسمتی از وقت خویش را وقف خداوند می‌کنید؟ آیا وقت شما متعلق به خداوند است یا هر گونه که دوست دارید از آن استفاده می‌کنید؟ به یاد داشته باشید که درباره قوانین خداوند سخن می‌گوییم و تمامی این موارد مبنای قضاوت خداوند درباره ما خواهد بود.

۵- به والدین خویش احترام بگذار.

پنجمین فرمان در آیه دوازدهم خروج باب ۲۰ بیان شده است: "پدر و مادر خود را احترام نما تا روزهای تو در زمینی که پهلو خدایت به تو می‌بخشد دراز شود."

احترام در این جا به معنای حرمت نگه داشتن و گرمی داشتن است و معنایی فراتر از تنها گوش کردن به فرامین دارد. اگر پدر و مادرتان از شما بخواهند که آشغال‌ها را بیرون ببرید و شما این کار را انجام دهید، به فرمان آنها عمل کرده اید، اما این لزوماً به معنای محترم و گرمی شمردن والدینتان نیست. محترم شمردن و گرمی داشتن والدین یعنی بیرون بردن آشغال‌ها قبل از آنکه حتی از شما درخواست شود. یعنی شما با اخلاق خوش بدون آنکه آنها از شما درخواست کند آشغال‌ها را بیرون ببرید و بدخلقی نکنید و زیر لب غر نزنید و احساس ناخوشایندی در قلب خویش نسبت به والدین خویش نپروارید.

لحظه ای فکر کنید و ببینید آیا می‌توانید ادعا کنید که هرگز به والدین خود غر و لند نکرده اید. آیا می‌توانید ادعا کنید که از روزی که به دنیا آمده اید همواره والدین خویش را گرمی داشته اید؟ می‌توانید ادعا کنید که پدر و مادر خود را چنان محترم شمرده و گرمی داشته اید که خداوند به آن امر کرده است؟ آیا می‌توانید در اینباره نظر والدین خود را بخواهید تا درباره شما شهادت دهند؟ طبق فرمان

خداوند هر شخص می بایست در انجام هر کاری والدین خود را گرامی بدارد اما همه ما روزی حرمت والدین خویش را زیر پا گذارده ایم و از فرمان خداوند تخطی کرده ایم.

۶- قتل نکن.

ششمین فرمان در آیه ۱۳ آمده است: "قتل مکن". این فرمان بسیار قاطعانه ای است! بسیاری از مردم ادعا می کنند که تاکنون هیچ انسانی را به قتل نرسانده اند. اما عیسی مسیح در انجیل متی ۵: ۲۱-۲۲ تعریف متفاوتی از این فرمان ارائه می دهد. او می گوید اگر از دست برادر خویش عصبانی شوید مرتکب قتل شده اید. آیا تاکنون از دست شخصی عصبانی شده اید؟ آیا تا به حال شده که در حال رانندگی کسی جلوی تان پیچیده و راهتان را مسدود کرده باشد و شما از دست آن شخص عصبانی شده باشید؟ عیسی مسیح می گوید که در این صورت در قلب خود مرتکب قتل شده اید. آیا تا به حال اتفاق افتاده که کسی در حق شما کار بدی انجام دهد و شما قلباً از دست او عصبانی شده باشید؟ اما اگر همان کار را در باره شخص دیگری انجام داده بودند شما اینقدر عصبانی نمی شدید. این نشان دهنده ذات گناهکار و خودخواه شماست و در نظر خداوند شما مرتکب قتل شده اید.

ممکن است پیش خود فکر کنید "خب همه مرتکب این خطا شده اند! اینکه چیز مهمی نیست!" بله، همه ما در اینباره گناهکار هستیم و نکته مهم این است که آنگاه که حضور خداوند قضاوت می شوید تمام این گناهان از اهمیت زیادی برخوردار خواهد بود. خدای ما خدای مقدس است و با مطالعه این قوانین می توان شخصاً به اندازه چشم برهم زدن نگاه خداوند به انسان و خواسته های او را درک کرد.

ادیان امروزی انسان ها را ترغیب به فراموش کردن تمامی این موارد می کنند چرا که عقیده دارند همه انسان ها اینگونه هستند و خداوند که به این موضوع آگاه است حتماً ما را خواهد بخشید و فراموش خواهد کرد. اما بگذارید به شما یادآوری کنم که خداوند می گوید که نباید بت و خدای غیر واقعی برای پرستش خود بسازید و شما با این کار نه خدای کتاب مقدس بلکه خدایی که خود در ذهن و قلب خود ساخته اید را می پرستید و با این کار یک فرمان دیگر را نیز زیر پا می گذارید.

۷- زنا نکن.

فرمان هفتم در آیه چهاردهم ذکر شده است: "زنا نکن". ممکن است فکر کنید که خوب شما در این باره مشکلی ندارید چرا که از ابتدا با همسر خویش بوده اید و یا اگر مجرد هستید شاید تا بحال با کسی زنا نکرده اید. اما بگذارید به آنچه عیسی مسیح در متی ۵: ۲۷ گفته است، توجه کنیم. در این آیه عیسی مسیح می گوید اگر به زنی با نظر شهوت آمیز نگاه کنید در دل خود با او زنا کرده اید. حالا آیا می

توانید ادعا کنید که تاکنون به هیچ کس با نظر شهوت آلود نگاه نکرده اید و هرگز افکار نادرست نداشته اید؟ اغلب انسانها این فرمان را شکسته اند. در هر سنی که باشید در این باره گناهکارید و عیسی مسیح شما را زناکار می نامد. این اتهام و گناه بسیار سنگینی است. مطمئنم که این مورد، نیاز به توضیح زیادی ندارد و همه شما درک می کنید که در برابر خداوند گناهکار شناخته خواهید شد.

۸- دزدی نکن.

فرمان هشتم در آیه پانزدهم ذکر شده است: "دزدی مکن". ممکن است در این باره از خود مطمئن باشید که هرگز دزدی نکرده اید اما آیا تاکنون یک کاغذی را بی اجازه برداشته اید؟ یک مداد یا خودکار یا پاک کن چطور؟ شاید پولی از جیب پدرتان؟ و یا شاید شکلات و شیرینی را بدون اجازه از مادرتان برداشته اید؟ چه کسی هست که مرتکب یکی از این موارد نشده باشد؟ کتاب مقدس می گوید "دزدی مکن". کتاب مقدس نمی گوید اگر ارزش چیزی زیر ۱۰ ریال باشد اشکالی ندارد. به یاد دارم که در مدرسه ای که درس می خواندم معلم می گفت اگر ارزش آنچه بی اجازه برمی دارید کمتر از ۱۰ ریال باشد اشکالی ندارد. یعنی به عقیده وی من می توانستم ۹ ریال این جا و ۹ ریال آن جا بدزدم بدون آنکه گناهکار به حساب آیم. اما خداوند چنین نظری ندارد و چنین قانون و تبصره ای در کتاب مقدس ذکر نشده است. آیا تاکنون چیزی که مال شما نبوده را برداشته اید؟ خب این نشان می دهد که فرمان هشتم را نیز زیر پا گذاشته اید و در برابر خداوند گناهکار شناخته خواهید شد.

۹- دروغ نگو

نهمین فرمان خداوند در آیه شانزدهم ذکر شده است. " بر همسایه خود شهادت دروغ نده". شهادت دروغ دادن به معنای دروغ گفتن است. آیا تاکنون دروغ گفته اید؟ در این مورد همه ما گناهکاریم. هر انسان زنده ای در طول زندگانی حتی برای یکبار هم شده دروغ گفته است. همه ما این فرمان را زیر پا گذاشته ایم.

شهادت دروغ دادن تنها یک دروغ پر سر و صدا نیست. هرگونه اظهار گمراه کننده ای می تواند شهادت دروغ محسوب شود. آیا تا کنون برایتان پیش آمده که تنها نیمی از واقعیت را اظهار کنید چرا که تمامی آن می توانسته گناهکار بودن شما را اثبات کند؟ و پیش خود فکر کرده اید که با گفتن تنها نیمی از حقیقت می توانید دیگران را گمراه کنید. ما بیش از آنچه تصور می کنیم، دروغ می گوییم. آیا تا به حال به کسی گفته اید که بسیار زیبا هستی، اما در واقع بنظر شما چنین نبوده است؟ آیا شده به کسی بگویید که لباسش را می پسندید اما در واقع نظرتان کاملاً برعکس بوده باشد؟

می بایست درباره آنچه به زبان می آوریم بسیار محتاط باشیم. عیسی مسیح در متی ۱۲: ۳۶ می گوید که ما بر اساس هر کلمه بیهوده که از دهانمان خارج می شود، قضاوت خواهیم شد. هیچ کس در روی کره زمین نیست که فرمان نهم را زیر پا گذاشته باشد. در این باره همه ما گناهکار هستیم.

۱۰- طمع مکن.

فرمان دهم در آیه هفدهم ذکر شده است: "به خانه همسایه خود طمع مورز و به زن همسایه ات و غلامش و کنیزش و گاوش و الاغش و به هیچ چیز که از آن همسایه تو باشد طمع مکن."

طمع به معنای میل غیر قابل کنترل برای تملک چیزی است. آیا تاکنون چیزی که خداوند برایتان فراهم نکرده است را آرزو کرده اید؟ آیا میزان این میل و آرزو آنقدر بوده که بنشینید و با خود آرزو کنید که ای کاش آن شیء مورد نظر مال شما بود؟ در واقع میل و آرزوی شما آنچنان قوی بوده که افکار مربوط به چگونگی بدست آوردن آن شیء ذهن شما را به خود مشغول کرده است. کتاب مقدس می گوید این طمع است.

کولسیان ۳: ۵ می فرماید طمع یک بت پرستی است و این جمله ما را به فرمان دوم باز می گرداند و البته فرمان اول نیز چرا که در چنین حالتی شما مالکیت آن شیء را در نظر خود از خداوند بالاتر قرار داده اید و آن را بیش از خداوند آرزو کرده اید چرا که پیش خود گفته اید: "این ماشین را بیشتر از خدا می خواهم. این پول برایم از خداوند مهمتر است یا هرکاری می کنم تا بتوانم این شغل را بدست آورم و آنقدر به آن علاقمندم که حاضرم حتی از کلیسا به خاطر آن دست بکشم."! چند لحظه صبر کنید. این همان طمع است و شما با چنین افکاری فرمان دهم را نقض کرده اید. همچنین فرمان چهارم را نیز زیر پا گذاشته اید زیرا وقتی را که می بایست در اختیار خداوند می گذاشتید دریغ کرده اید. بعلاوه با توجه به فرمان دوم نیز گناهکارید چرا که چیزی را بر خداوند ارجح قرار داده اید. دوست عزیز! به نظر می رسد به دردرس افتاده اید!

جمع بندی: با توجه به این ده فرمان می توانیم نتیجه بگیریم که چه شخصیتی داریم. ما دروغ گو، دزد، کافر، بت پرست و زناکار هستیم و این مشکل بسیار بزرگ و جدی است. واقعاً کجا ایستاده ایم؟ ما در برابر خداوند گناهکاریم چرا که فرامین و احکام او را زیر پا گذاشته ایم.

در متی ۲۲: ۳۵ - ۴۰ عیسی مسیح تمامی این ده فرمان را در دو فرمان خلاصه کرد.

او می گوید که ما باید:

۱- خداوند را به همه دل و تمامی نفس و تمامی فکر خود محبت کنیم.

۲- همسایه خود را مثل خود محبت کنیم.

این خلاصه ده فرمان است. آیا می توانید بگویید که تمام دقایقی که بیدار و به هوش بوده اید با همه دل و تمامی نفس و تمامی فکر خود به خداوند عشق ورزیده اید؟ آیا می توانید بگویید که همواره خدا را جویا بودید، از او پیروی کرده اید، او را عاشقانه دوست داشته اید و با تمام ذرات وجود خود او را آرزو کرده اید؟ می توانید؟ اگر نه، فرمان خداوند را زیر پا گذاشته اید!

آیا می توانید بگویید که همسایه خود را مثل خود محبت کرده اید؟ این بدان معناست که می بایست به همسایه خود بیش از خود اهمیت بدهید و به خاطر همسایه خود از تمایلات خویش بگذرید. به این معنا که شما حاضرید بدون توجه به هزینه های ممکن نیازهای همسایه خود را برآورده کنید حتی اگر به قیمت رنج و زحمت شما باشد و می بایست از انجام این کار خوشحال و راضی باشید. آیا می توانید ادعا کنید که همسایه خود را این چنین محبت می کنید؟ اگر نه فرمان خداوند را زیر پا گذارده اید!

ممکن است هنوز هم فکر کنید آنقدر ها هم بد نیستید. اما به یعقوب ۲: ۱۰ توجه کنید. "زیرا هر که تمام شریعت را نگاه دارد و در یک جزو بلغزد ملزم همه می باشد". این آیه به این معناست که حتی اگر توانسته باشید تمامی فرامین را بدرستی به جا آورید و تنها یک لغزش کوچک در یک مورد داشته باشید همچنان گناهکار شناخته خواهید شد و مثل اینست که تمامی احکام خدا را زیر پا گذاشته اید. برای آنکه بتوانید به استاندارد و معیار مورد نظر خداوند در راستی و درستی دست یابید می بایست تمامی فرامین را بدون کوچکترین اشکالی بجا آورید.

آیا می توانید با صداقت بگویید که همواره با تمام قلب خود خداوند را دوست داشته اید؟ آیا می توانید ادعا کنید که هرگز خدایتان را بر اساس تفکرات و تمایلات شخصی خود تغییر نداده اید؟ آیا می توانید بگویید که زمانی را که خداوند شایسته آن است وقف او کرده اید؟

آیا می توانید بگویید که همواره والدین خود را گرمی داشته اید؟ آیا می توانید بگویید که در طول زندگانی خود هیچگاه از دست هیچ کس عصبانی نشده اید؟ آیا می توانید ادعا کنید که هرگز اندیشه نابجایی در مورد جنس مخالف نداشته اید؟ آیا می توانید ادعا کنید هرگز دروغ نگفته اید؟ آیا می توانید بگویید که هرگز چیزی را که متعلق به شما نبوده تصاحب نکرده اید، حتی اگر یک ورق کاغذ بوده باشد؟ آیا می توانید بگویید که هرگز چیزی را که خداوند برای شما فراهم نکرده آرزو نکرده اید؟ آیا می توانید با صداقت بگویید که هرگز هیچ چیز ذهن و روح شما را بیش از خداوند اشغال نکرده است؟

آیا می توانید ادعا کنید که در این ده فرمان، فرمانی وجود دارد که شما هرگز حتی یک بار نقض نکرده باشید؟ بعید است که هیچ انسان زنده ای روی زمین قادر به بیان چنین ادعایی باشد. از آنجایی که نمی

توانید ادعا کنید که حتی یک فرمان وجود دارد که حتی یک بار هم آن را نقض نکرده باشید کتاب مقدس می گوید که گناهکار هستید. خداوند به روشنی بیان می دارد که حتی اگر یک تخطی کوچک از یکی از قوانین صورت گرفته باشد آنگاه که در برابر خداوند حاضر می شوید گناهکار شناخته خواهید شد.

روزی همه ما در برابر خداوند حاضر خواهیم شد. مهم نیست که نظر من یا شما و یا رأی همه ما بر این باشد که این اتفاق هرگز نخواهد افتاد، خداوند اذعان می دارد که این اتفاق به وقوع خواهد پیوست و شکی بر این موضوع وارد نیست. آنگاه که خداوند به قضاوت شما بنشیند، بر اساس راستی و حقیقت قضاوت خواهید شد و راستی و حقیقت کلام خداوند است. برای یک بار هم که شده در طول زندگی امیدوارم که اجازه دهید حقیقت به جستجوی قلب شما برآید پیش از آنکه از دنیا رفته باشید و بسیار دیر شده باشد و یا کار از کار گذشته باشد. می بایست متوجه باشید که در برابر خداوند گناهکاری بیش نیستید.

تا اینجا تمام آنچه از آن سخن گفته ایم اخبار بد بوده است. اما خبر خوب این است که می توان با خداوند خوب بود. در واقع کتاب مقدس می گوید که آنگاه که خداوند به جهان می نگرد دو دسته از آدمیان را می بیند. گروه اول آنان که هیچ رابطه ای با او ندارند که بر اساس فرامین و احکام خدا قضاوت شده و گناهکار خواهند بود و این احوال اکثریت بشریت است. اما گروهی هستند که از نعمت و برکت رابطه با خداوند برخوردارند و بنابراین متعلق به خداوند هستند و او راهی برای حل مشکل این گروه از مردمان یافته است تا آنگاه که در برابر خداوند قضاوت می شوند گناهانشان باعث سقوط و هلاکت آنان نگردد و پاسخ این راه حل عیسای مسیح است. در درس آینده بیشتر در مورد این حقیقت سخن خواهیم گفت. **سوالات این درس:**

۱. کل احکام خداوند چند عدد است؟
۲. سه دسته احکام خداوند را نام ببرید؟
۳. متی: ۵: ۱۷ را بنویسید؟
۴. ده فرمان خداوند را نام ببرید؟
۵. عیسی مسیح ده فرمان را به چند قسمت تقسیم کرد؟ لطفاً آیه ای نیز در این مورد بنویسید؟
۶. یعقوب ۲: ۱۰ را بنویسید؟
۷. آیا تابحال فرمانی از ده فرمان را شکسته اید؟
۸. آیا فکر می کنید گناهکار هستید؟

آیه های کلیدی این درس: خروج ۲۰: ۱-۱۷؛ متی: ۵: ۱۷؛ یعقوب ۲: ۱۰

درس ۳: انسانها از دیدگاه خداوند

در پایان درس اول گفتیم که هنگامیکه خداوند به جهان می نگرد، دو دسته انسان را می بیند:

۱. کسانی که هیچ ارتباطی با خداوند ندارند.

۲. کسانی که با خداوند در ارتباط هستند.

از آن دسته از انسانها، یک گروه به خداوند تعلق دارند و گروه دیگر به خداوند تعلق ندارند. به این دو گروه نگاهی خواهیم انداخت و خواهیم دید که کتاب مقدس از عنوانهای متفاوتی برای آنها استفاده می کند.

۱. **گمشدگان:** گمشده اولین عنوانی است که در لوقا ۱۹: ۱۰ آمده است. "زیرا که پسر انسان آمده است تا گمشده را بجوید و نجات بخشد". هدف عیسی مسیح از آمدن به زمین چه بوده است؟ در این آیه آمده است که هدف از آمدن او جستجو کردن و نجات دادن کسانی است که گم شده اند. گمشده کلمه جالبی است که در موارد ویژه ای می توان از آن استفاده کرد. اگر کسی سلامتی و یا ثروت خود را گم کند و یا از دست بدهد اتفاق بدی است. اگر شخصی عضوی از خانواده خود را گم کند، بسیار حادثه ناگواری است. بطور کلی وقتی سخن از گم شدن، گم کردن و یا از دست دادن می کنیم، دلالت بر یک اتفاق ناگوار دارد.

در کتاب مقدس گمشده به کسی گفته می شود که با شکستن احکام و فرمان خداوند مرتکب گناه شده و از جلال خدا محروم و از نظر او گم گشته است، مانند کودکی که به جنگل می رود و راه برگشت خود را علامت گذاری نمی کند و در نتیجه در جنگل گم می شود و نمی داند کجاست و چگونه از جنگل خارج شود. او در میان این جنگل انبوه و وسیع از یافتن راه برگشت ناامید می شود. این کلمه توصیف شخصی است که نیازمند به کمک است و نمی تواند مشکل خود را حل کند. اگر شما گم شوید و راه خروج را نتوانید پیدا کنید، به کسی نیاز دارید که راه را به شما نشان دهد. کتاب مقدس اینگونه افراد را کسانی می داند که این ۱۰ فرمان را شکسته اند و در گناهان خویش هستند و از خدا گم و دور شده اند و خداوند آنها را گناهکار می شمرد.

۲. **نجات یافتگان:** در کتاب مقدس نجات یافته به کسی گفته می شود که با خداوند ارتباط دارد و از مجازات گناه که دریاچه آتش است، نجات یافته است. در رومیان ۱۰: ۱۳ می خوانیم: "زیرا هر که نام خداوند را بخواند نجات خواهد یافت". به کلمه نجات یافتگان فکر کنید و معنای آنرا کشف کنید.

یادم هست که اولین باری که به کلیسا رفتم، شنیدم که مسیحیان درباره نجات سخن می گویند. با خود گفتم نجات؟ منظور شما از نجات چیست؟ من نیازی به نجات ندارم. بعدها فهمیدم که من در مقابل خداوند یک گناهکار هستم و متوجه شدم که در حقیقت من یک انسان گمشده ای هستم.

روزی که نجات را دریافت کردم، بخاطر اینکه خود را نا امید و بی سرپناه می دیدم از عیسی مسیح خواستم که راه درست را به من که مانند یک کودک گمشده در جنگل بودم نشان دهد و آن هنگام احساس کردم کسی از راه رسید و مرا نجات داد و از نجات خویش بسیار شادمان شدم.

تصور کنید که شما سوار یک اقیانوس پیما هستید و از روی عرشه به اقیانوس آرام سقوط می کنید و اقیانوس پیما به مسیر خود ادامه می دهد. حال شما در آب دست و پا می زنید و طعمه خوبی برای کوسه‌ها می شوید. نمی توانید شنا کنید چون راه بسیار زیادی در پیش دارید. پس از چند روز یک کشتی از آنجا می گذرد و شما را می بیند و یک جلیقه نجات سفید برای شما می اندازد. در آن لحظه آیا می توانید بگویید: "بخشید من جلیقه نجات سفید رنگ دوست ندارم لطفاً رنگ قرمز آنرا برای من بیاورید؟". خیر، شما هرآنچه که برای نجات شما بفرستند را محکم می گیرید. چرا؟ چون در میان اقیانوس آرام نمی توانید خودتان را به تنهایی نجات دهید و به کسی نیاز دارید که شما را نجات دهد.

نجات یافتن دقیقاً همین معنی را می دهد. کتاب مقدس می گوید که من و شما ده فرمان خداوند را شکسته ایم. حتی اگر یکی از آنها را بشکنیم در برابر خداوند گناهکاریم بنابراین هنگامیکه خداوند به ما می نگرد ما را گمشده می بیند.

اما کسانی هستند که با خداوند در ارتباط هستند و نجات خداوند را دریافت کرده اند. هیچ کس نجات یافته متولد نمی شود و در واقع همگی ما گمشده و دور از خداوند به این دنیا می آییم و محتاج نجات هستیم. فرد نجات یافته کسی است که قبلاً در معرض خطر بوده ولی اکنون از مهلکه نجات یافته است.

۳. گناهکاران: کلمه بعد که درباره آن صحبت خواهیم کرد گناهکار است. کتاب مقدس در اول قرنیتان ۶: ۹-۱۰ می گوید: "آیا نمی دانید که ظالمان وارث ملکوت خدا نمی شوند؟ فریب مخورید، زیرا فاسقان و بت پرستان و زانیان و زن صفتان و لواط و دزدان و طمعکاران و میگساران و فحاشان و ستمگران وارث ملکوت خدا نخواهند شد."

گناهکاران چه کسانی هستند؟ کسانی هستند که به چشم خداوند خوب به نظر نمی آیند. گناهکاری یعنی نادرستی و دارا نبودن صفات راستی در زندگی. اگر ده فرمان را به دقت مطالعه کنیم می بینیم که

راهی برای گناهکار نبودن در نظر خداوند وجود ندارد چون نمی توانیم تمامی آن فرامین را در زندگی خود بجا آوریم. در حقیقت کتاب مقدس می گوید که همگی ما فرمان نهم را شکسته ایم چون همه ما انسانها دروغگو به دنیا می آیم. در مزامیر ۵۸: ۳ آمده: "شیران از ریح منحرف هستند، از شکم مادر دروغ گفته، گمراه می شوند." ما از زمان تولد دروغگو دنیا آمده ایم و باید به فرزندانمان بیاموزیم که راستگو باشند چون آنها نیز بواسطه طبیعتشان دروغگو هستند.

کتاب مقدس می گوید همگی ما در برابر خداوند گناهکاریم و همگی ده فرمان را شکسته ایم. در اول قرنیتان ۶: ۹-۱۰ لیست گناهان مختلف را خواندیم. حال می خواهیم این آیات را بخش به بخش مورد مطالعه قرار دهیم.

فربب نخورید: دقت کنید که ما قرار است همه چیز را از منظر خداوند بنگریم. او می گوید که ساده نباشید و به خود دروغ نگوئید. این کاریست که امروزه مردم با خود انجام می دهند. آنها تصور می کنند که چون به کلیسا می روند و تعمیم گرفته اند، انسانهای مذهبی و خوبی هستند و در برابر خداوند بی گناه هستند. آنها لیستی از کارهایی که انجام داده اند را در دست دارند و مطمئن هستند که از نظر خداوند انسان خوبی بشمار می روند و خداوند برای آنها استثنا قائل خواهد شد. اما خداوند می گوید "فربب نخورید" و به خود دروغ نگوئید.

فاسقان: فسق یعنی نزدیکی با یک دختر باکره و یا با یک پسر قبل از ازدواج. فسق شامل گناه فکری، شهوت جنسی و تفکرات غلط نیز هست. آیا تابحال به شخصی از جنس مخالف خود نظر بدی داشته اید؟ یا حتی شخصی از جنس خودتان؟ آیا با آنها نزدیکی کرده اید؟

و نه بت پرستان: آیا از خداوند در ذهن خود تصویری ساخته اید؟ آیا هرگز در ذهن خود گفته اید که بنظر من خداوند اینگونه یا آنگونه است، بجای اینکه اجازه دهید خداوند خود خداوند باشد؟

و نه زناکاران: زنا یعنی نزدیکی کردن با یک زن یا مرد متأهل غیر از همسر خویش. آیا تاکنون زنا کرده اید؟ از زمان ازدواج آیا با شخص دیگری غیر از همسرتان رابطه جنسی داشته اید؟ آیا حتی تفکر شهوت آمیز نسبت به کسی داشته اید؟ عیسی مسیح می گوید اینکار برابر با زنا است.

و نه زن صفتان: زن صفت یعنی کسی که خود را به شکل جنس مخالف در می آورد و یا لباس جنس مخالف را می پوشد و یا ادای زنان را در می آورد. این در نسل امروزی به وفور دیده می شود. در کتاب مقدس درباره شهرهای سدوم و عموره درباره این گناه می خوانیم اما اگر به اطرافمان نگاه کنیم آنرا در همه جا خواهیم دید.

لواط و دزدان و طمعکاران و میگساران و فحاشان و ستمگران وارث ملکوت خدا نخواهند شد. این افرادی که خداوند لیست آنها را در کتاب مقدس به ما داده، به بهشت نخواهند رفت چون از نظر خداوند انسانهای درستی نیستند چون فرامین خداوند را می شکنند و گناهکارند.

در رومیان ۳: ۱۰ آمده: **چنانکه مكتوب است که کسی عادل نیست، یکی هم نی.** بگذارید فکر کنیم که شما عضوی از این گروه نیستید و موقعیت خوبی دارید. خداوند می گوید هیچ عادل نیست حتی یک نفر هم. اگر عادل نیستید پس گناهکارید. خداوند در اول قرن‌تیان ۶: ۹-۱۰ به روشنی می گوید که گناهکاران وارث ملکوت خداوند نمی شوند. روزی در برابر خداوند خواهیم ایستاد پس بهتر است که خود را آماده کنیم. امروز خداوند به ما خواهد گفت که از نظر من صالح نیستی. پس بهتر است با خداوند در ارتباط باشیم. به دو نکته‌ای که تاکنون درباره آنها بحث کردیم توجه کنید. افرادی هستند که هنوز گمشده اند و نمی توانند راهشان را بسوی بهشت پیدا کنند. آنها به خودی خود قادر به یافتن راهی برای نزدیک شدن به خداوند نیستند اما خداوند قادر است راهی را برای نجات آنها فراهم نماید.

افرادی هستند که در برابر خداوند صالح نیستند اما گاهی چیزی در زندگی آنها اتفاق می‌افتد و آنها از ستون افراد ناصالح در برابر چشمان خداوند خارج می شوند و در جمع افراد صالح قرار می گیرند. این کاری است که برای آنها انجام می شود و آنها خود قادر به انجام آن نیستند.

۵. آمرزیده نشده: اکنون نگاهی می کنیم به واژه ای که در رومیان ۴: ۶-۷ آمده: "**چنانکه داود نیز خوشحالی آن کس را ذکر می‌کند که خدا برای او عدالت محسوب می‌دارد، بدون اعمال، خوشبختی کسانی که خطایای ایشان آمرزیده شد و گناهانشان مستور گردید؛**" محسوب داشتن واژه مالی است یعنی واریز کردن به حساب یک شخص. خداوند می گوید که عدالت را به حساب بعضی ها وایز می کند. دقت کنید که عدالت به آنها نسبت داده می شود نه بخاطر اینکه آنها برای آن کاری انجام داده باشند. در آیه ۷ دقت کنید که می گوید گناه این افراد آمرزیده می شود. روشن است که زمانی باید در زندگی آنها باشد تا آنها در آن روز بخشیده شوند.

به یاد داشته باشید که خداوند چگونه کسانی را که با او در ارتباط نیستند را می‌بیند. هر انسانی که متولد می شود در برابر خداوند گناهکار است پس همگان نیاز به بخشش خداوند دارند. آموزش چیزی نیست که شما خود بتوانید آنرا بدست آورید بلکه کس دیگری باید آنرا به شما بدهد. تصور کنید من بر صورت کسی سیلی بزنم و بعد احساس پشیمانی کنم و با پشیمان شدن، خودم را آمرزیده بدانم. آیا می توان آنرا آموزش نامید؟ آیا من می توانم پس از انجام کار زشت در قبال کس دیگر خود را ببخشم؟ البته که نه، آن شخص باید مرا ببخشد. کسی که گناه در قبال او انجام شده می تواند ببخشد.

این دقیقاً چیزی است که امروزه اغلب مردم اعتقاد دارند. آنها خود را صالح می‌پندارند حال آنکه خداوند آنها را هنوز نبخشیده است. کتاب مقدس می‌گوید همه ما در برابر خداوند گناه کرده‌ایم صبر کنید تا ببینید هنگامیکه در برابر او ایستادید چه اتفاقی می‌افتد. در این هنگام می‌فهمید این شما نبودید که می‌توانستید خود را ببخشید. خداوند می‌گوید بسیاری از مردم هنوز بخشیده نشده‌اند.

۶. آمرزیده شده: خداوند در افسسیان ۱: ۷ می‌گوید که بخشیده شدن امکان‌پذیر است. "که در وی به سبب خون او فدییه، یعنی آموزش گناهان را به اندازه دولت فیض او یافته‌ایم." می‌توانیم توسط مسیح آمرزیده شویم. رومیان ۴: ۶-۷ آموزش را چیزی از جانب خداوند می‌داند. آمزش پوششی است برای گناهان که خداوند آنرا به ما می‌دهد و این تنها از طریق خون عیسی مسیح امکان‌پذیر است. تنها کسی که می‌تواند ما را ببخشد، خداوند است. چون او است که ما در قبالتش گناه کرده‌ایم. بنابراین خداوند می‌فرماید کسانی هستند که بخشیده شده‌اند و با او در ارتباط هستند. آنها گناه کرده‌اند ولی خداوند آنها را بخشیده است.

بخاطر داشته باشید که ما درباره دو گروه از افراد سخن می‌گوییم که امروزه خداوند آنها را می‌بیند. هنگامیکه در برابر خداوند می‌ایستید، عضو یکی از این دو گروه خواهید بود. کسانی که بخشیده شده‌اند و کسانی که بخشایش نیافته‌اند. برخی فکر می‌کنند که اگر به خداوند بگویند متأسفم، همه چیز درست خواهد شد. اما کسانی هستند که حتی هنگام گفتن متأسفم واقعاً به آن ایمان ندارند.

۷. دشمنان خدا: موضوع دیگری که خداوند برای نشان دادن کسانی که با او ارتباط ندارند در رومیان ۵: ۱۰ آمده است: "**زیرا اگر در حالتی که دشمن بودیم، بوساطت مرگ پسرش با خدا صلح داده شدیم، پس چقدر بیشتر بعد از صلح یافتن بوساطت حیات او نجات خواهیم یافت.**" او می‌گوید گروهی از مردم هستند که دشمنان خداوند بشمار می‌آیند.

وقتی خداوند به کسانی که با او ارتباطی ندارند نگاه می‌کند، آنها را گمشده، بی‌تقوا، نابخشوده و دشمنان خود می‌خواند. این یک حقیقت است. خدای کتاب مقدس می‌گوید که شما دشمن او هستید.

خداوند آشکارا به ما اخطار می‌دهد که ما دشمنان او هستیم. این به این معنی نیست که خداوند در بهشت نشسته است و می‌گوید، "من از شما متنفر هستم و می‌خواهم شما را به جهنم بفرستم." اگر او بخواهد این کار را بکند، نیاز ندارد حتی انگشتان خود را تکان دهد. می‌تواند کلامی بگوید و من و شما نابود شویم و به تاریخ بییوندم. اما این ما هستیم که علیه خداوند می‌جنگیم و دشمن خداوند هستیم. هنوز فکر می‌کنید با راهی که پیش گرفته‌اید خداوند به شما اجازه می‌دهد که به بهشت بروید؟

خداوند می گوید، " این یک شوخی است. تو فکر می کنی که می خواهی به بهشت مقدس من بیایی؟ آیا فکر می کنی بعد از رفتاری که تو با من داشته ای من چنین اجازه ای به تو خواهم داد؟"

فرض کنید که من و خانواده ام تصمیم بگیریم برای یک هفته در خانه شما بمانیم. ولی قبل از آنکه بیاییم، با دیگران در مورد آنچه که در باره شما فکر می کنم، حرف بزنم و به آنها بگویم که شما آدم دروغگویی هستید و مثل تفاله می مانید و غیره. وقتی این سخنان به گوش شما برسد آیا درب خانه خود را به روی من باز می کنید و می گوئید "بفرمایید داخل دوست عزیز، ما عاشق این هستیم که شما را در کنار خود اینجا داشته باشیم. هرچه داریم مال شماست، لطفاً از خودتان پذیرایی کنید."؟ نه، مطمئن هستیم که شما خیلی ناراحت خواهید شد و دعوت خود را فوری لغو می کنید.

حالا اگر شما از این اتفاق خوشحال نیستید چرا فکر می کنید که خداوند در بهشت متفاوت است؟ چرا فکر می کنید که خداوند به شما اجازه می دهد که به بهشت بروید وقتی که از او متنفرید؟

۸. صلح داده شده با خدا: مورد مهمی که خداوند دوبار در رومیان ۵: ۱۰-۱۱ به آن اشاره کرده، صلح با خداوند است. این موضوع دیگری است که خداوند در کتاب مقدس برای توضیح کسانی که با او در ارتباط هستند، بیان کرده است. او می گوید که آنها صلح داده شده اند. ما این موضوع را همچنین در **کولسیان ۱: ۲۱** می خوانیم. کلمه **صلح دادن** یعنی "آوردن مجدد دو طرف دعوی کنار هم که قبلاً نسبت به هم بیگانه بوده اند."

ما دشمنان خداوند هستیم چون در مورد او اشتباه کرده ایم. خداوند هیچگاه در مورد ما اشتباه نمی کند. بنابراین خداوند نیازی به تغییر ندارد. بنابراین این خداوند نیست که به صلح دادن نیاز دارد. **صلح و آشتی** باید نسبت به ما صورت بگیرد.

صلح چیزی نیست که ما بتوانیم باعث بوجود آمدنش شویم. صلح چیزی است که باید در بیرون و اطراف ما اتفاق بیافتد. چیزی نیست که از درون خودمان باشد. به طور مثال من پنجره شما را شکسته ام، اما توان پرداخت هزینه پنجره جدید را ندارم، اما به شما می گویم: "اشتباهاً مرا ببخشید، متأسفانه هزینه پرداخت برای پنجره جدید را ندارم،" و شما بگوئید: "بسیار خوب، من هزینه کار اشتباه شما را تقبل می کنم تا با شما رابطه دوستی داشته باشم. اشتباه شما و هزینه ای که پرداخت می کنم را به گذشته و فراموشی می سپارم، من هزینه را می پردازم و ما به دوستی خود ادامه خواهیم داد."

اما گناهان ما علیه خداوند بسیار بزرگتر از شکستن یک پنجره است. گناه کار بسیار بزرگ و سنگینی است، این هزینه است که شما باید بدهید و هرگز توان پرداخت آن را نخواهید داشت. این هزینه ای است که خداوند با مرگ عیسی مسیح روی صلیب پرداخت کرد.

و اینگونه است که ما با خداوند آشتی داده می شویم. خداوند شما را بسیار دوست دارد و می خواهد که با شما در ارتباط باشد. او می خواهد که گناهان شما را ببخشد و با شما آشتی کند. او هزینه گناهان شما را با مرگ عیسی مسیح بر روی صلیب پرداخت کرده است و مجازات گناهان شما را بر دوش مسیح گذاشت.

۹. محکوم: یوحنا ۳: ۱۸ می گوید " **آنکه به او ایمان آرد، بر او حکم نشود؛ اما هر که ایمان نیاورد الآن بر او حکم شده است، بجهت آنکه به اسم پسر یگانه خدا ایمان نیاورده.**" طبق یوحنا ۳: ۱۸ کسانی که با خداوند در ارتباط نیستند گمشده هستند و حقی در خداوند ندارند، نابخشوده و دشمنان خداوند و محکوم به مجازات هستند. اینگونه است که ما در برابر قانون در دادگاه نشسته ایم و تمامی شواهد شنیده شده است و قاضی چکش خود را بر روی میز می کوبد و اعلام می کند که ما به مرگ محکوم شده ایم. خداوند به من و شما اینگونه می نگرد.

بسیاری از مردم فکر می کنند که وقتی به بهشت می روند برای خداوند دلایل و مدارکی دارند و این دلایل کافی است، اما شما نیاز دارید که بفهید وقتی در برابر خداوند می ایستید، تمام دلایل شنیده شده است و شما خطاکارید و خداوند می داند که شما خطاکارید.

در آنجا هیچ وکیل ماهری نیست که شما را برهاند. شما در برابر خدای مقدس می ایستید که همه چیز را راجع به زندگی شما می داند، هر گناه و عمل شرم آوری که مرتکب شده اید را می داند. خداوند همه چیز را راجع به شما می داند و او در کتاب مقدس اعلام کرده است که شما محکوم هستید.

به طور مثال شما به عنوان مجرم به قتل شناخته شده اید. قاضی شما را به اعدام محکوم می کند. و در مسیر خروج از دادگاه شما فرار می کنید. وقتی در خیابان راه می روید چه حسی دارید؟ حس یک خطاکار را خواهید داشت. وقتی ماشین پلیس را در حال گشت زدن می بینید چه حسی دارید؟ عصبی شده و بلافاصله داخل یک ساختمان می شوید به امید اینکه شما را ندیده باشند و آماده فرار هستید. اگر کسی کار اشتباهی در حق شما انجام دهد آیا می توانید به پلیس زنگ بزنید و گزارش دهید؟ خیر، شما باید خطای خود را به دوش بکشید. شما خود توسط قانون محکوم شده اید. برای تمام روز باید برای زنده بودن فرار کنید و می دانید که یک روز گرفتار و مجازات خواهید شد و دیگر دفاعیه ای برای رهایی خود نخواهید داشت. وقت شما به آخر رسیده است.

اگر شما هیچ دوستی و ارتباطی با خداوند نداشته باشید، زندگی شما همینطور که در حال حاضر هست خواهد بود. شما با محکومیت به گناهانتان زندگی می کنید. اگر بدون ایمان به مسیح بمیرید، شما در پیشگاه خداوند بلافاصله محکوم خواهید بود، چون با خداوند هیچ دوستی و ارتباطی نداشته اید.

۱۰. عادل (صالح) شمرده شده: کلمه دیگر در **رومیان ۵: ۱** آمده: **"پس چونکه به ایمان عادل شمرده شدیم، نزد خدا سلامتی داریم بواسطت خداوند ما عیسی مسیح"**، کلمه **عادل** به معنای صالح و پارسا است. کلمه **عادل** در آیه فوق اظهار و یا به عبارتی دیگر اعلام کردن شخصی به عنوان بی گناه در دادگاه است. این یک شرط قانونی است. اگر شما در دادگاه محکوم شوید و قاضی جریمه شما را تعیین کند، شما باید بپردازید. اما اگر کسی به سمت نیمکت برود و جریمه شما را نقد بپردازد، قاضی چکش خود را به صدا درمی آورد و شما بخشیده شده، از دادگاه خارج می شوید. چون جریمه شما به طور کامل پرداخت شده و شما دیگر محکوم نیستید.

وقتی بیرون می آید و پلیس را می بینید، در این زمان چه احساسی دارید؟ او دیگر شما را نمی ترساند یا ناراحت نمی کند زیرا مأمور پلیس نمی تواند شما را به خاطر همان جرم دستگیر کند. شما نمی ترسید چون در برابر چشمان قانون جریمه شما پرداخت شده و دیگر از نظر قانون محکوم نیستید. شما بخشیده شده اید.

عادل شدن به این معنی نیست که شما هرگز گناه نکرده اید. به این معنی نیست که شما مرتکب جرمی نشده اید، بلکه به این معناست که شما فقط بخشیده شده اید. مجازات شما پرداخت شده است. قانون، دیگر به دنبال شما نیست و قدرت قانون بر روی دوش شما نیست و در دنیای بعد از مرگ محکوم نیستید. جریمه شما پرداخت شده و حساب شما تسویه شده است.

از نظر خداوند انسانها دو گروه هستند: آنهایی که در برابر خداوند به خاطر گناهانشان محکوم هستند. کتاب مقدس به ما می آموزد که همه ما وقتی به این دنیا می آییم گناهکار هستیم. گروه دیگری که خداوند آنها را بخشیده است. جریمه آنها پرداخت شده است و از محکومیت رهایی یافته اند.

۱۱. تحت غضب خدا: عنوان دیگری در **رومیان ۵: ۹** آمده است. **"پس چقدر بیشتر الان که به خون او عادل شمرده شدیم، به وسیله او از غضب نجات خواهیم یافت."** **رومیان ۱: ۱۸** می گوید: **"زیرا غضب خدا از آسمان مکشوف می شود بر هر بی دینی و ناراستی مردمانی که راستی را در ناراستی باز می دارند."** راه دیگر که خداوند در مورد کسانی که با او در ارتباط نیستند شرح می دهد این است که آنها **تحت غضب** خداوند هستند. این مردم به عنوان **"محبوس کردن حقیقت"** شناخته می شوند.

این اصطلاح به معنای پنهان کردن حقیقت و مسدود کردن آن می باشد. مثل این است که شما در تمام جلسات کلیسا حضور می یابید و حقیقت را می پذیرید ولی به آن عمل نمی کنید. ممکن است شما خادم کلیسا، معلم کلاس های یکشنبه، عضوی از اعضای کلیسا و یا حتی یک واعظ باشید و همچنان در کنار خداوند نباشید. اما انکار حقیقت، باعث می شود که تأثیر آن را در زندگیتان نبینید. **حقیقت فقط برای این نیست که ما راجع به آن بشنویم. حقیقت این است که ما از آن اطاعت کنیم.**

وقتی ما در مورد **ده فرمان** صحبت کردیم، شما چه کردید؟ آیا می دانید که چگونه باید با خداوند و دیگران رفتار کنیم؟ آیا آنگونه رفتار می کنید؟ اگر نه، شما حقیقت را نادیده می گیرید و به آن، آنطور که باید عمل نمی کنید. کسانی که با خداوند دوستی نمی کنند مورد خشم و غضب خداوند قرار می گیرند. تنها مجرم و محکوم در برابر خداوند نیستند بلکه در دنیای با خشم خداوند زندگی می کنند.

وقتی شما در ارتباط با خداوند نیستید، مورد خشم خداوند هستید. با این حال بسیاری در دنیای ما طوری زندگی می کنند که به نظر می رسد همه چیز بین آنها و خداوند خوب است. وقتی که در برابر خداوند بایستید می فهمید که همه چیز خوب به نظر نمی رسد. شما می فهمید که خداوند به شما لبخند نمی زند. خداوند درباره گناه خشمگین است. خداوند به شما به خاطر گناهانتان با خشم نگاه می کند، و شما این مسئله گناه را نادیده می گیرید. خداوند به شما با خشم می نگرد اما شما هنوز آن را تشخیص نمی دهید و این مسئله بسیار مهمی است.

۱۲. مستفیض (پذیرفته شده): اما کسانی که در ارتباط و دوستی با خداوند هستند پذیرفته نامید می شوند. **افسیسیان ۱: ۶** "برای ستایش جلال فیض خود که ما را به آن مستفیض گردانید در آن حبیب". همه انسانها زندگی خود را با **خشم خداوند** آغاز می کنند اما کسانی هستند که در رده افرادی هستند که با خداوند در ارتباط می باشند. کسانی که در مسیح **مستفیض** (پذیرفته) شده اند. مستفیض یا پذیرفته چه معنایی می دهد؟ یعنی **مورد فیض خدا واقع شده و خواسته شده.**

این چیزی است که خداوند پیشنهاد می دهد. او به شما موقعیتی را پیشنهاد می کند تا مورد فیض او واقع شده و پذیرفته شوید. اما چگونه پذیرفته می شوید؟ آیا این به کاری که انجام می دهید بستگی دارد؟ آیا می توانید به اندازه کافی انسان خوبی باشید تا پذیرفته شوید؟ خیر. مستفیض یا پذیرفته شدن چیزی است که شخص دیگری به شما پیشنهاد می دهد. **مستفیض** چیزی است که خداوند توسط عیسی مسیح به شما پیشنهاد می دهد.

۱۳. **راهیان جهنم:** عنوان دیگری که خداوند در مورد کسانی که با او ارتباط ندارند شرح می دهد این است که آنها برای ابد در جهنم و دور از خداوند خواهند ماند. **مکاشفه ۲۱: ۸** آن را دفتر تلفن جهنم می نامد. چون در آن لیست اسامی کسانی که در جهنم خواهند بود آمده است. "**لکن ترسندگان و بی ایمانان و خبیثان و قاتلان و زانیان و جادوگران و بت پرستان و جمیع دروغ گویان، نصیب ایشان در دریاچه افروخته شده به آتش و کبریت خواهد بود. این است موت ثانی.**" اسم کسانی که برای همیشه با خداوند در ارتباط نبوده اند در لیست دریاچه آتش هستند و **گمشده** نامیده می شوند. آنها نمی توانند راه خود را به سوی خداوند پیدا کنند. وقتی خداوند به آنها می نگرد، نمی توانند در کنار خداوند بایستند. آنها **پرهیزکار نیستند و بخشوده نمی شوند.** آنها **دشمنان خداوند** هستند. بر علیه او زندگی می کنند. خداوند آنها را محکوم کرده است و با خشم هم محکوم کرده است و غضب او آشکار است. خداوند به خاطر گناهانشان نسبت به آنها خشمگین است. و مکانی برای آنها دارد که **جهنم و دریاچه آتش** نامیده می شود که دروغگوها و همه گناهکاران به آنجا می روند. اگر شما یک دروغ بگویید مجرم هستید و راهی جهنم.

۱۴. **راهیان بهشت:** از طرفی دیگر کسانی که با خداوند در ارتباط هستند در **بهشت زندگی جاودانی** خواهند داشت. اول **تسالونیکیان ۴: ۱۶-۱۷** "زیرا خود خداوند با صدا و با آواز رئیس فرشتگان و با صور خدا از آسمان نازل خواهد شد و مردگان در مسیح اول خواهند برخاست. آنگاه ما که زنده و باقی باشیم، با ایشان در ابرها روبرو خواهیم شد تا خداوند را در هوا استقبال کنیم و همچنین همیشه با خداوند خواهیم بود."

عیسی مسیح دوباره بازگشت می کند و وقتی که بیاید، کسانی از ما که به او تعلق داریم با او به آسمان خواهیم رفت و برای همیشه با خداوند خواهیم بود. این چیزی است که ما امروز آن را بهشت می خوانیم، یعنی با عیسی مسیح بودن.

بهشت رفتن چیزی نیست که من بتوانم خودم به آن برسم. مهم نیست چند بار به سمت فضا بروم. ما هرگز با فضا پیمای نمی توانیم به بهشت برویم. شما با اعمال خود به بهشت نمی روید. شما هرگز یک فضاییمی بزرگ برای رفتن به بهشت نمی توانید بسازید و شما هرگز به اندازه ای خوب زندگی نمی کنید که بتوانید راهی بهشت شوید. دین و مذهب نمی تواند شما را به بهشت برساند. تنها راه رسیدن به بهشت این است که خداوند شما را به بهشت ببرد و خداوند تنها کسانی را آنجا می برد که در ارتباط با او باشند.

نتیجه: ما به این نتیجه می‌رسیم که عده‌ای هستند که با **خداوند در ارتباط نیستند** و در کتاب مقدس هم چنین آمده: "هیچکس نیوکار نیست". هر کسی که به دنیا می‌آید زندگی خود را در راه نادرست شروع می‌کند. ما با گناه متولد شده ایم و با خداوند ارتباطی نداریم. ما **گمشده، گناهکار، نابخشوده، دشمنان خداوند و محکوم در غضب خداوند هستیم** و برای ابد در جهنم و دریاچه آتش خواهیم بود. هیچکدام از ما بعد از تولدمان، ارتباط درستی با خداوند نداریم.

تعالیم کتاب مقدس درباره دو گروه از انسانها

کسانیکه با خدا در ارتباط هستند	کسانیکه با خدا در ارتباط نیستند
۱. نجات یافته (رومیان ۱۰: ۱۳)	۱. گمشده (لوقا ۱۹: ۱۰)
۲. عادل (رومیان ۵: ۱۹)	۲. گناهکار (اول قرنیتیان ۶: ۹-۱۰ و رومیان ۳: ۱۰)
۳. آمرزیده شده (افسیان ۱: ۷)	۳. آمرزیده نشده (رومیان ۴: ۶-۸)
۴. صلح داده شده (کولسیان ۱: ۲۰ و ۲۲)	۴. دشمن خدا (رومیان ۵: ۱۰)
۵. عادل شمرده شده (رومیان ۳: ۲۸)	۵. محکوم شده (یوحنا ۳: ۱۸)
۶. مستفیض (پذیرفته شده) (افسیان ۱: ۶)	۶. تحت غضب (رومیان ۵: ۹ و ۱۰: ۱۸ و ۲: ۶)
۷. راهیان بهشت (اول تسالوکیان ۴: ۱۶-۱۷)	۷. راهیان جهنم (مکاشفه ۲۱: ۸)

اما خداوند می‌گوید برای هر انسانی امکان پذیر است که تغییر نماید و رابطه و دوستی با خداوند برقرار کند. خداوند این انسان‌ها را نجات‌یافتگان، عادلان، آمرزیده‌شدگان، صلح‌داده‌شدگان، و پذیرفته‌شدگان می‌خواند و به آنها خانه‌ای در بهشت عطا می‌کند.

آگاه باشید که این انسان ها به خودی خود اصلاح نشده اند. آنها توسط یک نیروی بیرونی که قدرت خداوند نامیده می شود اصلاح شده اند. در این باره در درس آینده می آموزیم که توسط به صلیب کشیده شدن عیسی مسیح عده ای از دور بودن از خداوند نجات یافته و به او نزدیک شده اند.

سوالات این درس:

- ۱- هنگامیکه خداوند به جهان می نگرد، انسانها را چند دسته می بیند، نام ببرید؟
- ۲- در کتاب مقدس گمشده به چه کسی گفته می شود؟ و واژه گمشده در کدام آیه آمده است؟
- ۳- در کتاب مقدس نجات یافته به چه کسی گفته می شود؟
- ۴- طبق اول قرن‌تینان ۶: ۹-۱۰ چه کسانی به بهشت نمی روند؟
- ۵- رومیان ۳: ۱۰ را بنویسید؟
- ۶- طبق افسسیان ۱: ۷ چگونه می توانیم از گناهان خود آمرزیده شویم؟
- ۷- طبق رومیان ۵: ۱۰ وقتیکه ما دشمن خدا بودیم، چگونه خداوند ما را با خود صلح و آشتی داد؟
- ۸- طبق یوحنا ۳: ۱۸ کسی که به عیسی مسیح ایمان نیاورد چه حالتی خواهد داشت؟
- ۹- رومیان ۵: ۱ را بنویسید؟
- ۱۰- مکاشفه ۲۱: ۸ را بنویسید؟
- ۱۱- طبق جدول دو گروه از انسانها را نام ببرید؟

آیه های کلیدی این درس: رومیان ۳: ۱۰ ؛ رومیان ۵: ۱۰ ؛ مکاشفه ۲۱: ۸

درس ۴: تلاش انسانها برای رفتن به بهشت از طریق اعمال

اجازه دهید که سوالی از شما بپرسم. آیا ممکن است بتوان با یک روشی با خداوند رابطه دوستی برقرار کرد؟ آیا ممکن است انسان بتواند به تنهایی خودش را تغییر دهد و به خداوند نزدیک شود؟ تعداد بسیاری از انسانها برای رسیدن به آن هدف تلاش کرده اند. در **امثال ۱۶: ۲۵** چنین می خوانیم: "**راهی هست که در نظر انسان راست است، اما عاقبت آن راه، موت می باشد.**" راهی که در نظر ما راست است، این است که ما خودمان می توانیم راه رفتن به بهشت را بیابیم، راهی که مطمئناً خداوند از کارهای زشت ما چشم پوشی خواهد کرد. از ده نفر بپرسید و ببینید که چگونه به بهشت خواهند رفت؟ اکثریت آنها در پاسخ خواهند گفت، "با انجام کارهای نیک." این یک دروغ بزرگی است که شیطان در قلب همه جا داده است.

انسان ها روش های گوناگونی را امتحان می کنند. بعضی ها سعی می کنند کارهای نیک انجام دهند، مانند رفتار خوب با دیگران و گفتار و آداب نیک. من بسیاری از انسانهای بزرگ را می شناسم که رابطه ای با خداوند ندارند، اما از بهترین همسایگانند. آنها انسانهای بسیار خوبی هستند ولی چیزی راجع به خداوند نمی دانند. آنها کارهای خوب بسیاری انجام می دهند اما رابطه ای با خداوند ندارند.

کارهایی که مردم تلاش می کنند تا بوسیله آنها با خداوند ارتباط داشته باشند کدامند؟ بسیاری نماز می خوانند و روزه می گیرند و به مسجد خمس و زکات و صدقه می دهند. عده ای هستند که غسل تعمید می گیرند و یا با خواندن کتاب مقدس می خواهند بهشت را بخرند. بعضی دیگر در کلیسا حضور پیدا می کنند و نیایش می کنند. بعضی از آنها به کلیسا پول می دهند تا راه به بهشت رفتن را برای خود بخرند. این عده گمان می کنند که اگر تمام این کارها و اعمال خوب را انجام دهند خداوند از کارهای زشت آنها چشم پوشی خواهد کرد.

بیایید اینگونه به مسئله نگاه کنیم. بطور مثال شما در دادگاه به جرم قتل محکوم شده اید و قاضی به شما می گوید تا قبل از اینکه حکم شما خوانده شود آخرین دفاع خود را بگویید. و شما با احترام به قاضی می گویید، "به من فرصت دهید تا توضیح دهم. من می دانم که این جرم را مرتکب شده ام و می دانم که کار اشتباهی کرده ام اما این مربوط به پنج سال پیش است و پنج سال طول کشید تا مرا دستگیر کنند. در طول این پنج سال من شهروند خوبی بودم. شخص دیگری را نکشته ام. همسایه من با من مشکلی نداشت، و حتی به او کمک هم کردم. خانواده ای که خانه ایشان دچار آتش سوزی شده

بود، کمکشان کردم. در بیمارستان پیش قدم بودم. پنج سال پیش شروع کردم به خواندن نماز و روزه گرفتن و پول خود را احتکار نکردم. شخص خوبی هستم و با مردم به خوبی رفتار می‌کنم و قول می‌دهم که اگر مرا آزاد کنید، هرگز مرتکب جرم نشوم."

چه فکری می‌کنید اگر قاضی به وی بگوید، "من باید تو را آزاد کنم که بروی. چون تو کارهای خوب بسیاری انجام داده ای و فکر می‌کنم که توانسته ای با کار خوب جزای جرمت را بدهی." هیچ قاضی شما را به خاطر اعمال خوبی که انجام داده اید و سعی کرده اید مسیر زندگی خود را بازسازی کنید، نمی‌بخشد. در حقیقت شما باید جزای جرم خود را بپردازید.

یا اگر شما از قاضی تقاضا کنید و به ایشان بگویید: "من چیزهای خوب زیادی راجع به شما شنیده‌ام، شما مرد بسیار خوبی هستید و خیلی بخشنده. بنابراین مطمئن هستم که مرا خواهی بخشید." این قاضی چگونه می‌تواند عدالت را رعایت کند اگر شما را ببخشد و بگوید برو، تو آزادی. بعد از آن مطمئناً نمی‌تواند دیگر قاضی عادل باشد. در دادگاه قضایی چنین چیزی امکان ندارد. و این روش برای خداوند هم کاربرد ندارد. خداوند، **خدای عدالت** است. او فقط خدای بخشش نیست. او همچنین خدای عدالت نیز است.

وقتی من و شما به این دنیا می‌آییم، در برابر خداوند مجرم هستیم. ما محکوم هستیم و به خاطر گناهانمان در سراسیمه‌ی جهنم قرار داریم. ولی بعضی گمان می‌کنند با بازسازی راه زندگی شان و انجام اعمال نیکو، خداوند آنها را به بهشت می‌فرستد. ولی این چیزی نیست که کتاب مقدس می‌آموزد. به یاد داشته باشید که ما به مسائل به روش خداوند می‌نگریم.

خداوند درباره اعمال خوب چه می‌فرماید؟ آیا ممکن است با انجام کارهای نیکو به بهشت برویم؟ خیر. زیرا خداوند در کلام خود می‌فرماید:

۱- "از آنجا که به اعمال شریعت هیچ بشری در حضور او عادل شمرده نخواهد شد، چونکه از شریعت دانستن گناه است." رومیان ۳: ۲۰

فرض کنید که کسی که مرتکب قتل شده است، در برابر قاضی می‌گوید: "قاضی محترم شما نمی‌دانید از پنج سال پیش که مرتکب این جنایت شده‌ام، تمامی قوانین را اطاعت کرده‌ام، مالیات خود را پرداخته‌ام و هرگز خسونت نکرده‌ام، با بی‌توجهی از وسط خیابان راه نرفته‌ام و از خط عابر پیاده عبور کرده‌ام، حتی چراغ زرد را هم عبور نکرده‌ام. بسیار راننده با دقتی بوده‌ام. اگر سرعت مجاز ۶۰ کیلومتر

بود من با سرعت ۵۹ رانندگی کرده ام. قاضی محترم شما باید درک کنید که من قانون را اطاعت کرده ام. اما آیا تمامی این کارها اهمیتی دارد وقتی او مرتکب قتل شده باشد؟ خیر، او همچنان مجرم است.

ما سعی می کنیم با انجام کارهای خوب، خدا را تحت تأثیر قرار دهیم. انجام کارهای نیک به این معنی نیست که گناهانمان از بین می رود. انجام کارهای نیک انسان را نجات نمی دهد. احکام و شریعت خداوند داده نشده است تا بتوانیم آن را نگه داریم و راه خود به سوی بهشت را بیابیم. شریعت خداوند داده نشده است تا بتوانیم آن را حفظ کنیم و مورد قبول خداوند باشیم.

کتاب مقدس می گوید که هدف این احکام و شریعت نشان دادن گناهکار بودن ما است تا اینکه ما به گناهکار بودن خود پی ببریم. خداوند به ما شریعت را عطا کرد تا دانش گناه را به ما بیاموزد. خداوند این قوانین را داده است تا ما بدانیم از ما چه انتظاری دارد و قوانین و احکام او مقدس است. اگر ما یک مورد احکام را بشکنیم، مجرم به نقض همه آن هستیم.

برای انسان غیرممکن است که با رعایت و حفظ قوانین و شریعت به بهشت برود. خداوند به ما قانون را داده است تا ما بفهمیم که از قوانین خدا تخطی کرده ایم. شریعت نمی تواند شما را نجات دهد. شریعت داده شده تا شما را محکوم کند. در قوانین و شریعت برای من و شما هیچ امیدی وجود ندارد.

۲. "زیرا که جمیع ما مثل شخص نجس شده ایم و همه اعمال عادلانه ما مانند لته ملوث می باشد. و همگی ما مثل برگ، پژمرده شده، گناهان ما مثل باد، ما را می ریزد." (اشعیاء ۶۴: ۶). خداوند اعمال ما را چگونه شرح می دهد؟ می گوید اعمال خوب ما مثل دستمال کثیف می ماند. ما معمولاً اعمال خوب خود را به رخ دیگران می کشیم اما خداوند می گوید که از نظر او اعمال ما مثل لته ملوث (پارچه کثیف) است.

اکنون به یاد داشته باشید که ما به همه چیز همانطور که خداوند به آنها می نگرد، نگاه می کنیم. خداوند چگونه به من می نگرد؟ من می گویم: "انسان خوبی هستم، غسل تعمید گرفتم، به کلیسا می روم و ده یکها و هدایا به کلیسا می دهم، کارهای نیک انجام می دهم، و یا مسلمان خوبی هستم و بهترین و نمونه ترین شخص هستم. همیشه دعا می کنم، کتاب مقدس را می خوانم. به خداوند اعتقاد دارم و غیره. مطمئناً این همه اعمال خوب من کافی است." اما خداوند می گوید کارهای خوب مثل دستمال کثیف است.

اجازه بدهید به طور خلاصه بگویم **دستمال کثیف** یعنی چه، تا بهتر منظور خداوند را درک کنید. دستمال کثیف در زمان کتاب مقدس پارچه کثیفی بود که در خارج از شهر آویزان می شد. جزای می

اجازه نداشتند وارد شهر بشوند چون ممکن بود به خاطر زخم و عوفنتی که داشتند، بقیه نیز به آن مرض ناعلاج مبتلا شوند. معمولاً در بیرون شهر پارچه ای آویزان بود که به آن پارچه کثیف و چرکین می گفتند. یک جزامی می توانست زخم خود را با آن پارچه تمیز کند و دوباره آن را آویزان کند تا باد آن را خشک کند و باران کمی آن را بشوید. و دوباره جزامی دیگری از آن پارچه استفاده می کرد. پارچه کثیف، پارچه ای بود که جزامی ها از آن استفاده عمومی می کردند.

خداوند می گوید اعمال خوب شما، تمام کارهای خوبی که انجام می دهید مثل نماز خواندن روزه گرفتن و یا کلیسا رفتن و شرکت در کلاس ها و پول دادن، معلم کلاس های یکشنبه بودن از نظر او مثل **پارچه کثیف** می ماند. می توانید تصور کنید خانمی آن پارچه را بردارد و ظروف خود را با آن بشوید؟ شما حتی فکر انجام این کار را هم نمی کنید. اما این دقیقاً همانطوری است که شما فکر می کنید از طریق آن می توانید به بهشت بروید، با **تکه پارچه ای کثیف و مندرس**.

۳. تیطس ۳: ۵ "نه به سبب اعمالی که ما به عدالت کرده بودیم، بلکه محض رحمت خود ما را نجات داد، به غسل تولد تازه و تازگی ای که از روح القدس است"؛ این مهم نیست که چقدر کارهای خوب انجام می دهیم. اگر با خداوند ارتباطی نداشته باشیم، نمی توانیم در ردیف کسانی باشیم که نجات یافته اند و راهی بهشت هستند. کارها و اعمال خوب ما نمی تواند و نخواهد توانست ما را راهی بهشت مقدس کند. ما فقط محض رحمت خدا توسط کار عیسی مسیح و با قدرت روح القدس که در ما کار می کند می توانیم از گناهان پاک شویم و تولد دوباره یابیم.

۴. افسسیان ۲: ۸-۹ "زیرا که محض فیض نجات یافته اید، به وسیله ایمان و این از شما نیست بلکه بخشش خداست، و نه از اعمال، تا هیچ کس فخر نکند." اکنون بشنوید آنچه را که خداوند می گوید. ما سعی می کنیم که خداوند را با اعمال خوبمان تحت تأثیر قرار دهیم، اما خداوند می فرماید: "شما بوسیله خودتان یا به جهت اعمال خوبتان نجات نمی یابید، اگر چنین می گوید، خودستایی می کنید."

اگر یکی از احکام و شریعت خداوند را بشکنید، تمام کارهای نیک دنیا نمی تواند شما را نجات دهد. اگر شما یک قانون را نقض کنید، در مورد همه آن مجرمید. مهم نیست که چقدر کارهای نیک در طول زندگیتان انجام دهید، کارهای نیک هرگز شما را در کنار خداوند قرار نخواهد داد. اگر اعمال خوبتان می توانست شما را راهی بهشت کند، شما با فخر قدم برمی داشتید و در گذشته خود ثابت می ماندید. خداوند می گوید که کارهای خوب من و شما نمی تواند ما را به بهشت ببرد.

خاتمه: من نمی خواهم شما را ناامید کنم. روشن است که انسانها به دو گروه تقسیم می شوند: کسانی که ارتباط خوبی با خداوند ندارند و کسانی که ارتباط خوبی با خداوند دارند. خداوند راهی دارد تا من و شما را به مسیری هدایت کند تا در زمره گروهی قرار بگیرم که با او باشیم و راهی بهشت شویم. خداوند آنرا با عیسی مسیح میسر ساخته است. اما همه با او در ارتباط نیستند. تنها گروه خاصی هستند که در ارتباط درستی با خداوند هستند، زیرا آنها همان راهی را می روند که خداوند به آنها نشان داده است.

خود را فریب ندهید، و فکر نکنید که با اعمال و رفتار نیک و انسانیت خداوند شما را به بهشت می برد. به درس بعدی توجه کنید تا ببینید که خداوند چگونه شما را از بدون ارتباط بودن با وی به ارتباط درست با خودش هدایت می کند.

سوالات این درس:

- ۱- طبق امثال ۱۶: ۲۵ عاقبت راه انسان چیست؟
- ۲- طبق رومیان ۳: ۲۰ آیا انسان می تواند با اعمال مذهبی شریعت و کارهای ثواب از گناهان بخشیده شده و عادل شود؟
- ۳- هدف خداوند از دادن احکام و شریعت خود چیست؟
- ۴- طبق اشعیا ۶۴: ۶ اعمال عادلانه مانند چه چیزی می ماند؟
- ۵- طبق تیطس ۳: ۵ انسان چگونه می تواند نجات یابد؟
- ۶- افسسیان ۲: ۸-۹ را بنویسید؟ آیا نجات از جهنم از طریق اعمال خوب انسان است یا به جهت ایمان به مسیح؟
- ۷- در خاتمه این درس خداوند چگونه راه رفتن به بهشت را میسر کرده است؟

آیه های کلیدی این درس: رومیان ۳: ۲۰؛ اشعیا ۶۴: ۶؛ افسسیان ۲: ۸-۹

درس ۵: انجیل راه خداست به بهشت

مرور درس های گذشته

احکام و شریعت خداوند

به وضوح دیدیم که در کتاب مقدس، هر زن و مرد و کودکی که به این جهان می آید با خداوند در مشکل است. ما با خداوند به خاطر گناهانمان مشکل داریم، چون در برابر خداوند مقدس گناه را برگزیده ایم. اما در کتاب مقدس آشکار است که می شود در کنار خداوند بود و در آخر درس دیدیم که تعدادی در ارتباط با خداوند هستند، عده ای که حقیقت را کشف کرده اند و به بهشت می روند. و عده ای دیگر نیز نابخشوده هستند، و راهی جهنم و دریاچه آتش هستند.

پرسش مهمی که پیش می آید این است که چگونه چنین چیزی ممکن است؟ تعدادی انسانها خانه ای در بهشت دارند و بسیاری خانه ای در جهنم؟ چطور ممکن است؟ از آنجایی که ما گناهکار به دنیا می آییم و مورد سرزنش خداوند هستیم و خودمان نمی توانیم راه خود را به بهشت بیابیم، حتماً باید راهی باشد تا بتوانیم به آن برسیم. ما می دانیم چیزی و راهی وجود دارد که خارج از ما است، خارج از توانایی، دانش، اعمال و مجاهدت ما است.

راهی هست که برای برقراری ارتباط با خداوند برای ما مقرر شده است. این همان چیزی است که خداوند برای ما فراهم کرده است. و ما راجع به آن در این درس گفتگو خواهیم کرد. خود خداوند این راه را برای رسیدن به این ارتباط فراهم کرده است.

انجیل: در ابتدا می خواهیم به این نکته اشاره کنیم که در قوانین خداوند، او به ما انجیل را عطا کرده است. واژه انجیل به معنای خبر خوش است، یعنی مسیری که خداوند برای ما فراهم ساخته تا از دور بودن از او به ارتباط با او برسیم، این انجیل خداوند است. در رومیان ۱: ۱۶ می خوانیم: **" زیرا که از انجیل مسیح عار ندارم چونکه قوت خداست، برای نجات هر کس که ایمان آورد، اول یهود و پس یونانی "**

۱. قدرت خداوند: در ابتدا او می گوید که انجیل قدرت خداوند است. این انجیل عیسی، اخبار خوبی در مورد عیسی مسیح دارد، که آن قدرت خداوند است. در رومیان ۱: ۱۶ واژه یونانی "قدرت"

همان لغتی است که ما امروزه برای دینامیت بکار می‌بریم، یعنی انجیل قدرت انفجاری دارد که می‌تواند ما را از دوری خداوند به دوستی و در کنار او بودن پرتاب کند و باطن ما را کاملاً دگرگون و متحول کند.

۲. نجات: توجه داشته باشید که پولس می‌گوید این انجیل قدرت خداوند برای نجات است و مردم را نجات می‌دهد. کلمه ایمان درست همان کلمه **نجات** است که ما برای کسانی که ارتباط با خداوند را دارند، به کار می‌بریم. چگونه به این نجات می‌رسیم؟ خداوند چگونه ما را حفظ می‌کند؟ رومیان ۱: ۱۶ می‌گوید که خداوند با انجیل این کار را به انجام می‌رساند.

۳. نه فقط غسل تعمید: اگر انجیل راهی است که انسان را از دوری خداوند به ارتباط با او می‌رساند و اگر انجیل دینامیت خداوند است که انسان را نجات می‌دهد، و متحول می‌کند، بنابراین در ادامه این مطلب باید بفهمیم که انجیل چیست؟ و انجیل چه چیزی نیست. **در اول قرن‌تین ۱: ۱۷** پولس به ما می‌گوید که انجیل چه چیزی نیست؟ **"زیرا که مسیح مرا فرستاد، نه تا تعمید دهم بلکه تا بشارت رسانم، نه به حکمت کلام مبادا صلیب مسیح باطل شود."**

در بخش گذشته در مورد کارهایی که انسان‌ها انجام می‌دهند تا در کنار خداوند قرار بگیرند صحبت کردیم. یکی از آنها این است که آنها دوست دارند که غسل تعمید بگیرند تا در کنار خداوند باشند. امروزه بسیاری گمان می‌کنند که با غسل تعمید گرفتن، همه چیز درست می‌شود. آنها فکر می‌کنند که به بهشت می‌روند چون غسل تعمید گناهان آن‌ها را پاک کرده است. و تصور می‌کنند که غسل تعمید آنها را از دوری خداوند به یک رابطه نزدیک با او می‌رساند. اما این چیزی نیست که کتاب مقدس به ما می‌آموزد. پولس می‌گوید او برای غسل تعمید فرستاده نشده است، اما او فرستاده شد تا انجیل را بشارت دهد. به عبارت دیگر انجیل و غسل تعمید دو مسئله جدا هستند و ارتباطی با هم ندارند. یکی از آن دو دزدی که همراه با عیسی مسیح مصلوب شد با ایمان به عیسی مسیح و بدون گرفتن غسل تعمید روی صلیب یعنی درست قبل از مرگش نجات یافت و راهی بهشت شد. این ثابت می‌کند که غسل تعمید نقشی در نجات انسان ندارد.

پولس نمی‌گوید که غسل تعمید، مهم نیست. او فقط می‌گوید غسل تعمید کسی را نجات نمی‌دهد. او روشن می‌کند که غسل تعمید، انجیل نیست. حتی قسمتی از انجیل هم نیست. به یاد داشته باشید که ما به این مسئله با دیدگاه من و یا با دیدگاه شما نگاه نمی‌کنیم. ما از خود می‌پرسیم که خداوند چگونه به این مسئله نگاه می‌کند. خداوند می‌گوید که غسل تعمید انجیل نیست. پس بنابراین انجیل چیست؟

۴. انجیل مرگ، دفن و قیام مسیح از مردگان است. اول قرن‌تینان ۱۵: ۱-۴ " الآن ای برادران، شما را از انجیلی که به شما بشارت دادم اعلام می‌نمایم که آن را هم پذیرفتید و در آن هم قایم می‌باشید، و به‌وسیله آن نیز نجات می‌یابید، به شرطی که آن کلامی را که به شما بشارت دادم، محکم نگاه دارید و الا عبث ایمان آوردید زیرا که اول به شما سپردم، آنچه نیز یافتیم که مسیح برحسب کتب در راه گناهان ما مرد، و اینکه مدفون شد و در روز سوم برحسب کتب برخاست". در این آیه ها پولس به طور ساده برای ما مشخص می کند که انجیل چیست. اجازه بدهید که این آیه ها را جداگانه بررسی کنیم تا بفهمیم که او چه گفته است.

در آیه ۲ پولس این عبارت را می گوید " والا عبث ایمان آورده اید". او نمی گوید شما نجات پیدا می کنید و دوباره نجات خود را از دست می دهید. او به سادگی می گوید اگر شما واقعاً به انجیل ایمان بیاورید، هرگز از انجیل دور نخواهید شد. و هرگز به آن پشت نمی کنید. به مجرد اینکه بفهمید خداوند به خاطر شما به پسر خود عیسی چه کرده، هرگز عقیده خود را عوض نخواهید کرد. وقتی عیسی را به عنوان نجات دهنده خود بشناسید، عاشق او خواهید شد و هرگز او را ترک نخواهید کرد.

۵. **جایگزین ما:** بنابراین انجیل چیست؟ او به ما در آیه ۳-۴ می گوید که انجیل مرگ، دفن و برخاستن عیسی از مردگان است. انجیل خبر خوش است. عیسی بر روی صلیب جان سپرد، دفن شد و در روز سوم از مردگان برخاست. خبر خوش چیست؟ اول اینکه عیسی به خاطر گناهان ما و به جای ما جان سپرد. می بینید کسانی که با خداوند ارتباطی ندارند محکوم به خشم و غضب خداوند هستند و سرانجام به دلیل گناهانشان علیه خداوند به جهنم خواهند رفت. آنها از هر قانونی که خداوند گذاشته است سرپیچی کرده اند. آنها با وقاحت به زندگی خود با روش خودشان ادامه می دهند و به خداوند بی توجه هستند. اما آنهایی که با خداوند ارتباط دارند از رفتن به جهنم مصون هستند. آنها چگونه مصون شده اند؟ شما چگونه مسیر دوری از خداوند را به نزدیک شدن به او تغییر می دهید؟ کسی باید جریمه گناه شما را بپردازد.

این خداوند و فقط کار و نقشه خداوند برای نجات انسانهاست. خواست خداوند پرداخت جریمه گناه است. چگونه پرداخت جریمه گناه انجام می شود؟ یا با مرگ شما و رفتن شما به جهنم تا اینکه خودتان مجازات گناهتان را برای ابد پرداخت کنید و یا اینکه خداوند راهی را مقرر کند تا این مجازات پرداخت شود و شما به او نزدیک شوید. راهی که خداوند مقرر کرده است چیست؟ انجیل است. خبر خوش

چیست؟ اینکه عیسی برای گناهان ما مرد، دفن شد و از مردگان برخاست. اما او به ویژه برای گناهان ما مرد یعنی او به جای ما و یا به عوض ما مرد. او روی صلیب جایگزین ما شد و به جای ما مرد.

مرگ عیسی مسیح به جای ما، **جایگزینی** نامیده می شود. مثل این است که شما در دادگاه به ۵۰۰۰۰ دلار جریمه شده اید و کسی از جای خود بلند شود و جریمه شما را بپردازد. در اینصورت دادگاه اعلام خواهد کرد که جریمه به طور کامل پرداخت شد. قانون دیگر در برابر شما ادعایی نخواهد داشت و نمی تواند دنبال شما باشد و اعلام کند که شما چنین مبلغی را بدهکار هستید. این دقیقاً همان کاری است که عیسی مسیح برای ما انجام داد و بر روی صلیب جان سپرد. او مجازات تمامی بشر را پرداخت کرد و به جای ما مرد. او نجات دهنده ما شد کسی که مسیر ما را برمی گرداند.

ع. برحسب کتب: عبارت دیگری در مطلب بالا آمده است که به آن می پردازیم. پولس می گوید که عیسی برای گناهان ما مرد "**بر حسب کتب**". او به خاک سپرده شد و دوباره از مردگان برخاست "**بر حسب کتب**". به عبارت دیگر پولس می گوید که انجیل مطابق و بر حسب کتاب مقدس است. چرا عبارت "**بر حسب کتب**" در متن کتاب مقدس مهم است؟ به دلیل اینکه مرگ عیسی در عهد عتیق توسط انبیا پیشگویی شده بود و در عهد جدید نیز آمده و چیزی نیست که چیز ساختگی و پوچ باشد. به عبارتی دیگر مرگ عیسی اتفاقی نبود بلکه طبق برنامه و جدول زمانی خداوند بود.

کتاب مقدس به ما می گوید که آمدن عیسی بر روی زمین و مردن او برای گناهان ما برنامه ریزی شده بوده است. در حقیقت مرگ عیسی قبل از ابتدای آفرینش برنامه ریزی شده بوده. آمدن عیسی قبل از اینکه خداوند زمین را خلق کند طراحی شده بود. در کتاب پیدایش تمام مسیر آمدن عیسی مسیح به صورت پیشگویی های پشت سرهم گفته شده. در نسلهای گوناگون خداوند در مورد آمدن عیسی مسیح، چگونگی آمدن و زمان و مکان آمدن او و محل تولد و زندگیش پیش گویی هایی را در کلام خود کرده بود و اینکه او برای گناهان دنیا باید می مرد. بر اساس این پیش گویی ها خداوند زمینه را برای آمدن عیسی مسیح مهیا کرده است. "**بر حسب کتب**"

امروزه این موضوع چه تفاوتی برای ما دارد؟ این نقشه خدا برای ما مسئله بسیار بزرگی را فراهم ساخته. اگر عیسی همان مسیح واقعی باشد و اگر او آن کسی باشد که جریمه گناهان ما را با مرگ خود پرداخت، بنابراین او تمام مشخصات مسیح که در عهد عتیق آمده است را باید دارا باشد. بنابراین ما می توانیم به کتاب عهد عتیق مراجعه کنیم و به تمام پیش گویی هایی که در آن در مورد مسیح، کسی که به جای ما می میرد آمده، نگاه ببینیم و آن ها را با زندگی عیسی مسیح مقایسه کنیم. اگر این کار را بکنیم خواهیم دید که او تمام شایستگی هایی که در عهد قدیم در مورد آن صحبت شده است را دارد.

برای همین است که در کتاب مقدس آمده که او برای گناهان ما مرد "بر حسب کتب" و از مردگان برخاست "بر حسب کتب". برای اینکه هر کاری که عیسی مسیح انجام داده است مطابق با متن کتاب مقدس است. خداوند در یک زمان ناگهانی و تصادفی او را نفرستاده و نگفته "عیسی می میرد" بنابراین می تواند جریمه گناهان دنیا را بدهد. اینگونه نیست. خداوند این موضوع را از اول خلقت برنامه ریزی کرده بود تا زمانی که عیسی به دنیا آمد و پیشگوییها را به کمال رساند. این برنامه پدر آسمانی بود که عیسی باید می آمد و برای گناهان من و تو می مرد. و این باید باعث تسلی ما باشد که بفهمیم مرگ و قیام عیسی از مردگان فقط برای او نیست بلکه مطابق برنامه از پیش تعیین شده خداوند است تا مسئله گناهان دنیا را حل کند.

یکی از مسائلی که انسانها به آن عقیده دارند این است که تا آنجایی که بتوانند خوب زندگی کنند، هرطوری هم که باشد خداوند گناهان آنها را می بخشد و امیدوار هستند که خدا اعمال خوب آنها را خواهد دید و شگفت زده شده، از کارهای بد و گناهان آنها چشم پوشی خواهد کرد. با این روش آنها گمان می کنند که به بهشت می روند. اما کتاب مقدس در انجیل می گوید خبر خوش در مورد عیسی است که قدرت خداوند است و من و شما را نجات می دهد. در حقیقت انجیل به وضوح به ما می گوید که اگر انسان سعی کند شریعت را نگه دارد زیر لعنت است و دلیل آن را نیز بیان می کند.

در غلاطیان ۳: ۸-۱۴ می خوانیم "و کتاب چون پیش دید که خدا امتها را از ایمان عادل خواهد شمرد، به ابراهیم بشارت داد که جمیع امتها از تو برکت خواهند یافت. بنابراین اهل ایمان با ابراهیم ایماندار برکت می یابند. زیرا جمیع آنانی که از اعمال شریعت هستند، زیر لعنت می یابند زیرا مکتوب است، ملعون است هر که ثابت نماند در تمام نوشته های کتاب شریعت تا آنها را به جا آرد. اما واضح است که هیچ کس در حضور خدا از شریعت عادل شمرده نمی شود، زیرا که عادل به ایمان زیست خواهد نمود. اما شریعت از ایمان نیست بلکه آنکه به آنها عمل می کند، در آنها زیست خواهد نمود. مسیح، ما را از لعنت شریعت فدا کرد چونکه در راه ما لعنت شد، چنانکه مکتوب است ملعون است هر که بر دار آویخته شود. تا برکت ابراهیم در مسیح عیسی بر امتها آید و تا وعده روح را به وسیله ایمان حاصل کنیم."

وقتی ابراهیم نجات یافت، خداوند گفت که او عادل (پارسا و صالح) شده است. به خاطر داشته باشید که این کلمه به معنای عادل همان عبارتی که در کتاب مقدس برای کسانی که با خداوند در ارتباط هستند به کار رفته است. چگونه ابراهیم عادل شد؟ آیا ابراهیم با انجام و حفظ شریعت خداوند، و با انسان خوب

بودن عادل شد؟ خیر، ما در آیه هشت می خوانیم که او عادل محسوب شد با ایمان به انجیل. چگونه می شود که ابراهیم به مرگ، دفن و برخاستن از مردگان عیسی ایمان داشته باشد، حال آنکه ابراهیم ۲۱۶۰ سال پیش از آمدن عیسی به این جهان زندگی می کرد؟ وقتی به زمان ابراهیم برمی گردیم، خداوند از پیش انجیل را داده بوده. و خبر خوش آمدن عیسی، زندگی و مرگ او را داده بود. خداوند همچنان قول داده بود که مسیح می آید و گناهان را پاک می کند. ابراهیم تمام جزئیات درباره مسیح را نفهمید اما انجیل را به اندازه کافی درک کرد تا بفهمد که خداوند مسیح را می فرستد تا مجازات گناهان دنیا را بپردازد. ابراهیم با ایمان و اعتقاد به خداوند توانست با او ارتباط پیدا کند و اینگونه است که امروزه انسان می تواند از گناهان بخشیده شده و عادل محسوب شود.

توجه داشته باشید که غلاطیان ۳: ۱۰ می گوید. **" زیرا جميع آنانی که از اعمال شریعت هستند، زیر لعنت می باشند."** اگر شما بخواهید ده فرمان را نگه دارید و به قوانین آن عمل کنید، لعنت می شوید. این لعنت برای این است که شما نمی توانید ده فرمان را اجرا کنید. آیا کسی هست که بگوید، در طول عمرش حتی یک دروغ نگفته است؟ اگر شما یک دروغ در زندگی بگویید نهمین فرمان را شکسته اید. به یاد بیاورید که در **یعقوب ۲: ۱۰** خداوند می گوید که اگر شما در یک موضوع ده فرمان گناه کنید در تمام آن مجرم هستید.

ما به مسائل با نگاه خودمان می نگریم و فراموش می کنیم که خداوند چه گفته است. و دلیل دروغین داریم که گناه کوچکی نسبت به دیگران مرتکب شده ایم و گناه را سبک و سنگین می کنیم. اما وقتی در برابر خداوند می ایستیم، من و شما قضایای ما می شود بر اساس استاندارد خودمان نیست. خداوند انسانها را قضاوت خواهد کرد و قضاوت او بر پایه حقیقت است. حقیقت خداوند می گوید که اگر شما یکی از ده فرمان را رد کنید یعنی در همه قوانین مجرم هستید. شما محکوم هستید. شما از قبل محکومید. شما زیر خشم خداوند هستید و سرانجام به جهنم خواهید رفت.

دوباره در **غلاطیان ۳: ۱۰** او می گوید **" زیرا جميع آنانی که از اعمال شریعت هستند، زیر لعنت می باشند زیرا مکتوب است، ملعون است هر که ثابت نماید در تمام نوشته های کتاب شریعت تا آنها را به جا آورد."** اگر شما نمی توانید تمام قوانین را به درستی رعایت کنید، لعنت می شوید. با قدرت کلام خداوند، می توانم به وضوح بگویم که همه ما لعنت شده ایم. ما محکوم هستیم و ناامید، حتی اگر سعی کنیم که با رعایت قوانین و شریعت به بهشت برویم. اگر تلاش کنیم با انسان خوب بودن و امید به اینکه کارهای نیک ما بر کارهای بد ما سنگینی کند، به بهشت برویم، خداوند می گوید هرگز چنین چیزی اتفاق نخواهد افتاد. ما لعنت شده و بدون امید هستیم. بنابراین چه کاری باید انجام دهیم؟ پاسخ چیست؟

ما پاسخ را در غلاطیان ۳: ۱۱-۱۲ پیدا می کنیم. **"اما واضح است که هیچ کس در حضور خدا از شریعت عادل شمرده نمی شود، زیرا که عادل به ایمان زیست خواهد نمود. اما شریعت از ایمان نیست بلکه آنکه به آنها عمل می کند، در آنها زیست خواهد نمود."** نجات از طریق شریعت نیست. نجات یا داشتن ارتباط با خداوند، بخشوده شدن با ایمان به انجیل و اعتماد به آنچه خداوند برای شما انجام داده، به دست می آید.

عقیده به نجات از طریق انسانیت و خوب بودن و یا نگاه داشتن شریعت را کنار بگذارید. از خداوند برای نقشه ای که برای نجات ما کشیده شکرگذاری کنید و به راه و نقشه او ایمان آورید تا از گناهان خود با رحمت او که در مسیح نشان داده شد، بخشیده شده، حیات جاودان یابید.

او در غلاطیان ۳: ۱۳ به ما می گوید که این خبر خوبی است. **"مسیح، ما را از لعنت شریعت فدا کرد چونکه در راه ما لعنت شد، چنانکه مکتوب است ملعون است هر که بر دار آویخته شود."** وقتی عیسی به زمین آمد تا برای گناهان ما بمیرد، او جایگزین من و شما شد. او مصلوب شد تا مجازات گناهان ما را بدهد. او در عوض ما لعنت شد تا ما از لعنت شریعت رهایی یابیم.

در آیه ۱۴ خداوند می فرماید که همچنانکه ابراهیم با اعتقاد به مسیح که روزی می آید نجات یافت، ما نیز امروز با ایمان و اعتقاد به کاری که عیسی مسیح برای ما روی صلیب در جلجتا انجام داد، می توانیم نجات یابیم. ابراهیم با ایمانش به آن روز که در آینده می آید نگاه کرد و ما با ایمان به آنچه عیسی مسیح بر روی صلیب در گذشته انجام داد، نگاه می کنیم.

پیشگویی درباره مسیح نجات دهنده

ما می گویم که این انجیل در عهد عتیق آمده که سالها پیش از آمدن مسیح بر روی زمین چنین پیشگویی کرده شد. ما در **پیدایش ۳: ۱۵** اولین پیشگویی را در مورد آمدن مسیح می خوانیم. شما داستان سقوط آدم و حوا را شنیده اید که چگونه آنها در باغ عدن گناه کردند و از میوه ای که خداوند گفته بود نخوردند، خوردند. وقتی خداوند به آنها پیشنهاد داد تا کاری برای آنها انجام دهد تا در نظر او آنها عادل شوند، او چه کرد؟ **پیدایش ۳: ۲۱** **"و خداوند خدا رختها برای آدم و زنش از پوست بساخت و ایشان را پوشانید."** ما اینجا در عهد عتیق در ابتدای خلقت، انجیلی از عیسی مسیح را داریم که از پیش خبر داده شد.

کلمه پیشگویی یا از پیش خبر داده شده به معنای تصور کردن است. اگر من بخواهم تصویری از خانواده ام را برای شما مجسم کنم، خواهم گفتم، "این ها خانواده ام هستند." شما منظور من را خواهید فهمید. تصویری که من با سخنان خود درست می کنم، خانواده من نیست بلکه بازتابی از خانواده ام است که به مسئله اصلی یعنی خانواده من اشاره می کند. خانواده من از افراد تشکیل شده است نه از تصویر. تصویر فقط نشان می دهد که خانواده من چه شکلی هستند اما آن تصویر خانواده من نیست. تصویر را که مشاهده کنید، اگر روزی یکی از آنها را ببینید بلافاصله خواهید شناخت چون عکس او را قبلاً دیده اید.

این کاری است که خداوند در عهد عتیق انجام داد. او تصاویری در عهد عتیق از کارهایی که آماده کرده بود را درست کرد تا موقع آمدن عیسی بر زمین برای ما قابل فهم باشد. وقتی خداوند آدم و حوا را با پوست حیوان پوشاند، باید حیوانی را می کشت تا بتواند پوست برای پوشش لختی آنها آماده کند. وقتی شما حیوانی را می کشید خون باید از آن سرازیر شود. کشتن حیوان برای درست کردن لباس آدم و حوا پیش بینی حقیقی است که روزی عیسی خواهد آمد و خون خود را برای گناهان ما خواهد ریخت. عیسی به جای ما مرد درست مانند همان حیوانی که به جای آدم و حوا در باغ عدن مرد.

در **پیدایش ۲۲** ما پیش بینی دیگری می بینیم، تصویر دیگری از آمدن عیسی مسیح. خداوند به ابراهیم گفته بود که پسر خود اسحاق را برای قربانی کردن به کوه موریا ببرد. خداوند ایمان ابراهیم را آزمایش می کرد تا ببیند که تا چه اندازه عاشق اوست. ابراهیم اطاعت کرد و با غلامان خود و پسرش اسحاق چوب و آتش برداشته به کوه رفت. اسحاق متوجه شد که مهمترین عامل یعنی گوسفند گم شده است و از پدر خود پرسید که گوسفندی که برای قربانی باید گذرانیده شود، کجاست؟ **"ابراهیم گفت: «ای پسر من، خدا بره قربانی را برای خود مهیا خواهد ساخت.» و هر دو با هم رفتند"** پیدایش ۲۲: ۸

مطمئن نیستیم که ابراهیم کاملاً فهیده بود که چه باید بگوید، اما می دانم که خداوند چه منظوری داشته است. ابراهیم شاید منظوری داشته و خداوند به نوعی آن را مهیا کرده بود، خداوند سرانجام آماده ساخته بود. اما مهمترین چیز این است که خداوند هدفی داشته که یک روز خود را برای قربانی آماده خواهد کرد. خود خداوند قربانی خواهد بود. و این چیزی که در جلجتا بر روی صلیب اتفاق افتاد. جایی که خداوند به صورت انسان درآمد تا به خاطر گناهان من و شما بر روی صلیب بمیرد.

ابراهیم و اسحاق به کوه موریا رفتند. ابراهیم پسر خود را نشانده و چاقوی خود را به سوی آسمان بلند کرد و آماده شد که آن را بر سینه پسرش فرود آورد و او را بکشد. اما فرشته ای ظاهر شد و ابراهیم را

متوقف کرد. "آنگاه، ابراهیم، چشمان خود را بلند کرده، دید که اینک قوچی، در عقب وی، در بیشه‌ای، به شاخه‌هایش گرفتار شده. پس ابراهیم رفت و قوچ را گرفته، آن را در عوض پسر خود، برای قربانی سوختنی گذرانید" (پیدایش ۲۲: ۱۳). خداوند می دانست که ابراهیم پسر خود را مضایقه نمی کند و از فرمان او اطاعت خواهد کرد. بنابراین اسحاق بخشیده شد و قوچ گرفته شده و به جای اسحاق قربانی شد. این دقیقاً همان اتفاقی است که وقتی عیسی بر روی صلیب در جلجتا مرد، رخ داد. او به جای ما مرد تا جریمه گناهان ما پرداخته شود. این یک تصویر دیگر است. پیش بینی از مرگ عیسی به جای ما که در عهد عتیق آمده است.

در خروج ۱۲ ما تصویر دیگری از مرگ مسیح در عهد عتیق را می بینیم. قوم اسرائیل در مصر در اسارت بودند. خداوند بلایای بسیاری را بر قوم مصر نازل کرد تا فرعون را راضی کند که قوم اسرائیل را آزاد نماید. خداوند به موسی در آخرین بلا گفت که من تمام نخستزاده های مصریان را می کشم، آنگاه فرعون به آنها اجازه خواهد داد که بروند. این دستوراتی بود که موسی به بنی اسرائیلی داد.

"پس موسی جمیع مشایخ اسرائیل را خوانده، بدیشان گفت: «بروید و بره‌ای برای خود موافق خاندانهای خویش بگیرید، و فصیح را ذبح نمایید. و دسته‌ای از زوفا گرفته، در خونی که در طشت است فرو برید، و بر سر در و دو قایمه آن، از خونی که در طشت است بزنید، و کسی از شما از در خانه خود تا صبح بیرون نرود. زیرا خداوند عبور خواهد کرد تا مصریان را بزند و چون خون را بر سر در و دو قایمه‌اش بیند، همانا خداوند از در گذرد و نگذارد که هلاک کننده به خانه‌های شما درآید تا شما را بزند.» خروج ۱۲: ۲۱-۲۳

هر خانواده گوسفندی را گرفته، کشته و خون آن را در طشتی ریخته، سپس دسته ای از شاخه درختی را گرفته و در خون فرو برده و خون را بر روی چهارچوب در پاشیدند. سپس آنها به داخل خانه رفتند و تا صبح در خانه باقی ماندند. در نیمه های شب فرشته مرگ به آن سرزمین آمد و به خانه هایی که بر چهارچوب در آنها خونی وجود نداشت رفت و نخستزاده پسر آن خانواده و نخستزاده حیوان آنها را کشت. فرشته نجات از کنار خانه هایی که نشان خون داشتند عبور کرد و نخستزاده آنها از هلاک شدن نجات یافت.

مطمئن هستیم که بعضی ها باور نمی کنند که خداوند چنین کارهایی می کند. اما این اتفاق افتاده است، درست همانطوری که خداوند گفته است. کسانی که به کلام خدا ایمان داشتند آنچه را که خداوند گفته بود انجام دادند.

گوسفند باید کشته می شد، بنابراین خون آن می توانست بر روی چهارچوب در خانه پاشیده شود، و فرشته مرگ از آن خانه می گذشت و نخستزاده زنده می ماند. این دقیقاً همان کاری است که عیسی مسیح وقتی بر روی صلیب مرد، انجام داد. او بر روی صلیب مرد بنابراین خون او می تواند بر زندگی من و شما ریخته شود، آن وقت زمانیکه در محکمه داوری خداوند قرار می گیریم، خداوند با دیدن خون عیسی مسیح در قلب ما از گناهان ما عبور کرده و ما را از هلاکت حتمی نجات خواهد داد.

تصاویر زیادی در عهد عتیق می باشد که مرگ عیسی مسیح را پیش بینی می کند. اما ما به برخی از مهمترین آنها اشاره می کنیم. تصویر دیگر روز کفاره در اعیاد یهودیان بود که در کتاب **لاویان ۱۶: ۱۵-۱۶** آمده است. روز کفاره روزی بوده که کاهن قربانی را برای تمام قوم اسرائیل برای خداوند می گذرانید. **"پس بز قربانی گناه را که برای قوم است ذبح نماید، و خونس را به اندرون حجاب بیاورد، و با خونس چنانکه با خون گاو عمل کرده بود عمل کند، و آن را بر کرسی رحمت و پیش روی کرسی رحمت بپاشد و برای قدس کفاره نماید به سبب نجاسات بنی اسرائیل، و به سبب تقصیرهای ایشان با تمامی گناهان ایشان، و برای خیمه اجتماع که با ایشان در میان نجاسات ایشان ساکن است، همچنین بکند."**

یک بار در سال یعنی در روز کفاره، کاهن اعظم باید حیوانی را می کشت، خون آن را بر کرسی رحمت بر روی تابوت عهد می ریخت. او فقط یک بار و در روز کفاره اجازه این کار را داشت. خون باید کرسی رحمت را می پوشاند تا کفاره ای باشد برای گناهان قوم اسرائیل. یهودیان گناهکار بودند درست مثل ما در دنیای امروز. خداوند می گوید که خون مسیح بر روی کرسی رحمت پاشیده شد برای کفاره گناهان ما.

تمامی این تصاویری که در عهد عتیق آمده، مرگ عیسی مسیح را هدف قرار می گیرند. او بر روی صلیب مرد تا کفاره گناهان ما را بپردازد، بنابراین ما می توانیم به سادگی با ایمان به مسیح با خداوند رابطه داشته باشیم. ما به خاطر کارهایی که انجام می دهیم به سوی خداوند بازگردانده نمی شویم. ما بسوی خداوند بازگردانده نمی شویم به خاطر اینکه انسان خوبی هستیم، ده یکجا به کلیسا می دهیم، غسل تعمید می گیریم، به کلیسا می رویم و یا دعا می کنیم و یا کتاب مقدس را می خوانیم. بلکه ما بسوی خداوند باز می گردیم و با او خواهیم بود فقط به خاطر قربانی که بجای ما روی صلیب اتفاق افتاده است. عیسی مسیح خود را بر روی صلیب به جای ما قربانی کرد و خون خود را به خاطر گناهان ما ریخت.

در عهد جدید

این اتفاقات عهد عتیق را که بطور خلاصه برایتان گفتم، یهودیان می دانند و بارها این داستان ها را شنیده اند و از ماهیت آن باخبرند. هر کدام از این اتفاقات تصویری از پیش بینی آمدن مسیح است. اما چه چیزی بین تصاویر عهد عتیق و پیش بینی های آن و کتاب عهد جدید می باشد؟

یوحنا ۱: ۲۹ "و در فردای آن روز یحیی عیسی را دید که به جانب او می آید. پس گفت، اینک، بره خدا که گناه جهان را برمی دارد." یحیی تعمید دهنده این کلمات را برای معرفی عیسی به گروهی که برای شنیدن موعظه او جمع شده بودند، بکار برد. ما عبارت مشابهی در **یوحنا ۱: ۳۶** می بینیم. چرا یحیی تعمید دهنده عیسی را بره خداوند می نامد؟

یحیی تعمید دهنده یک یهودی بود و مفهوم کلماتی را که به کار می برد، می دانست. یهودیان بلافاصله فهمیدند که عیسی همان مسیح است که خداوند به آنها در عهد عتیق وعده داده بود که می آید و برای گناهان آنها می میرد. آنها به خاطر می آوردند که آن حیوان در باغ عدن باید می مرد تا آدم و حوا بتوانند لباس عدالت خدا را بپوشند. آنها به یاد می آوردند که آن قوچ باید می مرد تا اسحاق زنده بماند. آنها **لاویان ۱۶** و **خروج ۱۲** را به یاد می آوردند. هزارها آیه در مورد مردن حیوانی برای زنده بودن دیگران صحبت کرده است. در تمام آن داستان ها حیوان فقط یک تصویر بود اما خود آن بره خدا نبود که کفاره گناه انسانها را پرداخت کند. عیسی تنها کامل کننده آن تصاویر عهد عتیق است. عیسی کسی است که مجازات گناه را پرداخت کرد. حیوان به جای شخصی قربانی می شد تا تصویری از آمدن عیسی باشد. آن چیزی است که یحیی تعمید دهنده می گوید. وقتی او گفت "آی همگان، بیدار شوید! خبر مهمی برایتان دارم." **"اینک، بره خدا که گناه جهان را برمی دارد."** او به آنها آگاهی می داد که عیسی همان مسیح موعود است.

به **عبرانیان ۱۰** توجه کنید. ما در آیه هایی که آگاهی شما را بیشتر می کنند با دقت نگاه می کنیم. **آیه ۱**

"زیرا که چون شریعت را سایه نعمتهای آینده است، نه نفس صورت آن چیزها، آن هرگز نمی تواند هر سال به همان قربانی هایی که پیوسته می گذرانند، تقرب جویندگان را کامل گرداند." به یاد داشته باشید که ما از دیدگاه خداوند به مسائل نگاه می کنیم. خداوند می گوید که شریعت انسان را به خداوند نمی رساند. خداوند می گوید قربانی سالانه انسان را کامل و عادل در نظر خداوند محسوب نمی کند. در عهد عتیق هر سال کاهن در روز کفاره قربانی یکسانی را پیشنهاد می داد؟ چرا؟ چون قربانی حیوان، گناه انسان را پاک نمی کرد، اگر پاک می کرد چه دلیلی بود که هر سال قربانیها تکرار شود؟

آیه ۲- "والآ آیا گذرانیدن آنها موقوف نمی‌شود چونکه عبادت‌کنندگان، بعد از آنکه یک بار پاک شدند، دیگر حسن گناهان را در ضمیر نمی‌داشتند؟" قربانی روز کفاره گناه را از بین نمی‌برد. در غیر اینصورت چرا کاهن اعظم هر سال این قربانی را انجام می‌داد؟ اگر گناه از بین برود، پاک می‌شود. بنابراین اگر او مدام این قربانی را انجام می‌داده، به این دلیل است که مشکل گناه را از بین نمی‌برده است.

به آیه ۴ نگاه کنید. "زیرا محال است که خون گاوها و بزها رفع گناهان را بکند." این ممکن نیست که خون حیوانات بتواند گناه را پاک کند زیرا خون گاوها و بزها همانطور که در آیه یک آمده، چیزی بیش از یک سایه و یا تصویر نیست.

به آیه ۱۰ توجه کنید. "و به این اراده مقدس شده‌ایم، به قربانی جسد عیسی مسیح، یک مرتبه فقط." چند بار عیسی مرد؟ یک بار. چرا یک بار؟ زیرا فقط همین یک بار کافی و لازم بود. یک بار برای تمام گناهان مجازات پرداخت شد. اگر عیسی چندبار می‌مرد به خاطر این بود که توان پرداخت همه گناهان را نداشت. او کامل کننده همه قربانیهای عهد عتیق است. عیسی یک بار مرد و همین مرگ او کافی بود که جزای گناهان همه دنیا را بپردازد.

به آیه ۱۱ و ۱۲ نگاه کنید: "و هر کاهن هر روزه به خدمت مشغول بوده، می‌ایستند و همان قربانی‌ها را مکرراً می‌گذرانند که هرگز رفع گناهان را نمی‌تواند کرد. لکن او چون یک قربانی برای گناهان گذرانید، به دست راست خدا بنشست تا ابد/الأباد." عیسی باید فقط یک بار بر روی صلیب مرد تا جزای گناهان ما را بپردازد. این یک خبر خوش است. آیا به خاطر دارید انجیل را؟ خبر خوش این است که عیسی برای گناهان ما مرد بر حسب کتب، او دفن شد و در روز سوم از مردگان برخاست بر حسب کتب. خبر خوش این است که عیسی یک بار مرد و برای همیشه جزای گناهان بشر را پرداخت کرد.

عبرانیان ۹: ۱۲ می‌گوید، "و نه به خون بزها و گوساله‌ها، بلکه به خون خود، یک مرتبه فقط به مکان اقدس داخل شد و فدیة ابدی را یافت." مرگ عیسی مسیح برای پرداخت گناهان دنیا کافی بود. تمام کاری که باید انجام می‌داد این بود که یک بار بمیرد. مکان مقدس که اطاق داخلی معبد بود که خداوند سالی یک بار با کاهن اعظم در آنجا ملاقات می‌کرد. مثل این است که داخل یک پناهگاه بشوید تا با خداوند حرف بزنید. هیچ کس به جز کاهن اعظم سالی یک بار اجازه ورود به آن مکان را نداشت.

کتاب مقدس می گوید که عیسی به داخل آن مکان مقدس و پادشاهی خدای پدر با خون بزها و گوساله ها نرفت. او حیوانی را نکشت تا به آنجا برسد، بلکه او با خون خود به مکانی بسیار مقدس تر رفت. او بر روی صلیب مرد و پاشیده شدن خون او چیزی بود که جایگاه او را خرید و او خون خود را با خود به حضور پدر برد و خدای پدر با دیدن خون پسر خود خشنود شد و غضب او نسبت به گناهان بشر فرو ریخت.

توجه کنید: "زیرا هر گاه خون بزها و گاوان و خاکستر گوساله چون بر آلودگان پاشیده می شود، تا به طهارت جسمی مقدس می سازد، پس آیا چند مرتبه زیاده، خون مسیح که به روح ازلی خویشتن را بی عیب به خدا گذرانید، ضمیر شما را از اعمال مرده طاهر نخواهد ساخت، تا خدای زنده را خدمت نمایند؟" (عبرانیان ۹: ۱۳-۱۴). در عهد عتیق مردم قربانی ها می گذرانیدند و با خداوند سخن می گفتند و خداوند آنها را می پذیرفت، گرچه قربانی های آنها کاملاً گناهانشان را پاک نمی کرد. اما توجه کنید که قدرت خون عیسی مسیح چقدر عظیم است که گناه تمام جهان را از بین می برد!

در عهد عتیق قربانی کردن فقط مثل یک ضمانت بود. مثل جمله ای که در پایین ضمانتنامه می نویسید "بدهی و قسط خود را سالیانه در موعد مقرر پرداخت خواهم کرد." سال بعد در موعد مقرر دوباره امضاء می کنید و می نویسید و سال های پیاپی امضاء می کنید و می نویسید که بدهی خود را پرداخت خواهم کرد. و یک روز می بیند که نوشته شده کل بدهی پرداخت شده. بعد از آن دیگر به بانک نمی روید تا کاغذی را امضاء کنید که بدهی را پرداخت خواهم کرد، چون بدهی شما قبلاً پرداخت شده است.

قربانی های عهد عتیق گناهان مردم را پاک نمی کرد. فقط مثل این بود که آنها می گفتند، "ما می دانیم که گناهان ما پاک خواهد شد. یکی از این روزها اتفاق می افتد." آنها نمی دانستند چه زمانی اتفاق می افتد، اما باور داشتند که اتفاق می افتد. وقتی عیسی به این دنیا آمد، بر روی صلیب مرد، و یک بار جزای گناه را پرداخت کرد. عیسی بر روی صلیب فریاد زد "تمام شد." او بدهی تمام انسانها را تمام کرد و تسویه حساب کرد تا ما دیگر به خداوند بدهکار نباشیم.

به عبرانیان ۹: ۱۵ نگاه کنید: "و از این جهت او واسطه عهد تازه ای است تا چون موت برای کفار تقصیرات عهد اول بوقوع آمد، خواننده شدگان وعده میراث ابدی را بیابند." عیسی مسیح کسی است که مسئول است چون او برای گناهان ما بر روی صلیب مرد. او مسئول گناه است. او واسطه ای است که در میان ما و خدا قرار گرفته است.

تمام کسانی که در زمان عهد عتیق می زیستند، و نجات یافته بودند، ضمانتنامه را داشتند، اما هنوز بدهی آنها پرداخت نشده بود. اما وقتی عیسی آمد و بر روی صلیب مرد، عهد جدید او با خون خویش، پرداختی گناهان آنان شد همچنانکه در عهد جدید خون مسیح پرداختی گناهان ما نیز است.

بیاید به عبرانیان ۹: ۲۴-۲۸ نگاهی بیندازیم. "زیرا مسیح به قدس ساخته شده به دست داخل نشد که مثال مکان حقیقی است؛ بلکه به خود آسمان تا آنکه الآن در حضور خدا بجهت ما ظاهر شود. و نه آنکه جان خود را بارها قربانی کند، مانند آن رئیس کهنه که هر سال با خون دیگری به مکان اقدس داخل می شود؛ زیرا در این صورت می بایست که او از بنیاد عالم بارها زحمت کشیده باشد. لکن الآن یک مرتبه در اواخر عالم ظاهر شد تا به قربانی خود، گناه را محو سازد. و چنانکه مردم را یک بار مردن و بعد از آن جزا یافتن مقرر است، همچنین مسیح نیز چون یک بار قربانی شد تا گناهان بسیاری را رفع نماید، بار دیگر بدون گناه، برای کسانی که منتظر او می باشند، ظاهر خواهد شد بجهت نجات."

عیسی نباید دوباره و دوباره بمیرد. او تنها یک بار مرد. وقتیکه او مرد، تنها مجازات گناهان پرهیزکاران عهد عتیق را نپرداخت، بلکه او جریمه گناهان کسانی را هم که در آینده به دنیا می آیند، پرداخت کرد. او مجازات گناهان کل دنیا را پرداخت کرد، هر کسی که از قبل بوده کسی که هنوز به دنیا نیامده و تا انسانهای آخر زمان. او فقط باید یک بار می مرد.

حالا او در دست راست پدر است که برای ما میانجیگری می کند. این انجام می شود وقتیکه او میانجیگری می کند و می گوید، "پدر، بدهی آقای ... یا خانم ... به طور کامل پرداخت شده. این شخص را ببین پدر، من قبلاً بدهی گناهان او را پرداخت کرده ام. بیا پدر، شخص دیگری هم هست. او فقط به من اعتماد کرده و نجات یافته و دیگر نمی خواهد بر اساس اعمال خودش اینجا بیاید. پدر او به من اعتماد کرده است او نیز یکی از پیرو من است."

آن خبر خوش انجیل است که در مورد همه چیز سخن گفته است. من و شما نمی توانیم با تکیه بر خودمان و اعمال خود به بهشت برویم، اما خبر خوش این است که عیسی راهی را برای ما مهیا کرده که بتوانیم به حضور خدا برویم.

صلاحیت عیسی مسیح به عنوان منجی عالم

ما چگونه می فهمیم که عیسی صلاحیت مسیح و منجی بودن را داراست؟ در یوحنا ۵: ۳۱-۳۹ پنج نشانه که عیسی همان مسیح موعود است را می بینم. نشانه اول، عیسی خودش ادعا کرد که او مسیح موعود است یعنی کسی که آمده است تا مجازات گناهان آنها را بپردازد. عیسی گفت، "به شما می گویم که من که هستم. اما شما نمی خواهید به من گوش کنید." به طور مثال اگر من مقداری خون بیاورم و ادعایی بنویسم و شهادتی نداشته باشم تا با من موافق باشد، به احتمال زیاد شما به گفته های من گوش نخواهید کرد.

اما نشانه های دیگری هست به غیر از اینکه خود عیسی گفته است. دومین آنها، یحیی تعمید دهنده است. او به عیسی اشاره کرد و گفت "اینک، برّه خدا که گناه جهان را برمی دارد." او می دانست که عیسی کیست، پس به او در میان جمعیت اشاره کرد.

سومین نشانه این که عیسی همان مسیح موعود است به خاطر کارها و معجزاتی که عیسی انجام داد. معجزات عیسی چگونه وی را توصیف می کند؟ نابینا را بینا کرد. کاری کرد که فلج ها از جا برخیزد. شخص لال را به سخن گفتن شفا داد. کرها را شنوا کرد. او مرده ها را زنده کرد. گناهان انسانها را بخشید. طوفان دریا را آرام کرد. عیسی مسیح هزاران هزار معجزه کرد. عیسی چگونه می توانست این کارها را انجام دهد؟ برای اینکه او خداست چنانکه خود او ادعا کرد. چه کسی می تواند به مردگان حیات بخشد جز خدا؟ چه کسی می تواند گناهان را ببخشد جز خدا؟ چه کسی می تواند بر طبیعت مسلط باشد جز خدا؟ او مسیح موعود و خداوند است، کسی که مجازات گناه دنیا را پرداخت.

چهارمین نشانه از طرف خدای پدر بود. به یاد داشته باشید که وقتی عیسی تعمید گرفت و از آب بیرون آمد، خدای پدر از آسمان حرف زد و گفت " اینست پسر حبيب من که از او خوشنودم." متی ۳: ۱۷

و دوباره وقتی عیسی بر کوه بلندی با پطرس و یعقوب و یوحنا بود، خدای پدر از آسمان سخن گفت و فرمود. " این است پسر حبيب من که از وی خوشنودم. او را بشنوید." خدای پدر می دانست که عیسی کیست و برای همگان این را اعلام کرد تا بشنوند.

پنجمین نشانه این است که عیسی حقیقتاً مسیح است بر اساس کلام خداوند که در متن آمده است. این قویترین نشانه میان بقیه است. ما می توانیم کلمه به کلمه کتاب مقدس را بخوانیم و از

ابتدا تا انتها و صدها متن پیدا کنیم که راجع به عیسی است که می گوید او کیست و او را مسیح خوانده است. در حقیقت سی و هفت پیش گویی گوناگون در مورد مسیح در کتاب مقدس وجود دارد، این پیش گویی ها زندگی و خدمت عیسی را تکمیل کرد و تأیید می کند که حقیقتاً او مسیح است.

یکی از این پیش گویی ها در میکاه ۵: ۲ آمده است که درباره زادگاه مسیح پیشگویی می کند.

آیا به یاد دارید که عیسی چگونه به دنیا آمد؟ به خاطر فرمان قیصر آگوستوس، یوسف و مریم باید به بیت اللحم می رفتند تا بتوانند به دلیل آمارگیری تولد را ثبت کنند. وقتی آنها به آنجا رفتند، عیسی به دنیا آمد. اگر بخاطر فرمان قیصر نبود، عیسی در آن شهر به دنیا نمی آمد. خداوند کاری کرد که عیسی در بیت اللحم به دنیا آید. همانطور که در پیش گویی کتاب مقدس آمده است.

اشعیاء ۷: ۱۴ پیشگویی می کند که مسیح از باکره به دنیا می آید. چگونه یک باکره می تواند فرزندی داشته باشد؟ این غیر ممکن است مگر با دخالت خداوند. این قطعاً معجزه خداوند است. این پیش گویی در زندگی مریم به وقوع پیوست. کتاب مقدس به ما می گوید که مریم تا قبل از به دنیا آمدن عیسی با هیچ مردی رابطه نداشته. با تمام چیزهایی که در زندگی عیسی به وقوع پیوسته است، نمی توانید بگویید که عیسی فقط یک انسان عادی یا فقط یک پیامبر بوده است. عیسی خدا بود که در جسم انسان وارد این جهان شد همانطور که خودش این را ادعا کرد.

بخش های زیادی وجود دارد که در مورد مرگ عیسی و چگونگی آن توضیح داده شده است. اشعیاء ۵۳: ۹ و ۱۲ یکی از همان بخش هاست. وقتی عیسی مسیح بر روی صلیب مرد، اشعیاء گفت که **"او از خطاکاران محسوب شد."** (آیه ۱۲). عهد جدید به ما می گوید که در دو طرف عیسی وقتی به صلیب آویخته شده بود دو دزد قرار داشتند. این اتفاق دقیقاً همانطور که در کتاب مقدس پیش بینی شده بود، رخ داد.

همچنین اشعیاء ۵۳: ۹ پیش گویی کرده که او بعد از مرگش در قبر دولتمندی دفن می شود. قبر او کجا بود؟ یوسف اهل رامه که مردی بسیار ثروتمند بود، قبر خود را به عیسی داد تا دفن شود.

سوالات این درس:

- ۱- واژه انجیل به چه معناست؟
 - ۲- در رومیان ۱: ۱۶ واژه یونانی "قدرت" به چه معناست؟
 - ۳- طبق اول قرن تیان ۱۵: ۱-۴ انجیل (خبر خوش) چیست؟
 - ۴- چرا عبارت "بر حسب کتب" در متن کتاب مقدس مهم است؟
 - ۵- طبق غلاطیان ۳: ۸-۱۴ ابراهیم چگونه عادل شد؟
 - ۶- غلاطیان ۳: ۱۳ را بنویسید؟
 - ۷- اولین پیشگویی درباره آمدن مسیح منجی در کدام آیه کتاب مقدس است؟
 - ۸- در خروج ۱۲: ۲۱-۲۳ نخستزاده یهودیان چگونه از هلاک شدن نجات یافتند؟
 - ۹- در لاویان ۱۶: ۱۶-۱۵ چگونه گناهان یهودیان کفاره داده می شد؟
 - ۱۰- یحیی تعمید دهنده در یوحنا ۱: ۲۹ عیسی را به چه عنوان به مردم معرفی کرد؟
 - ۱۱- طبق عبرانیان ۱۰: ۴ آیا قربانی گاوها و بزها می توانست گناهان انسان را رفع کند؟ طبق عبرانیان ۱۰: ۱۰ چه قربانی می تواند گناهان انسان را از بین ببرد؟
 - ۱۲- پنج نشانه از صلاحیت عیسی مسیح به عنوان منجی عالم را بنویسید؟
 - ۱۳- دو پیشگویی در باره عیسی مسیح را که در عهد عتیق آمده بنویسید؟
- آیه های کلیدی این درس: رومیان ۱: ۱۶ ، اول قرن تیان ۱۵: ۱-۴ ؛ غلاطیان ۳: ۱۳؛ یوحنا ۱: ۲۹ ؛
عبرانیان ۱۰: ۱۰

درس ۶: آزمون اسلام از صحت داشتن آن

در این درس می‌خواهیم محمد بنیانگذار دین اسلام، قرآن کتاب آسمانی اسلام و الله خدای اسلام و دین اسلام را بیازماییم تا ببینیم آیا این دین می‌تواند از طرف خداوند باشد یا نه. در مرحله اول از قرآن شروع می‌کنیم تا از صحت آن مطمئن شویم.

سوالاتی که درباره اشتباهات قرآن باید از مسلمانان پرسید؟

آیا قرآن از طرف خدای واقعی فرستاده شده یا اینکه ساخته دست بشر است؟ اگر قرآن کلام خدا باشد، می‌بایست عاری از هرگونه خطا و اشتباه باشد. برای بدست آوردن این حقیقت می‌توانیم قرآن را آزمون کنیم و حقیقت را کشف کنیم.

سوال ۱: خورشید که هر روز غروب می‌کند، آیا می‌تواند در چشمه آب گل آلود و سیاه غروب کند؟ آیا چنین چیزی ممکن است؟ بیایید ببینیم قرآن چه چیزی در اینباره می‌گوید.

وَيَسْأَلُونَكَ عَنِ ذِي الْقُرْنَيْنِ قُلْ سَأَتْلُو عَلَيْكُمْ مِنْهُ ذِكْرًا (۸۳) إِنَّا مَكَّنَّا لَهُ فِي الْأَرْضِ وَآتَيْنَاهُ مِنْ كُلِّ شَيْءٍ سَبَبًا (۸۴) فَاتَّبَعَ سَبَبًا (۸۵) حَتَّىٰ إِذَا بَلَغَ مَغْرِبَ الشَّمْسِ وَجَدَهَا تَرْغُبُ فِي عَيْنٍ حَمِئَةٍ وَوَجَدَ عِنْدَهَا قَوْمًا قُلْنَا يَا ذَا الْقُرْنَيْنِ إِنَّمَا أَنْ تُعَذِّبَ وَإِنَّمَا أَنْ تَتَّخِذَ فِيهِمْ حُسْنًا (۸۶) قَالَ أَمَّا مَنْ ظَلَمَ فَسَوْفَ نُعَذِّبُهُ ثُمَّ يُرَدُّ إِلَىٰ رَبِّهِ فَيُعَذِّبُهُ عَذَابًا نُكَرًا (۸۷) وَأَمَّا مَنْ آمَنَ وَعَمِلَ صَالِحًا فَلَهُ جِزَاءُ الْحُسْنَىٰ وَسَنَقُولُ لَهُ مِنْ أَمْرِنَا يُسْرًا (۸۸) ثُمَّ اتَّبَعَ سَبَبًا (۸۹) حَتَّىٰ إِذَا بَلَغَ مَطْلِعَ الشَّمْسِ وَجَدَهَا تَطَّلِعُ عَلَىٰ قَوْمٍ لَمْ نَجْعَلْ لَهُمْ مِنْ دُونِهَا سَبِيلًا (۹۰) كَذَلِكَ وَقَدْ أَحَطْنَا بِمَا لَدَيْهِ خُبْرًا

سوره الکهف آیه ۸۳-۹۱

"و از تو در باره ذوالقرنین می‌پرسند بگو: برای شما از او چیزی می‌خوانم. ما او را در زمین مکانت دادیم و راه رسیدن به هر چیزی را به او نشان دادیم، او نیز راه را پی گرفت تا به مکان غروب خورشید رسید دید که در چشمه ای گل آلود و سیاه غروب می‌کند و در آنجا مردمی یافت. گفتیم: ای ذوالقرنین، می‌خواهی عقوبتشان کن و می‌خواهی با آنها به نیکی رفتار کن گفت: اما هر کس که ستم کند ما عقوبتش خواهیم کرد آنگاه او را نزد پروردگارش می‌برند تا او نیز به سختی عذابش کند. و اما هر کس که ایمان آورد و کارهای شایسته کند، اجری نیکو دارد و درباره او فرمانهای

آسان خواهیم راند. باز هم راه را پی گرفت تا به مکان بر آمدن آفتاب رسید دید بر قومی طلوع می کند که غیر از پرتو آن برایشان هیچ پوششی قرار نداده ایم. چنین شد و ما بر احوال او احاطه داریم."

ما می دانیم که خورشید در چشمه گل آلود و سیاه غروب نمی کند. ولی در زمان محمد هیچکس نمی دانست که خورشید هر روزه کجا غروب می کند. محمد ادعا کرد که پیامبری است از طرف الله، بنابراین اعراب از او پرسیدند، "اگر تو پیامبر هستی به ما بگو که خورشید هر روز کجا غروب می کند؟" در آن لحظه محمد برای پاسخ دادن، دو گزینه داشت: او می توانست حقیقت را بیان کرده و بگوید، ۱- "من نمی دانم که خورشید کجا غروب می کند." اگر محمد چنین جوابی را می داد، مردم او را دروغگو می پنداشتند و او را لایق جهنم می دانستند. محمد نخواست پیامبر دروغین محسوب شود. ۲- دومین گزینه ای که محمد داشت این بود که حدس بزند و یک چیزی را از خود ساخته و به مردم تحمیل نماید که چنین کار را نیز انجام داد. او گفت: "خورشید در چشمه گل آلود و سیاه غروب می کند." چون کسی از این حقیقت آگاهی نداشت او با این دروغ ساختگی آنها را قانع کرد.

سوره کهف آیه ۸۳-۹۱ ادعا می کند که چطور ذوالقرنین راه خود را پیش گرفت و به سمت غرب رفت تا به مکان غروب خورشید رسید. سوالی که پیش می آید اینست که:

سوال ۱: آیا مکانی برای غروب خورشید وجود دارد؟ آیا تهران مکان غروب خورشید است؟ مدینه چطور؟ نیویورک چی؟ نخیر غروب خورشید هیچ مکانی ندارد.

سوال ۲: مکان غروب خورشید کجاست؟ آیا مکان غروب خورشید شهر تهران است، یا اصفهان یا شیراز یا شاید مکه؟ چنین مکانی وجود ندارد که خورشید در آن غروب کند. خورشید می تواند در جهت و سمتی حرکت کند ولی نمی تواند در مکانی غروب کند. این یک اشتباه بزرگ و دروغ فاحشی است که محمد در قرآن آورده.

سوال ۳: آیا اعتقاد دارید که خورشید در چشمه گل آلود و سیاه غروب می کند؟ خورشید هرگز در چشمه گل آلود و سیاه غروب نمی کند. خورشید حدود یک میلیون برابر بزرگتر از زمین است و نمی تواند در روی زمین در داخل چشمه گل آلودی گنجایش داشته باشد. محمد این نظریه را حدس زد ولی حدس او اشتباه بود و این اشتباه بزرگ در قرآن چهار چیز را ثابت می کند:

۱. قرآن کتاب جعلی و ساختگی و دروغین است.

۲. محمد پیامبر جعلی و دروغین است.

۳. **الله خدای جعلی، دروغین و ساختگی اعراب است و نه خدای واقعی چون خدای واقعی که خورشید را خلق کرده نمی تواند با آن قدرت و عظمت خود اشتباه کند.**

۴. **اسلام یک دین جعلی، ساختگی و دروغین است که می توان به راحتی کنار گذاشت و با کنار گذاشتن آن، خدای واقعی ما را جهنم نخواهد فرستاد.**

سوال ۴: شاید مسلمانان با این نظریه اشتباه قرآن مخالفت کرده و بخواهند آن را پوشش دهند و بگویند که این آیه بطور واقعی تفسیر نمی شود بلکه به صورت تمثیلی و استعاری. باید در این صورت از آنها پرسید: "لطفاً یک کلمه تمثیلی و استعاره در آیه ۸۳-۹۱ به من نشان بده." (کلمات تمثیلی و استعاره عبارتند از: مثل، مانند، شبیه) هیچ کلمه تمثیلی و استعاره در این آیات استفاده نشده است و گفته های محمد همانطور که در آیات پیداست بطور واقعی تفسیر می شود. ذوالقرنین یک شخص واقعی بود که راه واقعی را پی گرفت تا به مکان واقعی خورشید رسید، دید که خورشید واقعی در چشمه گل آلود و سیاه واقعی غروب واقعی می کند و در آن مکان واقعی مردم واقعی را یافت که اطراف آن چشمه زندگی می کردند. بنابر این هیچ کلمه تمثیلی و استعاره در این آیات نیست، بلکه آنها ۱۰۰٪ واقعی تفسیر می شوند چنانکه آیه ۹۱ نیز این را ثابت کرده و می گوید که "چنین شد" (یعنی به وقوع پیوست). آیا چنین شد جمله تمثیلی است یا واقعی؟ البته که واقعی. یعنی اینکه این یک داستان نیست بلکه یک واقعیتی است که خورشید در چشمه آب گل آلود غروب می کند.

سوال ۵: مسلمانان شاید مخالفت کنند و بگویند، "این نسخه از ترجمه قرآنی که شما می خوانید، ترجمه خوب و درستی نیست و باید ترجمه های دیگر را بخوانید." در این صورت باید از آنان پرسید، "چه کسی زبان عربی را بهتر می داند؟ شما یا بهترین مترجمان اعراب؟ چند سال شما در دانشگاه، زبان عربی آموخته اید؟ من سه جلد از ترجمه های معروف عربی از قرآن را دارم (داود، پنگال، و یوسف علی) که هر سه همان ادعا را می کنند که خورشید در چشمه آب غروب می کند. اگر این ترجمه های قرآن مورد علاقه شما نیست می توانید به کتابفروشی ها مراجعه کنید و آنها را از فروختن آن ترجمه ها منع کنید. همه مسلمانان دنیا این سه ترجمه ها را قبول دارند. در کتاب حدیث سنن ابو داود آیه ۳۹۹۱ نیز محمد پیامبر الله این گفته خود را تأیید کرد و گفت که بله خورشید در چشمه گل آلود و سیاه غروب می کند.

۲- **لطفاً اشتباه شماره ۲ را بخوانید.**

وَالشَّمْسُ تَجْرِي لِمُسْتَقَرٍّ لَهَا ذَلِكَ تَقْدِيرُ الْعَزِيزِ الْعَلِيمِ (۳۸)

یاسین آیه ۳۸ " و خورشید به [سوی] قرارگاه ویژه خود روان است تقدیر آن عزیز دانا این است." **آیا خورشید قرارگاه دارد؟** خیر خورشید قرارگاه ندارد که بتواند در آن استراحت کند.

قرارگاه خورشید کجاست؟ خورشید محل خواب و استراحت ندارد و همچنین خورشید به سوی قرارگاه ویژه خود روان نیست و حرکت نمی کند بلکه ثابت است. این زمین است که روان و در حال گردش است. این اشتباه ثابت می کند که قرآن کتاب جعلی و دروغین است.

۳- لطفاً اشتباه شماره ۳ را بخوانید؟

ثُمَّ خَلَقْنَا النُّطْفَةَ عَلَقَةً فَخَلَقْنَا الْعَلَقَةَ مُضْغَةً فَخَلَقْنَا الْمُضْغَةَ عِظَامًا فَكَسَوْنَا الْعِظَامَ لَحْمًا ثُمَّ أَنْشَأْنَاهُ خَلْقًا آخَرَ فَتَبَارَكَ اللَّهُ أَحْسَنَ الْخَالِقِينَ (۱۴)

سوره مومنون آیه ۱۴ "آنگاه نطفه را به صورت علقه (خون لخته) درآوردیم پس آن علقه را [به صورت] مضغه گردانیدیم و آنگاه مضغه را استخوانهایی ساختیم بعد استخوانها را با گوشتی پوشانیدیم آنگاه [جنین را در] آفرینشی دیگر پدید آورد."

این آیه روش شکل گرفتن نطفه (جنین) در شکم مادر را شرح می دهد. این آیه ادعا می کند که نطفه از مرحله لخته شدن خون عبور می کند. این کاملاً اشتباه است. ما می دانیم که نطفه از تخم بارور شده ای بوجود می آید که تقسیم و افزایش پیدا می کنند، شروع به رشد کرده و افزوده می شوند تا مادامیکه نطفه در رحم مادر شکل بگیرد. یک نطفه هرگز از مرحله خون لخته شده (خون مرده) عبور نمی کند بلکه از سلولهای زنده عبور می کند. محمد میکروسکوب نداشت که درون شکم مادر را نگاه کند و ببیند که نطفه چگونه شکل می گیرد. او فقط حدس زد و نظر داد که حدس او اشتباه بود و این اشتباه ثابت می کند که قرآن کتاب جعلی و دروغین است.

۴- لطفاً اشتباه شماره ۴ را بخوانید.

فَقَضَاهُنَّ سَبْعَ سَمَاوَاتٍ فِي يَوْمَيْنِ وَأَوْحَىٰ فِي كُلِّ سَمَاءٍ أَمْرَهَا وَزَيَّنَّا السَّمَاءَ الدُّنْيَا بِمَصَابِيحٍ وَحِفْظًا ذَلِكَ تَقْدِيرُ الْعَزِيزِ الْعَلِيمِ (۱۲)

سوره فصلت آیه ۱۲ "پس آنها را [به صورت] هفت آسمان در دو هنگام مقرر داشت و در هر آسمانی کار مربوط به آن را وحی فرمود و آسمان پایین را به چراغها [ستارگان] آذین کردیم و [آن را نیک] نگاه داشتیم این است. اندازه گیری آن نیرومند دانا."

در سوره فصلت آیه ۱۲ قرآن ادعا می کند که هفت آسمان وجود دارد ولی آنها را تعریف و توصیف نمی کند که اسم هر یک از آن آسمانها چیست. در کتاب مقدس ما سه آسمان داریم (۱- آسمان اول اتمسفر است یعنی جایی که پرند ها پرواز می کنند و همچنین جایی که ما نفس می کشیم. ۲- آسمان دوم فضاست، یعنی جایی که ستارگان هستند. ۳- آسمان سوم بهشت است، جایی که حضور خداوند و فرشتگان و نجات یافتگان هست). همچنین در ادامه آیه قرآن ادعا می کند که ستارگان در فاصله نزدیکتر به زمین قرار دارند. اگر او می گفت که ماه نزدیکتر به زمین است، ادعای او درست می بود. و یا اگر می گفت که خورشید نزدیکتر به زمین است باز می توانستیم قانع شویم اما او می گوید که ستارگان نزدیکتر به زمین هستند که این یک دروغ و اشتباه بزرگ است. ستارگان در فاصله دورتر از ماه و خورشید از زمین قرار دارند. نزدیکترین ستاره به زمین ۴ سال نوری (۴ تریلیون کیلومتر) فاصله دارد. ستارگانی که در دور دست قرار دارند در فاصله ۱۳ میلیارد سال نوری از زمین قرار دارند که یک فاصله غیر قابل تصور و نجومی هست. محمد نمی دانست که ستارگان چقدر با زمین فاصله دارند و یا بزرگی آنها چقدر است. او فکر کرد که اندازه یک ستاره به بزرگی تخم چشم یا یک سنگ کوچک است که می توان با آن شیطان را تیر اندازی کرد. محمد باز این را حدس زد و حدس او اشتباه بود و این اشتباه ثابت می کند که قرآن کتاب جعلی و دروغین است.

۵- لطفاً اشتباه شماره ۵ را بخوانید.

أَفَلَمْ يَنْظُرُوا إِلَى السَّمَاءِ فَوْقَهُمْ كَيْفَ بَنَيْنَاهَا وَزَيَّنَّاهَا وَمَا لَهَا مِنْ فُرُوجٍ (۶)

"مگر به آسمان بالای سرشان ننگریسته اند که چگونه آن را ساخته و زینتش داده ایم و برای آن هیچ گونه شکافتگی نیست." سوره ق آیه ۶

سوره ق آیه ۶ می گوید که آسمان شکافتگی ندارد. ما واژه شکافتگی را فقط برای جسم جامد بکار می بریم. اما مایع و گاز مانند آب و هوا نمی توانند در خود شکافتگی داشته باشند. بنابراین وقتی که قرآن از واژه شکافتگی برای توصیف آسمان استفاده می کند، پی می بریم که مؤلف قرآن فکر می کند که آسمان یک سقف جامد است که می توانست شکافتگی داشته باشد ولی الله طوری آن را آفریده که هیچگونه درز و شکافتگی ندارد. این نظریه که آسمان سقف است در زمان محمد رایج بود ولی امروزه ما می دانیم که این یک نظریه خنده دار و اشتباهی است. آسمان یک سقف جامد نیست که شکافتگی نداشته باشد، بلکه یک اتمسفر گازی است. این اشتباه ثابت می کند که قرآن کتاب جعلی و دروغین است.

۶- لطفاً اشتباه شماره ۶ را بخوانید.

وَجَعَلْنَا السَّمَاءَ سَقْفًا مَحْفُوظًا وَهُمْ عَنْ آيَاتِهَا مُعْرَضُونَ (۳۲)

سوره الانبیاء آیه ۳۲ " و آسمان را سقفی محفوظ قرار دادیم و [لی] آنان از [مطالعه در] نشانه‌های آن اعراض می‌کنند."

سوره انبیا آیه ۳۲ ادعا می‌کند که آسمان سقف دارد.

سوال ۱: آیا عقیده دارید که آسمان سقف دارد؟

سوال ۲: اگر چنین است، فاصله این سقف از زمین چقدر است؟

سوال ۳: این سقف از چه چیزی ساخته شده است؟

محمد اعتقاد داشت که اگر به سمت آسمان بالا صعود کنیم، به سقف آسمان برخورد کرده و سر و کله ما می‌شکند. آیا شما با این نظریه موافق هستید؟

۷- لطفاً اشتباه شماره ۷ را بخوانید.

أَلَمْ تَرَ أَنَّ اللَّهَ سَخَّرَ لَكُمْ مَّا فِي الْأَرْضِ وَالْفُلُكَ تَجْرِي فِي الْبَحْرِ بِأَمْرِهِ وَيُمْسِكُ السَّمَاءَ أَنْ تَقَعَ عَلَى الْأَرْضِ إِلَّا بِإِذْنِهِ إِنَّ اللَّهَ بِالنَّاسِ لَرَوْفٌ رَحِيمٌ (۶۵)

سوره حج آیه ۶۵ "آیا ندیده‌ای که خدا آنچه را در زمین است به نفع شما رام گردانید و کشتیها در دریا به فرمان او روانند و آسمان را نگاه می‌دارد تا مبادا بر زمین فرو افتد مگر به اذن خودش باشد." مردم از محمد پرسیدند: "اگر آسمان سقف داشته باشد، پس چطور این سقف فرو نمی‌ریزد؟ چه چیزی این سقف را در آسمان نگه می‌دارد و مانع فرو ریختن آن می‌شود؟ چون محمد هیچ اطلاعی از این امر نداشت، او اظهار کرد که الله از آن بالا سقف آسمان را با دستهای خود نگاه می‌دارد تا مبادا بر زمین فرو ریزد مگر به اذن خودش باشد و اگر نخواهد و به اذن خودش نباشد رها می‌کند تا فرو بریزد. او دوباره در این مورد حدس زد و حدس او اشتباه بود. این اشتباه ثابت می‌کند که قرآن کتاب جعلی و دروغین است."

۸- لطفاً اشتباه شماره ۸ را بخوانید.

أَلَمْ تَرَ أَنَّ اللَّهَ يُزْجِي سَحَابًا ثُمَّ يُؤَلِّفُ بَيْنَهُ ثُمَّ يَجْعَلُهُ رُكَامًا فَتَرَى الْوَدْقَ يَخْرُجُ مِنْ خِلَالِهِ وَيُنَزِّلُ مِنَ السَّمَاءِ مِنْ جِبَالٍ فِيهَا مِنْ بَرَدٍ فَيُصِيبُ بِهِ مَنْ يَشَاءُ وَيَصْرِفُهُ عَنْ مَنْ يَشَاءُ يَكَادُ سَنَا بَرْقِهِ يَذْهَبُ بِالْأَبْصَارِ (۴۳)

سوره نور آیه ۴۳ "پس دانه‌های باران را می‌بینی که از خلال آن بیرون می‌آید و [خداست که] از آسمان از کوههایی که در آنجاست تگرگی فرو می‌ریزد و هر که را بخواهد بدان گزند می‌رساند و آن را از هر که بخواهد باز می‌دارد نزدیک است روشنی برقش چشمها را ببرد."

اعراب از محمد پرسیدند که تگرگ از کجا فرو می‌ریزد. مجدداً محمد بدون اینکه تگرگی در زندگی خود در عربستان دیده باشد، اظهار نظر کرده گفت که تگرگ از کوههایی که در آسمان هستند فرود می‌آید. او مردم را با این حرف دروغ فریب داد چون ما می‌دانیم که تگرگ از آب اقیانوس که بوسیله گرمای آفتاب تبخیر شده به آسمان می‌رود و به ابرها برخورد کرده بصورت قطرات باران و بعضی اوقات سردی هوا باعث یخ زدن آن می‌شود که بصورت برف یا تگرگ فرود می‌آید.

سوال ۱: آیا تابحال کوهی مانند کوه اورست یا دماوند در آسمان دیده‌اید که تگرگی را نازل کند؟

سوال ۲: آیا اعتقاد دارید که تگرگ از کوه آسمان فرود می‌آید؟

۹- لطفاً اشتباه شماره ۹ را بخوانید.

الَّذِي جَعَلَ لَكُمُ الْأَرْضَ مَهْدًا وَوَسَّلَ لَكُم فِيهَا سُبُلًا وَأَنْزَلَ مِنَ السَّمَاءِ مَاءً فَأَخْرَجْنَا بِهِ أَزْوَاجًا مِّن نَّبَاتٍ شَتَّى (۵۳)

سوره طه آیه ۵۳ "همان کسی که زمین را برایتان گهواره‌ای ساخت و برای شما در آن راهها ترسیم کرد و از آسمان آبی فرود آورد پس به وسیله آن رستنیهای گوناگون جفت جفت بیرون آوردیم."

سوال ۱: آیا اعتقاد دارید که زمین مثل گهواره ای تخت است؟ زمین بنظر تخت می‌آید ولی آن کروی شکل است. کتاب مقدس ۲۷۰۰ سال پیش می‌گوید که زمین کروی شکل است (اشعیا ۴۰: ۲۲). اعراب زمان محمد اعتقاد داشتند که زمین تخت است و محمد نیز این را تأیید کرد که این نظریه یک اشتباه محض است.

۱۰- لطفاً اشتباه شماره ۱۰ را بخوانید.

مَنْ جَعَلَ الْأَرْضَ قَرَارًا وَجَعَلَ خِلَالَهَا أَنْهَارًا وَجَعَلَ لَهَا رَوَاسِيَ وَجَعَلَ بَيْنَ الْبَحْرَيْنِ حَاجِزًا أَلَيْسَ مَعَ اللَّهِ بِلٌ أَكْثَرُهُمْ لَا يَعْلَمُونَ (۶۱)

سوره نمل آیه ۶۱ "همانا آن کس که زمین را قرارگاه ثابت ساخت و در آن رودها پدید آورد و برای آن کوه‌ها را [مانند لنگر] قرار داد و میان دو دریا برزخی گذاشت آیا معبودی با خداست [نه] بلکه بیشترشان نمی‌دانند"

قرآن در سوره نمل آیه ۶۱ ادعا می‌کند که زمین قرارگاه ثابتی است. واژه ثابت به معنای "ایستاده، ساکن، و یا بی حرکت" است. امروزه ما می‌دانیم که زمین ثابت و بی حرکت نیست بلکه در مداری سالی یکبار دور خورشید می‌چرخد و روزی یکبار نیز دور خود می‌چرخد. بنابراین زمین همواره با سرعت بالایی در حال حرکت و روان است. زمین یقیناً ثابت نیست.

۱۱- لطفاً اشتباه شماره ۱۱ را بخوانید.

وَقَالَ فِرْعَوْنُ يَا أَيُّهَا الْمَلَأُ مَا عَلِمْتُ لَكُمْ مِنْ إِلَهٍ غَيْرِي فَأَوْقِدْ لِي يَا هَامَانَ عَلَى الطِّينِ فَاجْعَلْ لِي صَرْحًا لَعَلِّي أُطْعَمُ إِلَىٰ إِلَهِي مُوسَىٰ وَإِنِّي لَأَظُنُّهُ مِنَ الْكَاذِبِينَ (۳۸)

سوره القصص آیه ۳۸ "و فرعون گفت ای بزرگان قوم من جز خویشتن برای شما خدایی نمی‌شناسم پس ای هامان برایم بر گل آتش بیفروز و برجی [بلند] برای من بساز شاید به [حال] خدای موسی اطلاع یابم و من جدا او را از دروغگویان می‌پندارم."

در سوره قصص آیه ۳۸ قرآن ادعا می‌کند که فرعون (پادشاه مصر) با هامان (وزیر خشایارشاه هخامنشی پادشاه ایران) مکالمه کرده و از او می‌خواهد که با گل، برجی برای او بسازد.

سوال ۱: فرعون زمان موسی در چه سالی زندگی می‌کرد؟ ۱۵۰۰ سال قبل از میلاد

سوال ۲: هامان چه سالی زندگی می‌کرد؟ ۵۰۰ سال قبل از میلاد

سوال ۳: ۱۵۰۰ قبل از میلاد تا ۵۰۰ قبل از میلاد چند سال اختلاف زمانی دارد؟ ۱۰۰۰ سال. فرعون ۱۰۰۰ سال قبل از هامان مرده بود. فرعون و هامان ۱۰۰۰ سال و در فاصله بیش از ۳۰۰۰ کیلومتر جدای از هم زندگی می‌کردند و هرگز همدیگر را ملاقات نکرده بودند.

سوال ۴: چگونه این اشتباه تاریخی وارد قرآن شد؟ محمد یهودیان بسیاری را در عربستان می‌شناخت که به او گفته بودند که فرعون و هامان هر دو ضد یهودی بودند که می‌خواستند آنها را از بین ببرند. به دلیل اینکه اعراب سیستم تقویم و تاریخ نداشتند که زمانها و رویدادهای تاریخی را بدانند و ثبت کنند، بنابراین چون محمد تقویم نداشت، او حدس زد که فرعون و هامان هر دو در یک زمان و یک مکان باهم زندگی می‌کردند که دست به یکی شده بودند که یهودیان را هلاک کنند. این حدس محمد اشتباه فاحش بود.

۱۲- لطفاً اشتباه شماره ۱۲ را بخوانید.

قَالَ فَمَا خَطْبُكَ يَا سَامِرِيُّ (۹۵)

سوره طه آیه ۹۵ "موسی گفت تو چرا اینکار را کردی ای سامری؟"

در سوره طه آیه ۹۵ موسی از سامری سوال می کند که چرا او بت گاو طلایی را ساخته. موقعی که موسی بالای کوه سینا رفت و چهل روز در حضور خدا بود تا ۱۰ فرمان را دریافت کند، همزمان در دامنه کوه برادر موسی یعنی هارون توسط فشار مردم مجبور به ساخت بتی به شکل گاو طلایی شد و دست به ساخت آن کرد. بنابراین هارون این بت را ساخت نه سامری (خروج ۳۳: ۲۱).

سوال ۱: موسی در چه سالی زندگی می کرد؟ ۱۵۰۰ قبل از میلاد

سوال ۲: سامری چه کسی بود؟ سامریان در ۷۲۲ قبل از میلاد بوجود آمدند. هنگامیکه آشوریان در ۷۲۲ قبل از میلاد به ده طایفه شمالی اسرائیل حمله کردند، یهودیان را به اسارت بردند و آنها را وادار به وصلت با امتهای بت پرست کردند. بنابراین فرزندان که از وصلت یهودیان با غیر یهودیان به دنیا آمدند به اسم سامری معروف گشتند (دوم تواریخ ۱۷: ۲۴-۲۹). بنابراین سامریان در سال ۷۲۲ قبل از میلاد به بعد بوجود آمدند.

سوال ۳: از زمان موسی تا زمان بوجود آمدن سامریان چند سال فاصله است؟ حدود ۸۰۰ سال. مکالمه بین موسی و سامری هرگز رخ نداد. موسی ۸۰۰ سال قبل از پیدایش سامریان مرده بود. این اشتباه تاریخی قرآن ثابت می کند که قرآن کتاب جعلی و دروغین است.

۱۳- لطفاً اشتباه شماره ۱۳ را بخوانید.

أَجَلٌ لَّكُمْ صَيْدُ الْبَحْرِ وَطَعَامُهُ مَتَاعًا لَّكُمْ وَلِلسَّيَّارَةِ وَحَرَّمَ عَلَيْكُمْ صَيْدَ الْبَرِّ مَا دُمْتُمْ حُرْمًا وَاتَّقُوا اللَّهَ الَّذِي إِلَيْهِ تُحْشَرُونَ (۹۶)

سوره المائده آیه ۹۶ "صید دریا و ماکولات آن برای شما حلال شده است تا برای شما و مسافران بهره‌ای باشد و [لی] صید بیابان مادام که محرم می‌باشید بر شما حرام گردیده است و از خدایی که نزد او محشور می‌شوید پروا دارید."

سوره مائده آیه ۹۶ ادعا می کند که صید دریا و ماکولات آن طعامی است که برای خوردن مناسب و حلال است. اما ما می دانیم که بیش از ۱۲۰۰ ماهی سمی در دریا وجود دارد که اگر آن را بخوریم، بلافاصله خواهیم مرد (مثال: ماهی تترادوکسین، جلی فیش، و ...).

سوال: آیا مسلمان و یا آخوندی جرأت می کند که از آن ماهیان سمی که طبق قرآن مناسب و حلال است، میل کند؟ نه

قرآن کتاب مهلک و خطرناکی است که اعتقاد داشتن و عمل کردن به آن می تواند موجب مرگ و میر انسانها شود. محمد فکر می کرد که تمامی ماهیان قابل خوردن هستند و این حدس او اشتباه بود که این اشتباه اثبات می نماید که قرآن کتاب جعلی و ساختگی و دروغین است.

۱۴- لطفاً شماره ۱۴ را بخوانید.

خُلِقَ مِنْ مَّاءٍ دَافِقٍ (۶) يَخْرُجُ مِنْ بَيْنِ الصُّلْبِ وَالتَّرَائِبِ (۷)

سوره طارق آیه ۵-۷ "انسان از آب جهنده‌ای خلق شده که از صلب مرد و میان استخوانهای سینه بیرون می‌آید."

سوره طارق آیه ۵-۷ می گوید که آب جهنده از میان استخوانهای ستون فقرات و دنده مرد بوجود می‌آید. این کاملاً دروغ و اشتباه است. آب جهنده از میان بیضه مرد که حدود ۳۰ سانتی متر پایین تر از آن جایی که محمد ادعا کرد می باشد. محمد حدسش اشتباه بود.

۱۵- لطفاً شماره ۱۵ را بخوانید.

فَلَمَّا قَضَيْنَا عَلَى الْمَوْتِ مَا دَلَّمْ عَلَى مَوْتِهِ إِلَّا دَابَّاهُ الْأَرْضِ تَأْكُلُ مِنْسَأَتِهِ فَلَمَّا خَرَّ تَبَيَّنَتِ الْجِنَّ أَنْ لَوْ كَانُوا يَعْلَمُونَ الْغَيْبِ مَا لِيُتُوا فِي الْعَذَابِ الْمُهِينِ

سوره سبا آیه ۱۴ (با این همه جلال و شکوه سلیمان) هنگامیکه مرگ را بر او مقرر داشتیم کسی آنها را از مرگ وی آگاه نساخت مگر جنبنده زمین (موریانه) که عصای او را می خورد (تا شکست و پیکر سلیمان فرو افتاد). هنگامیکه بر زمین افتاد جنیان فهمیدند که اگر از غیب آگاه بودند در عذاب خوار کننده باقی نمی ماندند."

سوره سبا آیه ۱۷ می گوید که سلیمان در حال ایستاده به ساخت معبد نظارت می کرده که ناگهان می میرد و همچنان سر پا می ایستد و کسی از مرگ او مطلع نمی شود مگر موربانه که عصای او را می خورند تا پیکر و جسد سلیمان فرو افتد.

سوال ۱: آیا کسی که بمیرد می تواند هنوز سر پا بیایستد؟
سوال ۲: چند سال طول می کشد که موربانه عصای سلیمان را بخورند؟ شاید ۱۰ سال شاید هم بیشتر

سوال ۳: آیا در طول آن ۱۰ سال کسی نفهمید که او مرده است؟ آیا همسر او نگفت که شوهرم چرا امشب خانه نیامد؟ آیا وزیران او نپرسیدند که چرا سلیمان پادشاه سر تخت خود نیامد؟
جسد مرده نمی تواند سر پا بیایستد بلکه بلافاصله در هنگام مرگ زمین می خورد. این اشتباهات همه اثبات می کنند که محمد کسی بود که دین اسلام را بوسیله کمک از دیگران (سلمان فارسی، همسر پولدار خود خدیجه و دیگران) بنیانگذاری کرد و تمامی تعلیمات خود را بر پایه دروغ و اشتباهات بنیان نهاد که آن دروغها را می توانیم به سادگی با خواندن قرآن به زبان مادری خود بدست آورده و دین اسلام را به عنوان وسیله ای برای فریب میلیونها انسان بی گناه رد کنیم.

از اول زندگی به ما گفتند که باید قرآن را به زبان عربی بخوانیم و نه فارسی چون خواندن فارسی قرآن ثواب به همراه ندارد و همچنین به دلیل اینکه زبانی که الله صحبت می کند، عربی است. خدایی که ما را آفریده از زبان مادری ما آگاه است و در کلام خود نمی تواند اشتباهی کند. پس این اشتباهات قرآن ثابت می کند که:

۱. قرآن کتاب جعلی و ساختگی و دروغین است.
۲. محمد پیامبر جعلی و دروغین است.
۳. الله خدای جعلی، دروغین و ساختگی اعراب است.
۴. اسلام یک دین جعلی، ساختگی و دروغین است که می توان به راحتی کنار گذاشت و با کنار گذاشتن آن، خدای واقعی ما را جهنم نخواهد فرستاد.

آزمون کردن الله از وجود واقعی او

الله کیست؟

سوال ۱: اسم پدر محمد چه بود؟ عبدالله

سوال ۲: معنی آن چیست؟ برده الله

سوال ۳: اسم پدر بزرگ محمد چه بود؟ عبدالمطلب

سوال ۴: چرا پدر بزرگ اسم پسرش را عبدالله گذاشت؟ برای رضای خاطر بت مورد علاقه اش "الله" عبدالمطلب یک بت پرست بود که ۳۶۰ عدد بت در کعبه داشت و الله هم یکی از آن ۳۶۰ بت در کعبه بود. چطور عبدالمطلب بت پرست هنگامیکه پسر خود را به دنیا آورد، اسمش را عبدالله گذاشت. **عبدالله** یعنی برده الله. اگر الله خدای واقعی بود، آیا عبدالمطلب بت پرست حاضر می شد که اسم خدای واقعی را بر پسر خود بگذارد؟ آیا به نظر شما یک بت پرست اسم بت خویش را بر پسرش می گذارد یا اسم خدای واقعی را؟ مسلماً اسم بتش را. همین اتفاق نیز افتاد و او اسم بتش الله را بر پسر خود گذاشت و او را عبدالله یعنی برده یا خادم الله نامید تا بزرگ شده و برده و خادم بت الله در کعبه شود.

محمد نیز که پسر عبدالله بود ادعا کرد که پیامبر الله است.

نتیجه: پدر بزرگ اسم پسرش را عبدالله گذاشت "یعنی برده الله" برای رضای خاطر بت مورد علاقه اش "الله". این ثابت می کند که الله یک بت بوده که اعراب قبل از اسلام پرستش می کرده اند.

سوال ۵: چرا اسم خدای محمد اسم یکی از بتهای کافران در کعبه بود؟

سوال ۶: آیا این کار درست است که اسم خدا را اسم یکی از بتهای کافران بگذاری؟

سوال ۷: بالای گنبد مساجد سنی و همچنین روی پرچم کشورهای اسلامی چه علامتی وجود دارد؟ هلال ماه. پرچم بسیاری از کشورهای اسلامی مانند پرچم ترکیه، پاکستان، آذربایجان، مالزی، الجزیره، تونس، و پرچم ایران نشان هلال ماه را بر خود دارند.

سوال ۸: در پایان ماه رمضان مسلمانان چگونه روزه خود را می شکنند و عید فطر را جشن می گیرند؟ با مشاهده ماه.

سوال ۹: چرا سمبل اسلام هلال ماه است؟ ماه چه ربطی به خدا و پرستش او دارد؟

فلسفه پیدایش الله: باستان شناسان در نقاط مختلف کشورهای خاورمیانه از کوههای ترکیه تا رود نیل کتیبه ها و بتهایی از الهه ماه پیدا کرده اند که به الله معروف بوده و توسط اعراب قبل از اسلام پرستش می شده، که نشان هلالی ماه بر آنها وجود دارد. پرستش ماه توسط تمامی اعراب در نواحی بین النحرین رواج داشت. نشان هلالی ماه در بسیاری چیزها از قبیل، آهن آلات، ظرفهای سفالی، کتیبه های سنگی، گردنبند و جواهرات و غیره حک می شد. در تل العبید گاو آهنی پیدا شده با بدن گاو و سر انسان که نشان هلالی ماه بر پیشانی آن است. در اور کلدانیان الهه ماه بالاتر از خدایان دیگر در بتکده ها گذاشته می شد. مردم اور کلدانیان آنقدر به الهه ماه اعتقاد داشتند که حتی نان را به شکل هلال ماه می پختند.

در زمان عهد عتیق بابلیان بالای بام خانه خود، آفتاب و ماه و ستارگان را که به خدایان سوئن یا سین و نانا و غیره لقب داشتند، پرستش می کردند و برای آنها بخور می سوزانیدند. آشوریان، بابلیان و آکادیان اسم سوئن را تبدیل به سین کردند. خداوند یهوه به بنی اسرائیل هشدار داده بود که دنبال خدایان بابلیان نروند و آنها را پرستش نکنند (تثنیه ۴: ۱۹ و ۱۷: ۳؛ دوم پادشاهان ۲۱: ۵ و ۲۳: ۵؛ ارمیا: ۲، ۱۹: ۱۳؛ صفیا: ۱: ۵).

باستانشناسی به اسم لئونارد وولی یک معبد الهه ماه در حزار فلسطین را کشف کرده با چندین بت و کتیبه های مختلف که نشان هلال ماه بر آنها حک شده است که تا به امروز این کتیبه ها و بتهای تصاویر زیر در موزه بریتانیا باقی است.



The moon-god from all four sides. Note the crescent moon carved on his chest.



نبونیدوس آخرین پادشاه بابل که از سال ۵۵۵ تا ۵۳۹ قبل از میلاد سلطنت می کرد، پرستش الهه ماه را از بابل به کشور عربستان گسترش داد و در عربستان بتکده کعبه را در مکه ساخت. بنابراین مردم عربستان در آن بتکده الهه ماه را پرستش کردند که به الله معروف گشت. ابراهیم هرگز بتکده کعبه را نساخت. زیرا او هرگز به عربستان نرفت تا چنین کاری انجام دهد. خداوند او را از اور کلدانیان خواند و به او فرمان داد تا به سرزمین وعده یعنی اسرائیل روانه شود. بنابراین ابراهیم اور کلدانیان را ترک کرده از طریق حران سوریه راهی اسرائیل شد و در بدو رسیدن به اسرائیل، او در بیت تیل مزبحی را بنا کرد و برای خداوند یهوه قربانی گذرانید. به دلیل گرمای شدید آفتاب در عربستان، پرستش آفتاب مورد استقبال مردم نبود اما با رسیدن شب و درآمدن ماه و با خنک شدن هوا، اعراب ماه را پرستش می کردند. در پرستش ماه آنها ۵ مرتبه در روز نماز می خوانند که در آن آیات نماز را هر مرتبه چندین بار تکرار می کردند. آنها یک ماه در سال روزه داری می کردند. بدن و سرهای خود را با چاقو و تیغ آسیب می رسانیدند، و بخور و اسفنج دود می کردند و بسیار اعمال دیگری که بعدها محمد آن اعمال را به دین خود انتقال داد.

آفتاب الهه مونث و ماه الهه مذکر که به الله معروف بوده، سه دختر داشتند که سه ستاره بودند و به اسمهای لات، منات و عزّی معروف بودند. الله بزرگترین بت در کعبه بوده (الله اکبر) و توسط اعراب قبل از اسلام پرستش می شد. محمد قدم جلو گذاشت و همه بتها را از کعبه بیرون کرد جز الله و به اعراب تعلیم داد که فقط الله خداست و الله ای جز الله یگانه نیست (لا اله الا الله). او به بنی قریش پیشنهاد داد تا الله را پرستش کنند اما بنی قریش به او گفتند: "اگر اجازه دهی که خدایان لات، منات و عزّی را پرستش کنیم، الله تو را نیز پرستش خواهیم کرد." محمد با این پیشنهاد آنها موافقت کرد و به آنها اجازه داد تا سه خدایان را نیز کنار الله پرستش کنند. بعدها حواریون محمد، او را سرزنش کردند که چرا این عمل زشت را مرتکب شده، محمد در پاسخ آنها گفت که شیطان آن کلام را در دهان او گذاشته بود. سوالی که پیش می آید اینست که از کجا می توان فهمید که شیطان کل آیات قرآن را در دهان محمد نگذاشت؟

اسم خدای کتاب مقدس یهوه است که ۶۸۴۴ بار تکرار شده.

LORD خداوند = YHWH (عبرانی) = یهوه ، اهیه ، یهود

الف) "من یهوه هستم خدای تو ، در برابر من خدایان دیگر نخواهی داشت." خروج

۳۰۲ : ۲۰

ب) "که مردان بدانند که تو ، کسی که اسمش فقط یهوه است، بر تمام زمین والاتر هستی." مزامیر ۸:۸۳ ۱

پ) "همه خدایان امتها بتان هستند: اما خداوند آسمانها را ساخت." مزامیر ۵:۹۶

ت) "غمهای آنها افزایش خواهد یافت که دنبال خدایان غیر می شتابند." مزامیر ۱۶ : ۴

الله هرگز در کتاب مقدس به عنوان اسم خدا ذکر نشده است. در زبان عبرانی (که عهد عتیق به آن نوشته شده) واژه الله دو معنی دارد. معنی اول آن "لعنت" است و معنی دوم "ناله کردن". " بنابراین لعنت (الله) زمین را بلعیده، و آنهایی که در آن سکونت دارند نابود هستند: بنابراین ساکنان زمین سوخته اند، و مردان کمی باقی مانده اند." اشعیا ۶:۲۴

هر کشوری که الله را پرستش می کند لعنت شده و در پرستش الله در مساجد ناله می کنند. کشورهای اسلامی مانند افغانستان، ایران، سومالی، لیبی، یمن، لبنان، عراق، سوریه، مصر، عربستان سعودی و غیره به دلیل پرستش الله لعنت شده اند.

آیا خدای قرآن (الله) و خدای کتاب مقدس (یهوه) خدای همسان هستند؟ اگر الله همان یهوه باشد باید پیام و ذات یکسانی با او داشته باشد. در جدول زیر به مقایسه الله، شیطان و یهوه از آیه های قرآن و کتاب مقدس خواهیم پرداخت تا به جواب خود دست پیدا کنیم.

<u>الله</u>	<u>شیطان</u>	<u>یهوه</u>
الله یک <u>قاتل</u> است. سوره محمد آیه ۴ "شما مومنان چون با کافران روبرو شوید باید گردن زنید."	یوحنا ۸: ۴۴ "شیطان از آغاز یک <u>قاتل</u> بود."	متی ۵ : ۴۴ " دشمنانتان را دوست بدارید.
الله یک <u>دروغگو</u> است. سوره الرعد آیه ۲۷ "الله هرکس را بخواهد <u>گمراه</u> می کند."	یوحنا ۸: ۴۴ "شیطان یک <u>دروغگو</u> است و پدر دروغها."	تیطوس ۱: ۲ "خدا که <u>نمی تواند دروغ</u> بگوید." عبرانیان ۶: ۱۸ "امکان ندارد که خدا دروغ بگوید."
الله یک <u>مکار</u> است. سوره آل عمران آیه ۵۴ "الله از همه کس بهتر تواند <u>فریب</u> می دهد."	مکاشفه ۹:۱۲ "شیطان که کل جهان را <u>فریب</u> می دهد."	تثنیه ۳۲:۴ "خدای <u>راستی</u> ."

		مکر کند."
یهوه <u>کافران</u> را <u>دوست دارد</u> . یوحنا ۳:۱۶ "زیرا خدا آنقدر جهانیان را دوست داشت که یگانه پسر خود را داد."	اعمال ۱۰:۳۸ "عیسی همه کسانی که <u>مقهورین</u> شیطان بودند شفا داد."	سوره الروم آیه ۴۵ "الله <u>کافران</u> را <u>دوست ندارد</u> ."
یهوه <u>یهودیان</u> را <u>دوست دارد</u> . رومیان ۱۱: ۲۸ "آنها محبوب هستند."	اول پطرس ۵: ۸ "دشمن شما شیطان"	الله از <u>یهودیان</u> <u>متنفر</u> است. سوره المائده آیه ۸۲ "همانا بدترین دشمنان مسلمین یهودیان و مشرکین هستند."
یهوه <u>مسیحیان</u> را <u>دوست دارد</u> . اول یوحنا ۴: ۸-۱۱ "او ما را دوست داشت"	اول پطرس ۵: ۸ "دشمن شما شیطان"	الله از <u>مسیحیان</u> <u>متنفر</u> است. سوره المائده آیه ۵۷ "با اهل کتاب (مسیحیان) که دین شما را بازیچه گرفتند دوستی نکنید."
یوحنا ۳:۲۵ "پدر پسر را <u>دوست دارد</u> ."	مکاشفه ۱۲:۴ "ژدها در مقابل زن ایستاد تا <u>نوزادش را ببلعد</u> به محض اینکه به دنیا آمد."	الله از <u>عیسی</u> که پسر خدا باشد <u>متنفر</u> است. سوره المائده آیه ۱۷ "الله می تواند عیسی بن مریم و هر که در روی زمین است همه را نابود کند."
یهوه <u>آزادی</u> می بخشد. اشعیا ۱: ۶۱ "تا رهایی را به اسیران اعلام کنم."	لوقا ۱۳:۱۶ "زنی که شیطان او را <u>بسته</u> بود." دوم تیموتائوس ۲:۲۶ "از دام شیطان کسانی که بوسیله او <u>اسیر</u> شده بودند."	الله مردم را <u>اسیر</u> و <u>برده</u> می کند. سوره الاحزاب آیه ۵۰ "و کنیزانی که الله به عنوان غنیمت به تو نصیب کرده."
یهوه <u>نمی خواهد کسی به جهنم برود</u> . دوم پطرس ۳:۹ "خدا نمی خواهد که کسی هلاک شود، بلکه همه باید به توبه بیایند."	مکاشفه ۲۰:۱۰ "شیطان که آنها را فریب داد، به <u>دریاچه آتش</u> <u>انداخته شد</u> ."	الله <u>می خواهد مردم به جهنم بروند</u> . سوره السجده آیه ۱۳ "و دوزخ را از آدمیان پر سازم"
یهوه <u>اجازه نمی دهد</u> . خداوند داوود نبی را از ساخت معبد منع کرد. اول تواریخ ۲:۲۸ و ۳	<u>شیطان</u> هم به تمام ادیان دروغین <u>اجازه ساخت</u> معابد، مساجد و بتکده ها را می دهد.	الله <u>به قاتلان اجازه ساخت مسجد می دهد</u> . عمر مسجد ساخت در ۶۳۷ بعد از میلاد. محمد جنگ و کشتار را با استفاده از احکام قرآن بالا برد.
یهوه <u>دوست ندارد</u> . افسسیان ۵: ۲۵	شیطان هم دوست دارد <u>زنان تنبیه</u>	الله <u>اجازه می دهد که زن خود را</u>

شوهران، زنانان را دوست بدارید.	<u>ثسوند.</u>	بژنی. سوره النساء آیه ۳۴ "و زانی که از مخالفت و نافرمانی آنها بیمناکید... آنها را به زدن تنبیه کنید."
دوم سموئیل ۱۲:۹ بیهوه خداوند مخالفت کرد از داوود نبی به دلیل اختیار کردن بتشیع زن همسایه.	شیطان موافق اختیار کردن زانی غیر از زن خویش است.	الله موافقت کرد که محمد همسران مردان دیگر را اختیار کند. سوره الاحزاب آیه ۳۷ محمد زینب، همسر پسر خوانده اش زید را اختیار کرد.

بنابراین با خواندن تفاوت‌های فاحش بین الله و بیهوه پی می‌بریم که آنها دو خدای کاملاً مجزا هستند با پیام و ذات مجزا که یکی خدای دروغین است و دیگری خدای واقعی.

سوالات این درس:

- ۱- در کجای قرآن آمده که خورشید در چشمه گل آلود و سیاه غروب می‌کند؟
- ۲- اشتباهات قرآن کدام چهار مورد را ثابت می‌کند؟
- ۳- چرا عبدالمطلب اسم پسر خود را عبدالله گذاشت؟
- ۴- بالای گنبد مساجد سنی و همچنین روی پرچم کشورهای اسلامی چه علامتی وجود دارد؟
- ۵- خلاصه ای از فلسفه پیدایش الله را بنویسید؟
- ۶- تثنیه ۱۷: ۳ را بنویسید؟
- ۷- کدام پادشاه بابل در عربستان بتکده کعبه را ساخت؟
- ۸- سه دختران الله چه نام داشتند؟
- ۹- اسم خدای کتاب مقدس چیست و چند بار این اسم تکرار شده است؟
- ۱۰- معنی الله به زبان عبری چیست؟
- ۱۱- با استفاده از جدول آمده، لطفاً سه نمونه از مقایسه الله و بیهوه را با آیه ای برای هریک بنویسید؟

آیه های کلیدی این درس: تثنیه ۱۷: ۳؛ ارمیا ۱۹: ۱۳، خروج ۲۰: ۲-۳؛ مزامیر ۹۶: ۵

درس ۷: خدای تثلیث و چگونه عیسی مسیح پسر خداوند است؟

در زبان فارسی یک معنی برای کلمه "پسر" وجود دارد، یعنی به وجود آمدن یک پسر از هم آغوشی پدر و مادر. کتاب عهد جدید به زبان یونانی نوشته شده است و در زبان یونانی دو مفهوم برای واژه "پسر" وجود دارد.

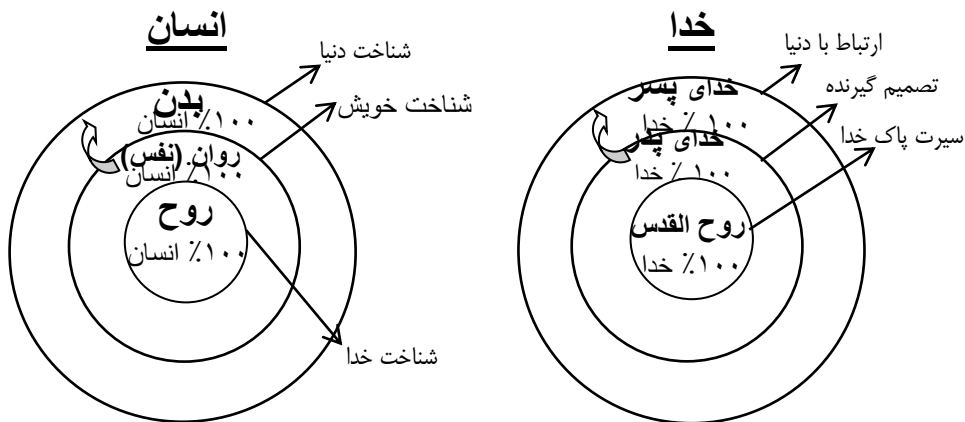
۱- **تکنن:** تکنن واژه اول برای کلمه "پسر" است یعنی پسری که از هم آغوشی والدینش به وجود آمده. واژه "تکنن" هیچ گاه در کتاب عهد جدید برای عیسی مسیح به عنوان پسر خدا در این مفهوم استفاده نشده است، زیرا همه ما چه مسلمان و چه مسیحی قبول داریم که خداوند هم آغوشی نمی کند. او همسر، دوست دختر و یا کودک ندارد.

۲- **هویاس:** هویاس واژه دوم برای کلمه "پسر" است یعنی "هم ذات با". برای مثال: پسر صلح (لوقا ۱۰: ۳۶) یعنی پسری که دارای ذات صلح طلب است. پسر سرکش یعنی پسری که ذات سرکش دارد. کتاب مقدس می گوید که عیسی مسیح پسر خداست یعنی عیسی ۱۰۰٪ هم ذات با خداست. همچنین در کتاب عهد جدید از عیسی مسیح به عنوانه **یگانه پسر مولود** خداوند یاد شده است که به زبان یونانی یعنی **هویاس مونو ژنی**.

مونو: یعنی "یک"، برای مثال، "مونوریل" یعنی یک ریل. **ژن:** یعنی همان "زنتیک". ما در حدود ۲۰۰۰۰ ژن در بدن خود داریم که سلولهای بدن ما را تشکیل می دهد. بنابراین عیسی به عنوان یگانه پسر خدا یعنی که او دارای یک ژن و یک ذات با خدا است. این یعنی عیسی خداست.

چگونه عیسی مسیح می تواند خدا باشد؟

در پیدایش ۱: ۲۶ "خدا گفت: بگذار انسان را در تصویر ما بسازیم، موافق شبیه ما." این نشان می دهد که انسان شباهتی به خداوند دارد. این شباهت در چیست؟



از شما می‌خواهم راجع به خودتان دقیقه ای تأمل کنید. شما یک انسان هستید، در سه قسمت:

۱- شما **بدن** دارید که به شما اجازه می‌دهد از طریق حواس پنج گانه با جهان شناخت و ارتباط داشته باشید. بدن شما ۱۰۰٪ انسان است که به شما اجازه می‌دهد با دنیای فیزیکی ارتباط برقرار کنید. وظیفه بدن اینست که کارهای فیزیکی را انجام دهد.

۲- شما **روان** (نفس و جان) دارید. روان از افکار، احساسات و اراده شما تشکیل شده است. این قسمت انسان درونی یا شخصیت انسان است که شناخت خودی به انسان می‌دهد. این قسمت هم ۱۰۰٪ انسان است. وظیفه روان اینست که فکر کند و تصمیم گیرد.

۳- شما **روح** دارید که به شما شناخت خدا را می‌دهد و شما را به فکر و ایمانی الهی می‌رساند. این "ردیاب خداوند" شماست. این قسمت نیز ۱۰۰٪ انسان است. وظیفه روح اینست که به ما شعور و شناخت خوب و بد را دهد و ما را برای پرستش به خدا ارتباط دهد. پس شما یک انسان هستید اما دارای سه قسمت. شما موجودی سه گانه (ثلیث) هستید، یعنی سه قسمت در یک وجود (اول تسالونیکیان ۵: ۲۳).

همانطور که قسمتهای وجود انسان را در دایره دیدیم، وجود خداوند را نیز به این شکل می‌توانیم در دایره ببینیم. اسلام، قرآن، مسیحیت و کتاب مقدس، همه به یک خدای یگانه معتقدند. در **متی ۲۸: ۱۹**، مسیح با استفاده از کلمه مفرد "نام"، خداوند را تعریف می‌کند، که فقط و فقط یک خدا وجود دارد نه نامها. " و آنها را به **نام** پدر، پسر و روح القدس تعمیدش دهید." در آیه ذکر شده عیسی مسیح با بکار

بردن واژه مفرد نام ادعا کرد که خداوند یکی است اما او همچنین در همان آیه فرمود که خدای واحد دارای سه قسمت مجزا است. بنابراین خدای واحد نیز همانند انسان که در صورت و شباهت او آفریده شد، سه قسمت دارد که به عنوان پدر، پسر (هویاس) و روح القدس در کتاب مقدس آمده است.

۱- همانطور که ما روح داریم که ۱۰۰٪ انسان است، خدا نیز روح دارد که روح القدس نامیده می شود و آن ۱۰۰٪ خداست. وظیفه روح القدس اینست که خداوند را مقدس نگاه دارد و همچنین انسانهای گناهکار را بسوی خدا جذب کند تا آنها از راهها و مذاهب انسانی خود توبه کرده و عیسی مسیح را به عنوان نجات دهنده خود قبول کنند.

۲- همانطور که شما یک روان (نفس و جان) دارید که ۱۰۰٪ انسان است و به بدن شما فرمان می دهد که چه کاری باید انجام دهد، همچنین خدا نیز چیزی مثل روان ما دارد که خدای پدر نامیده می شود. وظیفه پدر اینست که تصمیم بگیرد و به پسر (هویاس) بگوید که چه کاری باید انجام دهد. مانند باردار شدن در مریم یا آفریدن آسمانها و زمین و غیره.

۳- همان طور که ما یک بدن داریم که ۱۰۰٪ انسان است که ما را با دنیای فیزیکی ارتباط می دهد، و ما می توانیم با آن کارهای فیزیکی را انجام دهیم، خداوند هم چیزی مثل بدن ما دارد که با آن با دنیای فیزیکی ارتباط برقرار می کند و کارهای فیزیکی خود را انجام می دهد، که پسر نامیده می شود. او ۱۰۰٪ خداست.

این خدای پسر (هویاس) بود که بر آدم، ابراهیم، یعقوب، موسی، سلیمان، اشعیای نبی و غیره ظاهر شد و با آنها سخن گفت و سپس از طریق روح القدس در مریم باکره باردار شده و در شخص عیسی مسیح به دنیا آمد. عیسی قبل از اینکه در مریم باردار شود، ۱۰۰٪ خدا (هویاس) بود اما بعد از آنکه از مریم به این دنیا آمد، او ۱۰۰٪ خدا و هم ۱۰۰٪ انسان شد. این مثل اینست که اگر شما گذرنامه ایرانی و استرالیایی را همزمان داشته باشید، یعنی شما ۱۰۰٪ ایرانی و ۱۰۰٪ استرالیایی هستید ولی قبل از اینکه به استرالیا مهاجرت کنید، شما فقط یک ایرانی بودید.

پس همانطور که شما یک انسان دارای سه قسمت روح، جان و بدن می باشید که هر کدام ۱۰۰٪ انسان است، همانطور خدای زنده نیز از پدر، پسر (هویاس) و روح القدس که هر کدام ۱۰۰٪ خداست، تشکیل شده است. همانطور که شما تثلیث هستید، خدا نیز تثلیث است (پدر، پسر و روح القدس) که در کتاب مقدس آمده و آیه های زیر این را ثابت می کند. متی ۲۸: ۱۹؛ امثال سلیمان ۳۰: ۴؛ مزامیر ۲: ۱۲، اشعیای ۹: ۶ و ۴۸: ۱۶، ۱۳، ۱۲؛ دانیال ۳: ۴۵؛ میکا ۵: ۲؛ خروج ۳: ۳-۱۵؛ یوحنا ۸: ۲۴، ۵۹، ۵۸.

سوالات این درس:

۱- دو واژه یونانی که برای واژه فارسی "پسر" وجود دارند را نام ببرید؟ کدامیک برای عیسی مسیح به عنوان پسر خدا در کتاب مقدس بکار برده شده است؟

۲- واژه یونانی هویاس به چه معناست؟ یک مثال برای آن بنویسید؟

۳- واژه معادل یگانه پسر مولود خداوند در زبان یونانی چیست؟ و به چه معناست؟

۴- چگونه عیسی مسیح می تواند خدا باشد؟ با ذکر آیه ای توضیح دهید؟

۵- وظایف بدن، روان، و روح انسان را بطور جداگانه بنویسید؟

۶- وظایف پدر، پسر، و روح القدس را بطور جداگانه بنویسید؟

۷- متی ۲۸: ۱۹ را بنویسید؟

۸- چه کسی در عهد عتیق به آدم، ابراهیم، اسحاق، یعقوب، موسی و غیره به عنوان خدا ظاهر شد؟

۹- عیسی مسیح قبل و بعد از تولدش از مریم چه ماهیتی داشت؟

۱۰- آیه ای را برای اثبات تثلیث بنویسید؟

آیه های کلیدی این درس: متی ۲۸: ۱۹ ؛ اول تسالونیکیان ۵: ۲۳ ؛ یوحنا ۱۰: ۳۰

درس ۸: الوهیت عیسی مسیح

در مقدمه می خواهیم ببینیم عیسی مسیح چه اعتقادی نسبت به کتاب مقدس داشت. به گفته های او در لوقا ۲۴: ۲۵-۲۷ توجه کنید: " او به ایشان گفت، ای بی فهمان و سستلان از ایمان آوردن به آنچه انبیا گفته اند. آیا نمی بایست که مسیح این زحمات را ببند تا به جلال خود برسد؟ پس از موسی و سایر انبیا شروع کرده، اخبار خود را در تمام کتب برای ایشان شرح فرمود."

در آیه فوق عیسی مسیح برای اثبات کلام خدا سه دلیل می آورد: (۱) کسی که در ایمان آوردن به گفته های انبیا سستدل باشد، فهم ندارد. (۲) عهد عتیق بطور آشکار پیشگویی کرده که عیسی مسیح می بایست این زحمات را ببیند تا به جلال خود برسد. (۳) او درباره تحریف نشدن کتاب مقدس بیان می کند. او فرمود: "آنچه که انبیا گفته اند" تا "موسی و سایر انبیا" و تا "تمام کتب." یعنی عیسی مسیح بیان می کند که تمامی نوشته های عهد عتیق از الهام خداست که اگر کسی در ایمان آوردن به آنها سستدل باشد، بدون فهم محسوب می شود.

هر وقت که کسی از عیسی مسیح سوالی می پرسید، او همیشه به کلام خدا رجوع کرده و به آنها پاسخ می داد. (متی ۴: ۴) "در جواب گفت، مکتوب است انسان نه محض نان زیست می کند، بلکه به هر کلمه ای که از دهان خدا صادر گردد." هر کلمه یعنی در واقع کلمه به کلمه عهد عتیق از الهام خداست و کسی که به الهام شدن عهد عتیق ایمان داشته باشد می بایست به الهام شدن عهد جدید نیز ایمان بیاورد.

عیسی مسیح در متی ۵: ۱۸ اعلام می کند که حتی همزه یا نقطه های کتاب مقدس از الهام خداست و هیچ وقت از بین نخواهند رفت و کسی قادر به از بین بردن آن نخواهد بود. "زیرا هر آینه به شما می گویم، تا آسمان و زمین زایل نشود، همزه یا نقطه ای از تورات هرگز زایل نخواهد شد تا همه واقع شود."

پیشگوییهای عهد عتیق مورد قبول عیسی مسیح بود و آن پیشگوییها در واقع الوهیت کامل مسیح موعود را اثبات می کنند. بیایید تا تعدادی از پیشگوییهای عهد عتیق و ادعای خود مسیح و دیگران را درباره الوهیت مسیح مطالعه کنیم.

۱- اشعیا ۷: ۱۴ می گوید که عیسی خداست: " بنابراین خود خداوند به شما آیتی خواهد داد: اینک باکره حامله شده، پسری خواهد زایید و نام او را عمانوئیل خواهد خواند." این آیه بطور آشکار تولد مسیح از زن باکره را پیشگویی می کند. نه تنها این آیه پیشگویی می کند که عیسی از زن باکره به دنیا می آید بلکه در ادامه می گوید که این پسری که از باکره متولد می شود، عمانوئیل خوانده خواهد شد، که معنی آن یعنی "خدا با ما" است (متی ۱: ۲۳). خود عیسی مسیح درباره تولدش از باکره سخن گفت. وقتی که مادرش مریم به او گفت که: "ای فرزند چرا با ما چنین کردی؟ اینک، پدرت و من غمناک گشته تو را جستجو می کردیم." عیسی مسیح در جواب گفت: "از بهر چه مرا طلب می کردید، مگر ندانسته اید که باید من در امور پدر خود باشم؟" (لوقا ۲: ۴۷-۴۸). یوسف که در جستجوی عیسی بود، پدر او نبود. چون عیسی در معبد باقی مانده بود و در امور پدر خودش (خدای پدر) بود. یوسف پدر عیسی نبود، بلکه او از مریم باکره متولد شد تا خداوند بطور معجزه آسا در جسم ظاهر شود.

فریسیان بطور شرم آور لقب حرام زاده و زنا زاده به مسیح دادند و گفتند که او فرزند نامشروع یوسف و مریم بوده است. آنها در یوحنا ۸: ۴۱ به عیسی گفتند: "ما از زنا زاییده نشده ایم. یک پدر داریم که خدا باشد." عیسی مسیح در جواب گفت: "اگر خدا پدر شما می بود، مرا دوست می داشتید، زیرا که من از جانب خدا صادر شده و آمده ام، زیرا که من از پیش خود نیامده ام بلکه او مرا فرستاده است" (یوحنا ۸: ۴۲). در این آیه بحث روی تولد جسمانی عیسی است که به او اتهام زنازاده زده شد، ولی عیسی گفت که او از جانب خدا صادر شده و آمده است. توجه کنید که عیسی گفت "من از جانب خدا صادر شدم" این ثابت می کند که وجود عیسی در وجود و جانب پدر است. عیسی در یوحنا ۱۴: ۱۰ گفت: "آیا باور نمی کنی که من در پدر هستم و پدر در من است؟ سخنهایی که من به شما می گویم از خود نمی گویم، لکن پدری که در من ساکن است، او این اعمال را می کند." عیسی از پدر جدا شده و بر روی زمین به شکل انسان آمد. این سخنان عیسی اتهام فریسیان را علناً رد می کند. عیسی تولد خود از زن باکره را بارها تکرار کرد.

۲- اشعیا ۹: ۶ درباره مسیح موعود و الوهیت وی پیشگویی می کند: "زیرا که برای ما ولدی زاییده و پسری به ما بخشیده شد و سلطنت بر دوش او خواهد بود و اسم او عجیب و مشیر و خدای قدیر و پدر سرمدی و سرور سلامتی خوانده خواهد شد." این آیه می گوید که این ولد یا پسر در سلطنت خود رشد و افزایش پیدا کرده و در نهایت تا ابد سلطنت خواهد کرد. و نامهای این فرزند در واقع نامهای الوهیت خداست. یکی از نامهای او "خدای قدیر" است. نام دیگر او "پدر سرمدی" (پدر جاودانی) است. ولدی که زاییده می شود و پسری که داده می شود باید خود خدا و همانند خدای پدر بوده که باید بصورت صد در صد انسان ظهور کند.

۳- عیسی مسیح مکرراً خودش را در کتاب مقدس به عنوان "یگانه پسر مولود خدا" معرفی می کند. واژه "مولود" واژه ای است برای نصب نامه انسان که برای بوجود آمدن یک انسان از انسانی دیگر که به تولد جسمانی مربوط می شود. عیسی مسیح تأکید کرد که به هیچ وجه از یوسف متولد نشد بلکه از خدا مولود شد. واژه مولود در زبان یونانی "مونو ژن" می باشد که شش بار در عهد جدید به لقب عیسی مسیح به عنوان "یگانه پسر مولود خدا" به کار برده شده است و دو بار عیسی این واژه را به خودش خطاب داد. توجه داشته باشید که عیسی نگفت که او یکی از مولود شدگان خداست، بلکه او ادعا کرد که یگانه پسر خداست که تا بحال مولود شده است. او یگانه پسر مولود خداست. هیچکس تا بحال از باکره مولود نشده است. از زاویه روحانی می توانیم بگوییم که مسیحیان "بوساطت برخاستن عیسی مسیح از مردگان از نو تولید شده اند برای امید زنده." (اول پطرس ۱: ۳). ولی در مفهوم اینکه عیسی مسیح یگانه پسر مولود خداست، هیچکس تا بحال یگانه مولود خدا نبوده و نخواهد بود بجز خود عیسی. عیسی مسیح علناً گفت که او جسماناً مولود خدا بود و نه مولود انسان.

۴- یحیی تعمید دهنده اعلام می کند که عیسی مسیح در همان حال که در زمین بود، همزمان در آسمان در آغوش پدر نیز بود. "پسر یگانه ای که در آغوش پدر است،" (یوحنا ۱: ۱۸). خود عیسی مسیح این را به نيقوديموس گفت: "کسی به آسمان بالا نرفت مگر آن کس که از آسمان پایین آمد، یعنی پسر انسان که در آسمان است." چگونه عیسی که در روی زمین با نيقوديموس در حال صحبت کردن بود، می گوید که او همزمان در آسمان است؟ فقط خدا می تواند همزمان هم در آسمان باشد و هم در زمین. بنابراین عیسی خداست.

۵- یوحنا ی رسول می گوید که عیسی از "ابتدا نزد خدا بود" و "همه چیز به واسطه او آفریده شد" و به غیر از او چیزی از موجودات وجود نیافت. در او حیات بود و حیات نور انسان بود" (یوحنا ۱: ۲-۴). این آیه بطور وضوح الوهیت مسیح را اعلام می کند. آیا عیسی خودش ادعای آن را کرد؟ بله، او در یوحنا ۴: ۱۴ می گوید که او حیات جاودانی می بخشد. "لیکن کسی که از آبی که من به او می دهم بنوشد، ابداً تشنه نخواهد شد، بلکه آن آبی که به او می دهم در او چشمه آبی گردد که تا حیات جاودانی می جوشد."

در یوحنا ۵: ۱۷ عیسی علناً گفت: "پدر من تا کنون کار می کند و من نیز کار می کنم." آیا منظور عیسی از بودن خدا به عنوان پدرش در مفهومی است که انسانهای دیگر نیز می توانند این ادعا را بکنند؟ خیر، او منظورش این بود که فقط او تنها کسی است که با خدا بود. و این دقیقاً همان چیزی بود که شنوندگان او و فریسیان برداشت کردند. چون در آیه بعدی آنها به دلیل ادعای الوهیتش، قصد

کشتن او را کردند "پس از این سبب، یهودیان بیشتر قصد قتل او کردند زیرا که نه تنها سبب را می‌شکست بلکه خدا را نیز پدر خود گفته، خود را مساوی خدا می‌ساخت." (یوحنا ۵: ۱۸). هر آدم صادقی که سخنان عیسی مسیح را بخواند باید اعتراف کند که عیسی مسیح خودش را "مساوی خدا" می‌دانست. عیسی خدا را پدر خود خوانده و خود را یگانه پسر مولود خدا خواند.

۶- در یوحنا ۵: ۲۰ عیسی ادعا کرد که دانش او مساوی دانش خداست. او فرمود: "زیرا که پدر پسر را دوست می‌دارد و هرآنچه خود می‌کند بدو نشان می‌دهد و اعمال بزرگتر از این بدو نشان خواهد داد تا شما تعجب نمایید."

۷- در یوحنا ۵: ۲۱ او ادعا می‌کند که قدرت او مساوی قدرت خداست. "زیرا همچنان که پدر مردگان را برمی‌خیزاند و زنده می‌کند، همچنین پسر نیز هر که را می‌خواهد زنده می‌کند." این بزرگترین ادعایی است که او توانست بکند.

۸- عیسی ادعای حرمت مساوی با خدا را کرد. در یوحنا ۵: ۲۲، ۲۳ او گفت که: "زیرا که پدر بر هیچ‌کس داوری نمی‌کند بلکه تمام داوری را به پسر سپرده است. تا آنکه همه پسر را حرمت بدارند، همچنان که پدر را حرمت می‌دارند؛ و کسی که به پسر حرمت نکند، به پدری که او را فرستاد احترام نکرده است." این ادعای الوهیت مسیح است زیرا هیچکس نمی‌تواند حرمتی که فقط از آن خداست را طلب کند.

۹- در یوحنا ۵: ۲۵، ۲۶ عیسی ادعا می‌کند که خود او منشأ حیات است همچنانکه خدای پدر در آسمان منشأ حیات است. "آمین آمین به شما می‌گویم که ساعتی می‌آید بلکه اکنون است که مردگان آواز پسر خدا را می‌شنوند و هرکه بشنود زنده گردد. زیرا همچنان که پدر در خود حیات دارد، همچنین پسر را نیز عطا کرده است که در خود حیات داشته باشد." همان اندازه که پدر در خود حیات دارد، پسر نیز به همان اندازه در خود حیات دارد. هر دو پدر و پسر به یک اندازه منشأ حیات هستند. ما تا بحال خواندیم که عیسی مسیح کار خدا را انجام می‌دهد، قدرت، دانش، و حرمت خدا را دارد.

۱۰- عیسی در یوحنا ۶: ۳۳، ۳۵ می‌فرماید که او نانی است که از آسمان نزول شده است. در یوحنا ۶: ۴۶ او در مفهوم خاص می‌فرماید که او تنها کسی است که از جانب خداست.

۱۱- در یوحنا ۸: ۱۹ عیسی ادعای هویت یکسان با خدا را می کند. "عیسی جواب داد که نه مرا می شناسید و نه پدر مرا. هرگاه مرا می شناختید پدر مرا نیز می شناختید." او تأکید بر الوهیت خود کرده و می گوید که او دارای هویت همسان با خدا را دارد.

۱۲- وقتی که در خروج ۳: ۱۴، موسی از خدا اسم وی را پرسید، خدا بدو گفت: "من هستم آنکه هستم، پس به بنی اسرائیل خواهی گفت، من هستم مرا نزد شما فرستاده است." خداوند در این آیه در عهد عتیق اسمش را به عنوان من هستم به موسی معرفی می کند. در عهد جدید عیسی مسیح در یوحنا ۸: ۵۸ خودش را به عنوان من هستم معرفی کرد. "عیسی بدیشان گفت، آمین آمین به شما می گویم که پیش از آنکه ابراهیم پیدا شود من هستم." او دوباره در یوحنا ۸: ۲۴ گفت: "از این جهت به شما گفتم که در گناهان خود خواهید مرد، زیرا اگر باور نکنید که من هستم، در گناهان خود خواهید مرد." عیسی مسیح اعلام کرد که اگر کسی به او به عنوان خداوند یهوه ایمان نداشته باشد، در گناهانش مرده و هلاک خواهد شد. بیا بید همین الان اعتراف کنیم که او خداست که به جسم ظاهر شد.

۱۳- در یوحنا ۱۰: ۲۸ عیسی مسیح ادعا کرد که می تواند حیات ابد ببخشد و انسانها را از دریاچه آتش نجات دهد، و هیچکس هم نمی تواند نجات آنها را از دست عیسی بگیرد. "و من به آنها حیات جاودانی می دهم و تا به ابد هلاک نخواهند شد و هیچ کس آنها را از دست من نخواهد گرفت." ما نمی توانیم حیات ابدی که یکبار عیسی مسیح به ما می بخشد، را از دست بدهیم. ما در دستهای او در امان هستیم و او ضامن و حافظ نجات ماست.

۱۴- در یوحنا ۱۰: ۳۰ عیسی خود را با پدر یکی می داند. "من و پدر یک هستیم." یهودیان دریافتند که او ادعای خدایی می کند، بنابراین سنگ برداشته تا او را به خاطر آن ادعا سنگسار کنند. "آنگاه یهودیان باز سنگها را برداشتند تا او را سنگسار کنند. عیسی بدیشان جواب داد، از جانب پدر خود بسیار کارهای نیک به شما نمودم. به سبب کدام یک از آنها مرا سنگسار می کنید؟ یهودیان در جواب گفتند، به سبب عمل نیک، تو را سنگسار نمی کنیم، بلکه به سبب کفر، زیرا تو انسان هستی و خود را خدا می خوانی" (یوحنا ۱۰: ۳۱-۳۳). کسانی که گفته های عیسی مسیح را می خوانند، اگر تعصب را کنار گذاشته و روشن فکر باشند، خواهند فهمید که عیسی خداست.

۱۵- عیسی در متی ۱۹: ۱۷ ادعای الوهیت کرد. زمانیکه مرد ثروتمند عیسی را "استاد نیکو" خطاب کرد، عیسی در جواب وی گفت: "از چه سبب مرا نیکو گفتی و حال آنکه کسی نیکو نیست، جز خدا فقط." عیسی نگفت که او نیکو نبود و همچنین هرگز نگفت که او گناهکار بود. هیچکس نتوانست

به او اتهام گناه بزند. حتی پیلاتوس دستش را از بی گناه بودن عیسی شسته و به یهودیان گفت که "من در این مرد هیچ گناهی نمی بینم." نه، بلکه عیسی گفت که "اگر من فقط یک استاد باشم، مرا نیکو خطاب نکن. اگر مرا نیکو خطاب کنی، باید به الوهیت من نیز پی ببری." از بدو آفرینش تا بحال عیسی تنها شخص روی زمین بوده است که کاملاً نیکو بود، زیرا او خداست و فقط خدا نیکوست. هر انسان عاقلی باید این را دریابد که عیسی یا نیکو بود یا اینکه نبود. اگر او آن ادعایی که درباره خودش کرد، نبود پس او می بایست دروغگو و مکار بوده باشد. و ما می دانیم که هیچ مکار و دروغگویی نمیتواند مرده را زنده کند و مریضان را شفا دهد چنانکه مسیح این معجزات را انجام داد. پس عیسی واقعاً خدای نیکوست. عیسی فرمود: من شبان نیکو هستم. یوحنا ۱۰: ۱۱

۱۶- در متی ۲۸: ۱۷-۲۰ وقتی که شاگردان عیسی مسیح "او را دیدند، پرستش نمودند." و زمانیکه شاگردان عیسی را پرستش کردند، عیسی بدیشان گفت: "تمامی قدرت در آسمان و بر زمین به من داده شده است." تمامی قدرت در آسمان و زمین از آن خداست و نه انسان. پس عیسی خدای قادر مطلق است که تمامی قدرت در آسمان و زمین را داراست. در آیه ۱۹ عیسی به شاگردان خود گفت که بروند و تمامی امتها را شاگرد او سازند و "و ایشان را به نام پدر، پسر، و روح القدس تعمیم دهید." به واژه مفرد "نام" توجه کنید که عیسی تأکید کرد که یک خدا وجود دارد. از جمع استفاده نکرده و نگفت "نامها"، بلکه گفت "نام" یعنی اینکه یک خدا وجود دارد. همچنین او گفت که در وجود یک خدا سه قسمت وجود دارند، یعنی "پدر، پسر، و روح القدس"، همانند وجود یک انسان که دارای "روح، روان، و جسم" می باشد. در آیه ۲۰ او گفت: "اینک، من هر روزه تا انقضای عالم همراه شما می باشم." عیسی اگر خدا نباشد، چگونه می تواند تا انقضای عالم هر روزه با ما باشد؟

۱۷- در متی ۳: ۱-۳ عیسی پیشگویی اشعیا ۴۰: ۳ را به کمال رساند. "راه خداوند را مهیا سازید و طریقی برای خدای ما در صحرا راست نمایید." یحیی تعمیم دهنده صدایی بود در بیابان تا راه خداوند را آماده کند. آن خداوندی که در صحرای اطراف رود اردن ظاهر شد کسی نبود جز عیسی.

۱۸- یوحنا ۱: ۱ می گوید: "و کلمه خدا بود." در اشعیا ۴۴: ۸ خدا می فرماید: "آیا غیر از من خدایی هست؟" این نشان می دهد که کلمه (عیسی مسیح) همان خداوند یهوه است.

۱۹- یوحنا ۱: ۳ "همه چیز به واسطه او آفریده شد و به غیر از او چیزی از موجودات وجود نیافت." ملاکی ۲: ۱۰ می گوید "آیا جمیع ما را یک پدر نیست و آیا یک خدا ما را نیافریده است؟" عیسی مسیح خالق و آفریننده است.

۲۰- یوحنا ۴: ۴۲ "زیرا خود شنیده و دانسته‌ایم که او در حقیقت مسیح و نجات دهنده عالم است." در اشعیا ۴۳: ۱۱ می‌خوانیم: "من، من یهوه هستم و غیر از من نجات‌دهنده‌ای نیست." عیسی مسیح همان یهوه خدای عهد عتیق و نجات دهنده است.

۲۱- یوحنا ۶: ۴۶ "نه اینکه کسی پدر را دیده باشد،" پس آن چه کسی بود که در عهد عتیق به پیامبران ظاهر شد؟ آن خدای پسر بود.

۲۲- یوحنا ۱۶: ۱۵ "هر چه از آن پدر است، از آن من است." تمامی خصوصیات خدا از آن مسیح است.

۲۳- یوحنا ۱۷: ۵ "و الآن تو ای پدر مرا نزد خود جلال ده، به همان جلالی که قبل از آفرینش جهان نزد تو داشتیم." در اشعیا ۴۲: ۸ می‌خوانیم: "من یهوه هستم و اسم من همین است. و جلال خود را به کسی دیگر و ستایش خویش را به بت‌های تراشیده نخواهم داد." عیسی مسیح همان یهوه است که جلالش را با کسی قسمت نمی‌کند.

۲۴- در یوحنا ۲۰: ۲۸ توما که به الوهیت عیسی مسیح شک داشت، بعد از قیام عیسی از مردگان، به الوهیت او اعتراف کرد. "پس به توما گفت، انگشت خود را به اینجا بیاور و دست‌های مرا بین و دست خود را بیاور و بر پهلوی من بگذار و بی‌ایمان مباش بلکه ایمان دار. توما در جواب وی گفت، ای خداوند من و ای خدای من."

۲۵- اعمال رسولان ۲۰: ۲۸ "پس نگاه دارید خویشتن و تمامی آن گله را که روح‌القدس شما را بر آن اُسْتُفّ مقرر فرمود تا کلیسای خدا را تغذیه کنید که آن را به خون خود خریده است." کلیسای چه کسی؟ کلیسای خدا. خون چه کسی؟ خون خود خدا. این آیه ثابت می‌کند که عیسی مسیح خود خداست که کلیسا (ایمانداران) را با خون خود خریده است. عیسی = خدا

۲۶- اول قرنطیان ۱: ۲ "...با همه کسانی که در هرجا نام خداوند ما عیسی مسیح را می‌خوانند." همه باید در هرجا به عیسی مسیح دعا کنند، زیرا تنها او خداست.

۲۷- اول قرنطیان ۱۵: ۴۷ "انسان اوّل از زمین است خاکی؛ انسان دوّم خداوند است از آسمان." انسان دوم عیسی است از آسمان. هیچکس از آسمان نیست جز عیسی خداوند.

۲۸- فیلیپیان ۲: ۶ " که چون در صورت خدا بود، (عیسی قبل از انسان شدنش فقط خدا بود) با خدا برابر بودن را غنیمت نشمرد"، (از مقام الوهیت خودش سوءاستفاده نکرد).

۲۹- کولسیان ۱: ۱۵ " و او صورت خدای نادیده است،" عیسی صورت کامل خدای نادیده است که به جسم ظاهر شد تا خصوصیات و ذات خدا را به ما نشان دهد.

۳۰- کولسیان ۱: ۱۶ " زیرا که در او همه چیز آفریده شد، آنچه در آسمان و آنچه بر زمین است از چیزهای دیدنی و نادیدنی و تختها و سلطنتها و ریاست و قوأت؛ همه به وسیله او و برای او آفریده شد." عیسی تمامی زمین و آسمان و ما را آفریده و آنها را برای خویشتن آفریده است.

۳۱- کولسیان ۲: ۹ " که در وی از جهت جسم، تمامی پری الوهیت ساکن است." تمامی پری و کاملیت خدا در عیسی است.

۳۲- اول تسالونیکیان ۴: ۱۴ " خدا آنانی را که در عیسی خوابیده‌اند با وی خواهد آورد." در هنگام ربایش، عیسی مسیح به عنوان خدا با جلالش نزول می کند و مسیحیان از دنیا رفته را هم با خود از بهشت به این دنیا خواهد آورد.

۳۳- اول تیموتائوس ۳: ۱۶ " خدا در جسم ظاهر شد" عیسی مسیح خدای پسر است که در شکم مریم باردار شده و بصورت جسم انسانی به عنوان نجات دهنده به این دنیا آمد.

۳۴- تیتس ۲: ۱۳ " خدای عظیم و نجات‌دهنده خود ما عیسی مسیح" عیسی خدای عظیم و نجات دهنده ما است.

۳۵- عبرانیان ۱: ۶ " جمیع فرشتگان خدا او را پرستش کنند." می دانیم که فقط باید خدا را پرستش کرد (متی ۴: ۱۰). عیسی خداست که جمیع فرشتگان او را پرستش می کنند.

۳۶- عبرانیان ۱: ۸ " اما در حق پسر نیز می گوید، ای خدا تخت تو تا ابدالآباد است" مزامیر ۴۵: ۶ " ای خدا، تخت تو تا ابدالآباد است؛" خدای پدر پسرش عیسی را خدا خطاب کرده و تخت او را تا ابدالآباد استوار می کند.

۳۷- عبرانیان ۱: ۱۰ " و، تو ای خداوند، در ابتدا زمین را بنا کردی و افلاک مصنوع دستهای تو است." خدای پدر عیسی مسیح را خالق زمین و افلاک می داند.

۳۸- اول یوحنا ۵: ۷ "سه هستند که در بهشت شهادت می دهند، پدر، کلمه، و روح القدس. و این سه، یک هستند." خداوند یک خدای واحد لیکن دارای سه قسمت (پدر، کلمه (پسر) و روح القدس) می باشد که این سه، یک خدای واحد را تشکیل می دهند.

۳۹- مکاشفه ۱: ۱۷، ۱۸ "من هستم اول و آخر و زنده، و مرده شدم؛ و اینک، تا ابدآباد زنده هستم؛" عیسی اول و آخر است و این نشان از الوهیت مسیح را دارد، زیرا فقط خدا می تواند اول و آخر باشد.

۴۰- مکاشفه ۱: ۱۱ "من الف و یا، و اول و آخر هستم" عیسی = اول و آخر = الف و یا است.

۴۱- مکاشفه ۲۲: ۱۳ "من الف و یاء و ابتدا و انتها و اول و آخر هستم." عیسی = الف و یا = ابتدا و انتها = اول و آخر

۴۲- مکاشفه ۱: ۸ "من هستم الف و یا، اول و آخر، می گوید آن خداوند خدا، که هست و بود و می آید، قادر علی الاطلاق." عیسی = الف و یا = ابتدا و انتها = اول و آخر = قادر علی الاطلاق است که روزی دوباره به این جهان می آید.

۴۳- مکاشفه ۲۲: ۳ "تخت خدا و بره در آن خواهد بود و بندگانش او را عبادت خواهند نمود." به ضمیر او که به دو شخص خدا و بره اشاره داده شده است، دقت کنید. در این آیه هر دو خدا و بره (عیسی) بطور مساوی صاحب یک تخت می باشند.

۴۴- مکاشفه ۲۲: ۳ "تخت خدا و بره در آن خواهد بود و بندگانش او را عبادت خواهند نمود." به ضمیر او که به دو شخص خدا و بره اشاره داده شده است، دقت کنید. این نشان می دهد که خدا و بره یکی هستند که بطور مساوی صاحب بندگان یکسان می باشند. بندگانش او را عبادت خواهند کرد، نه آنها را. استفاده از ضمیر مفرد او برای خدا و بره ثابت می کند که خدا و بره یک خدا هستند.

۴۵- مکاشفه ۲۲: ۴ " و چهره او را خواهند دید" با استفاده از ضمیر مفرد او، هر دو خدا و بره صاحب یک چهره هستند.

۴۶- مکاشفه ۲۲: ۴ "و اسم وی بر پیشانی ایشان خواهد بود." با استفاده از ضمیر مفرد او، هر دو خدا و بره صاحب یک اسم هستند.

۴۷- مکاشفه ۲۰: ۶ " خوشحال و مقدّس است کسی که از قیامت اوّل قسمتی دارد. بر اینها موت ثانی تسلّط ندارد بلکه کاهنان خدا و مسیح خواهند بود و هزار سال با او سلطنت خواهند کرد." بجای ضمیر آنها ضمیر مفرد او به دو شخص خدا و مسیح اشاره داده شده است. چون خدا و مسیح یک خدای واحد هستند.

۴۸- مکاشفه ۲۱: ۲۲ " و در آن هیچ قدس ندیدم زیرا خداوند خدای قادر مطلق و برّه قدس آن است." هر دو خدا و بره قدس (معبد) اورشليم نو هستند.

۴۹- مکاشفه ۲۱: ۲۳ " و شهر احتیاج ندارد که آفتاب یا ماه آن را روشنایی دهد زیرا که جلال خدا آن را منور می سازد و چراغش برّه است." هر دو خدا و بره اورشليم نو را منور می کنند.

۵۰- پیدایش ۱: ۲۶ " و خدا گفت: آدم را بصورت ما و موافق شبیه ما بسازیم." خدا خودش را با ضمیر جمع ما معرفی می کند. این اولین نشانه از تثلیث بودن خداست که در کتاب پیدایش آمده است.

۵۱- پیدایش ۱۱: ۵، ۷ " و خداوند نزول نمود..... اکنون نازل شویم و زبان ایشان را در آنجا مشوش سازیم تا سخن یکدیگر را نفهمند." خداوند از فعل جمع شویم و سازیم برای خود استفاده می کند. خدای پدر و پسر با هم مشورت کرده تا زبان انسانها را مشوش سازند.

۵۲- اشعیا ۶: ۸. اشعیا پادشاه، یهوه لشکرها دید که در بهشت بر تخت خود نشسته بود و خدا به او گفت: " آنگاه آواز خداوند را شنیدم که می گفت: چه کسی را بفرستم و کیست که برای ما برود؟" (ما= تثلیث). در یوحنا ۱۲: ۳۷- ۴۱ یوحنا گفت: " این کلام را اشعیا گفت وقتی که جلال او (عیسی) را دید و درباره او (عیسی) تکلم کرد." عیسی همان پادشاه، یهوه لشکرها بود که اشعیا در رویای خود دید.

۵۳- مزامیر ۱۱۰: ۱ خدا به داود نبی گفت که پسر داود، خدای او نیز خواهد بود. "یهوه به خداوند (ادونای) من گفت، به دست راست من بنشین تا دشمنان را پای انداز تو سازم." عیسی در این آیه به خودش اشاره کرده و در متی ۲۲: ۴۱- ۴۵ از فریسیان پرسید: "پس هرگاه داود او را خداوند می خواند، چگونه پسرش می باشد؟" این آیه نشان می دهد که مسیح هنگامیکه وارد این جهان می شود صاحب دو ذات یعنی ذات انسانی و ذات الوهیت خواهد بود. عیسی به عنوان یک انسان که به این جهان وارد شد، پسر داود (یعنی از نسل داود) بود و هم خدای او (داود) بود.

۵۴- اشعیا ۴۴: ۶ " خداوند (خدای پدر) پادشاه اسرائیل و یهوه صبايوت (خدای پسر) که ولی ایشان است چنین می گوید. " خداوند (خدای پدر) و یهوه صبايوت (خدای پسر) یک خدا هستند که با هم سخن می گویند.

۵۵- اشعیا ۴۸: ۱۲، ۱۳، ۱۶ " به من گوش بده ای یعقوب و اسرائیل خوانده شده. من! من او هستم! من اول هستم و همچنین آخر هستم (آیه ۱۲). دست من همچنین بنیاد زمین را گذاشته است، و دست راست من آسمانها را گسترانید (آیه ۱۳). بیایید نزدیک من، و الآن خداوند یهوه و روحش مرا فرستاده است (آیه ۱۶). " ضمیرهای ذکر شده در آیه های بالا از قبیل: "من، دست من، دست راست من، نزدیک من" به عیسی مسیح اشاره دارد که هم خالق است و هم از سوی پدر فرستاده شد تا به شکل انسان بر روی زمین بیاید و برای گناهان ما مصلوب شود.

۵۶- حزقیال ۴۴: ۱، ۲ " و خداوند مرا گفت: این دروازه بسته بماند و گشوده نشود و هیچ کس از آن داخل نشود زیرا که یهوه خدای اسرائیل از آن داخل شده، لهذا بسته بماند. " در لوقا ۱۹: ۴۵-۴۷ عیسی که همان یهوه است، هنگامی که او در سال ۳۳ بعد از میلاد، سوار بر روی الاغی از طریق دروازه شرقی وارد معبد شد و خود را به عنوان پادشاه یهودیان معرفی کرد، این پیشگویی را به کمال رساند.

۵۷- هوشع ۴: ۱ و ۵: ۱۵ " ای بنی اسرائیل کلام خداوند (یهوه) را بشنوید... من (یهوه) روانه شده، به مکان خود (بهشت) خواهم برگشت تا ایشان (یهودیان) به عصیان خود (مصلوب کردن عیسی) اعتراف نموده، روی مرا بطلبند. در تنگی خود (هفت سال مصیبت) صبح مرا خواهند طلبید. " یهوه خدای پسر از آسمان به زمین آمد و از مریم تولد یافته، بصورت انسان وارد این دنیا شد ولی از سوی امت خویش رد شده و مصلوب گردید. عیسی مسیح دوباره قیام کرده و به مکان خود (بهشت) صعود کرد. و هنگامیکه یهودیان به عصیان خود (مصلوب کردن عیسی) در اواخر هفت سال مصیبت پی می برند، نام خداوند را به جهت نجات از مصیبت عظیم خواهند خواند. عیسی خداوند برای نجات آنها بازگشت می کند و در روی زمین سلطنت خود را به مدت ۱۰۰۰ سال از اورشلیم آغاز خواهد کرد.

۵۸- زکریا ۱۱: ۴، ۱۲، ۱۳ " یهوه خدای من چنین می فرماید... اگر در نظر شما پسند آید مزد مرا بدهید و الا ندهید. پس به جهت مزد من، سی پاره نقره وزن کردند... و خداوند مرا گفت: آن را نزد کوزه گر بینداز، این قیمت گران را که مرا به آن قیمت کردند. پس سی پاره نقره را گرفته، آن را در

خانه خداوند نزد کوزه گر انداختم. " این پیشگویی در متی ۲۶: ۱۴-۱۶ و ۲۷: ۳-۱۰ هنگامی که یهودای اسخریوطی عیسی مسیح را به سی سکه نقره تسلیم کرد و بعد پشیمان شده و سکه ها را در خانه خداوند نزد کوزه گر بر روی زمین انداخت، به کمال رسید. در عهد عتیق به جهت مزد یهوه خداوند ۳۰ سکه نقره وزن کردند و در عهد جدید عیسی مسیح همان یهوه خداوند بود که آن پیشگویی را به حقیقت رساند.

۵۹- زکریا ۱۲: ۹-۱۰ وقتی که عیسی مسیح بازگشت می کند، او به عنوان یهوه خداوند، کسی که توسط یهودیان روی صلیب نیزه خورده بود، شناخته خواهد شد. " او در آن روز قصد هلاک نمودن جمیع امت‌هایی که به ضد اورشلیم می‌آیند، خواهم نمود... و بر من (یهوه) که نیزه زده‌اند خواهند نگریست. " این پیشگویی را عیسی مسیح در یوحنا ۱۹: ۳۷ به کمال رساند.

۶۰- زکریا ۱۴: ۳، ۴، ۵، ۹ وقتی که عیسی مسیح بر روی زمین در کوه زیتون بازگشت می کند، او به عنوان یهوه خداوند شناخته خواهد شد. " و خداوند بیرون آمده، با آن قومها مقاتله خواهد نمود (آیه ۳)... و در آن روز پایهای او بر کوه زیتون که از طرف مشرق به مقابل اورشلیم است خواهد ایستاد (آیه ۳-۴)... و یهوه خدای من خواهد آمد و جمیع مقدّسان همراه تو خواهند آمد (آیه ۵)... و یهوه بر تمامی زمین پادشاه خواهد بود. در آن روز یهوه واحد خواهد بود و اسم او واحد (آیه ۹). " وقتی که عیسی از بالای کوه زیتون به آسمان صعود کرد، دو فرشته به شاگردان عیسی ظاهر شده و به آنها گفتند: "ای مردان جلیلی چرا ایستاده، به سوی آسمان نگرانید؟ همین عیسی که از نزد شما به آسمان بالا برده شد، باز خواهد آمد به همین طوری که او را به سوی آسمان روانه دیدید. " (اعمال ۱: ۱۰-۱۲).

۶۱- در زکریا ۲: ۸-۱۱، یهوه خدای پسر دو بار اعلام می کند که یهوه خدای پدر او را نزد اسرائیل فرستاده است. این ثابت می کند که در وجود خدا حداقل دو شخص وجود دارند که هر دو شخص، یهوه هستند.

زیرا یهوه صبايوت (خدای پسر) که مرا بعد از جلال نزد امت‌هایی که شما را غارت کردند فرستاده است، چنین می‌گوید... (آیه ۸). و شما خواهید دانست که یهوه صبايوت (خدای پدر) مرا فرستاده است (آیه ۹). و من (خدای پسر) در میان تو سُنکی خواهم گرفت و خواهی دانست که یهوه صبايوت (خدای پدر) مرا نزد تو فرستاده است (آیه ۱۱).

یهوه خدای پسر همیشه توسط یهوه خدای پدر فرستاده می شود تا اراده و خواسته های او را انجام دهد. در آیه های بالا هر دو شخص به نام یهوه یاد شده اند. این ثابت می کند که عیسی مسیح قبل از تولدش از مریم، صد در صد یهوه خداوند بود.

۶۲- در زکریا ۳: ۲ "و خداوند به شیطان گفت: ای شیطان خداوند تو را نهیب نماید! دوباره در این آیه یک شخص از وجود خدا درباره شخص دیگر از وجود خدا سخن می گوید. لطفاً به قواعد آیه بالا توجه کنید که سه شخص در آن آیه حضور دارند: "خداوند (شخص اول = اول شخص خطاب کننده) به شیطان (شخص دوم = دوم شخص مخاطب) گفت: ای شیطان خداوند (شخص سوم = سوم شخص غایب) تو را نهیب نماید!" (همچنین اشعیا ۴۸: ۱۶ را ببینید: و الآن خداوند یهوه (خدای پدر) و روحش (روح القدس) مرا (خدای پسر) فرستاده است).

۶۳- ملاکی ۳: ۱ "و خداوندی (عبری: ها آدون = خدا) که شما طالب او می باشید، ناگهان به هیکل خود خواهد آمد." عیسی مسیح هنگامی که در آغاز خدمتش به عنوان خدا وارد معبد شد، این پیشگویی را به کمال رساند (یوحنا ۲: ۱۳-۱۷ و متی ۲۱: ۱۲، ۱۳).

۶۴- مزامیر ۸۲: ۸ "ای خدا برخیز و جهان را داوری فرما." در عهد جدید می خوانیم که عیسی داور تمامی جهان خواهد بود که این نشان از الوهیت وی است. **یوحنا ۵: ۲۲** "زیرا که پدر بر هیچ کس داوری نمی کند بلکه تمام داوری را به پسر سپرده است."

۶۵- هر دو خدا و پسر، یگانه خالق هستند. (ملاکی ۲: ۱۰) "آیا جمیع ما را یک پدر نیست و آیا یک خدا ما را نیافریده است؟" در عهد جدید می خوانیم که آن خدایی که همه چیز را آفریده عیسی مسیح است. "همه چیز به واسطه او (عیسی مسیح) آفریده شد و به غیر از او چیزی از موجودات وجود نیافت." **یوحنا ۱: ۳.**

۶۶- هر دو خدا و پسر، جلال یکسان دارند. (اشعیا ۴۲: ۸) "من یهوه هستم و اسم من همین است. و جلال خود را به کسی دیگر و ستایش خویش را به بتهای تراشیده نخواهم داد." خداوند جلال خود را به هیچکس نمی دهد، اما در عهد جدید عیسی ادعا کرد که قبل از آفرینش جهان در نزد پدر جلال داشت. "و الآن تو ای پدر مرا نزد خود جلال ده، به همان جلالی که قبل از آفرینش جهان نزد تو داشتم." **یوحنا ۱۷: ۵**

۶۷- خدای پدر و پسر، صدای یکسان مانند صدای آبهای بسیار دارند. (حزقیال ۴۳: ۲) " و اینک جلال خدای اسرائیل از طرف مشرق آمد و آواز او (خدای پدر) مثل صدای آبهای بسیار بود و زمین از جلال او منور گردید. " (مکاشفه ۱: ۱۵) " و آواز او (خدای پسر) مثل صدای آبهای بسیار؛ "

۶۸- خدای پدر و پسر، خدای همه هستند.

- پسر: "... چونکه به وساطت عیسی مسیح که خداوند همه است به سلامتی بشارت می‌داد،" (اعمال ۱۰: ۳۶)
- پدر: " در آن وقت، عیسی توجه نموده، گفت، ای پدر، مالک آسمان و زمین، تو را ستایش می‌کنم..." (متی ۱۱: ۲۵)

۶۹- خدای پدر و پسر، هر دو شاهدانی دارند.

- پدر: " بپوه می‌گویند که شما و بنده من که او را برگزیده‌ام شهود من می‌باشید." (اثسعیا ۴۳: ۱۰)
- پسر: " لیکن چون روح‌القدس بر شما می‌آید، قوت خواهید یافت و شاهدان من (عیسی) خواهید بود،" (اعمال ۱: ۸)

۷۰- خدای پدر و پسر، هر دو صخره هستند.

- پدر: "... نام یهوه را ندا خواهیم کرد... (آیه ۳). او صخره است و اعمال او کامل... (آیه ۴). (تثنیه ۳۲: ۳، ۴)
- پسر: " و همه همان شرب روحانی را نوشیدند، زیرا که می‌آشامیدند از صخره روحانی که از عقب ایشان می‌آمد و آن صخره مسیح بود." (اول قرنتیان ۱۰: ۴)

۷۱- دوم قرنتیان ۱۳: ۱۴ " فیض عیسی خداوند و محبت خدا و شراکت روح‌القدس با جمیع شما باد. آمین." ترتیب تئلیپی که در این آیه آمده با ترتیب تئلیپی که در متی ۲۸: ۱۹ هست یکی نیستند بلکه جابجا شده اند. این نشان می‌دهد که در وجود خداوند هیچ کدام از سه شخص (پدر،

پسر، روح القدس) نسبت به همدیگر ارجحیت ندارند بلکه هر سه شخص تثلیث ذاتاً مساوی و هم رتبه هستند.

۷۲- میکاه ۵: ۲ پیشگویی می کند که دومین شخص ازلی تثلیث می بایست در بیت لحم به دنیا می آمد. "اما تو ای **بیت لحم** افراطه اگر چه تو در هزاره های یهودا کوچک باشی، ولی از تو **او** (عیسی مسیح، خدای پسر) خواهد آمد پیش **من** (خدای پدر) که حکمران باشد در اسرائیل، کسی که پیش رفتن های او از **قدیم** و از ایام **ازل** بوده است." پیش رفتنهای عیسی مسیح از قدیم (عبری: قدما = ابدی) و از ایام **ازل** (عبری: اولام = جاودانی) بوده است. **حبقوق ۱: ۱۲** از کلمه مشابه "قدما" برای یهوه استفاده می کند. "ای یهوه خدای من! ای قدوس من! آیا تو از **ازل** نیستی؟" عیسی مسیح ازلی و ابدی است و ما می دانیم که فقط خدا می تواند ازلی و ابدی باشد.

۷۳- همانطور که در آیه بالا خواندیم، **خدای پسر** قسمتی از ذات خداست که از خدا "پیش می رود" یا "بیرون می رود" تا با **جهان فیزیکی ارتباط برقرار کند**، با انسانها ملاقات کند و آنها را **رهایی بخشد** و یا **پیغامی** برای ایشان بیاورد و یا حتی آنها را داوری کند.

ا. **پیدایش ۱۱: ۵** و **خداوند نزول نمود** تا شهر و برجی را که بنی آدم بنا می کردند، ملاحظه نماید.

ب. **مزمیر ۱۰۸: ۱۱** "آیا نه تو ای خدا که ما را ترک کرده‌ای؟ و تو ای خدا که با لشکرهای ما **بیرون نمی آیی؟**"

ج. **میکاه ۵: ۲** "کسی که پیش رفتن های او از **قدیم** و از ایام **ازل** بوده است."

د. **میکاه ۱: ۳** "زیرا اینک **خداوند** از مکان خود **بیرون می آید** و نزول نموده، بر مکان های بلند زمین می خرامد."

ه. **هوزیا ۳: ۳** "پس **خداوند** را بشناسیم و به جدّ و جهد معرفت او را تعاقب نماییم. **طلوع** او مثل فجر یقین است و بر ما مثل باران و مانند باران آخر که زمین را سیراب می کند خواهد آمد."

و. **زکریا ۱۴: ۳** "و **خداوند بیرون آمده**، با آن قومها مقاتله خواهد نمود چنانکه در روز جنگ مقاتله نمود."

ز. **اشعیا ۲۶: ۲۱** "زیرا اینک **خداوند** از مکان خود **بیرون می آید** تا سزای گناهان ساکنان زمین را به ایشان برساند."

ح. **اشعیا ۳۷: ۳۶** "پس فرشته **خداوند بیرون آمده**، صد و هشتاد و پنج هزار نفر از اردوی آشور را زد و بامدادان چون برخاستند اینک جمیع آنها لاشهای مرده بودند."

ط. اشعیا ۴۲: ۱۳ " خداوند مثل جبار بیرون می‌آید و مانند مرد جنگی غیرت خویش را برمی‌انگیزاند."

ی. اشعیا ۴۸: ۱۶ " و الآن خداوند یهوه و روحش مرا فرستاده است."

ک. اشعیا ۶۱: ۱ " روح خداوند یهوه بر من است زیرا خداوند مرا مسح کرده است تا مسکینان را بشارت دهم و مرا فرستاده تا شکسته دلان را التیام بخشم و اسیران را به رستگاری و محبوسان را به آزادی ندا کنم."

ل. زکریا ۲: ۸ " زیرا یهوه صیابوت که مرا بعد از جلال نزد امت‌هایی که شما را غارت کردند فرستاده است، چنین می‌گوید که هر که شما را لمس نماید مردمک چشم او را لمس نموده است."

م. خروج ۱۹: ۲۰ " و خداوند بر کوه سینا بر قله کوه نازل شد، و خداوند موسی را به قله کوه خواند، و موسی بالا رفت."

ن. اعداد ۱۱: ۲۵ " و خداوند در ابر نازل شده، با وی تکلم نمود..."

س. اعداد ۱۲: ۵ " و خداوند در ستون ابر نازل شده، به در خیمه ایستاد، و هارون و مریم را خوانده، ایشان هر دو بیرون آمدند."

ع. مزامیر ۱۸: ۹ " آسمان را خم کرده، نزول فرمود و زیر پای وی تاریکی غلیظ می‌بود."

ف. مزامیر ۱۹: ۵ " خیمه‌ای برای آفتاب در آنها قرار داد؛ و او مثل داماد از حجله خود بیرون می‌آید و مثل پهلوان از دویدن در میدان شادی می‌کند."

ص. دانیال ۵: ۵ " در همان ساعت انگشتهای دست انسانی بیرون آمد و در برابر شمعدان بر گچ دیوار قصر پادشاه نوشت و پادشاه کف دست را که می‌نوشت دید."

ق. یوحنا ۱۶: ۲۸، ۳۰ " از نزد پدر بیرون آمدم و در جهان وارد شدم، و باز جهان را گذارده، نزد پدر می‌روم." (۲۸) .. الآن دانستیم که همه چیز را می‌دانی و لازم نیست که کسی از تو بپرسد. بدین جهت باور می‌کنیم که از خدا بیرون آمدی. (۳۰)"

۷۴- یوحنا ۴۶: ۴۶ " نه اینکه کسی پدر را دیده باشد، جز آن کسی که از جانب خداست، او پدر را دیده است." اگر کسی خدای پدر را ندیده باشد، پس پیامبران عهد عتیق چه کسی را به عنوان خدا دیدند و او را پرستش کردند؟

ا. آن خدای پسر بود که با آدم در باغ عدن تکلم نمود و با او قدم زد. " و آواز خداوند خدا را شنیدند که در هنگام وزیدن نسیم نهار در باغ قدم می‌زد" (پیدایش ۳: ۸).

ب. آن خدای پسر بود که با هاجر تکلم نمود. "و او، نام خداوند را که با وی تکلم کرد، «أَنْتَابِلْ رُئِي» خواند... (پیدایش ۱۶: ۱۳).

ت. آن خدای پسر بود که با ابراهیم تکلم نمود. "و خداوند به ابراهیم گفت: «ساره برای چه خندید و گفت: آیا فی‌الحقیقه خواهم زایید و حال آنکه پیر هستم؟» (۱۳). (پیدایش ۱۸: ۱، ۱۳، ۱۷، ۲۰-۲۲، ۳۳).

ث. آن خدای پسر بود که با یعقوب کشتی گرفت. "و یعقوب آن مکان را «فِئِئِيل» نامیده، (گفت: «زیرا خدا را روبرو دیدم و جانم رستگار شد.» (پیدایش ۳۲: ۳۰).

ج. آن خدای پسر بود که موسی او را مانند فرشته ای در بوته آتشین ملاقات و پرستش کرد. "و فرشته خداوند در شعله آتش از میان بوته ای بر وی ظاهر شد. (خروج ۳: ۲) "خدا از میان بوته به وی ندا در داد و گفت: موسی! موسی!..! (خروج ۳: ۴).

ح. آن خدای پسر بود که بنی اسرائیل را در بیابان با ستون ابر در روز و با ستون آتش در شب رهبری کرد. "و خداوند در روز، پیش روی قوم در ستون ابر می‌رفت تا راه را به ایشان دلالت کند، و شبانگاه در ستون آتش، تا ایشان را روشنایی بخشد، و روز و شب راه روند. (خروج ۱۳: ۲۱). " و فرشته خدا که پیش اردوی اسرائیل می‌رفت، حرکت کرده، از عقب ایشان خرامید، و ستون ابر از پیش ایشان نقل کرده، در عقب ایشان بایستاد. (خروج ۱۴: ۱۹).

خ. آن خدای پسر بود که سروران و مشایخ بنی اسرائیل او را به عنوان خدای اسرائیل مشاهده کردند. "و موسی با هارون و ناداب و ابیهو و هفتاد نفر از مشایخ اسرائیل بالا رفت. و خدای اسرائیل را دیدند، و زیر پایهایش مثل صنعتی از یاقوت کیود شفاف و مانند ذات آسمان در صفا. و بر سروران بنی‌اسرائیل دست خود را نگذارد، پس خدا را دیدند و خوردند و آشامیدند. (خروج ۲۴: ۹-۱۱).

د. آن خدای پسر بود که یوشع پرستش کرد. این پرستش از سوی او که به عنوان سردار لشکر خداوند معروف بود، مورد قبول واقع شد. "گفت: «نی، بلکه من سردار لشکر خداوند هستم که الان آمدم.» پس یوشع روی به زمین افتاده، سجده کرد. (یوشع ۵: ۱۴).

ذ. آن خدای پسر بود که مانوح ملاقاتش کرد. "و مانوح به زنش گفت: «البته خواهیم مرد، زیرا خدا را دیدیم.» (داوران ۱۳: ۲۲).

ر. آن خدای پسر بود که اشعیای نبی در رویا دید. "...چشمانم یهوه صباوت پادشاه را دیده است." (اشعیای ۵: ۵). یوحنا ۱۲: ۴۱ می گوید که آن خدای پسر بود "وقتی که جلال او را دید."

ز. آن خدای پسر بود که حزقیال نبی او را مانند انسان در حال نشستن بر تختی مشاهده و او را پرستش کرد. "و بر آن شباهتِ تخت، شباهتی مثل صورت انسان بر فوق آن بود (۲۶). ... این منظرِ شباهتِ جلال بیهوه بود و چون آن را دیدم، به روی خود در افتادم (۲۸)". (حزقیال ۱: ۲۶، ۲۸). که بعداً حزقیال متوجه شد که او خدای اسرائیل بوده است (حزقیال ۱۰: ۲۰).

۷۵- در آیه های زیر خدای پدر و خدای پسر با همدیگر یا درباره یکدیگر سخن می گویند. (میکاه ۵: ۲)؛ (اشعیا ۴۸: ۱۲، ۱۳، ۱۶)؛ (اشعیا ۴۴: ۶)؛ (حزقیال ۴۴: ۱، ۲)؛ (هوزیا ۴: ۱)؛ (هوزیا ۵: ۱۵)؛ (مزامیر ۲: ۴-۹، ۱۲)؛ (مزامیر ۶: ۷)؛ (مزامیر ۱۱۰: ۱)؛ (زکریا ۲: ۸-۱۱)؛ (زکریا ۳: ۱، ۲)؛ (زکریا ۱۱: ۴، ۱۲، ۱۳)؛ (زکریا ۱۲: ۴، ۱۰)؛ (عبرانیان ۶: ۸، ۱۰، ۱۳)؛ (پیدایش ۱: ۲۶)؛ (پیدایش ۳: ۲۲)؛ (پیدایش ۱۱: ۵-۷)؛ (پیدایش ۱۸: ۱۷-۲۲).

۷۶- عیسی مسیح زمانیکه روی زمین آمد، دو ذات داشت (ذات انسانی و ذات خدایی). گاهی اوقات او از ذات انسانی خود استفاده می کرد و اوقاتی دیگر از ذات خدایی خود. **مثال برای ذات انسانی عیسی:** ۱- او مانند یک انسان می خوابید (مرقس ۴: ۳۵-۴۱). ۲- به عنوان یک انسان با پدر آسمانی مناجات می کرد (متی ۱۴: ۲۳). ۳- مانند یک انسان برای مرگ ایلعازر گریه کرده و با مریم همدردی کرد (یوحنا ۱۱: ۳۵). ۴- مانند یک انسان گرسنه می شد و غذا می خورد (مرقس ۱۱: ۱۲-۲۱). ۵- به عنوان یک انسان روی صلیب مصلوب شد (متی ۲۷: ۵۰). **مثال برای ذات خداوندی مسیح:** ۱- به عنوان خدا طوفان دریا را آرام کرد (مزامیر ۱۰۷: ۲۹). ۲- روی آب دریا راه رفت (متی ۱۴: ۲۲-۲۷). ۳- ایلعازر را از مردگان بر خیزاند (یوحنا ۱۱: ۴۰-۴۴). ۴- روی صلیب خورشید را تاریک کرد (متی ۲۷: ۴۵). ۵- تمامی مریضان را شفا داد (متی ۹: ۳۵). ۵- گناهان انسانها را بخشید (متی ۹: ۲).

۷۷- عیسی مسیح توسط بسیاری پرستش یافت. (متی ۸: ۲)؛ (متی ۹: ۱۸)؛ (متی ۱۴: ۳۳)؛ (متی ۱۵: ۲۵)؛ (متی ۲۰: ۲۰)؛ (متی ۲۸: ۹، ۱۷)؛ (مرقس ۵: ۶)؛ (لوقا ۲۴: ۵۲)؛ (یوحنا ۹: ۳۸).

سوالات این درس:

- ۱- سه دلیلی که عیسی مسیح از لوقا ۲۴: ۲۵-۲۷ می آورد را نام ببرید؟
- ۲- ده مورد از آیه هایی که در کتاب مقدس درباره الوهیت مسیح آمده است را با ذکر آیه ای برای هر کدام، بنویسید؟

درس ۹: خدای پسر در عهد عتیق

عیسی مسیح قبل از تولدش از مریم به شکل های مختلف به انسانها ظاهر می شد تا مأموریتی که خدای پدر به او سپرده بود را انجام دهد. در آیه های زیر درباره عیسی مسیح و پیشگوییها درباره او خواهیم پرداخت. در نکته ۱ و ۲ خداوند اسم خود را به موسی به عنوان یهوه معرفی می کند که همان خداوند یهوه در عهد جدید به اسم عیسی در جهان ظاهر می شود.

۱- **خروج ۲۰: ۱-۳** "و خدا همه این کلمات را خطاب کرده، گفت: **من یهوه هستم**، خدای تو، که تو را از زمین مصر، از خانه غلامی بیرون آورده ام. خدایان دیگر در برابر من نخواهی داشت." این فرمان اول از ده فرمانی است که خداوند بالای کوه سینا به موسی داد. در این فرمان خداوند تأکید می کند که اسم او فقط یهوه است و نباید خدایی جز یهوه را پرستش کنیم.

۲- **خروج ۶: ۱-۳** "سپس خداوند به موسی گفت: الآن خواهی دید آنچه به فرعون خواهیم کرد، زیرا با یک دست قوی ایشان را رها خواهد کرد، و با یک دست قوی ایشان را از زمین خود خواهد راند. و خدا به موسی خطاب کرده، و به او گفت: من یهوه هستم. و به ابراهیم، به اسحاق، و به یعقوب به نام خدای قادر مطلق ظاهر شدم، لیکن به نام خود، یهوه، به آنها شناخته نشدم." خداوند در این آیه خود را به ابراهیم و اسحاق و یعقوب بنام خدای قادر مطلق ظاهر کرد یا به عبارت دیگر، خداوند خود را به آنها نشان داد. در عهد جدید ما می خوانیم که عیسی مسیح فرمود کسی پدر را ندیده است. "نه اینکه کسی پدر را دیده باشد، جز آن کسیکه از جانب خداست، او پدر را دیده است." (یوحنا: ۴۶). سوالی که پیش می آید اینست که، پس آن چه کسی بود که در عهد عتیق بسیاری از پیامبران مانند موسی، ابراهیم، اسحاق، یعقوب، اشعیا، و غیره او را به عنوان خدا مشاهده کرده و او را پرستیدند؟ جواب اینست که آن خود عیسی مسیح بود که قبل از اینکه از مریم تولد یابد، او خود را به پیامبران عهد عتیق نشان داد و از سوی آنها پرستش شد. عیسی از ازل وجود داشته و تا ابد خواهد بود، زیرا او خداست که به جسم ظاهر شد.

۳- **امثال ۳۰: ۴** "کیست که به آسمان صعود نموده، یا نزول کرده؟ کیست که باد را در مشت خود جمع نموده؟ کیست که آب را در یک جامه بند نموده؟ کیست که تمامی اقصای زمین را استوار ساخته؟ نام او چیست و پسر او چه اسم دارد؟ اگر می دانی بگو."

قرنها قبل از تولد عیسی مسیح، سلیمان نبی با الهام از روح القدس در کتاب امثال ادعا می کند که خداوند پسر دارد. نام او اشاره می شود به خداوند یهوه و پسر او به عیسی مسیح.

۴- **مزامیر ۲: ۱۲** "پسر را ببوسید مبدا غضبناک شود و شما از طریق هلاک شوید، هنگامیکه غضب او اندکی فروخته شود. خوشبحال همه آنانیکه بر او توکل دارند." داود نبی که ۱۰۰۰ سال قبل از مسیح زندگی می کرد، در آیه فوق درباره بازگشت دوباره پسر خدا، عیسی مسیح پیشگویی می کند و می گوید که در زمان بازگشت او، می بایست مردم او را ببوسند و به او خوش آمد گویند و او را بپذیرند. و اخطار می دهد که اگر کسی او را رد کند، مورد غضب او واقع شده و هلاک خواهد گردید. ناگفته نماند که بار اول که مسیح وارد این جهان شد، به عنوان بره خدا آمد تا برای گناهان ما قربانی شود و هرکس که او را به عنوان بره و قربانی جایگزین برای گناهان خود بپذیرد، نجات می یابد. اما بار دوم که او دوباره به این جهان بازگشت می کند، دوباره برای مصلوب شدن نمی آید بلکه برای مجازات دجال و شیطان و کسانیکه او را نپذیرفتند، می آید.

۵- **دانیال ۳: ۲۴، ۲۵** "آنگاه نبوکدنظر پادشاه متحیر شد و با عجله برخاست و خطاب کرد و به مشاوران خود گفت: آیا ما سه مرد نبسته و در وسط آتش نیانداختیم؟ آنها جواب دادند و به پادشاه گفتند: صحیح است ای پادشاه. او جواب داد و گفت: اینک من چهار مرد گشاده می بینم که در وسط آتش راه می روند و آسیبی ندیده اند، و منظر چهارمی شبیه **پسر خدا** است."

دانیال نبی یک پیامبر یهودی بود که ۵۸۰ قبل از میلاد کتاب دانیال را نوشت. نبوکدنظر پادشاه بابل در ۵۸۶ قبل از میلاد به اورشلیم حمله کرد و یهودیان را با خود به کشور بابل به اسارت برد. در بابل او مجسمه طلایی ساخت و از مردم خواست که آن مجسمه را تعظیم کنند. ولی سه جوان یهودی از دوستان دانیال به اسمهای شدراک، میشک، و عبد نغو حاضر نبودند که جز خداوند یهوه به احدی تعظیم کنند. بنابراین پادشاه عصبانی شده و دستور داد که دستان آن سه یهودی را ببندند و داخل کوره آتش بیندازند. زمانی که آن سه نفر به کوره آتش انداخته شدند، پادشاه تعجب کرد و دید که چهار نفر در آتش وجود دارند و منظر چهارمی شبیه پسر خدا بود. آن نفر چهارم پسر خدا، عیسی مسیح بود که از آسمان به زمین نازل شد تا آن سه یهودی را از آتش نجات دهد.

۶- **اشعیای نبی ۹: ۶** "زیرا برای ما ولدی زاییده، برای ما پسری داده شده است، و سلطنت بر دوش او خواهد بود. و اسم او عجیب، مشیر، خدای قدیر، پدر سرمدی، سرور سلامتی خوانده خواهد شد."

اشعیای نبی که حدود ۷۴۰ سال قبل از میلاد مسیح زندگی می کرد، در این آیه او درباره مسیح موعود پیشگویی کرده و می گوید که خدا برای ما ولدی می دهد که از زنی زاییده شده و بصورت انسان وارد این جهان می شود. نه تنها آن نجات دهنده، ۱۰۰٪ انسان خواهد بود بلکه اشعیای نبی می گوید که این نجات دهنده پسری است که به ما داده خواهد شد. و ما می دانیم که آن خدای پدر بود که پسر خود را از آسمان به ما بخشید تا برای گناهان ما بمیرد. پس او که از آسمان و از خدا داده شد، ۱۰۰٪ خدا نیز است. برای همین عیسی مسیح که روی زمین بود گاهی از ماهیت انسانی خود استفاده می کرد و گاهی دیگر از ماهیت خدایی. به عنوان مثال هنگامیکه او خسته می شد، استراحت می کرد و یا تشنه می شد و آب می نوشید چون ۱۰۰٪ مثل ما انسان بود که از ماهیت انسانی خویش استفاده می کرد. گاهی او به عنوان انسان با خدای پدر دعا و راز و نیاز می کرد و یا به عنوان انسان روی صلیب برای گناهان ما مرد. چون او ۱۰۰٪ انسان بود، توانست روی صلیب بمیرد. ولی اوقاتی دیگر او از ماهیت خدایی خویش استفاده می کرد، به عنوان مثال هنگامیکه مریضان را شفا داد، به کوران بینایی داد، ۵۰۰۰ نفر را با ۵ نان و ۲ ماهی سیر کرد، مرده ها را زنده کرد و خیلی معجزات دیگر که نشان از ماهیت خدایی عیسی را داشت. عیسی مسیح قبل از اینکه از مریم تولد یابد، او از ازل فقط ۱۰۰٪ خدا بود، ولی هنگامیکه او از مریم تولد یافت و بصورت انسان وارد این دنیا شد او ۱۰۰٪ خدا و هم ۱۰۰٪ انسان شد.

۷- میکای نبی ۵: ۲ "اما تو ای بیت لحم افراشته اگر چه تو در هزاره های یهودا کوچک باشی، ولی از تو او بیرون خواهد آمد پیش من که حکمران باشد در اسرائیل، کسی که پیش رفتن های او از قدیم و از ایام ازل بوده است."

ا. در آیه بالا "او" چه کسی است؟ و "من" چه کسی است؟ "او" خدای پسر یعنی عیسی مسیح است که در بیت لحم بدنیا آمد (متی ۲: ۱). و "من" خدای پدر است.

ب. پیش رفتن ها" یعنی چه؟ یعنی اینکه از جایی به جای دیگر رفتن برای انجام کار یا هر وظیفه ای.

ت. چه کسی و از کجا" پیش می رود؟ خدای پسر از وجود خدای پدر جدا شده و از آسمان پیش می رود به هر جاییکه پدر او را بفرستد تا خواسته او را بجا آورد. مثال: خدای پسر از آسمان نازل شد تا سه مرد یهودی را از آتش نجات دهد (دانیال ۳: ۲۴-۲۵).

ث. برای چه مدتی او در حال "بیرون رفتن" است؟ از قدیم و از ایام ازل

ج. این یعنی چه؟ این یعنی عیسی مسیح خدای ازلی است و وظیفه او اینست که از وجود پدر جدا شده و به زمین یا هر کهکشانشان دیگر که پدر او را می فرستد، روانه شده و تا آن وظیفه را به عمل رساند.

۸- خروج ۳: ۱-۱۴" و اما موسی گله پدر زن خود، يتورن، کاهن مدیان را شبانی می کرد؛ و او گله را به طرف پشت صحرا راند و به کوه خدا آمد به حوريب. و فرشته خداوند در شعله آتش از میان بوته ای بر وی ظاهر شد. و او نگریست، و اینک آن بوته با آتش می سوخت و بوته از بین نمی رفت. و موسی گفت: اکنون بدان طرف خواهیم شد تا ببینم این منظره عالی را که چرا بوته نمی سوزد. و وقتی خداوند دید که او برمی گردد تا ببیند، خدا از میان بوته به وی ندا در داد و گفت: موسی! موسی! و او گفت: بفرمایید. و او گفت: بدین جا نزدیک نشو، کفشهای خود را از پایهایت بیرون کن، زیرا مکانی که در آن ایستاده ای زمین مقدس است. او بیشتر گفت: من هستم خدای پدرت، خدای ابراهیم، خدای اسحاق، و خدای یعقوب. و موسی روی خود را پوشانید، زیرا ترسیده بود که به خدا نگاه کند. و خداوند گفت: من یقیناً مصیبت مردم خود را که در مصر اند دیده ام، و فریادشان را به دلیل سرکاران ایشان شنیده ام، زیرا غمهای ایشان را می دانم. و من پایین آمده ام تا ایشان را از دست مصریان خلاصی دهم، و تا ایشان را از آن زمین به زمین خوب و وسیع بیاورم، به زمینی که به شیر و عسل جاری است، به مکان کنعانیان و حثیان و اموریان و فرزبان و حویان و یبوسیان. و موسی به خدا گفت: اینک وقتی من نزد بنی اسرائیل آیم، و بدیشان گویم خدای پدران شما مرا نزد شما فرستاده است، و آنها به من بگویند، نام او چیست، بدیشان چه بگویم؟ و خدا به موسی گفت: من هستم آنکه هستم. و او گفت: پس به بنی اسرائیل خواهی گفت، من هستم مرا نزد شما فرستاده است."

من هستم یعنی: "من تا ابد همان خواهم بود که امروز هستم، تغییرناپذیر و ابدی." در این متن خداوند خود را ۱۵۰۰ قبل از میلاد، به پیامبر موسی ظاهر کرد و اسم خود را به عنوان "من هستم" یا به زبان عبری "یهوه" معرفی کرد و گفت "این است اسم من تا ابد الآباد." بنابراین اسم خداوند من هستم یا همان یهوه است.

۹- یوحنا ۸: ۵۷-۵۸

۱۵۰۰ سال بعد از زمانی که خدا خود را به اسم "من هستم" یا "یهوه" به موسی معرفی کرد، عیسی مسیح از مریم تولد یافت و با معجزات فراوان مورد حسد فریسیان مذهبی قرار گرفت. آنها دیدند که مسیح با معجزات خود طرفداران زیادی پیدا می کند و موقعیت و جایگاه فریسیان بین مردم خدشه دار می شود، خواستند توطئه ای بچینند تا او را دستگیر کرده و به قتل رسانند. عیسی به آنها گفت که شما

ادعا می کنید که فرزندان ابراهیم هستید ولی اعمال شیطان را بجا می آورید. او ادعا کرد که ابراهیم ۲۱۶۰ قبل از میلاد، وی را دید و خوشحال شد. فریسیان گفتند، "تو هنوز ۵۰ سال هم نداری و ادعا می کنی که جد ما ابراهیم را دیده ای؟" که عیسی در آیه زیر با این سخنان جواب آنها را داد:

"عیسی بدیشان گفت: براستی براستی به شما می گویم، قیل از اینکه ابراهیم بود، من هستم. سپس آنها سنگها برداشتند تا به او پرتاب کنند. اما عیسی خودش را مخفی ساخت و از معبد بیرون رفت از میان آنها گذشته و همچنین رد شد."

عیسی ادعا کرد که همان خدایی است که ۱۵۰۰ سال قبل به موسی خود را به عنوان "من هستم" معرفی کرد.

۱۰- یوحنا ۸: ۲۴ "از این جهت به شما گفتم که در گناهان خود خواهید مرد. زیرا اگر باور نکنید که من هستم، در گناهان خود خواهید مرد."

در این آیه عیسی مسیح می فرماید که اگر او را به عنوان "من هستم" یعنی خداوند بپوه باور نداشته باشیم، در گناهان خود خواهیم مرد و می دانیم که اگر کسی با گناهان خود بمیرد، در جهنم هلاک خواهد شد. پس باید فقط او را به عنوان خدای خود قبول کنیم و دین و خدایان دیگری که به اسمهای مختلف در دنیا هستند را رد کنیم.

۱۱- اشعای نبی ۴۸: ۱۲-۱۶ "به من گوش بده ای یعقوب و اسرائیل خوانده شده من! من او هستم! من اول هستم و همچنین آخر هستم. دست من همچنین بنیاد زمین را گذاشته است، و دست راست من آسمانها را گسترانید. وقتی که آنها را می خوانم، با هم برقرار می باشند. همگی شما جمع شوید، و بشنوید. کیست از میان ایشان که این چیزها را بیان کرده است. خداوند او را دوست داشته است. او مسرت خود را بر بابل بجا خواهد آورد و بازوی او بر کلدانیان خواهد بود. من حتی من تکلم نموده ام. آری من او را خوانده ام. من او را آورده ام و او راه خود را کامران خواهد ساخت. بیایید نزدیک من، این را بشنوید. از ابتدا من در خفا تکلم نموده ام، از زمانی که بود من وجود داشتم. و الآن خداوند بپوه و روحش مرا فرستاده است."

در آیه آخر خداوند بپوه کیست؟ بپوه خدای پدر
روحش کیست "بپوه خدای روح القدس
مرا کیست؟ بپوه خدای پسر

این متن ۲ چیز را اثبات می کند: اول اینکه خدای واحد خدای تثلیث یا سه گانه است. و دوماً خدای پسر یا همان عیسی مسیح خالق است، همانطور که در ابتدای متن او می فرماید که اول و آخر است و او بنیاد زمین را گذاشت و آسمانها را گسترانید.

سوالات این درس:

- ۱- فرمان اول از ده فرمان که در خروج ۲۰: ۱-۳ آمده است را بنویسید؟
- ۲- چه کسی خود را در عهد عتیق به ابراهیم، اسحاق و یعقوب ظاهر کرد؟
- ۳- نام او و پسر او در امثال ۳۰: ۴ به چه کسانی دلالت دارد؟
- ۴- در مزامیر ۲: ۱۲ واژه پسر کیست و این پیشگویی به چه زمانی اشاره می شود؟
- ۵- چهارمین شخص در دانیال ۳: ۲۴-۲۵ چه کسی است و چه سالی این حادثه رخ داد؟
- ۶- در اشعیا ۹: ۶ "ولدی زاییده و پسری داده شده است" به چه کسی دلالت دارد و معنی آنها چیست؟
- ۷- میکای نبی ۵: ۲ درباره چه چیزی پیشگویی می کند؟
- ۸- در خروج ۳: ۱-۱۴ خداوند به چه عنوان اسم خود را معرفی کرد و معنای آن چیست؟
- ۹- در یوحنا ۸: ۵۸ عیسی مسیح به چه عنوان اسم خود را معرفی کرد؟
- ۱۰- همانگونه که در یوحنا ۸: ۲۴ آمده، اگر باور نداشته باشیم که عیسی مسیح "من هستم" (یهوه) است چگونه خواهیم مرد؟
- ۱۱- اشعیا ۴۸: ۱۲-۱۶ دو چیز را اثبات می کند، لطفاً آنها را بنویسید؟

درس ۱۰: تولد دوباره

تولد دوباره کامل کننده عدالت مطلق خدا و تنها راه رسیدن به بهشت است.

الف - معنی تولد دوباره

عدالت مطلق دیدگاهی است که مربوط به زندگی ما می شود و آن "عدالت زندگی" نامیده می شود. (رومیان ۵: ۱۸). تغییر دل و افکار انسان از دیدگاه خداوند، باززایی یا همان تولد دوباره نامیده می شود. این از دیدگاه انسان "تغییر باور" نامیده می شود. تولد دوباره را می توان به این نحو تعریف نمود که، آن یک ارتباط الهی با انسان است (یوحنا ۳: ۵ ؛ ۱۰: ۱۰، ۲۸ ؛ اول یوحنا ۵: ۱۱) و علاوه بر ارتباط به او ذات نو نیز می بخشد (دوم پطرس ۱: ۴) و همچنین دل نو نیز می بخشد (ارمیا ۲۴: ۷ ؛ حزقیال ۱۱: ۱۹ ؛ ۳۶: ۲۶) و انسان را خلقت تازه می کند (دوم قرنتیان ۵: ۱۷ ؛ افسسیان ۲: ۱۰ ؛ ۴: ۲۴). این زندگی روحانی نو بر قوه درک او تأثیر می گذارد (اول قرنتیان ۲: ۱۴ ؛ افسسیان ۱: ۱۸ ؛ کولسیان ۳: ۱۰). آن بر اراده و خواسته او نیز تأثیر می گذارد (فیلیپیان ۲: ۱۳ ؛ دوم تسالونیکیان ۳: ۵ ؛ عبرانیان ۱۳: ۲۱). آن همچنین بر احساسات او نیز تأثیر می گذارد (متی ۵: ۴ ؛ اول پطرس ۱: ۸).

ب - لزوم تولد دوباره

کتاب مقدس بارها تأکید می کند که شخص قبل از اینکه بتواند خدا را ببیند، باید از نو متولد شود. این ادعای کتاب مقدس با دلایل و آگاهی های ویژه انجام شده است. قدوسیت، شرط ضروری برای مشارکت با خداست. کتاب مقدس در عبرانیان ۱۲: ۱۴ می گوید، "و در پی صلح با همه بکوشید و تقدسی که بغیر از آن هیچ کس خداوند را نخواهد دید." اما همه انسانها ذاتاً گناهکار و فاسد گردیده اند و اخلاقشان ضایع و تباه شده است و بر علیه خداوند گناه ورزیده اند. بنابراین انسانها طبیعتاً نمی توانند وارد ارتباط و مشارکت با خدا شوند. اما تغییر اخلاق در انسانها می تواند فقط از طریق روح خدا که به روح القدس معروف است، صورت پذیرد. او دل انسان را از نو متولد کرده و حیات و ذات نو به آن می بخشد. کتاب مقدس این تجربه یک شخص را تولد نو می نامد که شخص فرزند خدا می گردد. عیسی مسیح فرمود، "آمین آمین به تو می گویم اگر کسی از سر نو مولود نشود، ملکوت خدا را نمی تواند ببیند." (یوحنا ۳: ۳ ؛ ۱: ۱۲ ؛ اول یوحنا ۳: ۱).

همه انسانها ذاتاً پسران سرکش (افسیان ۲:۲)، فرزندان غضب (افسیان ۲: ۳)، پسران این جهان (لوقا ۱۶: ۸)، و فرزندان ابلیس (اول یوحنا ۳: ۱۰؛ متى ۱۳: ۳۸؛ ۲۳: ۱۵؛ اعمال ۱۳: ۱۰) هستند. عنوان آخر (فرزندان ابلیس) مخصوصاً اشاره می‌شود به کسانی که مسیح را به عنوان خدا و نجات دهنده خود رد می‌کنند (یوحنا: ۸: ۴۴). فقط تولد دوباره می‌تواند در انسان گناهکار ذات مقدس بوجود آورد تا او بتواند تغییر یابد و با خدا رابطه برقرار کند.

ج- معنی تولد دوباره

کتاب مقدس این تولد دوباره را عملی از سوی خداوند می‌خواند. اما مفاهیمی هستند که در آن تجربه شرکت دارند.

۱- **اراده خدا.** ما از اراده خدا تولد می‌یابیم (یوحنا: ۱۳). یعقوب در این باره می‌گوید، "او محض اراده خود ما را به وسیله کلمه حق تولید نمود، تا ما چون نوبر مخلوقات او باشیم" (یعقوب ۱: ۱۸).

۲- **مرگ و رستاخیز عیسی مسیح.** شرط تولد دوباره در ایمان به مسیح مصلوب شده است (یوحنا ۳: ۱۴-۱۶)، و همچنین ایمان به قیام عیسی مسیح از مردگان بطور مساوی برای تولد دوباره نیاز است (اول پطرس ۱: ۳).

۳- **کلام خدا.** پطرس در این باره می‌گوید، "از آنرو که تولد تازه یافتید، نه از تخم فانی بلکه از غیرفانی، یعنی به کلام خدا که زنده و تا ابدالابد باقی است." (اول پطرس ۱: ۲۳؛ یعقوب ۱: ۱۸). پولس رسول همچنین می‌گوید، "تا آن را به غسل آب به وسیله کلام طاهر ساخته، تقدیس نماید،" (افسیان ۵: ۲۶؛ تیطس ۳: ۵). بعضی از مسیحیان بر این باور هستند که غسل تعمید برای تولد دوباره ضروری است اما آن عمل، تولد دوباره را وابسته به اعمال شخص می‌کند که آن کار خداوند را تباه و بی‌فایده بشمار می‌آورد. در اعمال ۱۰: ۴۷ بطور واضح کرنیلیوس قبل از اینکه غسل تعمید بگیرد، تولد دوباره پیدا کرد. دزدی که همراه با عیسی مسیح مصلوب شد با ایمان به عیسی مسیح و بدون اینکه غسل تعمید بگیرد، تولد دوباره یافت و راهی بهشت شد (لوقا ۲۳: ۳۹-۴۳).

۴- **خادمان کلام.** خداوند از ایمانداران در مراحل نجات انسان استفاده می‌کند. سهم آنها اینست که به سادگی تمام پیام انجیل را به مردم اعلام کنند تا آنها بتوانند پیام را بشنوند، و به آن ایمان آورند و نام خداوند عیسی را بخوانند و در نهایت نجات یابند (رومیان ۱۰: ۱۴؛ اول قرنتیان ۴: ۱۵؛ فلیمون ۱۰؛ غلاطیان ۴: ۱۹).

۵- روح القدس. عامل تأثیرگذار اصلی در تولد دوباره روح القدس می باشد (یوحنا ۳: ۵ ؛ تیطوس ۳: ۵ ؛ اعمال ۱۶: ۱۴ ؛ رومیان ۹: ۱۶ ؛ فیلیپیان ۲: ۱۳). کتاب مقدس به خودی خود این اراده را تحمیل نمی کند، علاوه بر آن دل شخصی که تولد نو ندارد از حقیقت کلام خدا متنفر است تا اینکه روح القدس در آن شخص کار کرده و او را از گناهانش محکوم کند تا او چشمانش به حقیقت کلام خدا باز شده و نیاز به نجات دهنده را در خود ببیند.

د- ثمرات تولد دوباره. کتاب مقدس می گوید که تولد دوباره باعث به بار آمدن ثمراتی چند می شود. آن ثمرات را با مشاهده زندگی یک شخص می توان آزمایش کرده و بدانیم که آیا او واقعاً تولد دوباره دارد یا نه. آن ثمرات تولد دوباره عبارتند از:

۱- کسی که از خدا تولد می یابد بر وسوسه ها غلبه می کند (اول یوحنا ۳: ۹ ؛ ۵: ۴، ۱۸). زمان حالی که در آن آیه ها استفاده شده است مبنی بر پیروزی همیشگی دارد. در نتیجه شخص از نو متولد شده شروع به اعمال عادلانه می کند. گرچه این بدین معنا نیست که او کاملاً بی گناه می شود.

۲- طرز افکار شخص دوباره تولد یافته با دیگران فرق می کند. او بطور دائم برادران و خواهران ایماندار خود را دوست می دارد (اول یوحنا ۵: ۱). او بطور دائم خدا را دوست داشته و عاشق او می شود (اول یوحنا ۴: ۱۹ ؛ ۵: ۲). او کلام خدا را دوست می دارد (مزمیر ۱۱۹: ۹۷ ؛ اول پطرس ۲: ۲). او دشمنانش را دوست می دارد (متی ۵: ۴۴). او کسانی که نجات نیافته اند را دوست می دارد (دوم قرنتیان ۵: ۱۴).

۳- شخص از نو تولد یافته همچنین با فرزند خدا بودن و از معاش زندگی که خدا برای او تأمین می کند، لذت می برد (متی ۷: ۱۱ ؛ لوقا ۱۱: ۱۳). او از یافتن اراده خدا در زندگی خود لذت می برد (اول قرنتیان ۲: ۱۰-۱۲ ؛ افسسیان ۱: ۹). او از دوری کردن از گناه لذت می برد (اول یوحنا ۵: ۱۸).

۴- شخص از نو تولد یافته همچنین میراث خدا و هم ارث مسیح می باشد (رومیان ۸: ۱۷). گرچه او هنوز وارث آن میراث خدا که در آینده رخ می دهد، نشده است ولی خدا به او هدیه روح القدس را به عنوان نشانه ارث خود داده است (افسسیان ۱: ۱۳). آن ثمرات شاید بطور واضح و در ظاهر دیده نشود ولی آن ثمرات برای شخص تولد یافته بسیار واقعی است.

سوالات این درس:

- ۱- تولد دوباره را تعریف کنید؟
- ۲- آیا تولد دوباره برای انسان ضروری است؟ چرا؟
- ۳- تولد دوباره چه تأثیری بر زندگی انسان می گذارد؟
- ۴- همه انسانها ذاتاً چگونه هستند، با آیه ای برای هر یک بنویسید؟
- ۵- کتاب مقدس کسانیکه عیسی مسیح را به عنوان خداوند و نجات دهنده خود رد می کنند را چه می نامد؟ آیه ای را بنویسید؟
- ۶- چه چیزهایی در تولد دوباره انسان شرکت دارند؟
- ۷- آیا غسل تعمید برای تولد دوباره انسان ضروری است؟ با آیه ای دلیل بیاورید؟
- ۸- سهم خادمان کلام در نجات انسانها چیست؟ آیه ای را در این باره بنویسید؟
- ۹- عامل تأثیرگذار اصلی در تولد دوباره چه کسی می باشد؟ آیه ای را بنویسید؟
- ۱۰- ثمرات تولد دوباره کدامند؟

آیه های کلیدی این درس: یوحنا ۳: ۵-۳؛ اول پطرس ۱: ۲۳؛ تیطوس ۳: ۵

درس ۱۱: نجات

وقتی که من نجات پیدا کردم چه اتفاقی افتاد و رابطه من با خداوند چیست؟

وقتی که عیسی مسیح را به عنوان منجی تان دریافت کردید، شما بهترین و مهمترین تصمیم در زندگیتان را گرفتید. هرچند بعید است که شما اهمیت واقعی چیزی که در زندگیتان اتفاق افتاد را درک کنید، هدف این درس اینست که شما را بطور مختصر از چیزهایی که در زندگیتان اتفاق افتاد، آگاه سازد و به شما نشان دهد که چگونه تصمیم تان برای ایجاد رابطه با خداوند بر شما اثر گذاشت.

۱. تنها دو خانواده روحانی در دنیا وجود دارد.

الف) خانواده شیطان

- یوحنا ۸: ۴۴ راجب به گروهی از مردم صحبت می کند که از پدر خود ابلیس می باشند. " شما از پدر خود ابلیس می باشید و خواهشهای پدر خود را می خواهید به عمل آرید. او از اول قاتل بود و در راستی ثابت نمی باشد، از آنجهت که در او راستی نیست. هرگاه به دروغ سخن می گوید، از ذات خود می گوید زیرا دروغگو و پدر دروغگویان است." همچنین رجوع کنید به یوحنا ۸: ۳۸
- ما با تولدمان بوسیله پدر زمینی، (پدري که از نسل آدم می باشد) وارد خانواده زمینی خود می شویم. پیدایش ۵: ۳ نشان می دهد که نوادگان آدم در تصویر و شباهت آدم که یک گناهکار شکست خورده می باشد متولد شده اند. " و آدم صد و سی سال بزیست، پس پسری به شیبه و بصورت خود آورد، و او را شیت نامید."
- ما ذات گناه را از پدرمان آدم به ارث برده ایم. " بنابراین همچنان که بوسیله یک انسان گناه وارد جهان گردید و مرگ بوسیله گناه و به اینگونه مرگ بر همه انسانها جاری گشت از آنجا که همه گناه کرده اند" (رومیان ۵: ۱۲). کلام خدا می فرماید که در نتیجه گناهانمان ما به مرگ محکوم شده ایم.

الف) " مزد گناه مرگ است." رومیان ۶: ۲۳

ب) " در آدم همه می میرند." اول قرنتیان ۱۵: ۲۲

ب) خانواده خدا

۱. "اما همه کسانی که او را دریافت کردند (تصمیمی که عیسی مسیح را به عنوان منجی خود دریافت کنی) به آنها او قدرت داد تا فرزندان خدا گردند (ورودتان به خانواده خدا) حتی به آنهایی که به نامش ایمان می آورد که نه از خون نه از اراده جسم نه از اراده انسان (آن تولد جسمانی نیست) بلکه از خدا تولد یافتند. (آن تولد روحانی می باشد)." یوحنا ۱: ۱۲-۱۳

۲. تولد روحانی به وسیله پدر روحانی ما صورت می گیرد. "مگر اینکه یک شخص از نو متولد نشود، نمی تواند ملکوت خدا را ببیند." یوحنا ۳: ۳

۳. این تولد تازه ما را در خانواده خدا قرار می دهد، همانطوریکه تولد جسمانی ما را در خانواده پدرمان قرار می دهد. ما حالا با تولد فرزند خدا هستیم.

۴. در نتیجه تولد تازه ما ذات الوهیت خدا را به ارث می بریم و حالا ما حیات ابد داریم.

• یوحنا ۶: ۴۷ "هر که به من ایمان آورد، حیات جاودانی دارد." (زمان حال)

• یوحنا ۳: ۳۶ "هر که به پسر ایمان آورد، حیات جاودانی دارد." (زمان حال)

• اول یوحنا ۵: ۱۲ "هر که پسر را دارد، حیات دارد." (زمان حال)

۲. قرار گرفتن در خانواده خدا ما را از خانواده شیطان جدا می کند.

الف) بدن های ما حالا معبد روح القدس است. روح القدس خداوند در درون ما زندگی می کند. اول قرنتیان ۶: ۱۹ "آیا نمی دانید که بدن شما هیكل روح القدس است که در شما است که از خدا یافته اید و از آن خود نیستید؟"

ب) دوم قرنتیان ۶: ۱۴ - ۱۸ به ایمانداران حکم می کند که فرق بین خود و بی ایمانان را نگاه دارند. "زیر یوغ ناموافق با بی ایمانان مشوید، زیرا عدالت را با گناه چه رفاقت و نور را با ظلمت چه شراکت است؟ و مسیح را با بلیعال چه مناسبت و مؤمن را با کافر چه نصیب است؟ و هیكل خدا را با بتها چه موافقت؟ زیرا شما هیكل خدای حی می باشید، چنانکه خدا گفت که در ایشان ساکن خواهیم بود و در ایشان راه خواهیم رفت و خدای ایشان خواهیم بود، و ایشان قوم من خواهند بود. پس خداوند می گوید از میان ایشان بیرون آید و جدا شوید و چیز ناپاک را لمس نکنید تا من شما را مقبول بدارم، و شما را پدر خواهیم بود و شما مرا پسران و دختران خواهید بود؛ خداوند قادر مطلق می گوید."

ج) زندگی تازه در دوم قرن‌تیم ۵ : ۱۷ - ۱۸ برای ما خلاصه شده است. "بنابراین اگر یک شخص در مسیح باشد یک خلقت تازه است چیزهای کهنه در گذشته است، اینک همه چیز تازه شده اند و همه چیز از خدا هستند که ما را بوسیله عیسی مسیح به خودش صلح داده است."

۳. بعد از تولد دوباره رابطه ما با خدا چیست؟

الف) او پدر آسمانی ماست و ما فرزندان او هستیم. اول یوحنا ۲ : ۱ می گوید: "فرزندان کوچک من این چیزها را به شما می نویسم که شما گناه نکنید و اگر کسی گناه کند ما یک مدافع داریم با پدر، یعنی عیسی مسیح عادل."

ب) اکنون که ما نجات یافته ایم خداوند با ما به عنوان گناهکار برخورد نمی کند بلکه به عنوان فرزند با ما برخورد می کند.

ج) این رابطه یک تصویری است از رابطه زمینی بین پدر و فرزندش:

۱. یک پدر خوب فرزندش را دوست می دارد و به او توجه می کند. اول پطرس ۵ : ۷
۲. یک پدر خوب از فرزندش محافظت می کند. متی ۱۸ : ۶
۳. یک پدر خوب احتیاجات فرزند خود را رفع می نماید. فیلیپیان ۴ : ۱۹
۴. یک پدر خوب فرزندش را هدایت می کند و به او تعلیم می دهد. یوحنا ۱۴ : ۲۶
۵. یک پدر خوب به فرزندش کمک می کند. مزمیر ۴۶ : ۱
۶. یک پدر خوب فرزندش را تشویق می کند. فیلیپیان ۴ : ۱۳
۷. یک پدر خوب فرزندش را تربیت می کند. عبرانیان ۱۲ : ۵ - ۱۱
۸. یک پدر خوب فرزندش را سیر می کند. متی ۴ : ۴
۹. یک پدر خوب برای فرزندش برنامه ریزی می کند. رومیان ۸ : ۲۸ - ۲۹
۱۰. یک پدر خوب هرگز از قصد کاری نمی کند تا به فرزندش آسیب برساند. او فقط کاری می کند که فرزندش رشد کند. همانطوریکه یک پدر زمینی می خواهد که فرزندش بالغ و جوان شود، پدر آسمانی ما نیز به همینگونه عمل می کند. فقط روش های اوست که کامل است. بر عکس پدر زمینی ما که بعضی وقتها خطا می کند، خداوند هرگز در کار خود با فرزند خویش اشتباه نمی کند. "پس اگر شما که شری می باشید می دانید چطور به فرزندان خود هدایای نیکو دهید، چقدر بیشتر پدرتان که در آسمان است چیزهای نیکو را به آنها می دهد که از او می خواهند، خواهد داد." متی ۷ :

۴. وقتی که تولد روحانی می یابیم، ذات جسمانی خود را از دست نمی دهیم.

الف) این مسلم است زیرا که ما هنوز زنده ایم.

ب) ما اکنون دو ذات داریم:

۱. ذات کهنه - جسمانی، گناه آلود، در شباهت آدم

۲. ذات نو - روحانی، کامل، در شباهت خدا

ج) هر دو ذات دائماً در ما وجود دارند. هر کدام که ما را کنترل می کند همان است که ما آن را سیر می کنیم.

" پس اعضای خود را که بر زمین است مقتول سازید، زنا و ناپاکی و هوی و هوس و شهوت قبیح و طمع که بت پرستی است که به سبب اینها غضب خدا بر اینای معصیت وارد می آید. که شما نیز سابقاً در اینها رفتار می کردید، هنگامی که در آنها زیست می نمودید. لیکن الحال شما همه را ترک کنید، یعنی خشم و غیظ و بدخوبی و بدگویی و فحش را از زبان خود. به یکدیگر دروغ مگویید، چونکه انسانیت کهنه را با اعمالش از خود بیرون کرده اید، و تازه را پوشیده اید که به صورت خالق خویش تا به معرفت کامل، تازه می شود." کولسیان ۳: ۵ - ۱۰

" چون می دانیم او که عیسی خداوند را برخیزانید، ما را نیز با عیسی خواهد برخیزانید و با شما حاضر خواهد ساخت. زیرا که همه چیز برای شما است تا آن فیضی که به وسیله بسیاری افزوده شده است، شکرگزاری را برای تمجید خدا بیفزاید. از این جهت خسته خاطر نمی شویم، بلکه هر چند انسانیت ظاهری ما فانی می شود، لیکن باطن روز بروز تازه می گردد. زیرا که این زحمت سبک ما که برای لحظه ای است، بار جاودانی جلال را برای ما زیاده و زیاده پیدا می کند. در حالی که ما نظر نمی کنیم به چیزهای دیدنی، بلکه به چیزهای نادیدنی، زیرا که آنچه دیدنی است، زمانی است و نادیدنی جاودانی." دوم قرنتیان ۴: ۱۴ - ۱۸

سوالات مقدماتی

الف) آیا بعد از اینکه من نجات پیدا کردم، گناه خواهم کرد؟

بله، مادامیکه در این جسم زمینی هستیم، ذات کهنه و گناه آلود خود را خواهیم داشت. "خدا را شکر میکنم بوساطت خداوند ما عیسی مسیح. خلاصه اینکه من به ذهن خود شریعت خدا را بندگی می کنم و اما به جسم خود شریعت گناه را." رومیان ۷: ۲۵

ب) چگونه گناهان من بر رابطه من با پدر آسمانی تأثیر می گذارد؟

وقتی که ما گناه می کنیم، خداوند ما را از خانواده خودش بیرون نمی اندازد بلکه او ما را به عنوان فرزند خویش تربیت و تادیب می کند. "و نصیحتی را فراموش نموده‌اید که با شما چون با پسران مکالمه می کند که ای پسر من تادیب خداوند را خوار مشمار و وقتی که از او سرزنش یابی، خسته خاطر مشو. زیرا هر که را خداوند دوست می دارد، توبیخ می فرماید و هر فرزند مقبول خود را به تازیانه می زند. اگر متحمل تادیب شوید، خدا با شما مثل با پسران رفتار می نماید. زیرا کدام پسر است که پدرش او را تادیب نکند؟ لکن اگر بی تادیب می باشید، که همه از آن بهره یافتند، پس شما حرامزادگانید نه پسران. و دیگر پدران جسم خود را وقتی داشتیم که ما را تادیب می نمودند و ایشان را احترام می نمودیم، آیا از طریق اولی پدر روحها را اطاعت نکنیم تا زنده شویم؟ زیرا که ایشان اندک زمانی، موافق صوابدید خود ما را تادیب کردند، لکن او بجهت فایده تا شریک قدوسیّت او گردیم. لکن هر تادیب در حال، نه از خوشیها بلکه از دردها می نماید، اما در آخر میوه عدالت سلامتی را برای آنانی که از آن ریاضت یافته‌اند بار می آورد." عبرانیان ۱۲: ۵-۱۱

ج) وقتی که گناه می کنم، چه کاری باید انجام دهم؟

گناهانت را اعتراف کن و به خون عیسی مسیح اعتماد کن تا گناهانت را پاک کند. "هر که گناه خود را بیوشاند، سعادتمند نخواهد شد؛ اما هر که آن را اعتراف کند و ترک نماید رحمت خواهد یافت." امثال ۲۸: ۱۳ (همچنین به اول یوحنا ۱: ۶-۱۰ رجوع کنید).

سوالات این درس:

۱. دو پدر روحانی که در یوحنا ۸: ۳۸ ذکر شده چه کسی می باشند؟ آیه ای از کتاب مقدس در این رابطه بیاورید؟
۲. چگونه یک شخص وارد خانواده شیطان می شود؟
۳. چگونه یک شخص وارد خانواده خدا می شود؟

۴. چرا انسانها بعد از تولد جسمانی یا اولین تولد، محکوم به مرگ هستند؟
۵. سه آیه که به ما وعده حیات جاودان می دهد را بنویسید؟
۶. دو دلیل بیاورید که چرا یک مسیحی در خانواده خدا با یک غیر مسیحی در خانواده شیطان فرق می کند؟
۷. خداوند اکنون با ما به عنوان برخورد می کند نه به عنوان یک
۸. رابطه تازه ما با خدا می تواند بوسیله رابطه زمینی یک پدر با فرزندش دیده شود. ۹ راهی که خداوند با ما به عنوان فرزندش معامله می کند را ذکر کنید؟
۹. به طور خلاصه دو ذاتی که ما داریم را شرح دهید؟
۱۰. دلیلی که یک ذات به ذات دیگر چیره می شود چیست؟
۱۱. وقتی که یک مسیحی انتخاب کند که به یک گناه خاص ادامه دهد، چه انتظاری از خداوند باید داشته باشد؟
۱۲. طبق اول یوحنا ۱ : ۹ وقتی که گناهانمان را به خدا اعتراف می کنیم او ما را و ما را از همه ناراستی.....
۱۳. به طور خلاصه هدف از این درس را شرح دهید؟

آیه های حفظی: یوحنا: ۸: ۴۴ ؛ یوحنا ۱ : ۱۲-۱۳

درس ۱۲: اطمینان یافتن از نجات

"اکنون که من نجات یافته ام، آیا می توانم نجاتم را از دست بدهم؟"

یکبار که شخص سؤالات راجع به نجات را که کتاب مقدس بیان می کند، رفع می کند، نیازمند است که بفهمد چگونه تصمیم او بر تمام ناحیه زندگی وی اثر گذاشته است.

در درس یازدهم، یاد گرفتیم که دو خانواده روحانی روی این زمین وجود دارند. همچنین یاد گرفتیم که در اولین تولد یعنی تولد جسمانی، ما در خانواده شیطان متولد شدیم و در تولد روحانی، زمانی که عیسی مسیح را به عنوان منجی خود دریافت کردیم، در خانواده خدا متولد شدیم (یوحنا: ۱۲-۱۳). در این درس ما درباره جایگاه یک نو ایمان در خانواده خدا بحث خواهیم کرد و سؤالات راجع به تضمین و اطمینان از نجات یک مسیحی را با حقایق کتاب مقدس پاسخ خواهیم داد.

اقرار کردن با زبان خود به خداوند بودن عیسی مسیح

یکی از دروغهایی که شیطان در افکار ما می گنجاند اینست که شاید نجات پیدا نکرده ایم. شاید هنگامیکه نام عیسی مسیح را برای نجاتمان خواندیم، به اندازه کافی صادق نبودیم.

سؤال: از کجا می دانیم که وقتی که نام عیسی را برای نجاتمان خواندیم، به اندازه کافی صادق بودیم؟
جواب:

۱- رومیان ۱۰: ۹ برای سنجیدن نجات واقعی دو آزمون را به ما می دهد. این دو آزمون عبارتند از:

أ. "لکن اگر به زبان خود عیسی خداوند را اعتراف کنی

ب. و در دل خود ایمان آوری که خدا او را از مردگان برخیزانید، نجات خواهی یافت."

اگر ایمان آوری که خدا، عیسی مسیح را از مردگان برخیزاند، ما دومین شرط (ب) را پشت سر گذاشتیم. معنی شرط اول، "اگر به زبان خود عیسی خداوند را اعتراف کنی" چیست؟

این یعنی اگر ما نزد دیگران اعتراف کنیم که "عیسی مسیح را به عنوان خداوند و نجات دهنده خود قبول کردم". این ثابت می کند که ما در ایمان خود جدی هستیم و بنابراین واقعاً نجات پیدا کرده ایم. آیا می توانید این اعتراف را نزد دیگران بکنید؟

۲- اگر ما در نزد دیگران عیسی مسیح را اقرار (اعتراف) کنیم، مسیح نیز ما را نزد خدای پدر اقرار خواهد کرد. "هرکه در حضور مردم مرا اقرار کند، من نیز در حضور پدر خود که در آسمان است او را اقرار خواهم نمود. و هرکس که در حضور مردم مرا انکار نماید، من نیز وی را نزد پدر خود که در آسمان است انکار خواهم نمود." (متی ۱۰: ۳۲ و ۳۳).

۳- اگر ما مسیح را در حضور مردم اقرار کنیم، مسیح نیز ما را در نزد فرشتگان خدا اقرار خواهد کرد. "...هر آنکس که مرا در حضور مردم تصدیق نماید، پسر انسان نیز وی را در حضور فرشتگان تصدیق خواهد کرد. ولی آنکس که مرا انکار کند نزد مردم، در نزد فرشتگان خدا انکار خواهد شد. (لوقا ۱۲: ۸ و ۹)

سؤال: از نکته ۲ و ۳ بالا اگر ما عیسی مسیح را به عنوان خداوند و نجات دهنده خود در نزد مردم اقرار کنیم، کدام دو چیز را عیسی مسیح برای ما انجام خواهد داد؟

آیا به کسی گفته اید که عیسی مسیح را به عنوان خداوند و نجات دهنده خود قبول کردید؟ اسمشان چه بود _____ در چه تاریخی: _____

چند نکته در مورد اطمینان داشتن از نجات و رفتن به بهشت:

۱- درباره اطمینان از نجاتمان، بیایید وعده های عیسی مسیح را مطالعه کنیم.

(الف) عیسی مسیح وعده می دهد که، "... هرکه پیش من آید، من به هیچ وجه بیرون نخواهم کرد" (یوحنا ۶: ۳۷). خدا هرگز ما را از خانواده خود بیرون نخواهد کرد، حتی اگر در هر شرایطی که باشد.

(ب) یوحنا ۱۰: ۲۷-۲۹ بطور واضح بیان می کند که هیچ کس نمی تواند باعث شود که ما نجاتمان را از دست بدهیم، زیرا پدر آسمانی ما از همه بزرگ تر است. بنابراین کسی نمی تواند ما را از دست او بگیرد. "گوسفندان من آواز مرا می شنوند و من آنها را می شناسم و مرا متابعت می کنند. و من به آنها حیات جاودانی می دهم و تا به ابد هلاک نخواهند شد و هیچکس آنها را از دست من نخواهد گرفت. پدری که به من داد از همه بزرگتر است و کسی نمی تواند از دست پدر من بگیرد."

۲- بسیار خوب، خدا مرا بیرون نخواهد کرد، و هیچ کس نمی تواند مرا از دست او بگیرد، ولی خود من چگونه؟ آیا می توانم کاری انجام دهم که نجاتم را از دست بدهم؟

الف) نجات بوسیله فیض از طریق ایمان بدست می آید و نه بوسیله اعمال. نجات از جهنم هدیه ای است از طرف خدا. هیچ کس نمی تواند خودش باعث از دست دادن نجات خود شود، چون هیچ کس آنرا خودش بدست نمی آورد. "زیرا بوسیله فیض نجات یافته اید، از طریق ایمان و این از خودتان نیست، آن هدیه خداست نه از اعمال مبادا کسی به خود ببالد." (افسیسان ۲: ۸-۹).

ب) غلاطیان ۳: ۱۰ و یعقوب ۲: ۱۰ به ما می گوید که اگر ما کاری انجام می دادیم که بخواهیم نجات را بدست بیاوریم یا آنرا نگاه داریم، می توانستیم آنرا به آسانی از دست بدهیم. اما کتاب مقدس به ما اطمینان می دهد که آن عیسی مسیح است که نجات ما را حفظ می کند، نه ما خودمان. "و از این جهت این زحمات را می کشم بلکه عار ندارم چون می دانم به که ایمان آوردم و مرا یقین است که او قادر است که امانت مرا تا به آن روز حفظ کند." دوم تیموتائوس ۱: ۱۲

پ) غلاطیان ۲: ۲۱ بیان می کند که اگر ما می توانستیم با کارهایی که انجام می دهیم، عادل شویم، پس مرگ عیسی مسیح یک کار بیهوده ای می بود. "فیض خدا را باطل نمی سازم، زیرا اگر عدالت به شریعت می بود، هرآینه مسیح عبث مرد."

۳- بسیار خوب، خدا مرا بیرون نخواهد کرد، و هیچ کس نمی تواند باعث شود که من نجاتم را از دست دهم، و من خودم هم نمی توانم آن را از دست بدهم، ولی آیا چیز دیگری وجود دارد که باعث از دست دادن نجاتم شود؟

خیر، رومیان ۸: ۳۸-۳۹، "زیرا من یقین دارم که نه":

- الف) "مرگ" - ما وقتی که می میریم، نمی توانیم نجات خود را از دست بدهیم.
ب) "زندگی" - زمانیکه هنوز زنده هستیم، نمی توانیم نجات خود را از دست بدهیم.
پ) "فرشتگان" - نمی توانند آنرا از ما بگیرند.
ت) "رؤسا" - دولتها نمی توانند آنرا از ما بگیرند.
ث) "قدرتها" - شیطان نمی تواند باعث شود که نجات خود را از دست بدهیم.
ج) "چیزهای حال" - چیزهایی که هم اکنون اتفاق می افتند نمی توانند آنرا از بین ببرند.
چ) "چیزهای آینده" - اتفاقات آینده نمی توانند باعث از دست دادن نجات ما شوند.

ح) "بلندی" - هیچ چیز در آسمان بالا نمی تواند نجات ما را از بین ببرد.
خ) "پستی" - هیچ چیز در زیر زمین نمی تواند نجات ما را از بین ببرد.
د) نه هیچ مخلوق دیگری قادر خواهد بود که ما را از محبت خدا که در مسیح عیسی خداوند ماست، جدا سازد.

۴- چرا اینگونه است؟

الف) زیرا ارتباط ما با خدا یک ارتباط پدر و فرزند است که بوسیله تولد دوباره صورت می گیرد. " و اما به آن کسانی که او را دریافت کردند، به آنها او قدرت داد تا فرزندان خدا گردند، یعنی به هر که به اسم او ایمان آورد، که نه از خون و نه از خواهش جسد و نه از خواهش مردم، بلکه از خدا تولد یافتند." یوحنا: ۱۲-۱۳

ب) وقتی که ما جسماً به دنیا آمدیم، تولدمان در شناسنامه ای ثبت شد. وقتی که ما تولد دوباره می یابیم، این تولد ما نیز ثبت می شود. "و آن شهادت این است که خدا حیات جاودانی به ما داده است و این حیات در پسر اوست. آنکه پسر را دارد حیات را دارد و آنکه پسر خدا را ندارد حیات را نیافته است. این را نوشتم به شما که به اسم پسر خدا ایمان آورده اید تا بدانید که حیات جاودانی دارید و تا به اسم پسر خدا ایمان بیاورید." اول یوحنا: ۱۱-۱۳

پ) در زمان تولدمان، شناسنامه ما مهر خورده شد. تولد روحانی ما نیز بوسیله روح القدس خداوند مهر می خورد. "و در وی، شما نیز چون کلام راستی، یعنی بشارت نجات خود را شنیدید، در وی چون ایمان آوردید، از روح قدوس وعده مختوم شدید." افسسیان: ۱: ۱۳

ت) ما تا به ابد فرزند پدرمان خواهیم بود زیرا ما از تخم او تولد یافتیم. ما می توانیم کشورمان را ترک کنیم، اسم مان را عوض کنیم و از خانواده پدری خود فرار کنیم و هرگز او را نبینیم و بقیه طول عمرمان از او نشنویم، ولی هیچ یک از اینها نمی تواند واقعیت اینکه او پدر ما است را عوض کند. رابطه ما با پدر آسمانی نیز درست به همین شکل است. ما می توانیم بمیریم ولی نمی توانیم تولد دوباره خود را از بین ببریم. هر دو تولدمان (تولد جسمانی و روحانی) تا به ابد صورت گرفته و حتی خداوند خودش نیز تابحال آن دو تولد را تغییر نداده و نخواهد داد.

سوالات پایه ای:

۱- چگونه می توانم مطمئن شوم که نجات یافته ام؟

نامه اول یوحنا برای همین هدف نوشته شده است. اول یوحنا ۵: ۱۳ می گوید، "این چیزها را به شما نوشته ام که به نام پسر خدا ایمان آورید؛ تا بدانید که حیات جاودان دارید..." به عنوان یک مسیحی نو ایمان، اول یوحنا می تواند به شما کمک کند که این سوال شما برطرف شود تا بتوانید در ایمانتان رشد کنید. خداوند می فرماید: "تا بدانید که حیات جاودان دارید." با ایمان به عیسی مسیح ما باید بدانیم که حیات جاودان داریم به دلیل اینکه خداوند دروغ نمی گوید و یا با ما شوخی نمی کند.

۲- اگر احساس نکنم نجات یافته‌ام چطور؟

الف) نجات ما بر اساس احساسات بنا نمی شود، بلکه بر اساس حقانیت کلام خدا.

اول یوحنا ۳: ۲۰ می گوید، "زیرا اگر دل ما، ما را محکوم سازد (یعنی اگر ما فکر کنیم و یا در دل خود احساس کنیم)، خدا از دل ما بزرگتر است و همه چیزها را می داند." خدا می داند اگر ما نجات را داریم یا نه، حتی اگر خود ما هم احساس نکنیم که نجات را داریم.

تیطس ۱: ۲ می گوید، "به امید حیات جاودانی که خدایی که نمی تواند دروغ بگوید، وعده داد قبل از اینکه دنیا آغاز شد."

ب) باید ایمان داشته باشیم به چیزی که خداوند در کلام خود فرموده. "و این است آن وعده ای که او به ما داده است یعنی حیات جاودان." اول یوحنا ۴: ۲۵

سوالات این درس:

۱- در یوحنا ۶: ۳۷ وعده ای که به ما داده شده است که ما می توانیم ادعا کنیم، چیست؟

۲- از یوحنا ۱۰: ۲۷-۲۹، می توانیم بفهمیم که هیچ کس نمی تواند باعث از دست دادن نجاتمان شود. چرا اینگونه است؟

۳- ما نمی توانیم کاری انجام دهیم که باعث از دست دادن نجاتمان شود. از آیه های زیر چه چیزی می توانیم یاد بگیریم؟

الف) افسسیان ۲: ۸-۹

ب) دوم تیموتائوس ۱: ۱۲

ج) غلاطیان ۲: ۲۱

- ۴- آیا در کل چیزی وجود دارد که ما را از محبت خدا جدا سازد؟
- ۵- رومیان ۸: ۳۸-۳۹ نشان می دهد که ما محبت خدا را در..... دریافت کرده ایم.
- ۶- به طور اختصار سه نمونه ای که تولد روحانی ما را به تولد جسمانی ربط می دهد، را شرح دهید؟
- ۷- چه آیه ای بیان می کند که ما می توانیم بدانیم که حیات جاودان داریم؟
- ۸- آیه های زیر چه چیزی را درباره وعده حیات جاودان به ما می آموزد؟
- الف) اول یوحنا ۳: ۲۰
- ب) تیتس ۱: ۲
- ج) اول یوحنا ۲: ۲۵
- ۹- مختصراً هدف این درس را شرح دهید؟

آیه های کلیدی این درس: افسیسان ۲: ۸-۹ ؛ اول یوحنا ۲: ۲۵ ؛ اول یوحنا ۵: ۱۳

درس ۱۳: غسل تعمید

" اکنون که من نجات یافته ام، از کجا باید شروع کنم؟ "

تقریباً هر مذهبی به نوعی غسل تعمید دارند که از کتاب مقدس کپی برداری کرده اند. کلیساهای مختلفی هستند که روش تعمید گوناگونی را استفاده می کنند که طبق کتاب مقدس صحیح نیست. این درس قصد دارد که تعلیم واضح و قطعی از کتاب مقدس را درباره تعمید به ما بدهد تا با آن کاملاً آشنایی پیدا کنیم و هدف خداوند درباره تعمید را بدانیم.

۱- چرا خداوند به ما امر می کند که تعمید بگیریم؟

الف) تعمید اولین عمل اطاعت در خدمت به خداوند است. هر کسی می تواند تعمید گیرد، و آن نیازی به استعداد و توانایی ندارد.

ب) عیسی مسیح قبل از اینکه خدمت عمومی خود را شروع کند، با تعمید گرفتن برای ما نمونه ای گذاشت. متی ۳: ۱۳-۱۷ " آنگاه عیسی از جلیل به اردن نزد یحیی آمد تا از او تعمید یابد. ۱۴ اما یحیی او را منع نموده ، گفت: من احتیاج دارم که از تو تعمید یابم و تو نزد من می آیی؟ عیسی در جواب وی گفت: الآن بگذار، زیرا که ما را همچنین مناسب است تا تمام عدالت را به کمال رسانیم پس او را واگذاشت. ۱۶ اما عیسی چون تعمید یافت، فوراً از آب برآمد که در ساعت آسمان بر وی گشاده شد و روح خدا را دید که مثل کبوتری نزول کرده، بر وی می آید. ۱۷ آنگاه خطابی از آسمان در رسید که، "این است پسر حبیب من که از او شنودم." (همچنین به مرقس ۱: ۹-۱۱؛ لوقا ۳: ۲۱-۲۲ رجوع کنید.)

ج) در متی ۳: ۱۳-۱۵، واضح است که عیسی مسیح در اطاعت از اهداف خدا تعمید گرفت.

درآیه ۱۵ او فرمود، "الآن بگذار، زیرا که ما را همچنین مناسب است تا تمام عدالت را به کمال رسانیم." این نکته تسلیم و اطاعت یک امر مهمی است که درباره تعمید می توانیم تشخیص دهیم.

د) شخصیت های دیگر در کتاب مقدس که بعد از نجات یافتن تعمید گرفتند.

۱. **خواجه سرای حبشی.** "و چون در عرض راه به آبی رسیدند، خواجه گفت، اینک، آب است! از تعمید یافتنم چه چیز مانع می‌باشد؟ فیلیپس گفت، هرگاه به تمام دل ایمان آوردی، جایز است. او در جواب گفت، ایمان آوردم که عیسی مسیح پسر خداست. پس حکم کرد تا ارابه را نگاه دارند و فیلیپس با خواجه سرا هر دو به آب فرود شدند. پس او را تعمید داد. و چون از آب بالا آمدند، روح خداوند فیلیپس را برداشته، خواجه سرا دیگر او را نیافت زیرا که راه خود را به خوشی پیش گرفت." اعمال رسولان: ۸: ۳۶-۳۹

۲. **پولس رسول.** "در ساعت از چشمان او چیزی مثل فلس افتاده، بینایی یافت و برخاسته، تعمید گرفت." اعمال: ۹: ۱۸

۳. **زندانبان فیلیپی با خانه اش.** اعمال: ۱۶: ۲۵-۳۳

۲- هدف از تعمید چیست؟

الف) چندین نوع از تعمید در کتاب مقدس ذکر شده است. در هر مورد تعمید جسمانی تصویری از تعمید روحانی می‌باشد. نکته مهم که باید در نظر بگیریم اینست که بدانیم تعمید چه تصویری را به نمایش می‌گذارد.

ب) رومیان ۶: ۱-۷ (مخصوصاً آیه ۳-۴) نشان می‌دهد که تعمید ۲ هدف دارد. "پس چه گوییم؟ آیا در گناه بمانیم تا فیض افزون گردد؟ حاشا! مایانی که از گناه مردیم، چگونه دیگر در آن زیست کنیم؟ یا نمی‌دانید که جمیع ما که در مسیح عیسی تعمید یافتیم، در موت او تعمید یافتیم؟ پس چونکه در موت او تعمید یافتیم، با او دفن شدیم تا آنکه به همین قسمی که مسیح به جلال پدر از مردگان برخاست، ما نیز در تازگی حیات رفتار نماییم. زیرا اگر بر مثال موت او متحد گشتیم، هرآینه در قیامت وی نیز چنین خواهیم شد. زیرا این را می‌دانیم که انسانیت کهنه ما با او مصلوب شد تا جسد گناه معدوم گشته، دیگر گناه را بندگی نکنیم. زیرا هر که مُرد، از گناه مبرا شده است."

۱. تعمید نماد و تصویری از مرگ، دفن، و رستاخیز عیسی مسیح است.

۲. تعمید شهادتی برای نو ایمان در منظر عموم است که هویت او را با مرگ، دفن و رستاخیز عیسی مسیح شناسایی می‌کند. شخص نو ایمان با تعمید گرفتن در نظر مردم به عنوان پیرو عیسی مسیح شناخته می‌شود.

۳- چه کسی می‌تواند تعمید بگیرد؟

الف) بارزترین نمونه از تعمید در کتاب مقدس تعمید خزانه دار و خواجه سرای حبشی در اعمال ۸: ۲۶-۳۹ است. خواجه سرا پرسید، "چه چیزی مانع غسل تعمید گرفتن من می باشد؟" سپس فیلیپس با شرایط غسل تعمید گرفتن در آیه ۳۷ جواب داد، "اگر با تمام دل ایمان آوری، جایز است." سپس خواجه سرا به این مورد خاتمه داد، "من ایمان دارم که عیسی مسیح پسر خداست."

ب) یک طفل خردسال نمی تواند تعمید بگیرد، چون نمی تواند با تمام دل ایمان آورد که عیسی مسیح پسر خداست.

ج) تنها شرط تعمید گرفتن، تولد دوباره یا نجات می باشد که در رومیان ۱۰: ۹-۱۰ آمده است. "زیرا اگر به زبان خود عیسی خداوند را اعتراف کنی و در دل خود ایمان آوری که خدا او را از مردگان برخیزانید، نجات خواهی یافت. چونکه به دل ایمان آورده می شود برای عدالت و به زبان اعتراف می شود بجهت نجات."

۱. ایمان قلبی به عیسی مسیح به عنوان خداوند و منجی (نه به عنوان یک انسان و یا پیامبر)

۲. اعتراف زبانی که او خداوند و نجات دهنده است.

د) هیچ موردی از تعمید در کتاب مقدس یافت نمی شود جز تعمید ایماندارانی که نجات یافته اند.

ر) بعضی از مورد های تعمید در کتاب مقدس بلافاصله بعد از نجات افراد انجام شد.

۱. "لیکن چون به بشارت فیلیپس که به ملکوت خدا و نام عیسی مسیح می داد، ایمان آوردند، مردان و زنان تعمید یافتند." اعمال ۸: ۱۲

۲. "اما کرسپس، رئیس کنیسه با تمامی اهل بیتش به خداوند ایمان آوردند و بسیاری از اهل قُرنتُس چون شنیدند، ایمان آورده، تعمید یافتند." اعمال ۱۸: ۸

۴- روش صحیح گرفتن تعمید چیست؟

الف) دوباره در اعمال ۸: ۲۶-۳۹ نمونه واضحی از تعمید صحیح آمده است. در آیه ۳۸-۳۹ هر دو فیلیپس و خزانه دار حبشی رفتند داخل آب و از آب بیرون آمدند. تعمید کتاب مقدسی فقط از طریق غوطه ور شدن کامل در داخل آب صورت می گیرد.

ب) در متی ۳: ۱۶ عیسی مسیح نیز به همینگونه تعمید گرفت (یعنی کاملاً داخل آب غوطه ور شد). "اما عیسی چون تعمید یافت، فوراً از آب برآمد..."

ج) همانطور که قبلاً اشاره شد، تعمید نمادی از مرگ، دفن و رستاخیز عیسی مسیح می باشد. تنها راهی که می توان یک شخص را دفن کرد اینست که باید او را زیر خاک گذاشت. تنها روشی که کتاب مقدس در رابطه با تعمید تعلیم می دهد تا نماد مرگ و دفن و رستاخیز عیسی را به تصویر کشد، غوطه ور شدن کامل در داخل آب است. هیچ کس در کتاب مقدس به روش پاشیدن آب بر روی پیشانی و یا به روش تعمید قطره ای تعمید نگرفت.

د) در تعمید هنگامیکه داخل آب می رویم، نشان می دهیم که ایمان داریم عیسی مسیح برای گناهان ما مُرد و دفن شد و هنگامیکه از آب بیرون می آییم، نشان می دهیم که ایمان داریم عیسی مسیح از مردگان برخاست. و به همینگونه که عیسی مسیح مُرد و دفن شد، ما هم نسبت به آن کسی که قبلاً بودیم با تمام گناهان، اعتقادات و مذاهب قبلی مُردیم. یعنی آن شخص کهنه مُرد و دفن شد (رومیان ۶: ۱۱-۳). و هنگامیکه از آب بیرون می آییم، همانند رستاخیز عیسی مسیح ما نیز یک خلقت تازه در مسیح می باشیم (دوم قرنتیان ۵: ۱۷).

۵- تعمید چقدر اهمیت دارد؟

الف) تعمید برای نجات الزامی نمی باشد. افسسیان ۲: ۸-۹ این را برای ما واضح و روشن می کند که یک شخص بوسیله فیض خدا از طریق ایمان به عیسی مسیح و بدون اعمال نجات پیدا می کند. "زیرا که محض فیض نجات یافته‌اید، به‌وسیله ایمان و این از شما نیست بلکه هدیه خداست، و نه از اعمال، تا هیچ کس فخر نکند."

ب) تعمید فقط برای خدمت و رشد روحانی الزامی است. متی ۲۸: ۱۹-۲۰ (حکم بزرگ) این را ثابت می کند که آن برای اطاعت از فرمان خدا و بجا آوردن مأموریت بزرگ الزامی است. "پس رفته، همه امته‌ها را شاگرد سازید و ایشان را به اسم پدر و پسر و روح القدس تعمید دهید. و ایشان را تعلیم دهید که همه اموری را که به شما حکم کرده ام حفظ کنند. و اینک من هر روزه تا انقضای عالم همراه شما می باشم. آمین."

ج) قبل از اینکه شخص نو ایمان تعلیم یابد تا پیرو عیسی مسیح شود، باید بخواهد که خودش را برای اولین عمل اطاعت از خداوند (که تعمید می باشد) تسلیم کند. اگر او بخواهد از اولین عمل اطاعت سر باز زند، او از احکامهای دیگر نیز اطاعت نخواهد کرد. "آنگاه عیسی از جلیل به اردن نزد یحیی آمد تا از

او تعمید یابد. اما یحیی او را منع نموده، گفت: من احتیاج دارم که از تو تعمید یابم و تو نزد من می آیی؟ عیسی در جواب وی گفت: الآن بگذار، زیرا که ما را همچنین مناسب است تا تمام عدالت را به کمال رسانیم." متی ۳: ۱۳-۱۵

سؤالات پایه ای:

۱- کجا باید تعمید بگیرم؟

از آنجایی که تعمید اعتراف عمومی ایمانمان به عیسی مسیح می باشد، بیشتر مواقع آن باید در منظر عموم در کلیسای محلی صورت گیرد. بعضی مواقع این عمل در رودخانه ها جایی که عمق آب زیاد است صورت می گیرد. (یوحنا ۳: ۲۳) " و یحیی نیز در عینون، نزدیک سالیم تعمید می داد زیرا که در آنجا آب بسیار بود و مردم می آمدند و تعمید می گرفتند." که این نیز طبق کتاب مقدس درست است. عیسی مسیح خودش در رود اردن غسل تعمید گرفت. مکان درست تعمید گرفتن مهم نیست. شهادت عمومی از شناخته شدن با عیسی مسیح مهم است.

سؤالات این درس:

- ۱- دلیل کلیدی بیاورید که چرا خدا به ما امر فرموده که تعمید بگیریم؟
- ۲- در متی ۳: ۱۳-۱۵، عیسی غسل تعمید گرفت که _____ و _____ خود را به خدا و برنامه او نشان دهد. عیسی این را به کمال رساند قبل از اینکه _____ خود را شروع کند.
- ۳- سه شخصیت های دیگری که در کتاب مقدس بعد از نجاتشان تعمید گرفتند را نام ببرید؟
- ۴- طبق رومیان ۶: ۳-۴ هدف از تعمید گرفتن چیست؟
- ۵- در اعمال ۸: ۳۶-۳۷ خواجه سرای حبشی برای تعمید گرفتن باید دو شرط را رعایت می کرد. آن دو شرط را بنویسید؟
- ۶- آیا یک طفل خردسال می تواند تعمید یابد و چرا؟
- ۷- از کجا می دانیم که عیسی مسیح و خزانه دار حبشی با پاشیدن آب روی پیشانی تعمید نگرفتند؟
- ۸- تعمید گرفتن با غوطه ور شدن کامل داخل آب، نماد چیست؟
- ۹- آیا تعمید برای نجات الزامی است؟ آیه ای از کتاب مقدس را در اینباره بنویسید؟
- ۱۰- به طور خلاصه هدف از این درس را شرح دهید؟

آیه های کلیدی این درس: متی ۳: ۱۳-۱۷؛ اعمال ۸: ۳۶-۳۹؛ رومیان ۶: ۱-۱۱

درس ۱۴: روح القدس

"کارها و خصوصیات روح القدس در زندگی من چیست؟"

روزی که عیسی مسیح را به عنوان منجی شخصی خود قبول کردید، روح القدس در بدن شما اقامت دائمی گرفت. روح القدس سومین شخص خدا می باشد که خیلی از مسیحیان شناخت واقعی از او ندارند و از قدرت او استفاده نمی کنند.

هدف از این درس این است که از کار روح القدس در زندگی خود آگاهی پیدا کنیم.

۱- روح القدس کجا یافت می شود؟

روح القدس در روی همین زمین در بدنهای ایمانداران ساکن می باشد (کسانیکه نجات را دارند) او درست در زمانیکه ما نجات پیدا می کنیم، می آید و در بدنهای ما ساکن می شود.

الف) اول قرنیتیان ۶: ۱۹-۲۰ مرجع کاملی برای اثبات آن می باشد. " آیا نمی دانید که بدن شما معبد روح القدس است که در شما است که شما از خدا یافته اید و از آن خود نیستید؟ زیرا که به قیمتی خریده شدید، پس خدا را به بدن خود تمجید نمایید."

- یوحنا ۱۴: ۱۶-۱۷ " و من از پدر سؤال می کنم و تسلی دهنده ای دیگر به شما عطا خواهد کرد تا همیشه با شما بماند، یعنی روح راستی که جهان نمی تواند او را قبول کند زیرا که او را نمی بیند و نمی شناسد و اما شما او را می شناسید، زیرا که با شما می ماند و در شما خواهد بود."

- غلاطیان ۴: ۶ " اما چونکه پسر هستید، خدا روح پسر خود را در دلهای شما فرستاد که ندا می کند، یا ابا، یعنی، ای پدر."

- افسسیان ۲: ۲۲ " و در وی شما نیز با هم بنا کرده می شوید تا در روح مسکن خدا شوید."

۲- وظیفه روح القدس چیست؟

الف) روح القدس ما را به گناهان خویش ملزم می کند. " و چون او آید، جهان را بر گناه و عدالت و داوری ملزم خواهد نمود. اما بر گناه، زیرا که به من ایمان نمی آورند. " یوحنا ۱۶: ۸-۹

۱. او بی ایمانان را از گناهانشان ملزم می کند تا آنان را برای نجات آماده کند.
 ۲. او ایمانداران را از گناهانشان ملزم می کند تا آنان را پاک نگاه دارد و به آنان نشان دهد که چگونه باید برای عیسی مسیح زندگی کنند.
 ۳. بین ملزم و خطا (تقصیر) فرق هست.
- ملزم کردن به این معناست که خداوند گناهی را که مرتکب می شویم به ما نشان می دهد تا ما بتوانیم آنرا اعتراف کنیم و از آن دوری کرده با خدا رو راست شویم. اشعیا ۱: ۱۸ "خداوند می گوید: بیاید تا با همدیگر دلیل بیاوریم. اگر گناهان شما مثل ارغوان باشد، مانند برف سفید خواهد شد و اگر مثل قرمز سرخ باشد، مانند پشم خواهد شد."
- خطا یعنی اینکه شیطان ما را به لایق نبودن برای دریافت برکات خداوند متهم می کند. مکاشفه ۱۲: ۱۰ "زیرا که آن مدعی برادران ما که شبانه روز در حضور خدای ما بر ایشان دعوی می کند به زیر افکنده شد."

ب) روح القدس خلق و تولید می کند.

۱. روح القدس در آفرینش دنیا فعال بود. پیدایش ۱: ۲ "و زمین تهی و بایر بود و تاریکی بر روی لجه و روح خدا سطح آبها را فرو گرفت." همچنین به ایوب ۳۳: ۴ رجوع کنید.
۲. در عیسی مسیح ما خلقت تازه هستیم، و بوسیله روح القدس تولد دوباره یافته ایم. یوحنا ۳: ۳-۸ "عیسی در جواب او گفت، آمین آمین به تو می گویم اگر کسی از سر نو مولود نشود، ملکوت خدا را نمی تواند دید. نیکو دیموس بدو گفت، چگونه ممکن است که انسانی که پیر شده باشد، مولود گردد؟ آیا می شود که بار دیگر داخل شکم مادر گشته، مولود شود؟ عیسی در جواب گفت، آمین، آمین به تو می گویم اگر کسی از آب و روح مولود نگردد، ممکن نیست که داخل ملکوت خدا شود. آنچه از جسم مولود شد، جسم است و آنچه از روح مولود گشت روح است. عجب مدار که به تو گفتم باید شما از سر نو مولود گردید. باد هر جا که می خواهد می وزد و صدای آن را می شنوی لیکن نمی دانی از کجا می آید و به کجا می رود. همچنین است هر که از روح مولود گردد."

ج) هنگامیکه نجات پیدا می کنیم، روح القدس مهر مالکیت ما می شود.

"و روح قدّوس خدا را که به او تا روز رستگاری مختوم شده‌اید، محزون مسازید." افسسیان ۴: ۳۰

د) روح القدس به ما شهادت می دهد که ما نجات یافته ایم و فرزندان خدا هستیم.

- " همان روح بر روح‌های ما شهادت می‌دهد که فرزندان خدا هستیم." رومیان ۸: ۱۶
- " از این می‌دانیم که در وی ساکنیم و او در ما زیرا که از روح خود به ما داده است." اول یوحنا ۴: ۱۳

ذ) روح القدس کلام خدا را به ما تعلیم می‌دهد.

- " لیکن تسلّی‌دهنده یعنی روح القدس که پدر او را به اسم من می‌فرستد، او همه چیز را به شما تعلیم خواهد داد و آنچه به شما گفتم به یاد شما خواهد آورد." یوحنا ۱۴: ۲۶
- " و لیکن چون او یعنی روح راستی آید، شما را به جمیع راستی هدایت خواهد کرد زیرا که از خود تکلم نمی‌کند بلکه به آنچه شنیده است سخن خواهد گفت و از امور آینده به شما خبر خواهد داد. او مرا جلال خواهد داد زیرا که از آنچه آن من است خواهد گرفت و به شما خبر خواهد داد. هر چه از آن پدر است، از آن من است. از این جهت گفتم که از آنچه آن من است، می‌گیرد و به شما خبر خواهد داد." یوحنا ۱۶: ۱۳-۱۵
- " اما خدا آنها را به روح خود بر ما کشف نموده است، زیرا که روح همه چیز حتی عمقهای خدا را نیز تفحص می‌کند." اول قرتیان ۲: ۱۰

ر) روح القدس در دعا برای ما شفاعت می‌طلبد.

رومیان ۸: ۲۶-۲۷ " و همچنین روح نیز ضعف ما را مدد می‌کند، زیرا که آنچه دعا کنیم بطوری که می‌باید نمی‌دانیم، لکن خود روح برای ما شفاعت می‌کند به ناله‌هایی که نمی‌شود بیان کرد. ۲۷ و او که تفحص کننده دلهاست، فکر روح را می‌داند زیرا که او برای مقدسین بر حسب اراده خدا شفاعت می‌کند." (همچنین به افسسیان ۲: ۱۸ رجوع کنید.)

ز) روح القدس هنگامیکه محتاج می‌شویم، به ما تسلّی می‌بخشد.

" اگر مرا دوست دارید، احکام مرا نگاه دارید. و من از پدر سؤال می‌کنم و تسلّی‌دهنده‌ای دیگر به شما عطا خواهد کرد تا همیشه با شما بماند، یعنی روح راستی که جهان نمی‌تواند او را قبول کند زیرا که او را نمی‌بیند و نمی‌شناسد و اما شما او را می‌شناسید، زیرا که با شما می‌ماند و در شما خواهد بود." یوحنا ۱۴: ۱۵-۱۸

دوم تیموتائوس ۱: ۷ " زیرا خدا روح ترس را به ما نداده است بلکه روح قوت و محبت و فکر سلیم را." (همچنین به دوم قرتیان ۱: ۳-۴ رجوع کنید.)

س) روح القدس به ما برای خدمت به خدا قدرت می‌دهد.

زکریا ۴: ۶ " نه به قدرت و نه به قوت بلکه به روح من. قول یهوه صباوت این است. " همچنین به افسسیان ۳: ۱۶ و دوم قرنتیان ۴: ۷ رجوع کنید.

۳- میوه و ثمره روح القدس در زندگی ما چیست؟

الف) روح القدس برای ما هنگامیکه زندگی خود را تسلیم وی می کنیم، شخصیت بارزی ایجاد می کند. ما می توانیم با قدرت روح القدس قدم بر داریم. تولید شخصیت بارز در کتاب مقدس ثمره روح القدس نامیده می شود. واژه ثمره مفرد است چون تمام خصوصیات بارز همزمان بوسیله رابطه نزدیک با روح القدس در ما تولید می شوند. "لیکن ثمره روح، محبت و خوشی و سلامتی و حلم و مهربانی و نیکویی و ایمان و تواضع و پرهیزکاری است، که هیچ شریعت مانع چنین کارها نیست." غلاطیان ۵: ۲۲-۲۳

ب) ثمره روح القدس عبارتند از: محبت، خوشی، صلح، صبر، آرامی، نیکویی، ایمان، تواضع، پرهیزکاری.

سوالات پایه ای:

الف) پر شدن از روح القدس چیست و چگونه می توانیم این عمل را انجام دهیم؟

۱. افسسیان ۵: ۱۸-۱۹ را با کولسیان ۳: ۱۶ مقایسه کنید. آن دو متن نشان می دهند که با خواندن کلام خدا و نگاه داشتن آن در دلها ایمان می توانیم با روح القدس پر شویم. هر چقدر بیشتر افکار و ذهنمان را با کلام خدا پر کنیم و اجازه دهیم که کلام خدا زندگی ما را هدایت کند، رابطه مان با روح القدس نزدیک تر می شود.

۲. در روح القدس قدم بردارید. قدم برداشتن مرحله رشد طبیعی در مسیحیت است. رومیان ۸: ۱۳ "زیرا اگر برحسب جسم زیست کنید، هرآینه خواهید مرد. لکن اگر افعال بدن را بوسیله روح بکشید، همانا خواهید زیست." (همچنین به غلاطیان ۵: ۱۶-۱۸ و ۲۵ رجوع کنید).

۳. به خداوند اجازه دهید که زندگی شما را به عهده بگیرد. پر شدن با روح القدس به این معنا نیست که ما اندازه بیشتری از روح القدس را دریافت کنیم. موقعی که نجات یافتیم تمام روح القدس را دریافت می کنیم. این روح القدس است که بیشتر از ما دریافت می کند و از ما استفاده می کند.

۴. صورت و استوار باشید. هدایت شدن با روح القدس در یک شبانه روز اتفاق نمی افتد. آن یک روندی است که هنگام رشد در ایمان اتفاق می افتد.

سوالات این درس:

- ۱- کجا روح القدس را یافت می کنیم؟ سه آیه از کتاب مقدس را در این رابطه نام ببرید؟
- ۲- چه هنگام روح القدس وارد زندگی یک ایماندار می شود؟
- ۳- چرا روح القدس بی ایمانان را از گناه ملزم می کند؟
- ۴- چرا روح القدس ایمانداران را از گناهانشان ملزم می کند؟
- ۵- فرق بین ملزم و خطا چیست؟
ملزم:

خطا:

- ۶- هفت روشهای دیگر که روح القدس در زندگی مسیحیان کار می کند را نام ببرید؟
- ۷- نتیجه و ثمره روح القدس در زندگی ما چیست؟
- ۸- برای اینکه با روح القدس پر شویم باید _____ را بخوانیم و آن را در _____ نگاه داریم.
- ۹- جواب صحیح یا غلط را در جای خالی بنویسید؟
الف) من هر روز باید مقدار زیادی از روح القدس را دریافت کنم. _____
ب) هدایت شدن با روح القدس یک روندی است که هنگام رشد در ایمان اتفاق می افتد. _____
ج) رومیان ۸: ۱۳ به ما تعلیم می دهد که باید بر حسب جسم زندگی کنیم. _____
د) یوحنا ۱۶: ۱۳ نشان می دهد که روح القدس ما را به تمام راستی هدایت می کند. _____
ر) رومیان ۸: ۲۶-۲۷ نشان می دهد که روح القدس برای ما در دعاهايمان شفاعت می کند. _____
- ۱۰- بطور خلاصه هدف از این درس را شرح دهید؟

آیه های کلیدی این درس: اول قرنیتان ۶: ۱۹-۲۰؛ غلاطیان ۵: ۲۲-۲۳؛ غلاطیان ۵: ۱۶

درس ۱۵: دعا

"چقدر دعا در زندگی ما اهمیت دارد؟"

به گفته یک شخص، یک مسیحی به اندازه دعایی که می کند در ایمان خود قوی است. این واقعیت دارد چون دعا ارتباط مستقیم ما با خداست و باعث قوی شدن ایمان ما می شود. وقتی که ما کتاب مقدس را می خوانیم، خدا با ما صحبت می کند؛ و هنگامیکه ما دعا می کنیم، ما با خدا صحبت می کنیم. به این نحو، ارتباط دوطرفه شکل می گیرد. ارتباط شخصی ما با خداوند عیسی مسیح بدون ارتباط درست نمی تواند رشد کند.

هدف از دعا کردن چیست؟

الف) هدف از دعا کردن این نیست که خدا را تکان دهیم و نظرش را عوض کنیم. هدف اینست که هم شکل اراده خدا شویم.

ب) دعای درست باعث آرامش دل و افکار ما می شود. "برای هیچ چیز اندیشه مکنید، بلکه در هر چیز با صلات و دعا با شکرگزاری مسؤولات خود را به خدا عرض کنید. و سلامتی خدا که فوق از تمامی عقل است، دلها و ذهنهای شما را در مسیح عیسی نگاه خواهد داشت." فیلیپیان ۴: ۶-۷

ج) دعا ما را به خدا نزدیک می کند و قدرت خدا را برای برآورده کردن هر نیازی به ما نشان می دهد.

- ۱- خداوند در تمامی مرحله زندگی ما فعال است و او دقیقاً تمام احتیاجات ما را قبل از اینکه از او بخواهیم، می داند. "زیرا که پدر شما حاجات شما را پیش از آنکه از او بخواهید، می داند." متی ۶: ۸
- ۲- خدا اجازه می دهد که احتیاجات در زندگی ما وارد شوند تا او بتواند ما را به سوی خودش بکشاند تا با او ملاقات کنیم. "پس در روز تنگی مرا بخوان تا تو را خلاصی دهم و مرا تمجید بنمایی." مزامیر ۵۰: ۱۵

- ۳- خطرناکترین زمان در زندگی ما هنگامیست که همه چیز را به فراوانی داشته باشیم و نیاز به هیچ چیز نداشته باشیم (حتی خدا). "زیرا می گویی دولت مند هستم و دولت اندوخته ام و به هیچ چیز محتاج نیستم و نمی دانی که تو مستمند و مسکین هستی و فقیر و کور و عریان." مکاشفه ۳: ۱۷

۴- خدا از احتیاجات ما استفاده می کند تا ما را به جایی بکشاند که بتواند به ما برکت دهد و به ما آشکار کند که تنها نیاز اصلی ما خداوند عیسی مسیح و فیض اوست. نمونه عالی این مرضی است که پولس رسول در بدنش داشت. "و تا آنکه از زیادتی مکاشفات زیاده سرافرازی نمایم، خاری در جسم من داده شد، فرشته شیطان، تا مرا لطمه زند، مبادا زیاده سرافرازی نمایم. و درباره آن از خداوند سه دفعه استدعا نمودم تا از من برود. مرا گفت: فیض من تو را کافی است، زیرا که قوت من در ضعف کامل می گردد پس به شادی بسیار از ضعف های خود بیشتر فخر خواهیم نمود تا قوت مسیح در من ساکن شود. بنابراین، از ضعف ها و رسواییها و احتیاجات و زحمات و تنگیها بخاطر مسیح شادمانم، زیرا که چون ناتوانم، آنگاه توانا هستم." دوم قرنیتان ۱۲: ۷-۱۰

۵- برای همین لازم است که برای همه چیز سپاسگزار باشیم حتی در احتیاجات و زمانهای دشوار زندگی. "در هر چیزی شکرگذار باشید زیرا این است اراده خدا در مسیح عیسی درباره شما." اول تسالونیکیان ۵: ۱۸

۶- همچنین لازم است تا طرز تفکرمان را راجع به دعای مداوم عوض کنیم. در سخت ترین شرایط زندگی اولین واکنش ما باید این باشد که در دعا به سراغ خدا برویم. "بدون توقف دعا کنید." اول تسالونیکیان ۵: ۱۷

چگونه باید دعا کنیم؟

الف) رومیان ۸: ۲۶-۲۷ برای ما روشن می کند که ما همیشه نمی دانیم چگونه و برای چه چیزی باید دعا کنیم. برای همین روح القدس که در ما ساکن است برای ما در دعا شفاعت می طلبد و چیزهایی که باید دعا کنیم را به یاد ما می آورد.

ب) دستورالعمل هایی برای دعا:

۱- همیشه و پیوسته دعا کنید. دعا کردن را در زندگی افزایش دهید. "و برای ایشان نیز مثلی آورد در اینکه می باید همیشه دعا کرد و کاهلی نورزید." لوقا ۱۸: ۱

۲- در دعا از کلمات تکراری استفاده نکنید. "و چون عبادت کنید، مانند امت ها تکرار باطل نکنید زیرا ایشان گمان می برند که به سبب زیاد گفتن مستجاب می شوند." متی ۶: ۷

۳- با خدا همانند دو دوست صمیمی صحبت کنید. خدا دوست من و شماست. "کسی محبت بزرگتر از این ندارد که جان خود را بجهت دوستان خود بدهد. شما دوست من هستید اگر آنچه به

شما حکم می‌کنم بجا آرید. دیگر شما را بنده نمی‌خوانم زیرا که بنده آنچه آفایش می‌کند نمی‌داند؛ لکن شما را دوست خوانده‌ام زیرا که هرچه از پدر شنیده‌ام به شما بیان کردم." یوحنا ۱۵: ۱۳-۱۵

"و خداوند با موسی روبرو سخن می‌گفت، مثل شخصی که با دوست خود سخن گوید." خروج ۳۳: ۱۱

۴- بدانید که شما شخصاً دسترسی مستقیم به خدا دارید. شما نیاز ندارید که به سراغ یک نفر دیگر (پیامبرانی که از دنیا رفته اند) بروید تا شفیع یا واسطه شما و خدا باشد. "زیرا خدا واحد است و در میان خدا و انسان یک متوسطی است، یعنی انسانی که مسیح عیسی باشد." اول تیموتائوس ۲: ۵

ج) ارتباط همیشگی با خداوند عیسی مسیح را حفظ کنید. آگاه باشید که همیشه چیزهایی در زندگی شما خواهند بود که مانع دعای شما می‌شوند.

۱- گناهان اعتراف نشده. "لیکن خطای شما در میان شما و خدای شما حایل شده است و گناهان شما روی او را از شما پوشانیده است تا نشنود." اشعیا ۵۹: ۲

۲- نبخشیدن دیگران. "زیرا هرگاه تقصیرات مردم را بدیشان بیامرزید، پدر آسمانی شما نیز شما را خواهد آمرزید. اما اگر تقصیرهای مردم را نیامرزید، پدر شما هم تقصیرهای شما را نخواهد آمرزید." متی ۶: ۱۴-۱۵

۳- تلخی نسبت به دیگران و احترام نگذاشتن به آنها. "و همچنین ای شوهران با فطانت با ایشان زیست کنید چون با ظروف ضعیف تر زنانه و ایشان را محترم دارید چون با شما وارث فیض حیات نیز هستند تا دعا‌های شما بازداشته نشود." اول پطرس ۳: ۷

۴- سوال نکردن از خدا. "طمع می‌ورزید و ندارید می‌کشید و حسد می‌نمایید و نمی‌توانید به چنگ آرید و جنگ و جدال می‌کنید و ندارید از این جهت که سؤال نمی‌کنید." یعقوب ۴: ۲

۵- سوال کردن خودمحورانه و با انگیزه نادرست. "و سؤال می‌کنید و نمی‌یابید از اینرو که به نیت بد سؤال می‌کنید تا در لذات خود صرف نمایید." یعقوب ۴: ۳ (همچنین امثال ۲۱: ۱۳ را بخوانید).

۶- بی‌احساس بودن به کلام خدا. "هر که گوش خود را از شنیدن شریعت برگرداند، دعای او هم مکروه می‌شود." امثال ۲۸: ۹

چهار نوع دعا در کتاب مقدس: "پس از همه چیز اول سفارش می کنم که مناجات و دعاها و شفاعتها و شکرگذاریها را برای جمیع مردم بجا آورند." اول تیموتائوس ۲: ۱
(الف) **مناجات:** دعاهای خاص. فیلیپیان ۴: ۶ می گوید که "... بگذارید تقاضاهای شما به خدا آشکار گردد." بسیاری از دعاها هدر می روند چون بطور عمومی کرده می شوند.

برای مثال: "خدایا به من برکت بده". کدام برکت؟ چه برکتی از خداوند طلب می کنی؟

(ب) **دعاها:** این نوع دعاها برای تمامی دعای عمومی استفاده شده است یعنی هرگونه ارتباط با خدا.

(ج) **شفاعت ها:** دعا برای دیگران. شفاعت کردن باعث می شود که از خودمحور بودن بیرون آییم و به فکر دیگران باشیم و برای نیازهای آنها دعا کنیم.

(د) **شکرگزاری** - مزامیر ۱۰۰: ۴ این را روشن می کند که ما باید با سپاس و شکرگذاری وارد حضور خدا شویم. "به دروازه های او با حمد بیایید و به صحنه های او با تسبیح! او را حمد گوئید و نام او را متبارک خوانید!"

لیستی از دعا داشته باشید.

(الف) نوشتن لیست دعاها به ما کمک می کند که برای چه چیزهایی باید دعا کنیم.

(ب) نگهداری لیست دعاهایی که خداوند مستجاب کرده به ما کمک می کند که در ایمانمان رشد کنیم و به قدرت و عظمت خداوند پی ببریم.

سوالات مقدماتی

(الف) **آیا خدا تمام دعاها را مستجاب می کند؟** بله، ولی نه همیشه به روش و زمانی که ما از او می خواهیم. تمام راه و روشهای خداوند کامل است. زمانی خواهد آمد که طبق حکمت نامحدود او بهترین جواب به دعاها را "نه" یا "نه هنوز" خواهد بود، در چنین زمانها باید به او اعتماد کنیم.

(ب) دعا کردن برای دیگران چقدر اهمیت دارد؟

۱- پولس رسول همواره برای دیگران دعا می کرد. "زیرا خدایی که او را به روح خود در انجیل پسرش خدمت می کنم، مرا شاهد است که چگونه پیوسته شما را یاد می کنم" (رومیان ۱: ۹).

۲- او همچنین در بسیاری مواقع از دیگران درخواست دعا می کرد. "برای ما دعا کنید زیرا ما را یقین است که ضمیر خالص داریم و می خواهیم در هر امر رفتار نیکو نماییم." عبرانیان ۱۳: ۱۸
"خلاصه ای برادران، برای ما دعا کنید تا کلام خداوند جاری شود و جلال یابد چنانکه در میان شما نیز." دوم تسالونیکیان ۳: ۱

۳- سموئیل نبی فرمود که دعا نکردن برای دیگران گناه محسوب می شود. "و اما من، حاشا از من که به خداوند گناه ورزیده، ترک دعا کردن برای شما نمایم، بلکه راه نیکو و راست را به شما تعلیم خواهم داد." اول سموئیل ۱۲: ۲۳

۴- جورج مولر واعظ انگلیسی همیشه برای دیگران دعا می کرد. او ۶۰ سال برای نجات چندین نفر پیوسته دعا کرد. وقتی که او از دنیا رفت، بعضی از آنهایی که او برایشان دعا می کرد هنوز نجات نیافته بودند. اما بعضی از آنها در مراسم ختم او نجات پیدا کردند و بعضی های دیگر نیز چندین سال بعد از فوتش نجات خداوند را دریافت کردند.

۵- همیشه و در همه جا دعا کنید.

سؤالات این درس:

- ۱- چه چیزی هدف از دعا نیست؟
- ۲- نتیجه دعای خوب در زندگی چیست؟
- ۳- دعا ما را به خدا نزدیک می کند و قدرت خدا را برای برآورده کردن هر نیازی به ما نشان می دهد. آیه های ذیل چه چیزی را در این رابطه به ما یاد می دهد؟

۱- متی ۶: ۸

۲- مزامیر ۵۰: ۱۵

۴- خطرناکترین موقعیت برای یک مسیحی کدام است؟

۵- مطابق با اول تسالونیکیان ۵: ۱۸، ما باید برای همه چیز سپاسگزار باشیم حتی در _____ و _____ زندگی.

۶- اولین واکنش ما در موقعیت های دشوار زندگی چه چیزی باید باشد؟

۷- چندین اصول و مقدمات دعا وجود دارند. به طور خلاصه آنها را با استفاده از آیات زیر شرح دهید:

الف) اول تسالونیکیان ۵: ۱۷

ب) متی ۶: ۷

ج) خروج ۳۳: ۱۱

۸- لیست چیزهایی که مانع دعاهای ما می شوند را نام ببرید؟

۹- دو روش که به ما در تقاضاهای دعا کمک می کند را بنویسید؟

۱۰- خداوند دعاهای ما را مستجاب می کند ولی نه به روش و زمانی که ما از او انتظار داریم. جواب او بعضی مواقع _____ یا _____ خواهد بود.

۱۱- به ما فرمان داده شده که به پتہا و انسانہا (پیامبران از دنیا رفته) دعا نکنیم. در این مورد با استفاده از اول تیموتائوس ۲: ۵ توضیح دهید؟

۱۲- به طور خلاصه هدف اصلی این درس را شرح دهید؟

آیه های کلیدی این درس: اول تیموتائوس ۲: ۵؛ مزامیر ۶۶: ۱۸؛ اول تسالونیکیان ۵: ۱۸

درس ۱۶: اراده خدا

"چگونه اراده خدا را در زندگی خود یافت کنیم؟"

واعظ معروفی گفت که شخص موفق کسی است که اراده خدا را در زندگیش پیدا کند و به کمال رساند. این یک بیان واقعی است که باید روی آن تأمل کرد. ارزیابی واقعی یک شخص موفق طبق مقام و رتبه او در جامعه، یا طبق حساب بانکی یا شهرت او حساب نمی شود، بلکه طبق انجام دادن چیزی که خداوند از او می خواهد.

هدف از این درس اینست که بدانیم اراده خدا چیست همانگونه که در کتاب مقدس آمده است، تا بتوانیم کارهایی را که خداوند از ما می خواهد، انجام دهیم.

اراده خدا چیست؟

۱. اراده خدا یک چیز جسمانی نیست بلکه روحانی است. اراده خدا هرگز به یک سری قاعده و قانونها، موقعیتهای جغرافیایی و یا یک خدمت خاص ارتباط ندارد.
 ۲. اراده خدا نباید با اهداف خدا برای زندگی ما اشتباه گرفته شود. خدا یک برنامه و هدف خاص برای زندگی هر یک از ما دارد که فقط او می تواند تمام جزئیات آن را به ما بدهد چون آن هدف فقط برای ما می باشد نه برای دیگران.
- دو جنبه از اراده خدا وجود دارند، اراده اختیاری (مجاز) و اراده مسلط (رهنمود).

۱. اراده اختیاری (مجاز) خدا

الف) خدا اجازه می دهد که بعضی چیزها اتفاق بیافتد. او موافقت نمی کند که ما فقط کارهای بزرگی انجام دهیم. مثال زیادی در این رابطه در کتاب مقدس و خارج از آن آمده است.

۱. **سفر پولس رسول به اورشلیم:** در اعمال رسولان ۲۱: ۴ - ۱۴ می خوانیم که خدا به پولس رسول سه بار هشدار داد که به اورشلیم نرود. سپس بخاطر سماجت پولس به او اجازه داد برود تا به او مطیع بودن را یاد دهد و در نهایت نیز او راهی رم شد.

۲. **هیتر** - خداوند یقیناً راضی نبود که هیتلر ۶ میلیون یهودی را قتل عام کند ولی برای شروع ترمیم و بازگرداندن یهودیان به سرزمین خودشان به هیتلر چنین اجازه ای داد.

۳. **خداوند به فرزندانش اجازه می دهد که در زندگیشان رنج بکشند تا بالغ و کامل شوند هر چند او ترجیح نمی دهد که آنها رنج بکشند.** "بلکه خداوند مسیح را در دل خود تقدیس نمایید، و پیوسته مستعد باشید تا هر که سبب امیدی را که دارید از شما بپرسد، او را جواب دهید، لیکن با حلم و ترس. ۱۶ و ضمیر خود را نیکو بدارید تا آنانی که بر سیرت نیکوی شما در مسیح طعن می‌زنند، در همان چیزی که شما را بد می‌گویند خجالت کشند، ۱۷ زیرا اگر اراده خدا چنین است، نیکوکار بودن و زحمت کشیدن، بهتر است از بدکردار بودن. ۱۸ زیرا که مسیح نیز برای گناهان یک بار زحمت کشید، یعنی عادل‌ی برای ظالمان، تا ما را نزد خدا بیاورد؛ در حالیکه بحسب جسم مُرد، لکن بحسب روح زنده گشت." اول پطرس ۳: ۱۵ - ۱۸

ب) انسان اختیار آزاد دارد. خداوند کسی را وادار نمی کند که کاری انجام دهد. خداوند به ما پیشنهاد نجات و تعالیم برای زندگی خداپرستانه را می دهد ولی اگر انسان تصمیم بگیرد که از اختیار آزاد خود استفاده کند و این پیشنهاد نجات خدا را رد کند خداوند به او اجازه می دهد که از اختیارش استفاده کند و از نتایج آن رنج بکشد.

۲. اراده مسلط (رهنمود) خدا

الف) چیزهای بخصوص وجود دارند که اراده خداوند می باشند:

۱. **خداوند اراده نمی کند که کسی هلاک شود.** تمام نجات نیافتگان، خارج از اراده خدا می باشند. "خداوند در وعده خود تأخیر نمی‌نماید، چنانکه بعضی تأخیر می پندارند، بلکه بر شما تحمّل می‌نماید، چون نمی‌خواهد که کسی هلاک گردد، بلکه همه به توبه گرایند." دوم پطرس ۳: ۹

۲. **اراده خدا شاکر بودن ما در همه چیز است.** "در هر امری شاکر باشید که این است اراده خدا در حق شما در مسیح عیسی." اول تسالونیکیان ۵: ۱۸

۳. **اراده خدا اطاعت کردن ما از دولت خویشی است.** "لهذا هر منصب بشری را بخاطر خداوند اطاعت کنید، خواه پادشاه را که فوق همه است، ۱۴ و خواه حکام را که رسولان وی هستند، بجهت انتقام کشیدن از بدکاران و تحسین نیکوکاران. ۱۵ زیرا که همین است اراده خدا که به نیکوکاری

خود، جهالت مردمان بی‌فهم را ساکت نماید" (اول پطرس ۲: ۱۳-۱۵). گردن نهادن به یک شخص و یا دولت برای اینست که ما شاهد خوبی برای مسیح باشیم تا او را به سمت مسیح بکشانیم.

۴. **اراده خدا هم شکل و هم رنگ نشدن ما با جهان است.** "لهذا ای برادران، شما را به رحمت‌های خدا استدعا می‌کنم که بدنهای خود را قربانی زنده مقدّس پسندیده خدا بگذرانید که عبادت معقول شما است. و همشکل این جهان مشوید بلکه به تازگی ذهن خود صورت خود را تبدیل دهید تا شما دریافت کنید که اراده نیکوی پسندیده کامل خدا چیست." رومیان ۱۲: ۱-۲

۵. **اراده خدا قدوسیت ما و دوری کردن از گناهان است.** "زیرا که این است اراده خدا یعنی قدوسیت شما تا از زنا بپرهیزید. تا هرکسی از شما بداند چگونه باید ظرف خویشتن را در قدوسیت و عزّت دریابد، و نه در هوس شهوت، مثل امّت‌هایی که خدا را نمی‌شناسند. و تا کسی در این امر دست تظاول یا طمع بر برادر خود دراز نکند، زیرا خداوند از تمامی چنین کارها انتقام کشنده است. چنانکه سابقاً نیز به شما گفته و حکم کرده‌ایم، زیرا خدا ما را به ناپاکی نخوانده است، بلکه به قدوسیت." اول تسالونیکیان ۴: ۳-۷

۶. **اراده خدا کار کردن با تمامی توان و با نیت درست برای صاحبکار خود است.** "ای غلامان، آقایان بشری خود را چون مسیح با ترس و لرز، با ساده‌دلی اطاعت کنید. نه به خدمت حضور، مثل طالبان رضامندی انسان، بلکه چون غلامان مسیح که اراده خدا را از دل به عمل می‌آورند، و به نیت خالص خداوند را بندگی می‌کنند نه انسان را، و می‌دانند هرکس که عمل نیکو کند، مکافات آن را از خداوند خواهد یافت، خواه غلام و خواه آزاد." افسسیان ۶: ۵-۸

۷. **اراده خدا نهایت استفاده کردن ما از زمان و هدر ندادن آن است.** باید حداکثر استفاده را از زمانی که خداوند به ما داده، ببریم. "پس باخبر باشید که چگونه به دقت رفتار نمایید، نه چون جاهلان بلکه چون حکیمان. و وقت را دریابید زیرا این روزها شریر است. از این جهت بی‌فهم مباشید، بلکه بفهمید که اراده خداوند چیست." افسسیان ۵: ۱۵-۱۷

(ب) **خلاصه اراده خدا برای زندگی ما.** اراده خدا برای هر شخص روی زمین یکسان است و نهایت اراده خدا اینست که ما شبیه پسر او عیسی مسیح شویم.

• "و می‌دانیم که بجهت آنانی که خدا را دوست می‌دارند و بحسب اراده او خوانده شده‌اند، همه چیزها برای خیریت (ایشان) با هم در کار می‌باشند. زیرا آنانی را که از قبل شناخت،

ایشان را نیز از پیش معین فرمود تا به صورت پسرش متشکل شوند تا او نخستزاده از برادران بسیار باشد." رومیان ۸ : ۲۸ - ۲۹

- "تا همه به یگانگی ایمان و معرفت تام پسر خدا و به انسان کامل، به اندازه قامت پری مسیح برسیم. تا بعد از این اطفال متموج و رانده شده از باد هر تعلیم نباشیم، از دغابازی مردمان در حيله اندیشی برای مکرهای گمراهی؛ بلکه در محبت پیروی راستی نموده، در هر چیز ترقی نماییم در او که سر است، یعنی مسیح." افسسیان ۴ : ۱۳ - ۱۵

کجا باید اراده و اهداف خدا را در زندگی ام پیدا کنم؟

- ما هرگز اراده و اهداف خدا را خارج از کتاب مقدس نخواهیم یافت. اراده و اهداف خدا را می توانیم با تجدید افکارمان پیدا کنیم (رومیان ۱۲ : ۱ - ۲).
- ما باید افکارمان را بوسیله همفکر شدن با افکار عیسی مسیح تجدید کنیم. "بگذارید این فکر در شما باشد که همچنین در عیسی مسیح بود." فیلیپیان ۲ : ۵
- ما باید افکار نفسانی را با افکار خداوند با غوطه ور شدن در کلام خدا جایگزین کنیم. "که خیالات و هر بلندی را که خود را به خلاف معرفت خدا می افزاید، به زیر می افکنیم و هر فکری را به اطاعت مسیح اسیر می سازیم." دوم قرنتیان ۱۰ : ۵

چگونه خداوند اهداف و اراده خود را برای زندگی من آشکار می سازد؟

الف) شما باید قبل از اینکه خداوند اهدافش را برای شما آشکار سازد در اراده او هم شکل شوید. اولویت زندگی شما باید در این باشد که تمام اراده عمومی خدا را در زندگی روزمره به کمال رسانید و سپس به او اعتماد کنید که شما را در جزئیات برنامه اش هدایت کند.

ب) خدا بیش از حد علاقمند است که ما آن کسی باشیم که او می خواهد، تا اینکه ما بخواهیم کارهای بزرگی برای او انجام دهیم. آن کسی که خداوند می خواهد باشید و بدانید او به شما نشان خواهد داد که چه خدمتی باید انجام دهید.

سوالات پایه ای

چرا خداوند اهدافش را برای من همین الان آشکار نمی کند؟

۱. چون آن می تواند شما را مأیوس و نومید کند.

۲. شاید مجهز و آماده به انجام آن نباشید.

۳. شاید آن نوع شخصی که خداوند می خواهد باشید، هنوز نیستید.
۴. خداوند چیزی را که شما می توانید انجام دهید، زمانی آشکار می کند که شما قادر به انجام آن باشید.
۵. این می تواند با سوال رایجی که از بچه ها می شود، مثال زده شود. "وقتی که بزرگ شدی چه کاره می خواهی بشوی؟" بچه ای که می خواهد خلبان یا دکتر شود نمی تواند همان لحظه آن حرفه را بدست بیاورد بلکه باید رشد کند و با یادگیری و تحصیل به آن مقام و حرفه برسد. به همین گونه شما نیز باید رشد روحانی داشته باشید و از استعدادهایتان استفاده کنید و صبور بوده منتظر خدا باشید تا اراده خاص خود را برای زندگیتان مشخص کند.

سوالات این درس:

۱. چه چیزی به اراده خدا ارتباط ندارد؟
۲. خدا یک و خاص برای زندگی هر یک از ما دارد که فقط او می تواند تمام آنها به ما بدهد.
۳. به طور خلاصه اراده مجاز خدا را توضیح دهید؟
۴. خداوند به همه انسانها اختیار آزاد داده بنابراین او انسانها را وادار به انجام کاری نخواهد کرد. ولی وقتی که خداوند پیشنهاد نجات به یک شخص را می دهد و این پیشنهاد رد می شود عواقب چه خواهد بود؟
۵. خداوند اراده های مخصوص برای انسانها دارد. هفت اراده هایی که خداوند برای ما دارد را نام ببرید؟
۶. اراده خدا برای زندگی یک مسیحی را خلاصه کنید با ذکر آیه ها؟
۷. کجا اراده و اهداف خدا را برای زندگیتان یافت می کنید؟
۸. قبل از اینکه خدا اراده و اهداف خود را برای زندگیتان آشکار کند چه کاری باید قبلاً صورت گیرد؟
۹. به طور خلاصه فرق بین اراده و اهداف خدا را شرح دهید؟
۱۰. به طور خلاصه هدف اصلی این درس را شرح دهید؟

آیه های کلیدی این درس : رومیان ۱۲ : ۱ - ۲ ؛ اول پطرس ۳ : ۱۷ ؛ دوم پطرس ۳ : ۹

درس ۱۷: کلیسای محلی

"هدف از فعالیت ما در کلیسای محلی چیست؟"

خداوند ۳ نهاد اصلی را بر روی زمین بنیان کرده است که عبارتند از: ۱- خانواده ۲- دولت ۳- کلیسای محلی. این کلیسای محلی می باشد که برای رسانیدن خبر خوش انجیل به تمام گمشدگان و بالغ کردن مسیحیان توسط خداوند مأموریت داده شده است. بنابراین اهداف خدا برای یک مسیحی با بهترین نحو ممکن توسط کلیسای محلی به کمال خواهد رسید.

هدف از این درس اینست که با نقش محوری که کلیسا در زندگی روزمره ما بازی می کند، آشنا شویم.

کلیسای محلی چیست؟

۱- کلیسا یک ساختمان نیست.

الف) ما خدا را در روح و راستی پرستش می کنیم. "خدا روح است و هر که او را پرستش کند می باید به روح و راستی بپرستد." یوحنا ۴: ۲۴

ب) بدنهای ما معبد خداوند است. "آیا نمی دانید که بدن شما معبد روح القدس است که در شما است که از خدا یافته اید و از آن خود نیستید؟" اول قرنتیان ۶: ۱۹

۲- کلیسا یک مکان اجتماع گروههای مذهبی نیست.

۳- "کلیسای محلی" مکان اجتماع برای انسانهایی است که نجات یافته و از طرف خدا برای خدمت در زمینه خاص خوانده شده اند. "کلیسا" بدن مسیح می باشد، یعنی جمعیت نجات یافتگان از هر زبان و ملتی.

الف- در اول قرنتیان ۱۲: ۲۷ پولس رسول به مسیحیان نجات یافته خطاب می کند و می فرماید: "شما بدن مسیح هستید."

ب- پولس رسول در اول قرنتیان ۱۲: ۱۴-۲۷ کلیسا را تشبیه می کند به بدن انسان.

۱- هر عضوی وظیفه مختلفی دارد. "زیرا بدن یک عضو نیست بلکه بسیار است. اگر پا گوید چونکه دست نیستم از بدن نمی باشم، آیا بدین سبب از بدن نیست؟ و اگر گوش گوید چونکه چشم نیستم از بدن نیستم، آیا بدین سبب از بدن نیست؟ اگر تمام بدن چشم بود، کجا می بود شنیدن و اگر همه شنیدن بود کجا می بود بویدن؟ لکن الحال خدا هر یک از اعضا را در بدن نهاد برحسب اراده خود. و اگر همه یک عضو بود بدن کجا می بود؟ اما الآن اعضا بسیار است لیکن بدن یک." اول

قرنتیان ۱۲: ۱۴-۲۰

- ۲- هیچ عضوی به تنهایی نمی تواند کار کند. "و چشم دست را نمی تواند گفت که، محتاج تو نیستم یا سر پایها را نیز که، احتیاج به شما ندارم." آیه ۲۱
- ۳- همکاری هر عضوی اهمیت دارد. "بلکه علاوه بر این، آن اعضای بدن که ضعیفتر می نمایند، لازمتر می باشند. و آنها را که پستتر اجزای بدن می پنداریم، عزیزتر می داریم و اجزای قبیح ما جمال افضل دارد. لکن اعضای جمیله ما را احتیاجی نیست، بلکه خدا بدن را مرتب ساخت بقسمی که ناقص را بیشتر حرمت داد." آیه ۲۲-۲۴
- ۴- کارایی درست بدن اینست که هر عضو به عنوان یک دستگاه واحد عمل کند. "تا که جدایی در بدن نیفتد، بلکه اعضا به برابری در فکر یکدیگر باشند. و اگر یک عضو دردمند گردد، سایر اعضا با آن همدرد باشند و اگر عضوی عزت یابد، باقی اعضا با او به خوشی آیند. اما شما بدن مسیح هستید و فرداً اعضای آن می باشید." آیه ۲۵-۲۷

وظیفه کلیسای محلی چیست؟

الف) اولین کلیسای محلی در کتاب مقدس در اورشلیم بنیانگذاری شد. "پس ایشان کلام او را پذیرفته، تعمد گرفتند و در همان روز تخمیناً سه هزار نفر بدیشان پیوستند. ۴۲ و در تعلیم رسولان و مشارکت ایشان و شکستن نان و دعاها مواظبت می نمودند. ۴۳ و همه خلق ترسیدند و معجزات و علامات بسیار از دست رسولان صادر می گشت. ۴۴ و همه ایمانداران با هم می زیستند و در همه چیز شریک می بودند. ۴۵ و املاک و اموال خود را فروخته، آنها را به هرکس به قدر احتیاجش تقسیم می کردند. ۴۶ و هر روزه در هیکل به یکدل پیوسته می بودند و در خانه ها نان را پاره می کردند و خوراک را به خوشی و ساده دلی می خوردند. ۴۷ و خدا را حمد می گفتند و نزد تمامی خلق عزیز می گردیدند و خداوند هر روزه ناجیان را بر کلیسا می افزود." اعمال ۲: ۴۱-۴۷

ایمانداران اورشلیم کلیسا را بر اساس موردهای زیر بنیانگذاری کردند: (اعمال ۲: ۴۱-

(۴۷)

- ۱- تعلیم کلام خدا، آیه ۴۲
- ۲- مشارکت با سایر ایمانداران، آیه ۴۲
- ۳- دعا، آیه ۴۲
- ۴- مراعات ۲ آیین کلیسا: غسل تعمد و شام خداوند. آیه ۴۱-۴۲
- ۵- بودن شاهی از فیض و قدرت خدا، آیه ۴۳
- ۶- برای همیاری مشترک و خدمت، آیه ۴۴-۴۵
- ۷- برای رسیدگی به انجمن، آیه ۴۶-۴۷
- ۸- برای جلال و شکرگزاری خداوند، آیه ۴۷

ب) اولویت اصلی و مهم کلیسای محلی تشویق، تسلی، تقویت و تعلیم مقدسان است. "و او بخشید بعضی رسولان و بعضی انبیا و بعضی مشرین و بعضی شبانان و معلمان راه، برای تکمیل مقدسین، برای کار خدمت، برای بنای بدن مسیح، تا همه به یگانگی ایمان و معرفت تام پسر خدا و به انسان کامل، به اندازه قامت پری مسیح برسیم. تا بعد از این اطفال متموج و رانده شده از باد هر تعلیم نباشیم، از دغابازی مردمان در حيله اندیشی برای مکرهای گمراهی؛ بلکه در محبت پیروی راستی نموده، در هر چیز ترقی نماییم در او که سر است، یعنی مسیح؛ که از او تمام بدن مرکب و مرتب گشته، به مدد هر مفصلی و برحسب عمل به اندازه هر عضوی بدن را نمو می دهد برای بنای خویشتن در محبت." افسسیان ۴: ۱۱-۱۶

وظیفه من در کلیسا چیست؟

الف) طی زندگی مسیحی خود، باید در سه صحنه عمومی رشد کنید.

۱- **کلام خدا را یاد بگیرید:** اولین اولویت شما باید مطیع بودن بر تعالیم کلام خدا باشد تا بتوانید تعلیم یابید، و آن مرد یا زنی که خداوند می خواهد باشید. "بیایید نزد من ای تمام زحمتکشان و گرانباران و من شما را آرامی خواهم بخشید. یوغ مرا بر خود بگیرید و از من تعلیم یابید زیرا که حلیم و افتاده دل می باشم و در نفوس خود آرامی خواهید یافت؛ زیرا یوغ من خفیف است و بار من سبک." متی ۱۱: ۲۸-۳۰

۲- **مشغول خدمت باشید:** به مرور زمان شما به نقطه رشدی خواهید رسید که خواهید توانست در وظیفه مقدماتی که از قبل در کلیسا بر پا شده خدمت کنید. متی ۴: ۱۹ " بدیشان گفت: دنبال من آیید تا شما را صیاد مردم گردانم." ؛ همچنین یعقوب ۱: ۲۲-۲۵ را بخوانید.

۳- **رهبری کنید و تعلیم دهید:** همانطور که رشد شما ادامه پیدا می کند، شما باید به نقطه ای برسید که شروع به خدمت و تعلیم دیگران باشید درست به همان روشی که به شما خدمت و تعلیم داده شده بود. "و آنچه به شهود بسیار از من شنیدی به مردمان امین بسپار که قابل تعلیم دیگران هم باشند." دوم تیموتائوس ۲: ۲

ب) این سه صحنه می تواند تقریباً تشبیه داده شود به رشد جسمانی: دوران بچگی، نوجوانی و بزرگسالی.

ج) صبور باشید. این مراحل نیاز به زمان دارد. به کلیسای محلی که خداوند شما را خوانده وفادار بمانید.

سوالات پایه ای:

۱- چگونه کلیسای محلی بخصوصی را پیدا کنم که اراده خداوند باشد تا بتوانم در آن خدمت کنم؟

• **درباره یافتن کلیسای خوب دعا کنید.** از خدا بخواهید که به شما نشان دهد در کدام کلیسا باید خدمت کنید. "و اگر از شما کسی محتاج به حکمت باشد، سؤال بکند از خدایی که هر کس را به سخاوت عطا می‌کند و ملامت نمی‌نماید، و به او داده خواهد شد." یعقوب ۱: ۵

• **کیفیت کلیسا را ملاحظه کنید و آنرا بر اساس کتاب مقدس بسنجید.**

۱- **ببینید آیا شواهدی از بشارت دادن در آن کلیسا وجود دارد؟** متی ۷: ۲۰ "لهذا از میوه های ایشان، ایشان را خواهید شناخت." ؛ اعمال ۲: ۴۷ "و خدا را حمد می‌گفتند و نزد تمامی خلق عزیز می‌گردیدند و خداوند هر روزه ناجیان را بر کلیسا می‌افزود."

۲- **آیا آنها به کتاب مقدس به عنوان کلام خدا و مصون بودن از خطا برای هدایت زندگی، ایمان دارند؟** "و متمسک به کلام امین برحسب تعلیمی که یافته تا بتواند به تعلیم صحیح نصیحت کند و مخالفان را توبیخ نماید." تیطس ۱: ۹

۳- **آیا اعضای کلیسا به اندازه سرپرست کلیسا مشوق خواندن و مطالعه کتاب مقدس هستند؟** "اما برادران بی درنگ در شب پولس و سیلاس را به سوی بیریه روانه کردند و ایشان بداتجا رسیده، به کنیسه یهود درآمدند. و اینها از اهل تسالونیکه نجیب تر بودند، چونکه در کمال رضامندی کلام را پذیرفتند و هر روز کتب را تفتیش می نمودند که آیا این همچنین است. پس بسیاری از ایشان ایمان آوردند و از زنان شریف یونانیه و از مردان، جمعی عظیم." اعمال ۱۷: ۱۰-۱۲

۴- **آیا آنها به نیازهای مردم رسیدگی می‌کنند؟** "و در آن ایام چون شاگردان زیاد شدند، هلینستیان از عبرانیان شکایت بردند که بیوه زنان ایشان در خدمت یومیه بی بهره می ماندند." اعمال ۶: ۱

۵- **آیا آنها مسیونری را به مأموریت می فرستند و از آنها پشتیبانی مالی می‌کنند؟** "و در کلیسایی که در انطاکیه بود، انبیا و معلم چند بودند. برنابا و شمعون ملقب به نیجر و لوکیوس قیروانی و مناخم برادر رضاعی هیروودیس تیتراوخ و سولس. چون ایشان در عبادت خدا و روزه مشغول می بودند، روح القدس گفت: برنابا و سولس را برای من جدا سازید از بهر آن عمل که ایشان را برای آن خوانده ام." اعمال ۱۳: ۱-۳

سوالات این درس:

- ۱- سه مؤسسه ای که خداوند بنا کرده است را نام ببرید؟
- ۲- بعضی چیزهایی که کلیسا نیست را نام ببرید؟
- ۳- این واژه ها را تعریف کنید؟
الف) کلیسای محلی:
ب) "کلیسا":
- ۴- در اول قرن‌تین ۱۲: ۱۴-۲۷ پولس رسول تعلیم می دهد که به شکل‌های مختلفی کلیسا تشبیه شده به
_____ .
- ۵- چهار تشابه اساسی بین کلیسا و بدن انسان را نام ببرید؟
- ۶- اولین کلیسایی که در کتاب مقدس ذکر شده در اورشلیم بود. در اعمال ۲: ۴۱-۴۷ ما وظایف های این کلیسا را مشاهده می کنیم. این وظایف ها را که در این آیه ها ذکر شده اند، نام ببرید؟
- ۷- اولویت اصلی و مهم کلیسای محلی چیست؟
- ۸- شرکت کردن در کلیسا تریبی وجود دارد. سه مرحله ای که ما رشد روحانی می کنیم را نام ببرید؟
- ۹- آن سه مراحل بالا طبق اول یوحنا ۲: ۱۲-۱۴ به چه دورانی تشبیه داده شده؟
- ۱۰- وقتی که یک مسیحی دنبال یک کلیسای محلی است چه کیفیت هایی را باید در آن کلیسا ملاحظه کند؟
- ۱۱- بطور خلاصه هدف اصلی این درس را شرح دهید؟

آیه های حفظی: متی ۱۶: ۱۸ ؛ اول قرن‌تین ۱۲: ۱۴-۲۷

درس ۱۸ : سایر مسیحیان

"رابطه ما با سایر مسیحیان چگونه باید باشد؟"

وقتی که ما نجات پیدا می کنیم، از خانواده شیطان بیرون آمده و به خانواده خدا داخل می شویم. از لحاظ روحانی اینک ما با بسیاری از برادران و خواهران مسیحی صاحب یک خانواده جدیدی شده ایم.

در درس قبلی ما خواندیم که چگونه کلیسا به یک بدن تشبیه داده شده است. در این درس می خواهیم درباره رابطه مخصوص که حالا با خانواده روحانی داریم، بیاموزیم. این درس تنظیم شده که به ما درک کاملی از بدن مسیح که به عنوان یک خانواده واحد عمل می کند، را بدهد.

ما چه رابطه ای با سایر مسیحیان داریم؟

الف) آنها برادران و خواهران ما در مسیح می باشند. ما باید این را درک کنیم که فقط آنهایی که در مسیح (نجات یافتگان) می باشند برادران ما هستند. آنهایی که در عیسی مسیح نیستند (نجات نیافتگان)، برادران ما نمی باشند.

- "اما او را که اندکی از فرشتگان کمتر شد می بینیم، یعنی عیسی را که به زحمت موت، تاج جلال و اکرام بر سر وی نهاده شد تا به فیض خدا برای همه ذاتقه موت را بچشد. زیرا او را که بخاطر وی همه و از وی همه چیز می باشد، چون فرزندان بسیار را وارد جلال می گرداند، شایسته بود که رئیس نجات ایشان را به دردها کامل گرداند. زانرو که چون مقدس کننده و مقدسان همه از یک می باشند، از این جهت عار ندارد که ایشان را برادر بخواند. چنانکه می گوید، اسم تو را به برادران خود اعلام می کنم و در میان کلیسا تو را تسبیح خواهم خواند." عبرانیان ۲: ۹-۱۲

- "زیرا آنانی را که از قبل شناخت، ایشان را نیز پیش معین فرمود تا به صورت پسرش متشکل شوند تا او نخست زاده از برادران بسیار باشد." رومیان ۸: ۲۹

- "یعنی فرزندان جسم، فرزندان خدا نیستند، بلکه فرزندان وعده از نسل محسوب می شوند." رومیان ۹: ۸

- "ملاحظه کنید چه نوع محبت پدر به ما داده است تا فرزندان خدا خوانده شویم؛ و چنین هستیم و از این جهت دنیا ما را نمی شناسد زیرا که او را شناخت. ای حبیبان، الان فرزندان خدا هستیم و هنوز ظاهر نشده است آنچه خواهیم بود؛ لکن می دانیم که چون او ظاهر شود،

مانند او خواهیم بود زیرا او را چنانکه هست خواهیم دید. و هرکس که این امید را بر وی دارد، خود را پاک می‌سازد چنانکه او پاک است." اول یوحنا ۳: ۱-۳

ب) آنها همکار ما و خادم عیسی مسیح می‌باشند. "پس کیست پولس و کیست اَپُلَس؟ جز خادمانی که به واسطه ایشان ایمان آوردید و به اندازه‌ای که خداوند به هرکس داد. ۶ من کاشتم و اَپُلَس آبیاری کرد لکن خدا نمُو می‌بخشید. ۷ لَهَذَا نه کارنده چیزی است و نه آب دهنده بلکه خدای رویاننده. ۸ و کارنده و سیرآب کننده یک هستند، لکن هر یک اجرت خود را بحسب مشقّت خود خواهند یافت. ۹ زیرا با خدا همکاران هستیم و شما زراعت خدا و عمارت خدا هستید. ۱۰ بحسب فیض خدا که به من عطا شد، چون معمار دانا بنیاد نهادم و دیگری بر آن عمارت می‌سازد؛ لکن هرکس با خیر باشد که چگونه عمارت می‌کند." اول قرنتیان ۳: ۵-۱۰

مسئولیت ما در ازای سایر مسیحیان چیست؟

۱- **باید برای همدیگر دعا کنیم.** تقریباً همه نامه‌هایی که پولس رسول برای کلیساهای مختلف نوشته با دعا شروع می‌شود. "پیوسته درباره جمیع شما خدا را شکر می‌کنیم و دائماً در دعاهای خود شما را ذکر می‌نماییم، چون اعمالِ ایمانِ شما و محبتِ محبت و صبر امید شما را در خداوند ما عیسی مسیح در حضور خدا و پدر خود یاد می‌کنیم." اول تسالونیکیان ۱: ۲-۳

"شکر می‌کنم آن خدایی را که از اجداد خود به ضمیر خالص بندگی او را می‌کنم، چونکه دائماً در دعاهای خود تو را شبانه‌روز یاد می‌کنم." دوم تیموتائوس ۱: ۳

۲- باید نیازهای یکدیگر را برآورده کنیم.

ا. نیازهای جسمانی: برای آن خانواده‌هایی که نیاز به کمک دارند. "خلاصه بقدری که فرصت داریم، با جمیع مردم احسان بنماییم، علی‌الخصوص با اهل بیت ایمان." غلاطیان ۶: ۱۰

"مشارکت در احتیاجات مقدّسین کنید و در مهمانداری ساعی باشید." (رومیان ۱۲: ۱۳). همچنین برای تمام بدن مسیح در ناحیه‌های دیگر. "در آن ایام انبیایی چند از اورشلیم به اَنطَاکیّه آمدند. که یکی از ایشان اغابوس نام برخاسته، به روح اشاره کرد که قحطی شدید در تمامی ربع مسکون خواهد شد و آن در ایام کَلُودِیُوس قیصر پدید آمد. و شاگردان مصمّم آن شدند که هر یک برحسب مقدور خود، اعانتی برای برادران ساکن یهودیه بفرستند. پس چنین کردند و آن را به دست بَرَنابا و سولس نزد کشیشان روانه نمودند." اعمال رسولان ۱۱: ۲۷-۳۰

ب. نیازهای معنوی: غلاطیان ۶: ۱-۲ "اما ای برادران، اگر کسی به خطایی گرفتار شود، شما که روحانی هستید، چنین شخص را به روح تواضع اصلاح کنید. و خود را ملاحظه کن، که مبدا تو نیز در تجربه افتی. بارهای سنگین یکدیگر را متحمل شوید و بدین نوع شریعت مسیح را بجا آرید." همچنین به رومیان ۱۵: ۱-۲ و عبرانیان ۱۳: ۳ رجوع کنید.

۳- **باید همدیگر را تشویق و تقویت کنیم.** "پس همدیگر را تسلی دهید و یکدیگر را بنا کنید، چنانکه هم می‌کنید." اول تسالونیکیان ۵: ۱۱

۴- **باید به همدیگر خدمت کنیم.** "و هیچ چیز را از راه تعصب و عجب مکنید، بلکه با فروتنی دیگران را از خود بهتر بدانید. و هر یک از شما ملاحظه کارهای خود را نکنند، بلکه هر کدام کارهای دیگران را نیز." فیلیپیان ۲: ۳-۴ (همچنین به متی ۲۰: ۲۵-۲۸ رجوع کنید.)

چه طرز فکری باید نسبت به سایر مسیحیان داشته باشیم؟

۱- **باید آنها را دوست داشته باشیم.** "ما می‌دانیم که از موت گذشته، داخل حیات گشته‌ایم از اینکه برادران را محبت می‌نماییم. هر که برادر خود را محبت نمی‌نماید در موت ساکن است. هر که از برادر خود نفرت نماید، قاتل است و می‌داند که هیچ قاتل حیات جاودانی در خود ثابت ندارد. از این امر محبت را دانسته‌ایم که او جان خود را در راه ما نهاد و ما باید جان خود را در راه برادران بنهیم." اول یوحنا ۱۴: ۳-۱۶

۲- **با صبر ایشان را تحمل کنیم.** "الآن خدای صبر و تسلی شما را فیض عطا کند تا موافق مسیح عیسی با یکدیگر یکرأی باشید. تا یکدل و یکزبان شده، خدا و پدر خداوند ما عیسی مسیح را تمجید نمایید. پس یکدیگر را بپذیرید، چنانکه مسیح نیز ما را پذیرفت برای جلال خدا." رومیان ۱۵: ۵-۷

۳- **از نیازهای ایشان آگاهی داشته باشیم.** "لکن کسی که معیشت دنیوی دارد و برادر خود را محتاج ببیند و رحمت خود را از او باز دارد، چگونه محبت خدا در او ساکن است؟ ای فرزندان، محبت را به‌جا آریم نه در کلام و زبان بلکه در عمل و راستی." اول یوحنا ۱۷: ۳-۱۸

۴- **نسبت به همدیگر گذشت و بخشش داشته باشیم.** "و با یکدیگر مهربان باشید و رحیم و همدیگر را عفو نمایید چنانکه خدا در مسیح شما را هم آموخته است." افسسیان ۴: ۳۲

"و متحمل یکدیگر شده، همدیگر را عفو کنید هرگاه بر دیگری ادعایی داشته باشید؛ چنانکه مسیح شما را آمرزید، شما نیز چنین کنید." کولسیان ۳: ۱۳

مشارکت چیست؟

۱- مشارکت یک واژه رایج بین مسیحیان است، یعنی دور هم گرد آمدن برای انجام فعالیتی یا صرف کردن زمان با ایمانداران دیگر برای صرف غذا یا فعالیتهای دیگر. این واقعیت دارد که مشارکت یعنی صرف غذا یا انجام فعالیتی با سایر ایمانداران، اما معنی واقعی آن بر اساس کتاب مقدس این است که ما زندگیمان را از طریق شخص خداوند عیسی مسیح با سایر ایمانداران صرف کنیم.

۲- لازمه مشارکت واقعی چیزهای فیزیکی مانند موقعیت اجتماعی، دوستی ها، علایق مشترک و غیره نیستند، بلکه نیازهای روحانی شخصیت یک نفر هستند. چهار خصوصیتی که برای مشارکت لازم است عبارتند از:

ا. **تواضع** - فیلیپیان ۲: ۳- ۸

ب. **صداقت** - افسسیان ۴: ۲۵ ؛ دوم قرنتیان ۴: ۲

ج. **محبت** - یوحنا ۱۳: ۳۵ ؛ غلاطیان ۵: ۱۳- ۱۵

د. **مهمان نوازی** - تیطس ۱: ۸ ؛ اعمال ۲: ۴۲ و ۴۶- ۴۷

۳- ناحیه های مشارکت واقعی با دیگران عبارتند از:

ا. **دعا** - دوم قرنتیان ۱: ۱۱

ب. **ایمان** - رومیان ۱: ۱۲

ج. **خدمت** - دوم قرنتیان ۸: ۴ ؛ غلاطیان ۲: ۹

د. **رنج** - فیلیپیان ۳: ۱۰ ؛ اول پطرس ۴: ۱۳ و ۵: ۱

۴- گرچه اعتقاد به تعالیم اهمیت زیادی دارد، اما مشارکت واقعی طبق کتاب مقدس بر پایه موافق بودن با تعلیمات صحیح نیست، بلکه در شخص خداوند عیسی مسیح می باشد. ما باید یاد بگیریم که قبل از اینکه با ایمانداران دیگر مشارکت داشته باشیم با او شخصاً مشارکت داشته باشیم.

"از آنچه دیده و شنیده‌ایم شما را اعلام می‌نماییم تا شما هم با ما شراکت داشته باشید. و اما شراکت با پدر و با پسرش عیسی مسیح است. و این را به شما می‌نویسم تا خوشی ما کامل گردد. و این است پیغامی که از او شنیده‌ایم و به شما اعلام می‌نماییم، که خدا نور است و هیچ ظلمت در وی هرگز نیست. اگر گوییم که با وی شراکت داریم، در حالیکه در ظلمت سلوک می‌نماییم، دروغ می‌گوییم و

براستی عمل نمی‌کنیم. لکن اگر در نور سلوک می‌نماییم، چنانکه او در نور است، با یکدیگر شراکت داریم و خون پسر او عیسی مسیح ما را از هر گناه پاک می‌سازد." اول یوحنا ۱: ۳-۷

سوالات پایه ای

۱- اگر یک مسیحی به من توهین کند چه عکس‌العملی باید نشان دهم؟ اگر شما زمانتان را با برادران و خواهران مسیحی صرف کنید، متأسفانه این عمل احتمالاً برای شما اتفاق خواهد افتاد. زمانی می‌آید که اهانت، ضربه و مخالفت در درون بدن مسیح پدید می‌آید، درست همانگونه که در خانواده جسمانی ما اتفاق می‌افتد. در چنین مواقعی کتاب مقدس برای ما اصولهایی را تعلیم می‌دهد که باید انجام دهیم.

أ. به سراغ آن شخص که اهانت کرده به تنهایی و در خلوت بروید تا مسئله را حل کنید. "و اگر برادرت به تو گناه کرده باشد، برو و او را میان خود و او در خلوت الزام کن. هرگاه سخن تو را گوش گرفت، برادر خود را دریافتی." متی ۱۸: ۱۵

ب. اگر اختلاف در خلوت حل نشد، سراغ سرپرست کلیسا رفته و موضوع را با او در جریان بگذارید تا او واسط بین شما باشد برای راه حل. "و اگر نشنود، یک یا دو نفر دیگر با خود بردار تا از زبان دو یا سه شاهد، هر سخنی ثابت شود." متی ۱۸: ۱۶

ج. برای حل اختلاف، هرگز سراغ کسی نروید که نجات نداشته باشد. "بلکه برادر با برادر به محاکمه می‌رود و آن هم نزد بی‌ایمانان!" اول قرنتیان ۶: ۶

د. اگر اختلاف هنوز حل نشده باشد:

۱. شخصاً اشتباه او را قبول و به عهده بگیرید. "بلکه الآن شما را بالکلیه قصوری است که با یکدیگر مرافعه دارید. چرا بیشتر مظلوم نمی‌شوید و چرا بیشتر مغبون نمی‌شوید؟ بلکه شما ظلم می‌کنید و مغبون می‌سازید و این را نیز به برادران خود!" اول قرنتیان ۶: ۷-۸

۲. مسئله را به خداوند عیسی مسیح واگذار کنید تا با عدالت داوری کند. "زیرا این ثواب است، که کسی بجهت ضمیری که چشم بر خدا دارد، در وقتی که ناحق زحمت می‌کشد، دردها را متحمل شود. زیرا چه فخر دارد هنگامی که گناهکار بوده، تازیانه خورید و متحمل آن

شوید. لکن اگر نیکوکار بوده، زحمت کشید و صبر کنید، این نزد خدا ثواب است. زیرا که برای همین خوانده شده‌اید، چونکه مسیح نیز برای ما عذاب کشید و شما را نمونه‌ای گذاشت، تا در اثر قدمهای وی رفتار نمایید، که هیچ گناه نکرد، و مکر در زبانش یافت نشد. چون او را دشنام می‌دادند، دشنام پس نمی‌داد؛ و چون عذاب می‌کشید تهدید نمی‌نمود، بلکه خویشتن را به داور عادل تسلیم کرد." اول پطرس ۱۹:۲-۲۳

۳. **او را ببخش.** "و متحمل یکدیگر شده، همدیگر را عفو کنید هرگاه بر دیگری ادعایی داشته باشید؛ چنانکه مسیح شما را آمرزید، شما نیز چنین کنید." کولسیان ۳:۱۳

۴. **برای او دعا کن.** "شنیده‌اید که گفته شده است، همسایه خود را محبت نما و با دشمن خود عداوت کن. اما من به شما می‌گویم که دشمنان خود را محبت نمایید و برای لعن‌کنندگان خود برکت بطلبید و به آنانی که از شما نفرت کنند، احسان کنید و به هر که به شما فحش دهد و جفا رساند، دعای خیر کنید، تا پدر خود را که در آسمان است پسران شوید، زیرا که آفتاب خود را بر بدان و نیکان طالع می‌سازد و باران بر عادلان و ظالمان می‌باراند. زیرا هرگاه آنانی را محبت نمایید که شما را محبت می‌نمایند، چه اجر دارید؟ آیا باجگیران چنین نمی‌کنند؟ و هرگاه برادران خود را فقط سلام گویند چه فضیلت دارید؟ آیا باجگیران چنین نمی‌کنند؟ پس شما کامل باشید چنانکه پدر شما که در آسمان است کامل است." متی ۵: ۴۳-۴۸

سوالات این درس:

۱- دو جنبه اصلی رابطه ما با سایر مسیحیان را بنویسید؟

۲- چهار مسئولیتی که شما نسبت به مسیحیان دیگر دارید را با آیه ای نام ببرید؟

۳- چهار طرز تفکری که شما باید برای دیگر مسیحیان داشته باشید را با آیه ای برای هر یک نام ببرید؟

۴- مشارکت به چه معناست؟

۵- لازمه مشارکت واقعی بر طبق کتاب مقدس چیزهای نیستند بلکه نیازهای یک نفر هستند.

۶- چهار خصوصیتی که برای مشارکت لازم است کدامند؟

۷- چهار ناحیه از مشارکت واقعی را با آیه ها نام ببرید؟

۸- سوالات زیر را با بله یا خیر جواب دهید.

- مشارکت واقعی طبق کتاب مقدس بر پایه موافق بودن با تعلیمات صحیح است. -----
- مشارکت واقعی بر طبق کتاب مقدس با شخص نجات نیافته ممکن است. -----
- ما اول باید با عیسی مسیح مشارکت داشته باشیم قبل از اینکه با سایر ایمانداران مشارکت کنیم. -----

۹- وقتی که یک مسیحی به ما اهانت می کند، سه اصول و قواعدی که کتاب مقدس برای حل اختلاف به ما تعلیم می دهد را نام ببرید؟

۱۰- در هنگام حل اختلاف، اگر برادر مسیحی از حل اختلاف امتناع ورزد چه کاری باید انجام دهیم؟

۱۱- بطور خلاصه هدف اصلی این درس را شرح دهید؟

آیه های کلیدی این درس: افسسیان ۴: ۳۲ اول یوحنا ۳: ۱۴-۱۵ اول یوحنا ۱: ۷

درس ۱۹: ده یکه‌ها و هدایا

"معنی ده یکه‌ها و هدایا چیست و مسئولیت ما در این زمینه چیست؟"

امروزه بخشیدن ده یکه‌ها و هدایا یک موضوع بی نهایت متناقض در مسیحیت است، و این بعلت فشارهای سختی که بر مسیحیان به دلیل هزینه کردن زیاد برای چیزهای روزمره است، وارد می شود. این یک موضوع مبهم بین مسیحیان و حتی بین سرپرستهای کلیسا می باشد.

قبل از اینکه ما طبیعت دادن هدایا در عهد جدید را درک کنیم، باید واقعیتی را درک کنیم و آن اینست که: خداوند به پول ما نیازی ندارد. در این درس درباره مسئولیت های مسیحیان در نظارت بر زندگی و دارایی های خویش یاد خواهیم گرفت.

قبل از تقدیم کردن هر هدیه ای به خداوند، باید اول خودمان را به خدا تقدیم کنیم.

۱- خداوند ما را با قیمت گزافی خریده، که این قیمت، خون خودش می باشد. او ما را از آن خود کرده است و بنابراین ما متعلق به او هستیم. "آیا نمی دانید که بدن شما معبد روح القدس است که در شما است که از خدا یافته‌اید و از آن خود نیستید؟ زیرا که به قیمتی خریده شدید، پس خدا را به بدن خود تمجید نمایید." اول قرن تیان ۶: ۱۹-۲۰

۲- خداوند به ما فرمان می دهد که بدنهای خود را به عنوان قربانی زنده تقدیم او نماییم نه فقط پول تو جیبی خود را. "لهذا ای برادران، شما را به رحمتهای خدا استدعا می کنم که بدنهای خود را قربانی زنده مقدس پسندیده خدا بگذرانید که عبادت معقول شما است." رومیان ۱۲: ۱

۳- ذهن و دل راغب همراه با تعهد برای خدمت به خدا باید مقدم تر از تقدیم هدایای مالی باشد. "زیرا که شاهد هستیم که بحسب طاقت بلکه فوق از طاقت خویش به رضامندی تمام، التماس بسیار نموده، این نعمت و شراکت در خدمت مقدسین را از ما طلبیدند. و نه چنانکه امید داشتیم، بلکه اول خویشتر را به خداوند و به ما برحسب اراده خدا دادند... ۱۲ زیرا هرگاه دلگرمی باشد، مقبول می افتد، بحسب آنچه کسی دارد نه بحسب آنچه ندارد." دوم قرن تیان ۸: ۳-۵ و ۱۲

۴- باید بدانیم که تقدیم کردن هدایا در عهد جدید با زندگی ما شروع می شود و این شامل دارایی و سایر منابع ما نیز می باشد. اگر خداوند بر زندگی ما نظارت داشته باشد، بر منابع ما نیز نظر خواهد داشت.

دلیل بخشیدن هدایا چیست؟

۱- بخشیدن هدایا محبت واقعی ما به مسیح را ثابت می کند. "این را به طریق حکم

نمی گویم بلکه به سبب اجتهاد دیگران و تا اخلاص محبت شما را بیازمایم." دوم قرن تیان ۸: ۸

۲- بخشیدن هدایا خوش نیتی ما را برای خدمات دیگر زیاد می کند. این نیاز به استعداد یا

توانایی خاص ندارد بلکه فقط به خوش نیتی نیاز دارد. "و از این سبب از تیطس استدعا نمودیم که

همچنانکه شروع این نعمت را در میان شما کرد، آن را به انجام هم برساند. بلکه چنانکه در هر چیز

افزونی دارید، در ایمان و کلام و معرفت و کمال اجتهاد و محبتی که با ما می دارید، در این نعمت نیز

بیفزایید." دوم قرن تیان ۸: ۶-۷

"ولی خدا قادر است که هر نعمتی را برای شما بیفزاید تا همیشه در هر امری کفایت کامل داشته،

برای هر عمل نیکو افزوده شوید." دوم قرن تیان ۹: ۸

۳- بخشیدن هدایا، یک سرمایه گذاری ابدی است و چشمهای ما را از ثروت‌های زمینی

که از بین می روند برمی دارد. "گنجها برای خود بر زمین نیندوزید، جایی که بید و زنگ زیان

می‌رساند و جایی که دزدان نقب می‌زنند و دزدی می‌نمایند. بلکه گنجها بجهت خود در آسمان

بیندوزید، جاییکه بید و زنگ زیان نمی‌رساند و جایی که دزدان نقب نمی‌زنند و دزدی نمی‌کنند. زیرا

هرجا گنج تو است، دل تو نیز در آنجا خواهد بود." متی ۶: ۱۹-۲۱

۴- شخصی که سود بیشتری از بخشیدن می برد خود شما هستید.

کجا باید هدایا را بخشید؟

۱- مسئولیت اصلی ما در این زمینه نسبت به کلیسای محلی خودمان می باشد. تمام

هدایا در عهد جدید در قالب خدمات کلیسای محلی صورت می گرفت. "اما درباره جمع کردن زکات

برای مقدسین، چنانکه به کلیساهای غلاطیه فرمودم، شما نیز همچنین کنید. در روز اول هفته، هر

یکی از شما بحسب نعمتی که یافته باشد، نزد خود ذخیره کرده، بگذارد تا در وقت آمدن من زحمت

جمع کردن نباشد. و چون برسرم، آنانی را که اختیار کنید با مکتوبها خواهم فرستاد تا احسان شما را به

اورشليم ببرند." اول قرن تیان ۱۶: ۱-۳

۲- مسلماً هرکسی آزاد است که خارج از کلیسا به نیازمندان کمک کند. هرچند این

کلیسای محلی است که در مرکزیت و محور اهداف خداوند می باشد. هر کمکی که خارج از کلیسا به

دیگران می شود نباید از آن هدایایی باشد که خداوند از ما می خواهد به کلیسا بدهیم. این نه تنها

پول بلکه زمان و خدمت ما را نیز شامل می شود.

پولی که به کلیسا می بخشیم برای چه چیزهایی مصرف می شود؟

۱- **برای حمایت مالی از سرپرست کلیسا.** "آیا نمی دانید که هر که در امور مقدّس مشغول باشد، از معبد می خورد و هر که خدمت مذبح کند، از مذبح نصیبی می دارد. و همچنین خداوند فرمود که کسانیکه انجیل را موعظه می نماید، باید از انجیل معیشت یابند." اول قرن تیان ۹: ۱۳-۱۴
"کشیشانی که نیکو پیشوایی کرده اند، مستحقّ حرمت دوبرابر می باشند، علی الخصوص آنانی که در کلام و تعلیم محنت می کشند. زیرا کتاب می گوید، گاو را وقتی که خرمن را خرد می کند، دهن میند و کارگر مستحقّ اجرت خود است." اول تیموتائوس ۵: ۱۷-۱۸

۲- **سایر خدمتها از طریق کلیسای محلی حمایت می شود.** "اما ای فیلیپیان شما هم آگاهید که در ابتدای انجیل، چون از مکادونیه روانه شدم، هیچ کلیسا در امر دادن و گرفتن با من شراکت نکرد جز شما و بس. زیرا که در تسالونیکه هم یک دو دفعه برای احتیاج من فرستادید." فیلیپیان ۴: ۱۵-۱۶

۳- **برای حمایت از اعضای وفادار کلیسا که توانایی کار کردن را ندارند.** "و در آن ایام چون شاگردان زیاد شدند، هلیسیستیان از عبرانیان شکایت بردند که بیوه زنان ایشان در خدمت یومیّه بی بهره می ماندند." اعمال ۶: ۱ - همچنین به اول تیموتائوس ۵: ۱۶ و ۹-۱۰ رجوع کنید.

۴- **برای برآورده کردن نیازهای عمومی که توسط سرپرست کلیسا تعیین می شود.**
"التماس بسیار نموده، این نعمت و شراکت در خدمت مقدّسین را از ما طلبیدند." دوم قرن تیان ۸: ۴
"و در آن ایام انبیاپی چند از اورشلیم به آنطاکیّه آمدند. که یکی از ایشان اغابوس نام برخاسته، به روح اشاره کرد که قحطی شدید در تمامی ربع مسکون خواهد شد و آن در ایام کلودیوس قیصر پدید آمد. و شاگردان مصمّم آن شدند که هر یک برحسب مقدور خود، اعانتی برای برادران ساکن یهودیه بفرستند. پس چنین کردند و آن را به دست برنابا و سولس نزد کشیشان روانه نمودند." اعمال ۱۱: ۲۷-۳۰

چه مقدار پول باید به کلیسا ببخشیم؟ شما قرار نیست که چیزی ببخشید. فقط بخاطر رغبت و تمایل قلبتان باید ببخشید و این برای اینست که عیسی مسیح را دوست دارید و از ته دل می خواهید ببخشید. بیایید چند نمونه از مقدار پولی که در کتاب مقدس آمده را مطالعه کنیم:

۱- **"ده یکهها"** - در عهد عتیق از یهودیان خواسته شده بود که درصدی از درآمدها را ببخشند. گرچه ده یک، ده درصد از درآمد است، شماری از ده یکههای مختلف برای اهداف مختلف از قسمتهای مختلف درآمدها وجود داشتند. در حالت کلی، هدایای درخواست شده از یهودیان بین ۲۵ تا ۳۰ درصد از کل درآمدها بود. مقدار بیشتری از آن پولها برای همان هدفی که ما امروزه مالیات

می‌نامیم استفاده می‌شد. علاوه بر آن یهودیان باید برای کارها و خدمت خداوند هدایایی می‌بخشیدند.

۲- اصول و تعالیم عهد جدید در رابطه با دادن هدایا در دوم قرن‌تیان: ۹: ۷ خلاصه شده.

- ۱- "هرکس بطوری که در دل خود اراده نموده است." آنقدریکه خداوند در دلتان می‌نهد، ببخشید.
- ۲- "نه از روی بی‌میلی." اگر مایل به بخشیدن نیستید، این کار را انجام ندهید.
- ۳- "یا اجبار." شما در قید و بند بخشیدن ده یک‌ها یا هدایا نیستید.
- ۴- "زیرا خدا بخشنده خوشحال را دوست دارد." اگر با خوشحالی به کلیسا پول ببخشید مورد برکت و خشنودی خدا قرار خواهید گرفت.

۳- اصول دیگر.

۱- آنقدریکه خدا کامیاب‌تان کرده، ببخشید. خود را با دیگران مقایسه نکنید و خود را نگران

نکنید که دیگران چقدر می‌بخشند، بلکه به همان مقدار که خداوند به شما برکت داده، هدیه بدهید. "در روز اول هفته، هر یکی از شما بحسب نعمتی که یافته باشد، نزد خود ذخیره کرده، بگذارد تا در وقت آمدن من زحمت جمع کردن نباشد." اول قرن‌تیان: ۱۶: ۲

"زیرا هرگاه دلگرمی باشد، مقبول می‌افتد، بحسب آنچه کسی دارد نه بحسب آنچه ندارد." دوم قرن‌تیان: ۸: ۱۲

۲- بیشتر از توانایی خود ببخشید. وقتی که با فداکاری برای خدمت خدا پول خود را قربانی می‌کنید، خوش‌نیتی به بخشیدن هدایا در زندگیتان افزایش پیدا خواهد کرد. "زیرا که شاهد هستم که

بحسب طاقت بلکه فوق از طاقت خویش به رضامندی تمام." دوم قرن‌تیان: ۸: ۳

"اما پادشاه به ارونه گفت: «نی، بلکه البته به قیمت از تو خواهم گرفت، و برای یهوه، خدای خود، قربانی‌های سوختنی بی‌قیمت نخواهم گذرانید.» پس داود خرمنگاه و گاوآن را به پنجاه مثقال نقره خرید." دوم سموئیل: ۲۴: ۲۴

۳- همیشه قانون کاشتن و درو کردن را به یاد داشته باشید. "اما خلاصه این است، هر که

با بخیلی کارد، با بخیلی هم درو کند و هر که با برکت کارد، با برکت نیز درو کند." دوم قرن‌تیان: ۹: ۶

"خود را فریب مدهید، خدا را استهزاء نمی‌توان کرد. زیرا که آنچه آدمی بکارد، همان را درو خواهد کرد. زیرا هر که برای جسم خود کارد، از جسم فساد را درو کند و هر که برای روح کارد از روح

حیات جاودانی درو خواهد کرد. لیکن از نیکوکاری خسته نشویم زیرا که در موسم آن درو خواهیم کرد اگر مایوس نشویم." غلاطیان ۶: ۷-۹

۴- **بخشش واقعی در عهد جدید از ده یکها فراتر است.** بخشش واقعی نظارت کردن کامل بر زندگی و منابع خویش است. تمام اصول بالا، نه تنها شامل پولمان می شود بلکه شامل زمان و خدمات ما به خدا نیز می باشد.

سؤالات پایه ای: چگونه من می توانم مطمئن شوم که به چیزهای درست می بخشیم و پول و زمان من دقیقاً برای چیزی استفاده می شود؟

- ۱- بخشیدن پول، زمان و خدمتتان به خدا را در کلیسای محلی رونق دهید. چون کلیسا نهادی است که خداوند در این عصر فیض تأسیس کرده است.
- ۲- در بسیاری از کلیساها چندین نفر مورد اعتماد تعیین می شوند که مسئولیت مالی کلیسا را به عهده می گیرند. اگر ما با دعا و هدایت خداوند کلیسایی را برای عضویت در آن انتخاب کنیم و از احکام خدا که در کتاب مقدس آمده اطاعت کنیم، می توانیم به سرپرست و مسئولین مالی کلیسا اعتماد کنیم. اگر ببینیم که منابع مالی کلیسا طبق تعالیم کتاب مقدس مصرف نمی شود، باید اعضای دیگر کلیسا را در جریان بگذاریم. اگر موضوع حل نشود، باید با دعا کردن دنبال یک کلیسای دیگر باشیم. "چونکه اجتناب می کنیم که مبادا کسی ما را ملامت کند درباره این سخاوتی که خادمان آن هستیم. زیرا که نه در حضور خداوند فقط، بلکه در نظر مردم نیز چیزهای نیکو را تدارک می بینیم." دوم قرتیان ۸: ۲۰-۲۱

سؤالات این درس:

- ۱- از مطالعه خودتان از کتاب مقدس دلیلی بیاورید که چرا خداوند به پول ما نیاز ندارد؟
- ۲- قبل از اینکه پولی به خدمت خداوند تقدیم کنیم باید اول خودمان را به خدا تقدیم کنیم. سه دلیل برای این بیاورید؟
- ۳- اگر خداوند به _____ ما نظارت داشته باشد، او به _____ ما نیز نظر خواهد افکند.
- ۴- سه دلیل برای بخشیدن هدایا را نام ببرید؟

- ۵- یک مسیحی باید منابع، زمان و خدمتش را به کلیسای محلی هدیه دهد، بطور خلاصه درباره این شرح دهید؟
- ۶- چهار ناحیه ای که پول معمولاً در کلیسای محلی مصرف شود با آوردن آیه ای برای هر کدام را نام ببرید؟
- ۷- چرا ما نباید احساس کنیم که مجبور برای پول دادن به خدمت خداوند هستیم؟
- ۸- "ده یک" یک قانون برای مسیحی نیست. بجای ده یک، چه طرز فکر هدیه دادن در دوم قرن تیان ۹: ۷ پیدا می شود؟
- ۹- سه اصول دیگر که باید هنگام هدایا دادن به کلیسا در نظر گرفته شود، کدامند؟
- ۱۰- بخشیدن هدایای واقعی طبق عهد جدید را شرح دهید؟
- ۱۱- بطور خلاصه هدف اصلی این درس را شرح دهید؟

آیه های کلیدی این درس: دوم قرن تیان ۹: ۷؛ متی ۶: ۲۱؛ دوم قرن تیان ۸: ۹

درس ۲۰: پول و دارایی

"نگرش ما راجع به پول و دارایی های شخصی چگونه باید باشد؟"

یکی از بزرگترین وسوسه هایی که مسیحیان مواجه می شوند، مادی گرایی است. این دیدگاه بسیاری از انسانهاست که فکر می کنند موفقیت یک شخص با داشتن پول و دارایی فراوان ارزیابی می شود. ولی واقعیت اینست که موفقیت یک شخص با به کمال رساندن اهداف خدا در زندگی ارزیابی می شود.

کتاب مقدس چیزهای زیادی در رابطه با نگرش ما راجع به پول و دارایی ها برای گفتن دارد. هدف از این درس اینست که بیاموزیم چگونه خداوند از ما می خواهد در این رابطه طبق تعالیم کتاب مقدس عمل کنیم.

الف) برای خشنود کردن خدا ما مجبور نیستیم که فقیر باشیم.

۱- این اهمیت زیادی برای درک کردن دارد. روحانی بودن ما با داشتن یا نداشتن دارایی کم و یا فراوان ارزیابی نمی شود. خداوند داشتن پول را در هیچ جای کتاب مقدس محکوم نمی کند. در عوض او با طرز تفکر ما نسبت به پول و دارایی کار دارد.

۲- کتاب مقدس نمی گوید که پول ریشه تمام شرارت است. بلکه می گوید که "... عشق به پول ریشه تمام شرارت است". اول تیموتائوس ۶: ۱۰

۳- ما باید در هر شرایطی که هستیم قانع باشیم و به خداوند عیسی مسیح تکیه کنیم. "نه آنکه درباره احتیاج سخن می گویم، زیرا که آموخته ام که در هر حالتی که باشم، قناعت کنم." فیلیپیان ۴: ۱۱ (به خاطر داشته باشید که پولس این نامه را از اندرون زندان نوشت).

ب) باید بدانیم که چیزهای بسیاری وجود دارند که به مراتب مهم تر از پول هستند، که پول نمی تواند آنها را بخرد.

۱- حکمت. (امثال ۱۶: ۱۶)

۲- زندگی عادلانه. (امثال ۲۸: ۶ و امثال ۱۶: ۸؛ مزامیر ۳۷: ۱۶)

۳- خوابِ خوش. (جامعه ۵: ۱۲)

۴- کلام خدا. (مزامیر ۱۱۹: ۱۴، ۷۲، ۱۲۷)

۵- سلامتی کامل. (لوقا ۸: ۴۳)

۶- آرامش و صلح. (جامعه ۴: ۶؛ امثال ۱۵: ۱۶ و ۱۷: ۱)

ج) هنگامیکه خداوند برکت مالی به ما بدهد، نباید او را فراموش کنیم.

"و چون بیهوّه، خدایت، تو را به زمینی که برای پدرانَت ابراهیم و اسحاق و یعقوب قسم خورد که به تو بدهد، در آورد، به شهرهای بزرگ و خوشنمایی که تو بنا نکرده‌ای، و به خانه‌های پر از هر چیز نیکو که پر نکرده‌ای، و حوضهای کنده شده‌ای که نکرده‌ای، و تاکستانها و باغهای زیتونی که غرس ننموده‌ای، و از آنها خورده، سیر شدی، آنگاه با حذر باش مبادا خداوند را که تو را از زمین مصر، از خانه بندگی بیرون آورد، فراموش کنی." تشبیه ۶: ۱۰-۱۲ - همچنین به امثال ۳۰: ۷-۹ و مکاشفه ۳: ۱۷ رجوع کنید.

د) اگر خداوند ثروتمان را از ما بگیرد، نباید اجازه دهیم که رابطه ما با خدا خدشه دار شود. "آنگاه ایوب برخاسته، جامه خود را درید و سر خود را تراشید و به زمین افتاده، سجده کرد ۲۱ و گفت: «برهنه از رحم مادر خود بیرون آمدم و برهنه به آنجا خواهم برگشت! خداوند داد و خداوند گرفت! و نام خداوند متبارک باد!» ۲۲ در این همه، ایوب گناه نکرد و به خدا جهالت نسبت نداد." ایوب ۱: ۲۰-۲۲

ذ) نباید بر ثروت دیگران حسادت ورزیم. "پس ترسان مباش، چون کسی دولتمند گردد و جلال خانه او افزوده شود! زیرا چون بمیرد، چیزی از آن نخواهد برد و جلالش در عقب او فرو نخواهد رفت." مزامیر ۴۹: ۱۶-۱۷

ر) باید از نقشه کشیدن برای "ثروتمند شدن سریع" دوری کنیم. "اموالی که اولاً به تعجیل حاصل می‌شود، عاقبتش مبارک نخواهد شد." امثال ۲۰: ۲۱

ه) باید بدانیم که تبلیغات رادیو و تلویزیون تأثیرات منفی زیادی را در رابطه با مادی گرای بر ما می‌گذارد. باید از خویشتن را از تأثیرات مادیگرایی که رادیو و تلویزیون ایجاد می‌کند، محافظت کنیم. باید اطمینان حاصل کنیم که خواسته‌های اصلی ما چیزهای معنوی می‌باشد نه چیزهای مادی. باید تعادل درست در نگرش به پول و دارایی داشته باشیم.

امثال ۱۱: ۱ می‌گوید، "ترازوی غلط نزد خداوند پلیدی است."

الف) همان کتاب مقدسی که در متی ۶: ۲۵-۳۴ می‌گوید نگران مادیات نباشید، همچنین در اول تیموتائوس ۵: ۸ نیز می‌گوید که اگر کسی معاش خانواده اش را تأمین نکند بدتر از یک کافر است. "ولی اگر کسی برای خویشان و علی‌الخصوص اهل خانه خود تدبیر نکند، منکر ایمان و پست‌تر از بی‌ایمان است."

ب) همان کتاب مقدس که می‌گوید، "... عشق به پول ریشه تمام شرارت است." همچنین می‌گوید، "... کارگر مستحق پاداشش است." (اول تیموتائوس ۵: ۱۷-۱۸) "کشیشانی که نیکو پیشوایی

کرده‌اند، مستحقّ حرمت مضاعف می‌باشند، علی‌الخصوص آنانی که در کلام و تعلیم محنت می‌کشند. زیرا کتاب می‌گوید، گاو را وقتی که خرمن را خرد می‌کند، دهن میند و مزدورُ مستحقّ اجرت خود است."

این آیه‌ها تناقض ندارند بلکه اصولی از تعادل هستند که به ما نشان می‌دهند چگونه دارایی‌های مادی را در زندگی خود بکار ببریم.

سؤالات پایه‌ای:

الف) خداوند چه چیزهایی را برای من تأمین می‌کند؟

۱- خداوند وعده داده است که نیازهای شما را برآورده کند. " اما خدای من همه احتیاجات شما را

برحسب دولت خود در جلال در مسیح عیسی رفع خواهد نمود." فیلیپیان ۴: ۱۹

۲- آن نیازها می‌تواند هم مادی و هم معنوی باشد.

۳- شما باید فرق بین نیازها و خواسته‌ها را تشخیص دهید. این خیلی کار سختی است مخصوصاً در

جامعه امروزی ما. آیه‌های زیر در رابطه با نیازها و خواسته‌ها را مقایسه کنید:

الف) نیازها- (یعقوب ۲: ۱۵-۱۶) " پس اگر برادری یا خواهری برهنه و محتاج خوراک روزینه باشد، و کسی از شما بدیشان گوید، به سلامتی بروید و گرم و سیر شوید، لیکن مایحتاج بدن را بدیشان ندهد، چه نفع دارد؟" همچنین به عبرانیان ۴: ۱۵-۱۶؛ مرقس ۲: ۲۵ رجوع کنید.

ب) خواسته‌ها- (امثال ۱۳: ۲۵) "مرد عادل برای سیری جان خود می‌خورد، اما شکم شریران محتاج خواهد بود." همچنین به فیلیپیان ۴: ۱۱؛ یعقوب ۱: ۴ و مزامیر ۲۳: ۱ رجوع کنید.

سؤالات این درس:

۱- آیا مقدار ثروتی که داریم خشنودی خدا با ما را تعیین می‌کند؟ _____

۲- چه چیزی درباره پول و انسان می‌توانیم از اول تیموتائوس ۶: ۱۰ یاد بگیریم؟

۳- چه چیزهایی مهم‌تر از پول هستند، که پول نمی‌تواند آنها را بخرد؟

۴- هنگامیکه خداوند برکت مالی به ما بدهد، چه کاری باید انجام دهیم؟

۵- اگر خداوند ثروتان را از ما بگیرد، چه کاری باید انجام دهیم؟ آیه‌ای را بنویسید؟

۶- رادیو و تلویزیون چه تأثیری در ما ایجاد می‌کند؟

۷- خداوند وعده می‌دهد که نیازهای شما را برآورده کند نه لزوماً _____ شما را.

نیازهای شما هم _____ و هم _____ هستند.

آیه‌های کلیدی: فیلیپیان ۴: ۱۹ و ۱۱؛ کولسیان ۳: ۲

درس ۲۱: برخورد با گناه

"چگونه در زندگی خود برگناه غلبه کنیم؟"

شخصی که با پذیرفتن عیسی مسیح به عنوان نجات دهنده، نجات می یابد، در زندگی خود وارد میدان نبرد با گناه و وسوسه ها می شود. این نبرد در ابتدای ایمانش شاید مشهود نباشد ولی به مرور زمان او پی خواهد برد که وارد میدان نبرد با نیروهای تاریکی شده است.

وقتی که ما نجات پیدا می کنیم، در واقع ما دو نفر می شویم. اولی: انسان کهنه در شباهت آدم با ذات گناهکار. دومی: انسان نو در عیسی مسیح در شباهت خداوند با ذات پاک. این درس برای این تنظیم شده که به ما در نبرد با ذات گناه کمک کند.

گناه چیست؟

- ۱- گناه شکستن احکام خداست. "و هر که گناه را بعمل می آورد برخلاف شریعت عمل می کند زیرا گناه سرپیچی از شریعت است." اول یوحنا: ۳: ۴
- ۲- هر نادرستی گناه است. "هر ناراستی گناه است ولی گناهی هست که منتهی به موت نیست." اول یوحنا: ۵: ۱۷
- ۳- هر چیزی که بدون ایمان انجام شود گناه است. "لکن آنکه شک دارد اگر بخورد ملزم می شود، زیرا به ایمان نمی خورد؛ و هر چه از ایمان نیست گناه است." رومیان: ۱۴: ۲۳

چرا ما ایمانداران گناه می کنیم؟

- ۱- ما گناه می کنیم بخاطر اینکه ذات گناه را از آدم به ارث برده ایم. "لهذا همچنان که بواسطت یک آدم گناه داخل جهان گردید و به گناه موت؛ و به اینگونه موت بر همه مردم طاری گشت، از آنجا که همه گناه کردند." رومیان: ۵: ۱۲ - همچنین به اول قرتیان: ۱۵: ۴۵-۴۹ رجوع کنید.
- ۲- ما گناه می کنیم بخاطر اینکه ذات کهنه، ما را به سوی گناه می کشاند. "هیچ کس چون در تجربه افتد نگوید" خدا مرا تجربه می کند،" زیرا خدا هرگز از بدیها تجربه نمی شود و او هیچکس را تجربه نمی کند. لکن هرکس در تجربه می افتد وقتی که شهوت وی او را می کشد و فریفته می سازد." یعقوب: ۱- ۱۳- ۱۴ - همچنین به رومیان: ۷: ۱۴-۲۵ رجوع کنید.

۳- **ما گناه می کنیم بخاطر وسوسه شدن در سه ناحیه اصلی.** این سه ناحیه شامل شهوت جسم، شهوت چشم و غرور زندگانی می باشد که در اول یوحنا: ۱۵-۱۶ آمده است. عیسی مسیح نیز خودش در این سه ناحیه زیر وسوسه شد ولی گناه نکرد. عبرانیان ۴: ۱۵

(الف) **شهوت جسم:** حوا در این ناحیه وسوسه شد. در پیدایش ۳: ۶ او دید که درخت "برای خوراک نیکوست". عیسی مسیح نیز در این ناحیه وسوسه شد در متی ۴: ۳ شیطان از او خواست که سنگ را به نان تبدیل کند. اما عیسی تسلیم نشد.

(ب) **شهوت چشم:** حوا در ناحیه دوم نیز وسوسه شد، وقتی که او دید که درخت "برای چشم خوشایند است". عیسی مسیح نیز وقتی که شیطان تمام پادشاهی دنیا را به او نشان داد و به او وعده داد که آن را در عوض سجده اش به وی، به او ببخشد، در این ناحیه وسوسه شد اما هرگز گناه نکرد.

(ج) **غرور زندگانی:** حوا به وسوسه افتاد وقتی که دید میوه "دلپذیر و دانش افزاست". عیسی مسیح به وسوسه شیطان (که گفت: "فرشتگان خود را درباره تو فرمان دهد تا تو را به دستهای خود برگیرند، مبادا پایت به سنگی خورد.") غلبه کرد.

چگونه خداوند به گناهان ما نگاه می کند؟

۱- گناهان ما توسط خداوند بر روی صلیب داوری شد. "زیرا او را که گناه شناخت، در راه ما گناه ساخت تا ما در وی عدالت خدا شویم." دوم قرنتیان ۵: ۲۱

۲- اگر به گناهان خود ادامه دهیم، خداوند ما را تنبیه خواهد کرد همچنان که یک پدر خوب فرزند خود را برای اصلاح شدن تنبیه و تربیت می کند. عبرانیان ۱۲: ۵-۱۱

۳- خداوند اجازه می دهد که هرآنچه را می کاری، همان را درو کنی. "خود را فریب مدهید، خدا را استهزاء نمی توان کرد. زیرا که آنچه آدمی بکارد، همان را درو خواهد کرد. زیرا هر که برای جسم خود کارد، از جسم، فساد را درو کند و هر که برای روح کارد، از روح، حیات جاودانی خواهد دروید." غلاطیان ۶: ۷-۸

چه کاری باید انجام دهیم که بر گناه غلبه کنیم؟

۱- **شما باید مسئولیت گناهان خود را بر گردن بگیرید.** گناهان شما، تقصیر خودتان است نه تقصیر دیگران. شما هرگز خود را اصلاح نخواهید کرد مگر اینکه مسئولیت گناهان خود را به عهده بگیرید. "هر که گناه خود را ببوشاند، سعادت مند نخواهد شد؛ اما هر که آن را اعتراف کند و ترک نماید رحمت خواهد یافت." امثال ۲۸: ۱۳

- ۲- اجازة ندهید که افکار گناه آلود، فکر و ذهن شما را مشغول سازد. "که خیالات و هر بلندی را که خود را به خلاف معرفت خدا می افرازد، به زیر می افکنیم و هر فکری را به اطاعت مسیح اسیر می سازیم." دوم قرن تیان ۱۰: ۵
- ۳- شهوات جسمانی برای خود تدرک نکنید. "بلکه عیسی مسیح خداوند را بپوشید و برای شهوات جسمانی تدرک نکنید." رومیان ۱۳: ۱۴
- ۴- به یاد داشته باشید که ما در عیسی مسیح نسبت به گناه مرده ایم. انسان مرده نمی تواند گناه کند. "زیرا این را می دانیم که انسانیت کهنه ما با او مصلوب شد تا جسد گناه معدوم گشته، دیگر گناه را بندگی نکنیم. زیرا هر که مرده، از گناه مبرا شده است. پس هرگاه با مسیح مردیم، یقین می دانیم که با او زیست هم خواهیم کرد. زیرا می دانیم که چون مسیح از مردگان برخاست، دیگر نمی میرد و بعد از این موت بر او تسلطی ندارد. زیرا به آنچه مرد یک مرتبه برای گناه مرد و به آنچه زندگی می کند، برای خدا زیست می کند. همچنین شما نیز خود را برای گناه مرده انگارید، اما برای خدا در مسیح عیسی زنده. پس گناه در جسم فانی شما حکمرانی نکند تا هوسهای آن را اطاعت نمایید، و اعضای خود را به گناه مسپارید تا آلات ناراستی شوند، بلکه خود را از مردگان زنده شده به خدا تسلیم کنید و اعضای خود را تا آلات عدالت برای خدا باشند." رومیان ۶: ۶-۱۳
- ۵- خودتان درباره گناهان خود قضاوت کنید. با خداوند موافقت کنید که عمل زشتی که مرتکب شده بودید، گناه بوده است. "اما اگر بر خود حکم می کردیم، حکم بر ما نمی شد. لکن هنگامی که بر ما حکم می شود، از خداوند تأدیب می شویم مبادا با اهل دنیا بر ما حکم شود." اول قرن تیان ۱۱: ۳۱-۳۲
- ۶- گناهانتان را به خدا اعتراف کنید. "اگر به گناهان خود اعتراف کنیم، او امین و عادل است تا گناهان ما را بیامزد و ما را از هر ناراستی پاک سازد." اول یوحنا: ۹
- ۷- کلام خداوند را در دلهایتان مخفی کنید تا با گناه مبارزه کنید. "کلام تو را در دل خود مخفی داشتم که مبادا به تو گناه ورزم." مزامیر ۱۱۹: ۱۱
- ۸- الف) خداوند برای هر وسوسه ای راه فرار گذاشته است. "هیچ تجربه جز آنکه مناسب بشر باشد، شما را فرو نگرفت. اما خدا امین است که نمی گذارد شما فوق طاق خود آزموده شوید، بلکه با تجربه مفری (راه فرار) نیز می سازد تا یاری تحمل آن را داشته باشید." اول قرن تیان ۱۰: ۱۳
- ب) آن راه فرار در مزامیر ۱۱۹: ۹-۱۱ یافت می شود که آن کلام خداست. "به چه چیز مرد جوان راه خود را پاک می سازد؟ به نگاه داشتنش موافق کلام تو. به تمامی دل تو را طلبیدم. مگذار که از اوامر تو گمراه شوم. کلام تو را در دل خود مخفی داشتم که مبادا به تو گناه ورزم."
- ج) عیسی مسیح با استفاده از کلام خدا، به وسوسه اش غلبه کرد.

د) مطمئن ترین راه غلبه بر گناه در زندگی، از طریق قدرت کلام خداست که در دل‌هایمان مفحی می‌کنیم و در زندگیمان از آنها برای غلبه بر گناه استفاده می‌کنیم.

به وعده‌های خداوند اعتماد کنید تا با گناهانتان بتوانید مبارزه کنید و از آنها پاک شوید. "پس ای عزیزان، چون این وعده‌ها را داریم، خویشتن را از هر نجاست جسم و روح طاهر بسازیم و قدوسیت را در خدا ترسی به کمال رسانیم." دوم قرن‌تبیان ۷: ۱

۹- **با قدرت روح القدس زندگی کنید.** "پس هیچ قصاص نیست بر آنانی که در مسیح عیسی هستند، زیرا که شریعت روح حیات در مسیح عیسی مرا از شریعت گناه و موت آزاد گردانید. زیرا آنچه از شریعت محال بود، چونکه به سبب جسم ضعیف بود، خدا پسر خود را در شبیه جسم گناه و برای گناه فرستاده، بر گناه در جسم فتوا داد، تا عدالت شریعت کامل گردد در میان آنی که نه بحسب جسم بلکه برحسب روح رفتار می‌کنیم. زیرا آنانی که برحسب جسم هستند، در چیزهای جسم تفکر می‌کنند و اما آنانی که برحسب روح هستند در چیزهای روح. از آن جهت که تفکر جسم موت است، لکن تفکر روح حیات و سلامتی است. زانرو که تفکر جسم دشمنی خدا است، چونکه شریعت خدا را اطاعت نمی‌کند، زیرا نمی‌تواند هم بکند. و کسانی که جسمانی هستند، نمی‌توانند خدا را خشنود سازند." رومیان ۸: ۱-۸

سوالات پایه ای:

چگونه باید از تأثیرات منفی دنیای گناه آلود جلوگیری کنیم؟

۱- خودتان را با فعالیت‌های گناه آلود دنیا درگیر نکنید. البته که ما باید با انسان‌های نجات نیافته برای بدست آوردن دلشان به عیسی مسیح و نجات یافتنشان، مشارکت کنیم، ولی نباید با گناهان آنها سهیم شویم. "زیرا این را یقین می‌دانید که هیچ زناکار یا ناپاک یا طماع که بت‌پرست باشد، میراثی در ملکوت مسیح و خدا ندارد. هیچ کس شما را به سخنان باطل فریب ندهد، زیرا که به سبب اینها غضب خدا بر ابنای معصیت نازل می‌شود. پس با ایشان شریک مباشید. زیرا که بیشتر ظلمت بودید، لیکن الحال در خداوند، نور می‌باشید. پس چون فرزندان نور رفتار کنید. زیرا که میوه نور در کمال، نیکویی و عدالت و راستی است. و تحقیق نمایید که پسندیده خداوند چیست. و در اعمال بی‌ثمر ظلمت شریک مباشید بلکه آنها را مذمت کنید، زیرا کارهایی که ایشان در خفا می‌کنند، حتی ذکر آنها هم قبیح است." افسسیان ۵: ۵-۱۲

۲- خودتان را از روشها و طریقه‌های دنیا جدا سازید و پیرو عیسی مسیح شوید. "ای زناکاران آیا نمی‌دانید که دوستی دنیا دشمنی خداست؟ پس هر که می‌خواهد دوست دنیا باشد دشمن خدا گردد." یعقوب ۴: ۴

۳- بدانید که جداسدن (قداست) چیز مثبتی است. نه تنها شما باید خودتان را از دنیا جدا کنید بلکه باید خودتان را به خدمت انجیل خدا جدا نمایید. "پولس، غلام عیسی مسیح و رسول خوانده شده و جدا نموده شده برای انجیل خدا." رومیان ۱: ۱

سؤالات این درس:

- ۱- سه تعریف گناه را بنویسید؟
- ۲- چرا باید با گناه نبرد کنیم؟
- ۳- بطور خلاصه از مطالعه خودتان توضیح دهید که پولس رسول در رومیان ۷: ۱۴-۲۵ چه چیزی را به ما می آموزد؟
- ۴- همه گناهان از یکی از ۳ ناحیه شکل می گیرند. سه ناحیه از گناه که در اول یوحنا ۲: ۱۶ آمده است، را نام ببرید؟
- ۵- آن سه ناحیه بالا را با سه گناهی که حوا وسوسه شد مقایسه کنید؟
- ۶- آن سه ناحیه بالا را که عیسی مسیح در آنها وسوسه شد در متی ۴: ۳-۱۱ مقایسه کنید؟
- ۷- سه زاویه ای که خداوند به گناه نگاه می کند را نام ببرید؟
- ۸- چرا باید شما مسئولیت گناهنتان را بر گردن گیرید؟
- ۹- عیسی مسیح با استفاده از نقل کردن کلام خدا بر وسوسه ها غلبه کرد (متی ۴: ۳-۱۱). این دو آیه های زیر چه چیزی را در اینباره به ما می آموزد؟
 - ۱- اول قرنیتیان ۱۰: ۱۳
 - ۲- مزامیر ۱۱: ۱۱۹
- ۱۰- چگونه می توانیم از تأثیرات منفی دنیای گناه آلود جلوگیری کنیم؟
- ۱۱- بطور خلاصه هدف اصلی این درس را شرح دهید؟

آیه های کلیدی این درس: مزامیر ۱۱: ۱۱؛ عبرانیان ۴: ۱۵؛ رومیان ۶: ۱۱

درس ۲۲: آزادی در مسیح

"از آنجاییکه تمام گناهان ما بخشیده شده، آیا در انجام هر کاری آزادیم؟"

عهد جدید بطور آشکار می گوید که ما به عنوان شخص نجات یافته، دیگر تحت هیچ قانون و قاعده نیستیم تا بخواهیم از طریق آنها خدا را خشنود سازیم، بلکه ما تحت فیض خدا هستیم و از شریعت آزاد شده ایم. هرچند بسیاری از مسیحیان از فرصت این آزادی برای انجام گناه سوء استفاده می کنند.

هدف از این درس اینست که بتوانیم معنی آزادی در مسیح را بفهمیم و بدانیم که چه اعمالی باید در زندگی مسیحی خود انجام دهیم و چه اعمالی را انجام ندهیم.

آیا من در انجام هر کاری آزادم؟

۱- شخصاً در محدوده زندگی، شما آزادید که انتخاب کنید. "پس اگر پسر شما را آزاد کند، در حقیقت آزاد خواهید بود." یوحنا: ۸: ۳۶

۲- شما با عیسی مسیح تا ابد در امان هستید. اگر واقعاً عیسی مسیح را نجات دهنده خود خوانده اید، شما به دریاچه آتش نخواهید رفت. شما بدون در نظر گرفتن اینکه چه کاری انجام می دهید و یا نمی دهید، گرچه خوششان بیاید یا نه، به بهشت خواهید رفت. "اما چونکه یافتیم که هیچ کس از اعمال شریعت عادل شمرده نمی شود، بلکه به ایمان به عیسی مسیح، ما هم به مسیح عیسی ایمان آوردیم تا از ایمان به مسیح و نه از اعمال شریعت عادل شمرده شویم، زیرا که از اعمال شریعت هیچ بشری عادل شمرده نخواهد شد." غلاطیان ۲: ۱۶

۳- شما در قید و بند هیچ قانون و یا شریعتی نیستید. "زیرا که شریعت روح حیات در مسیح عیسی مرا از شریعت گناه و موت آزاد گردانید." رومیان ۸: ۲ هرچند:

الف) آزادی که ما در مسیح داریم به ما آزادی می دهد که کار درست را بدون اجبار انجام دهیم. "زیرا که شما ای برادران به آزادی خوانده شده اید؛ اما زنهار آزادی خود را فرصت جسم مگردانید، بلکه به محبت، یکدیگر را خدمت کنید." غلاطیان ۵: ۱۳

ب) آزادی ما در این نیست که جسم گناه آلودمان را ارضاء کنیم. "پس گناه در جسم فانی شما حکمرانی نکند تا هوسهای آن را اطاعت نمایید، و اعضای خود را به گناه مسپارید تا آلات ناراستی شوند، بلکه خود را از مردگان زنده شده به خدا تسلیم کنید و اعضای خود را تا آلات عدالت برای خدا باشند. زیرا گناه بر شما سلطنت نخواهد کرد، چونکه زیر شریعت نیستید بلکه زیر فیض. پس چه گوئیم؟

آیا گناه بکنیم از آنرو که زیر شریعت نیستیم بلکه زیر فیض؟ حاشا! آیا نمی‌دانید که اگر خویشتن را به بندگی کسی تسلیم کرده، او را اطاعت نمایید، شما آنکس را که او را اطاعت می‌کنید بنده هستید، خواه گناه را برای مرگ، خواه اطاعت را برای عدالت. اما شکر خدا را که هر چند غلامان گناه می‌بودید، لیکن الآن از دل، مطیع آن صورت تعلیم گردیده‌اید که به آن سپرده شده‌اید. و از گناه آزاد شده، غلامان عدالت گشته‌اید. " رومیان ۶: ۱۲-۱۸

ج) آزادی به هدف خدمت به خدا به ما داده شده است. "مثل آزادگان، اما نه مثل آنانی که آزادی خود را پوشش شرارت می‌سازند بلکه چون بندگان خدا." اول پطرس ۲: ۱۶

چگونه آزادی من شخصاً بر خود من تأثیر می‌گذارد؟

الف) شما آزادید که انتخاب کنید. اگر از آزادی خود سوء استفاده کنید و انتخاب کنید که گناهی انجام دهید باید از عواقب آن نیز آگاه باشید.

۱- با انجام گناه، شما میوه و ثمره به بار نخواهید آورد. یوحنا ۱۵: ۱-۸

۲- خداوند شما را به عنوان فرزندش تنبیه خواهد کرد. عبرانیان ۱۲: ۵-۱۱

۳- خداوند اجازه می‌دهد که همانی را که کاشته اید، همان را نیز درو کنید. غلاطیان ۶: ۷-۸

ب) خداوند از طریق زندگی شما جلال خواهد یافت. اگر از آزادی خود برای جلال خدا استفاده کنیم خداوند از طریق ما جلال خواهد یافت. "اما در خانه بزرگ نه فقط ظروف طلا و نقره می‌باشد بلکه چوبی و گلی نیز اما آنها برای عزت و اینها برای ذلت. پس اگر کسی خویشتن را از اینها طاهر سازد ظرف عزت خواهد بود مقدس و نافع برای مالک خود و مستعد برای هر عمل نیکو." دوم تیموتائوس ۲: ۲۰-۲۱

چگونه آزادی من بر اطرافیانم تأثیر می‌گذارد؟

۱- **زندگی شما یا شهادت خوبی خواهد داشت یا شهادت بد.** "زیرا احدی از ما به خود زیست نمی‌کند و هیچکس به خود نمی‌میرد."

۲- **باید از چیزهایی که باعث لغزش ایمان مسیحیان ضعیف تر می‌شود دوری کنید.** "بنابراین بر یکدیگر حکم نکنیم بلکه حکم کنید به اینکه کسی سنگی مصادم یا لغزشی در راه برادر خود ننهد. می‌دانم و در عیسی خداوند یقین می‌دارم که هیچ چیز در ذات خود نجس نیست جز برای آن کسی که آن را نجس پندارد؛ برای او نجس است." رومیان ۱۴: ۱۳-۱۵

۳- باید از چیزهایی که به نظر خداپسند نیستند، دوری کنید هر چند شاید آنها به ظاهر خوشایند باشند. "پس مگذارید که نیکویی شما را بد گویند." رومیان ۱۴: ۱۶؛ "از هر نوع بدی احتراز نمایید." اول تسالونیکیان ۵: ۲۲

۴- باید شهادت خوبی هم برای ایمانداران و هم برای انسانهای گناهکار داشته باشید. "زیرا هر که در این امور خدمت مسیح را کند، پسندیده خدا و مقبول مردم است." رومیان ۱۴: ۱۸

۱- نسبت به نجات یافتگان. "و در آن ایام چون شاگردان زیاد شدند، هلینیستیان از عبرانیان شکایت بردند که بیوه‌زنان ایشان در خدمت یومیه بی بهره می‌مانند. پس آن دوازده، جماعت شاگردان را طلبیده، گفتند، شایسته نیست که ما کلام خدا را ترک کرده، مائده‌ها را خدمت کنیم. لهذا ای برادران، هفت نفر نیک‌نام و پر از روح‌القدس و حکمت را از میان خود انتخاب کنید تا ایشان را بر این امر مهم بگماریم." اعمال ۶: ۱-۳

۲- نسبت به گناهکاران. "اما لازم است که نزد آنانی که خارجند هم نیک‌نام باشد که مبدا در رسوایی و دام ابلیس گرفتار شود." اول تیموتائوس ۳: ۷

۳- هدف از این کار اینست که تأثیر خوب و مثبتی را در خداوندان عیسی مسیح بر آنها بگذاریم. "اما چون خبر ایشان به سمع کلیسای اورشلیم رسید، برنابا را به آنطاکیه فرستادند و چون رسید و فیض خدا را دید، شادخاطر شده، همه را نصیحت نمود که از تصمیم قلب به خداوند بپیوندند. زیرا که مردی صالح و پر از روح‌القدس و ایمان بود و گروهی بسیار به خداوند ایمان آوردند." اعمال ۱۱: ۲۲-۲۴

حد و مرز آزادی من کجاست؟

ناحیه‌ها و موقعیتهای خاصی در زندگی پیش می‌آید که شما شاید بخواهید درگیر آن شوید و یا شاید در انجام آن شک داشته باشید. در این شرایط از خودتان سؤال کنید. آیا من تحت قدرت چیزی قرار گرفته‌ام که نباید زندگی مرا تحت کنترل خود درآورد؟ "همه چیز برای من جایز است لکن هر چیز مفید نیست. همه چیز برای من رواست، لیکن نمی‌گذارد که چیزی بر من تسلط یابد." اول قرنتیان ۶: ۱۲

۱- آیا من خودم و دیگران را با انجام آن بنا خواهیم کرد؟ "همه چیز جایز است، لیکن همه مفید نیست؛ همه رواست، لیکن همه بنا نمی‌کند." اول قرنتیان ۱۰: ۲۳

۲- آیا می توانم از خداوند با ضمیر پاک درخواست کنم که آن عمل مرا برکت دهد؟ "و آنچه کنید در قول و فعل، همه را به نام عیسی خداوند بکنید و خدای پدر را بوسیله او شکر کنید." کولسیان ۳: ۱۷

۳- اگر خداوند همین لحظه بازگشت کند آیا از انجام آن عمل خجل زده می شوم؟ "که او نیز شما را تا به آخر استوار خواهد فرمود تا در روز خداوند ما عیسی مسیح بی ملامت باشید." اول قرنتیان ۱: ۸

۴- آیا عمل من باعث لغزش برادری می شود؟ "و ما که توانا هستیم، ضعفهای ناتوانان را متحمل بشویم و خوشی خود را طالب نباشیم. هر یکی از ما همسایه خود را خوش بسازد در آنچه برای بنا نیکو است." رومیان ۱۵: ۱-۲

۵- آیا عمل من باعث می شود که بی ایمانان از ایمان آوردن به مسیح سر باز زنند؟ "پس خواه بخورید، خواه بنوشید، خواه هرچه کنید، همه را برای جلال خدا بکنید. یهودیان و یونانیان و کلیسای خدا را لغزش مدهید. چنانکه من نیز در هرکاری همه را خوش می سازم و نفع خود را طالب نیستم، بلکه نفع بسیاری را تا نجات یابند." اول قرنتیان ۱۰: ۳۱-۳۳

۶- آیا وجدانم مرا برای آن عمل سرزنش خواهد کرد؟ "و ضمیر خود را نیکو بدارید تا آنانی که بر سیرت نیکوی شما در مسیح طعن می زنند در همان چیزی که شما را بد می گویند خجالت کشند." اول پطرس ۳: ۱۶

سوالات پایه ای:

چگونه من می توانم با آزادی کامل از گناه زندگی کنم؟

فقط از طریق قدرت روح القدس می توانید آن آزادی را بدست آورید. "اما الحال چون برای آن چیزی که در آن بسته بودیم مردیم، از شریعت آزاد شدیم، بحدی که در تازگی روح بندگی می کنیم نه در کهنگی حرف." رومیان ۷: ۶

سوالات این درس:

۱- به عنوان یک مسیحی، آیا شما آزادی که هرکاری که می خواهید انجام دهید؟ بطور خلاصه شرح دهید؟

۲- کلام خدا بعضی از آزادیهای ما را محدود کرده، آن محدوده ها را با استفاده از آیه های زیر شرح دهید؟

۱- غلاطیان ۵: ۱۳

۲- رومیان ۶: ۱۸

۳- اول پطرس ۲: ۱۶

۳- وقتی که گناه می‌کنید، عواقب انتخاب آن چه می‌باشند؟

۴- اگر از آزادی خود سوء استفاده کنید و انتخاب کنید که گناهی انجام دهید، چه عواقبی در انتظارتان خواهد بود؟

۵- چهار راهی که آزادی شما می‌تواند به اطرافیانتان تأثیر بگذارد را نام ببرید؟

۶- شما باید شهادت خوبی داشته باشید برای ایمانداران و انسانهای گناهکار. دلیل آن چیست؟

۷- شش سؤالی که شما باید در موقعیت محدوده آزادی شخصی‌تان در نظر بگیرید را نام ببرید؟

۸- نقش روح القدس در رابطه با آزادی از گناه چیست؟

۹- بطور خلاصه هدف از این درس را شرح دهید؟

آیه های کلیدی این درس: غلاطیان ۵: ۱۳؛ رومیان ۱۵: ۱؛ اول قرنتیان ۱۰: ۳۱

درس ۲۳: شغل و کارفرما

"دیدگاه ما راجع به شغل و کارفرمای خویش چگونه باید باشد؟"

از آنجاییکه کتاب مقدس مرجع نهایی ما در هر ناحیه زندگی است، نباید تعجب داشته باشیم که آن همچنین درباره شغل و چگونگی ارتباط ما با کارفرمای خویش به ما دستور العمل می دهد. ما در حدود یک سوم و بعضی وقتها یک دوم از زمان زندگی روزمره خود را در محل کار سپری می کنیم. بنابراین ضروری است که یاد بگیریم چگونه خداوند عیسی مسیح از ما می خواهد که به این قسمت از مسئولیت خود نظر کنیم. اگر بخواهیم که یک خادم مؤثر خداوند باشیم، باید همیشه و در تمام مراحل زندگی خود مسئولیت داشته باشیم. این درس ترتیب داده شده تا به شما کمک کند که آن کارگر و کارمندی باشید که خداوند می خواهد.

تمام انسانهای نجات یافته به "خدمت مسیحی تمام وقت" خوانده شده اند.

۱- دعوت ما برای اینست که عیسی مسیح را خدمت کنیم. "لهذا من که در خداوند اسیر می باشم، از شما استدعا دارم که به شایستگی آن دعوتی که به آن خوانده شده اید، رفتار کنید." افسسیان ۴: ۱

۲- کتاب مقدس بطور آشکار می گوید که هر شخص نجات یافته قسمت کاملی از بدن مسیح می باشد و مشارکت هر عضوی اهمیت دارد. خداوند از هر مسیحی انتظار دارد که در کار خدا شرکت کند. "و او بخشید بعضی رسولان و بعضی انبیا و بعضی مبشرین و بعضی شبانان و معلمان را، برای تکمیل مقدسین، برای کار خدمت، برای بنای جسد مسیح، تا همه به یگانگی ایمان و معرفت تام پسر خدا و به انسان کامل، به اندازه قامت پُری مسیح برسیم. تا بعد از این اطفال مُمَوِّج و رانده شده از باد هر تعلیم نباشیم، از دغابازی مردمان در حيله اندیشی برای مکرهای گمراهی؛ بلکه در محبت پیروی راستی نموده، در هر چیز ترقی نماییم در او که سر است، یعنی مسیح؛ که از او تمام بدن مرکب و مرتب گشته، به مدد هر مفصلی و برحسب عمل به اندازه هر عضوی بدن را نمو می دهد برای بنای خویشتن در محبت." افسسیان ۴: ۱۱-۱۶

۳- خدمت ما به خداوند باید همیشه و در همه حال باشد، نه فقط هنگامیکه به کلیسا می رویم. "خداوند مسیح را در دل خود تقدیس نمایید و پیوسته مستعد باشید تا هر که سبب امیدی را که دارید از شما بپرسد او را جواب دهید لیکن با حلم و ترس." اول پطرس ۳: ۱۵

هدف اصلی از داشتن شغل اینست که از خدمت‌مان به مسیح پشتیبانی کنیم.

۱- البته که اولین خدمت‌مان باید نسبت به خانواده خویش باشد. "ولی اگر کسی برای خویشان و علی‌الخصوص اهل خانه خود تدبیر نکند منکر ایمان و پست تر از بی ایمان است." اول تیموتائوس: ۵: ۸

۲- دومین خدمت‌مان، خدمت به خانواده کلیسا است. "خلاصه بقدری که فرصت داریم، با جمیع مردم احسان بنماییم، علی‌الخصوص با اهل بیت ایمان." غلاطیان: ۶: ۱۰

۳- سومین خدمت‌مان هدایت گناهکاران به سوی عیسی مسیح است. "پس اینک سفیرانی برای مسیح هستیم که گویا خدا به زبان ما وعظ می‌کند. پس بخاطر مسیح استدعا می‌کنیم که با خدا مصالحه کنید." دوم قرنتیان: ۵: ۲۰

۴- چنانکه در درس قبل اشاره کردیم، ثروت و دارایی‌های ما باید تسلیم به خدمت خدا باشد. آن دارایی‌ها از طریق سه ناحیه ذکر شده بالا باید برای جلال دادن خداوند صرف شوند.

چه دیدگاهی باید به شغل خود داشته باشیم؟

شما باید به شغل‌تان از زاویه فرصت برای خدمت نگاه کنید نه فقط به عنوان یک شغل.

۱- برای بیشتر مسیحیان، همکاران شغلی بهترین کسانی هستند که می‌توانند بشارت دهند.

۲- زندگی شما می‌تواند شهادت واقعی از خداوند عیسی مسیح باشد که همکاران می‌توانند تجربه کند. الف) شما نور و نماینده عیسی مسیح بر زمین هستید. "شما نور عالمید. شهری که بر کوهی بنا شود، نتوان پنهان کرد. و چراغ را نمی‌افروزند تا آن را زیر پیمانه نهند، بلکه تا بر چراغدان گذارند؛ آنگاه به همه کسانی که در خانه باشند، روشنایی می‌بخشد. همچنین بگذارید نور شما بر مردم بتابد تا اعمال نیکوی شما را دیده، پدر شما را که در آسمان است تمجید نمایند." متی: ۵: ۱۴-۱۶
ب) زندگی شما باید کتاب مقدس را منعکس کند. "شما رساله ما هستید، نوشته شده در دل‌های ما، معروف و خوانده شده جمیع آدمیان." دوم قرنتیان: ۳: ۲

۳- شما بر آنهایی که بیشتر زمان را با آنها صرف می‌کنید تأثیر بسیار خواهید داشت. هر چند تمامی غریبه‌ها فرصتی هستند که می‌توانیم بشارت دهیم ولی آنهایی که بطور مداوم شهادت یک زندگی مسیحی را از نزدیک می‌بینند، برای هدایت کردن آسانتر می‌باشند.

چه دیدگاهی باید نسبت به کارفرما و آن شرکتی که کار می‌کنیم، داشته باشیم؟

۱- طوری خدمت کنید که انگار عیسی مسیح کارفرمای شماست. "ای غلامان، آقایان جسمانی خود را در هر چیز اطاعت کنید، نه به خدمت حضور مثل جویندگان رضامندی مردم، بلکه به

اخلاص قلب و از خداوند بترسید. و آنچه کنید، از دل کنید بخاطر خداوند نه بخاطر انسان. چون می دانید که از خداوند مکافات میراث را خواهید یافت، چونکه مسیح خداوند را بندگی می کنید." کولسیان ۳: ۲۲-۲۴

۲- **به مقام و اقتدار کارفرمای خود احترام بگذارید.** مسلماً هیچ کارفرمایی در هر ناحیه ای بی عیب نخواهد بود و آنها نیز یقیناً مرتکب اشتباه خواهند شد و شاید حق شما را نیز هر از گاهی ضایع کنند. اما شما همچنان باید مطیع رهبری آنها باشید و از این فرصت استفاده کنید که به آنها شهادت خداوند عیسی مسیح را نشان دهید. "غلامان را نصیحت نما که آقایان خود را اطاعت کنند و در هر امر ایشان را راضی سازند و نقیض گو نباشند. و دزدی نکنند بلکه کمال دیانت را ظاهر سازند تا تعلیم نجات دهنده ما خدا را در هر چیز زینت دهند." تیطس ۲: ۹-۱۰

۳- **به ابزار و وسایلی محل کار خویش چشم طمع نداشته باشید، چون آنها متعلق به شما نیستند.** "دزدی مکنید، و مکر نمائید، و با یکدیگر دروغ مگویید." لاویان ۱۹: ۱۱

۴- **به زمان کارتان احترام بگذارید، در ازای دریافت ۸ ساعت دستمزد، ۸ ساعت کار کنید.** "زیرا که نه در حضور خداوند فقط، بلکه در نظر مردم نیز چیزهای نیکو را تدارک می بینیم." دوم قرتیان ۸: ۲۱

۵- **شما باید برای موفقیت کارفرما و شرکت خود تمام تلاشتان را بکنید و همیشه کارفرمای خویش را خوشحال و راضی نگهدارید.** (رومیان ۱۲: ۱۱؛ اول قرتیان ۱۰: ۲۴؛ امثال ۱۰: ۴؛ ۱۸: ۹؛ ۲۱: ۲۵؛ ۲۲: ۲۹). یوسف عالیترین نمونه ایست که در کتاب مقدس در این رابطه آمده است. پیدایش ۳۹-۵۰

۶- **کارتان را به نحو احسن انجام دهید و نگذارید تنبلی دیگران بر شما تأثیر گذارد.** "و حریص باشید در اینکه آرام شوید و به کارهای خود مشغول شده، به دستهای خویش کسب نمایید، چنانکه شما را حکم کردیم." اول تسالونیکیان ۴: ۱۱

کتاب مقدس همچنین یاد می دهد که چگونه کارفرماها و ناظران باید با کارگران خود رفتار کنند.

۱- آیا با کارگرانم باید عادلانه و بطور مساوی رفتار کنم؟ آیا معیارهایی برای آنها در نظر می گیرم که خودم از نگاه داشتن آنها امتناع کنم؟ "ای آقایان، با غلامان خود عدل و انصاف را بجا آرید، چونکه می دانید شما را نیز آقایی هست در آسمان." کولسیان ۴: ۱ - همچنین به افسسیان ۶: ۹ رجوع کنید.

۲- آیا من فقط سلیقه و علاقه های خودم را بدون ملاحظه نیازهای اطرافیانم در نظر می گیرم؟ "پس خوشی مرا کامل گردانید تا با هم یک فکر کنید و همان محبت نموده، یک دل بشوید و یک فکر

داشته باشید. و هیچ چیز را از راه تعصب و عجب مکنید، بلکه با فروتنی دیگران را از خود بهتر بدانید."

۳- آیا من سعی می‌کنم که رهبری چیزهای زیادی را به عهده بگیرم؟ در صورت بوجود آمدن چنین موقعیت‌هایی نکته‌های زیر را به یاد داشته باشید:

(الف) اصول کتاب مقدس اینست، "کسی که در چیز کوچکی امین باشد، در بزرگ نیز امین است." (لوقا ۱۶: ۱۰) اطمینان حاصل کنید که چیزی که الان دارید را بکار ببرید و امانتدار خوبی باشید.

(ب) به خاطر داشته باشید که هر قدر که مسئولیت دارید به همان اندازه مشکلات خواهید داشت. "ای برادران من بسیار معلم نشوید چونکه می‌دانید که بر ما داوری سخت‌تر خواهد شد." یعقوب ۳: ۱

(ج) به خاطر داشته باشید که هر قدر بیشتر مسئولیت داشته باشید، به همان اندازه نیز نیاز به زمان و انرژی خواهید داشت. اطمینان حاصل کنید که مسئولیت جدید شما مانع خدمتتان به خدا نخواهد شد. "هیچ

سربازی خود را در امور روزگار گرفتار نمی‌سازد تا رضایت آنکه او را سرباز ساخت، بجوید." دوم تیموتائوس ۲: ۴

(د) حتی در مقام سرپرستی، باید همیشه نگرش خادم بودن را حفظ کنید. "عیسی ایشان را خوانده، به ایشان گفت، می‌دانید آنانی که حکام امّت‌ها شمرده می‌شوند بر ایشان ریاست می‌کنند و بزرگانشان

بر ایشان مسلطند. لیکن در میان شما چنین نخواهد بود، بلکه هر که خواهد در میان شما بزرگ شود، خادم شما باشد. و هر که خواهد مقدّم بر شما شود، غلام همه باشد. زیرا که پسر انسان نیز

نیامده تا مخدوم شود بلکه تا خدمت کند و تا جان خود را فدای بسیاری کند." مرقس ۱۰: ۴۲-۴۵

سوالات پایه‌ای:

اگر شغلم با چیزهای معنوی مغایرت داشته باشد چه کاری باید انجام دهم؟

(الف) همیشه بعضی مغایرت بین فعالیت‌های کلیسایی و جدول زمانی شغلان وجود خواهند داشت. شما نمی‌توانید بخاطر کشمکش کوچک، کارتان را ترک کنید یا مرخصی بگیرید. بخاطر داشته باشید که

شغلان یک فرصت خدمت است. هر چند شما نباید شغلان را بهانه کنید تا مسئولیت خویش به کلیسا را ناچیز بشمارید. شما باید تعادل در این ناحیه را حفظ کنید.

(ب) وقتی که مسئولیتهای شغلان با تعالیم کتاب مقدس مغایرت داشته باشد باید از آن شغل دوری کنید:

۱. از دروغ گفتن یا دزدیدن از کارفرما یا شکستن قوانین واضح خداوند امتناع ورزید.

۲. در برابر وسوسه‌ها در شغلان استقامت کنید.

۳. با فعالیت‌های گناه‌آلود اطرافیان تحت تأثیر قرار نگیرید.

چگونه آزار و اذیت در محل کارم را تحمل کنم؟

الف) بیشتر آزار و اذیت در فرهنگ ما در نتیجه جاهلیت شخصی یا عدم داشتن تعهد به خداوند عیسی مسیح ناشی می شود. اگر به شما "آزار و اذیت" می رسد، بخاطر دو دلیل می تواند باشد: یا رفتارتان درست نیست، و یا شهادت درست شما باعث اهانت به دیگران می شود که آنها به شما آزار و اذیت می رسانند. "و ضمیر خود را نیکو بردارید تا آنانی که بر سیرت نیکوی شما در مسیح طعن می زنند در همان چیزی که شما را بد می گویند خجالت کشند. زیرا اگر اراده خدا چنین است، نیکوکار بودن و زحمت کشیدن بهتر است از بدکردار بودن." اول پطرس ۳: ۱۶-۱۷

ب) اگر به درستی به عیسی مسیح خدمت کنید انتظار دیدن مصیبت از طرف دنیا را داشته باشید. "و همه کسانی که می خواهند در مسیح عیسی به دینداری زیست کنند آزار خواهند کشید." دوم تیموتائوس ۳: ۱۲

ج) یاد بگیرید چگونه آن مصیبت و آزار را به عیسی مسیح واگذار کنید. "ای نوکران، مطیع آقایان خود باشید با کمال ترس؛ و نه فقط صالحان و مهربانان را بلکه کج خلقان را نیز. زیرا این ثواب است، که کسی بجهت ضمیری که چشم بر خدا دارد، در وقتی که ناحق زحمت می کشد، دردها را متحمل شود. زیرا چه فخر دارد هنگامی که گناهکار بوده، تازیانہ خورید و متحمل آن شوید. لکن اگر نیکوکار بوده، زحمت کشید و صبر کنید، این نزد خدا ثواب است. زیرا که برای همین خوانده شده‌اید، چونکه مسیح نیز برای ما عذاب کشید و شما را نمونه‌ای گذاشت، تا در اثر قدمهای وی رفتار نمایید، که هیچ گناه نکرد، و مکر در زبانش یافت نشد. چون او را دشنام می دادند، دشنام پس نمی داد؛ و چون عذاب می کشید تهدید نمی نمود، بلکه خویشتن را به داور عادل تسلیم کرد." اول پطرس ۲: ۱۸-۲۳

در هنگام جستجوی شغل جدید چه چیزی را باید مد نظر داشته باشیم؟

الف) آیا آن را در دعا با خداوند در میان گذاشته‌ای. "برای هیچ چیز اندیشه مکنید، بلکه در هر چیز با صلوات و دعا با شکرگزاری مسؤولات خود را به خدا عرض کنید. و سلامتی خدا که فوق از تمامی عقل است، دلها و ذهنهای شما را در مسیح عیسی نگاه خواهد داشت." فیلیپیان ۴: ۶-۷

ب) آیا آن مسئولیت جدید، چیزی را که خداوند می خواهد در شما بنا کند، از بین می برد. این سوال پیچیده‌ای است. از مشورت کردن با مسیحیان دیگر در این ناحیه ترس نداشته باشید.

ج) اگر در محل کارتان از شما خواسته شود که به شهر دیگری انتقال یابید، آیا کلیسای خوبی در آن شهر وجود دارد که نیازهای معنوی شما را تأمین کند؟ این یک نکته بحرانی و بسیار مهمی است. اغلب اتفاق می افتد که بعضی ها بعد از ایمان به مسیح، یک شغل خوب در یک شهر دیگر را پیدا می کنند و بنابراین کلیسای خود را ترک کرده و راهی شهر جدید می شوند. اما به دلیل اینکه نمی توانند در شهر جدید کلیسای خوبی پیدا کنند، از ایمان خود دور می شوند.

د) در پیدا کردن شغل جدید آیا از چیزی که برای اصلاح شدن باید مواجه شوید، فرار می کنید؟

سؤالات این درس:

- ۱- چرا تمام مسیحیان به خدمت مسیحی تمام وقت خوانده شده اند با ذکر آیه ای دلیل بیاورید؟
- ۲- هدف اصلی شغلستان اینست که از خدمت خود به خدا پشتیبانی کنید. سه خدمتی را که باید پشتیبانی کنید نام ببرید؟
- ۳- چرا باید به شغلستان از زاویه فرصت خدمت نگاه کنید؟
- ۴- دیدگاه شما به شغل و کارفرمای خویش چگونه باید باشد؟
- ۵- با خواندن زندگی یوسف، چند اصولی را که یوسف بر استادش تأثیر داشت نام ببرید؟
پیدایش ۳۹: ۱-۶
- ۶- به عنوان کارفرما چندین سؤالی که از خود باید راجع به کارگران خود بپرسید، کدامند؟
- ۷- زمانیکه جدول زمانی شغلستان اجازه نمی دهد که در فعالیتهای کلیسا شرکت کنید، چه کاری باید انجام داد؟
- ۸- بعضی شغلها مسئولیتهایی دارند که اصول کلام خدا را می شکنند. سه ناحیه ای که باید از آنها آگاه بود کدامها هستند؟
- ۹- اگر کسی در محل کارتان بخاطر ایمانتان به مسیح، به شما آزار برساند چه چیزی را باید در نظر داشته باشید؟
- ۱۰- در هنگام جستجوی شغل جدید چه چیزی را باید مد نظر داشته باشیم؟
- ۱۱- به طور خلاصه هدف اصلی از این درس را شرح دهید؟

آیه های کلیدی این درس: دوم تیموتائوس ۲: ۴؛ مرقس ۱۰: ۴۴-۴۵؛ کولسیان ۳: ۲۳

درس ۲۴: انسانهای گمشده (نجات نیافته)

"به عنوان یک مسیحی، رابطه ما با انسانهای نجات نیافته چیست؟"

کتاب مقدس بطور واضح اعلام می کند که سیستم دنیای امروزی برخلاف اهداف جاودانی خداوند می باشد. کلام خدا به ایمانداران مسیحی فرمان می دهد که از این سیستم دنیا جدا شوند ولی در عین حال مردان و زنان گناهکار را به عیسی مسیح هدایت کنند.

این درس ترتیب داده شده که به مسیحیان پیامورد چگونه باید با تعادل و تداوم زندگی کنند تا با کمک خداوند عیسی مسیح بر مردم تأثیر بگذارند، بدون اینکه دنیا بر آنها تأثیر بدی بگذارد.

۱. حقیقت اینست که اگر برای عیسی مسیح زندگی کنید، با مخالفت از سوی دنیا روبرو خواهید شد.

الف) چون دنیا مخالف عیسی مسیح بود، شما نیز در این دنیا مورد مخالفت قرار خواهید گرفت. "اگر جهان شما را دشمن دارد، بدانید که پیشتر از شما مرا دشمن داشته است. اگر از جهان می بودید، جهان خاصان خود را دوست می داشت. لکن چونکه از جهان نیستید بلکه من شما را از جهان برگزیده ام، از این سبب جهان با شما دشمنی می کند. به خاطر آرید کلامی را که به شما گفتم: غلام بزرگتر از آقای خود نیست. اگر مرا زحمت دادند، شما را نیز زحمت خواهند داد؛ اگر کلام مرا نگاه داشتند، کلام شما را هم نگاه خواهند داشت. لکن بجهت اسم من جمیع این کارها را به شما خواهند کرد زیرا که فرستنده مرا نمی شناسند." یوحنا ۱۵: ۱۸-۲۱

ب) اگر برای مسیح زندگی کنید جفا خواهید دید. اگر همواره با دنیا پیش بروید، آنها با شما مخالفت نخواهند کرد. "و همه کسانی که می خواهند در مسیح عیسی به دینداری زیست کنند، آزار خواهند کشید." دوم تیموتائوس ۳: ۱۲

۲. این مخالفتها از چه ناحیه هایی می آیند؟

۱- از نزدیکان. مخالفت اصلی شما اغلب از سوی نزدیکان خواهد بود، مخصوصاً آنهایی که شما را بهتر می شناسند، مانند دوست، خانواده، همکاران، بستگان. "زیرا که آمده ام تا مرد را از پدر خود و

دختر را از مادر خویش و عروس را از مادر شوهرش جدا سازم. و دشمنان شخص، اهل خانه او خواهند بود." متی ۱۰: ۳۵-۳۶ - همچنین به یوحنا ۱: ۱۱ و مرقس ۶: ۴ رجوع کنید.

۲- **از انسانهای نجات نیافته.** دو خانواده روحانی (خانواده خدا و شیطان) هرگز با هم کنار نیامده اند و نخواهند آمد. "بلکه چنانکه آنوقت آنکه برحسب جسم تولد یافت، بر وی که برحسب روح بود جفا می کرد، همچنین الآن نیز هست." غلاطیان ۴: ۲۹

۳- **از جامعه.** سیستم دنیای امروزی برضد خداست. این مخالفت بصورت ماهرانه از طریق رادیو، تلویزیون، روزنامه و غیره انتقال پیدا می کند. شما باید آنها را با کلام خدا مطابقت نمایید. "دنيا را و آنچه در دنیاست دوست مدارید زیرا اگر کسی دنیا را دوست دارد محبت پدر در وی نیست. زیرا که آنچه در دنیاست از شهوت جسم و خواهش چشم و غرور زندگانی از پدر نیست بلکه از جهان است. و دنیا و شهوات آن در گذر است لکن کسی که به اراده خدا عمل می کند تا به ابد باقی می ماند." اول یوحنا ۲: ۱۵-۱۷ - همچنین به یعقوب ۴: ۴ رجوع کنید.

۴- **البته که منبع اصلی این مخالفت شیطان است.**

الف) او دشمن من و شماست. "هشیار و بیدار باشید، زیرا که دشمن شما ابلیس مانند شیر غرآن گردش می کند و کسی را می طلبد تا ببلعد." اول پطرس ۵: ۸

ب) او در حال حاضر در انسانهای نجات نیافته کار می کند. "که در آنها قبل، رفتار می کردید برحسب دوره این جهان، بر وفق رئیس قدرت هوا، یعنی آن روحی که الحال در فرزندان معصیت عمل می کند." افسسیان ۲: ۲

۳. چگونه می توانم بر این مخالفت ها غلبه کنم؟

۱. **جواب نرم بدهید.** تا جاییکه ممکن است از درگیری دوری کنید. "جواب نرم خشم را برمی

گرداند، اما سخن تلخ غیظ را به هیجان می آورد." امثال ۱۵: ۱

۲. **خدا را با زندگی پاک خود خوشنود کنید.** "چون راههای شخص پسندیده خداوند باشد،

دشمنانش را نیز با وی به مصالحه می آورد." امثال ۱۶: ۷

۳. **به خدا ایمان داشته باشید.** "زیرا آنچه از خدا مولود شده است بر دنیا غلبه می یابد و غلبه

ای که دنیا را مغلوب ساخته است ایمان ماست. کیست آنکه بر دنیا غلبه یابد؟ جز آنکه ایمان دارد

که عیسی پسر خداست." اول یوحنا ۵: ۴-۵

۴. **دشمنانتان را محبت کنید و به آنها کمک کنید.** عیسی مسیح به قدری دشمنانش را

دوست داشت که برای آنها مُرد در حالیکه او مجبور نبود بمیرد. دنیا اینگونه محبت را نمی تواند

درک کند و آنهایی که دنبال حقیقت هستند به سوی این محبت کشیده می شوند. "برکت بطلیبید بر آنانی که بر شما جفا کنند؛ برکت بطلیبید و لعن مکنید." رومیان ۱۲: ۱۴

۵. **برای دشمنانتان با خلوص نیت دعا کنید.** "اما من به شما می گویم که دشمنان خود را محبت نمایند و برای لعن کنندگان خود برکت بطلیبید و به آنانی که از شما نفرت کنند، احسان کنید و به هر که به شما فحش دهد و جفا رساند، دعای خیر کنید." متی ۵: ۴۴

۶. **یک دوست مؤمن خوب داشته باشید.** با کسانی که خدا را دوست دارند و می خواهند او را خدمت کنند مشارکت داشته باشید. "با حکیمان رفتار کن و حکیم خواهی شد، اما رفیق جاهلان ضرر خواهد یافت." امثال ۱۳: ۲۰ - همچنین به اول قرتیان ۱۵: ۳۳ رجوع کنید.

۷. **خودتان را در کلام خدا غوطه ور کنید.** "سخنان تو یافت شد و آنها را خوردم و کلام تو شادی و ابتهاج دل من گردید. زیرا که به نام تو ای یهوه خدای صباوت نامیده شده ام." ارمیا ۱۵: ۱۶

۴. انسانهای نجات نیافته چه دیدگاهی نسبت به من مسیحی باید داشته باشند؟

۱- آنها باید بفهمند که شما خدا را دوست دارید، نه فقط با کلامتان بلکه از طریق زندگیتان. "اما اگر کسی خدا را محبت نماید، نزد او معروف می باشد." اول قرتیان ۸: ۳

۲- نحوه زندگی شما باید شما را از دنیا جدا سازد و رفتارتان با مردم باید نمونه و طبق تعالیم کتاب مقدس باشد. "لکن شما قبیله برگزیده و کهنات ملوکانه و امت مقدس و قومی که ملک خاص خدا باشد هستید تا فضایل او را که شما را از ظلمت به نور عجیب خود خوانده است اعلام نمایید." اول پطرس ۲: ۹

۳- **ظاهر فیزیکی شما باید طوری باشد که بر آنها تأثیر گذارد.** نجات نیافته باید شما را در ظاهر فیزیکی با پوشش خداپسندانه ببیند. "اعتدال شما بر جمیع مردم معروف بشود. خداوند نزدیک است." فیلیپیان ۴: ۵

۴- آنها باید در همه موارد، شما را روشن فکر و صادق ببینند. "زیرا که نه در حضور خداوند فقط، بلکه در نظر مردم نیز چیزهای نیکو را تدارک می بینیم." دوم قرتیان ۸: ۲۱

۵- آنها باید شهادت زنده ای از فیض خداوند را در شما ببینند. "و هرکاری را بدون همهمه و مجادله بکنید، تا بی عیب و ساده دل و فرزندان خدا بی ملامت باشید، در میان قومی کج رو و گردنکش که در آن میان چون نیرها در جهان می درخشید." فیلیپیان ۲: ۱۴-۱۵

۶- **عموماً شما باید بین مردم نیک نام باشید.** "اما لازم است که نزد آنانی که خارجند هم نیک نام باشد که مبادا در رسوایی و دام ابلیس گرفتار شود." اول تیموتائوس ۳: ۷

۵. دید من نسبت به دنیا چگونه باید باشد؟

۱. شما یک مسافر در سرزمین غریب هستید. "در ایمان همه ایشان فوت شدند در حالیکه وعده ها را نیافته بودند بلکه آنها را از دور دیده تحیت گفتند و اقرار کردند که بر روی زمین بیگانه و غریب بودند." عبرانیان ۱۱: ۱۳

۲- خانه شما در بهشت است. "اما وطن ما در آسمان است که از آنجا نیز نجات دهنده یعنی عیسی مسیح خداوند را انتظار می کشیم." فیلیپیان ۳: ۲۰

۳- دنیا مکانی برای مأموریت است که می توانیم گناهکاران را به عیسی مسیح هدایت کنیم. "پس عیسی پیش آمده ، بدیشان خطاب کرده ، گفت: تمامی قدرت در آسمان و بر زمین به من داده شده است. پس رفته، همه امت ها را شاگرد سازید و ایشان را به اسم پدر و پسر و روح القدس تعمیم دهید. و ایشان را تعلیم دهید که همه اموری را که به شما حکم کرده ام حفظ کنند. و اینک من هر روزه تا انقضای عالم همراه شما می باشم. آمین." متی ۲۸: ۱۸-۲۰

سؤالات پایه ای

۱- مسئولیت من در برابر دولت چیست؟

۱. دولت یکی از سه مؤسسه ای است که خداوند بر روی زمین وضع کرده می باشد. دو مؤسسه دیگر خانواده و کلیسا می باشند. اکثر دولتها و حکومتها تحت کنترل شیطان هستند (لوقا ۴: ۵-۶ و مزامیر ۲: ۲) و بنابراین آنها بر ضد خدا می باشند، هر چند ما هنوز باید مطیع دولت منصوب شده خدا باشیم. "هر شخص مطیع قدرتهای برتر بشود، زیرا که قدرتی جز از خدا نیست و آنهایی که هست از جانب خدا مرتب شده است. حتی هر که با قدرت مقاومت نماید، مقاومت با ترتیب خدا نموده باشد و هر که مقاومت کند، حکم بر خود آورد." رومیان ۱۳: ۱-۲

۲. اگر شما همیشه کار درست انجام دهید، نیاز به ترس نخواهید داشت. خداوند به شما برای انجام کار درست احترام خواهد گذاشت. "زیرا از حکام عمل نیکو را خوفی نیست بلکه عمل بد را. پس اگر می خواهی که از آن قدرت ترسان نشوی، نیکویی کن که از او تحسین خواهی یافت. زیرا خادم خداست برای تو به نیکویی؛ لکن هرگاه بدی کنی، بترس چونکه شمشیر را عبث بر نمی دارد، زیرا او خادم خداست و با غضب انتقام از بدکاران می کشد." رومیان ۱۳: ۳-۵

۳. قبضی که به دولت باید پرداخت کنی را به عقب میانداز. "زیرا که به این سبب باج نیز می دهید، چونکه خدام خدا و مواظب در همین امر هستند. پس حق هرکس را به او ادا کنید: باج را به مستحق

باچ و جزیه را به مستحق جزیه و ترس را به مستحق ترس و عزت را به مستحق عزت." رومیان ۱۳:
۶-۷

۴. مطیع امر آنها باشید. " لِهَذَا هَر مَنْصَبِ بَشَرِي رَا بِخَاطِرِ خَدَاوَنْدِ اطَاعَتِ كَنْيِدْ خَوَاهِ پادشاه را که فوق همه است. و خواه حکام را که رسولان وی هستند بجهت انتقام کشیدن از بدکاران و تحسین نیکوکاران. زیرا که همین است اراده خدا که به نیکوکاری خود جهالت مردمان بی فهم را ساکت نماید." اول پطرس ۲: ۱۳-۱۵

۵. آنهایی را که در مقامهای مختلفی هستند، احترام بگذارید حتی شیرین را اما بدون سهیم شدن با شرارت آنان. هر شرایط دشواری را به خدا واگذار کنید و بگذارید خداوند درباره آنها قضاوت کند. "همه مردمان را احترام کنید. برادران را محبت نمایید. از خدا بترسید. پادشاه را احترام نمایید. ای نوکران، مطیع آقایان خود باشید با کمال ترس؛ و نه فقط صالحان و مهربانان را بلکه کج خلقان را نیز. زیرا این ثواب است، که کسی بجهت ضمیری که چشم بر خدا دارد، در وقتی که ناحق زحمت می‌کشد، دردها را متحمل شود. زیرا چه فخر دارد هنگامی که گناهکار بوده، تازیانه خورید و متحمل آن شوید. لکن اگر نیکوکار بوده، زحمت کشید و صبر کنید، این نزد خدا ثواب است. زیرا که برای همین خوانده شده‌اید، چونکه مسیح نیز برای ما عذاب کشید و شما را نمونه‌ای گذاشت، تا در اثر قدمهای وی رفتار نمایید، که هیچ گناه نکرد، و مکر در زبانش یافت نشد. چون او را دشنام می‌دادند، دشنام پس نمی‌داد؛ و چون عذاب می‌کشید تهدید نمی‌نمود، بلکه خویشتن را به داور عادل تسلیم کرد." (اول پطرس ۲: ۱۷-۲۳). وقتی که پولس این کلمات را نوشت، امپراطور نرو پادشاه آن زمان بود و او شریکترین پادشاهی بود که رم تا به آن حال به خود دیده بود.

۶. بدانید که شما نمی‌توانید قانون اخلاقی وضع کنید یا ذات آدمها را از طریق اعمال سیاسی تغییر دهید. انسانها ذاتاً گناهکار هستند و باید شخصاً از درون به بیرون تغییر پیدا کنند و این فقط از طریق نجات شخصی و معرفت خداوند عیسی مسیح صورت می‌گیرد. "که خود را در راه ما فدا ساخت تا ما را از هر ناراستی برهاند و امتی برای خود ظاهر سازد که ملک خاص او و غیور در اعمال نیکو باشند." تیطس ۲: ۱۴

سوالات این درس:

- ۱- به عنوان یک مسیحی، شما با برخی مخالفتها از طرف دنیا مواجه خواهید شد. دلیل آن چیست؟
- ۲- منبعمهای مخالفتهایی که شما مواجه خواهید شد را نام ببرید.

۳- راه‌هایی وجود دارند که مسیحیان می‌توانند با مخالفت دنیا مقابله کنند. بطور خلاصه توضیح دهید چگونه این آیه‌های ذیل می‌تواند به شما کمک کند؟

۱- امثال ۱۵: ۱

۲- امثال ۱۶: ۷

۳- اول یوحنا ۵: ۴-۵

۴- رومیان ۱۲: ۲۰-۲۱

۵- متی ۵: ۴۴

۶- امثال ۱۳: ۲۰

۷- رومیان ۱۲: ۲

۴- وقتی که انسانهای نجات نیافته زندگی شما را مشاهده می‌کنند، چه چیزی باید آنها در شما مشاهده نمایند؟

۵- وقتی که به دنیای نجات نیافته نظر می‌افکنید، جایگاه شما کجاست؟

۶- خداوند سه مؤسسه را برای ما انسانها وضع نموده، آنها را نام ببرید؟

۷- به عنوان مسیحی ما مسئولیتهایی نسبت به دولت داریم، چهار مسئولیتهای اصلی را نام ببرید؟

۸- بسیاری سعی می‌کنند که از طریق وضع کردن قانون اخلاقی و یا اعمال سیاسی انسانها را اصلاح کنند. چرا این روش کارایی نخواهد داشت؟

۹- بطور خلاصه هدف اصلی از این درس را شرح دهید؟

آیه‌های کلیدی این درس: دوم تیموتائوس ۳: ۱۲؛ اول یوحنا ۲: ۱۵-۱۶؛ اول قرنتیان ۸: ۳

درس ۲۵: ربایش کلیسا

بازگشت عیسی مسیح برای کلیسا "امید مبارک" نامیده می شود که آن یک انتظار پر جلال و شکوهی است (تیتوس ۲: ۱۳). به عنوان یک عضوی از بدن مسیح، اگر خداوند در آمدنش تأخیر کند، ما یا یک روز از دنیا خواهیم رفت، و یا اگر او زمانیکه ما هنوز زنده هستیم بازگشت کند ما در ابرها رفته خواهیم شد تا خداوند را در ابرها ملاقات کنیم، (اول تسالونیکیان ۴: ۱۶-۱۷). این بازگشت عیسی مسیح به جهت کلیسا را "ربایش" می نامند.

نکته مهمی که باید بدانیم اینست که ربایش (زمانیکه عیسی مسیح به جهت کلیسا بازگشت می کند) و بازگشت ثانویه عیسی مسیح (زمانیکه عیسی مسیح با کلیسا از بهشت بازگشت می کند تا سلطنت دوره هزار ساله خود را بر روی زمین مستقر کند) دو واقعه مجزا می باشند که در دو دوره زمانی مختلف اتفاق خواهند افتاد. این "ربایش" درست قبل از دوره هفت ساله که "هفت سال مصیبت" نامیده می شود، اتفاق خواهد افتاد. این دوره با دجال (ضد مسیح) کسی که از اروپا ظاهر خواهد شد، آغاز می شود که او موافقت نامه صلح با اسرائیل به مدت هفت سال خواهد بست و بعد از سه و نیم سال یعنی درست در نیمه آن، موافقت نامه را زیر پا خواهد گذاشت. در سه و نیم ساله نیمه دوم هفت سال سلطنت دجال "مصیبت عظیمی" خواهد بود که عیسی مسیح در متی ۲۴: ۲۱ در مورد آن سخن گفت. بعد از اتمام آن دو دوره سه سال و نیم (هفت سال) مسیح همراه با ایمانداران از بهشت بر روی زمین بازگشت خواهد کرد تا سلطنت خود را برای مدت هزار سال با صلح و عدالت و پاکی برقرار کند (زکریا ۱۴: ۵-۱ و یهودا ۱۴).

تعلیم کتاب مقدس در رابطه با ربایش:

۱. "زیرا خود خداوند با فریاد و با آواز رئیس فرشتگان و با شیپور خدا از آسمان نازل خواهد شد و مردگان در مسیح اول خواهند برخاست. آنگاه ما که زنده و باقی باشیم، با ایشان در ابرها **رپوده** خواهیم شد تا خداوند را در هوا ملاقات کنیم و همچنین همیشه با خداوند خواهیم بود. پس بدین سخنان همدیگر را تسلی دهید" (اول تسالونیکیان ۴: ۱۶-۱۸).
۲. عیسی مسیح فرمود: "می روم تا برای شما مکانی حاضر کنم، و اگر بروم و از برای شما مکانی حاضر کنم، باز می آیم و **شما را برداشته با خود خواهیم برد** تا جایی که من می باشم شما نیز باشید" (یوحنا ۱۴: ۲-۳).

۳. " همانا به شما سرّی می‌گویم که همه نخواهیم خوابید، لیکن همه متبدّل خواهیم شد در لحظه‌ای، در یک چشم به هم زدن، به مجرد نواختن صور آخر، زیرا کرّنا صدا خواهد داد، و مردگان، بی‌فساد خواهند برخاست و ما متبدّل خواهیم شد. زیرا که می‌باید این فاسد بی‌فسادی را بپوشد و این فانی به بقا آراسته گردد" (اول قرن‌تینان ۱۵: ۵۱-۵۳).

۴. " و آن امید مبارک (ربایش) و تجلی جلال خدای عظیم و نجات‌دهنده خود ما عیسی مسیح را انتظار کشیم،" (تیطس ۲: ۱۳).

۵. یوحنا هنگامیکه خداوند آینده دنیا را به او نشان داد، ربایش را تجربه کرد. "بعد از این دیدم که ناگه دروازه‌ای در آسمان باز شده است و آن آواز اوّل را که شنیده بودم که چون کرّنا با من سخن می‌گفت، دیگر باره می‌گوید، به اینجا صعود نما تا اموری را که بعد از این باید واقع شود به تو بنمایم. فی‌الوقت در روح شدم و دیدم که تختی در آسمان قائم است و بر آن تخت نشیننده‌ای" (مکاشفه ۴: ۱-۲).

ما می‌توانیم ربایش را از اول تسالونیکیان ۴: ۱۶-۱۷ به صورت زیر خلاصه کنیم:

۱. یک روز عیسی مسیح از آسمان نزول می‌کند و ما صدای فریاد، آواز و شیپور را خواهیم شنید.
۲. همه بدنهای ایماندارانی که از دنیا رفته اند قیام می‌کنند و به روح و روان خودشان در هوا می‌پیوندند.
۳. همه ایمانداران زنده، با بدنهای احیا و تبدیل شده از روی زمین رفته می‌شوند تا عیسی مسیح را در هوا ملاقات خواهند کرد.
۴. ما بدنهای غیر فانی احیا شده، مکانی که عیسی مسیح در بهشت برای ما فراهم کرده، تسلی ابدی در حضور عیسی مسیح، و پادشاهی که در دوم قرن‌تینان ۵: ۱۰ وعده داده شده را دریافت خواهیم کرد. ربایش در کتاب مقدس، تسلی و امید مبارک نامیده می‌شود. به چند نکته در مورد ربایش توجه کنید:

۱. سرعت ربایش = فوری (اول قرن‌تینان ۱۵: ۵۱-۵۲).

"همه متبدّل خواهیم شد در لحظه‌ای (یونانی: اتمس ۸۲۳)، در یک چشم به هم زدن، (یونانی: رهپ ۴۹۳). "سرعتی که "ربایش" اتفاق می‌افتد با این دو واژه یونانی زیر توصیف شده است:

أ. "اتمِس" = بدون برش و بی وقفه، غیر مرئی. این همان واژه ای است که واژه فارسی اتم از آن برگرفته شده است. وقتی که این واژه به زمان مربوط می‌شود، یعنی "یک لحظه ریز غیر مرئی از زمان، و یا یک نقطه‌ای از زمان که قابل جدا شدن نیست." این یعنی خیلی "فوری".

ب. "رهپ" = یک حرکت خیلی سریع مانند پرتاب یا انداختن چیزی، چشمک زدن، تکان شدید، یا برق زدن، کمترین مدت زمان. مردم مهلت نخواهند داشت که توبه کنند و برای نجات نام عیسی

مسیح را بخوانند. ما ایمانداران باید عیسی مسیح را خدمت کنیم تا در موقع بازگشت او خجل نشویم (اول یوحنا ۲: ۲۸).

۲. **علت وقوع ربایش.** = تا کلیسا را از هفت سال مصیبت حفظ کند.

کلیسا از دنیا ربوده می شود تا از هفت سال مصیبتی که بر تمامی زمین رخ خواهد داد، در امان باشد. "ربایش" غیر منتظرانه مانند دزدی در شب رخ خواهد داد (اول تسالونیکیان ۵: ۲-۴).

"زیرا خدا ما را تعیین نکرد برای غضب، بلکه بجهت تحصیل نجات (رهایی از غضب مصیبت)، به وسیله خداوند ما عیسی مسیح،" اول تسالونیکیان ۵: ۹. مسیح به کلیسای وفادار فیلاذلفیا فرمود: "چونکه کلام صبر مرا حفظ نمودی، من نیز تو را محفوظ خواهم داشت، از ساعت امتحان که بر تمامی جهانیان خواهد آمد تا آنهایی که ساکنان زمین اند را بیازماید" مکاشفه ۳: ۱۰.

مسیح عروس خود (کلیسا) را از جنگها، قحطیها، آزار و شکنجه دجال، زمین لرزه، و مجازات دیگر که بر تمامی دنیای بی ایمانان می آید، حفظ خواهد کرد.

هدف از هفت سال مصیبت اینست که خداوند آخرین فرصت را به یهودیان و امتهای بدهد تا آنها توبه کنند و به عیسی مسیح به عنوان نجات دهنده خود ایمان آورند (مکاشفه ۹: ۱۸-۲۱).

در مکاشفه ۶: ۸ یک چهارم جمعیت دنیا خواهند مرد.

در مکاشفه ۹: ۱۸ یک سوم جمعیت باقیمانده دنیا هلاک خواهند شد. بعد از این دوره تنها نصف جمعیت دنیا زنده خواهند بود.

۳. شرایط برای ربایش

فقط آنهایی که برای نجات، نام خداوند عیسی مسیح را می خوانند، ربوده خواهند شد (رومیان ۱۰: ۱۳).

"مردگان در مسیح اول خواهند برخاست." (اول تسالونیکیان ۴: ۱۶)

"آنگاه ما که زنده و باقی باشیم، با ایشان در ابرها **ربوده** خواهیم شد." آیه ۱۷.

سؤال ۱: آیا نام عیسی خداوند را خوانده اید تا شما را از مصیبت و دریاچه آتش نجات دهد؟ یا آیا به اعمال خود تکیه می کنید که مورد قبول خدا قرار گیرد؟

سؤال ۲: آیا می خواهید ربوده شوید تا با عیسی مسیح باشید؟ یا می خواهید از ربوده شدن جا بمانید و به دوره هفت سال مصیبت وارد شوید؟ تصور کنید که هنگام ربایش جا بمانید؟

ا. به دوستان مسیحی خود زنگ بزنید ولی نتوانید آنها را پیدا کنید.
 ب. روزنامه ها و تلویزیون میلیونها آدمهای ناپدید شده در تمامی دنیا را گزارش کنند.
 ت. بسیاری از ماشینها بدون راننده در جاده ها و اتوبانها تصادف کنند.
 ث. بسیاری از هواپیماها و هلیکوپترها بدون خلبان سقوط کنند.
 ج. مردم به خاطر گم شدن عضوی از اعضای خانواده خود دچار اضطراب و خوف شوند. آنها از دولت تقاضای توجیه خواهند کرد. آیا "ربودن" در کتاب مقدس پیشگویی شده بود؟ دجال (ضد مسیح) درباره ناپدید شدن بعضی ها توضیح دروغین ولی باورکردنی خواهد داد که بسیاری سخنان او را باور خواهند کرد (دوم تسالونیکیان ۲: ۸-۱۲). شاید بشقاب پرنده ها مسیحیانی که مخالف فرمان عصر جدید بودند را برده است.

سؤال: آیا می خواهید نجات یابید و ربوده شوید؟ یا می خواهید نجات نیابید و جا بمانید؟ اگر می خواهید نجات پیدا کنید، همین الان نام عیسی خداوند را بخوانید تا شما را نجات دهد.

۴. پاداش بعد از ربایش

بعد از ربوده شدن، همه ما ایمانداران در تخت داوری مسیح حاضر خواهیم شد (دوم قرتیان ۵: ۱۰؛ رومیان ۱۴: ۱۰؛ اول قرتیان ۳: ۱۰-۱۵) تا مطابق اعمال و خدمتی که به مسیح انجام داده ایم، پاداش دریافت کنیم. بعضی از مسیحیان به دلیل از دست دادن فرصتها و خدمات زیان خواهند دید (اول قرتیان ۳: ۱۵).

"لکن هر یک اجرت خود را بحسب مشقت خود خواهند یافت." (اول قرتیان ۳: ۸)

سؤال: آیا می خواهید پاداش زیادی بدست آورید یا می خواهید پاداش خود را از دست بدهید؟

۵. مکاشفه فرزندان خدا

اگرچه ما در این دنیا بی ارزش و اهمیت باشیم، اما وقتی که مسیح ظهور می کند، ما درست مانند او خواهیم بود. ما بدنهای با شکوه و غیر فانی خواهیم داشت درست مانند بدن امروزی عیسی مسیح. "ای حیوان، الآن فرزندان خدا هستیم و هنوز ظاهر نشده است آنچه خواهیم بود؛ لکن می دانیم که چون او ظاهر شود، مانند او خواهیم بود زیرا او را چنانکه هست خواهیم دید." اول یوحنا ۳: ۲

"زیرا یقین می دانم که دردهای زمان حاضر نسبت به آن جلالی که در ما ظاهر خواهد شد هیچ است. زیرا که انتظار خلقت، منتظر ظهور پسران خدا می باشد،" رومیان ۸: ۱۸-۱۹

خداوند هر ایمانداری را از پیش تعیین کرده که به شباهت عیسی مسیح درآید (رومیان ۸: ۲۹).

۶. واکنش ما نسبت به ربایش

"و هر کس که این امید را بر وی دارد، خود را پاک (تقدیس) می‌سازد چنانکه او پاک است." اول یوحنا ۳:۳

سؤال: اینک چگونه ما باید زندگی کنیم؟ اگر ما اطلاع داشتیم که سال بعد ربوده می‌شویم، باید:

أ. با خواندن و مطالعه کلام خدا و عمل کردن به آن و دعا کردن که خدا را خوشنود می‌سازد، زندگی کنیم.

ب. یاد بگیریم که چگونه دیگران را به عیسی مسیح هدایت کنیم که آنها نیز ربوده شوند و به دوره هفت سال مصیبت وارد نشوند. ما می‌خواهیم با آن کسانی که به مسیح هدایتشان کردیم، در بهشت شادی کنیم. ما زمان بسیار اندکی برای بشارت دادن داریم. ما اینک برای نجات جانهای ابدی انسانها در نبرد هستیم. تنبل نباشید، مشغول خدمت و نجات جان آدمیان از جهنم ابدی باشید. بعد از ربایش ما هیچ شانس و فرصتی نخواهیم داشت که مردم را از جهنم نجات دهیم. ما هرگز خانواده‌ها و دوستان نجات نیافته خود را نخواهیم دید. ما تا ابد در آرامش خداوند در بهشت زندگی خواهیم کرد و آنها تا ابد در دریاچه آتش بدون استراحت عذاب خواهند کشید. امروز زمان اینست که به آنها بشارت دهیم تا نجات عیسی مسیح را دریافت کنند.

۱. هر گناهی که در زندگی دارید همین امروز اعتراف کنید و از آن دوری کنید (اول یوحنا: ۱:۹).

۲. زندگی خود را با تمامی دل و کاملاً وقف بشارت دادن و خدمت عیسی مسیح کنید.

"لهذا شما نیز حاضر باشید، زیرا در ساعتی که گمان نبرید، پسر انسان می‌آید" متی ۲۴:۴۴.

"و وقت را دریابید زیرا این روزها شریر است." افسسیان ۵: ۱۶

خاتمه: آیا آماده هستید که با مسیح روبرو شوید؟ آیا نجات یافته‌اید؟ آیا روزانه و یا بطور هفتگی بشارت می‌دهید؟ آیا گناهی در زندگی خود دارید که نیاز به اعتراف داشته باشید و از آن دوری کنید؟ همین امروز می‌توانید این کار را انجام دهید.

سؤالات این درس:

۱- بازگشت عیسی مسیح به جهت کلیسا چه نامیده می‌شود؟

۲- ربایش ایمانداران از روی زمین در چه دوره زمانی اتفاق می‌افتد؟

۳- "زیرا خود خداوند با..... و با و با از آسمان نازل خواهد شد و اول خواهند برخاست. آنگاه ما که و باشیم، با ایشان در ابرها خواهیم شد تا خداوند را در ملاقات کنیم و همچنین همیشه با خداوند خواهیم بود. پس بدین سخنان همدیگر را دهید" (اول تسالونیکیان ۴: ۱۶-۱۸).

۴- نام دیگر ربایش طبق تیطس ۲: ۱۳ چیست؟

۵- ربایش با چه سرعتی رخ خواهد داد؟

۶- علت وقوع ربایش چیست با ذکر آیه ای توضیح دهید؟

۷- هدف از هفت سال مصیبت چیست با ذکر آیه ای توضیح دهید؟

۸- شرایط برای ربایش چیست؟

۹- چه حادثه ای بعد از ربایش برای ایمانداران اتفاق خواهد افتاد با ۲ آیه توضیح دهید؟

۱۰- " ای حبیبان، الآن فرزندان خدا هستیم و هنوز ظاهر نشده است آنچه خواهیم بود؛ لکن می دانیم که چون او ظاهر شود، زیرا او را چنانکه هست....." اول یوحنا ۳: ۲

۱۱- عکس العمل ما برای ربایش چه باید باشد؟ آیه ای را برای آن ذکر کنید؟

۱۲- اگر ما اطلاع داشتیم که سال بعد ربهده می شویم، چگونه باید زندگی می کردیم؟

آیه های کلیدی این درس: اول تسالونیکیان ۴: ۱۳-۱۸ و اول قرنتیان ۱۵: ۵۱-۵۳ و یوحنا ۱۴:

۳-۲ و تیطس ۲: ۱۳ و مکاشفه ۴: ۱-۲

درس ۲۶: تخت داوری مسیح

"آیا برای مسیحیان روز داوری وجود دارد؟ برای چه چیزی آنها جوابگو خواهند بود؟"

در زندگی مسیحی یک سری حقایق مهم وجود دارند. کتاب مقدس می گوید، طریقه‌های خداوند مانند طریقه‌های ما انسانها نیست. زیرا انسان به ظاهر نگاه می کند در حالیکه خداوند به باطن. اگر ما بخواهیم خدا را مؤثرانه خدمت کنیم باید تمرکزمان را از چیزهای جسمانی و ظاهری دور کنیم و در معنویات تمرکز کنیم. زندگی ما زمانی معنی و هدف پیدا می کند که در معنویات زندگی کنیم و در چیزهای ابدی تمرکز کنیم.

این درس ترتیب داده شده است که تمرکز شما را به چیزهای جاودانی نگاه دارد و بوسیله تعلیماتی از کتاب مقدس از جزئیات جوابگوی نهایی شما به خداوند عیسی مسیح به عنوان خادمش آشنا کند.

۱- تخت داوری مسیح چیست؟

الف) خداوند همه انسانهایی که تا بحال زندگی کرده اند را داوری خواهد نمود. "و چنانکه مردم را یک بار مردن و بعد از آن جزا یافتن مقرر است." عبرانیان ۹: ۲۷

ب) خداوند گناهان دنیا را بر روی صلیب داوری کرد. با ایمان داشتن به عیسی مسیح به عنوان منجی، شما نیازی به ترس از داوری گناهان ندارید زیرا او تمام مجازات ما را به خود گرفت (اول پطرس ۲: ۲۴؛ دوم قرنتیان ۵: ۲۱). "مسیح، ما را از لعنت شریعت فدا کرد چونکه در راه ما لعنت شد، چنانکه مکتوب است: "ملعون است هر که بر دار آویخته شود." غلاطیان ۳: ۱۳

ج) بعد از نجات خویش ما برای خدمتمان به خداوند عیسی مسیح داوری خواهیم شد نه برای خودمان. این رویداد را تخت داوری مسیح می نامند. "زانرو که همه پیش مسند مسیح حاضر خواهیم شد." رومیان ۱۴: ۱۰ همچنین به دوم قرنتیان ۵: ۱۰ رجوع کنید.

۲- در تخت داوری مسیح برای چه چیزهایی داوری خواهیم شد؟

۱- شما برای اعمالتان به عنوان خادم عیسی مسیح داوری خواهید شد. "زیرا بنیادی

دیگر هیچ کس نمی تواند نهاد جز آنکه نهاده شده است، یعنی عیسی مسیح. لکن اگر کسی بر آن بنیاد، عمارتی از طلا یا نقره یا جواهر یا چوب یا گیاه یا کاه بنا کند، کار هر کس آشکار خواهد شد، زیرا که آن روز آن را ظاهر خواهد نمود، چونکه آن به آتش به ظهور خواهد رسید و خود آتش، عمل

هرکس را خواهد آزمود که چگونه است. اگر کاری که کسی بر آن گذارده باشد بماند، اجر خواهد یافت. و اگر عمل کسی سوخته شود، زیان بدو وارد آید، هرچند خود نجات یابد اما چنانکه از میان آتش. "اول قرنتیان ۳: ۱۱-۱۵"

۲- اعمال شما طبق نیت و انگیزه آن داوری خواهد شد.

الف) "آن از چه نوعی است." اول قرنتیان ۳: ۱۳ "کار هرکس آشکار خواهد شد، زیرا که آن روز آن را ظاهر خواهد نمود، چونکه آن به آتش به ظهور خواهد رسید و خود آتش، عمل هرکس را خواهد آزمود که چگونه است."

ب) طرز تفکر قلبی مهمتر از اعمال واقعی خواهد بود. اگر طرز تفکر خاصی توسعه داده شود، اعمال خاص بصورت طبیعی بیرون خواهد آمد. "نه به خدمت حضور، مثل طالبان رضامندی انسان، بلکه چون غلامان مسیح که اراده خدا را از دل به عمل می آورند." افسسیان ۶:

۳- عواقب منفی این داوری کدامها هستند؟

الف) پولس رسول در رابطه با تخت داوری مسیح گفت که آن "ترس خدا" است. یک مسیحی نباید از رفتن به جهنم ترس داشته باشد، ولی چیزهایی وجود دارند که در ارتباط با داوری نهایی باید از آنها آگاه شد. "پس چون ترس خدا را دانسته ایم، مردم را دعوت می کنیم. اما به خدا ظاهر شده ایم و امیدوارم به ضمائر شما هم ظاهر خواهیم شد." دوم قرنتیان ۵: ۱۱

بعضی از مسیحیان به گونه های زیر ظاهر خواهند شد:

۱- خجل زده به خاطر زندگی نکردن برای خداوند عیسی مسیح در هنگام ظهور کردنش. "الآن ای فرزندان در او ثابت بمانید تا چون ظاهر شود اعتماد داشته باشیم و در هنگام ظهورش از وی خجل نشویم." اول یوحنا: ۲: ۲۸

۲- زیان به آنها وارد می شود چون اعمالشان چیزهای موقتی بودند نه جاودانی. "و اگر عمل کسی سوخته شود، زیان بدو وارد آید، هرچند خود نجات یابد اما چنانکه از میان آتش." اول قرنتیان ۳: ۱۵

۳- پاداششان را از دست خواهند داد چون بجای اینکه برای مسیح زندگی کنند، در گناه زندگی می کنند. "زیرا لازم است که همه ما پیش مسند مسیح حاضر شویم تا هرکس اعمال بدنی خود را بیابد، بحسب آنچه کرده باشد، چه نیک چه بد." دوم قرنتیان ۵: ۱۰
ب) بخاطر داشته باشید که بیشتر مواقع ظاهریات خیلی فریبنده هستند.

۱- در زندگی خودتان و در زندگی دیگران با ظاهر بیرونی فریب نخورید. بسیاری از مسیحیان تظاهر می کنند که خادمان خداوند هستند. "بلکه خدا جهال جهان را برگزید تا حکما را رسوا سازد و خدا

ناتوانان عالم را برگزید تا توانایان را رسوا سازد، و خسیسان دنیا و محقران را خدا برگزید، بلکه نیستیها را تا هستیها را باطل گرداند. تا هیچ بشری در حضور او فخر نکند. لکن از او شما هستید در عیسی مسیح که از جانب خدا برای شما حکمت شده است و عدالت قدوسیّت و فدا. تا چنانکه مکتوب است هر که فخر کند در خداوند فخر نماید." اول قرتیان ۱: ۲۷-۳۱

۲- برای پاداش آسمانی سرمایه گذاری کنید به عوض پاداش زمینی. خادم واقعی خداوند در تخت داوری مسیح نمایان خواهند شد. "پس چون با مسیح برخیزانیده شدید، آنچه را که در بالا است بتلبید در آنجایی که مسیح است، به دست راست خدا نشسته. در آنچه بالا است تفکر کنید، نه در آنچه بر زمین است. زیرا که مرید و زندگی شما با مسیح در خدا مخفی است. چون مسیح که زندگی ما است ظاهر شود، آنگاه شما هم با وی در جلال ظاهر خواهید شد." کولسیان ۳: ۱-۴

۴- چه پادشهایی قابل دست یافتن خواهد بود؟

پادشاهای قابل دست یافتن در تخت داوری مسیح، در پنج نوع تاج در عهد جدید دیده می شوند:

۱- **تاج عدالت:** به کسانی که منتظر ظهور خداوند عیسی مسیح هستند، داده خواهد شد. "بعد از این تاج عدالت برای من حاضر شده است، که خداوند داور عادل در آن روز به من خواهد داد؛ و نه به من فقط بلکه نیز به همه کسانی که ظهور او را دوست می دارند." دوم تیموتائوس ۴: ۸
الف) کتاب مقدس با "آمین بیا، ای خداوند عیسی" خاتمه می یابد. مکاشفه ۲۲: ۲۰
ب) آرزوی شما باید در همه حال بودن کنار خداوند باید باشد. "زیرا در میان این دو سخت گرفتار هستم، چونکه خواهش دارم که رحلت کنم و با مسیح باشم، زیرا این بسیار بهتر است. لیکن در جسم ماندن برای شما لازمتر است." فیلیپیان ۱: ۲۳-۲۴

۲- **تاج حیات:** این تاج از آن شهیدان مسیح خواهد بود. "از آن زحماتی که خواهی کشید مترس! اینک، ابلیس بعضی از شما را در زندان خواهد انداخت تا تجربه کرده شوید و مدت ده روز زحمت خواهید کشید. لکن تا به مرگ امین باش تا تاج حیات را به تو دهم." مکاشفه ۲: ۱۰

الف) همچنین تاج حیات به کسانی که در مقابل وسوسه ها مقاومت می کنند داده خواهد شد. "خوشبحال کسی که متحمل تجربه شود زیرا که چون آزموده شد آن تاج حیاتی را که خداوند به محبان خود وعده فرموده است خواهد یافت." یعقوب ۱: ۱۲

ب) این مثل تاج شهیدان است زیرا بوسیله مردن بر نفس خود بر وسوسه ها غلبه می یابیم. رومیان ۶:

۳- **تاج غیرفانی** - به کسانی که خوددار و پرهیزکار هستند داده می شود. "و هر که ورزش کند در هر چیز ریاضت می کشد؛ اما ایشان تا تاج فانی را بیابند لکن ما تاج غیرفانی را." اول قرن تیان ۹: ۲۵
الف) متن اول قرن تیان ۹: ۱۸-۲۷ منظور از خودداری و پرهیزکاری در همه موارد (فیزیکی، معنوی و ذهنی) پرهیز کردن از وسوسه ها و گناهان و همچنین بودن شاهدهی خوب برای دیگران است.
ب) این همچنین شامل بعضی ها می شود که برای جلال دادن خدا ضعف یا بیماری را متحمل می شوند. پولس رسول نمونه بارزی از این مورد می باشد. دوم قرن تیان ۱۲: ۷-۱۰

۴- **تاج فخر (سرور و شادی)**: تاج بشارت دهندگان. "زیرا که چیست امید و سرور و تاج فخر ما؟ مگر شما نیستید در حضور خداوند ما عیسی در هنگام ظهور او؟" اول تسالونیکیان ۲: ۱۹
الف) این تاج به کسانی که مردمان را به عیسی مسیح هدایت می کنند داده می شود. فیلیپیان ۴: ۱
ب) آن تاج شادی و سرور نامیده شده است زیرا هنگامیکه شخصی نجات پیدا می کند، در آسمان خدا و فرشتگان و نجات یافتگان شادی می کنند. "به شما می گویم که بر این منوال خوشی در آسمان رخ می نماید به سبب توبه یک گناهکار بیشتر از برای نود و نه عادل که احتیاج به توبه ندارند." لوقا ۱۵: ۷

۵- **تاج جلال**: تاج شبانان. "تا در وقتی که رئیس شبانان ظاهر شود تاج ناپژمرده جلال را بیابید."
اول پطرس ۵: ۴

۱- این تاج به کسانی داده می شود که سرپرستی یا شبانی کلیسا و ایمانداران را به عهده دارند.

۲- عهد جدید بطور آشکار می گوید که همه کسانی که نجات یافته اند باید بطور فعال کلام خدا را به دیگران تعلیم دهند نه فقط واعظان و کشیشان. متی ۲۸: ۱۹

۳- آن نیاز به حکمت زیاد دارد که فقط از طریق کلام خدا می توان بدست آورد. "حکمت از همه چیز افضل است. پس حکمت را تحصیل نما و به هر آنچه تحصیل نموده باشی، فهم را تحصیل کن. آن را محترم دار، و تو را بلند خواهد ساخت. و اگر او را در آغوش بکشی تو را معظم خواهد گردانید. بر سر تو تاج زیبایی خواهد نهاد. و افسر جلال به تو عطا خواهد نمود."
امثال ۴: ۷-۹

سوالات پایه ای:

۱- چرا ما باید نگران تخت داوری مسیح باشیم؟

الف) تمرکز بر بازگشت خداوند عیسی مسیح یکی از مهمترین تعالیم کاربردی برای هر کسی است که طبق کتاب مقدس زندگی می کند. توجه فرمایید که در آیه های زیر بوسیله تمرکز کردن در بازگشت خداوند ما عیسی مسیح، چند خصوصیات خوب و کاربردی در انسان تولید می شوند:

- ۱- صبر (یعقوب ۵: ۷-۸؛ دوم تسالونیکیان ۳: ۵)
- ۲- آرامش (اول تسالونیکیان ۴: ۱۳-۱۸)
- ۳- شادی (اول تسالونیکیان ۲: ۱۹)
- ۴- پاکی (اول تسالونیکیان ۳: ۱۳؛ اول یوحنا ۳: ۱-۳)
- ۵- اعتماد به نفس (فیلیپیان ۱: ۶؛ اول یوحنا ۲: ۲۸)
- ۶- فداکاری در خدمت (دوم تیموتائوس ۴: ۱-۸)
- ۷- زندگی عادلانه (تیطس ۲: ۱۱-۱۴)
- ۸- ایمان حتی در شرایط سخت (اول پطرس ۱: ۵-۷)

ب) **پاداشی که شما در زمین می گیرید موقتی هستند و از بین خواهد رفت.** اما پاداشی که شما در تخت داوری مسیح دریافت خواهید کرد ابدی هستند و هرگز از بین نخواهد رفت. "زیرا که این زحمت سبک ما که برای لحظه ای است، بار جاودانی جلال را برای ما زیاده و زیاده پیدا می کند. در حالی که ما نظر نمی کنیم به چیزهای دیدنی، بلکه به چیزهای نادیدنی، زیرا که آنچه دیدنی است، زمانی است و نادیدنی جاودانی. زیرا می دانیم که هرگاه این خانه زمینی خیمه ما ریخته شود، عمارتی از خدا داریم، خانه ای ناساخته شده به دستها و جاودانی در آسمانها. زیرا که در این هم آه می کشیم، چونکه مشتاق هستیم که خانه خود را که از آسمان است ببوشیم، اگر فی الواقع پوشیده و نه عریان یافت شویم. از آنرو که ما نیز که در این خیمه هستیم، گرانبار شده، آه می کشیم، از آن جهت که نمی خواهیم این را بیرون کنیم، بلکه آن را ببوشیم تا فانی در حیات غرق شود." دوم قرنتیان ۴: ۱۷-۵: ۴

ج) **با تمرکز کردن بر تخت داوری مسیح، شما بطور طبیعی خشنودی خداوند افزایش خواهید داد.** توسعه دادن این طرز تفکر مطمئن ترین راه برای مواجه شدن با منتقدان و مخالفان است. "به قیمتی خریده شدید، غلام انسان نشوید." اول قرنتیان ۷: ۲۳

سوالات این درس:

- ۱- کدام گروه از انسانها در تخت داوری مسیح داوری خواهند شد؟
- ۲- برای چه چیزهایی ما در تخت داوری مسیح داوری خواهیم شد؟

- ۳- چه چیزهایی هستند که ما باید در رابطه با تخت داوری مسیح آگاه باشیم. آنها را نام ببرید؟
- ۴- خادم واقعی مسیح در تخت داوری مسیح نمایان خواهد شد و خادمان تقلبی نیز افشاء می شوند. کدام دو اصول را باید در این رابطه بیاد داشته باشیم با ذکر آیه ای بیان کنید؟
- ۵- برای کسانی که وفادارانه به خداوند عیسی مسیح خدمت می کنند، پادشاهی وجود خواهند داشت. پنج تاجی را که به ایمانداران داده خواهد شد را نام ببرید و بیان کنید هر یک برای چه چیزی داده خواهد شد؟
- ۶- وقتی که یک مسیحی تمرکزش را به بازگشت خداوند عیسی مسیح جلب می کند، در خودش خصوصیات خوب بوجود می آید. آن خصوصیات را نام ببرید؟
- ۷- فرق بین پاداشی که در زمین دریافت می کنید با آن پاداشی که در آن آسمان در تخت داوری مسیح دریافت خواهید کرد را بنویسید؟

۸- بهترین فایده تمرکز کردن به بازگشت خداوند عیسی مسیح در زندگیتان را بنویسید؟

۹- بطور خلاصه هدف اصلی از این درس را شرح دهید؟

آیه های کلیدی این درس: دوم قرنتیان ۵: ۸-۹؛ اول یوحنا ۲: ۲۸؛ لوقا ۱۶: ۱۵

درس ۲۷: هفت سال مصیبت

مقدمه: بعد از اینکه ایمانداران (کسانیکه تولد دوباره دارند) از این دنیا ربوده شدند، دوره جدیدی در صفحه تاریخ رقم زده خواهد شد که به هفت سال مصیبت معروف است. کتاب مقدس آن را روز عظیم خداوند نیز می نامد. "روز عظیم خداوند نزدیک است، نزدیک است و بزودی هرچه تمام تر می رسد، آواز روز خداوند مسموع است و مرد زورآور در آن به تلخی فریاد برخواهد آورد. آن روز، روز غضب است، روز تنگی و اضطراب، روز خرابی و ویرانی، روز تاریکی و ظلمت، روز ابرها و ظلمت غلیظ" (صفینیا: ۱۵-۱۴).

عیسی مسیح پیشگویی کرد که در آخر دنیا چنان مصیبت عظیمی بر تمامی ساکنان

زمین رخ خواهد داد که تا بحال زمین چنین مصیبتی به خود ندیده است. "و چون به کوه زیتون نشسته بود، شاگردانش در خلوت نزد وی آمده، گفتند: «به ما بگو که این امور کی واقع می شود و نشان آمدن تو و انقضای عالم چیست.» عیسی در جواب ایشان گفت: «زنها کسی شما را گمراه نکند! زانرو که بسا به نام من آمده خواهند گفت که من مسیح هستم و بسیاری را گمراه خواهند کرد. و جنگها و اخبار جنگها را خواهید شنید. زنها مضطرب مشوید زیرا که وقوع این همه لازم است، لیکن انتها هنوز نیست. زیرا قومی با قومی و مملکتی با مملکتی مقاومت خواهند نمود و قحطیها و وباها و زلزله ها در جایها پدید آید. اما همه اینها آغاز دردهای زه است. آنگاه شما را به مصیبت سپرده، خواهند کشت و جمیع امتهای بجهت اسم من از شما نفرت کنند. و در آن زمان، بسیاری لغزش خورده، یکدیگر را تسلیم کنند و از یکدیگر نفرت گیرند. و بسا انبیای کذب ظاهر شده، بسیاری را گمراه کنند. و به بجهت افزونی گناه محبت بسیاری سرد خواهد شد. لیکن هرکه تا به انتها صبر کند، نجات یابد. و به این بشارت ملکوت در تمام عالم موعظه خواهد شد تا بر جمیع امتهای شهادتی شود؛ آنگاه انتها خواهد رسید... زیرا که در آن زمان چنان مصیبت عظیمی ظاهر می شود که از ابتدای عالم تاکنون نشده و نخواهد شد." (متی ۲۴: ۳-۱۴ و ۲۱).

۱- حوادث دوره مصیبت

هفت سال مصیبت در کتاب مکاشفه و دانیال نبی به دو نیمه تقسیم شده است (سه و نیم سال اول و سه و نیم سال دوم). سه و نیم سال اول دوره **مصیبت** نامیده می شود و سه و نیم سال دوم **مصیبت عظیم** نامیده می شود. سه و نیم سال اول شامل شکستن هفت مهر طومار و نواختن هفت شیپور می

باشد که در کتاب مکاشفه باب ۶ تا ۱۰ آمده است و باب ۱۴-۱۹ حوادث و شخصیت‌های اصلی دوره مصیبت را توصیف می‌کند.

هفت مهر (چهار اسب سوار)

توصیف هفت سال مصیبت از باب ۶ مکاشفه با گشودن مهرهای طومار شروع می‌شود که خود عیسی مهرها را گشوده و طومار را برای خواندن باز می‌کند (مکاشفه: ۵: ۶-۷).

۱. **مهر اول: اسب سفید:** " و دیدم چون بره یکی از آن هفت مهر را گشود؛ و شنیدم یکی از آن چهار حیوان به صدایی مثل رعد می‌گوید: بیا و ببین! و دیدم که ناگاه اسبی سفید که سوارش کمانی دارد و تاجی بدو داده شد و بیرون آمد، غلبه‌کننده و تا غلبه نماید." (مکاشفه: ۶: ۱-۲) هنگامیکه مهر اول گشوده می‌شود، هفت سال مصیبت با اسب سفید شروع می‌شود که اسب سوار آن دجال که مسیح دروغین است، روی اسب سفید (نشانه صلح و پیروزی) نشسته و وعده آوردن صلح را به تمامی مردم دنیا می‌دهد. او با اسرائیل به مدت هفت سال عهدنامه صلح خواهد بست (دانیال ۹: ۲۷). امته‌ها در صدد اتمام جنگ بر می‌خیزند و کلیساها و دین‌های دروغین متحد خواهند شد و همه یک دین واحد را پرستش خواهند کرد. سپس دجال در نیمه هفت سال عهد خود را شکسته و شروع به جنگ و کشتار مردم به خصوص یهودیان و عده‌ای که در هفت سال مصیبت به مسیح ایمان می‌آورند را می‌نماید.

۲. **مهر دوم: اسب سرخ:** " و چون مهر دوم را گشود، حیوان دوم را شنیدم که می‌گوید: بیا و ببین و اسبی دیگر، آتشگون بیرون آمد و سوارش را توانایی داده شده بود که سلامتی را از زمین بردارد و تا یکدیگر را بکشند؛ و به وی شمشیری بزرگ داده شد." (مکاشفه: ۶: ۳-۴) سوار این اسب همان دجال است که زمانیکه او عهد خود را می‌شکند شروع به جنگ و کشتار و شکست بسیاری از امته‌ها می‌نماید تا بر تمامی دنیا سلطنت کند. این جنگ تا انتهای هفت سال ادامه خواهد داشت و در انتهای هفت سال دجال با لشکریان خود در دشتی به اسم وادی یهوشافاط (یوئیل ۳: ۲) یا حارمجدون جمع خواهند شد. " و ایشان را به موضعی که آن را در عبرانی حارمجدون می‌خوانند، فراهم آوردند." (مکاشفه: ۱۶: ۱۶). دجال و لشکریان او به امت خدا یعنی اسرائیل یورش می‌برند که در آن هنگام مسیح بازگشت نموده و او را با نفس خود هلاک خواهد کرد (دوم تسالونیکیان ۲: ۸).

۳. **مهر سوم: اسب سیاه:** " و چون مهر سوم را گشود، حیوان سوم را شنیدم که می‌گوید: بیا و ببین و دیدم اینک اسبی سیاه که سوارش ترازویی بدست خود دارد. و از میان چهار حیوان، آوازی را شنیدم که می‌گوید: یک هشت یک گندم به یک دینار و سه هشت یک جو به یک دینار و به روغن و شراب ضرر مرسان." (مکاشفه: ۵: ۶-۵)

اسب سیاه آسیبی است که معمولاً در هنگام جنگ پدید می آید. آن آسیب قحطی و خشکسالی است. اسب سوار ترازویی در دست دارد که وزن گندم را اندازه گیری می کند و قیمت یک قرص نان به اندازه دستمزد یک روز کارگر خواهد بود. یعنی یک کارگر با زحمت یک روزه خود قادر نخواهد بود که چیزی بیشتر از یک قرص نان خریداری کند. فقیران از گرسنگی خواهند مرد و ثروتمندان فقط قادر خواهند بود در آن سه و نیم سال برای خود غذا تهیه کنند.

۴. **مهر چهارم: اسب زرد:** "و چون مهر چهارم را گشود، حیوان چهارم را شنیدم که می گوید: بیا و ببین. و دیدم که اینک اسبی زرد و کسی بر آن سوار شده که اسم او موت است و عالم اموات از عقب او می آید؛ و به آن دو اختیار بر یک ربع زمین داده شد تا به شمشیر و قحط و موت و با وحوش زمین بکشند." مکاشفه: ۶-۷-۸

در نتیجه آمدن اسب سرخ و سیاه که جنگ و گرسنگی همراه می آورند، بسیاری از مردم دنیا از جنگ و قحطی خواهند مرد بطوریکه جایی برای دفن آنها نخواهد بود. بنابراین جسد آدمهای مرده در خیابانها و کوچه ها و خانه ها پخش شده و باعث منتشر شدن باکتری و ویروس های مختلف خواهد شد و بنابراین ویروس ها در همه جای دنیا شایع شده و در نتیجه عده بسیاری بیمار شده و خواهند مرد.

۵. **مهر پنجم: شهیدان مسیح:** "و چون مهر پنجم را گشود، در زیر مذبح دیدم نفوس آنانی را که برای کلام خدا و شهادتی که داشتند کشته شده بودند؛ که به آواز بلند صدا کرده، می گفتند: ای خداوند قدوس و حق، تا به کی انصاف نمی نمایی و انتقام خون ما را از ساکنان زمین نمی کشی؟ و به هر یکی از ایشان جامه ای سفید داده شد و به ایشان گفته شد که اندکی دیگر آرامی نمایند تا عدد همقطاران که مثل ایشان کشته خواهند شد، تمام شود." مکاشفه: ۶-۹-۱۱

عده ای از مردم دنیا در آن هفت سال مصیبت با شنیدن پیام انجیل از ۱۴۴۰۰۰ شاهدان یهودی، ایمان آورده ولی به خاطر ایمانشان به مسیح توسط دجال به شهادت خواهند رسید. که آن شهیدان در زیر مذبحی در بهشت از خداوند انتقام خون شهیدان مسیح را از دجال می خواهند. (مکاشفه: ۶-۹-۱۱).

۶. **مهر ششم: زلزله عظیم:** "و چون مهر ششم را گشود، دیدم که زلزله ای عظیم واقع شد و آفتاب چون پلاس پشمی سیاه گردید و تمام ماه چون خون گشت؛ و ستارگان آسمان بر زمین فرو ریختند، مانند درخت انجیری که از باد سخت به حرکت آمده، میوه های نارس خود را می افشاند. و آسمان چون طوماری پیچیده شده، از جا برده شد و هر کوه و جزیره از مکان خود منتقل گشت. و پادشاهان زمین و بزرگان و سپه سالاران و دولت‌مندان و جباران و هر غلام و آزاد خود را در مغاره ها و صخره های کوهها پنهان کردند. و به کوهها و صخره ها می گویند که «بر ما بیفتید و ما را مخفی

سازید از روی آن تختنشین و از غضب بره؛ زیرا روز عظیم غضب او رسیده است و کیست که می تواند ایستاد؟" مکاشفه ۶: ۱۲-۱۷

چهار مهر اول مصیبت و بلایایی را دارا هست که بصورت طبیعی توسط دجال به وقوع می رسد. ولی با گشودن مهر ششم بلایای فوق طبیعی را مشاهده می کنیم که خداوند از آسمان بر روی ساکنان زمین می ریزد تا آخرین فرصت خود را برای توبه به انسانها بدهد. بنظر می آید که دجال در جنگها از بمبهای اتمی استفاده می کند که تشعشعات و خاکستر ناشی از بمبهای اتمی باعث خورشید گرفتگی می شود، ماه به خون تبدیل می شود همچنانکه قبلاً این حادثه با استفاده از بمب اتمی توسط ژاپن صورت گرفت. راجع به ادامه این بلایا در هفت پیاله غضب خدا در باب ۱۶ مکاشفه بیشتر توضیح داده شده است.

۷. **مهر هفتم: هفت کرنا** (مکاشفه ۸: ۱ تا ۱۱: ۱۹). مهر هفتم هفت کرنا را در بر دارد که شامل هفت بلایای دیگری است که خداوند بر روی زمین می ریزد تا ساکنان آن را بیازماید. برای همین است که این دوره به هفت سال مصیبت معروف است. ما مسیحیانی که با خون مسیح شسته و تولد نو یافته ایم باید شادی کنیم که از آن مصیبت عظیمی که بر تمامی دنیا می آید، ربوده شده، در امان خواهیم بود.

۲- هدف از دوره مصیبت

أ. **هدف اصلی از دوره مصیبت آماده کردن اسرائیل برای پذیرفتن مسیح است.** ارمیای نبی این را می گوید که این زمان مختص اسرائیل است و آن را زمان تنگی یعقوب می نامد. "وای بر ما زیرا که آن روز، عظیم است و مثل آن دیگری نیست و آن زمان تنگی یعقوب است اما از آن نجات خواهد یافت." (ارمیا ۳۰: ۷). همانطور که در آمدن اولیه عیسی مسیح، یحیی تعمید دهنده در بیابان موعظه کرد و راه مسیح را هموار کرد و یهودیان را آماده ایمان آوردن به مسیح کرد، همچنین در بازگشت ثانویه مسیح، ایلیای نبی در هفت سال مصیبت موعظه کرده و یهودیان را آماده پذیرفتن و ایمان آوردن به مسیح خواهد کرد (ملاکی ۴: ۵-۶).

ب. **دومین هدف از دوره مصیبت اینست که خداوند غضب خود را بر تمامی گمشدگان دنیا بریزد تا آنها به خود آیند و از راههای شرارت خود توبه کنند و به مسیح ایمان آورند** (مکاشفه ۱۶: ۹). این غضب شامل تمامی مردم دنیا از همه قبیله، زبان و نژاد خواهد بود (مکاشفه ۳: ۱۰). بیشتر مردم دنیا توسط دین های دروغین بوسیله پیامبران دروغین فریب خورده و پیرو آنها شده اند. بنابراین خداوند آنها را به دلیل ایمان کورکورانه به ادیان دروغین، داوری و آزمون خواهد کرد. (مکاشفه ۱۳: ۱۱-۱۸).

۳- آیا کلیسا وارد دوره مصیبت می شود؟ خیر، چون:

ا. خداوند ما را برای غضب تعیین نکرده است. "زیرا خدا ما را تعیین نکرد برای غضب بلکه بجهت تحصیل نجات، بوسیله خداوند ما عیسی مسیح" (اول تسالونیکیان ۵: ۹).

ب. خداوند به کلیسای فیلالدلیا در قرن اول وعده داد که آنها را از غضب حفظ کند. "چونکه کلام صبر مرا حفظ نمودی، من نیز تو را محفوظ خواهم داشت، از ساعت امتحان که بر تمام ربع مسکون خواهد آمد تا تمامی ساکنان زمین را بیازماید." (مکاشفه ۳: ۱۰)

ج. ما درست قبل از آغاز دوره مصیبت از این دنیا ربوده شده، در هوا مسیح خداوند را ملاقات خواهیم کرد. "زیرا خود خداوند با صدا و با آواز رئیس فرشتگان و با صور خدا از آسمان نازل خواهد شد و مردگان در مسیح اول خواهند برخاست. آنگاه ما که زنده و باقی باشیم، با ایشان در ابرها ربوده خواهیم شد تا خداوند را در هوا استقبال کنیم و همچنین همیشه با خداوند خواهیم بود." (اول تسالونیکیان ۴: ۱۶-۱۷).

۴- آیا در دوره مصیبت شاهدانی خواهند بود که به مردم بشارت دهند؟

خداوند در هیچ دوره از آفرینش خود انسانها را بدون شاهد نگذاشته است. او از آدم و حوا گرفته تا پایان دنیا، همیشه کسانی را دارد که شاهد و مبشران او برای دنیا باشند. در طول هفت سال مصیبت نیز خداوند به انسانها شانس شنیدن پیام انجیل را خواهد داد.

ا. ۱۴۴۰۰۰ شاهدان یهودی را خداوند از دوازده طایفه بنی اسرائیل انتخاب و مهر

خواهد زد (مکاشفه ۷: ۱-۸). آنها در روی زمین برای تمامی دنیا نوری خواهند بود و به مردم بشارت خواهند داد. "و دیدم که اینک بره، بر کوه صهیون ایستاده است و با وی صد و چهل و چهار هزار نفر که اسم او و اسم پدر او را بر پیشانی خود مرقوم می دارند. و آوازی از آسمان شنیدم، مثل آواز آبهای بسیار و مانند آواز رعد عظیم؛ و آن آوازی که شنیدم، مانند آواز بریط نوازان بود که بریطهای خود را بنوازند. و در حضور تخت و چهار حیوان و پیران، سرودی جدید می سرایند و هیچکس نتوانست آن سرود را بیاموزد، جز آن صد و چهل و چهار هزار که از جهان خریده شده بودند. اینانند آنانی که با زنان آلوده نشدند، زیرا که باکره هستند؛ و آنانند که بره را هر کجا می رود متابعت می کنند و از میان مردم خریده شده اند تا نوبر برای خدا و بره باشند. و در دهان ایشان دروغی یافت نشد، زیرا که بی عیب هستند."

ب. علاوه بر آن ۱۴۴۰۰۰ شاهدان یهودی، خدا دو شاهد از آسمان نازل خواهد کرد

تا به مردم بشارت دهند. "و به دو شاهد خود خواهم داد که پلاس در بر کرده، مدت هزار و دویست و شصت روز نبوت نمایند. اینانند دو درخت زیتون و دو چراغدان که در حضور خداوند

زمین ایستاده اند. و اگر کسی بخواهد بدیشان اذیت رساند، آتشی از دهانشان بدر شده، دشمنان ایشان را فرو می گیرد؛ و هر که قصد اذیت ایشان دارد، بدینگونه باید کشته شود. اینها قدرت به بستن آسمان دارند تا در ایام نبوت ایشان باران نیارد و قدرت بر آنها دارند که آنها را به خون تبدیل نمایند و جهان را هر گاه بخواهند، به انواع بلاها مبتلا سازند. و چون شهادت خود را به اتمام رسانند، آن وحش که از هاویه برمی آید، با ایشان جنگ کرده، غلبه خواهد یافت و ایشان را خواهد کشت." (مکاشفه ۱۱: ۳-۷)

ج. **یکی از سه فرشته در باب ۱۴ مکاشفه انجیل جاودانی را به تمامی مردم جهان بشارت خواهد داد.** " و فرشته ای دیگر را دیدم که در وسط آسمان پرواز می کند و انجیل جاودانی را دارد تا ساکنان زمین را از هر امت و قبیله و زبان و قوم بشارت دهد، و به آواز بلند میگوید: از خدا برسید و او را تمجید نمایید، زیرا که زمان داوری او رسیده است. پس او را که آسمان و زمین و دریا و چشمه های آب را آفرید، پرستش کنید." (مکاشفه ۱۴: ۶-۷).

سوالات این درس:

- ۱- نام دیگر هفت سال مصیبت در کتاب مقدس چیست؟ آیه ای را ذکر کنید؟
- ۲- عیسی مسیح در متى ۲۴: ۲۱ این دوره را چگونه توصیف می کند؟
- ۳- سه و نیم سال دوم دوره هفت سال مصیبت به چه اسمی معروف است؟
- ۴- وقایعی که در مهر اول اتفاق می افتد را بطور خلاصه شرح دهید؟
- ۵- وقایعی که در مهر دوم اتفاق می افتد را بطور خلاصه شرح دهید؟
- ۶- وقایعی که در مهر سوم اتفاق می افتد را بطور خلاصه شرح دهید؟
- ۷- وقایعی که در مهر چهارم اتفاق می افتد را بطور خلاصه شرح دهید؟
- ۸- وقایعی که در مهر ششم اتفاق می افتد را بطور خلاصه شرح دهید؟
- ۹- هدف از دوره مصیبت چیست؟ دو مورد را با ذکر آیه ای برای هر کدام نام ببرید؟
- ۱۰- آیا کلیسا وارد دوره مصیبت می شود؟ دو دلیل بیاورید با ذکر آیه؟
- ۱۱- آیا در دوره مصیبت شاهدانی خواهند بود که به مردم بشارت دهند؟ سه مورد را نام ببرید با ذکر آیه ای برای هر کدام؟

آیه حفظی: متى ۲۴: ۲۱ ؛ ارمیا ۳۰: ۷

درس ۲۸: مِلنیوم (عصر هزاره سلطنت مسیح)

بخش عظیمی از پیشگوییهای کتاب مقدس به عصر هزاره سلطنت مسیح اختصاص دارد. عصر هزاره همانطور که از اسم آن پیداست دوره هزار سال سلطنتی است که مسیح در هنگام بازگشت ثانویه در اورشلیم بنا خواهد کرد تا پیشگوییهای آن عصر هزاره را به کمال رساند و به مدت ۱۰۰۰ سال بر روی زمین سلطنت کند. "و تختها دیدم و بر آنها نشستند و به ایشان حکومت داده شد و دیدم نفوس آنانی را که بجهت شهادت عیسی و کلام خدا سر بریده شدند و آنانی را که وحش و صورتش را پرستش نکردند و نشان او را بر پیشانی و دست خود نپذیرفتند که زنده شدند و با مسیح هزار سال سلطنت کردند. ۵ و سایر مردگان زنده نشدند تا هزار سال به اتمام رسید. این است قیامت اول. ۶ خوشحال و مقدس است کسیکه از قیامت اول قسمتی دارد. بر اینها موت ثانی تسلط ندارد بلکه کاهنان خدا و مسیح خواهند بود و هزار سال با او سلطنت خواهند کرد." مکاشفه ۲۰: ۴-۶

۱- نقش اسرائیل در عصر هزاره

این عصر پیشگوییهای پیامبران را که به امت اسرائیل نسبت داده شده بود را به کمال خواهد رسانید. خداوند با اسرائیل عهد و پیمان بست که زمین، نسل، کرسی سلطنت، و خانه پادشاهی را به آنها بدهد که این وعده ها در دوره هزاره به وقوع خواهد پیوست.

أ. **پیمان ابراهیمی:** خداوند با ابراهیم عهد بست که به او امت، زمین و نسل بشمارد دهد که این وعده خدا در عصر هزاره به کمال می رسد. دوام و بقای اسرائیل، تصاحب زمینشان، و وارث شدن برکات خداوند بطور مستقیم به این دوره هزاره ربط دارد. "و خداوند به ابرام گفت: «از ولایت خود، و از مولد خویش و از خانه پدر خود بسوی زمینی که به تو نشان دهم بیرون شو، و از تو امتی عظیم پیدا کنم و تو را برکت دهم، و نام تو را بزرگ سازم، و تو برکت خواهی بود. و برکت دهم به آنانی که تو را مبارک خوانند، و لعنت کنم به آنکه تو را ملعون خواند. و از تو جمیع قبایل جهان برکت خواهند یافت... ۷ و خداوند بر ابرام ظاهر شده، گفت: «به ذریت تو این زمین را می بخشم. (پیدایش ۱۲: ۱-۳ و ۷)

"اکنون بسوی آسمان بنگر و ستارگان را بشمار، هرگاه آنها را توانی شمرد. پس به وی گفت: ذریت تو چنین خواهد بود." (پیدایش ۱۵: ۵)

خداوند چنین می گوید: «چنانکه شیره در خوشه یافت می شود و می گویند آن را فاسد مساز زیرا که برکت در آن است. همچنان به خاطر بندگان خود عمل خواهم نمود تا (ایشان را) بالکل هلاک نسازم. بلکه نسلی از یعقوب و وارثی برای کوههای خویش از یهودا به ظهور خواهم آورد. و برگزیدگانم ورثه آن و بندگانم ساکن آن خواهند شد.» (اشعیا ۶۵: ۸-۹).

ب. **پیمان داودی:** در عهدنامه داودی خداوند به داود نبی وعده داد که به او خانه، پادشاهی و کرسی سلطنتی بدهد که تا ابد الابد جاودان باشد و آن وعده در عصر هزاره تحقق می یابد. ذریت داود یعنی مسیح موعود طبق پیشگوییها در کرسی داود خواهد نشست تا ۱۰۰۰ سال سلطنت کند. خداوند به داود نبی وعده داد و گفت: "زیرا روزهای تو تمام خواهد شد و با پدران خود خواهی خوابیدی و ذریت تو را که از صلب تو بیرون آید، بعد از تو استوار خواهم ساخت، و سلطنت او را پایدار خواهم نمود. او برای اسم من خانه ای بنا خواهد نمود و کرسی سلطنت او را تا به ابد پایدار خواهم ساخت. من او را پدر خواهم بود و او مرا پسر خواهد بود، و اگر او گناه ورزد، او را با عصای مردمان و به تازیانه های بنی آدم تأدیب خواهم نمود. و لیکن رحمت من از او دور نخواهد شد، به طوری که آن را از شاول دور کردم که او را از حضور تو رد ساختم. و خانه و سلطنت تو، به حضورت تا به ابد پایدار خواهد شد، و کرسی تو تا به ابد استوار خواهد ماند." دوم

سموئیل ۷: ۱۲-۱۶

ج. **پیمان فلسطینی:** این ادامه و تکمیل کننده پیمان ابراهیمی است که در آن خداوند وعده تصاحب کردن زمین را به اسرائیلیها داد. این پیمان توبه، بازگشت، تولد دوباره و سلطنت اسرائیل را آشکار می کند. (تثنیه ۳۰: ۱-۱۰).

د. **پیمان تازه.** وعده پیمان تازه، دلی تازه، آمرزش گناهان، و پر شدن با روح القدس در این پیمان داده شده که در عصر هزاره امت اسرائیل آن را تجربه خواهد کرد. "خداوند می گوید: «اینک ایامی می آید که با خاندان اسرائیل و خاندان یهودا عهد تازه ای خواهم بست.» نه مثل آن عهدی که با پدران ایشان بستم در روزی که ایشان را دستگیری نمودم تا از زمین مصر بیرون آورم زیرا که ایشان عهد مرا شکستند، با آنکه خداوند می گوید من شوهر ایشان بودم. اما خداوند میگوید: «اینست عهدی که بعد از این ایام با خاندان اسرائیل خواهم بست. شریعت خود را در باطن ایشان خواهم نهاد و آن را بر دل ایشان خواهم نوشت و من خدای ایشان خواهم بود و ایشان قوم من خواهند بود. و بار دیگر کسی به همسایه اش و شخصی به برادرش تعلیم نخواهد داد و نخواهد گفت خداوند را بشناس. زیرا خداوند می گوید: جمیع ایشان از خرد و بزرگ مرا خواهند

شناخت، چونکه عصیان ایشان را خواهیم آمرزید و گناه ایشان را دیگر به یاد نخواهم آورد." (ارمیا ۳۱: ۳۱-۳۴).

بنابراین قابل ملاحظه است که عصر هزاره پیشگوییهای کتاب مقدس درباره پیمان خداوند با اسرائیل را تحقق خواهد داد. دفعه اول که مسیح از طریق مریم باکره به دنیا آمد و سلطنت و پادشاهی خود را به اسرائیل پیشنهاد کرد، اسرائیلیها نخواستند که مسیح بر آنها حکومت کند (لوقا ۱۹: ۱۴). ولی بار دوم که او بر می گردد، یهودیان توبه کرده، به او ایمان خواهند آورد و بنابراین مسیح پادشاه آنها خواهد شد (رومیان ۱۱: ۲۵-۲۷).

۲- نقش کلیسا در عصر هزاره

أ. **خداوند به ابراهیم وعده داد تا در او تمامی امتها برکت یابند.** این بدان معناست که زمانیکه مسیح می آید و برای گناهان تمامی مردم دنیا مصلوب می شود، از طریق ایمان به مسیح و دریافت او به عنوان ناجی خود، امتها نیز نجات یافته و برکت می بینند. "و از تو **جمع قبایل جهان** برکت خواهند یافت." (پیدایش ۱۲: ۳).

ب. **در عصر فیض، کلیسا جایگزین موقتی اسرائیل است.** این بدین معنا نیست که کلیسا اسرائیل واقعی است. کلیسا و اسرائیل دو امت جدا و متمایزی هستند. هنگامیکه اسرائیل مسیح خود را رد کرد، خداوند آنها را برای مدتی (عصر فیض) کنار گذاشت تا از امتها برای خود آدمیان را برگزیده و نجات دهد. "پس می گویم آیا لغزش خوردند تا بیفتند؟ حاشا! بلکه از لغزش ایشان **نجات به امتها رسید** تا در ایشان غیرت پدید آورد." (رومیان ۱۱: ۱۱).
"و آنها را نیز دعوت فرمود یعنی ما نه از یهود فقط بلکه از امتها نیز. چنانکه در هوشع هم میگوید: «**آنانی را که قوم من نبودند، قوم خود خواهیم خواند** و او را که دوست نداشتم محبوبه خود. و جایی که به ایشان گفته شد که شما قوم من نیستید، در آنجا پسران خدای حی خوانده خواهند شد" (رومیان ۹: ۲۴-۲۶).

ج. **امتهای نجات یافته (کلیسا) در عصر هزاره سلطنت خواهند کرد.** امتهایی که با خون عیسی مسیح شسته شده و نجات یافته اند، کلیسا را تشکیل می دهند که در عصر هزاره خداوند وعده داد که نه تنها امت اسرائیل بلکه کلیسا نیز در آن همراه با مسیح پادشاه سلطنت خواهند کرد. "این سخن امین است زیرا اگر با وی مردیم، با او زیست هم خواهیم کرد. و اگر تحمل کنیم، **با او سلطنت هم خواهیم کرد**." (دوم تیموتائوس ۲: ۱۱-۱۲).

"و سرودی جدید می سرایند و می گویند: «مستحق گرفتن کتاب و گشودن مهرهایش هستی زیرا که ذبح شدی و مردمان را برای خدا به خون خود از هر قبیله و زبان و قوم و امت خریدی و ایشان

را برای خدای ما پادشاهان و کهنه ساختی و بر زمین سلطنت خواهند کرد." (مکاشفه ۵: ۹-۱۰).

"خوشبحال حلیمان، زیرا ایشان وارث زمین خواهند شد." (متی ۵: ۵).

۳- نقش شیطان در عصر هزاره

ا. بعد از بازگشت ثانویه مسیح، بلافاصله شیطان اسیر شده، به مدت ۱۰۰۰ سال در بند نهاده می شود. "و دیدم فرشته ای را که از آسمان نازل می شود و کلید هاویه را دارد و زنجیری بزرگ بر دست وی است. و اژدها یعنی مار قدیم را که ابلیس و شیطان می باشد، گرفتار کرده، او را تا مدت هزار سال در بند نهاد. و او را به هاویه انداخت و در را بر او بسته، مهر کرد تا امتها را دیگر گمراه نکند تا مدت هزار سال به انجام رسد؛ و بعد از آن می باید اندکی خلاصی یابد (مکاشفه ۲۰: ۱-۳).

ب. شیطان به عنوان خدای این جهان کار خود را در متوقف کردن اهداف خداوند پیش برده است (دوم قرتیان ۴: ۴). عصر هزاره دوره ای خواهد بود که عدالت خدا به نمایش گذاشته خواهد شد. "و کمربند کمرش عدالت خواهد بود و کمربند میانش امانت." (اشعیا ۱۱: ۵). "اینک پادشاهی به عدالت سلطنت خواهد نمود و سروران به انصاف حکمرانی خواهند کرد." (اشعیا ۳۲: ۱).

ج. خداوند انسانها را بدون حضور شیطان آزمون خواهد کرد. جایی که حضور خدا باشد، شیطان نمی تواند حضور داشته باشد بنابراین تمامی وسوسه های خارجی زدوده می شوند تا انسانها بتوانند خودشان را بدون فریب و وسوسه های شیطان نشان دهند.

۴- نقش مسیح در عصر هزاره

این امری مشخص است که جدای از حضور خداوندمان عیسی مسیح ما نمی توانیم حکومت تئوکراسی (حکومت الهی) در زمین داشته باشیم. این عصر به بازگشت مسیح به زمین ارتباط دارد که در کلام خدا وعده داده شده است.

ا. **اسامی و القاب مسیح در عصر هزاره.** اسامی و القابی که مسیح در عصر هزاره خواهد داشت نشان دهنده کار و اعمالی است که او در آن عصر انجام می دهد.

۱. **شاخه.** این لقب در چهار طریق مختلف در کتاب مقدس به او داده شده است.

- **شاخه یهوه** (اشعیا ۴: ۲): این لقب شخصیت عمانوئیل بودن مسیح را نشان می دهد و اینکه او ظهور کرده و امت اسرائیل را نجات دهد (اشعیا ۷: ۱۴).
- **شاخه داود** (اشعیا ۱۱: ۱): مسیح موعود از ذریت داود است بر حسب جسم که به عنوان رب الارباب و شاه شاهان بازگشت می کند (رومیان ۱: ۳).
- **خادم یهوه، شاخه** (زکریا ۳: ۸): تواضع و فروتنی مسیح و مطیع بودن او به مرگ طبق پیشگویی (اشعیا ۵۳: ۱-۱۲) و (فیلیپیان ۲: ۵-۸).
- **مردی که نامش شاخه است** (زکریا ۶: ۱۲، ۱۳): این نشان از شخصیت انسان کامل بودن مسیح است که "ادم آخر" و "مرد دوم" نامیده می شود (اول قرنتیان ۱۵: ۴۵-۴۷). مسیح به عنوان کاهن اعظم و پادشاه تمامی زمین سلطنت خواهد کرد.

۲. خداوند لشکرها (اشعیا ۲۴: ۲۳)

- **خداوند عدالت ما** (ارمیا ۲۳: ۶)
 - **قدیم الایام** (دانیال ۷: ۱۳)
 - **خداوند** (میکای نبی ۴: ۷ و زکریا ۱۴: ۹)
 - **حضرت اعلی** (دانیال ۷: ۲۲)
 - **پسر خدا** (اشعیا ۹: ۶ و دانیال ۳: ۲۵ و هوشع ۱۱: ۱)
 - **یهوه** (اشعیا ۲: ۲-۴ و ۱۲: ۶ و یوئیل ۳: ۲۱)
- همه این نامها نشان می دهد که آنکسیکه در عصر هزاره بر کرسی سلطنت می نشیند، کسی نیست جز خدای واقعی که خالق جهان است.

۳. نجات دهنده. " و خداوند می گوید که نجات دهنده ای برای صهیون و برای آنانی که در یعقوب از معصیت بازگشت نمایند خواهد آمد." (اشعیا ۵۹: ۲۰)

- **شبان** (اشعیا ۴۰: ۱۰-۱۱)
 - **سنگ** (اشعیا ۲۸: ۱۶)
 - **نور** (اشعیا ۶۰: ۱-۳)
 - **آفتاب عدالت** (ملاکی ۴: ۲)
- تمامی این القاب نشان دهنده این است که مسیح به عنوان پسر خدا و پسر انسان در تمامی دوران انسانها را نجات داده و در عصر هزاره سلطنت خواهد کرد.

۵- خصوصیات معنوی عصر هزاره

- ا. **عدالت در عصر هزاره.** واژه کلیدی عصر هزاره مسیح عدالت و صلح است که عدالت ریشه آن عصر و صلح ثمره آن خواهد بود. "و سلامتی را ناظران تو و عدالت را حاکمان تو خواهم گردانید." (اشعیا ۶۰: ۱۷).
- "در آن روز این سرود در زمین یهودا سراییده خواهد شد؛ ما را شهری قوی است که دیوارها و حصار آن نجات است. دروازه ها را بگشایید تا امت عادل که امانت را نگاه می دارند داخل شوند." (اشعیا ۲۶: ۱-۲). کسانیکه تشنه عدالت هستند در آن عصر سیر خواهند شد. "خوشابحال گرسنگان و تشنگان عدالت، زیرا ایشان سیر خواهند شد." (متی ۵: ۶).
- ب. **مطیع بودن در عصر هزاره.** یکی از اهداف آفرینش این بود که خدا سلطنتی را در زمین برقرار کند که انسانها با خواسته خود از او اطاعت کنند. درخت شناخت خوب و بد برای همین منظور در وسط باغ عدن کاشته شده بود تا اطاعت کردن انسان از خدا را بیازماید (پیدایش ۲: ۱۶-۱۷). اما آدم از خدا نافرمانی کرد و در آزمایش خود شکست خورد. خداوند همه چیزها را به اطاعت خود در خواهد آورد توسط شخصی که گفت: "اینک می آیم تا اراده تو را ای خدا بجا آورم." (عبرانیان ۱۰: ۹). اطاعت کامل از خدا خصوصیات دیگر آن عصر هزاره خواهد بود. "جمع کرانه های زمین متذکر شده، بسوی خداوند بازگشت خواهند نمود. و همه قبایل امتهای به حضور تو سجده خواهند کرد. زیرا سلطنت از آن خداوند است. و او بر امتهای مسلط است." (مزامیر ۲۲: ۲۷-۲۸).
- ج. **قدوسیت در عصر هزاره.** خداوند آدم را بطور مقدس و کامل آفریده بود، اما او از خداوند سرکشی کرده و قدوسیت خود را با نافرمانی کردن از خدا، از دست داد. هدف خداوند اینست که در عصر هزاره آن قدوسیت از دست داده شده را دوباره به انسانها بازگرداند. "و خداوند یهودا را در زمین مقدس برای ملک خود به تصرف خواهد آورد و اورشلیم را بار دیگر خواهد برگزید. ای تمامی بشر به حضور خداوند خاموش باشید زیرا که او از مسکن مقدس خود برخاسته است." (زکریا ۲: ۱۲-۱۳).
- "و در آن روز بر زنگهای اسبان «مقدس خداوند» (منقوش) خواهد شد و دیگرها در خانه خداوند مثل کاسه های پیش مذبح خواهد بود." (زکریا ۱۴: ۲۰).
- د. **راستی در عصر هزاره.** دلیل داوری شدن انسانها اینست که آنها راستی و حقیقت خدا را به دروغی تبدیل نمودند و مخلوقات را به جای خالق پرستش کردند (رومان ۱: ۲۵). توسط مسیح که فرمود: "من راه، راستی، و حیات هستم" در عصر هزاره نمایش کاملی از راستی خواهد بود. "و

ایشان را خواهیم آورد که در اورشلیم سکونت نمایند و ایشان قوم من خواهند بود و **من براستی و عدالت خدای ایشان خواهیم بود.**" (زکریا: ۸).

"رحمت و راستی با هم ملاقات کرده اند. عدالت و سلامتی یکدیگر را بوسیده اند. راستی، از زمین خواهد رویید و عدالت، از آسمان خواهد نگرست." (مزامیر ۸۵: ۱۰-۱۱).

۵. **پری روح القدس در عصر هزاره.** در سلطنت عیسی مسیح در عصر هزاره پیشگویی یوئیل نبی به حقیقت خواهد رسید. "و بعد از آن روح خود را بر همه بشر خواهیم ریخت و پسران و دختران شما نبوت خواهند نمود و پیران شما و جوانان شما رویاها خواهند دید. و در آن ایام روح خود را بر غلامان و کنیزان نیز خواهیم ریخت." (یوئیل ۲: ۲۸-۲۹).

۶- شرایط زندگی در عصر هزاره.

کتاب مقدس قسمت عظیمی را اختصاص داده به شرایط و برکاتی که در دوره هزار سال سلطنت مسیح خواهد بود که آن شرایط نشان از حشمت و عالی بودن آن دوره است که به مقدسان داده خواهد شد. "و ملکوت و سلطنت و حشمت مملکتی که زیر تمامی آسمانهاست به قوم مقدسان حضرت اعلی داده خواهد شد که ملکوت او ملکوت جاودانی است و جمیع ممالک او را عبادت و اطاعت خواهند نمود." (دانیال ۷: ۲۷). آن شرایط عبارتند از:

۱. **صلح.** جایی که حضور خداوند است، امتهای نخواهند توانست علیه همدیگر جنگ کنند و هزار سال سلطنت مسیح مدام با صلح خواهد بود. "و او در میان قوم های بسیار داوری خواهد نمود و امت های عظیم را از جای دور تنبیه خواهد کرد و ایشان شمشیرهای خود را برای گاوآهن و نیزه های خویش را برای اره ها خواهند شکست و **امتی بر امتی شمشیر نخواهد کشید و بار دیگر جنگ را نخواهند آموخت.**" (میکائیل: ۴: ۳).

۲. **شادی.** کامل بودن شادی و خوشی انسانها در آن عصر نمایان خواهد شد. "تو قوم را بسیار ساخته، شادی ایشان را زیاد گردانیدی. به حضور تو شادی خواهند کرد مثل شادمانی وقت درو و مانند کسانی که در تقسیم نمودن غنیمت وجد می نمایند." (اشعیا: ۹: ۳).

۳. **قدوسیت.** حکومت تئوکراسی در عصر هزاره حکومت سرشار از قدوسیت خواهد بود که مسیح پادشاه و کسانیکه در پادشاهی او حکومت می کنند مقدس خواهند بود. زمین، شهر، معبد، و همه چیز مقدس خواهند بود. "و واقع می شود که هرکه در صهیون باقی ماند و هرکه در اورشلیم ترک شود مقدس خوانده خواهد شد یعنی هرکه در اورشلیم در دفتر حیات مکتوب باشد." (اشعیا: ۴: ۳).

۴. **جلال.** سلطنت مسیح در عصر هزاره پر جلال خواهد بود که جلال خدا آن را پر خواهد کرد. "و ماه خجل و آفتاب رسوا خواهد گشت زیرا که یهوه صبايوت در کوه صهيون و در اورشليم و به حضور مشايخ خويش، با جلال سلطنت خواهد نمود." (اشعيا ۲۴: ۲۳).

۵. **تسلی.** مسیح پادشاه شخصاً بر امور و مشکلات هر فرد رسيدگی کرده و نيازهای آنها را برآورده می کند. در آن دوره جهان پر از تسلی و آرامش خواهد بود. "و در آن روز خواهی گفت که «ای خداوند تو را حمد می گویم زیرا به من غضبناک بودی اما غضبت برگردانیده شده، مرا تسلی میدهی. اینک خدا نجات من است بر او توکل نموده، نخواهم ترسید. زیرا یاه یهوه قوت و تسبیح من است و نجات من گردیده است." (اشعيا ۱۲: ۱-۲).

۶. **انصاف.** خدمت به انسانها با انصاف و عدالت انجام خواهد شد. "ترقی سلطنت و سلامتی او را بر کرسی داود و بر مملکت وی انتها نخواهد بود تا آن را به انصاف و عدالت از الان تا ابدالابد ثابت و استوار نماید. غیرت یهوه صبايوت این را بجا خواهد آورد." (اشعيا ۹: ۷).

سوالات این درس:

- ۱- عصر هزاره چیست؟
- ۲- پیمان ابراهیمی چیست با ذکر آیه ای توضیح دهید؟
- ۳- پیمان داودی چیست با ذکر آیه ای توضیح دهید؟
- ۴- پیمان فلسطینی چیست با ذکر آیه ای توضیح دهید؟
- ۵- پیمان تازه چیست با ذکر آیه ای توضیح دهید؟
- ۶- نقش کلیسا در عصر هزاره را بطور مختصر توضیح دهید؟
- ۷- نقش شیطان در عصر هزاره را بطور مختصر توضیح دهید؟
- ۸- سه عنوان از اسامی و القاب مسیح در عصر هزاره را با ذکر آیه ای برای هر یک نام ببرید؟
- ۹- پنج خصوصیات معنوی عصر هزاره را با ذکر آیه ای برای هر یک نام ببرید؟
- ۱۰- شش شرایط زندگی در عصر هزاره را با ذکر آیه ای برای هر یک نام ببرید؟

آیه های کلیدی این درس: مکاشفه ۲۰: ۴-۶ ؛ اشعيا ۱۱: ۱-۱۶ ؛ اشعيا ۹: ۶-۷

درس ۲۹: چیزهایی که خدا در ازای نجاتمان به ما می بخشد

۱- **ما فرزندان خدا می شویم.** "و اما به آن کسانی که او را دریافت کردند، به آنها قدرت داد تا فرزندان خدا گردند." (یوحنا: ۱۲) این یعنی ما:

۲- **تولد تازه پیدا می کنیم.** "تا کسی تولد تازه نیابد، ملکوت خدا را نمی تواند ببیند." (یوحنا: ۳). "باید شما تولدی تازه بیابید" (یوحنا: ۳: ۷). ما سالها پیش در خانواده پدری خود متولد شدیم. هنگامیکه عیسی مسیح را به عنوان نجات دهنده خود قبول می کنیم، ما از خداوند متولد شده و به عنوان فرزند خدا وارد خانواده او می شویم، و به تمام مزایا و سعادت‌های بودن در خانواده خدا دست پیدا می کنیم. "از آنرو که روح بندگی را نیافته‌اید تا باز ترسان شوید بلکه روح پسر خواندگی را یافته‌اید، که به آن ابا، یعنی ای پدر ندا می کنیم." رومیان ۸: ۱۵

۳- **از جریمه گناه که جهنم و دریاچه آتش می باشد، نجات پیدا می کنیم.** هنگامیکه با اطاعت کامل تسلیم کلام مسیح می شویم، ما از قدرت گناه نیز نجات پیدا می کنیم. هنگامیکه وارد بهشت می شویم، ما از حضور گناه نجات پیدا می کنیم. "زیرا هر که نام خداوند را بخواند نجات خواهد یافت." رومیان ۱۰: ۱۳

۴- **با پذیرفتن عیسی مسیح به عنوان منجی خود، صاحب حیات ابد می شویم.** "هر که پسر را دارد، حیات دارد." (اول یوحنا: ۵: ۱۲)

۵- **بوسیله مرگ مسیح ما با خداوند آشتی پیدا می کنیم.** خداوند موانع گناه را از سر راه برداشته و با ما صلح می کند. "زیرا اگر در حالتی که دشمن بودیم، بوساطت مرگ پسرش با خدا صلح داده شدیم، پس چقدر بیشتر بعد از صلح یافتن بوساطت حیات او نجات خواهیم یافت." رومیان ۵: ۱۰

۶- **با ایمان به عیسی مسیح به عنوان منجی خود، عادل محسوب می شویم.** "پس چونکه به ایمان عادل شمرده شدیم، نزد خدا سلامتی داریم بوساطت خداوند ما عیسی مسیح." (رومیان ۵: ۱). این یعنی ما عادل خوانده می شویم و گناهانمان بطور کامل آمرزیده می شود و مستحق تمام برکات خداوند می شویم. این یعنی مثل اینکه ما اصلاً تا بحال گناهی را مرتکب نشده باشیم.

۷- بخاطر عیسی مسیح، ما صد درصد مورد قبول خداوند واقع می شویم. برای جلب توجه خداوند و خشنود ساختن او نیازی نیست که یک سری اعمال نیک و کارهای ثواب انجام دهیم. خداوند بخاطر عیسی مسیح ما را قبول می کند. "ما را مقبول نمود در محبوب (مسیح)". افسسیان ۱: ۶

۸- تمام خطایای ما بخشیده می شود. "و شما را که در خطایا و نامختونی جسم خود مرده بودید، با او زنده گردانید چونکه همه خطایای شما را آمرزید." (کولسیان ۲: ۱۳). بخشش عمل قانونی خداوند است که تمامی جرم و گناهان شخص گناهکار را بر اساس کفاره ای که عیسی مسیح بر صلیب بوجود آورد، دور می اندازد.

۹- از گرو گناه و شیطان آزاد می شویم. این یعنی اینکه ما بوسیله عیسی مسیح از بازار بردگی گناه خریداری شده ایم و از بند گناه رهایی پیدا کرده ایم. ما اکنون متعلق به مسیح هستیم و خادم او هستیم برای انجام دادن اراده خدا. ما نباید در زندگی خودخواهانه و راحت طلبی به سر ببریم، بلکه باید برای اهداف خداوند همیشه مفید باشیم. "از آن خود نیستید. زیرا که به قیمتی خریده شده اید. پس به بدن خود، خدا را جلال دهید و به روح خود که از آن خدا می باشند". اول قرنتیان ۶: ۱۹ و ۲۰

۱۰- با روح القدس پر و هدایت می شویم. روح خدا اینک بطور دائمی در ما زندگی می کند. ما نباید از رهبری او بی اطاعتی کنیم. "اگر کسی روح مسیح را ندارد، از آن او نیست". رومیان ۸: ۹

"زیرا همه کسانیکه بوسیله روح خدا هدایت می شوند، ایشان پسران خدایند". رومیان ۸: ۱۴

۱۱- ما بدن غیرفانی و لطیف همانند بدن یک طفل را دریافت خواهیم کرد. "و اگر روح او که عیسی را از مردگان برخیزانید در شما ساکن باشد، او که مسیح را از مردگان برخیزانید، بدنهای فانی شما را نیز زنده خواهد ساخت به روح خود که در شما ساکن است." رومیان ۸: ۱۱

"گوشت او از گوشت طفل تازه تر خواهد شد. و به ایام جوانی خود خواهد برگشت". ایوب ۳۳: ۲۵

"این فانی باید با غیرفانی پوشیده شود". (اول قرنتیان ۱۵: ۵۳)

۱۲- یک خلقت تازه و عاری از گناه در مسیح می شویم. "پس اگر کسی در مسیح باشد، خلقت تازه ای است؛ چیزهای کهنه درگذشت، اینک همه چیز تازه شده است." دوم قرنتیان ۵: ۱۷

۱۳- خداوند وعده های بی نهایت عظیم و گرانبهائی را به ما می دهد. ما می توانیم وعده های خداوند را برای هدایت شدن در زندگی از او بخواهیم. ما با شناخت و ارتباط با مسیح شریک

طبیعت الهی می گردیم. "که بوساطت آنها وعده‌های بی‌نهایت عظیم و گرانبها به ما داده شد: تا شما به اینها شریکِ طبیعتِ الهی گردید، و از فسادی که از شهوت در جهان است، خلاصی یابید." دوم پطرس ۱: ۴

۱۴- **خداوند همه چیزهایی که برای حیات و دینداری لازم است را از طریق شناخت عیسی مسیح به ما می دهد.** "چنانکه قوت الهیه او همه چیزهایی را که برای حیات و دینداری لازم است، به ما عنایت فرموده است، به معرفت او که ما را به جلال و فضیلت خود دعوت نموده." دوم پطرس ۱: ۳

۱۵- **خداوند به ما صلح و آرامش می دهد.** "چونکه بوسیله ایمان عادل شمرده شدیم و با خدا صلح داریم از طریق خداوند ما عیسی مسیح." رومیان ۵: ۱

"آرامش برای شما بجا می گذارم، آرامش خود را به شما می دهم." یوحنا ۱۴: ۲۷

"و سلامتی خدا که فوق از تمامی عقل است، دلها و ذهنهای شما را در مسیح عیسی نگاه خواهد داشت." فیلیپیان ۴: ۷

۱۶- **ما خادمان خدا می شویم.** "پولس، خادم عیسی مسیح." رومیان ۱: ۱

"...چونکه از گناه آزاد شده و غلامان خدا گشته اید." رومیان ۶: ۲۲

۱۷- **ما سفیران مسیح می شویم.** ما سفیر و یا به عبارت دیگر نمایندگان خدا در روی زمین هستیم تا پیام نجاتبخش خداوند را به همه انسانها برسانیم. "پس برای مسیح سفیرانی هستیم که گویا خدا به زبان ما وعظ می کند. پس بخاطر مسیح استدعا می کنیم که با خدا مصالحه کنید." دوم قرنتیان ۵: ۲۰

۱۸- **خدا به ما برادران و خواهران مسیحی بسیاری عطا می کند تا ما را محبت کنند و به ما یاری رسانند.** "به شما حکمی تازه می دهم که یکدیگر را محبت نمایید، چنانکه من شما را محبت نمودم تا شما نیز یکدیگر را محبت نمایید." یوحنا ۱۳: ۳۴

۱۹- **خانه ای در بهشت به ما داده می شود.** "زیرا می دانیم که هرگاه این خانه زمینی خیمه ما ریخته شود، عمارتی از خدا داریم، خانه‌ای ناساخته شده به دستها و جاودانی در آسمانها... ۸ پس

خاطر جمع هستیم و این را بیشتر می پسندیم که از بدن غربت کنیم و به نزد خداوند متوطن شویم"
دوم قرن تیان ۵: ۸ و ۸

"در خانه پدر من منزل بسیار است ... می روم تا برای شما مکانی آماده کنم." یوحنا ۱۴: ۲

۲۰- ما دوستان خدا می شویم. "دیگر شما را بنده نمی خوانم زیرا که بنده آنچه آقا پیش می کند
نمی داند؛ لکن شما را دوست خوانده ام." یوحنا ۱۵: ۱۵

"شما دوست من هستید، اگر آنچه به شما حکم می کنم بجا آرید." یوحنا ۱۵: ۱۴

۲۱- ما می توانیم در آسمان برای خود گنجینه ای که از بین نمی رود، ذخیره کنیم.
"بلکه گنجها بجهت خود در آسمان بیندوید، جایی که بید و زنگ زیان نمی رساند و جایی که دزدان
نقب نمی زنند و دزدی نمی کنند." متی ۶: ۲۰

جواب ما در ازای چیزهای خوبی که خداوند به ما در این زندگی و در ابدیت می بخشد، این باید باشد
که او را دوست داشته و از احکام او اطاعت کنیم. (یوحنا ۱۴: ۱۵) "اگر مرا دوست دارید، احکام مرا نگاه
دارید."

سؤالات این درس: ۱۰ مواردی که خداوند در ازای نجاتمان به ما می بخشد را نام ببرید؟

درس ۳۰: شام خداوند

این درس اهمیت زیادی دارد که باید آن را با دقت کامل از کلام خدا بررسی کنیم. سفارش شام خداوند همانند تعمید توسط بسیاری از مسیحیان سوء تفاهم شده و به نظر می آید که معنای واقعی این سفارش در بسیاری از کلیساها از بین رفته است.

آیه هایی که در کتاب مقدس به سفارش شام خداوند اشاره شده اند، در انجیل متی ۲۶: ۱۷-۳۰ و مرقس ۱۴: ۱۲-۲۶ و لوقا ۲۲: ۷-۲۰ و در نامه اول پولس رسول به کلیسای قرنتیان می باشند که پولس این کلیسا را به دلیل اختلال در سفارش شام خداوند سرزنش می کند (اول قرنتیان ۱۰: ۱۴-۲۲ و ۱۱: ۱۷-۳۴).

شام خداوند چیست؟

ا. **به تعریف کتاب مقدس توجه کنید.** در کتاب مقدس فقط سه تعریف در این رابطه وجود دارد.

۱- **شراکت.** "پایاله برکت که آن را تبرک می خوانیم، آیا شراکت در خون مسیح نیست؟ و نانی را که پاره می کنیم، آیا شراکت در بدن مسیح نی؟" اول قرنتیان ۱۰: ۱۶

۲- **سفره (مائده) خداوند.** "محال است که هم از پیاله خداوند و هم از پیاله دیوها بنوشید؛ و هم از مایده خداوند و هم از مایده دیوها نمی توانید قسمت بُرد." اول قرنتیان ۱۰: ۲۱

۳- **شام خداوند.** "پس چون شما در یک جا جمع می شوید، ممکن نیست که شام خداوند خورده شود." اول قرنتیان ۱۱: ۲۰

کتاب مقدس از واژه های "هفت آیین مقدس"، "شراکت مقدس"، و "مجلس سپاسگذاری" و غیره استفاده نمی کند.

ب. **شام خداوند سفارشی برای کلیسا است.**

سفارش چه معنایی دارد؟ مراسم یادبودی که توسط مسیح مقرر شد تا برای به نمایش گذاشتن حقیقتی در کلیساها برگزار شود

"اینک شما را سپاس می گویم که در همه چیز به یاد من هستید و سفارشی که به شما سپرده ام بجا می آورید." اول قرنتیان ۱۱: ۲

"زیرا من از خداوند یافته ام، آنچه به شما نیز سپرده ام که عیسی خداوند در شبی که او را تسلیم کردند، نان را گرفت." اول قرنتیان ۱۱: ۲۳

در اول قرن‌تینان ۱۱: ۲ و ۲۳ جمله "به شما سپرده ام" نشان می‌دهد که شام خداوند یکی از سفارشات است که پولس رسول به ما سپرده است.

ج. چرا شام خداوند را بجا می‌آوریم؟

۱- ما این سفارش را برای یادبود مسیح بجا می‌آوریم. "و شکر نموده، پاره کرد و گفت، بگیریید بخورید. این است بدن من که برای شما پاره می‌شود. این را به یادگاری من بجا آرید. و همچنین پیاله را نیز بعد از شام و گفت، این پیاله عهد جدید است در خون من. هرگاه این را بنوشید، به یادگاری من بکنید." اول قرن‌تینان ۱۱: ۲۴، ۲۵

۲- ما مرگ خداوند را به دیگران اعلام می‌کنیم. "زیرا هرگاه این نان را بخورید و این پیاله را بنوشید، موت خداوند را ظاهر می‌نمایید تا هنگامی که بازآید." اول قرن‌تینان ۱۱: ۲۶

د. آیا برگزاری شام خداوند یک دستور است یا یک انتخاب شخصی؟ آن یک دستور است. از اول قرن‌تینان ۱۱: ۲۴، ۲۵ نتیجه می‌گیریم که شام خداوند یک مراسم یادبودی از فیض خداوند است.

نماد شام خداوند چیست؟

۱) موادی که در شام خداوند استفاده می‌شود:

الف) نان بدون خمیر مایه. "پس در روز اول عید فطیر، شاگردان نزد عیسی آمده، گفتند، کجا می‌خواهی فصح را آماده کنیم تا بخوری؟ ... و چون ایشان غذا می‌خوردند، عیسی نان را گرفته، برکت داد و پاره کرده، به شاگردان داد و گفت، بگیریید و بخورید، این است بدن من." متی ۲۶: ۱۷ و ۲۶

"زیرا من از خداوند یافته‌م، آنچه به شما نیز سپردم که عیسی خداوند در شبی که او را تسلیم کردند، نان را گرفت." اول قرن‌تینان ۱۱: ۲۳

ب) میوه تاک. "اما به شما می‌گویم که بعد از این از میوه تاک دیگر نخواهم نوشید تا روزی که آن را با شما در ملکوت پدر خود، تازه آشامم." متی ۲۶: ۲۹

نکته: توجه کنید که اول قرن‌تینان ۱۱: ۲۵ و ۲۶ از واژه پیاله استفاده کرده است و در متی ۲۶: ۲۹ از میوه تاک بنابراین کتاب مقدس نمی‌گوید که عیسی شراب خورد.

۲) نماد نان: نان نماد و تصویری از بدن پاره شده خداوندمان عیسی مسیح بر صلیب است. "و شکر نموده، پاره کرد و گفت، بگیریید بخورید. این است بدن من که برای شما پاره می‌شود. این را به یادگاری من بجا آرید." (اول قرن‌تینان ۱۱: ۲۴). این آیه ما را به یاد آزار و شکنجه خوفناکی که

خداوندمان عیسی مسیح متحمل شد، می اندازد (اشعیاء ۵۲: ۱۴ و اشعیاء ۵۳: ۴-۷ و متی ۲۷: ۲۹-۳۱ و یوحنا ۱۹: ۳۱-۳۷).

(۳) **نماد پیاله:** پیاله (آب انگور) نماد و تصویری از ریخته شدن خون خداوندمان عیسی مسیح است.

نکته: هیچ جایی در کتاب مقدس به بودن "شراب" قسمتی از شام خداوند، اشاره نمی کند. شراب الکلی (مخمر شده) از مایه مخمر به دست می آید. در کتاب مقدس، خمیرمایه نمادی از گناه است (اول قرتیان ۵: ۶ و ۷). بنابراین نماد شراب الکلی و نان با خمیر مایه، اعتبار بی گناه بودن پسر خدا را از بین می برد.

"و همچنین پیاله را نیز بعد از شام و گفت، این پیاله عهد جدید است در خون من. هرگاه این را بنوشید، به یادگاری من بکنید." (اول قرتیان ۱۱: ۲۵). این یاد آوری می کند که بدون ریزش خون عیسی مسیح آموزش گناه نمی تواند وجود داشته باشد. (عبرانیان ۹: ۲۲ و اول پطرس ۱: ۱۸ و ۱۹)

(۴) هدف از شام خداوند

شام خداوند، همانند سفارش تعمید، نماد و تصویری از کار عیسی مسیح است.

الف) تعمید نمادی از مرگ، دفن، و رستاخیز عیسی مسیح است.

ب) شام خداوند نمادی از مصلوب شدن عیسی مسیح است. وقتی که شام خداوند را به جا می آوریم، ما نماد مرگ خداوندمان را به تصویر می کشیم تا زمانی که او بازگشت کند. "زیرا هرگاه این نان را بخورید و این پیاله را بنوشید، موت خداوند را ظاهر می نمایید تا هنگامی که بازآید." (اول قرتیان ۱۱: ۲۶)

چه کسانی باید شام خداوند را بجا آورند؟

(۱) طبق انجیل متی ۲۶: ۲۰، کسانی که با عیسی مسیح حضور داشتند (شاگردان او)،

شام خداوند را ترتیب دادند. "چون وقت شام رسید با آن دوازده بنشست."

(۲) متی ۲۶: ۳۰ را با عبرانیان ۲: ۱۲ مقایسه کنید. شام خداوند در کلیسا تشکیل شد. "پس

تسبیح خواندند و به سوی کوه زیتون روانه شدند."

(۳) به اول قرتیان ۱۱: ۱۷-۲۱ نگاه کنید. پولس رسول کلیسای قرتس را به دلیل تبدیل

کردن شام یادبود به یک سفره سرمستان، سرزنش می کند. به نکته های زیر توجه کنید:

آیه ۱۷- "جمع می شوید."

آیه ۱۸- "شما در کلیسا جمع می شوید."

آیه ۲۰- "شما در یک جا جمع می شوید."

۴) طبق اول قرن‌تینان ۱: ۲ این نامه به کلیسای خدا که در قرن‌تس است نوشته شده است. "به کلیسای خدا که در فُرْتُس است، از مقدّسین در مسیح عیسی که برای تقدّس خوانده شده‌اند، با همه کسانی که در هر جا نام خداوند ما عیسی مسیح را می‌خوانند که [خداوند] ما و [خداوند] ایشان است."

نتیجه: شام خداوند یک سفارش کلیسا است که به کلیساهای خداوند برای بجا آوردن آن داده شده است.

چگونه شام خداوند باید برگزار شود؟

۱) چند وقت یکبار؟ کتاب مقدس به ما زمان معینی را برای بجا آوردن آن توصیه نمی کند (اول قرن‌تینان ۱۱: ۲۶) به سادگی می گوید، "هرگاه." یعنی به ما اختیار می دهد که هر از گاهی طبق صلاحدید خود آن سفارش را بجا آریم.

۲) طبق اول قرن‌تینان ۱۱: ۲۸ بجا آوردن شام خداوند باید همراه با امتحان کردن خویش باشد. "اما هر شخص خود را امتحان کند و بدین‌طرز از آن نان بخورد و از آن پیاله بنوشد."

نکته: "ناشایسته خوردن" یعنی خوردن آن به طرز ناشایسته که در آیه ۲۷ آمده است. "پس هر که بطور ناشایسته نان را بخورد و پیاله خداوند را بنوشد، مجرم بدن و خون خداوند خواهد بود."

نکته: واژه "فتوا" در آیه ۲۹ یعنی داوری هولناک حتی مرگ. "از این سبب بسیاری از شما ضعیف و مریض اند و بسیاری خوابیده‌اند."

۳) در هنگام به جا آوردن شام خداوند، نان و آب انگور به اعضای کلیسا توزیع می شود، سپس همه با هم می خورند و می نوشند.

۴) بعد از بجا آوردن شام خداوند، جلسه با خواندن سرود پرستشی خاتمه می یابد.

"پس تسبیح خواندند و به سوی کوه زیتون روانه شدند." متی ۲۶: ۳۰

کتاب مقدس درباره مس (هفت آیین مقدس) کلیسای کاتولیک رومیان چه می گوید؟ این قسمت به دلیل آگاه کردن و حل کردن سردرگمی عده زیادی درباره شام خداوند، اضافه شده است.

الف) تعلیم کلیسای کاتولیک درباره شام خداوند چیست؟

۱) مَس (هفت آیین مقدس) مراسم قربانی کردن مجدد عیسی مسیح است که طبق اعتقاد کلیسای کاتولیک مسیح به شکل واقعی در مذبح حضور دارد. کاهن او را برای زندگان و مردگان قربانی می کند.

۲) با گفتن کلمات تقدیس شده ("هوکس پوکس" یا به اصطلاح خودمان "هجی مجی لا ترجی") نان و شراب الکلی بطور واقعی تبدیل به بدن و خون واقعی عیسی مسیح می شود. آن عمل "تبدل جوهر" نامیده می شود یعنی اینکه جوهر و ماهیت نان و شراب کاملاً عوض می شود.

۳) بجا آوردن این هفت آیین مقدس "فیض" نامیده می شود که شخص در واقع بدن واقعی مسیح را می خورد که این عمل برای نجات یک شخص الزامی است. نخوردن آن شراکت مقدس در عید رستاخیز، گناهی مرگ آور است.

ب) این تعالیم از کجا نشأت گرفته؟

تعلیم "تبدیل جوهر" (تبدیل شدن نان و شراب به گوشت و خون واقعی عیسی مسیح) برمی گردد به نوشته های پاسچاسیوس رادبارتوس در قرن نهم. این تعلیم توسط پاپ اینسنت سوم در ۱۲۱۵ میلادی در شورای لاتران چهارم اعلام شد. این تعلیم از انجیل متی ۲۶: ۲۶-۲۸ و یوحنا ۶: ۵۳-۵۸ مورد سوء تفسیر قرار گرفته است.

ج) کتاب مقدس در این باره چه می گوید؟

۱. **نوشیدن خون در شریعت منع شده.** "و هر کس از خاندان اسرائیل یا از غریبانی که در میان شما مأوا گزینند که هر قسم خون را بخورد، من روی خود را بر آن شخصی که خون خورده باشد برمی گردانم، و او را از میان قومش منقطع خواهیم ساخت." لاویان ۱۷: ۱۰

"گمان مبرید که آمدهام تا تورات یا صُحُف انبیا را باطل سازم. نیامدهام تا باطل نمایم، بلکه تا تمام کنم." متی ۵: ۱۷

۲. **بت پرستی منع شده.** خروج ۲۰: ۴-۵ "صورتی تراشیده و هیچ تمثالی از آنچه بالا در آسمان است، و از آنچه پایین در زمین است، و از آنچه در آب زیر زمین است، برای خود مساز. نزد آنها سجده مکن، و آنها را عبادت منما، زیرا من که بیهوه، خدای تو می باشم، خدای غیور هستم، که انتقام گناه پدران را از پسران تا پشت سوم و چهارم از آنانی که مرا دشمن دارند می گیرم." کاتولیکهای رم مجسمه ها و بتهایی از خداوند عیسی و رسولان او و مریم درست کرده، آنها را پرستش می کنند.

۳. **عیسی در متی ۲۶ به صورت نمادین و سمبلیک سخن گفت، زیرا خود او هنگامیکه به شاگردانش تعلیم می داد، آنجا حضور داشت.** "این است بدن من" یعنی "این نماد بدن من است".

ترجمه کلمه به کلمه این متن نیازمند ترجمه همه متن ها به همین روش است. به عنوان مثال در "اما او برگشته، پطرس را گفت، دور شو از من ای شیطان زیرا که باعث لغزش من می‌باشی، زیرا نه امور الهی را، بلکه امور انسانی را تفکر می‌کنی!" (متی ۱۶: ۲۳). کلیسای کاتولیک می گوید که پطرس رسول اولین پاپ بود در حالیکه عیسی مسیح او را شیطان خطاب کرد. آیا پطرس شیطان بود؟ البته که نه. منظور عیسی مسیح این بود که پطرس نماینده شیطان شده و افکار شیطانی را پیاده کرد.

۴. **عیسی مسیح متن یوحنا ۶: ۵۳-۵۸ را با استفاده از یوحنا ۶: ۶۳ توضیح می دهد،** "روح است که زنده می‌کند و اما از جسد فایده‌ای نیست. کلامی که من به شما می‌گویم، روح و حیات است." در این متن مسیح مراجعه می‌کند به سخن گفتنش به صورت روحانی. مسیح بطور استعاره بیان کرد که او نان زنده است. این یعنی او زندگی جاوید می‌بخشد.

۵. **مرگ عیسی مسیح یکبار و برای همه کافی بود.** قربانی متداوم و تکراری عیسی مسیح توسط کلیسای کاتولیک، کار اتمام شده مسیح روی صلیب را انکار می‌کند. "چون عیسی سرکه را گرفت، گفت، تمام شد. و سر خود را پایین آورده، جان بداد." یوحنا ۱۹: ۳۰ "و به این اراده مقدس شده‌ایم، به قربانی جسد عیسی مسیح، یک مرتبه فقط. و هر کاهن هر روزه به خدمت مشغول بوده، می‌ایستد و همان قربانی‌ها را مکرراً می‌گذرانند که هرگز رفع گناهان را نمی‌تواند کرد. لکن او چون یک قربانی برای گناهان گذرانید، به دست راست خدا بنشست تا ابدالابد." عبرانیان ۱۰: ۱۰-۱۲

۶. **چگونه کاهن می‌تواند مسیح را خلق کند؟** مخلوق نمی‌تواند خالق خود را خلق کند! "و او صورت خدای نادیده است، نخست‌زاده تمامی آفریدگان. زیرا که در او همه چیز آفریده شد، آنچه در آسمان و آنچه بر زمین است از چیزهای دیدنی و نادیدنی و تختها و سلطنتها و ریاسات و قوأت؛ همه به وسیله او و برای او آفریده شد." کولسیان ۱: ۱۵ و ۱۶

سوالات این درس:

(۱) شام خداوند چیست؟

(۲) شام خداوند نماد چیست؟

(۳) کتاب مقدس درباره مس (هفت آیین مقدس) چه می‌گوید؟

۴) سفارش چه معنایی دارد؟

۵) دو موادی که در شام خداوند استفاده می شود را نام ببرید؟

۶) نان تصویری از خداوندان عیسی مسیح است (اول قرن‌تینان ۱۱: ۲۴).

۷) پیاله (آب انگور) تصویری از خداوندان عیسی مسیح است (اول قرن‌تینان ۱۱: ۲۵).

۸) وقتی که شام خداوند را به جا می آوریم، ما نماد خداوند را نشان می دهیم تا زمانی که او بازگشت کند (اول قرن‌تینان ۱۱: ۲۶).

۹) چه کسی باید شام خداوند را بجا آورد؟

۱۰) چگونه شام خداوند باید بجا آورده شود؟

۱۱) در اول قرن‌تینان ۱۱: ۲۴، ۲۵ راجع به شام خداوند چه نتیجه ای می گیریم؟

۱۲) طبق اول قرن‌تینان ۱۱: ۲۸ بجا آوردن شام خداوند باید همراه با خویش باشد.

۱۳) آیا در هنگام خوردن شام خداوند نان و شراب به بدن و خون واقعی مسیح تبدیل می شود؟ چرا؟

۱۴) آیا مرگ عیسی مسیح روی صلیب برای نجات همه کافی بود یا باید هفت آیین مقدس را برای نجات یافتن انجام دهیم؟ دو آیه ای که ذکر شده را نام ببرید؟

آیه های کلیدی این درس: انجیل متی ۲۶: ۱۷-۳۰؛ لوقا ۲۲: ۷-۳۰؛ اول قرن‌تینان ۱۰: ۱۴-۲۲

و اول قرن‌تینان ۱۱: ۱۷-۳۴

درس ۳۱: مرگ عیسی مسیح

مرگ عیسی مسیح یک "عمل" به حساب می آید که خود مسیح آنرا انجام داد و این عمل بطور اتفاقی یا تصادفی صورت نگرفت. این عمل در نتیجه انتخاب داوطلبانه مسیح صورت گرفت در حالیکه او می توانست از این مرگ دوری کند. مرگ عیسی مسیح یک "عمل" است به دلیل ثمرات و فوایدی که آن مرگ بوجود می آورد.

اهمیت مرگ عیسی مسیح: بر خلاف مرگ یک انسان معمولی، مرگ عیسی مسیح از اهمیت حیاتی و بسیار بالایی برخوردار است. مرگ عیسی مسیح به دلایل زیر از اهمیت بالایی برخوردار است:

۱- مرگ مسیح در عهد عتیق پیشگویی شده بود.

مرگ عیسی مسیح موضوع و بحث اصلی پیشگوییها در عهد عتیق است. رنگ سرخ خونین در کل کتاب مقدس قابل مشاهده است: قربانی هابیل (پیدایش ۴: ۴)، قوچ در کوه موريا (پیدایش ۲۲: ۱۳)، قربانیهای بنی اسرائیل (پیدایش ۸: ۲۰؛ ۱۲: ۱۸؛ ۲۶: ۲۵؛ ۳۳: ۲۰؛ ۳۵: ۷)، قربانی فصّح در مصر (خروج ۱۲: ۱-۲۸)، قربانیهای لاویان (لاویان ۱-۷)، قربانی مانوح (داوران ۱۳: ۱۶-۱۹)، قربانی سالیانه آلقانه (اول سموئیل ۱: ۲۱)، قربانی سموئیل نبی (اول سموئیل ۷: ۹؛ ۱۶: ۲-۵)، قربانی داود نبی (دوم سموئیل ۶: ۱۸)، قربانی ایلیای نبی (اول پادشاهان ۱۸: ۳۸)، قربانی پادشاه حزقیا (دوم تواریخ ۲۹: ۲۱-۲۴)، قربانیهای زمان یوشع و زروبابل (عزرا ۳: ۳-۶) و نحمیا (نحمیا ۱۰: ۳۲). همه این قربانیهای عهد عتیق اشاره ای بود برای قربانی شدن عیسی مسیح.

علاوه بر آن قربانیهای عهد عتیق که سایه ای از بره خداوند (عیسی مسیح) بود، پیشگویی های دیگری درباره مرگ عیسی مسیح در عهد عتیق وجود دارد.

- مزامیر درباره مورد خیانت واقع شدن مسیح (مزامیر ۴۱: ۹؛ یوحنا ۱۳: ۱۸؛ اعمال ۱: ۱۶)، مصلوب شدن و وقایع صلیب (مزامیر ۲۲: ۱، ۷، ۱۸؛ متی ۲۷: ۳۹، ۴۶؛ مرقس ۱۵: ۳۴؛ یوحنا ۱۹: ۲۳)، قیام عیسی مسیح از مردگان (مزامیر ۱۶: ۸-۱۱؛ اعمال ۲: ۲۵-۲۸) پیشگویی می کند.
- اشعیا ۵۳: ۵ می گوید، "و حال آنکه به سبب تقصیرهای ما مجروح و به سبب گناهان ما کوفته گردید. و تأدیب سلامتی ما بر وی آمد و از زخمهای او ما شفا یافتیم."

• دانیال ۹: ۲۶ پیشگویی می کند، "و بعد از آن شصت و دو هفته، مسیح منقطع خواهد گردید و از آن او نخواهد بود."

• زکریای نبی پیشگویی می کند که مسیح را با سی سکه نقره خیانت می کنند و آن پول را برای خرید زمین کوزه گر هزینه می کنند (زکریا ۱۱: ۱۲؛ متی ۲۶: ۱۵؛ ۲۷: ۹).

• زکریا همچنین درباره زدن شبان (مسیح) (زکریا ۱۳: ۷) و باز شدن چشمه ای به جهت آموزش گناه و نجاست (زکریا ۱۳: ۱) پیشگویی می کند.
واضح است که مرگ عیسی مسیح یکی از مهمترین تعلیمات عهد عتیق است.

۲- مرگ مسیح در جایگاه بالایی در عهد جدید قرار دارد.

حوادث هفته آخر زندگی زمینی عیسی مسیح یک پنجم کل چهار اناجیل را در برگرفته است. نامه های عهد جدید نیز بطور مشابهی مملو است از آن حادثه تاریخی. بطور آشکار مرگ و قیام خداوند ما عیسی مسیح از احترام و اهمیت والایی برای روح القدس، مؤلف کتاب مقدس برخوردار است.

۳- مرگ مسیح هدف اصلی آمدن عیسی به این جهان بود.

هدف اصلی آمدن عیسی مسیح به این جهان این نبود که فقط برای ما الگو باشد و تعالیمی از خود بجا بگذارد، بلکه او آمد تا برای ما بمیرد (مرقس ۱۰: ۴۵؛ عبرانیان ۲: ۹، ۱۴؛ ۹: ۲۶؛ اول یوحنا ۳: ۵). مرگ او تصادفی نبود بلکه به انجام رسانیدن اهداف خدا بود. هدف آمدن عیسی مسیح به این دنیا با مرگ او به پایان نرسید بلکه آن پایان، آغاز حیات نو برای گناهکاران بود که از طریق مرگ عیسی مسیح روی صلیب صورت گرفت.

۴- مرگ مسیح موضوع اصلی و اساسی انجیل است.

واژه "انجیل" یعنی "خبر خوش". این واژه در راه های مختلفی استفاده شده است. چهار انجیل که زندگی عیسی مسیح را از زوایای مختلف شرح می دهند، اناجیل نامیده می شوند. انجیل در معنای دقیق و باریک، به عنوان خبر خوش نجات یاد می شود. پولس رسول می گوید که انجیل یعنی مرگ عیسی مسیح برای گناهان ما، دفن شدن، و قیام او از مردگان (اول قرنتیان ۱۵: ۳-۴) که این خبر خوش نجات انسانهاست. مرگ عیسی مسیح برای گناهان انسان خبر خوش است. این دلالت می کند که انسان نیاز ندارد که برای گناهانش بمیرد. شریعت موسی، موعظه سر کوه، و تعلیمات و زندگی عیسی مسیح همه گناهان ما را آشکار کرده و به ما نیاز به نجات دهنده را نشان می دهند. ولی آنها بخششی برای گناهان فراهم نمی کنند. این بخشش و نجات فقط در مرگ عیسی مسیح یافت می شود.

۵- مرگ مسیح برای مسیحیت ضروری است.

تمامی ادیان تعلیمات خود را بر پایه شناخته شدن و شهرت یافتن بنیانگذار دینشان بنا می کنند. مسیحیت با تمامی ادیان دنیا فرق می کند چون تعلیم خود را بر پایه مرگ بنیانگذارش بنا کرده است. اگر مرگ عیسی را از مسیحیت کنار بگذاریم، ارزش خود را از دست داده و ناکارآمد شده و شبیه ادیان دیگر دنیا خواهد بود. اگر صلیب عیسی را کنار بگذاریم، ما نیز مثل ادیان دیگر هیچ نجات و تضمینی از حیات جاودان نمی توانیم داشته باشیم. موضوع اصلی موعظه و پیام رسولان و حواریون، مسیح و مصلوب شدن او بود (اول قرنیتیان ۱: ۱۸، ۲۳؛ ۲: ۲؛ غلاطیان ۶: ۱۴).

۶- مرگ مسیح برای نجات ما ضروری است.

اگر انسان بخواهد نجات یابد، پسر انسان باید بالای صلیب کشیده شود (یوحنا ۳: ۱۴). دانه گندم باید اول به زمین افتاده و بمیرد تا بتواند ثمره ببار آورد (یوحنا ۱۲: ۲۴). خدا نمی تواند گناهان انسانها را فقط به خاطر توبه از گناهانشان ببخشد. این عمل برای خدای عادل محال ممکن است. خدا فقط هنگامی می تواند ببخشد که اول جریمه گناهان پرداخت شده باشد. برای اینکه خدا بتواند گناهان انسان را ببخشد و در عین حال عادل باقی بماند، عیسی مسیح یگانه پسر خود را فرستاد تا جریمه و مجازات گناهکاران ما را پرداخت کند (رومیان ۳: ۲۵). عیسی مسیح ۲۹ بار تأکید کرد که او می بایست رنج بسیاری کشیده، بمیرد و روز سوم دوباره زنده گردد (متی ۱۶: ۲۱؛ مرقس ۸: ۳۱؛ لوقا ۹: ۲۲؛ ۱۷: ۲۵؛ یوحنا ۱۲: ۳۲-۳۴). دو فرشته که در قبر عیسی مسیح بعد از قیام او حضور پیدا کردند، به زنی که با عطر گرانبها بدن عیسی را تدهین کرده بود یادآوری کردند که عیسی به او گفته بود که باید بمیرد و دوباره زنده گردد (لوقا ۲۴: ۷). پولس رسول خواست که ضرورت مرگ عیسی مسیح را به تسالونیکیان اثبات کند (اعمال ۱۷: ۳). از دیدگاه خدا، مرگ عیسی مسیح برای نجات انسان یک نیاز مطلق است.

۷- مرگ مسیح مورد علاقه همگان در بهشت است.

هنگامیکه موسی و ایلپای نبی در کوهی که جسم و چهره عیسی متبدل شد، ظاهر شدند، با او درباره مصلوب شدن مسیح سخن گفتند (لوقا ۹: ۳۱). چهار مخلوق زنده و بیست و چهار پیران در بهشت سرود نجاتی که عیسی به عمل آورد، را می خوانند (مکاشفه ۵: ۸-۱۰). حتی فرشتگان اطراف تخت خداوند که نیازی به نجات ندارند، سرود بره ذبح شده را می خوانند (مکاشفه ۵: ۱۱). کسانی که از این محدودیت درک انسانی خارج می شوند و از طریق خون عیسی مسیح وارد بهشت می شوند، مرگ عیسی مسیح را ارتقا داده و می ستایند. بنابراین ما که هنوز در این جسم فانی هستیم باید هرچه بیشتر

ارزش مرگ عیسی مسیح را بدانیم تا بتوانیم با ایمان به آن، جسم فانی خود را از نابود شدن در دریاچه آتش جاودانی نجات دهیم.

هدف از مرگ مسیح چه بود؟ اشعای نبی حقیقت کلام خدا را نشان می دهد، "اما خداوند را پسند آمد که او را مضروب نموده، به دردها مبتلا سازد. چون جان او را قربانی گناه ساخت،" (اشعیا ۵۳: ۱۰).

برای تعریف مرگ مسیح باید چند مورد مهم را مورد توجه قرار دهیم:

۱- مرگ مسیح یک جایگزینی است. این واضح است که عیسی مسیح برای گناهان خود نمرد (یوحنا: ۴۶؛ عبرانیان ۴: ۱۵؛ اول پطرس ۲: ۲۲). همه قسمتهای کتاب مقدس می گوید که او برای گناهان انسانها مرد. آزار و شکنجه ای که عیسی مسیح متحمل شد، یک آزار و شکنجه از روی همدردی و دلسوزی یک دوست نبود، بلکه آن یک شکنجه جایگزینی برای گناهان تمامی دنیا بود. اشعیا ۵۳: ۵ می گوید، "و حال آنکه به سبب تقصیرهای ما مجروح و به سبب گناهان ما کوفته گردید. و تأدیب سلامتی ما بر وی آمد و از زخمهای او ما شفا یافتیم." به بعضی آیه های دیگر توجه کنید:

- "لکن خدا محبت خود برای ما را ثابت می کند، در آن موقع که ما هنوز گناهکار بودیم، مسیح برای ما مرد." رومیان ۵: ۸
- "مسیح برحسب کتب برای گناهان ما مرد،" اول قرنتیان ۱۵: ۳
- "زیرا او را که گناه نشناخت، در راه ما گناه ساخت تا ما در وی عدالت خدا شویم." دوم قرنتیان ۵: ۲۱
- "که خود، گناهان ما را در بدن خویش بر دار متحمل شد، تا از گناه مرده شده، به عدالت زیست نماییم، که به ضربهای او شفا یافته‌اید." اول پطرس ۲: ۲۴
- "زیرا که مسیح نیز برای گناهان یک بار زحمت کشید، یعنی عادلانه برای ظالمان، تا ما را نزد خدا بیاورد؛" اول پطرس ۳: ۱۸

عیسی مسیح خودش در مرقس ۱۰: ۴۵ فرمود، "زیرا که پسر انسان نیز نیامده تا مخدوم شود بلکه تا خدمت کند و تا جان خود را فدای بسیاری کند." همچنین او در یوحنا ۱: ۱۱ فرمود، "من شبان نیکو هستم. شبان نیکو جان خود را در راه گوسفندان می نهد." او جایگزین ما شد و به عنوان بره فصیح واقعی به عوض گناهان ما مرد (خروج ۱۲ و اول قرنتیان ۵: ۷). او قربانی گناهان ما شد (اشعیا ۵۳: ۱۰). در عهد عتیق همه قربانیها سایه ای از قربانی شدن بره خدا یعنی عیسی مسیح بودند (لاویان ۶: ۲۴-۳۰؛ عبرانیان ۱۰: ۱-۴). همچنین بزرها شده نیز نوع و سایه ای از عیسی مسیح بود (لاویان ۱۶: ۲۰-۲۲).

عیسی مسیح جایگزینی بود که در عوض ما مجازات شد. او در یوحنا ۱۰: ۱۵، ۱۷ فرمود، "چنانکه پدر مرا می‌شناسد و من پدر را می‌شناسم و جان خود را در راه گوسفندان می‌نهم... و از این سبب پدر مرا دوست می‌دارد که من جان خود را می‌نهم تا آن را باز گیرم." عیسی داوطلب شد تا در عوض ما بمیرد و جریمه گناهان ما را پرداخت کند. اگر مرگ جایگزینی مسیح جریمه ای را که ما بدهکار بودیم پرداخت کرد، خدا دیگر نمی‌تواند آن جریمه را از ما طلب کند، بلکه در عوض ما را رها و آزاد اعلام می‌کند. کسی که این کفاره و جریمه را پرداخت کرد، شخص ثالثی نبود بلکه خود قاضی (خدا) بود که همه انسانها را قضاوت می‌کند. پس اگر خود قاضی جریمه ما را ادا کرده باشد، دیگر او از ما آن جریمه و کفاره را طلب نکرده و ما را قضاوت نخواهد کرد.

۲- مرگ مسیح یک رضامندی است. از آنجاییکه یکی از خصوصیات اصلی خدا قدوسیت است، رضامندی تنها چیزی است که خدا باید در ازای رفع غضبش از گناه بدست آورد. مرگ عیسی مسیح رضامندی خدا را کامل می‌کند و غضب او را نسبت به گناهان ما فرو می‌نشانند.

أ. مرگ مسیح عدل خدا را برآورده می‌کند. انسان علیه خداوند گناه ورزیده و نارضایتی و محکومیت او را متحمل شده است. خدا به درستی جریمه شکستن احکامش را به ما تحمیل می‌کند. خداوند نمی‌تواند گناهکار را آزاد کند مگر اینکه عدل او برآورده شود. خدای مقدس با تنبیه و مجازات با گناه برخورد می‌کند. خدا بدون عوض و جایگزین هرگز تقصیر و گناه را پاک نمی‌کند (خروج ۳۴: ۷؛ اعداد ۱۴: ۱۸). فقط از طریق مرگ مسیح، خدا می‌توانست در بخشش گناهان بشر عادل باقی بماند (رومیان ۳: ۲۵). هر عملی که خدا انجام می‌دهد باید عدل او رعایت شود. مرگ مسیح رضامندی کامل عدل خدا را جلب کرد. یک جنایتکار فقط یکبار بخاطر شکستن قانون محاکمه و مجازات می‌شود و قاضی از او تقاضای محکومیت دوباره را برای تقصیرش نمی‌کند. به همین ترتیب عیسی مسیح نیز یکبار در عوض گناهان ما محکوم به مرگ شد که مرگ او عدل خدا را برآورده می‌کند.

ب. مرگ مسیح احکام (شریعت) خدا را برآورده می‌کند. مرگ عیسی مسیح تنها برای برآورده شدن عدل خدا نبود، بلکه برای برآورده شدن احکام و شریعت او نیز بود. شریعت خدا درست در ذات وی قرار دارد که شکستن آن جریمه ای را بیار می‌آورد. انسان گناهکار هرگز نمی‌توانست شریعت خدا را برآورده کند، ولی مسیح به عنوان نماینده و جایگزین ما توانست این عمل را به انجام رساند. بنابراین خدا از طریق اطاعت مسیح، جایگزینی را برای رضامندی خود مهیا کرد (رومیان ۸: ۳). عیسی مسیح با اطاعت و رنج و زندگی پر از عدالت خود تمامی شریعت خدا را حفظ و آن را برآورده کرد. پولس رسول درباره اسرائیل می‌گوید، "زیرا که چون عدالت خدا را نشانخته، می‌خواستند عدالت

خود را ثابت کنند، مطیع عدالت خدا نگشتند. زیرا که مسیح است انجام شریعت بجهت عدالت برای هر کس که ایمان آورد." (رومیان ۱۰: ۳، ۴).

ج. مرگ مسیح یک کفاره است. مرگ مسیح یک کفاره و فرو نشاندن خشم و غضب خدا است. لاویان ۶: ۲-۷ درباره کفاره مجزا برای هر گناه مجزا سخن می گوید. لاویان ۴: ۱۳-۲۰ درباره کفاره ملی برای گناهان ملی سخن می گوید. از این آیه ها پیداست که گاو و قوچ باید قربانی شوند تا بخشش گناهان از طریق آن قربانیهای جایگزین امکان پذیر باشد. واژه کفاره به زبان عبری "کفار" است که معنی آن "پوشش دادن" است به این معنی که گناهان را بپوشاند. آن قربانیهای گناه و خطا در عهد عتیق کفاره ای بود برای گناهان شخصی که شریعت خدا را شکسته بود تا خطا و گناهان وی را نزد خدا پوشش دهد تا دیده نشوند. پوشش گناهان در کتاب مقدس آمده است:

- "روی خود را از گناهانم بپوشان و همه خطایای مرا محو کن." مزامیر ۵۱: ۹
- "زیرا که تمامی گناهانم را به پشت سر خود انداختی." اشعیا ۳۸: ۱۷
- "و تو جمیع گناهان ایشان را به عمقهای دریا خواهی انداخت." میکاه ۷: ۱۹

د. مرگ مسیح باعث فرو نشاندن خشم و غضب خدا می شود. این یعنی گناه پوشش داده شده و یا دفع شده باشد و سپس غضب خدا در برابر آن گناه فرو نشانده شده باشد. در عهد جدید آیه های زیادی درباره غضب خدا وجود دارد (یوحنا ۳: ۳۶؛ رومیان ۱: ۱۸؛ ۵: ۹؛ افسسیان ۵: ۶؛ اول تسالونیکیان ۱: ۱۰؛ عبرانیان ۳: ۱۱؛ مکاشفه ۱۹: ۱۵). در ازای غضب خدا، کتاب مقدس به ما مرگ مسیح را تقدیم می کند و آن تنها چیزی است که غضب خدا را فرو می نشاند. پولس رسول در رومیان ۳: ۲۵ می گوید، "که خدا او را از قبل معین کرد تا کفاره باشد به واسطه ایمان به وسیله خون او تا آنکه عدالت خود را ظاهر سازد،" عبرانیان ۹: ۵ از واژه "تخت رحمت" برای آن استفاده می کند. اول یوحنا ۲: ۲ می گوید، "و اوست کفاره بجهت گناهان ما؛ و نه گناهان ما فقط، بلکه بجهت تمام جهان نیز." عبرانیان ۲: ۱۷ می گوید که عیسی مسیح "رئیس گنهتهای کریم و امین شده، کفاره گناهان قوم را بکند." دعای باجگیر در لوقا ۱۸: ۱۳ این بود که "خدایا بر من گناهکار ترحم فرما" مسیح با مرگ خود روی صلیب غضب خدا نسبت به گناهان انسان را فرو نشاند.

ه. مرگ مسیح باعث مصالحه می شود. مصالحه ارتباطی تنگاتنگ با نظریه فرو نشاندن غضب خدا دارد. مرگ مسیح "غضب خدا را فرو نشاند" و در نتیجه خدا با ما مصالحه کرد (رومیان ۵: ۱۰؛ دوم قرنتیان ۵: ۱۸؛ افسسیان ۲: ۱۶). پولس رسول می گوید که بر خلاف اینکه ما قبل از ایمانمان به عیسی مسیح دشمنان خدا محسوب می شدیم، ولی اینک بواسطه مرگ عیسی مسیح رابطه صلح

آميز برای مشارکت با خدا برای ما فراهم شده است. در کتاب مقدس واژه "مصلحه" برای هر دو خدا و انسان بکار برده شده است.

در باغ عدن خدا با انسان مشارکت شیرین داشت و هر روز با او سخن می گفت. اما آدم به خدا پشت کرد و خدا نیز به آدم پشت کرد. مرگ مسیح رضامندی خدا را بدست آورد و خدا توانست دوباره به انسان توجه کند. اینک نوبت انسان است که به خداوند توجه کند. از آنجاییکه خدا با مرگ مسیح مصالحه یافته است، انسان نیز باید با خدا مصالحه کند. خدا توسط مرگ مسیح نه تنها انسان بلکه همه چیز را در آسمان و زمین به خود مصالحه داده است (کولسیان ۱: ۲۰). به خاطر این مصالحه، خداوند برکات موقتی را به تمامی انسانهای نجات نیافته می دهد (متی ۵: ۴۵؛ رومیان ۲: ۴) و برای آنها فرصتی فراهم می کند تا توبه کنند (دوم پطرس ۳: ۹)، و خداوند روزی زمین و آسمان را از قید فساد خلاصی خواهد داد (رومیان ۸: ۱۹-۲۱).

و. مرگ مسیح خون بها است. مرگ عیسی مسیح خون بهایی است برای ما. معنای خون بها پرداخت کردن قیمت یا بهایی است برای آزادی چیزی یا کسی که در بند باشد. بنابراین عیسی فرمود که او آمده است تا جان خود را به عنوان خون بها برای بسیاری بدهد (متی ۲۰: ۲۸؛ مرقس ۱۰: ۴۵). مرگ مسیح به عنوان رهایی و نجات یاد شده است (لوقا ۱: ۶۸؛ ۲: ۳۸؛ عبرانیان ۹: ۱۲). این خون بها به خدا داده شد نه به شیطان. کتاب مقدس می گوید که ما از طریق مرگ مسیح نجات یافته ایم. این نجات یا خلاصی عبارت است از:

۱. نجات از جریمه شریعت (غلاطیان ۳: ۱۳).
 ۲. نجات از خود شریعت با مرده بودمان نسبت به آن (رومیان ۷: ۴). بنابراین ما دیگر تحت شریعت نیستیم بلکه تحت فیض خدا هستیم (رومیان ۶: ۱۴).
 ۳. نجات از قدرت گناه توسط مرگ مسیح برای گناه و مرده بودن ما برای گناه در مسیح (رومیان ۶: ۲، ۶؛ تیطوس ۲: ۱۴؛ اول پطرس ۱: ۱۸). بنابر این ما دیگر تحت سلطه گناه نیستیم (رومیان ۶: ۱۲-۱۴).
 ۴. نجات از دست شیطان که انسان را در اسارت خود نگاه می دارد (دوم تیموتائوس ۲: ۲۶)، که آن از طریق مرگ مسیح روی صلیب صورت می گیرد (عبرانیان ۲: ۱۴).
 ۵. نجات از همه بدی و پلیدیها (رومیان ۸: ۲۳؛ افسسیان ۱: ۱۴) که در بازگشت دوباره مسیح اتفاق خواهد افتاد (لوقا ۲۱: ۲۸).
- از واژه نجات یا خلاصی گاهی اوقات بجای پرداخت بدهی استفاده می شود و گاهی نیز برای رهایی از اسارت که مسیح هر دو را برای ما فراهم کرده است.

سوالات این درس:

- ۱- به چه دلایلی مرگ عیسی مسیح از اهمیت بالایی برخوردار است؟ ۵ مورد را نام ببرید؟
- ۲- سه مورد از پیشگوییهای عهد عتیق درباره مرگ عیسی مسیح را با ذکر آیه ای برای هر یک، نام ببرید؟
- ۲- هدف اصلی آمدن عیسی مسیح به این جهان چه بود با ذکر آیه ای بنویسید؟
- ۳- لطفاً اول قرن‌تین ۱۵: ۳-۴ که انجیل را تعریف کرده است را بنویسید؟
- ۴- اگر انسان بخواهد نجات یابد، طبق یوحنا ۳: ۱۴ پسر انسان چه کاری باید انجام می داد؟
- ۵- مرگ عیسی مسیح مورد علاقه همگان در بهشت است، لطفاً دو مورد برای این از کتاب مقدس با ذکر آیه ای برای هر کدام بنویسید؟
- ۶- "اما خداوند را پسند آمد که او را..... نموده، به دردها مبتلا سازد. چون او را قربانی ساخت،" (اشعیا ۵۳: ۱۰).
- ۷- "زیرا او را که نشناخت، در راه ما ساخت تا ما در وی خدا شویم." دوم قرن‌تین ۵: ۲۱.
- ۸- کفار گناهان عدل خدا را برآورده می کند، لطفاً در این مورد توضیح مختصر بدهید؟
- ۹- کفار گناهان احکام و شریعت خدا را برآورده می کند، لطفاً در این مورد توضیح مختصر بدهید؟
- ۱۰- واژه کفار به زبان عبری را با معنی آن بنویسید و آیه ای را نیز در اینبار ذکر نمایید؟
- ۱۱- " و اوست بجهت گناهان؛ و نه گناهان ما فقط، بلکه بجهت تمام نیز." اول یوحنا ۲: ۲
- ۱۲- دوم قرن‌تین ۵: ۱۸ را بنویسید؟
- ۱۳- معنای خون بها چیست؟

آیه های کلیدی این درس: اول قرن‌تین ۱۵: ۳-۴ ؛ اول یوحنا ۳: ۵ ؛ اول یوحنا ۲: ۲

درس ۳۲: قیام عیسی مسیح از مردگان

چیزی که ما برای نجات نیاز داریم بیش از مرگ مسیح است. برای کامل شدن نجات ما نه تنها مرگ عیسی مسیح بلکه قیام او از مردگان، معراج و تجلیل یافتن او نیز ضروری بود. هر یک از این موارد بطور چشمگیری در نجات ما اهمیت دارد. در این درس ما به اهمیت، نوع، اعتبار، و ثمرات قیام مسیح از مردگان خواهیم پرداخت.

اهمیت قیام مسیح

قیام عیسی مسیح به چندین دلایل از اهمیت بالایی برخوردار است:

- ۱. قیام مسیح تعلیم اصلی و اساسی مسیحیت است.** بعضی از مسیحیان مرگ عیسی مسیح را قبول دارند، در حالیکه اهمیت قیام جسمانی او از مردگان را رد می کنند. اما قیام جسمانی مسیح اهمیت حیاتی دارد که ایمانداران طبق کتاب مقدس در تعلیم خود گنجانیده اند. پولس رسول در اول قرن‌تین ۱۵: ۱۲-۱۹ نشان می دهد که همه چیز با قیام جسمانی مسیح می ایستد یا می افتد. اگر مسیح از مردگان زنده نمی شد، موعظه کلام خدا بیهوده می بود (آیه ۱۴)، ایمان مسیحیان بیهوده می بود (آیه ۱۴)، رسولان شاهدان دروغین بشمار می آمدند (آیه ۱۵)، ایمانداران قرن‌تین هنوز در گناهان خود باقی می ماندند (آیه ۱۷)، آنهایی که در مسیح فوت نموده اند، هلاک می شدند (آیه ۱۸)، مسیحیان از همه مردم بدبخت تر می بودند (آیه ۱۹).
در تمامی کتاب اعمال رسولان، موعظه رسولان بر پایه قیام مسیح از مردگان بنا شده است (اعمال ۲: ۲۴، ۳۲؛ ۳: ۱۵، ۲۶؛ ۴: ۱۰؛ ۱۰: ۴۰؛ ۱۳: ۳۰-۳۷؛ ۱۷: ۳۱). این همچنین در نامه های پولس رسول نیز دیده می شود (رومیان ۴: ۲۴؛ ۶: ۴، ۹؛ ۷: ۴؛ ۸: ۱۱؛ ۱۰: ۹؛ اول قرن‌تین ۶: ۱۴؛ ۱۵: ۴؛ دوم قرن‌تین ۴: ۱۴؛ غلاطیان ۱: ۱؛ افسسیان ۱: ۲۰؛ کولسیان ۲: ۱۲؛ اول تسالونیکیان ۱: ۱۰؛ دوم تیموتائوس ۲: ۸)، و همچنین نامه های دیگر عهد جدید از جمله (اول پطرس ۱: ۲۱؛ ۳: ۲۱؛ مکاشفه ۱: ۵؛ ۲: ۸). قیام مسیح مسلماً قسمت ضروری انجیل است.
- ۲. قیام مسیح نقش مهمی را در نجات انسانها ایفا می کند.** خدا مسیح را از مردگان برخیزانید و او را در دست راست خود نشانید و او را جلال داد تا او سر همه چیز و کلیسا باشد (افسسیان ۱: ۲۰-۲۲). قبل از اینکه او بتواند ایمانداران را با روح القدس تعمید دهد، او می بایست از مردگان برخیزد (یوحنا ۱: ۳۳؛ اعمال ۱: ۵؛ ۲: ۳۲؛ ۱۱: ۱۵-۱۷؛ اول قرن‌تین ۱۲: ۱۳؛ یوحنا ۱: ۱۶-۱۹؛ ۱۵: ۲۶؛ ۱۶: ۷). مرگ، رستاخیز، و معراج او تدارکی بود برای عطا کردن هدایایی به ایمانداران (افسسیان ۴: ۷-۱۳). مسیح می بایست قیام کند تا بتواند سرور و منجی شود و تا توبه و

بخشش گناهان را به اسرائیل تقدیم کند (اعمال ۵: ۳۱). پولس رسول همه اینها را خلاصه کرده می گوید که مرگ عیسی مسیح ما را با خدا آشتی می دهد و حیات کنونی او نیز نجات ما را کامل می کند (رومیان ۵: ۸-۱۰).

۳. **قیام مسیح در نشان دادن قدرت خدا اهمیت دارد.** معیار قدرت خدا در عهد عتیق با روانه کردن امت اسرائیل از مصر بطور معجزه آمیز مشخص شد و عید فصیح یادبودی از این معجزات خداوند بود (خروج ۱۲). در عهد جدید معیار قدرت خدا در برخیزاندن مسیح از مردگان به نمایش گذاشته شد. محال بود که مسیح در بند قدرت مرگ باقی بماند (اعمال ۲: ۲۴). همان قدرتی که مسیح را از مردگان بریزاند برای مسیحیان نیز امروز در دسترس است. پولس رسول دعا کرد تا ایمانداران بدانند که "چه مقدار است عظمت بی نهایت قوت او نسبت به ما مؤمنین، برحسب عمل توانایی قوت او، که در مسیح عمل کرد چون او را از مردگان بریزانید و به دست راست خود در جایهای آسمانی نشانید." افسسیان ۱: ۱۹-۲۰

ب) چگونگی قیام مسیح

۱. **قیام مسیح یک قیام واقعی بود.** طبق نظریه بعضی ها که می گویند، "هوای خنک قبر و پودر کافوری که برای جسد عیسی مسیح استفاده شده بود، او را زنده نگاه داشت و او نمرد." این نظریه تحریفی از کلام خداست. واقعیت مرگ عیسی مسیح حتی توسط افسر و سربازان رومی نیز شهادت داده شد (مرقس ۱۵: ۴۵؛ یوحنا ۱۹: ۳۳). خون و آب از پهلوئی سوراخ شده عیسی جاری شد (یوحنا ۱۹: ۳۴). شاگردان که از مرگ او مطمئن بودند، قیام عیسی آنها را شوکه کرد (متی ۲۸: ۱۷؛ لوقا ۲۴: ۳۷؛ یوحنا ۲۰: ۳-۹). عیسی مسیح با مرگش بر مرگ و دنیای مردگان غلبه کرد و خودش نیز اعلام کرد که او مرده بود و اینک تا ابد الابد زنده است (مکاشفه ۱: ۱۸).

۲. **قیام مسیح یک قیام جسمانی بود.** بعضی ها ظاهراً به قیام عیسی ایمان دارند ولی به قیام او با بدن جسمانی اعتقاد ندارند. آنها مرگ و قیام عیسی را یک تجربه همزمان می دانند و می گویند که عیسی در مرگش، از جسم فیزیکی عبور کرده و در قیامش، به زندگی روحانی خود وارد شده است. بنابراین مرگ و قیام او یک حادثه همزمان بود. ظاهر شدن او به عنوان یک چیز خیالی و روحانی توسط آنها توصیف شده است. این تفاسیر و عقیده های بعضی ها واقعیت ندارد. چندین چیز وجود دارند که قیام جسمانی عیسی را اثبات می کنند:

- خود مسیح بعد از قیامش فرمود که او گوشت و استخوان داشت (لوقا ۲۴: ۳۹).
- متی می گوید که زنی که بعد از سه روز صبحگاهان به قبر عیسی رفت، او را زنده یافته و به پاهای عیسی چسبیده و نخواست که از پیش او برود (متی ۲۸: ۹).

- داود نبی هزار سال قبل از تولد عیسی پیشگویی می کند که بدن مسیح فساد را نخواهد دید (مزامیر ۱۶: ۱۰ ؛ اعمال ۲: ۳۱).
- قبر خالی بود و کفن عیسی مسیح بدون جسد و درست در جای خود قرار داشت (مرقس ۱۶: ۶ ؛ یوحنا ۲۰: ۵-۷).
- مسیح بعد از قیامش با شاگردان خود غذا خورد (لوقا ۲۴: ۴۱-۴۳).
- مسیح بعد از قیام، با اثر زخم روی دست خود، توسط پیروان خود تشخیص داده شد (لوقا ۲۴: ۳۹-۳۴ ؛ یوحنا ۲۰: ۲۵-۲۸).
- مسیح پیشگویی کرد که از مرگ بطور جسمانی خواهد برخاست (متی ۱۲: ۴۰ ؛ یوحنا ۲: ۱۹-۲۱).
- فرشتگان سر قبر عیسی اعلام کردند که مسیح از مردگان برخاسته، همانطور که خود او گفته بود (لوقا ۲۴: ۶-۸). نهایتاً اگر مسیح بطور جسمانی قیام نمی کرد، خیلی از آیه های کتاب مقدس بدون مفهوم باقی می ماندند (یوحنا ۵: ۲۸ ؛ اول قرتیان ۱۵: ۲۰ ؛ افسسیان ۱: ۱۹).

۳. قیام مسیح یک قیام منحصر به فرد بود. پسر زنی که اهل صرّفه بود (اول پادشاهان ۱۷:

۲۴-۱۷)، پسر شونمی (دوم پادشاهان ۴: ۱۸-۳۷)، دختر یایرس (مرقس ۵: ۲۲-۴۳)، مرد جوان نائین (لوقا ۷: ۱۱-۱۷)، ابلعازر (یوحنا ۱۱: ۱-۴۴)، طابیتا (اعمال ۹: ۳۶-۴۳)، اُفتیخس (اعمال ۲۰: ۷-۱۲)، بدون شک همه آنها دوباره از دنیا رفتند. و یقیناً آنها بدنی همانند بدن رستاخیز شده عیسی دریافت نکردند. در رابطه با بدن رستاخیز شده عیسی مسیح چندین نکته باید ذکر شود:

۱. آن بدن واقعی بود. بدن عیسی قابل لمس بود و توسط بسیاری لمس شد (متی ۲۸: ۹) ؛ آن گوشت و استخوان داشت (لوقا ۲۴: ۳۹).

۲. آن همانند بدن قبلی تشخیص داده شد و نه به شکلی دیگر. خود مسیح پهلوی سوراخ شده خود را به شاگردان خود نشان داد (یوحنا ۲۰: ۲۷). این اثر زخم او حتی در بازگشت ثانویه او قابل رویت خواهد بود (زکریا ۱۲: ۱۰ ؛ ۱۳: ۶ ؛ مکاشفه ۱: ۷). در زمانهای مختلف مردم او را بعد از قیامش تشخیص داده و او را ملاقات کردند (لوقا ۲۴: ۴۱-۴۳ ؛ یوحنا ۲۰: ۱۶، ۲۰ ؛ ۲۱: ۷).

۳. بدن جسمانی مسیح بعد از قیامش با بدن قبلی او فرق می کرد. او می توانست از جسم عبور کند، چنانکه او یکبار از در بسته وارد اتاق شد (یوحنا ۲۰: ۱۹)، و بدون شک از آن زمان به بعد، او نیازی به خوردن، آشامیدن، و خوابیدن نداشت.

۴. اینک مسیح تا ابدآباد زنده است (رومیان ۶: ۹ ؛ دوم تیموتائوس ۱: ۱۰ ؛ مکاشفه ۱: ۱۸).

ج) اعتبار قیام مسیح

قیام عیسی مسیح مانند معجزات دیگر او شاهدهی است برای اثبات و اعتبار رستاخیز وی. چنانکه تمام معجزات محدوده قوانین طبیعت را پشت سر می گذارند، نیازی به اثبات آن توسط قوانین طبیعت نیست. معجزات به دلیل ظاهر شدن خارق العاده، اثبات قابل اعتباری می باشند. ولی معجزات طبق قانون طبیعت به دلیل غیر عادی بودن، اعتبار ندارند. اثبات قیام عیسی مسیح کدامها هستند؟

۱. بحث شهادت. طبق مطالبی که تا بحال گفته شد، نمایان شدن غیر طبیعی قدرت خدا را نمی توان از طریق قوانین عادی طبیعت استنباط کرد بلکه باید در زمینه های دیگر پایه گذاری شوند که بحث شهادت یکی از آنهاست. سه چیز برای معتبر بودن ادعایی نیاز است: شاهدان باید شایستگی کامل داشته باشند، تعداد شاهدان باید به اندازه کافی باشد، و همچنین شاهدان باید قابل اعتماد و از شهرت بالایی برخوردار باشند.

رسولان عیسی مسیح دارای تمامی این خصوصیات بودند. آنها مکرراً اعلام کردند که آنها شاهدان عینی عیسی مسیح بودند (لوقا ۲۴: ۳۳-۳۶؛ یوحنا ۲۰: ۱۹، ۲۶؛ ۲۱: ۲۴؛ اعمال ۱: ۳، ۲۱). ایشان هیچ وقت اساس تعلیم خود را بر پایه گزارش دیگران بنا نکردند. کتاب مقدس تأیید می کند که بیش از پانصد نفر قیام عیسی مسیح را با چشم خود دیدند (اول قرنیتیان ۱۵: ۳-۸). عهد عتیق برای دو یا سه شاهد برای اثبات حقیقتی تقاضا می کند (تثنیه ۱۷: ۶؛ متی ۱۸: ۱۶) و این عمل همچنین در کلیسا نیز صورت می گیرد (دوم قرنیتیان ۱۳: ۱؛ اول تیموتائوس ۵: ۱۹). در رابطه با شخصیت شاهدان عینی قیام عیسی مسیح، نه کتاب مقدس و نه حتی مخالفان و یا منتقدین تا بحال توانسته اند به اصول اخلاقی رسولان حمله کنند. رسولان نمی توانستند انگیزه پنهانی برای اعلام کردن یک حقیقت شگفت انگیز داشته باشند. آنها حقیقت قیام عیسی مسیح را قبول کردند و حتی تا پای مرگ آن را با شهامت به همگان اعلام کردند. شاگردان بی ایمان عیسی مسیح بعد از دیدن عیسی بعد از قیامش، ایمان آورده و مبشرین آتشین قیام عیسی مسیح شدند. قیام عیسی مسیح و حوادث چهل روز زندگی او بعد از قیامش چنین می باشد:

صبح زود در روز قیام عیسی مسیح، سه زن به قبر او آمده و فرشتگان را دیدند (متی ۲۸: ۱-۸؛ مرقس ۱۶: ۱-۷؛ لوقا ۲۴: ۱-۸)؛ آنها از همدیگر جدا شدند و مریم مجدلیه رفت تا به یوحنا و پطرس این خبر را برساند (یوحنا ۲۰: ۱)، و دو زنان دیگر رفتند تا رسولان دیگر را که احتمالاً در بیت عنیا حضور داشتند، خبردار کنند (لوقا ۲۴: ۹-۱۱). سپس پطرس و یوحنا جلوتر از مریم دوان دوان به سمت قبر روانه شدند و بدون دیدن مسیح بازگشت کردند (یوحنا ۲۰: ۳-۱۰).

سپس عیسی مسیح دوازده مرتبه دیگر ظاهر گردید که به ترتیب زیر می باشند:
ظاهر شدن به مریم در قبر بعد از اینکه پطرس و یوحنا آنجا را ترک کردند (مرقس ۱۶: ۹؛ یوحنا ۲۰: ۱۱-۱۸)، به زنان دیگر در راه (متی ۲۸: ۹)، به دو مرد در راه عمواس (مرقس ۱۶: ۱۲؛ لوقا ۲۴:

۱۳-۳۳)، به شمعون پطرس (لوقا ۲۴: ۳۴؛ اول قرتیان ۱۵: ۵)، به ده رسولان (یوحنا ۲۰: ۱۹-۲۴)، به یازده شاگردان (یوحنا ۲۰: ۲۶-۲۹)، به رسولان در دریای طبریه (یوحنا ۲۱: ۱-۱۴)، به رسولان در کوهی در جلیل (متی ۲۸: ۱۶-۲۰)، به بیش از پانصد ایمانداران در یک زمان (اول قرتیان ۱۵: ۶)، به یعقوب (اول قرتیان ۱۵: ۷)، به شاگردان در کوه معراج (مرقس ۱۶: ۱۹؛ لوقا ۲۴: ۵۰؛ اعمال ۱: ۹)، و در آخر به پولس رسول (اول قرتیان ۱۵: ۸).

۲. بحث علت و معلول. هر معلولی علتی دارد. با قیام جسمانی عیسی مسیح تأثیرات بسزایی در تاریخ مسیحیت به جای گذاشته شد:

۱- خالی بودن قبر اثری از قیام مسیح است. کتاب مقدس می گوید که قبر عیسی خالی بود. اگر این واقعیت نداشت، حتماً یک نفر پیدا می شد که دروغ رسولان را اعلام کند و بگوید که قبر خالی نبوده است. دروغی که آن روز توسط کاهنان اعظم و مشایخ اسرائیل ابراز گردید این بود که "شاگردان آمده و جسد عیسی را هنگامیکه سربازان در خواب بودند، دزدیدند"، و این دروغ توسط بعضی آدمهای مدرن امروزی مورد قبول واقع شده است. اما واقعیت اینست که کفن خداوند عیسی مسیح بدون اینکه دست بخورد در قبر باقی مانده بود. فقط دستمالی که اطراف سر عیسی پیچیده شده بود، دفع شده و کنار گذاشته شده بود (یوحنا ۲۰: ۵-۷). اگر رسولان جسد او را می دزدیدند، مطمئناً این شواهد نمی توانست بجا باقی بماند.

۲- روز یکشنبه اثری از قیام مسیح است. این یک حرکت چشمگیری بود که شاگردانی که یهودی بودند، از روز مخصوص و حرمت داده شده سبت که در باغ عدن و همچنین به نشانه پیمان خدا با اسرائیل داده شده بود (خروج ۳۱: ۱۳؛ حزقیال ۲۰: ۱۲، ۲۰)، برگردند و در روز یکشنبه خدا را پرستش کنند. شکل گیری اولیه یکشنبه به عنوان روز خداوند توسط رسولان به دلیل احترام به قیام جسمانی عیسی خداوند و تأیید کردن آن صورت گرفت.

۳- کلیسا اثری از قیام مسیح است. رسولان به شدت تحت تأثیر زندگی عیسی مسیح قرار گرفته بودند ولی در روزی که عیسی مسیح مصلوب شد، تمامی امید آنها از بین رفت و بسیاری از آنها حتی پای صلیب او نیز نرفتند. آنها نمی توانستند انگیزه داشته باشند تا دور هم جمع شوند و استادشان عیسی را که آنها مرده می پنداشتند، پرستش کنند. یقیناً آنها نمی توانستند به امت خود اسرائیل، عیسی مرده را با خطرات شکنجه و آزار بشارت دهند، مگر اینکه اطمینان کامل می داشتند که عیسی از مردگان قیام کرده است. گردهم آمدن آنها شروع کلیسا بود. بنابراین کلیسای مسیحی به دلیل قیام جسمانی عیسی مسیح بنیان گذاری شد.

۴- **خود عهد جدید اثری از قیام مسیح است.** چگونه کتاب عهد جدید نوشته می شد اگر عیسی مسیح از مردگان قیام نمی کرد؟ اگر عیسی دفن شده و در قبر باقی می ماند، داستان زندگی و مرگ او نیز در قبر دفن شده و همانجا باقی می ماند و دیگر هیچ یادی از او نمی شد. عهد جدید اثری از قیام او از مردگان است.

د) ثمرات قیام عیسی مسیح

ثمرات قیام عیسی مسیح کدامها هستند؟

۱. **قیام مسیح گواهی بر الوهیت اوست.** پولس می گوید که، "بحسب روح قدّوسیت، پسر خدا به قوّت معروف گردید از قیامت مردگان، یعنی خداوند ما عیسی مسیح،" عیسی از قبل به قیام خود از مردگان به عنوان نشانه ای که به اسرائیل داده شده بود، اشاره کرد (متی ۱۲: ۳۸-۴۰؛ یوحنا ۲: ۱۸-۲۲). پولس بیان می کند که قیام مسیح نشانه الوهیت وی بود.
۲. **قیام مسیح گواهی بر قبول شدن کار مسیح است.** کتاب مقدس در رومیان ۴: ۲۵ می گوید، "که به سبب گناهان ما تسلیم گردید و به سبب عادل شدن ما برخیزانیده شد." ما می توانیم اطمینان حاصل کنیم که خدا قربانی عیسی مسیح روی صلیب را پذیرفت چون او از مردگان برخاست.
۳. **قیام مسیح وی را برای ما کاهن اعظم ساخت.** از طریق برخاستن از مردگان، عیسی واسطه، وکیل، قاضی، و محافظ ما شد (رومیان ۵: ۹؛ ۸: ۳۴؛ افسسیان ۱: ۲۰-۲۲؛ اول تیموتائوس ۲: ۵). او نه تنها ما را از اسارت و بردگی رهایی می دهد بلکه او برای ما در زمانهای نیاز دعای شفاعت می کند.
۴. **قیام مسیح برکات فراوانی را برای ما تأمین می کند.** بوسیله قیام عیسی مسیح، ما نیاز به نجات را در خود می بینیم. او در ازای توبه به ما بخشش، تولد دوباره، و روح القدس را عطا می کند (یوحنا ۱۶: ۷؛ اعمال ۲: ۳۳؛ ۳: ۲۶؛ ۵: ۳۱؛ اول پطرس ۱: ۳). قیام او اساس اطمینان ایمانداران از نجات خویش است که تمامی قدرت مورد نیاز برای زندگی مسیحی و خدمت برای آنها از آن طریق مهیا شده است (افسسیان ۱: ۱۸-۲۰). اگر خدا عیسی را از مردگان برخیزاند، همچنین او قادر است که تمامی احتیاجات ایمانداران را رفع کند (فیلیپیان ۳: ۱۰). قیام عیسی تضمینی است از برخاستن ما از مردگان (یوحنا ۵: ۲۸؛ ۶: ۴۰؛ اعمال ۴: ۲؛ رومیان ۸: ۱۱؛ اول قرنتیان ۱۵: ۲۰-۲۳؛ دوم قرنتیان ۴: ۱۴؛ اول تسالونیکیان ۴: ۱۴). همچنین قیام عیسی مسیح اثبات خدا از وجود قیامت و داوری برای عادلان و گناهکاران است (اعمال ۱۰: ۴۲؛ ۱۷: ۳۱؛ یوحنا ۵: ۲۲). روز داوری از پیش برای انسانها تعیین شده است و در آن روز قاضی برای داوری همگان در کرسی داوری خود خواهد نشست. بنا به این حقیقت، خدا به تمامی مردم اطمینان از روز داوری را داده که او عیسی را از

مردگان برخیزاند. و نهایتاً قیام عیسی مسیح راه را برای او هموار کرد تا او بتواند در بازگشت ثانویه در تخت داود بنشیند و تا به ابد سلطنت کند (اعمال ۲: ۳۲-۳۶؛ ۳: ۱۹-۲۵).

معراج عیسی مسیح

معراج و تجلیل یافتن عیسی مسیح از هم متمایز هستند. معراج عیسی مربوط می شود به برگشتن او به جایگاه اولیه اش در بهشت با یک بدن رستاخیز شده و اما تجلیل یافتن عیسی عملی است از سوی خدای پدر که او به مسیح قیام و معراج یافته جایگاهی از حرمت و قدرت را در دست راست خود داده است.

تعالیم عهد جدید درباره عروج مسیح

تعلیمات فراوانی در عهد جدید درباره اینکه مسیح بعد از قیام از مردگان به بهشت عروج کرد، وجود دارد. متی و یوحنا درباره عروج عیسی شرح نمی دهند و مرقس فقط در آخرین آیه مرقس از معراج عیسی سخن می گوید (مرقس ۱۶: ۱۹). لوقا در انجیل خود (لوقا ۲۴: ۵۰) و اعمال ۱: ۹ بعضی جزئیات معراج عیسی مسیح را شرح می دهد. گرچه شرح تاریخی معراج عیسی ناقص است اما باعث نمی شود که آن تعلیم را کنار گذاریم. هرچند یوحنا حقیقتی که عیسی عروج کرد را شرح نمی دهد ولی او پیشگویی خود عیسی را درباره معراجش نوشته است (یوحنا ۶: ۶۲؛ ۲۰: ۱۷؛ ۱۳: ۱؛ ۱۵: ۲۶؛ ۱۶: ۱۰، ۱۶، ۲۸). پولس درباره معراج عیسی توضیح داده است (افسیان ۴: ۸-۱۰؛ فیلیپیان ۲: ۹؛ اول تیموتائوس ۳: ۱۶). همچنین پطرس نیز در اینباره در نامه های خود شرح می دهد (اول پطرس ۳: ۲۲) و همچنین نویسندگان کتاب عبرانیان نیز در این مورد نوشته است (عبرانیان ۴: ۱۴). بنابراین این یک حقیقتی است که کلیساهای اولیه معراج مسیح را به عنوان یک واقعیت تاریخی گواهی دادند.

تجلیل یافتن مسیح

کتاب مقدس درباره تجلیل یافتن مسیح در جاهای مختلف شرح می دهد. لوقا آن را چندین بار تکرار می کند (اعمال ۲: ۳۳؛ ۵: ۳۱). پولس نیز بر آن شهادت می دهد (رومیان ۸: ۳۴؛ افسسیان ۱: ۲۰؛ فیلیپیان ۲: ۹؛ کولسیان ۳: ۱). نویسندگان عبرانیان نیز این را شرح می دهد (عبرانیان ۱۰: ۱۲). خود مسیح نیز این را پیشگویی کرد (متی ۲۲: ۴۱-۴۵؛ مکاشفه ۳: ۲۱؛ مزامیر ۱۱۰: ۱).

چیزهایی که در تجلیل یافتن مسیح دخالت دارند.

چندین چیز وجود دارند که در تجلیل یافتن مسیح دخالت دارند: مسیح "تاج جلال و اکرام بر سر وی نهاده شد" (عبرانیان ۲: ۹). این جلال هم اکنون ظاهر می شود در "جسم مجید او" (فیلیپیان ۳: ۲۱). یوحنا در جزیره پطمس او را با این بدن دید (مکاشفه ۱: ۱۲-۱۸). هر دو احترام و جلال در بدست

آوردن نامی که مافوق تمامی نامهاست، دیده می شود (فیلیپیان ۲: ۹). مسیح این نام تازه را در مکاشفه ۳: ۱۲ ؛ ۱۹: ۱۲، ۱۶ اعلام می کند. او با این نام تازه به تخت خود در دست پدر مرتفع شد (متی ۲۸: ۱۸ ؛ عبرانیان ۱۰: ۱۲). استیفان او را در آن جایگاه دید (اعمال ۷: ۵۵). یک روز مسیح روی تخت خود خواهد نشست (متی ۲۵: ۳۱). همچنین در تجلیل یافتن او این نیز شامل می شود که او سر بدن خود یعنی کلیسا گردید (افسیسیان ۱: ۲۲). اینک او امور کلیسای خویش را هدایت می کند. او به عنوان کاهن اعظم به ما خدمت می کند (عبرانیان ۴: ۱۴ ؛ ۵: ۵-۱۰ ؛ ۶: ۲۰ ؛ ۷: ۲۱ ؛ ۸: ۱-۶ ؛ ۹: ۲۴)، او خون خود را برای آموزش گناهان پیشنهاد می دهد (اول یوحنا: ۷)، او برای اتحاد و حفظ ایمانداران دعای شفاعت می کند (لوقا ۲۲: ۳۲ ؛ یوحنا ۱۷). امروز تمامی فرشتگان، قوات و رؤسا مطیع او هستند (اول پطرس ۳: ۲۲). در واقع همه چیز زیر پای او نهاده شده است (افسیسیان ۱: ۲۲). در این مفهوم، او امروز پادشاه است (کولسیان ۱: ۱۳ ؛ مکاشفه ۱: ۹).

ثمرات معراج و تجلیل یافتن مسیح

ثمرات معراج و تجلیل یافتن مسیح را می توان در یک شاخه جمع بندی کرد.

۱- او نه تنها در بهشت است، بلکه او بطور روحانی همه جا حضور دارد. او همگان را از روح خود پر می کند (افسیسیان ۴: ۱۰). بنابراین او تنها خدای حقیقی برای پرستش شدن از سوی تمامی انسانهاست (اول قرنتیان ۱: ۲).

۲- او اسیران را به اسیری برده است (افسیسیان ۴: ۸). این بدین معنی است که عیسی بعد از مصلوب شدنش به هیدیز (فردوس در درون زمین) رفت و مقدسان و نجات یافتگان عهد عتیق که در آن محل موقت اسیر بودند را با خود برداشته و به بهشت برد. اکنون نجات یافتگان عهد جدید مستقیماً بلافاصله بعد از مرگ به حضور مسیح در بهشت می روند (دوم قرنتیان ۵: ۶-۸ ؛ فیلیپیان ۱: ۲۳).

۳- او به عنوان کاهن اعظم وارد بهشت شد (عبرانیان ۴: ۱۴ ؛ ۵: ۵-۱۰ ؛ ۶: ۲۰ ؛ ۷: ۲۱ ؛ ۸: ۱-۶ ؛ ۹: ۲۴).

۴- او هدایای روحانی به ایمانداران خود داده است (افسیسیان ۴: ۸-۱۱). اینها شامل هدایای منحصر بفرد برای هر شخص است (اول قرنتیان ۱۲: ۴-۱۱) و همچنین شامل هدایایی برای کلیسای خویش است (افسیسیان ۴: ۸-۱۳).

۵- او روح خود را بر تمامی ایمانداران جاری کرده است (یوحنا ۱۴: ۱۶ ؛ ۱۶: ۷ ؛ اعمال ۲: ۳۳)، و به تمامی مردم هدیه توبه و ایمان را داده است (اعمال ۵: ۳۱ ؛ ۱۱: ۱۸ ؛ رومیان ۱۲: ۳ ؛ دوم تیموتائوس ۲: ۲۵ ؛ دوم پطرس ۱: ۱) و ایمانداران را به اعضای کلیسا تعمیم می دهد (یوحنا: ۳۳ ؛ اول قرنتیان ۱۲: ۱۳). اینها ثمرات معراج و تجلیل یافتن مسیح هستند. این گواهی بر اینست که ما

نمی توانیم نجاتمان را تنها در مرگ عیسی کامل بدانیم، بلکه نجات ما نیاز به رستاخیز جسمانی او از مردگان، معراج و تجلیل یافتن او در دست راست خدای پدر را نیز دارد.

سوالات این درس:

۱. آیا مرگ عیسی مسیح برای نجات ما کافی است؟ اگر نه، چه موارد دیگر برای نجات ضروری هستند؟
۲. سه مورد از اهمیت قیام مسیح را بنویسید؟
۳. با استفاده از اول قرن‌تین ۱۵: ۱۴-۱۹ توضیح دهید که اگر مسیح از مردگان بر نمی‌خاست چه اتفاقی می‌افتاد؟
۴. در عهد جدید معیار قدرت خدا در چه چیزی به نمایش گذاشته شده است؟
۵. نوع قیام مسیح چگونه بود، سه مورد را نام ببرید؟
۶. چندین چیز وجود دارند که قیام جسمانی عیسی را اثبات می‌کنند. سه مورد را با آیه ای برای هر یک بنویسید؟
۷. دو بحث اثبات قیام عیسی مسیح کدامها هستند؟
۸. چندین مورد که شاهدان، مسیح را بعد از قیام از مردگان دیدند را با ذکر آیه ای نام ببرید؟
۹. چند نمونه از تأثیراتی که قیام جسمانی عیسی مسیح بر تاریخ مسیحیت گذارد را نام ببرید؟
۱۰. ثمرات قیام مسیح کدامها هستند؟
۱۱. معراج و تجلیل یافتن مسیح که دو چیز متمایز هستند را جداگانه شرح دهید؟
۱۲. چندین چیز وجود دارند که در تجلیل یافتن مسیح شامل بودند. سه مورد را با ذکر آیه ای برای هر یک بنویسید؟
۱۳. پنج مورد از ثمرات معراج و تجلیل یافتن مسیح را با ذکر آیه ای برای هر یک نام ببرید؟

آیه های کلیدی این درس: لوقا ۲۴: ۱-۱۲؛ یوحنا ۲۰: ۱-۲۹؛ اول قرن‌تین ۱۵: ۱۲-۱۹

درس ۳۳ : جهنم

امروزه اعتقاد به وجود جهنم توسط بسیاری از ادیان و حتی توسط بعضی از کلیسا نفی شده است.

کنت اس. کانتزر نویسنده مجله "مسیحیت امروز" و شبان کلیسایی چندین سال قبل اعتراف کرد که چندین دهه است که پیامی درباره جهنم موعظه نکرده است.

میری، شبان کلیسای متودیست گفت: "اعضای کلیسای من اگر پیامی درباره جهنم بشنوند، متحیر خواهند شد." اعضای کلیسای او از سطح کلاس بالا با تحصیلات و نقطه نظرات بالا می باشند که خدا را به عنوان یک خدای دلسوز و مهربان می شناسند نه خدایی که مردم را به جهنم بفرستد.

جهنم یکی از سخت ترین موضوعی است که بعضی از مسیحیان می توانند قبول کنند. چرا؟ شاید مردم به دلیل آگاهی به گناهان خود و اینکه گناهکارند، به یاد جهنم می افتند و این موضوع باعث می شود که وجدانشان عذاب بکشد. عده ای بحث مجازات و داوری را کنار می گذارند و عده ای دیگر آن را با محبت پدر آسمانی ناسازگار می دانند. اما مجازات نهایی شیرین و گناهکاران جایگاه والایی در کتاب مقدس دارد. عیسی مسیح و یوحنا رسول پیوسته درباره جهنم تعلیم دادند. تمام پیامی که در هر یک از صفحات کتاب مقدس وجود دارد، باید ایمان آورده و مورد عمل واقع شود.

جهنم چیست؟

جهنم محل ناپدید شدن از حضور خداست. از ۱۶۲ متنی که عهد جدید درباره مجازاتی که منتظر بی ایمانان است، ۷۰ متن از آنها توسط خود عیسی مسیح تعلیم داده شد.

"در آتش مشتعل و انتقام خواهد کشید از آنانی که خدا را نمی شناسند و انجیل خداوند ما عیسی مسیح را اطاعت نمی کنند، که ایشان به قصاص هلاکت جاودانی خواهند رسید از حضور خداوند و جلال قوت او." دوم تسالونیکیان ۱: ۸، ۹

عیسی مسیح به آنانی که به دروغ اعتراف به خداوند بودن مسیح می کنند ولی به گفته های او عمل نمی کنند، فرمود: "آنگاه به ایشان صریحاً خواهیم گفت که هرگز شما را نشناختم! ای بدکاران از من دور شوید!" متی ۷: ۲۳

چندین واژه برای جهنم در کتاب مقدس وجود دارد.

۱) **شیبول:** واژه شیبول ۶۵ بار در کتاب مقدس ذکر شده که مربوط می شود به:

الف- محل دفن شدن جسد (قبر).

ب- محل سکونت تمامی انسانها بعد از مرگ.

ج- محل سکونت روان انسان.

آیا شیول می تواند همیشه معنی قبر را داشته باشد، چنانکه شاهدان یهوه اعتقاد دارند؟ خیر،

چندین متن مختلف در کتاب مقدس نشان می دهد که واژه های شیول و جهنم برای مجازات شریران و گناهکاران بکار برده می شود.

• **مزامیر ۹: ۱۷** "شریران به جهنم خواهند برگشت و همه امتهایی که خدا را فراموش کنند." در این آیه جهنم (شیول) مکانی است که برای شریران آماده شده. آن نمی تواند فقط به معنی قبر باشد، زیرا همه شریران و عادلان به قبر بازگشت می کنند.

• **امثال ۲۳: ۱۴** "پس او را با چوب بزن، و جان او را از جهنم (شیول) نجات خواهی داد." بکار بردن چوب برای تنبیه، جان بچه ها را از جهنم نجات می دهد. هیچ مقدار از تنبیه شدن بچه ها توسط والدینشان، آنها را نمی تواند از قبر نجات دهد.

• **لوقا ۱۶: ۲۳** "پس چشمان خود را در جهنم (عالم اموات) گشوده، خود را در عذاب یافت، و ابراهیم را از دور و ایلعازر را در آغوشش دید." این خیلی واضح است که جهنم (عالم اموات) به سادگی نمی تواند قبر باشد، زیرا عذاب و مجازات بعد از مرگ به طور آشکار در این متن دیده می شود.

شیول (هاویه) نام عمومی برای محل یک شخص بعد از مرگ می باشد خواه مکانی برای جسد باشد یا برای روح و روان یک شخص (ایماندار یا بی ایمان).

(۲) **هادیس:** واژه یونانی به معنای دنیای مردگان است که در عهد جدید استفاده شده و مترادف واژه عبری شیول می باشد. تمامی مردگان به "شیول" یا "هادیس" می روند. کاربرد این واژه تاکید دارد به مکان جسم یا مکان روان. اگر به مکان روان انسان دلالت کند، می تواند مکان شخص نجات یافته یا نجات نیافته باشد که می توانیم این را از متن تشخیص دهیم. معنی آن فقط از داخل متن مفهوم می شود.

(۳) **جهنما** - دره هنوم. دره عمیق و باریک که در جنوب غربی قسمت بیرونی دیوارهای اورشلیم که محل آتشدان دائمی و انبار زباله بود. لاشه حیوانات، جسد جنایتکاران و زباله شهر به این مکان ریخته می شد و با آتش سوزانیده می شد. عیسی مسیح از این دره استفاده کرد تا به مردم درباره مجازات ابدی آتش جهنم تعلیم دهد.

۴) **تارتاروس** - در پست ترین قسمت عمقی هادیس قرار دارد که فرشته های رانده شده (جن ها) در آنجا زندانی و منتظر روز قیامت و داوری هستند. "زیرا هرگاه خدا بر فرشتگانی که گناه کردند، شفقت نمود، بلکه ایشان را به جهنم انداخته، به زنجیرهای ظلمت سپرد، تا برای داوری نگاه داشته شوند." دوم پطرس ۲: ۴

جهنم از کجا بوجود آمد؟

- ۱) **جهنم توسط عیسی مسیح آفریده شد.** "زیرا که در او (مسیح) همه چیز آفریده شد، آنچه در آسمان و آنچه بر زمین است از چیزهای دیدنی و نادیدنی و تختها و سلطنتها و ریاسات و قوات؛ همه بوسیله او و برای او آفریده شد." کولسیان ۱: ۱۶
- ۲) **عیسی مسیح جهنم را برای انسان نیافرید بلکه برای ابلیس و فرشتگان وی.** "ای ملعونان، از من دور شوید در آتش جاودانی که برای ابلیس و فرشتگان او مهیا شده است." متی ۲۵: ۴۱
- ۳) **از آنجاییکه عیسی مسیح جهنم را آفریده، بنابراین او از وجود جهنم آگاهی دارد.** در مقایسه با بهشت، او بیشتر درباره جهنم تعلیم داد و به مردم هشدار داد تا توبه کنند و به او ایمان آورند تا از رفتن به آن مکان عذاب نجات یابند.

جهنم چگونه مکانی است؟

- ۱) **جهنم مکانی است برای مجازات.** در متی ۲۵: ۴۶ عیسی مسیح فرمود: "و ایشان در عذاب جاودانی خواهند رفت، اما عادلان در حیات جاودانی."
 - ۲) **جهنم مکانی است برای عذاب.** "پس چشمان خود را در جهنم (عالم اموات) گشوده، خود را در عذاب یافت، و ابراهیم را از دور و ایلعازر را در آغوشش دید." لوقا ۱۶: ۲۳
 - ۳) **جهنم مکانی است از آتش خاموش نشدنی.** "او غربال خود را در دست دارد و خرمن خود را نیکو پاک کرده، گندم خویش را در انبار ذخیره خواهد نمود، ولی کاه را در آتشی که خاموشی نمی پذیرد خواهد سوزانید." متی ۳: ۱۲
- "پسر انسان ملائکه خود را فرستاده، همه لغزش دهندگان و بدکاران را جمع خواهند کرد، ۴۲ و ایشان را به تنور آتش خواهند انداخت، جایی که گریه و فشار دندان بود." متی ۳: ۴۱، ۴۲

- "و مرگ و دنیای مردگان به دریاچه آتش انداخته شد. این است مرگ دوم یعنی دریاچه آتش. و هر که در دفتر حیات مکتوب یافت نشد به دریاچه آتش افکنده گردید." مکاشفه ۲۰: ۱۴، ۱۵
- (۴) **جهنم مکان به یاد آوردن خاطرات این دنیا و خواسته های دست نیافته است.** مطابق انجیل لوقا ۱۶: ۲۵ مرد ثروتمندی که به جهنم رفت خاطرات زندگی خود و رابطه اش با ایلعازر را به یاد آورد. او طلب آب کرد ولی نتوانست آن را به دست بیاورد. مردم در جهنم زمانی که پیام انجیل را در این دنیا شنیده و رد کرده بودند را به خاطر می آورند و در نتیجه تا به ابد پشیمان خواهند شد.
- (۵) **تشنگی.** مرد ثروتمند از ابراهیم التماس کرد که "ایلعازر را بفرست تا سر انگشت خود را به آب تر ساخته زبان مرا خنک سازد، زیرا در این آتش عذاب می کشم." (لوقا ۱۶: ۲۴) در حالیکه این امتناع شد. تصور کنید که نتوانید تا ابد در آتش سوزان آب بنوشید. عیسی در یوحنا ۷: ۳۷ به ما آب زنده تعارف می کند. "عیسی ایستاده، ندا کرد و گفت، هر که تشنه باشد نزد من آید و بنوشد."
- (۶) **دوری و جدایی.** مردم در جهنم جدایی ابدی بین خود و خدا را تجربه می کنند. آنها قدر همه چیزهای خوب زندگی که در زمین داشتند را ندانستند و حالا تا ابد از نعمتهای خوب خدا دور خواهند شد. بسیاری از مردم تمسخر کنان می گویند، "من در جهنم تنها نخواهم بود، چون همه دوستانم آنجا خواهند بود." دوستی در مکان عذاب هیچ معنی و مفهومی ندارد.
- (۷) **بی عدالتی و نجاسات گناه.** "هر که ظالم است، باز ظلم کند و هر که نجس است، باز نجس بماند" (مکاشفه ۲۲: ۱۱). هیچ کس دوست ندارد که مورد ظلم و نجاست دیگران قرار بگیرد. مردم در جهنم تا ابد این شرایط را تجربه خواهند کرد.
- (۸) **یأس و نومیدی ابدی.** جهنم جایگاه ابدی کسانی است که نجات نیافته اند. دیر یا زود مردم در جهنم پی می برند که تا ابد باید در جهنم باشند بدون داشتن راه فرار. در لوقا ۱۶: ۲۶ ابراهیم به مرد ثروتمند گفت، "و علاوه بر این، در میان ما و شما ورطه عظیمی است، چنانچه آنانی که می خواهند از اینجا به نزد شما عبور کنند، نمی توانند و نه نشینندگان آنجا نزد ما توانند گذشت."
- (۹) **بوی تعفن گوگرد.** "لکن ترسندگان و بی ایمانان و خبیثان و قاتلان و زانیان و جادوگران و بت پرستان و جمیع دروغ گویان، نصیب ایشان در دریاچه افروخته شده به آتش و گوگرد خواهد بود. این است موت ثانی." مکاشفه ۲۱: ۱۱
- (۱۰) **دیدن، شنیدن، لمس کردن، چشیدن، و بوییدن** حس هایی هستند که مردم در جهنم دارند. در لوقا ۱۶: ۱۹-۳۱ مرد ثروتمند می توانست ابراهیم را "ببیند"، صدایش را "بشنود"، آتش را "لمس کند"، می خواست که قطره آبی را "بچشد"، و بوی متعفن گوگرد را "ببوید".
- (۱۱) **شیطان و دیوها** با کسانی که مسیح را رد کرده اند آنجا خواهند بود.
- (۱۲) **مکان کرم ها.** "جایی که کرم ایشان نمیرد و آتش، خاموشی نپذیرد." مرقس ۹: ۴۴، ۴۶

۱۳) **حقارت و تنفر.** "و بسیاری از آنانی که در خاک زمین خوابیده‌اند بیدار خواهند شد، اما اینان به جهت حیات جاودانی و آنان به جهت خجالت و حقارت جاودانی." (دانیال ۱۲: ۲). مردمانیکه در جهنم زجر می‌کشند، بدن غیر فانی دریافت خواهند کرد و بعد از اینکه داوری شدند با حقارت و تنفر بر گناهانشان به دریاچه آتش افکنده خواهند شد. آنها شرمسار خواهند شد و از جایگاهشان تا ابد تنفر خواهند داشت.

۱۴) **گریه و فشار دندان.** متی ۸: ۱۲ "اما پسران ملکوت بیرون افکنده خواهند شد، در ظلمت خارجی جایی که گریه و فشار دندان باشد." کسانیکه امروز مغرور هستند و عیسی منجی را رد کرده‌اند تا ابد گریه کرده و دندان بر دندان می‌فشارند. آنها از کسانیکه ایشان را فریب داد و از رفتن به بهشت باز داشت، تا ابد عصبانی شده و دندان بر دندان می‌فشارند.

جهنم (هاویه) در کجا واقع است؟ جهنم در اندرون کره زمین قرار دارد.

- "اگر به هاویه فرو روند.. " عاموس ۹: ۲
- "هاویه از زیر برای تو متحرک است." اشعیا ۱۴: ۹
- "اما این صعود نمود، چیست؟ جز اینکه اول نزول هم کرد به اسفل زمین." افسسیان ۴: ۹
- "و ایشان با هر چه به ایشان تعلق داشت، زنده به چاه فرو رفتند،" اعداد ۱۶: ۳۳
- "و اما آنانی که قصد جان من دارند هلاک خواهند شد و در اسفل زمین فرو خواهند رفت." مزامیر ۶۳: ۹

دانشمندان با تحقیقات و آزمایشات عمیق به این نتیجه دست یافتند که مرکز کره زمین حرارتی دارد با ۳۷۰۰۰ درجه فارنهایت. انسانها تلاش کردند که داخل زمین را کنده تا به نفت و مخازن داخل زمین دست پیدا کنند اما نتوانستند بیشتر از ۲ کیلومتر بکنند. در ازای هر کیلومتری که داخل زمین فرو می‌روی، درجه حرارت ۱۵ درجه سانتی‌گراد افزایش پیدا می‌کند. این امر ثابت می‌کند که کتاب مقدس درباره جهنم که داخل زمین است، واقعیت را بیان می‌کند. آتش و خاکستری که از آتشفشانها فواران می‌کند، درست از جهنم نشأت می‌گیرد و از آتشفشانها بیرون می‌آید. "از این سبب هاویه حرص خود را زیاد کرده و دهان خویش را بی حد باز نموده است و جلال و جمهور و شوکت ایشان و هر که در ایشان شادمان باشد در آن فرو می‌رود." (اشعیا: ۵: ۱۴)

چه کسانی به جهنم می‌روند؟

الف) جهنم مقصد شیران است.

۱. طبق یوحنا ۸: ۲۱-۲۴ عیسی مسیح فرمود که کسانی که به او ایمان ندارند در گناهانشان خواهند مرد.

۲. او همچنین فرمود که جایی که او می رود، آنها نمی توانند ببینند (آیه ۲۱).

۳. عیسی مسیح کجا رفت وقتی که به آسمان صعود کرد؟

الف) خانه پدر (یوحنا ۱۴: ۲)

ب) بهشت (لوقا ۲۴: ۵۱ و اعمال ۱: ۱۰)

۴. طبق یوحنا ۳: ۳۶ کسانی که به عیسی مسیح ایمان ندارند، تحت غضب خدا قرار می گیرند. "آنکه به پسر ایمان آورده باشد، حیات جاودانی دارد و آنکه به پسر ایمان نیاورد حیات را نخواهد دید، بلکه غضب خدا بر او می ماند."

۵. طبق دوم تسالونیکیان ۱: ۷-۹ خداوند از کسانی که او را نمی شناسند و کلامش را انکار می کنند، انتقام خواهد گرفت. "و شما را که عذاب می کشید، با ما راحت بخشد در هنگامی که عیسی خداوند از آسمان با فرشتگان قوت خود ظهور خواهد نمود ۸ در آتش مشتعل و انتقام خواهد کشید از آنانی که خدا را نمی شناسند و انجیل خداوند ما عیسی مسیح را اطاعت نمی کنند، که ایشان به قصاص هلاکت جاودانی خواهند رسید از حضور خداوند و جلال قوت او."

۶. این دسته از آدمها به قصاص هلاکت جاودانی می رسند و از حضور خدا جدا می شوند (آیه ۹). کسانی که به عیسی مسیح ایمان نمی آورند و او را به عنوان نجات دهنده خود قبول نمی کنند، به بهشت نخواهند رفت. آنها در گناهان خود مرده و از حضور خداوند تا به ابد دور شده به دریاچه آتش افکنده خواهند شد.

ب) جهنم دستمزد زندگی گناه آلود شریران و گناهکاران است. طبق رومیان ۶: ۲۳، مزد گناه مرگ است. مکاشفه ۲۰: ۱۴ این مرگ را به عنوان جهنم و دریاچه آتش معرفی می کند که مرگ دوم نامیده می شود.

نکته: مرگ دوم به معنای از بین رفتن و نابود شدن نیست. مرگ دوم یعنی زندگی کردن به دور از خدا در جهنم که خداوند آن را برای همین منظور آفریده. مرگ دوم به این معنی نیست که شخص نابود شود و وجود خارجی نداشته باشد، زیرا گناهکاران قبل از اینکه از دنیا بروند، حتی در این دنیا مرده محسوب می شوند. (اول تیموتائوس ۵: ۶ و افسسیان ۲: ۱ و یوحنا ۵: ۲۴، ۲۵). مکاشفه ۲۱: ۸ این مرگ دوم را شرح می دهد. "لکن ترسندگان و بی ایمانان و خبیثان و قاتلان و زناکاران و جادوگران و بت پرستان و جمیع دروغگویان، نصیب ایشان در دریاچه فروخته شده به آتش و کبریت خواهد بود. این است مرگ دوم."

آیا جهنم برای همه گناهکاران یکسان است؟ خیر، در جهنم سطح مجازات فرق می کند.

۱. مرقس ۶: ۱۱، شهری که کلام خدا را بشنود و آن را رد کند، مجازات شدیدتری خواهد داشت.

" و هر جا که شما را قبول نکنند و به سخن شما گوش نگیرند، از آن مکان بیرون رفته، خاک پایهای خود را بیفشانید تا بر آنها شهادتی گردد. هر آینه به شما می گویم حالت سدوم و غموره در روز جزا از آن شهر شدیدتر خواهد بود."

۲. **شهر خورزین و بیت صیدا به دلیل توبه نکردن بعد از مشاهده معجزات عظیم مسیح، در روز قیامت مجازات سخت تری خواهند داشت.**

" لیکن در هر شهری که رفتید و شما را قبول نکردند، به کوچه های آن شهر بیرون شده بگویید، ۱۱ حتی خاکی که از شهر شما بر ما نشسته است، بر شما می افشانیم. لیکن این را بدانید که ملکوت خدا به شما نزدیک شده است. و به شما می گویم که حالت سدوم در آن روز، از حالت آن شهر سهل تر خواهد بود. وای بر تو ای خورزین؛ وای بر تو ای بیت صیدا، زیرا اگر معجزاتی که در شما ظاهر شد، در صور و صیدون ظاهر می شد، هر آینه مدتی در پلاس و خاکستر نشسته، توبه می کردند." لوقا ۱۰: ۱۰-۱۳

۳. **در لوقا ۱۲: ۴۱-۴۸ خادم سرکش که اراده اربابش را دانسته ولی به آن عمل**

نکرده بود، تازیانه بسیار خورد. در آیه ۴۸ آن خادمی که ندانسته کار شایسته را انجام نداد، تازیانه کمتری خورد. "به کسی که بیشتر عطا شده، از او بیشتر مطالبه خواهد شد."

نکته: هر دو خادم در این متن مجازات شدند، زیرا لایق خوردن تازیانه بودند (آیه ۴۸). ولی حد مجازاتشان فرق می کرد.

۴. **قانون حکم می کند که مجرم باید مجازات شود.** در رومیان ۲: ۱۱-۱۶ پولس رسول می

گوید که خدا در هنگام داوری کردن برای کسی تبعیض قائل نمی کند. از آنجایی که خدا برای کسی تبعیض قائل نمی شود، حکم او عادلانه است.

این چه نقشی را ایفا می کند:

(الف) در آیه ۱۲ کسانی که شریعت خدا را ندارند (امتها)، بدون شریعت هلاک خواهند شد.

(ب) همچنین در آیه ۱۲، کسانی که تحت شریعت گناه کرده اند (یهودیان)، با شریعت محکوم می شوند. به عبارتی دیگر، خداوند هر کسی را مطابق با آن نوری که دریافت کرده قضاوت خواهد کرد. همه داوری خواهند شد و همه نجات نیافتگان در دریاچه آتش هلاک خواهند شد.

سوالات پایه ای:

۱- آیا جهنم یعنی همان قبر است، جاییکه نیکان و بدان باید در آن دفن شوند؟

خیر- چون در لوقا ۱۶: ۱۹-۳۱ هر دو نفر در قبر دفن شدند، ولی روان ایلعازر در فردوس تسلی یافت و روان مرد ثروتمند در جهنم عذاب کشید.

۲- چگونه ممکن است که خدای رحیم و مهربان، انسانها را به جهنم بفرستد؟

این انسانها هستند که خودشان را با رد کردن عیسی مسیح به عنوان نجات دهنده شان به جهنم می فرستند. خدا رحیم و مهربان است که عیسی مسیح را فرستاد تا برای گناهان ما بمیرد که مبادا ما به جهنم برویم، ولی در عین حال خدای عادل باید گناهکارانی کفاره برای گناهانشان ندارند را مجازات کند.

سوالات این درس:

۱- جهنم چیست؟

۲- چهار واژه ای که برای جهنم در کتاب مقدس ذکر شده اند را نام ببرید؟

۳- جهنم را چه کسی آفرید؟

۴- جهنم برای چه کسی آفریده شد؟ آیه ای را در این مورد بنویسید؟

۵- جهنم چگونه مکانی است؟ ۵ مورد را نام ببرید؟

۶- جهنم در کجا واقع است با ذکر آیه ای بنویسید؟

۷- چه کسانی به جهنم می روند؟

۸- "آنکه به پسر ایمان آورده باشد، دارد و آنکه به پسر ایمان نیاورد حیات را

..... بلکه خدا بر او می ماند." یوحنا ۳: ۳۶

۹- مرگ دوم چیست؟

۱۰- آیا جهنم برای همه گناهکاران یکسان است؟ آیه ای را در این باره بنویسید؟

۱۱- کسانیکه شریعت خدا (ده فرمان) را ندارند و کسانیکه آنها دارند چگونه داوری خواهند شد؟

آیه های کلیدی این درس: متی ۳: ۱۲؛ متی ۱۳: ۴۱، ۴۲؛ لوقا ۱۶: ۱۹-۳۱؛ مکاشفه ۲۰: ۱۴،

درس ۳۴: بهشت

بهشت چیست؟

نام دیگر بهشت آسمان است. کتاب مقدس سه آسمان (بهشت) را ذکر کرده است.

۱. آسمان اول "فلک" (اتمفسر) نامیده می شود، جایی که پرندگان پرواز می کنند و جایی که ما تنفس می کنیم. پیدایش ۱: ۸ و "و خدا فلک را آسمان نامید." (همچنین ارمیا ۴: ۲۵ و دانیال ۴: ۱۲ را بخوانید).
 ۲. آسمان دوم **فضا** است، جایی که ستارگان وجود دارند. پیدایش ۲۲: ۱۷ "هر آینه تو را برکت دهم، و ذریت تو را کثیر سازم، مانند ستارگان آسمان، و مثل ریگهایی که بر کناره دریاست." (همچنین به نحمیا ۹: ۲۳ رجوع کنید).
 - مزامیر ۱۹: ۱ "آسمان جلال خدا را بیان می کند و فلک از عمل دستهایش خبر می دهد."
 ۳. آسمان سوم **بهشت** است، جایی که خداوند سکونت دارد و تخت سلطنت او در آنجاست. متی ۶: ۹ "ای پدر ما که در آسمانی، نام تو مقدس باد."
- در این درس ما راجع به آسمان سوم (بهشت) خواهیم پرداخت.

صهیون چیست؟

صهیون نام دیگر اورشلیم است. آن همچنین به سه اسم دیگر در کتاب مقدس ذکر شده است:

۱. صهیون "شهر داوود" نامیده می شود. این شهر، شهر اصلی اورشلیم است مخصوصاً قسمت پایینی و سمت جنوبی کوه معبد. "و داوود قلعه صهیون را گرفت که همان شهر داوود است." دوم سموئیل ۵: ۷
۲. در کتاب مقدس، صهیون اورشلیم دوره هزار سال است (هزار سال سلطنت زمینی مسیح). "و در ایام آخر واقع خواهد شد که کوه خانه خداوند بر قله کوهها ثابت خواهد شد و فوق تلها برافراشته خواهد گردید و جمیع امتهای بسوی آن روان خواهند شد. و قوم های بسیار عزیمت کرده، خواهند گفت: بیاید تا به کوه خداوند و به خانه خدای یعقوب برآییم تا طریق های خویش را به ما تعلیم دهد و به راههای وی سلوک نماییم زیرا که شریعت از صهیون و کلام خداوند از اورشلیم صادر خواهد شد." اشعیا ۲: ۲-۳

۳. صهیون شهر خدای زنده نامیده می شود. این دلالت بر بهشت دارد. "بلکه تقرب جسته اید به کوه صهیون و شهر خدای زنده یعنی اورشلیم آسمانی و نزد بی شماری از محفل فرشتگان." (عبرانیان ۱۲: ۲۲). ما در این درس به آخرین شهر ذکر شده بالا اشاره خواهیم کرد.

بهشت از کجا بوجود آمد؟

۱. بهشت توسط خداوند آفریده شد. پیدایش ۱: ۱
۲. بهشت مکان جاودانی است. "زیرا می دانیم که هرگاه این خانه زمینی خیمه ما ریخته شود، عمارتی از خدا داریم، خانه ای ساخته نشده به دستها و جاودانی در آسمانها." دوم قرنتیان ۵: ۱

مرگ برای مسیحیان چه مفهومی دارد؟

۱. دوم قرنتیان ۵: ۶-۸ را بخوانید. این متن به ما می آموزد که:
الف) مادامی که در جسم هستیم، از خداوند غایب می باشیم.
ب) زمانی که از جسم غیبت کنیم، به نزد خداوند می رویم.
۲. فیلیپیان ۱: ۲۳-۲۴ را بخوانید. پولس رسول آرزو می کرد که رحلت کند و پیش مسیح رود. "زیرا در میان این دو سخت گرفتار هستم، چونکه خواهش دارم که رحلت کنم و با مسیح باشم، زیرا این بسیار بهتر است. لیکن در جسم ماندن برای شما لازم تر است."

۳. عبرانیان ۱۲: ۲۲-۲۳ را بخوانید. "بلکه تقرب جسته اید به کوه صهیون و شهر خدای زنده یعنی اورشلیم آسمانی و به جنود بی شماره از محفل فرشتگان. و کلیسای نخستزادگانی که در آسمان مکتوبند و به خدای داور جمیع و به ارواح عادلان مکمل." این متن به ما می آموزد که در شهر خدای زنده:

- ۱- تعداد بی شماری از فرشتگان وجود دارند. (مکاشفه ۵: ۱۱)
- ۲- جمع عمومی و کلیسای نخستزاده وجود دارد. مکاشفه ۵: ۹
- ۳- خداوند، قاضی همه انسانها وجود دارد. متی ۶: ۹
- ۴- ارواح عادلان کامل وجود دارند. عبرانیان ۱۲: ۲۳
۴. در لوقا ۱۶: ۲۲ ایلعازر مرد و بوسیله فرشتگان به فردوس منتقل شد.

بسیاری از ادیان و کلیساهای دروغین تعالیم دروغینی دارند که عبارتند از:

بروزخ: مکان موقتی برای ایماندارانی که به اندازه کافی عادل نیستند تا بتوانند وارد بهشت شوند.

خوابیدن روان: ایمانداران برای زمان موقت تا اینکه توسط پیهوه خداوند قیام کنند.

تناسخ: این تعلیم کشورهای آسیای شرقی و کلیساهای عصر جدید است که ادعا می کنند، روان مردگان دوباره در یک جسم و شکل دیگر تولد پیدا می کند. روان انسان بر می گردد به زمین تا در یک بدن تازه ساکن شود. کلام خداوند بطور آشکار اعلام می کند که زمانیکه یک مسیحی می میرد، روح و روانش بلافاصله به حضور عیسی مسیح انتقال داده می شود. (بدن جسمانی به خاک می رود تا منتظر قیام خود باشد).

اگر بازگشت عیسی مسیح در زندگی ما اتفاق نیافتد، ما می توانیم مطمئن باشیم که هنگامی که از دنیا می رویم، بلافاصله به بهشت خواهیم رفت. ما به خانه ابدی می رویم تا با خداوند عیسی مسیح باشیم. مرگ مانند اینست که امتحان کنکور را پشت سر بگذاریم و وارد دانشگاه شویم. مزامیر ۲۳: ۴ به حقیقت می پیوندد. "چون در وادی سایه موت نیز راه روم از بدی نخواهم ترسید زیرا تو با من هستی؛ عصا و چوب دستی تو مرا تسلی خواهد داد."

آیا همدیگر را در بهشت خواهیم شناخت؟

کتاب مقدس می گوید که ما می توانیم در بهشت همدیگر را تشخیص دهیم (خانواده، دوست، فامیل، و مقدسان کتاب مقدس).

۱- داود نبی انتظار داشت تا به پسر مرحومش بپیوندد (دوم سموئیل ۱۲: ۱۸-۲۳).

۲- ایمانداران در تسالونیک می خواستند مردگانشان را دوباره ملاقات کنند.

ایمانداران تسالونیک به خاطر رحلت عزیزانشان غمگین بودند، برای همین پولس رسول متن شگفت انگیزی راجع به ربوده شدن ایمانداران نوشت (اول تسالونیکیان ۴: ۱۳-۱۷) تا آنان را از وضعیت ایماندارانی که در عیسی مسیح رحلت کرده اند را آگاه سازد. او فرمود که ایمانداران رحلت کرده دوباره با یک بدن غیر فانی زنده خواهند شد.

۳- پطرس، یعقوب و یوحنا در بالای کوهی که عیسی مسیح به اتفاق موسی و ایلیای نبی که با بدنی پر شکوه ظاهر شدند را دیدند و آنها را تشخیص دادند (متی ۱۷: ۱-۴).

۴- در بهشت هر ایمانداری یک بدن با شکوه دریافت خواهد کرد. مطابق با اول قرتیان ۱۵: ۳۵-۵۳ این بدن با شکوه در حادثه ربوده شدن ایمانداران دریافت خواهد شد.

۵- بدن با شکوه چگونه خواهد بود؟

بدن عیسی مسیح بعد از قیامش را در نظر بگیرید.

(الف) او قابل تشخیص بود. یوحنا ۲۰: ۲۰

(ب) او قابل لمس بود. یوحنا ۲۰: ۲۷

ج) او قادر بود که با دیگران ارتباط برقرار کند. اعمال ۱: ۳

د) بدن او از موانع فیزیکی رد می شد. یوحنا ۲۰: ۱۹ و لوقا ۲۴: ۳۱

ذ) او قادر به خوردن غذا می بود. لوقا ۲۴: ۳۶-۴۳

۶- در یوحنا ۲۰: ۱۵ مریم مجدلیه او را تشخیص نداد. او فکر کرد که عیسی یک باغبان معمولی بود.

۷- در لوقا ۲۴: ۱۵-۱۸ عیسی مسیح در راه عمواس به دو نفر پیوست. آنها به مسافت ۱۲ کیلومتر همراه با عیسی مسیح راه رفته و با او صحبت کردند. آن دو نفر فکر کردند که مسیح فقط یک آدم معمولی بود.

۸- مطابق با فیلیپیان ۳: ۲۱ بدن ما در هنگام ربایش تغییر پیدا می کند. "که شکل جسد ذلیل ما را تبدیل خواهد نمود تا به صورت جسد مجید او مصور شود، برحسب عمل قوت خود که همه چیز را مطیع خود بگرداند."

۹- اول یوحنا ۳: ۲ "ای حبیبان الآن فرزندان خدا هستیم و هنوز ظاهر نشده است آنچه خواهیم بود لکن می دانیم که چون او ظاهر شود مانند او خواهیم بود زیرا او را چنانکه هست خواهیم دید."

بهشت چه شکلی است؟

چه کسی می تواند دقیقاً بهشت را توصیف کند. کتاب مقدس در اول قرنتیان ۲: ۹ می گوید، "چیزهایی را که چشمی ندید و گوشی نشنید و به خاطر انسانی خطور نکرد، یعنی آنچه خدا برای دوستداران خود مهیا کرده است."

۱- خدای پدر در آنجاست. "زیرا مسیح به قدس ساخته شده به دست داخل نشد که مثال مکان حقیقی است بلکه به خود آسمان تا آنکه الآن در حضور خدا بجهت ما ظاهر شود." عبرانیان ۹: ۲۴

۲- عیسی مسیح در آنجاست (لوقا ۲۴: ۵۱ و اعمال ۳: ۲۰-۲۱).

۳- منزلگاههای ایمانداران در آنجاست. (یوحنا ۱۴: ۲)

۴- شیطان در آنجا نیست! (مکاشفه ۲۰: ۱۰).

۵- چیزهایی که در بهشت وجود ندارند:

• مرگ (مکاشفه ۲۱: ۴)

• غم (۲۱: ۴)

• اشک (۲۱: ۴)

• گریه (۲۱: ۴)

- درد (۲۱: ۴)
- معبد (۲۱: ۲۲)
- خورشید و ماه (۲۱: ۲۳)
- شب (۲۱: ۲۵ و ۲۲: ۵)
- گناه (۲۱: ۲۷)
- بیماری (۲۲: ۲)
- لعنت (۲۲: ۳)
- کسانیکه به کلام نبوت کتاب مقدس اضافه یا کم می کنند. (مکاشفه ۲۲: ۱۸ و ۱۹)
- "زیرا که سگان و جادوگران و زانیان و قاتلان و بت پرستان و هر که دروغ را دوست دارد و به عمل آورد، بیرون می باشند." مکاشفه ۲۲: ۱۵

بهشت مکانیست کامل!

مکاشفه ۲۲: ۱-۵ بهشت را توصیف می کند که آن مکانی است از خشنودی و ارضای کامل، تأمین کامل، بی گناهی کامل، سلطنت کامل، خدمت کامل، مشارکت کامل، مالکیت کامل، و شکوه و جلال کامل.

اورشلیم آسمانی چگونه خواهد بود؟

محور اصلی بهشت جاودانی یا شهر مقدس (اورشلیم نو) خود خداست. بعد از ۱۰۰۰ سال سلطنت خداوندمان عیسی مسیح بر روی زمین و بعد از تخت سفید داوری، خدا زمین و آسمانها را نابود خواهد کرد و زمین و آسمانی نو خواهد آفرید و سپس ما به شهر ابدی خدا منتقل خواهیم شد. طبق مکاشفه ۲۱: ۳ خدا با ما ساکن خواهد شده و خدای ما خواهد بود. این یاد آور ارتباط خدا با آدم و حوا در باغ عدن است قبل از اینکه آنها گناه ورزیدند. انسانها خدا را با جلالش خواهند دید و او را طوری خواهند شناخت که تا آن زمان آنگونه نشناخته اند. از این آسمان تازه شهر مقدس یعنی اورشلیم نو نازل خواهد شد. "و شهر مقدس اورشلیم جدید را دیدم که از جانب خدا از آسمان نازل می شود، حاضر شده چون عروسی که برای شوهر خود آراسته است." مکاشفه ۲۱: ۲

چه کسانی در اورشلیم نو ساکن خواهند شد؟

آن محل سکونت خدا و فرشتگان مقدس او می باشد. در مکاشفه ۲۱: ۹-۱۰ این شهر، عروس بره نامیده می شود. این شهر محل سکونت عروس مسیح (کلیسا) است که مقدسین خداوند می باشند. تمامی مقدسان از تمامی دوران تاریخ در آنجا حضور خواهند داشت.

۱. در عبرانیان ۱۱: ۱۰، ۱۶ ابراهیم امیدوار بود که در آن شهر نو ساکن شود.
۲. در مکاشفه ۲۱: ۲۴ امتهای نجات یافته در آن ساکن خواهند بود.
۳. در مکاشفه ۲۱: ۲۷ آنها یکباره اسمشان در دفتر حیات بره ثبت می شود، در آن ساکن می شوند.

مساحت اورشلیم نو چقدر خواهد بود؟

طبق مکاشفه ۲۱: ۱۶ این شهر به شکل مکعب مربع است که عرض، طول و ارتفاع آن بطور مساوی به طول ۲۴۰۰ کیلومتر است.

آن شهر از چه چیزهایی ساخته خواهد شد؟

۱. طبق مکاشفه ۲۱: ۲۱، این شهر دوازده دروازه دارد که هر دروازه یک مروراید است.
۲. دیواری عظیم اطراف این شهر را احاطه کرده که ارتفاع آن حدود ۶۶ متر است.
۳. خیابانهای آن از طلای ناب است. ساختمانها از طلای ناب است. سنگهای فونداسیون آن از سنگهای گرانبها ساخته شده است.
۴. طبق مکاشفه ۲۱: ۲۳ شهر نیازی به روشنایی نور آفتاب یا ماه ندارد، زیرا جلال خدا آنرا منور می سازد.
۵. در اورشلیم نو معبدی برای پرستش وجود ندارد، زیرا خدای پدر و خدای پسر معبد آن هستند (آیه ۲۲). در عهد عتیق معبد خدا نماد و سمبلی از حضور خدا بود. نماد و سمبل دیگر نیاز نیست، زیرا خود خدا آنجا حضور دارد.

در بهشت چه کاری انجام خواهیم داد؟

۱. **مشارکت و ارتباط نزدیک با خدا تا به ابد.** مکاشفه ۲۲: ۴ "و چهره او را خواهند دید." یوحنا ۱۴: ۳ "جاییکه من هستم شما نیز باشید."
۲. **آرامی یافتن از خدمت های سنگین زندگی.** مکاشفه ۱۴: ۱۳ "تا از زحمات خود آرامی یابند." یکی از عواقب گناه لعنت، عرق ریختن با کار سنگین برای امرار معاش بود. هنگامی که به بهشت می رویم ما به خدمت ادامه خواهیم داد ولی خستگی خدمت وجود نخواهد داشت.
۳. **خدمت هیجان انگیز.** "و بندگانش او را خدمت خواهند نمود." مکاشفه ۲۲: ۳ "آنکه در اندک امین باشد در امر بزرگ نیز امین بود." لوقا ۱۶: ۱۰
۴. **سلطنت.** "و تا ابدالابد سلطنت خواهند کرد." مکاشفه ۲۲: ۵ "و اگر تحمل کنیم، با او سلطنت هم خواهیم کرد..." دوم تیموتائوس ۲: ۱۲

۵. **پرستش.** "آنگاه آن بیست و چهار پیر می افتند در حضور آن تختنشین و او را که تا ابدآباد زنده است عبادت می کنند." مکاشفه ۴: ۱۰
- "زیرا که پدر مثل این پرستندگان خود را طالب است." یوحنا ۴: ۲۳. ما از عظمت خداوند در بهشت شگفت زده خواهیم شد و در پاسخگویی به عظمتش، او را پرستش خواهیم کرد.
۶. **سرود خواندن.** "و سرودی جدید می سرایند و می گویند، مستحق هستی." مکاشفه ۵: ۹
- "و فدیة شدگان خداوند بازگشت نموده، با ترنم به صهیون خواهند آمد و خوشی جاودانی بر سر ایشان خواهد بود. و شادمانی و خوشی را خواهند یافت و غم و ناله فرار خواهد کرد." اشعیا ۳۵: ۱۰
۷. **خوردن و آشامیدن.** "و آنکه غالب آید، از منّا مخفی برای خوردن به وی خواهیم داد." مکاشفه ۲: ۱۷
- "و نهری از آب حیات به من نشان داد که درخشنده بود، مانند بلور و از تخت خدا و برّه جاری می شود." مکاشفه ۲۲: ۱
- "و هر که تشنه باشد، بیاید و هر که خواهش دارد، از آب حیات بی قیمت بگیرد." مکاشفه ۲۲: ۱۷
۸. **شام عروسی بره.** "و مرا گفت، بنویس، خوشبحال آنانی که به شام عروسی برّه دعوت شده اند." مکاشفه ۱۹: ۹

سوالات این درس:

- ۱- چند آسمان وجود دارد؟ اسم هر یک را نام ببرید؟
- ۲- صهیون چیست؟
- ۳- طبق دوم قرن تیان ۵: ۶-۸ مرگ برای مسیحیان چه معنی دارد؟
- ۴- در شهر خدای زنده چه کسانی وجود دارند؟
- ۵- آیا همدیگر را در بهشت خواهیم شناخت؟ یک مثال از کتاب مقدس در این باره بیان کنید؟
- ۶- بدن با شکوه ما در بهشت چگونه خواهد بود؟
- ۷- چیزهایی که در بهشت وجود ندارند را نام ببرید؟
- ۸- اورشلیم آسمانی چگونه خواهد بود؟ بطور مختصر شرح دهید؟
- ۹- چه کسانی در اورشلیم نو ساکن خواهند شد؟
- ۱۰- شهر اورشلیم نو از چه چیزهایی ساخته شده است؟
- ۱۱- ما در بهشت چه کاری انجام خواهیم داد؟ پنج مورد را نام ببرید؟

آیه های کلیدی این درس: عبرانیان ۱۲: ۲۲؛ مکاشفه ۲۱: ۲؛ مکاشفه ۲۲: ۱-۵

درس ۳۵: جدایی

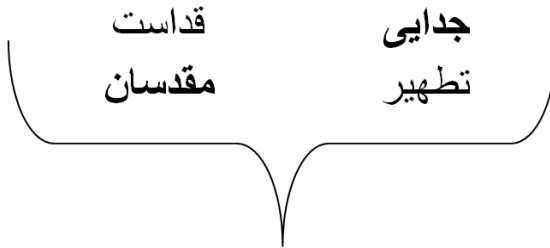
جدایی یک جدایی شخصی و همچنین عمل سپاسگزاری است برای چیزهایی که خداوند برای ما انجام می دهد. کتاب مقدس می گوید: "ما او را محبت می نماییم زیرا که او اول ما را محبت نمود" (اول یوحنا ۴: ۱۹). جدایی یک عمل رایج میان کلیساهایی است که با کلام خدا زندگی می کنند.

جدایی به نحوه زندگی و رفتار ما به عنوان فرزندان خدا دارد. این مبحث به مقدس بودن ما تأکید می کند، چنانچه خداوند به ما فرمان داده است. "مقدس باشید زیرا که من قدوسم." (اول پطرس ۱: ۱۶). مهمترین موضوع این درس به طرز تفکر و ذهنیت ما بستگی دارد. مقدس بودن می بایست خواسته همه ما مسیحیان باشد چون خدا آن را از ما می خواهد. آن میوه و ثمره زندگی ما هنگام مشارکت با خداست. یک مسیحی روحانی، به مسیحی مقدس تبدیل می شود و نه مسیحی "از تو مقدس تر" (اشعیا ۶۵: ۵). **قدوسیت، عدالت خدا در ما است ولی "از تو مقدس تر" عدالت خودی** است که شخص خود را بهتر و مقدستر از سایر مسیحیان می داند که این بر خلاف خواسته خداست.

ما در دنیایی زندگی می کنیم که به سرعت تمام اخلاقیات از سوی انسانها انکار شده و ارزش چیزهای معنوی از بین می رود. این ضد اخلاقیات و فساد بطور جدی بر مسیحیان و کلیساهای تأثیر گذاشته است که بعضی مواقع تشخیص دادن یک مسیحی از یک شخص بی ایمان دشوار می شود.

منظور از "جدایی" چیست؟

۱. چهار کلمات معنوی را معانی یکسان برای واژه جدایی وجود دارند. لطفاً به شکل زیر توجه کنید.



همه این چهار کلمه معنی اصلی "سوا شده" را دارند

ا. وقتی که کتاب مقدس می گوید که خدا مقدس است، یعنی که او از تمامی آفرینش "برجسته یا جدا شده" است.

ب. وقتی که کتاب مقدس می گوید "خداوند را در قلبهایتان تقدیس کنید" یعنی اینکه ما باید خداوند را از تمامی خدایان و بتها جدا کنیم.

۲- دو جنبه جدایی در زندگی

جدایی کاربردی



به عنوان یک مسیحی ما باید بطور جدا شده (مقدسانه) برای خدا زندگی کنیم.

"بلکه مثل آن قنّوس که شما را خوانده است، خود شما نیز در هر سیرت، مقدّس باشید."
(اول پطرس ۱: ۱۵)

جدایی جایگاهی



با ایمان به مسیح ما جدا می شویم برای خدا

"و به این اراده مقدّس شده ایم، به قربانی جسد عیسی مسیح، یک مرتبه فقط."
(عبرانیان ۱۰: ۱۰)

۳- دو مسیر جدایی

جدایی از
بی خدایی



جدایی برای
خداوند

دو روی یک سکه

و همشکل این جهان مشوید بلکه به تازگی ذهن خود صورت خود را تبدیل دهید تا شما دریافت کنید که اراده نیکوی پسندیده کامل خدا چیست.
(رومیان ۱۲: ۲)

لهذا ای برادران، شما را به رحمت‌های خدا استعدا می‌کنم که بدنهای خود را قربانی زنده مقدّس پسندیده خدا بگذرانید که عبادت معقول شما است.
(رومیان ۱۲: ۱)

۱- **ذات خدا:** اول پطرس ۱: ۱۶ می گوید: "مقدس باشید زیرا که من قدوسم."

۲- **نجات:** اول قرنتیان ۶: ۱۹، ۲۰ می گوید:

ا. "از آن خود نیستید"

ب. "زیرا که به قیمتی خریده شدید"

ج. "پس خدا را جلال دهید در بدنتان و در روحتان که از آن خداست."

۳- **تولد دوباره:** طبق دوم قرنتیان ۵: ۱۷

ا. مسیحیان به عنوان خلقت تازه یاد شده اند.

ب. چیزهای کهنه در گذشته است. یعنی روش زندگی گذشته (روشی که ما قبل از ایمانمان رفتار و

فکر و می کردیم) که زندگی گناه آلود گذشته ما بود.

۴- **کلام خدا:** کتاب مقدس در دوم قرنتیان ۶: ۱۷ بطور واضح می گوید که "از میان ایشان بیرون

آیید و جدا شوید."

جدایی از دنیا:

۱- طبق یوحنا ۱۵: ۱۹ ایمانداران در دنیا هستند ولی از آن دنیا نیستند زیرا خداوند

آنها را از این دنیا برگزیده و برای خود خوانده است.

جدایی انزوا و یا گوشه گیری نیست.

جدایی بدین معنی نیست که ما وارد یک زندگی منزوی می شویم و هیچ رابطه ای با غیر مسیحیان نمی توانیم داشته باشیم. عیسی مسیح هر روز با گناهکاران و بی ایمانان رابطه داشت و برای این عمل او توسط مذهبون ریاکار مورد سرزنش قرار گرفت. "و واقع شد چون او در خانه به غذا نشسته بود که جمعی از باجگیران و گناهکاران آمده، با عیسی و شاگردانش بنشستند. و فریسیان چون دیدند، به شاگردان او گفتند، چرا استاد شما با باجگیران و گناهکاران غذا می خورد؟ عیسی چون شنید، گفت، نه تندرستان، بلکه مریضان احتیاج به طبیب دارند. لکن رفته، این را دریافت کنید که، رحمت می خواهم نه قربانی؛ زیرا نیامده ام تا عادلان را، بلکه گناهکاران را به توبه دعوت نمایم. متی ۹: ۱۰-۱۳

۲- **طبق اول یوحنا ۲: ۱۵، ایمانداران باید:** "دنیا را و آنچه در دنیاست دوست مدارید زیرا اگر

کسی دنیا را دوست دارد، محبت پدر در وی نیست." وقتی که کتاب مقدس در این متن از "دنیا" سخن می گوید، منظور آفرینش خداوند و تدارکات مادی او و غیره نیست بلکه منظور از آن "سیستم

دنیا" است که زیر سلطه شیطان می باشد. اول یوحنا ۲: ۱۶ دنیا را در سه مفهوم زیر تعریف می کند:

ا. شهوت جسم ب. خواهش چشم ج. غرور زندگانی

۳- اول یوحنا ۲: ۱۷ تعلیم می دهد که انجام دادن اراده و خواسته خدا مهمترین و پایدارترین چیزی است که ما می توانیم انجام دهیم.

۴- طبق یعقوب ۴: ۴ دنیوی بودن یک زنای روحانی محسوب می شود. در این آیه خداوند دوستی با دنیا را دشمنی با خدا می خواند. این منطقی نیست که کسی دو سیستم مخالف را دوست داشته باشد (نیکو و شر- روحانی و جسمانی).

۵- رومیان ۱۲: ۲ به ما تعلیم می دهد که "هم شکل این جهان نشویم."

۶- یعقوب ۱: ۲۷ دین صاف و خالص را بدینگونه تعریف می کند: "پرستش صاف و بی‌عیب نزد خدا و پدر این است، که یتیمان و بیوه‌زنان را در مصیبت ایشان تفقد کنند، [و] خود را از آرایش دنیا نگاه دارند."

۷- یک مسیحی دنیوی کسی است که وقت خود را به ارضا کردن خواهشهای جسم صرف می کند که این عمل از ذات کهنه و گناه آلود انسان است. لیست اعمال جسم در غلاطیان ۵: ۱۹-۲۱ آمده است. "و اعمال جسم آشکار است، یعنی زنا و فسق و ناپاکی و فجور، و بُت پرستی و جادوگری و دشمنی و نزاع و کینه و خشم و تعصب و شقاق و بدعتها، و حسد و قتل و مستی و لهو و لعب و امثال اینها که شما را خبر می‌دهم، چنانکه قبل از این دادم، که کنندگان چنین کارها وارث ملکوت خدا نمی‌شوند."

ناحیه های مختلف جدایی شخصی: جدایی بر رفتار و ناحیه مختلف زندگی ما اثر می گذارد، به عنوان مثال: چیزی که ما نگاه می کنیم، جاهایی که می رویم، کارهایی که انجام می دهیم، طرز ظاهر و لباس پوشیدن، سخنانی که می گوئیم، با کسانی که معاشرت می کنیم، و غیره. آیا رفتار و زندگی شما طبق تعالیم کتاب مقدس است؟ این درس سعی نمی کند که لیست چیزهایی را به ما بدهد تا آنها را انجام دهیم یا ندهیم، بلکه تا ما بتوانیم به زندگی شخصی خود دیدگاه معنوی داشته باشیم.

۱- چیزهایی که باید به چشم های خود اجازه نگاه کردن به آنها را بدهیم.

ا. "چیزی بد را پیش چشم خود نخواهم گذاشت." مزامیر ۱۰۱: ۳

ب. در ایوب ۳۱: ۱، ۷ ما می بینیم که ایوب با خدا عهد بست که چشمانش را برای نگاه کردن به چیزهای شهوت آلود استفاده نکند.

چرا ما باید چشمان خود را از دیدن چیزهای زشت منع کنیم؟ چون دیدن آنها جان انسان را می رنجاند. مرثیه ۳: ۵۱ را در نظر داشته باشید. "چشمانم به جهت جمیع دختران شهرم، جان مرا می‌رنجانند."

درس کاربردی درباره جدایی:

۱- توجه کردن به نقاط زیر از جدایی شخصی تأثیر عمده ای در زندگی ما می گذارد:

- **خواندن کتاب و مجله.** نشریات مبتذل و سکسی (چاپ شده یا مجازی) عفت یک مسیحی را بی حرمت می کند. مجله هایی که مدل، آرایش و رمان را تبلیغ می کنند، باعث تشویق و بنای زندگی معنوی یک مسیحی نمی شود.
- **برنامه های تلویزیون و ویدئو.** مهمترین دکمه کنترل تلویزیون دکمه "Off" است. داشتن تلویزیون در خانه چیز زائده ای است که باعث تبلی و چاقی انسان می شود. به جای اینکه ساعتها پای برنامه تلویزیون بنشینیم، ما می توانیم آن زمان را صرف خدمت خدا و بشارت دادن بکنیم. تلویزیون تأثیر به سزایی در افکار کودکان و نوجوانان می گذارد به جای اینکه حکمت و پندهای والدین بر آنها تأثیر بگذارند. ما باید با حکمت تفریحات و سرگرمیهای خود را انتخاب کنیم.
- **سرگرمی ها و فیلمهای دنیوی و غیر سالم.** فیلمهای هالیوود (با صحنه های خشن و سکسی و تخیلی) نه تنها به رشد معنوی ما کمک نمی کنند بلکه افکار و قلب پاک ما را آلوده می کنند و ما را از خدا دور می سازند.

۲- **مکانهایی که باید به خود اجازه رفتن دهیم.** خداوند عیسی مسیح هر لحظه ممکن است که بازگشت کند، و ما نباید در آن موقع که او را ملاقات کنیم خجل زده شویم. در اول یوحنا ۲: ۲۸ خداوند می فرماید: "الآن ای فرزندان در او ثابت بمانید تا چون ظاهر شود، اعتماد داشته باشیم و در هنگام ظهورش از وی خجل نشویم." اینها مکانهایی هستند که ما نباید برویم: دیسکو، کنسرت خواننده های پاپ و راک، فاحشه خانه، قمار خانه، مراکز رقص و سینماها با فیلمهای هالیوود، سرگرمیهای دنیوی و غیره.

۳- **لباسهایی که باید بپوشیم.** مدل و طرز لباس پوشیدن مسئله دشواری است که می تواند از هرزگی به حجاب کامل تمام سر و صورت چرخش داشته باشد. کتاب مقدس در این باره ما را بطور کامل راهنمایی می کند. گرچه طرز تفکر و خواسته شخص برای معنویات، بستگی به خود شخص مسیحی دارد که می خواهد طبق آنها رفتار کند.

۴. طرز لباس پوشیدن ما نشان می دهد که چه نوع شخصی هستیم، و چه چیزی در دل ما است و فلسفه و دیدگاه ما از زندگی چیست. (امثال ۷: ۱۰) " که اینک زنی به استقبال وی می آمد، در لباس زانیه و در خبثت دل." لباس این زن فاحشه ذات دل او را آشکار می کند.

ب. معیار لباس پوشیدن زنان اینست که به لباس با حیا مزین شوند. "و همچنین زنان خویشتن را بیارایند به لباس مزین به حیا و پرهیز، نه به زلفها و طلا و مروارید و رخت گرانبها" اول تیموتائوس ۲: ۹

ج. ساق عریان در کتاب مقدس به عنوان لخت بودن فرض شده است. در اشعیا ۴۷ خدا بر بابل به دلیل شرارتش مجازات و داوری خود را اعلام می کند. گرچه خدا در این متن به حالت نمادین سخن می گوید، او در اشعیا ۴۷: ۲-۳ می فرماید: "دامنت را بر کیش و ساقها را برهنه کرده، از نهرها عبور کن. عورت تو کشف شده، رسوایی تو ظاهر خواهد شد." آشکار کردن ساق یک زن با باز کردن ساق پا معادل لختی و عریان بودن است.

مردان معمولاً از دیدن اندام زن وسوسه و تحریک می شوند. وقتی که یک زن لباس و دامن کوتاه می پوشد یا هر لباس چسبان، تنگ، بریده بریده، یا لباس کوتاه برش داده شده ای که می پوشد، فرم اندام او برجسته می شود که این باعث تحریک آقایان می شود. **یک زن مسیحی نباید با پوشیدن چنین لباسی باعث لغزش و تحریک برادران مسیحی مجرد و متأهل شود.** عیسی مسیح فرمود: "لیکن من به شما می گویم، هر کس به زنی نظر شهوت اندازد، همان دم در دل خود با او زنا کرده است." متی ۵: ۲۸

آیا پوشیدن شلوار جین و یا شلوار کار پارچه ای برای خانمها طبق کلام خدا درست است؟ مدل امروزی اجازه می دهد که زنان شلوار جین و یا شلوار پارچه ای بپوشد. آیا این طرز لباس پوشیدن و مزین شدن زنان با شلوار چیز با حکمتی است؟ در این باره به نکته های زیر توجه کنید:

- کتاب مقدس تعلیم می دهد که از ابتدا خدا انسان را مرد و زن آفرید تا کاملاً جدا و قابل تشخیص و متمایز باشند. در تثبیه ۲۲: ۵ خدا مخالف دو جنسه بودن است. "متاع (لباس) مرد بر زن نباشد، و مرد لباس زن را نپوشد، زیرا هر که این را کند مکروه یهوه خدای توست."
- حدود پنجاه سال پیش، زنان شروع کردند به پوشیدن لباس مردان، انجام کار مردان، و همچنین در فعالیتهای مردان شرکت کردند.
- انتخاب پوشیدن لباس جنس مخالف در کتاب مقدس نهی شده است زیرا این عمل فرق بین جنس ها را مبهم می کند و بنابراین نظم و ترتیبی که خدا در آفرینش خود گذاشته را به هم می ریزد.
- زنان باید مثل خانم ها لباس بپوشند، و آقایان نیز مثل مردها. خدا مرد و زن را در دو جنس کاملاً مخالف ولی مشترکاً جذاب آفرید.

د. حدود و مرزهای انتخاب کردن لباس: باید از خود سوال کنیم:

- آیا انتخاب لباس از لحاظ اخلاقی چیزی که پاک و خالص است را منعکس می کند؟ یا آیا پیشنهادی و وسوسه انگیز است؟
- آیا آن مردانگی یا زن بودن ما را ظاهر می کند؟

گزیده ای درباره لباس پوشیدن

مسیحیان به عنوان انعکاس دهندگان قدوسیت خدا در دنیایی که درک نمی شوند، باید مواظب طرز لباس پوشیدن باشند. ایمانداران مسیحی نیاز به بینش و حکمت فراوان دارند. آنها در هر فرهنگ و نسلی باید مراقب باشند تا اصول و حد و مرزهای ذکر شده بالا را رعایت کنند. در کلیساها خانمهایی که خدا را دوست دارند و می خواهند قدوسیت خداوند را در لباس پوشیدن منعکس کنند، دامن بلند که اندازه آن تا پایین زانو باشد و لباس بالا تنه ای که سینه ها را پوشش دهد، می پوشند. آقایان نیز لباس پارچه ای ساده و شیک (ترجیحاً کت و شلوار با پیراهن) ولی نه بسیار گران قیمت که باعث پُز و خودنمایی باشد.

چیزی که مشخص است اینست که در طی سالهای ۱۹۶۰ و ۱۹۷۷ میلادی یک انقلاب اجتماعی صورت گرفت که قسمتی از آن کنار گذاشتن فرق بین زن و مرد بود. آیا این انقلاب از طرف خدا بود؟ مسلماً خیر. این توسط کسانی صورت گرفت که ضد خدا و ضد نظم و مقررات او بودند. آیا خدا این را تأیید کرد؟ البته که نه، او در تثبیه ۲۲: ۵ می فرماید که باید بین مرد و زن فرق گذاشته شود و در اول قرنیتان ۱۱: ۱۴-۱۶ او بیان می کند که باید درازای موی مرد و زن باید حدود تعیین کننده خدا را منعکس کند.

ه. مسئله همیشگی دیگر، مدل و درازای موی مرد و زن است.

تعالیم و اصول عمومی در این باره در کتاب مقدس بصورت زیر آمده است:

- "آیا خود طبیعت شما را نمی آموزد که اگر مرد موی دراز دارد، او را عار می باشد؟" (اول قرنیتان ۱۱: ۱۴)
- "و اگر زن موی دراز دارد، او را فخر است، زیرا که موی بجهت پرده بدو داده شد؟" (اول قرنیتان ۱۱: ۱۵)

دراز بودن مو چقدر باید باشد؟ کوتاه بودن یعنی چقدر کوتاه؟ بجای اینکه دنبال پیدا کردن حدود درازای و کوتاهی مو باشیم، باید اول خودمان را تسلیم و مطیع خدا گردانیم که بالاتر و مهمتر از این سوالات بی خود و بی جهت است و بعد از مطیع خدا بودن می توانیم بینش داشته باشیم که چگونه موی سر خود را کوتاه کنیم.

۴- حرف زدنهای ما چگونه باشد؟

ا. در یعقوب ۳: ۲-۱۳ متن خوبی در رابطه با زبان و سخن گفتن آمده است.

- "و زبان آتشی است! آن عالم ناراستی در میان اعضای ما زبان است که تمام بدن را می‌آلاید."
 - "لکن زبان را کسی از مردمان نمی‌تواند رام کند؛ شرارتی سرکش و پر از زهر قاتل است!"
 - "از یک دهان برکت و لعنت بیرون می‌آید! ای برادران، شایسته نیست که چنین شود."
- ب. افسسیان ۴: ۲۵ می گوید که باید "دروغ گفتن را کنار بگذاریم" و آیه ۲۹ به ما تعلیم می دهد که "مخالف سخنهاى زشت باشیم."
- ج. باید با فیض سخن بگوییم. "گفتگوی شما همیشه با فیض باشد و اصلاح شده به نمک، تا بدانید هر کس را چگونه جواب باید داد." کولسیان ۴: ۶
- با این طرز فکر قانع نباشید که "من دروغ نمی گویم و فحاشی و لعنت نمی کنم." یک مسیحی بالغ از سخنانی استفاده می کند که دیگران را بنا و تشویق کند. ما گناه دروغ و لعنت کردن را کمتر مرتکب می شویم تا گناه خبرچینی، غیبت گوئی، گزافه گوئی و نام خدا را بیهوده بیاد بردن.

۵- با چه کسانی که باید معاشرت کنیم؟

- ا. طبق مزامیر ۱: ۱ شخصی در زندگی برکت می گیرد که: "خوشبحال کسی که به مشورت شریران نرود و به راه گناهکاران نایستد، و در مجلس استهزاکنندگان ننشیند."
- ب. طبق اول قرننتیان ۵: ۱۱ ما نباید با مسیحیانی همراه باشیم که دنیوی و از خدا برگشته هستند.
- ج. طبق امثال ۲۲: ۲۴ ما باید از آدمهای عصبانی دوری کنیم.
- د. طبق امثال ۹: ۶ و ۱۳: ۲۰ و ۱۴: ۷ و ۲۳: ۹ ما باید از نادانان دوری کنیم. چرا؟ لطفاً مزامیر ۱۴: ۱ و امثال ۱: ۷ و ۱۲: ۱۵ و ۱۴: ۹ را بخوانید.
- ه. ما نباید به فضول و خبر چینیان گوش دهیم. (امثال ۱۶: ۲۷-۲۸؛ ۱۸: ۸؛ ۲۰: ۱۹؛ ۲۶: ۲۰-۲۲؛ دوم تسالونیکیان ۳: ۱۱؛ اول تیموتائوس ۵: ۱۳).

چگونه با خبر چینان برخورد کنیم؟ بهترین راه جلوگیری از خبرچینی اینست که به آن شخص چیزی مانند این را بگوییم. "یک لحظه لطفاً، بیا برویم سراغ آن کسی که درباره اش صحبت می کنی و در مقابل او راجع به او حرف بزنی."

۶- چیزهایی که درباره اش باید فکر کنیم.

این ناحیه از قدوسیت شخصی به کیفیت درونی انسان ربط دارد تا به رفتار ظاهری. هیچکس نمی تواند بداند که ما به چه چیزهایی فکر می کنیم به جز خدا. بیشتر مواقع مسیحیان در این ناحیه یا برنده می شوند یا بازنده.

- ۱- "خلاصه ای برادران، هرچه راست باشد و هرچه مجید و هرچه عادل و هرچه پاک و هرچه جمیل و هرچه نیک نام است و هر فضیلت و هر مدحی که بوده باشد، در آنها تفکّر کنید." فیلیپیان ۴: ۸
- ۲- یک شاعر در شعرش می گوید: فکر را بکارید تا عمل را درو کنید. عمل را بکارید تا عادت را درو کنید. عادت را بکارید تا شخصیت را درو کنید. شخصیت را بکارید تا مقصد را درو کنید.
- ۳- آیه های کتب مقدس را حفظ کنید تا برای روحتان در هنگام نیاز غذایی باشد. و به آنها عمل کنید.

جدایی در شراکتهای نزدیک

۱. دوم قرنتیان ۶: ۱۴ به ما هشدار می دهد که با بی ایمانان شراکت نزدیک نداشته باشیم. "زیر یوغ ناموافق با بی ایمانان مشوید."

۲. اصلی ترین و مهمترین اصول در آیه بالا در امر ازدواج است.

أ. ازدواج کردن با یک شخص بی ایمان و نجات نیافته یک عمل اشتباه و خطرناک برای مسیحیان است.

ب. یوغ ناموافق در این رابطه پیش بینی شده است. (دوم قرنتیان ۶: ۱۴-۱۶ را بخوانید) "زیر یوغ ناموافق با بی ایمانان مشوید، زیرا عدالت را با گناه چه مشارکت و نور را با ظلمت چه همدلی است؟ و مسیح را با بلیعال چه مناسبت و مؤمن را با کافر چه نصیب است؟ و هیکل خدا را با بتها چه موافقت؟ زیرا شما هیکل خدای حیّ می باشید."

- عدالت با بی عدالتی = مشارکت
- نور و تاریکی = همدلی
- مسیح و بلیعال = مناسبت
- مومن و کافر = نصیب
- معبد خدا و بت = موافقت

ج. مسیحیان در هنگام یافتن شریک و همدم برای خود، اگر به این اصول کتاب مقدس عمل کنند، زمان، سکنه قلبی، و پول زیادی را پس انداز می کنند.

سه بهانه ای که مسیحیان نمی خواهند با جدایی زندگی کنند اینست که می گویند:

۱- سایر مسیحیان معیار ما را ندارند. این درست است که مسیحیان دیگر در گوش دادن ترانه، موزیک راک، مدل دنبوی، تفریحات و سرگرمیهای سوال برانگیز و غیره ایرادی نمی بینند. ولی این دلیل نمی شود که فکر کنیم آنها کار درستی انجام می دهند. ما باید کلام خدا را بخوانیم و ببینیم خدا از ما می خواهد که چگونه زندگی کنیم.

یعقوب ۴: ۱۷ می گوید: "پس هر که نیکویی کردن بداند و به عمل نیاورد، او را گناه است."

۲- مهمترین چیز اینست که یک مسیحی باید برای بشارت دادن هم شکل آدمهای نجات نیافته شود تا مورد قبول و پسند آنها باشد. این عقیده درستی نیست! انسان باید مورد

پسند خدا باشد نه انسان. "و تحقیق نمایید که پسندیده خداوند چیست." افسسیان ۵: ۱۰
یک مسیحی مقدس کسی است که پر از محبت، خوشی، صلح، صبر، آرامی، نیکویی، ایمان، تواضع، خودداری، و دلسوزی است که هیچ مشکلی برای بشارت دادن ندارد. ما برای بشارت دادن نباید مثل دیگران شویم تا آنها را به مسیح هدایت کنیم، بلکه باید شبیه عیسی مسیح شویم و بگذاریم که نور مسیح در ما بتابد تا دیگران با دیدن اعمال نیکوی ما به سوی آن نور کشیده شوند. "همچنین بگذارید نور شما بر مردم بتابد تا اعمال نیکوی شما را دیده، پدر شما را که در آسمان است تمجید نمایند." متی ۱۶: ۵

۳- من در مسیح آزادم. این صحیح است، ولی آزادی یک مجوز نیست. آزادی در مسیح اینست که ما کار درست را انجام دهیم و این هرگز به این معنی نیست که ما هر کاری را که بخواهیم، می توانیم انجام دهیم.

ا. طبق غلاطیان ۵: ۱۳ ما این آزادی در مسیح را نباید برای ارضای نفس و جسم خود استفاده کنیم. "زیرا که شما ای برادران به آزادی خوانده شده‌اید؛ اما زنه‌ار آزادی خود را فرصت جسم مگردانید، بلکه به محبت، یکدیگر را خدمت کنید." آزادی ما نباید برای اسارت عاداتهای بد و گناه استفاده شود.

ب. اول قرن‌تینان ۶: ۱۲ می گوید که ما نباید تحت تسلط چیزی قرار بگیریم. "همه چیز برای من جایز است لکن هرچیز مفید نیست. همه چیز برای من رواست، لیکن نمی‌گذارم که چیزی بر من تسلط یابد."

ج. آزادی ما محدود به چیزهایی است که باعث بنای دیگران شود. "همه چیز جایز است، لیکن همه مفید نیست؛ همه رواست، لیکن همه بنا نمی‌کند." اول قرن‌تینان ۱۰: ۲۳

د. آزادی بهانه ای برای مخفی کردن گناهان نیست، و نباید برای پوشش شرارت استفاده شود. "مثل آزادگان، اما نه مثل آنانی که آزادی خود را پوشش شرارت می‌سازند، بلکه چون بندگان خدا." اول پطرس ۲: ۱۶

ه. طبق اول قرن‌تینان ۸: ۹، آزادی ما نباید باعث لغزش مسیحی ضعیف شود. "لکن احتیاط کنید مبدا اختیار شما باعث لغزش ضعفا گردد."

چگونه می توانیم افکارمان را از چیزهای سوال بر انگیز دور کنیم؟

موارد زیر اصولی از کتاب مقدس است برای در نظر داشتن چیزهایی که برای رفتار یک مسیحی مورد قبول و یا چیزهایی که مورد قبول نیستند.

۱- **به بالا نظر افکنید.** "در آنچه بالا است تفکر کنید، نه در آنچه بر زمین است." کولسیان ۳: ۲

ا. آیا آن عمل و فعالیت فرمان خدا را می شکند؟

ب. آیا با شرکت کردن در آن و عمل کردن آن، خداوند جلال می یابد؟

ج. "پس خواه بخورید، خواه بنوشید، خواه هرچه کنید، همه را برای جلال خدا بکنید." اول قرتیان

۳۱: ۱۰

۲- **به درون نظر افکنید.** "یا نمی دانید که بدن شما هیکل روح القدس است که در شما است که از

خدا یافته اید و از آن خود نیستید؟ زیرا که به قیمتی خریده شدید، پس خدا را به بدن خود تمجید

نمایید." اول قرتیان ۶: ۱۹- ۲۰

ا. چه تأثیری آن بر من خواهد گذاشت؟

• بر بدنم؟

• بر ذهنم؟

ب. اگر در حین انجام آن فعالیت عیسی مسیح بازگشت کند، چه احساسی خواهم داشت؟

ج. آیا می توانم به همه اعلام کنم که آن عمل را انجام دادم؟ (یوحنا ۳: ۲۰)

د. آیا می توانم برای آن عمل دعا کنم و خدا را سپاس گویم؟

۳- **به بیرون نظر افکنید.** "و همچنین چون به برادران گناه ورزیدید و ضمائر ضعیفشان را صدمه

رسانیدید، همانا به مسیح خطا نمودید." اول قرتیان ۸: ۱۲

ا. چه تأثیری آن بر آدم نجات نیافته خواهد داشت؟

ب. آیا آن فعالیت به نظر چیز بدی است؟

ج. چه تأثیری آن بر یک مسیحی نجات یافته خواهد داشت؟

د. آیا آن باعث لغزش برادری می شود؟

زندگی خود را مطابق با تعالیم و اصول کتاب مقدس که در این درس آموختیم، آزمایش کنید. برای

تبدیل شدن به یک مسیحی روحانی، برای انجام کارهایی یا انجام ندادن آنها نباید لیست درست کنید.

روحانی بودن یک انسان از دل سرچشمه می گیرد که تشنه خدا می شود. خدا را دوست بدارید و ما

فوق توان خود برای او زندگی کنید. در طی این مرحله، مسیحیان دیگر را قضاوت و محکوم نکنید.

شاید آنها مثل شما زندگی نکنند.

"و اعمال جسم آشکار است، یعنی زنا و فسق و ناپاکی و فجور، و بُت پرستی و جادوگری و نفرت و اختلاف و هم چشمی و خشم و نزاع و فتنه و کفر، و حسد و قتل و مستی و لهو و لعب و امثال اینها که شما را خبر می‌دهم، چنانکه قبل از این دادم، که کنندگان چنین کارها وارث ملکوت خدا نمی‌شوند." غلاطیان ۵: ۱۹-۲۱

- **زنا** = رابطه جنسی شخص متأهل خارج از محدوده زناشویی.
- **فسق** = (پورنیا) این یک واژه عمومی است که برای تمام رابطه جنسی نامشروع استفاده می‌شود.
- **ناپاکی** = هر نوع ناخالصی اخلاق و معنویات که انسان را از خدا دور می‌کند.
- **فجور** = افراط و زیاده روی غیر قابل کنترل در سکس بدون شرم و حیا و بدون در نظر گرفتن اینکه دیگران چه فکر می‌کنند.
- **بت پرستی** = پرستش کردن هر چیزی که ساخت دست بشر باشد.
- **جادوگری** = این واژه ای بود که برای استفاده از داروهایی که باعث تغییر فکر و ذهن انسان می‌شود، به خصوص در مراسمات مذهبی برای تحریک کردن رابطه با خدایان.
- **نفرت** = مربوط می‌شود به طرز تفکر. طرز تفکر نفرت انگیز به سوی دیگران.
- **اختلاف** = مربوط می‌شود به طرز عمل (درگیری تلخ) به سبب طرز تفکر نفرت انگیز.
- **هم چشمی** = حسودی
- **خشم** = طغیان عصبانیت غیر قابل مهار.
- **نزاع** = بحث و درگیری به دلیل طغیان عصبانیت.
- **فتنه** = نفاق و اختلاف.
- **کفر** = عدم اتفاق، خصومت بین دو گروه.
- **حسد** = نشان دادن حسد به دلیل گناهان ذکر شده بالا.
- **قتل** = کشتن انسان. این آخر و عاقبت خشم، نزاع، فتنه، حسد و غیره است.
- **مستی** = سر مست شدن از مشروبات الکلی.
- **لهو و لعب** = میگساری و عیاشی کردن، خوش گذرانی کردن، داد و بیداد کردن، بلند و ناهنجار، و رفتار خام.

سوالات این درس:

۱- منظور از "جدایی" چیست؟

۲- دو جنبه جدایی در زندگی کدامند؟ هر کدام را شرح دهید؟

۳- چهار اساس جدایی عملی کدامند؟

۴- دو آیه از کتاب مقدس که به ما حکم می کند که از دنیا جدا شویم را بنویسید؟

۵- مسیحی دنیوی چگونه شخصی است؟

۶- در چه ناحیه هایی مختلف باید جدایی شخصی داشته باشیم؟

۷- آیا پوشیدن شلوار جین یا شلوار کار پارچه ای برای زنان مورد پسند خداست؟ آیه ای از کتاب مقدس را در این باره بنویسید؟

۸- (اول قرنتیان ۱۱: ۱۴) "آیا خود طبیعت شما را نمی آموزد که اگر مرد دارد، او را می باشد؟"

(اول قرنتیان ۱۱: ۱۵) "و اگر زن دارد، او را است، زیرا که بجهت بدو داده شد؟"

۹- با چه کسانی نباید شراکت کنیم؟

۱۰- "زیر یوغ ناموافق با مشوید، زیرا عدالت را با گناه چه و نور را با ظلمت چه است؟ و مسیح را با بلیعال چه و مؤمن را با کافر چه است؟ و هیکل خدا را با بتها چه؟ زیرا هیکل خدای حیّ می باشید،"

۱۱- سه بهانه که مسیحیان نمی خواهند با جدایی زندگی کنند را نام ببرید؟

۱۲- آزادی در مسیح را برای چه چیزهایی باید استفاده کنیم؟

۱۳- چگونه می توانیم سوالات را از چیزهای سوال بر انگیز برداریم؟ هر کدام را بطور مختصر توضیح دهید؟

آیه کلیدی این درس: دوم قرنتیان ۶: ۱۴-۱۸؛ اول پطرس ۱: ۱۶

درس ۳۶: ترس و اضطراب

هدف: اینست که از وسوسه ترس و نگرانی آگاه باشیم و از منابع خداوند که می‌تواند بر ترس و نگرانی غلبه کند، آشنا شویم و تا فرصتی برای ما باشد که به دیگران در غلبه کردن بر ترس و نگرانی یاری رسانیم.

عیسی مسیح با تسلط بر طبیعت، طوفان، مرگ، فاصله، و غیره ثابت کرد که الوهیت کامل و پری خدا را دارد. رسولان در حالیکه همه معجزات او را دیدند اما هنوز کم ایمان بودند و این کم ایمانی ترس و اضطراب در زندگی آنها بوجود آورد.

امروزه داشتن ترس و اضطراب در زندگی در میان همه مردم دنیا رایج است، اما با اعتماد کردن به خدا در همه شرایط زندگی می‌شود بر آن غلبه کرد. ترس و اضطراب در زندگی پایان نمی‌یابد، ولی در عوض می‌توانیم در ترس و اضطراب، آرامش و شادی خداوند را از طریق عیسی مسیح تجربه کنیم.

ترس و اضطراب و استرس گناهی است که می‌تواند ذهن ما را فلج کند، بدن را از جنبش و حرکت باز دارد، و مانع رشد ما در مسیح شود. آدم و حوا بعد از باور کردن دروغهای شیطان و مرتکب گناه شدن، ترس و اضطراب را برای اولین بار در زندگی خود تجربه کردند (پیدایش ۳: ۹-۱۰). شیطان با بوجود آوردن ترس و اضطراب در زندگی ما مانع رشد ما در مسیح می‌شود. اما در عوض خداوند نیز تمامی چیزهایی که برای غلبه به ترس و اضطراب نیاز است را به ما داده است. دوم تیموتائوس ۱: ۷ "زیرا خدا به ما روح ترس را نداده، بلکه قدرت و محبت و ذهن سالم را." (همچنین به متی ۶: ۲۵-۳۴؛ فیلیپیان ۴: ۶-۹؛ اول یوحنا ۴: ۱۸ و ۵: ۴-۵ رجوع کنید).

وقتی که ما برای خشنود کردن نفس خود زندگی می‌کنیم، موقعیتهایی که خداوند در زندگی ما بوجود می‌آورد تا به ما بیاموزد که چگونه به او اعتماد و توکل کنیم، در عوض تبدیل به ترس و اضطراب می‌شود. "ای خداوند بر تو توکل دارم؛ پس خجل نشوم تا به ابد. در عدالت خویش مرا نجات بده. گوش خود را به من فراگیر و مرا به زودی برهان. برایم صخره ای قوی و خانه‌ای حصین باش تا مرا خلاصی دهی. زیرا صخره و قلعه من تو هستی. به خاطر نام خود مرا هدایت و رهبری فرما. مرا از دامی که برایم پنهان کرده‌اند بیرون آور. زیرا قلعه من تو هستی. روح خود را به دست تو می‌سپارم. ای پیهوه، خدای حق، تو مرا فدیة دادی." مزامیر ۳۱: ۱-۵

موقعیتهایی که ما را به ترس و اضطراب وسوسه می کنند:

موقعیتهای زندگی	فکری و معنوی
مشرف بودن به مرگ	رَد کردن نجات عیسی مسیح
قبض و جریمه های غیر منتظرانه	نقشه برای انجام گناه یا پنهان گناهان گذشته
کاهش یا از دست دادن درآمد	تعویق یا تردید و دو دلی
زخمی شدن یا بیماری مزمن	دعا نکردن
جراحی قریب الوقوع	خبر نداشتن از آینده
احساس از دست دادن رابطه و دوستی	تلاش برای عوض کردن زندگی دیگران
جستجو کردن کلیسا، کار و خانه جدید	شکست خوردن در ترمیم گناه دیگران
آزار و شکنجه و تهدید	نبخشیدن دیگران
فرار فرزندان از خانه	خواستن راههای خود بطور همیشگی

واکنش ما هنگام ترس و اضطراب مطابق با کتاب مقدس:

۱. **ترس از خدا:** "تمامی اهل زمین از خداوند بترسند؛ جمیع سکنه ربع مسکون از او بترسند." مزامیر

۸:۳۳

"دل تو به جهت گناهکاران غیور نباشد، اما به جهت ترس خداوند تمامی روز غیور باش،" امثال ۲۳:

۱۷

ترس از خدا باعث:

۱. نجات انسان می شود. "یقیناً نجات او به ترسندگان او نزدیک است تا جلال در زمین ما ساکن

شود." مزامیر ۸۵: ۹

۲. افزایش حکمت و دانش انسان می شود. "ترس خداوند ابتدای حکمت است." مزامیر ۱۱۱: ۱۰

۳. پایداری انسان می شود. "از خیر بد نخواهد ترسید. دل او پایدار است و بر خداوند توکل دارد." مزامیر

۱۱۲: ۷

۴. بهبود سلامتی انسان می شود. "خویشتن را حکیم مپندار، از خداوند بترس و از بدی اجتناب نما. این برای ناف تو شفا، و برای استخوانهایت مغز خواهد بود." امثال ۳: ۷-۸
۵. طولانی شدن عمر انسان می شود. "ترس خداوند عمر را طویل می سازد، اما سالهای شیرین کوتاه خواهد شد." امثال ۱۰: ۲۷
۶. بدست آوردن انرژی و زنده دلی انسان می شود. "ترس خداوند چشمه حیات است، تا از دامهای موت اجتناب نمایند." امثال ۱۴: ۲۷
۷. ابراز محبت و نیکویی خداوند به انسان می شود. "زهی عظمت احسان تو که برای ترسندگان ذخیره کرده‌ای و برای متوکلان پیش بنی آدم ظاهر ساخته‌ای." مزامیر ۳۱: ۱۹
۸. بدست آوردن پاداش جاودانی برای انسان می شود. "و اَمّت‌ها خشمناک شدند و غضب تو ظاهر گردید و وقت مردگان رسید تا بر ایشان داوری شود و تا بندگان خود، یعنی انبیا و مقدّسان و ترسندگان نام خود را چه کوچک و چه بزرگ اجرت (پاداش) دهی و مُفسدان زمین را فاسد گردانی." مکاشفه ۱۱: ۱۸
۹. بودن چشم و حواس خداوند بر انسان می شود. "اینک چشم خداوند بر آنانی است که از او می ترسند، بر آنانی که انتظار رحمت او را می کشند. تا جان ایشان را از موت رهایی بخشد و ایشان را در قحط زنده نگاه دارد. جان ما منتظر خداوند می باشد. او اعانت و سپر ما است. زیرا که دل ما در او شادی می کند و در نام قدوس او توکل می داریم. ای خداوند رحمت تو بر ما باد، چنانکه امیدوار تو بوده ایم." مزامیر ۳۳: ۱۸-۲۲
۱۰. برکات خداوند شامل حال انسان می شود. "ترسندگان خداوند را برکت خواهد داد، چه کوچک و چه بزرگ." مزامیر ۱۱۵: ۱۳
۱۱. اطاعت کردن و انگیزه داشتن برای خدمت به خداوند می شود. "پس الان ای اسرائیل، یهوه خدایت از تو چه می خواهد، جز اینکه از یهوه خدایت بترسی و در همه طریقه‌هایش سلوک نمایی، و او را دوست بداری و یهوه خدای خود را به تمامی دل و به تمامی جان خود عبادت نمایی." (تثنیه ۱۰: ۱۲)
- "پس ای عزیزان، چون این وعده‌ها را داریم، خویشتن را از هر نجاست جسم و روح ظاهر بسازیم و قدوسیّت را در خدا ترسی به کمال رسانیم." دوم قرنتیان ۷: ۱
۱۲. داشتن اعتماد قوی می شود. "در ترس خداوند اعتماد قوی است، و فرزندان او را ملجأ خواهد بود." امثال ۱۴: ۲۶
- ۲. ترس نداشتن از انسانها.** "زهار از خداوند متمرد مشوید، و از اهل زمین ترسان مباشید، زیرا که ایشان خوراک ما هستند، سایه ایشان از ایشان گذشته است، و خداوند با ماست، از ایشان مترسید." اعداد ۹: ۱۴

"خدا ملجا و قوت ماست، و مددکاری که در تنگیها فوراً یافت می‌شود. پس نخواهیم ترسید، اگر چه جهان مبدل گردد و کوه‌ها در قعر دریا به لرزش آید. اگر چه آبهای آشوب کنند و به جوش آیند و کوه‌ها از سرکشی آن متزلزل گردند، سیلاهِ." مزامیر ۴۶: ۱-۳

به جای ترسیدن از انسان باید از خداوند بترسیم و به او توکل کنیم. "چون در وادی سایه موت نیز راه روم از بدی نخواهم ترسید زیرا تو با من هستی؛ عصا و چوبدستی تو مرا تسلی خواهد داد." مزامیر ۲۳: ۴

"بر خدا توکل دارم پس نخواهم ترسید آدمیان به من چه توانند کرد." مزامیر ۵۶: ۱۱

با محبت نسبت به دیگران عکس العمل نشان دهیم. "ایا خدام مسیح هستند؟ چون دیوانه حرف می‌زنم، من بیشتر هستم! در محنتها افزونتر، در تازیانها زیادتر، در زندانها بیشتر، در مرگها مکرر. از یهودیان پنج مرتبه از چهل یک کم تازیان خوردم. سه مرتبه مرا چوب زدند؛ یک دفعه سنگسار شدم؛ سه کُرت شکسته کشتی شدم؛ شبانه‌روزی در دریا بسر بردم؛ در سفرها بارها؛ در خطرهای نهرها؛ در خطرهای دزدان؛ در خطرهای قوم خود و در خطرهای اَمْت‌ها؛ در خطرهای شهر؛ در خطرهای بیابان؛ در خطرهای دریا؛ در خطرهای در میان برادران کذب؛ در محنت و مشقت، در بی خوابیها بارها؛ در گرسنگی و تشنگی، در روزه‌ها بارها؛ در سرما و عریانی. بدون آنچه علاوه بر اینها است، آن باری که هر روزه بر من است، یعنی اندیشه برای همه کلیساها. کیست ضعیف که من ضعیف نمی‌شوم؟ که لغزش می‌خورد که من نمی‌سوزم؟" دوم قرنیتان ۱۱: ۲۳-۲۹

۳. ما نباید نگران و مضطرب باشیم زیرا این عمل نشان می دهد که ما به خداوند توکل نداریم و این عمل مانع ثمره آوردن ما می شود. "اما آنچه در خارها افتاد اشخاصی می‌باشند که چون شنوند می‌روند و اندیشه‌های روزگار و دولت و لذات آن ایشان را خفه می‌کند و هیچ میوه به کمال نمی‌رسانند." لوقا ۸: ۱۴

محبت با اقتدار عیسی مسیح باعث خلع سلاح ترس می شود:

۱. عیسی مسیح با غلبه بر مرگ آنانی را که به او اعتماد می کنند، از ترس مرگ رهایی می دهد و آنها را از بردگی گناه و شیطان آزاد می کند. "زیرا اگر بر مثال موت او متحد گشتیم، هرآینه در قیامت وی نیز چنین خواهیم شد. زیرا این را می‌دانیم که انسانیت کهنه ما با او مصلوب شد تا جسد گناه معدوم گشته، دیگر گناه را بندگی نکنیم. زیرا هر که مُرد، از گناه مبرا شده است." رومیان ۶: ۵-

"پس چون فرزندان در خون و جسم شراکت دارند، او نیز همچنان در این هر دو شریک شد تا بوساطت موت، صاحب قدرت موت، یعنی ابلیس، را تباه سازد؛ و آنانی را که از ترس موت، تمام عمر خود گرفتار بندگی می‌بودند، آزاد گرداند." عبرانیان ۲: ۱۴ - ۱۵

۲. محبت خدا نسبت به ما بوسیله مرگ پسرش روی صلیب اثبات شد. بنابراین محبت خدا نسبت به ما باعث می‌شود که ما از ترس و اضطراب آزاد شویم. "لکن خدا محبت خود را در ما ثابت می‌کند از اینکه هنگامی که ما هنوز گناهکار بودیم، مسیح در راه ما مرد." رومیان ۸: ۵

"از آنرو که روح بندگی را نیافته‌اید تا باز ترسان شوید بلکه روح پسر خواندگی را یافته‌اید، که به آن ابا، یعنی ای پدر ندا می‌کنیم." رومیان ۸: ۱۵

۳. از طریق عیسی مسیح، خدا به ما قدرت و محبت و ذهن سالم می‌دهد که نمی‌تواند با ترس همراه باشد. دوم تیموتائوس ۱: ۷

چگونه بر ترس و اضطراب غلبه کنیم؟

۱. افکار تان مطابق کلام خدا باشد.

۱. به خاطر داشته باشید که خداوند وعده داده که حتی در شرایط بحرانی از ما مراقبت کند. "خداوند شبان من است؛ محتاج به هیچ چیز نخواهم بود. در مرتعهای سبز مرا می‌خواباند. نزد آبهای راحت مرا رهبری می‌کند. جان مرا برمی‌گرداند و به خاطر نام خود به راههای عدالت هدایت می‌نماید. چون در وادی سایه موت نیز راه روم از بدی نخواهم ترسید زیرا تو با من هستی؛ عصا و چوبدستی تو مرا تسلی خواهد داد. سفره ای برای من به حضور دشمنانم می‌گسترانی. سر مرا به روغن تدهین کرده‌ای و کاسه ام لبریز شده است. هرآینه نیکویی و رحمت تمام ایام عمرم در پی من خواهد بود و در خانه خداوند ساکن خواهم بود تا ابدالآباد." مزامیر ۲۳: ۱-۶

۲. افکار گناه آلود خود را به خداوند اعتراف کنید و از او بخواهید که شما را در داشتن افکار پاک یاری رساند. "زیرا رئیس کهنه‌ای نداریم که نتواند همدرد ضعفهای ما بشود، بلکه آزموده شده در هر چیز به مثال ما، بدون گناه. پس با دلیری نزدیک به تخت فیض بیابیم تا رحمت بیابیم و فیضی را حاصل کنیم که در وقت ضرورت ما را اعانت کند." عبرانیان ۴: ۱۵-۱۶

۳. به راههایی فکر کنید که می‌تواند ایمانداران دیگر را برای محبت کردن و اعمال نیک ترغیب کند. "و اعتراف امید را محکم نگاه داریم، زیرا که وعده دهنده امین است. و ملاحظه یکدیگر را بنماییم تا به محبت و اعمال نیکو ترغیب نماییم. و از با هم آمدن در جماعت غافل نشویم چنانکه بعضی

را عادت است، بلکه یکدیگر را نصیحت کنیم و زیادتر به اندازه‌ای که می‌بینید که آن روز نزدیک می‌شود." عبرانیان ۱۰: ۲۳-۲۵

۴. در زندگی خود شاد باشید و در همه چیز شکرگذار خدا شوید. "و پیوسته، بجهت هرچیز خدا و پدر

را به نام خداوند ما عیسی مسیح شکر کنید." افسسیان ۵: ۲۰

۵. به خاطر داشته باشید که خداوند وعده داده که همیشه با ما باشد. "تو را هرگز رها نکنم و تو را

ترک نخواهم نمود." عبرانیان ۱۳: ۵

۶. با عیسی مسیح قادر خواهید بود که هر کاری را انجام دهید. "قوت انجام هرچیز را دارم در مسیح

که مرا تقویت می‌بخشد." فیلیپیان ۴: ۱۳

۲. گفتار تان مطابق کلام خدا باشد.

۱. راجع به موفقیتها و دستاوردهای گذشته خود صحبت نکنید. "دیگری تو را بستاید و نه دهان

خودت؛ غریبی و نه لیبهای تو." امثال ۲۷: ۲

"زیرا نه آنکه خود را مدح کند مقبول افتد بلکه آن را که خداوند مدح نماید." دوم قرنتیان ۱۰: ۱۸

۲. راجع به شکستهای گذشته صحبت نکنید. "ای برادران، گمان نمی‌برم که من بدست آورده‌ام؛

لیکن یک چیز می‌کنم که آنچه در عقب است فراموش کرده و به سوی آنچه در پیش است،

خویشتن را کشیده، در پی مقصد می‌کوشم بجهت انعام دعوت بلند خدا که در مسیح عیسی است."

فیلیپیان ۳: ۱۳-۱۴

۳. خودتان را با دیگران مقایسه نکنید. "زیرا جرأت نداریم که خود را از کسانی که خویشتن را مدح

می‌کنند بشماریم، یا خود را با ایشان مقابله نماییم؛ بلکه کسانی که خود را با خود می‌پیمایند و خود

را به خود مقابله می‌نمایند، دانا نیستند." دوم قرنتیان ۱۰: ۱۲

۴. از اتهام، خبر چینی یا صحبت‌هایی که باعث تخریب دیگران می‌شود، خود داری کنید. "هیچ سخن

بد از دهان شما بیرون نیاید، بلکه آنچه بحسب حاجت و برای بنا نیکو باشد تا شنوندگان را فیض

رساند." افسسیان ۴: ۲۹

۳. اعمال تان مطابق کلام خدا باشد.

۱. چنانکه خداوند شما را در عیسی مسیح بخشیده، شما نیز دیگران را ببخشید. "و با یگدیگر مهربان

باشید و رحیم و همدیگر را عفو نمایید چنانکه خدا در مسیح شما را هم آمرزیده است." افسسیان ۴: ۳۲

۲. آیه‌های کتاب مقدس را مطالعه و حفظ کنید و در آنها تفکر کنید، مخصوصاً آیه‌هایی که در رابطه با

ترس و اضطراب و اعتماد کردن به خداست. "به چه چیز مرد جوان راه خود را پاک می‌سازد؟ به نگاه

داشتنش موافق کلام تو. کلام تو را در دل خود مخفی داشتیم که مبدا به تو گناه ورزم." مزامیر ۱۱۹:

۹، ۱۱ (همچنین به دوم قرنتیان ۱۰: ۵؛ فیلیپیان ۴: ۸؛ دوم تیموتائوس ۲: ۱۵ رجوع کنید).

۳. پیوسته با شکر گذاری دعا کنید. "برای هیچ چیز اندیشه مکنید، بلکه در هر چیز با صلوات و دعا با شکرگزاری مسؤولات خود را به خدا عرض کنید." فیلیپیان ۴: ۶
۴. اندیشه ها و نگرانی های خود را به خداوند بسپارید. "و تمام اندیشه خود را به وی وا گذارید، زیرا که او برای شما فکر می کند." اول پطرس ۵: ۷
۵. در هنگام ترس، سریعاً از خداوند طلب کمک کنید. "و اگر از شما کسی محتاج به حکمت باشد، سؤال بکند از خدایی که هر کس را به سخاوت عطا می کند و ملامت نمی نماید، و به او داده خواهد شد." یعقوب ۱: ۵

سوالات این درس:

- ۱- ترس و اضطراب چیست؟
- ۲- چند تا از موقعیتهایی که ما را به ترس و اضطراب وسوسه می کنند را نام ببرید؟
- ۳- سه واکنش در برابر ترس و اضطراب مطابق با کتاب مقدس را نام ببرید؟ و برای هر کدام آیه ای را بنویسید؟
- ۴- ترس از خدا باعث چه برکاتی می شود؟ چهار مورد را نام ببرید؟
- ۵- چگونه محبت خدا ما را از ترس و اضطراب رهایی می دهد؟
- ۶- چگونه بر ترس و اضطراب می توانیم غلبه کنیم؟ سه مورد را نام ببرید؟
- ۷- دو مورد افکاری که ما باید داشته باشیم را نام ببرید؟
- ۸- دو مورد از گفتاری که باید داشته باشیم را نام ببرید؟
- ۹- سه مورد از اعمالی که باید داشته باشیم را نام ببرید؟

آیه های کلیدی این درس: دوم تیموتائوس ۱: ۷؛ یوشع ۱: ۶-۹

درس ۳۷: ابزارهایی برای غلبه بر افسردگی و نگرانی

خواندن کتاب مقدس: مزامیر ۳۴، ۳۷ و ۱۳۹

مقدمه: همه ما در زندگی با مشکلات و رنج مواجه می شویم. اما ما می توانیم رفتارمان را نسبت به مشکلات و رنجهای زندگی کنترل کنیم و پیروزی کسب کنیم. "با خداوند هیچ چیزی غیر ممکن نیست" (لوقا ۱: ۳۷). اگر برای کسب تسلی و آرامش نزد خدا برویم، او می تواند نگرانی و افسردگی ما را از بین ببرد. کتاب مقدس کتاب تسلی برای ماست.

سوال ۱: چرا مردم افسرده و نگران می شوند؟

جواب: به جای آنکه مسیحیان ذهن و افکار خود را در اختیار مسیح بگذارند به موقعیتها و اتفاقات بد زندگی اجازه می دهند تا افکار آنها را پر ساخته و ترس و نگرانی و افسردگی را در ذهن ایشان ایجاد کند. "دل ثابت را در سلامت کامل نگاه خواهی داشت، زیرا که بر تو توکل دارد." اشعیا ۲۶: ۳

سوال ۲: چه ابزارهایی از کتاب مقدس را برای رها شدن از نگرانی می توانیم استفاده کنیم؟

ابزار ۱: مشکلات و گناهان خود را با خداوند و مردم تسویه حساب کنید: اگر نگرانی و ترس من به خاطر گناهی است که مرتکب شدم، باید آن را به خداوند اقرار کرده و ترک نمایم. "و با یکدیگر مهربان باشد و همدیگر را عفو نمایید چنانکه خدا در مسیح شما را هم آمرزیده است." افسسیان ۴: ۳۲

ابزار ۲: به خدا نزدیک شوید. "به خدا نزدیک شوید تا به شما نزدیکی نماید. دستهای خود را طاهر سازید ای گناهکاران. در حضور خدا فروتنی کنید تا شما را سرافراز فرماید." یعقوب ۴: ۸، ۱۰

ابزار ۳: اندیشه های زندگی را به خدا بسپارید. "و تمام اندیشه خود را به او واگذارید زیرا که او برای شما فکر می کند." اول پطرس ۵: ۷

"نصیب خود را به خداوند بسپار و تو را رزق خواهد داد. او تا ابد نخواهد گذشت که مرد عادل جنبش خورد." مزامیر ۵۵: ۲۲

ابزار ۴: یاد بگیرید که همیشه به نیکویی خداوند اعتماد کنید.

- "هنگامی که ترسان شوم، من بر تو توکل خواهم داشت" مزامیر ۵۶: ۳
- "به خداوند تکیه کردن بهتر است از توکل کردن بر آدمیان." مزامیر ۱۱۸: ۸
- "اما خداوند من همه احتیاجات شما را رفع خواهد نمود." فیلیپیان ۴: ۱۹
- "بر یار خود اعتماد مدار." میکاه ۷: ۵
- "هر که به خداوند توکل کند خوش بحال او." امثال سلیمان ۱۶: ۲۰
- "به تمامی دل خود بر خدا توکل کن." امثال سلیمان ۳: ۵-۶

ابزار ۵: خداوند را برای برکتهایی که در گذشته به شما داده است، شکر کنید. خداوند را برای نعمت های که داده شکر کنید و و از این استفاده کنید تا مطمئن شوید که مشکلات شما همانند گذشته حل خواهند شد.

- "خداوند را حمد گفتن نیکو است و به نام تو تسبیح خواندن ای حضرت اعلا" مزامیر ۹۲: ۱
- "به دروازه های او با حمد بیایید .. او را حمد گویند و نام او را متبارک خوانید." مزامیر ۱۰۰: ۴
- "در هر امری شاکر باشد." اول تسالونیکیان ۵: ۱۸

ابزار ۶: آیه های کتاب مقدس که با موقعیت کنونی شما مرتبط است را حفظ کنید.

- "بلکه رغبت او در شریعت خداوند است و روز او شب در شریعت او تفکر می کند، پس مثل درختی نشانده نزد نهرهای آب خواهد بود... و هر آنچه می کند نیک انجام خواهد بود." مزامیر ۱: ۲-۳
- " ... برای تعلیم ما نوشته شد تا به صبر و تسلی کتاب امیدوار باشیم." رومیان ۱۵: ۴
- "مکتوب است انسان نه محض نان زیست می کند، بلکه به هر کلمه ای که از دهان خدا صادر گردد." متی ۴: ۴

ابزار ۷: از آدم بی خدا، عصبانی، خشمگین و خود خواه دوری کنید. "با مرد تندخو معاشرت مکن، و با شخص کج خلق همراه مباش" (امثال ۲۲: ۲۴). بیشتر مشکلات زندگی به دلیل معاشرت کردن با آدمهای بی خدا و گناهکاران بوجود می آید.

ابزار ۸: به چیزی که فکر می کنید تسلط داشته باشید. فقط به چیزهای خوب فکر کنید. "زیرا چنانکه در دل خود فکر می کند خود را همچنان است" (امثال ۲۳: ۷). بیاد داشته باشید که اگر به چیزهای خوب فکر کنید خوشحال خواهید بود و اگر به چیزهای بد فکر کنید افسرده خواهید شد.

"خلاصه ای برادران، هر چه راست ... مجید ... عادل ... پاک ... جمیل .. و نیک نام است در آنها تفکر کنید. و هر آنچه در من آموخته و پذیرفته و شنیده و دیده اید، آنها را به عمل آرید، و خدای سلامتی با شما خواهد بود." فیلیپان ۴: ۸-۹

ابزار ۹: یاد بگیرید که در خداوند صبور باشید. منتظر امداد خداوند باشید و برای شریبان حسد نوزید.

- " به سبب شریبان خویشتن را مشوش مساز و بر فتنه انگیزان حسد میر. " مزامیر ۳۷: ۱
- "در خداوند خوشنود باش ... پس مسألت دل تو را به تو خواهد داد. طریق خود را به خداوند بسپار ... نزد خداوند ساکت شو و منتظر او باش. مزامیر ۳۷: ۴-۷
- "ای روح من، فقط برای خدا خاموش شو زیرا که امید من از وی است." مزامیر ۶۲: ۵
- "اما آنانی که منتظر خداوند می باشند قوت تازه خواهند یافت." اشعیا ۴۰: ۳۱

ابزار ۱۰: در هنگام داشتن غم و غصه دعا کنید. در زمان غصه خوردن از چه کسی مشورت می گیرید؟ این باید خداوند باشد که نخست باید غم و غصه خود را در جریان بگذارید. یاد بگیرید که با قدرت و تأثیر گذارانه دعا کنید.

- " برای هیچ چیز اندیشه مکنید، بلکه در هر چیز با صلات و دعا با شکرگزاری خواستهای خود را به خدا عرض کنید." فیلیپان ۴: ۶-۷
- "سوال کنید که به شما داده خواهد شد، بطلبید که خواهید یافت بگوید که برای شما باز کرده خواهد شد." متی ۷: ۷
- "آنگاه در تنگی خود نزد خداوند فریاد بر آوردند و ایشان را از تنگیهای ایشان رهایی بخشید." مزامیر ۱۰۷: ۱۳
- "اگر در من بمانید و کلام من در شما بماند، آنچه خواهید، بطلبید که برای شما خواهد شد." یوحنا ۱۵: ۷
- "برای یکدیگر دعا کنید تا شفا یابید." یعقوب ۵: ۱۶
- "و چون ایوب برای اصحاب خود دعا کرد، خداوند مصیبت او را دور ساخت." ایوب ۴۲: ۱۰

ابزار ۱۱: در زندگی خود همیشه توقع بروز مشکلات را داشته باشید. بنابراین وقتی با مشکلات مواجه می شوید، تعجب نخواهید کرد.

- "در جهان برای شما زحمت خواهد شد." یوحنا ۱۶: ۳۳
- "و اینکه با مصیبتهای بسیار می باید داخل ملکوت خدا گردیم." اعمال رسولان ۲۲: ۱۴

- "زحمت مرد صالح بسیار است اما خداوند او را از همه آنها خواهد رها کند." مزامیر ۳۴: ۱۹
- "در هر چیز زحمت کشیده، ولی در شکنجه نیستیم متحیر ولی مأیوس نی." دوم قرتیان ۴:

۸

- "زیرا که این زحمت سبک ما که برای لحظه ای است، بار جاودانی جلال را برای ما زیاده و زیاده پیدا می کند." دوم قرتیان ۴: ۱۷
- "دل شما مضطرب نشود." یوحنا ۱۴: ۱

ابزار ۱۲: از نظریه ها و تعلیمات غلط با خبر باشید. در زندگی مسیحی ثابت قدم بودن، پایداری، ایمان، تعهد و اعتبار خود را افزایش دهید. "از تعلیمات مختلف و غریب از جا برده مشوید زیرا بهتر است که دل شما به فیض استوار شود." عبرانیان ۹: ۱۳

"با خبر باشید که کسی شما را نرباید به فلسفه و مکر باطل، بر حسب اصول دنیوی نه بر حسب مسیح." کولسیان ۲: ۸

ابزار ۱۳: افکار خود را به بهشت، پادشاهی خداوند و بازگشت مسیح متمرکز کنید.

- "باز می آیم و شما را برداشته با خود خواهیم برد." یوحنا ۱۴: ۳
- "در آنچه بالاست تفکر کنید، نه در آنچه بر زمین است." کولسیان ۳: ۲
- "لکن اول ملکوت خدا و عدالت او را بطلبید که این همه برای شما مزید خواهد شد." متی ۳: ۳۳

- "چون مسیح که زندگی ما است ظاهر شود، آنگاه شما هم با وی در جلال ظاهر خواهید شد." کولسیان ۳: ۴

ابزار ۱۴: برای زمان حال زندگی کنید. مشکلات گذشته و اندیشه های آینده را برای نگرانی امروز اضافه نکنید. "پس در اندیشه فردا مباشید زیرا فردا اندیشه خود را خواهد کرد. بدی امروز برای امروز کافی است." متی ۶: ۳۴

ابزار ۱۵: گذشته خود را فراموش کنید. شما گذشته خود را نمی توانید تغییر دهید، بنابراین آن را فراموش کنید و اجازه بدهید خداوند مراقب آینده شما باشد.

- "آنچه در عقب است فراموش کرده و به سوی آنچه در پیش است خویشتن را کشیده." فلیپیان ۳: ۱۳
- "مشقات خود را فراموش خواهی کرد." ایوب ۱۱: ۱۶
- "خدا مرا از تمام مشقتم و تمامی خانه پدرم فراموشی داد" پیدایش ۴۱: ۵۱

ابزار ۱۶: با روح القدس پر شوید. "لکن ثمره روح، محبت و خوشی و سلامتی و حلم و مهربانی و نیکویی و ایمان و تواضع و پرهیزکاری است" (غلاطیان ۵: ۲۲-۲۳). برای داشتن آرامش و تسلی با روح القدس پر شوید نه با خویشتن.

ابزار ۱۷: شکرگزار نعمت‌ها و نیکوییهای خداوند باشید.

- "یک سخن از وعده‌های نیکوی او به زمین نیفتاد." اول پادشاهان ۸: ۵۶
- "تو را هرگز رها نکنم و تو را ترک نخواهم نمود." عبرانیان ۱۳: ۵
- "جهان از رحمت خداوند پر است." مزامیر ۳۳: ۵
- "رحمت خدا همیشه باقی است." مزامیر ۵۲: ۱
- "هیچ چیز نیکو را مانع نخواهد کرد از آنانی که به راستی سالک باشند." مزامیر ۸۴: ۱۱

ابزار ۱۸: بوسیله خدا هدایت شده و از گناه پرهیز کنید. "کسی که مرا متابعت کند در ظلمت سالک نشود بلکه نور حیات را یابد." یوحنا ۸: ۱۲

"و گوشه‌ای سخنی را که از عقب تو خواهد شنید که میگوید: راه این است در آن سلوک بنما.." (اشعیا ۳۰: ۲۱)

ابزار ۱۹: اصول شاد و خوشحال بودن را یاد بگیرید.

- "هر که به خدا توکل نماید خوشحال او." امثال ۲۰: ۱۶
- "دل شادمان شفای نیکو می بخشد." امثال ۱۷: ۲۲
- "در خداوند دائماً شاد باشید." فیلیپیان ۴: ۴
- "خوش باشید و شادی عظیم نمایید زیرا که اجر شما در آسمان است." متی ۵: ۱۲

ابزار ۲۰: زندگی مفید و هدفمند در راه خدا داشته باشید. در عوض دنبال کردن خوشی و لذت‌های زودگذر زندگی، بهتر است که در زندگی خود به خداوندان عیسی مسیح خدمت کنید و به دیگران بشارت دهید. بگذارید خداوند در مرکز زندگی شما باشد نه خود شما.

- "هر که جان خود را دریابد آن را هلاک سازد و هر که جان خود را به خاطر من هلاک کرد آن را خواهد دریافت." متی ۱۰: ۳۹
- "کاری که به من سپردی به کمال رسانیدم." یوحنا ۱۷: ۴

- "بیباید نزد من ای تمام زحمتکشان و گرانباران و من شما را آرامی خواهم بخشید، یوغ مرا بر خود گیرید و از من تعلیم بایید زیرا که حلیم و افتاده دل می باشم و در نفوس خود آرامی خواهید یافت" متی ۱۱: ۲۸-۲۹
- "در تمام عالم بروید و جمیع خلائق را به انجیل موعظه کنید." مرقس ۱۶: ۱۵

ابزار ۲۱: به خدا و به دیگران هدایا عطا کنید. "بدهید تا به شما داده شود.." (لوقا ۶: ۳۸)

"آیا انسان خدا را گول زند؟ اما شما مرا گول زده اید و می گوئید در چه چیز تو را گول زده ایم؟ در عشرها و هدایا. شما سخت ملعون شده اید زیرا که شما یعنی تمامی این امت مرا گول زده اید. تمامی عشرها را به مخزنهای من بیاورید تا در خانه من خوراک باشد و یهوه صباوت می گوید مرا به اینطور امتحان نمایید که آیا روزنه های آسمان را برای شما نخواهم گشاد و چنان برکتی بر شما نخواهم ریخت که گنجایش آن نخواهد بود؟ و یهوه صباوت می گوید: خورنده را به جهت شما منع خواهم نمود تا ثمرات زمین شما را ضایع نسازد و مو شما در صحرا بی بار نشود. و همه امت ها شما را خوشحال خواهند خواند زیرا یهوه صباوت می گوید که شما زمین مرغوب خواهید بود." (ملاکی ۳: ۸-۱۲)

ابزار ۲۲: خداوند اجازه نمی دهد که شما بیش از توانایی خود آزموده شوید. "اما خدا امین است که نمی گذارد که شما فوق طاقت خود آزموده شوید" (اول قرتیان ۱۰: ۱۳). دنبال راهی برای فرار از آزموده شدن و وسوسه ها باشید. دیگران نیز به این وسوسه ها دچار می شوند و پی می برند که خدا همچنان وفادار و امین است تا آنها را از وسوسه ها رهایی دهد.

ابزار ۲۳: قانون های خدا دادی را در زندگی خود تحقق بخشید. "همچنین زنان پیر در سیرت متقی باشند و نه غیبت گو و نه بنده شراب زیاده بلکه معلمات تعالیم نیکو، تا زنان جوان را خرد بیاموزند که شوهر دوست و فرزند دوست باشند، و به همین نسق جوانان را نصیحت فرما." تیطس ۲: ۳، ۸

"پس رأی من این است که زنان جوان نکاح شوند و اولاد بزایند و کدبانو شوند" اول تیموتائوس ۵: ۱۴

ابزار ۲۴: حکمت برای زندگی سالم را از کتاب مقدس یاد بگیرید. "خرد از همه چیز افضل است پس تحصیل نما." امثال ۴: ۷

"ابتدای خرد و حکمت ترس از خداوند است و معرفت قدوس فطانت می باشد" (امثال ۹: ۱۰). شخصی که خرد و حکمت دارد کتاب مقدس را می خواند تا جواب سوالهای زندگی خود را پیدا کند و کتاب مقدس را اطاعت می کند، هرچند کار سختی باشد. با اعمال کردن خرد و حکمت کلام خدا در زندگی از اتفاق افتادن چیزهای بد برای خود و خانواده خود، می توانیم جلوگیری نماییم. پیشگیری بهتر از درمان است.

ابزار ۲۵: خداوند را در همه چیز تکریم نمایید تا مورد تکریم خدا قرار گیرید. " .. آنانی را که مرا تکریم نمایند تکریم خواهم نمود." اول سموئیل ۲: ۳۰

"لکن اول ملکوت خدا و عدالت او را بطلبید که این همه برای شما مزید خواهد شد." متی ۶: ۳۳

نتیجه: زمانی که احساس نگرانی و افسردگی می کنید مضطرب و هراسان مباشید، بلکه در عوض به خداوند اعتماد کنید. به ۲۵ ابزار ذکر شده در این درس مراجعه کنید و این آیه را حفظ کنید. "و میدانیم به جهت آنانی که خدا را دوست می دارند و به حسب اراده او خوانده شده اند همه چیزها برای خیریت ایشان در کار می باشند" (رومیان ۸: ۲۸). آیا عاشق خدا هستید؟ با استفاده از این ۲۵ ابزار عشق خود به خدا را ثابت کنید که در صورت انجام آن بر نگرانی، ترس و افسردگی در زندگی خود غلبه خواهید یافت.

سوالات این درس:

- ۱- لوقا ۱: ۳۷ را بنویسید؟
- ۲- چرا مردم مایوس، افسرده و نگران می شوند؟
- ۳- چه ابزارهایی از کتاب مقدس را برای رهایی بخشیدن از نگرانی می توانیم استفاده کنیم؟ ۱۰ ابزار را نام ببرید؟
- ۴- اول پطرس ۵: ۷ را بنویسید؟
- ۵- مزامیر ۵۶: ۳ را بنویسید؟
- ۶- متی ۷: ۷ را بنویسید؟
- ۷- مزامیر ۱۰۷: ۱۳ را بنویسید.

آیه های کلیدی این درس: اول قرتیان ۱۰: ۱۳ ؛ یوحنا ۱۶: ۳۳ ؛ اول پطرس ۵: ۷

درس ۳۸: مقابله شیطان با مسیحیان

چگونه شیطان به دنبال شکست دادن مسیحیان در زندگی شخصی و خدمت

نمودنشان به مسیح می شود؟ برخی از تاکتیک های شیطان که ما باید بدانیم و در برابرشان مقاومت کنیم عبارتند از:

۱. **نبرد با مسیحیان:** شیطان بر علیه خدا و علیه هر چیز و هر کسی است که خدا دوست دارد. ما در برابر موجودی که از «گوشت و خون» است کشتی نمی گیریم، بلکه در برابر نیروهای شرارت در عالم روحانی مبارزه می کنیم. ما باید در برابر این حملات، زرهی که خداوند در اختیارمان قرار داده را پوشیده و از خود محافظت کنیم. افسسیان ۶: ۱۰-۱۸

۲. **اتهام و توهین به مسیحیان:** (مکاشفه ۱۲: ۱۰) از آنجاییکه لغت "ابلیس" به معنای تهمت و افتراست، او ما را در درگاه خداوند به گناهان و عیوب مان متهم می کند. او توسط یک ایماندار مسیحی، یک مسیحی دیگر را متهم نموده و به سبب برداشت اشتباه از یک مسیحی موجب قطع شدن دوستی ها و رفاقت های آنها می شود. این کار برای آنست تا ایمانداران مسیحی را از مسیر درست منحرف نموده و بشارت مسیح را در سراسر جهان تضعیف نماید. او همچنین در زندگی مسیحیان نو ایمان کار می کند تا آنها را در گناه مکرر غرق نموده و باعث شود که آنان از واعظینی که بر ضد گناه موعظه می کنند متنفر شوند، آنهم زمانی که تنها کاری که می بایست انجام دهند اعتراف به اشتباهات و گناهان و ترک آنهاست تا از شر گناهانشان رها شوند.

۳. **کاشتن شک و تردید:** شیطان به دنبال آنست تا ما را به

- نیکی خداوند مشکوک سازد.
- کلام خداوند مشکوک سازد.
- عشق خداوند نسبت به ما را مشکوک سازد.

شیطان اصرار می ورزد که محدودیت های وضع شده از جانب خداوند ناعادلانه اند (پیدایش ۳: ۱). او ادعا می کند که کلام خداوند راست نیست (پیدایش ۳: ۴). او ادعا می کند که علاقه خداوند به انسان خودخواهانه بوده و انسان را از تکامل باز می دارد (پیدایش ۳: ۵). بدین ترتیب او سرشت خداوند را بدنام کرده و با اقتدار خداوند مقابله می کند.

۴. وسوسه نمودن ما به گناه:

- وسوسه به دروغ گفتن (اعمال ۵: ۳). شیطان پدر دروغهاست. او دیگران را نیز به دروغ گفتن وسوسه می‌کند. دروغ گفتن یعنی کل یا بخشی از یک موضوع را به جهت منافع شخصی برخلاف واقعیت تغییر داده و باعث ضرر و زیان رسیدن به دیگران شویم.
- وسوسه به گناهان جنسی (اول قرنیتان ۷: ۵؛ ۶: ۱۳-۲۰). شیطان ارائه دهنده فلسفه ایست که در آن رضایتمندی بدن و نفس خویش از اولویت برخوردار است. فحشا، زنا، همجنسگرایی یا خودارضایی ریشه در اولویت دادن به نیازهای جسمی و غرق شدن در لذت‌ها دارند. خداوند ازدواج را برای تأمین نیازهای جنسی ترتیب داده است.
- وسوسه به مشغول شدن به مادیات این جهان (اول یوحنا ۲: ۱۵-۱۷؛ ۵: ۱۹). این دنیا برای شیطان سیستمی است تا خودنمایی را تبلیغ کند. فلسفه و آیین او با خداوند در ضدیت است. شیطان در پی تأثیر گذاری بر ما و شکست دادنمان از طریق "خواهش جسم" (لذت بردن با جسم و تن)، "خواهش چشم" (لذت بردن از دیدن مادیات) و "غرور زندگانی" (لذت بردن از خودنمایی) است. این نگرش‌ها دانسته یا ندانسته همه ما را تا حدی تحت تأثیر خود قرار می‌دهد. برخی، از جمله دیماس در کتاب مقدس گرفتار آن شده بودند (دوم تیموتائوس ۴: ۱۰).

- ۵. **اتکاء بر قدرت و حکمت انسان:** (دوم تواریخ ۲۱: ۱-۸). شیطان داود را وسوسه کرد تا با شمردن تعداد سربازانش به توانایی خود اعتماد کند. او پطرس را وسوسه کرد تا به موجب خرد و عقل انسانی خویش جلوی کار مسیح را بگیرد. شیطان ایمانداران کلیسای قرن‌سنت را تحریک کرد تا با اتکاء به عقل خود پیام و رسالت پولس را احمقانه و سست بشمارند (اول قرنیتان ۱: ۱۸-۲۵). شیطان سعی می‌کند تا ما بر قدرت و عقل خود تکیه کنیم، چرا که او به راحتی می‌تواند هر آنچه را که مطلقاً انسانی بوده و اساس آن بر پایه کلام و قدرت خداوند نباشد، شکست دهد.

- ۶. **غرور در امور معنوی:** (اول تیموتائوس ۳: ۶). شیطان به رهبران کلیسا حمله می‌کند تا اتحاد ایمانداران مسیحی را از بین ببرد. پولس رسول به نوایمانان هشدار داد که زود کشیش نشوند، مبادا دچار غرور شوند. با هر گونه توانایی معنوی احتمال دارد که انسان دچار غرور معنوی شده و به نفس خود اعتماد کند که این برای شیطان یک فرصت است.

- ۷. **دلسرد شدن:** (اول پطرس ۵: ۶-۱۰). شیطان می‌خواهد که ما غرق مشکلات خود باشیم و توجه خود را همیشه معطوف آنها کنیم. پطرس رسول از ما خواست تا تمام توجه مان را معطوف مسیح کنیم چرا که او توجه اش را شامل حال ما نموده است. او سپس به ما می‌گوید مراقب شیطان باشیم چونکه او مانند شیر غران اطرافمان پرسه می‌زند و دنبال اینست که ما را بلعد (اول پطرس ۵: ۷-۸).

شکنجه، طرد شدن، بی احترامی، مشکلات جسمی و روحی ممکن است موجب دلسردی، ناامیدی و شکست ما شوند.

۸. **شکنجه:** "شیطان برخی از شما را به زندان خواهد انداخت." مکاشفه ۲: ۱۰
۹. **جلوگیری کردن از خدمت رسانی:** (اول تسالونیکیان ۲: ۱۸). یک بار شیطان از اینکه پولس به تسالونیکیان کمک کند جلوگیری کرد.
۱۰. **نفوذ به کلیساهای محلی:** از طریق:
 - معلمان دروغین. هر چیز را با کلام خداوند بسنجید.
 - شاگردان دروغین. شیطان همیشه بذر شرارت می‌کارد.
۱۱. **ترویج تفرقه و جدایی:** نزاع و خشم به شیطان فرصتی برای ایجاد تفرقه و جدایی بین ایمانداران می‌دهد. (افسیسیان ۴: ۲۶، ۲۷)
۱۲. **جعل کردن:** هنگامی که شیطان گفت: "من همانند خدا خواهم بود"، منظور او این بود که می‌خواست همانند خداوند پرستش شود. به همین منظور او دین مشابه برپا می‌کند و تقلید کامل از تمام آنچه خداوند انجام می‌دهد. کلام خدا درباره جعلهای او به ما تذکر می‌دهد:
 - شیطان تاج و تخت دارد (مکاشفه ۲: ۱۳).
 - شیطان مکتب‌های دیوها را دارد (اول تیموتائوس ۴: ۱).
 - شیطان کنیسه (عبادتگاه) دارد (مکاشفه ۲: ۹ و ۳: ۹).
 - شیطان جام دیوها و سفره مشارکت دیوها را دارد (اول قرنتیان ۱۰: ۲۱).
 - شیطان با دیوها شراکت دارد (اول قرنتیان ۱۰: ۲۰).
 - شیطان خود را به شکل یک فرشته نور تغییر می‌دهد (دوم قرنتیان ۱۱: ۱۴).
 - شیطان خادمی دارد که بعنوان خادمان عدالت ظاهر می‌شوند (دوم قرنتیان ۱۱: ۱۵).
 - شیطان رسولان جعلی (دوم قرنتیان ۱۱: ۱۳)، و پیامبران جعلی دارد (دوم پطرس ۲: ۱).
 - شیطان قلمرو پادشاهی دارد (متی ۱۲: ۲۶).
 - شیطان معجزات، آیات و نشانه‌های جعلی دارد (مکاشفه ۱۶: ۱۴).
 - شیطان کلیسای فاحشه دارد (سیر بابل) تا عروس مسیح یعنی کلیسا را جعل کند (مکاشفه ۱۷: ۵).
 - شیطان و دیوها در پی پرستش شدن هستند (اول قرنتیان ۱۰: ۲۰؛ متی ۴: ۸-۱۰؛ مکاشفه ۹: ۲۰).
 - شیطان تثلیث مقدس را جعل کرده، تثلیث نامقدس یعنی شیطان، دجال (ضد مسیح) و پیامبر دروغین درست می‌کند (مکاشفه ۲۰: ۱۰).
 - همانگونه که روح القدس در جسم ایمانداران ساکن می‌شود، شیطان نیز با ارواح خبیث خود در انسانها ساکن می‌شود (یوحنا ۱۳: ۲۷؛ اول قرنتیان ۶: ۱۹).

- شیطان نامی بر پیشانی پیروانش مهر می زند به تقلید از خداوند که نامش را بر پیشانی ایمانداران خود نهاده است (مکاشفه ۱۳: ۱۶ و ۷: ۱-۳).
- شیطان تعمید مؤمنان با غوطه ور شدن داخل آب را با پاشیدن آب بر پیشانی جعل می کند.
- شیطان نسخه های جدید تحریف شده کتاب مقدس را بدلی برای نسخه اصلی آن درست می کند.
- موارد مورد تأکید در کلیسای کاریزماتیک (عطیه ای) مانند دعا کردن به زبانها و مزخرفات تورتو بدلی از پر شدن حقیقی روح القدس در انسان است که توسط شیطان اِبادا شده است.
- شیطان انجیل حقیقی ایمان به مسیح را با انجیل اعمال و شریعت برای نجات جعل کرده است.
- شیطان کلیساها با تعالیم اشتباه را بدلی از کلیساها که تعالیشان بر پایه کتاب مقدس است، قرار داده است.
- شیطان آفرینش شش روز واقعی را جعل کرده و آن را تبدیل به سیر تکامل چندین میلیون ساله و یا آفرینش در شش هزار سال به جای شش روز را عنوان کرده است.

چگونه می توانیم بر شیطان غلبه کنیم؟ ما باید:

۱. نخست باید مسیح را بعنوان منجی خود بپذیریم. با ایمان به مسیح به ما قدرت روحانی توسط روح القدس داده می شود که با آن می توانیم شیطان را مغلوب کنیم.
۲. به گناهان خود نزد خداوند اعتراف کنیم. یک شخص باید گناهان پنهانی خود که طرفداری از شیطان است، را اعتراف کرده و آن را ترک کند. "اگر به گناهان خود اعتراف کنیم، او امین و عادل است تا گناهان ما را بیاورد و ما را از هر ناراستی پاک سازد." (اول یوحنا: ۱: ۹). یهودیان حتی به گناهان پوشیده اجداد خود اعتراف می کردند (دانیال ۹: ۴-۶؛ نحمیا: ۱: ۵-۶).
۳. اشیاء پنهانی، کتب، موسیقی و تصاویر بیگانه را جمع آوری و از خود دور کنیم. آسا پادشاه اسرائیل، "مذبح های غریب و مکان های بلند را برداشت و بتها را بشکست و آشوریم را قطع نمود؛ و یهودا را امر فرمود که یهوه خدای پدران خود را بطلبند و شریعت و اوامر او را نگاه دارند. و مکان های بلند و تماثیل شمس را از جمیع شهرهای یهودا دور کرد؛ پس مملکت به سبب او آرامی یافت." (دوم تواریخ ۱۴: ۳-۵). جمعی از شعبه بازان ساکن افسس که به مسیح ایمان آورده بودند، کتابهای سحر و جادوی خود را درآورده، در حضور خلق سوزانیدند (اعمال ۱۹: ۱۷-۲۰). بسیاری از اشیاء غریب توسط اهریمن نفرین شده اند که در را برای شیطان باز می کنند. دوستی و روابط پلید را باید متوقف نمود به دلیل اینکه ما را بسوی پلیدی می کشند.
۴. خدا را اطاعت نماییم و در برابر ابلیس مقاومت کنیم، تا از ما بگریزد (یعقوب ۴: ۷). مسیح بخشش و رهایی را به کسانی که در نام او رهایی از پلیدی را می طلبند، وعده داده است.

۵. **زندگی مسیحی خود را رونق دهیم و به دیگران بشارت دهیم.** خود را وقف خدمت به خداوند کنیم. اگر برای خداوند کاری نکنیم شیطان فرصت پیدا می کند تا ما را وسوسه کند. داود زمانیکه می بایست در میدان جنگ حاضر باشد، در منزل تنها ماند و تسلیم وسوسه شیطان شد (دوم سموئیل ۱۱: ۱، ۲).

برای غلبه بر شیطان باید هر روز از روح مقدس پر شویم.

چگونه می توانیم از روح القدس پر شویم؟

- با مطالعه روزانه کلام خدا. خواندن روزانه کلام خدا تضمین کننده رشد روحانی ما و داشتن استقامت در برابر شیطان است (اول پطرس ۲: ۲).
- با دعا و مناجات. ما می توانیم با دعا اراده خداوند را طلب کرده و از آن بهره مند شویم.
- با دوستی کردن با سایر مسیحیان. مشارکت با مسیحیان دیگر در یادگیری کلام و خدمت به خدا سبب تشویق ما و بالا بردن استقامت روحانی ما می شود.
- با بشارت دادن انجیل. بشارت دادن به افرادی که نجات نیافته اند ایمان و دانش ما را تقویت می کند. وقف کردن خود در انجام امور خداوند ذهن ما را از مادیات دور کرده و ما را در غلبه بر شیطان کمک می کند. " و ایشان بوساطت خون بره و کلام شهادت خود بر او غالب آمدند و جان خود را دوست نداشتند." مکاشفه ۱۲: ۱۱
- با پوشیدن زره کامل خداوند (افسیان ۶: ۱۰-۱۸). اگر زره کامل خدا را بپوشیم با استطاعت از خداوند در برابر شیطان مقاومت خواهیم کرد و اقتدار خداوند را در زندگی دیگران نیز جاری خواهیم ساخت (دوم قرنتیان ۱۰: ۳، ۴).

سوالات این درس:

۱- شش موارد از تاکتیک های شیطان که باید آگاه باشیم و در برابرشان مقاومت کنیم را نام ببرید؟

۲- معنی ابلیس چیست و کار او چه می باشد؟

۳- شیطان ما را به چه چیزی مشکوک می سازد؟

۴- شیطان ما را به چه چیزهایی وسوسه می سازد؟ برای هر کدام آیه ای را بنویسید؟

۵- شیطان ما را به قدرت و حکمت انسانی خود متکی می کند. چند مثال از کتاب مقدس را با آیه ای بنویسید که شیطان آنها را به قدرت و حکمت خود اتکا داد؟

۶- چرا پولس رسول نوایمانان را از کشیش شدن منع می کند؟

۷- چه چیزهایی موجب دلسردی، ناامیدی و شکست ما می شوند؟

۸- چگونه شیطان به کلیسای محلی نفوذ می کند؟

۹- چه چیزی باعث تفرقه و جدایی بین ایمانداران می شود؟

۱۰- منظور شیطان چه بود وقتی که گفت: "من مثل خداوند خواهم شد"؟

۱۱- پنج مواردی که شیطان چیزهای خدا را جعل کرده، نام ببرید؟

۱۲- پنج راهی که می توانیم بر شیطان غلبه کنیم را نام ببرید؟

۱۳- پنج راهی که می توانیم با روح القدس پر شویم را نام ببرید؟

آیه های کلیدی این درس: پیدایش ۳: ۱-۵؛ اول پطرس ۵: ۸؛ افسسیان ۶: ۱۰-۱۸

درس ۳۹: چگونه رفتار کهنه و عادات زشت خود را تغییر دهیم؟

در زندگی مسیحی ما نیاز به تغییرات عمده در زندگی خود داریم که فقط با یاری روح القدس می توان بدست آورد. برای بوجود آوردن آن تغییرات می بایست عاداتهای زشت و گناهان زندگی خود را بیرون کنیم و در عوض عاداتهای خوب را جایگزین آنها کنیم. کلام خدا بهترین و تنها منبعی است که می تواند ما را در بوجود آوردن تغییرات زندگی راهنمایی و هدایت کند.

خداوند ما را موجودات عادتمندی آفریده که می توانیم با تکرار کردن یک عمل (چه خوب و چه زشت) به آن عادت کنیم. اعمال زشتی که در زندگی گذشته، قبل از ایمانمان به مسیح، انجام می دادیم هنوز می تواند بعد از ایمان آوردنمان نیز بطور خودکار و به عنوان یک عادت در زندگی ما ادامه یابد. افسسیان ۴: ۲۲-۳۲ عاداتهای زشت گذشته ما را خاطر نشان می کند و از ما می خواهد که عاداتهای خوب را جایگزین آنها کنیم.

یک مسیحی واقعی باید عاداتهای زشت و گناهانی مانند: خشم، قمار، دروغ، بدگویی، خبر چینی، تهمت، کشیدن سیگار، مصرف مشروبات الکلی و مواد مخدر، زنا، تماشای فیلمهای مبتذل و مهتجن و پونوگرافی، دزدی، فحاشی کردن، سخنان تمسخر آمیز و زشت، چشم پلید داشتن نسبت به زنان و غیره را از خود دور کند و در عوض عاداتهای خوب مانند: راستگویی، سخنان فیض بخش، احترام به دیگران، محبت کردن به دشمنان خویش، خواندن کتاب مقدس و حضور هفتگی در کلیسا، شرکت در جلسات مطالعه کتاب مقدس، بشارت دادن، اطاعت از قوانین دولتها و غیره را جایگزین آنها کند.

دانستن اینکه چه چیزهایی را باید در زندگی خود تغییر دهیم کافی نیست بلکه مهم اینست که بدانیم چگونه آن تغییرات را در زندگی خود بوجود آوریم. کتاب مقدس انجام اعمال خوب را برای ما توصیه می کند و همچنین ما را راهنمایی می کند که چگونه عاداتهای خوب را در زندگی خود وارد کنیم و تغییر یابیم (دوم تیموتائوس ۳: ۱۶-۱۷). بنابراین کتاب مقدس بهترین منبع برای ایجاد تغییرات در زندگی است. بیایید با هم ۱۲ قدم در کتاب مقدس درباره ایجاد تغییرات در رفتار کهنه و عادات زشت زندگی را مطالعه کنیم:

قدم اول: اهداف زندگی خود را تغییر دهید.

قبل از عملی کردن آن نخست می بایست انگیزه و اشتیاق عوض شدن و تغییر یافتن را داشته باشید. انگیزه هایی مانند:

۱- تقدیم کردن خویشتن به خدا با عشق و علاقه. (رومیان ۱۲: ۱-۲)

- با تغییر در افکار خود ما می توانیم خویشتن را تغییر دهیم (افسیان ۴: ۲۳). برای داشتن زندگی بهتر می بایست افکار بهتری داشته باشیم. بجای هم شکل شدن به این دنیا باید بدنهای خود را تقدیم خدمت به خدا کنیم. ایمانداران مکادونی با سخاوتمندی هر چه تمام به خدمت انجیل هدایا دادند زیرا قبل از دادن هدایا نخست خویشتن را به خدا تقدیم کرده بودند. (دوم قرنتیان ۸: ۵)
- وقتی که خویشتن را به خدا تقدیم می کنیم تغییر رفتار های زندگی بسیار سهل و آسان می شود. (جامعه ۱۲: ۱۳ ؛ متی ۶: ۳۳ ؛ متی ۱۶: ۲۴). در اول یوحنا ۵: ۳ چه چیزی به ما انگیزه می دهد تا از خدا اطاعت کنیم؟ محبت و عشق به خدا
- در اول یوحنا ۴: ۹ و ۱۹ چه چیزی به ما انگیزه می دهد تا او را محبت کنیم؟ محبت خدا نسبت به ما. از کجا می دانیم که او ما را محبت می کند؟ او پسر خود را به ما داد تا فدای گناهان ما شود.

- محبت یکی از قویترین نیروی موجود در جهان است. محبت، مادری را وادار می کند که فرزند خود را از درون خانه ای که در حال آتش سوزی است، نجات دهد. محبت، پدر را وادار می کند که ماشینی که فرزندش را زیر گرفته بلند کند و او را از کشته شدن نجات دهد.
- اگر در تغییر دادن رفتار و زندگی خود مشکل دارید، درباره محبت و رحمت خدا تفکر کنید و قدردانی کنید. اول یوحنا ۲: ۱۵-۱۷ ؛ متی ۱۰: ۳۴-۳۷ ؛ ۲۲: ۳۷-۴۰ ؛ یوحنا ۱۴: ۱۵ ؛ دوم قرنتیان ۵: ۱۴-۱۷

۲- تقلید از مسیح

- یکی از قویترین انگیزه دیگر اینست که بخواهم شبیه قهرمانان شوم. قهرمانان ورزشی به جوانان انگیزه می دهند تا در ورزش مورد علاقه خود پیشرفت کرده شبیه آنها گردند. ابراهیم، موسی، روت، داود و پیامبران دیگر به ما انگیزه می دهند که به خدا خدمت کنیم اما عالیترین نمونه آنها خود عیسی مسیح است که می توانیم از او تقلید کنیم و انگیزه بگیریم.
- رسولان عیسی مسیح می خواستند شبیه او شوند (متی ۱۰: ۲۴-۲۵). ما نیز شاگردان عیسی هستیم و می بایست از او تقلید کنیم و شبیه او شویم (اعمال ۱: ۲۶).
- ما باید دنباله رو قدمهای عیسی باشیم زیرا او ما را بدون آرایش و گناه ما را در این جهان باقی گذارده (اول پطرس ۲: ۲۱-۲۲).
- در انجام هر کاری باید از خود سوال کنیم، "اگر عیسی جای من بود چه کار می کرد؟" این به ما انگیزه می دهد تا زندگی خود را تغییر دهیم. غلاطیان ۲: ۲۰ ؛ متی ۱۶: ۲۴ ؛ کولسیان ۳: ۱۰

۳- در پی پاداش باشیم نه تنبیه

ورزشکاران رژیم غذایی خود را کنترل می کنند تا بتوانند در رشته خود قهرمان شوند و مدال موقتی را بگیرند. مسیحیان انگیزه قویتری دارند. ما باید دنبال مدال و پاداشی که جاودانی است باشیم (یعقوب ۱: ۱۲؛ مکاشفه ۲: ۱۰).

- در عوض چیزهای زمینی ما می بایست چشمان خود را به پاداش آسمانی و ابدی بدوزیم. کولسیان ۳: ۱-۶؛ دوم پطرس ۱: ۱۰-۱۱؛ دوم تسالونیکیان ۱: ۹۸
- فقدان انگیزه دلیل عمده ای است که مسیحیان نمی خواهند عوض شوند و شبیه عیسی مسیح شوند. آنها نمی خواهند عوض شوند و در عوض می خواهند که دوستان و خانواده و دیگران را خشنود کنند. اگر به این درک برسیم که هدف عمده زندگی خدمت کردن به خداوند است، نمی توانیم زندگی و رفتار خود را تغییر دهیم. هنگامیکه فاقد انگیزه هستیم بیایید درباره این فکر کنیم که چه خوب است که به خدا خدمت کنیم، او را محبت کنیم، شبیه او شویم و دنبال پاداش ابدی باشیم.

قدم دوم: با کمک خداوند رفتار خود را تغییر دهید.

- اعمال ما از افکار و آنچه که در دل ماست، سرچشمه می گیرد (امثال ۴: ۲۳). دیگران شاید بر ما تأثیر بگذارند اما نباید تسلیم شده مرتکب گناه شویم. این نهایتاً خود ما هستیم که برای تغییر رفتار باید تصمیم بگیریم و سپس به آن عمل کنیم. متی ۱۵: ۱۸-۱۹؛ متی ۱۲: ۳۴-۳۷
- خداوند ما را به تجربه ای نمی اندازد که نتوانیم آن را تحمل کنیم. او امین و وفادار است و راه فرار از تجربه را به ما نشان می دهد. اول قرنتیان ۱۰: ۱۳
- ما هر کاری را با کمک عیسی مسیح می توانیم انجام دهیم (فیلیپیان ۴: ۱۳). اگر با تواناییهای خود بخواهیم کاری انجام دهیم، شکست خواهیم خورد اما اگر با کمک عیسی مسیح کارهای خود را انجام دهیم پیروز خواهیم شد زیرا که او همیشه بر شیطان پیروز است. گاهی اوقات مردم می گویند، "من دیگر پیر شده ام و دیگر نمی توانم این عادت را کنار بگذارم و عوض شوم." آنها نه تنها خود را تحقیر می کنند بلکه وعده و قدرت خداوند را انکار می کنند.
- اگر خود را به خدا بسپاریم و به او توکل کنیم، او اراده خود را در زندگی ما به عمل خواهد رساند (مزامیر ۳۷: ۵). مهم نیست برای چند مدت و چه گناه بزرگی مرتکب شده ایم، اگر اراده خدا را در زندگی خود طلب کنیم، ما می توانیم عوض شویم. افسسیان ۳: ۲۱-۲۲؛ ۶: ۱۰-۱۸؛ دوم قرنتیان ۹:

قدم سوم: کتاب مقدس را درباره عادت خود مطالعه کنید.

- برای موفق شدن در خدمت خدا باید کلام خدا را مطالعه کرده و به آن عمل کنیم (یوشع ۱: ۸).
- لیست عاداتهای زشتی که دارید بنویسید و آیه های مربوط به آنها را از کتاب مقدس درآورید. دلیل تغییر دادن عاداتهای خود را بنویسید و در کلام خدا تفکر کرده، افکار خود را با آنها پر کنید. مزامیر ۱: ۲؛ ۱۱۹: ۱۱
- پیوسته کلام خدا درباره عاداتهای زشت خود را بیاد آورید و آن آیه ها را در کاغذی نوشته بر دیوار یا بر در یخچال در معرض دیدتان قرار دهید (تثنیه ۶: ۹).
- عیسی مسیح با استفاده از نقل قول کردن کلام خدا به وسوسه شیطان غلبه کرد (متی ۴: ۱-۱۱). آیه های مربوط به غلبه بر عاداتهای زشت را حفظ کنید و مطمئن باشید که روح القدس آنها را در هنگام وسوسه بیاد شما خواهد آورد. به خودتان و به کسانی که شما را وسوسه می کنند آن آیات را نقل قول کنید. امثال ۳: ۵-۷؛ دوم تیموتایوس ۳: ۱۶-۱۷؛ عبرانیان ۴: ۱۲

قدم چهارم: از گناهان خود توبه کنید.

- گناه نیاز به توبه دارد (اعمال ۸: ۲۲). توبه یعنی ” تغییر ذهن و فکر“ که باعث می شود تصمیم بگیریم تا گناهان خود را ترک کرده خدا را اطاعت کنیم. متی ۲۱: ۲۸-۲۹؛ اعمال ۱۱: ۲۳؛ ۱۷: ۳ قبل از اینکه یک شخص رفتار خود را تغییر دهد باید اول ذهن و افکار خود را تغییر دهد.
- گناهان خود را مخفی و یا انکار نکنید (امثال ۲۸: ۱۳). با بهانه های مختلف گناهان خود را گردن دیگران نیاندازید بلکه آنها را به خداوند و به کسی که علیه او گناه ورزیده اید اعتراف کرده از انجام آنها پشیمان شوید (دوم قرنتیان ۷: ۱۰). اما پشیمان بودن و تأسف داشتن به تنهایی فایده ای نخواهد داشت مگر اینکه تصمیم به توبه و ترک آنها کنید.
- اکثر دستاوردهای زندگی نیاز به ۱۰٪ توانایی دارد اما ۹۰٪ دیگر نیاز به عزم و جزم و تعهد دارد. در رابطه با امور معنوی نیز همه انسانها توانایی خشنود کردن خداوند را دارند اما همه نمی توانند عزم و جزم کنند و متعهد شوند تا خدا را اطاعت کرده او را خشنود کنند. خداوند تمامی چیزهایی را که برای یک زندگی خداپسندانه نیاز باشد، به ما داده است ولی تصمیم نهائماً با ماست که او را خشنود کنیم یا نه (دوم پطرس ۱: ۴). ما هرگز تغییر نخواهیم یافت مگر اینکه تصمیم بگیریم تا در راههای خدا قدم برداریم و اینکار نیاز به توبه و تغییر ذهن و افکار ما دارد.

قدم پنجم: برای تغییر یافتن نقشه بکشید و برنامه ریزی کنید.

- ما باید برای اعمال خوب نقشه بکشیم نه برای اعمال شریانه (امثال ۱۴: ۲۲). نقشه و برنامه ریزیهای خداوند را در کتاب مقدس مکرراً می خوانیم که الگوی خوبی برای ما هستند. او از ابتدا برای نجات انسانها نقشه کشید (پیدایش ۳: ۱۵). نقشه بنای کلیسا (افسسیان ۳: ۱۰-۱۱)، نقشه ساخت معبد (عبرانیان ۸: ۵)، و غیره. نقشه های خدا بود. خادمان مسیح باید نقشه و برنامه ریزی داشته باشند تا بتوانند خود را تغییر داده در خدمت خدا موفق شوند. لوقا ۱۴: ۲۶-۳۳؛ دانیال ۱: ۸؛ مزامیر ۱۷: ۳؛ اعمال ۱۱: ۲۳

در کدام کار ما می توانیم بدون برنامه ریزی و نقشه موفق شویم؟ برای ساخت خانه باید نقشه آن را بکشیم و برنامه ریزی کنیم و حساب هزینه های آن را برآورد کنیم تا بدانیم که آیا قادر برای ساخت آن هستیم یا نه. کار تجارت نیاز به برنامه ریزی دقیق دارد و غیره. هر کاری برای موفق شدن نیاز به نقشه و برنامه ریزی دارد.

- برای تغییر در رفتار خود باید برنامه ریزی کرد. شرایط و موقعیتهایی که شما را به عادات زشت و گناه کشانیده است را تحلیل کنید و راه حلی برای دوری کردن از آنها پیدا کنید. در دفتری لیست برنامه و نقشه خود را بنویسید تا به ترتیب لیست ها عمل کنید. بسیاری مسیحیان نمی توانند رفتار خود را تغییر دهند چون نمی خواهند برنامه ریزی و نقشه برای تغییر رفتارشان داشته باشند.

قدم ششم: پیوسته دعا کنید.

دعا کردن در دو مورد ضروری است:

- ۱- **دعا برای بخشش گناهان خویش.** یک مسیحی باید در مواقع مرتکب شدن به گناه دعا کند و از پدر آسمانی بخواهد تا او را ببامزد. اول یوحنا: ۱-۸؛ اعمال ۸: ۲۲؛ امثال ۲۸: ۱۳
- ۲- **دعا برای کمک گرفتن از خدا.**

- از خدا بخواهید تا شما را از شریر رهایی دهد. متی ۶: ۱۳
 - مشکل خود را به خدا بگویید. متی ۲۶: ۴۱
 - پیوسته و بطور دائمی دعا کنید. اول تسالونیکیان ۵: ۱۷
 - درست هنگامیکه در معرض تجربه و آزمایش می افتید، دعا کنید. متی ۲۶: ۳۶-۴۶
- خداوند در کلام خود وعده داده که اگر کمک او را در دعا طلب کنیم، ما را یاری خواهد داد. اول پطرس ۵: ۷؛ فیلیپیان ۴: ۶-۷؛ افسسیان ۶: ۱۱، ۱۳، ۱۸

قدم هفتم: از دیگر مسیحیان کمک بگیرید.

- مسیحیان باید خطای خود را به یکدیگر اعتراف کنند تا بتوانند برای همدیگر دعا کنند. یعقوب ۵: ۱۶
- مسیحیان باید بارهای یکدیگر را به دوش بکشند. غلاطیان ۶: ۲
- اگر گناهان ما نسبت به دیگران ضرری رسانیده باشد، باید از آنها عذر خواهی کنیم. متی ۵: ۲۳-۲۴
- هنگامیکه با عادات و گناهان خود در نبرد هستیم باید سراغ چندین مشاوران مسیحی از جمله کشیشان و یا مشایخ کلیسا برویم تا از آنها کمک و مشورت بگیریم. آنها یقیناً کلام خدا را باز کرده و راه‌هایی از گناهان را به ما از طریق کلام خدا نشان خواهند داد و یقیناً برای ما دعا کرده و ما را تشویق خواهند کرد.
- خداوند سرویس یکشنبه کلیسا را برای همین شکل داده تا ما را با موعظه کلام تشویق و در نهایت رفتار ما را تغییر دهد (عبرانیان ۳: ۱۲-۱۳؛ افسسیان ۴: ۱۵-۱۶). ما نیاز داریم که بطور پیوسته در کلیسا حضور یابیم تا نه تنها خداوند را پرستش کنیم بلکه با گوش دادن به موعظه کلام خدا بتوانیم برای ترک گناهان تشویق شویم.

قدم هشتم: همیشه کار درست را انجام دهید.

- پیوسته در خدمت خداوند بیافزاید (اول قرنتیان ۱۵: ۵۸). خدمت خداوند نیاز به پیوستگی مداوم دارد. نباید در ایمان خود فراز و نشیب داشته باشیم.
- هیچ وقت ما نمی‌توانیم رفتار خود را تغییر دهیم مگر اینکه اهداف و انگیزه خود برای تغییر یافتن را عملی کنیم. خداوند وعده نداده که تغییر عادات و رفتار بسیار آسان خواهد بود اما اگر با تلاش و کوشش فراوان و تکرار عملی همراه با دعا بخواهیم تغییر یابیم، خداوند اراده خود را در زندگی ما عملی خواهد کرد.
- ما باید کننده کلام خدا باشیم و نه فقط شنونده (یعقوب ۱: ۲۲-۲۵). عاداتها با تکرار زیاد در زندگی ما بوجود می‌آید. دوچرخه سواری شاید در ابتدای یادگیری سخت باشد، اما با تمرین و تکرار فراوان راندن دوچرخه تبدیل به یک عادت ساده و حتی چیز لذت بخش می‌شود.
- بنابراین اگر خود را وادار به تکرار کاری کنیم که درست است، می‌توانیم با تمرین و تکرار آن تغییر یابیم و به آن کار درست عادت کنیم. متی ۷: ۲۱؛ رومیان ۶: ۱-۲۳؛ لوقا ۴: ۴۶

قدم نهم: اعمال خوب را جایگزین اعمال زشت کنید.

- کنار گذاشتن عادات زشت کافی نیست، باید اعمال خوب را جایگزین آنها کنید (افسیسیان ۴: ۲۲-۳۲). در کتاب مقدس می خوانیم که دیوی از یک شخص دیوانه بیرون آمد و بعد از مدتی برگشت و دید که آن مکان اولیه هنوز خالی باقی مانده پس دوباره در آن ساکن شد. متی ۱۲: ۴۳-۴۵
- طبیعت از خالی شدن نفرت دارد. اگر هوا را از لیوان خالی دور کنید، دوباره برگشته آن را پر می کند، اما اگر آن لیوان را از آب پر کنید، هوا دیگر نمی تواند داخل آن شود. فرض کنید که شما تصمیم می گیرید که مدت تماشا کردن تلویزیون را کاهش دهید و تلویزیون را خاموش کنید اما جلوی آن بنشینید. بعد از گذشت زمان اندک دوباره به تماشای آن وسوسه خواهید شد و آن را روشن خواهید کرد اما اگر عوض آن در فعالیتهای خانوادگی و یا ورزش و یا رفتن به جلسات کلیسا و بشارت دادن شرکت کنید، بزودی تماشای تلویزیون را فراموش خواهید کرد. بنابراین برای هر عادت زشت و گناه یک عادت خوب پیدا کرده جایگزین آنها کنید.

قدم دهم: از وسوسه دوری کنید.

- ما باید همیشه برای رهایی از وسوسه دعا کنیم (متی ۶: ۱۳). مطمئناً انجام این کار باعث می شود که از موقعیتهای و کسانی که ما را به گناه وسوسه می کنند دوری کنیم. رومیان ۱۳: ۱۴
- دوستان و همراهان فاسد رفتار ما را فاسد خواهند کرد (اول قرنتیان ۱۵: ۳۳). خود را فریب ندهید، فکر نکنید که با همراهی کردن با فاسدان هیچ اتفاقی به شما نخواهد افتاد. بسیاری از عادات و گناهان زشت مانند قماربازی، دزدی، زنا و غیره از دوستان و همراهان ناباب بوجود می آید. ترک کردن آن عادات گاهی اوقات کار بسیار دشواری می شود و این کار بسیار دشوارتر می شود هنگامیکه دوستان ناباب ما را تشویق به تکرار آنها می کنند. اول پطرس ۴: ۳-۴؛ امثال ۱۳: ۲۰؛ خروج ۲: ۲۳
- ما باید از اجتماع شریران نفرت داشته باشیم (مزمیر ۲۶: ۵). بعضی ها می گویند، "من فقط برای دیدن دوستانم به دیسکو می روم نه برای مشروب خوردن." مکانهایی مانند دیسکو و قمارخانه برای انجام گناه تشکیل شده اند. دوم قرنتیان ۶: ۱۴-۱۸؛ افسسیان ۵: ۱۱ مادامیکه با دوستان ناباب و شریران همراهی می کنید، شما نخواهید توانست عاداتهای زشت را تغییر دهید. تغییر عادات و رفتار نیازمند تغییر دوستان هم هست. یک مسیحی باید دوستان ایماندار مسیحی متعهد پیدا کند تا با آنها برای دعا و تشویق یکدیگر مشارکت داشته باشد.

قدم یازدهم: در روزی که هستید زندگی کنید و نگران فردا نباشید.

نگران نباشید که چه اتفاق بدی شاید فردا رخ دهد، بدی فردا را فردا اصلاح کنید آنهم اگر فردایی باشد. بدی امروز برای امروز کافی است (متی ۶: ۳۳-۳۴). هر روز که از خواب بیدار می شوید به خود و به خدا بگویید، "چگونه می توانم امروز برای خدا زندگی و خدمت کنم؟ چگونه می توانم او را امروز خشنود کنم؟" اگر امروز را برای خدا زندگی کنید، مطمئن باشید که اگر فردا هم بیاید، مانند امروز برای خدا زندگی خود را صرف خواهید کرد.

دو نفر کوهنوردی می کردند. یکی از آن دو کوهنورد سر خود را بالا گرفت و به بالای کوه نگاه کرد و به دیگری گفت، "چگونه ما می توانیم این همه سربالایی طولانی را بیماییم و بالای کوه صعود کنیم؟ دیگری جواب داد، "نگران نباش قدم به قدم و آهسته آهسته خواهیم رفت و آن را صعود خواهیم کرد." زندگی مسیحی نیز چنین است یعنی باید در روزی که هستیم زندگی کنیم و قدم به قدم پله ها را بیماییم تا بر عادات زشت غلبه کنیم.

قدم دوازدهم: صبور باشید.

- ما باید با صبر انتظار پیروزی از سوی خدا را بکشیم. اشعیا ۴۰: ۳۱
- اگر در عمل نیکو خسته نشویم، در زمان مقرر نتیجه آن را خواهیم دید (غلاطیان ۶: ۹). عادات زشت شما یک شبه بوجود نیامد و ترک آنها نیز یک شبه صورت نخواهد گرفت. این کار نیاز به زمان دارد. اگر توبه کنید و از خدا طلب بخشش کنید او به شما قوت و صبر خواهد داد تا بتوانید بر آنها غلبه کنید. سریعاً دلسرد و مأیوس نشوید.
- بالغ شدن و رشد کردن در ایمان روندی است که طی زمان صورت می گیرد (دوم پطرس ۳: ۱۸). ما در مسیح تولد دوباره پیدا می کنیم و به عنوان طفل شیرخواره به تدریج رشد پیدا می کنیم و به حد بلوغ می رسیم. شاید به دیگر مسیحیان نگاه کنید و به خودتان بگویید، "چرا من مثل آنها نیستم." آنها احتمالاً سالها است که در مسیح در حال رشد هستند. نگران نباشید، شما نیز اگر در مسیر کتاب مقدس و کلیسا بمانید به تدریج رشد پیدا کرده و عادات زشت را کنار خواهید گذاشت. وقتی که یک طفل بزرگ می شود تقریباً هر روز یک تفاوت اندک در رشد او مشاهده می شود، اما بعد از گذشت سالیان وقتی که به عکس طفولیت او نگاه می کنیم، تفاوت فاحشی را می توانیم در رشد او ببینیم. ما نیز شاید نسبت به دیروز زیاد تفاوت و تغییری در خود نبینیم اما بعد از ۲، ۵، ۱۰ و یا ۲۰ سال تغییر بسیار فاحشی در رشد روحانی خود خواهیم دید.

خاتمه: با چیزهای که خداوند در کلام خود برای ما منظور داشته، می توانیم عادات زشت خود را تغییر داده و کسی باشیم که او از ما می خواهد. او به ما انگیزه داده و ما را تشویق می کند تا در راه او هدایت شویم. همه این چیزها به ما بستگی دارد که آیا می خواهیم اراده او را طالب باشیم و تصمیم به عمل

کردن آنها کنیم. او ابزارهای موفقیت و غلبه بر عادات زشت و گناهان را برای ما مهیا می کند. ما باید از آن ابزارها استفاده کنیم. آیا مصمم برای تغییر عادات زشت خود هستید؟

سوالات این درس:

- ۱- پنج قدم از راههای تغییر رفتار را نام ببرید؟
- ۲- سه اهدافی که می بایست در زندگی خود را تغییر دهیم را با ذکر آیه ای برای هر کدام نام ببرید؟
- ۳- فیلیپیان ۴: ۱۳ را بنویسید؟
- ۴- دو مورد از قدم سوم درباره تغییر رفتار را نام ببرید؟
- ۵- برای چه اعمالی باید نقشه بکشیم، آیه ای را نیز در اینباره بنویسید؟
- ۶- دعا کردن در چه مواردی ضروری است؟
- ۷- هنگامیکه با عادات و گناهان خود در نبرد هستیم باید سراغ چه کسانی رویم؟
- ۸- دو مورد از قدم هشتم را بنویسید؟
- ۹- چه مرجعی در کتاب مقدس می گوید که باید رفتارهای خوب را جایگزین رفتارهای زشت خود بکنیم؟
- ۱۰- قدم دهم را شرح دهید؟
- ۱۱- متی ۶: ۳۳-۳۴ را بنویسید؟
- ۱۲- سه مورد از قدم دوازدهم را نام ببرید؟

آیه های کلیدی این درس: افسسیان ۴: ۳۲-۳۳؛ اول قرنتیان ۱۰: ۱۳؛ فیلیپیان ۴: ۱۹؛ متی ۶: ۱۳

درس ۴۰: بخشش برکت خداوند و بخشیدن دام شیطان

خواندن کلام خدا: متی ۱۸: ۱۵-۱۸ و لوقا ۱۱: ۳۲-۳۳

هدف: اینست که بتوانیم کسانی را که علیه ما خطا می کنند، ببخشیم. آیا اخیراً کسی به شما گناهی مرتکب شده است؟

مقدمه: ما همیشه گناه می کنیم و از خداوند طلب بخشش می کنیم اما ما نمی خواهیم کسانی را که بر ما گناه کرده اند، ببخشیم. اگر ما بخشش خداوند را درک نکنیم، نمی توانیم دیگران را ببخشیم.

تعریف بخشش: ترک کردن رنجش، رد کردن غضب، گذشت کردن، بخشیدن بدهی، کفاره، پوشش، رد کردن جریمه گناهان.

چه شخصیت‌های کتاب مقدس دیگران را بخشیدند؟

- ۱- **یوسف** برادران خود را که وی را به عنوان برده به اسماعیلیان فروخته بودند، بخشید.
- ۲- **ایوب** دوستان خود را که از او انتقاد می کردند، بخشید.
- ۳- **پدر**، پسر هرزه گر خود را بخشید.
- ۴- **پادشاه** بدهی ۱۰۰۰۰ قنطاری غلام خود را بخشید.
- ۵- **عیسی** دزد روی صلیب را بخشید.
- ۶- **عیسی** برای قاتلان خود دعا کرد.
- ۷- **ایمانداران شهر قرن‌تس** اعضای کلیسای خود را که مرتکب گناه شده بودند، بخشیدند. دوم قرن‌تس ۲: ۷

کتاب مقدس به ما دستور می دهد که دیگران را ببخشیم.

- ۱- متی ۶: ۱۴-۱۵ "زیرا هرگاه تقصیرات مردم را بدیشان ببامرزید، پدر آسمانی شما، شما را نیز خواهد آمرزید. اما اگر تقصیرهای مردم را نبامرزید، پدر شما هم تقصیرهای شما را نخواهد آمرزید."
- ۲- مرقس ۱۱: ۲۵-۲۶ "و وقتی که به دعا بایستید، هرگاه کسی به شما خطا کرده باشد، او را ببخشید تا آنکه پدر شما نیز که در آسمان است، خطایای شما را معاف دارد. اما هرگاه شما نبخشید، پدر شما نیز که در آسمان است تقصیرهای شما را نخواهد بخشید."
- ۳- متی ۱۸: ۲۱-۲۲ "آنگاه پطرس نزد او آمده، گفت: «خداوندا، چند مرتبه برادرم به من خطا ورزد، می باید او را آمرزید؟ آیا تا هفت مرتبه؟ عیسی بدو گفت: «تو را نمی گویم تا هفت مرتبه، بلکه تا هفتاد و هفت مرتبه!»"

۴- متی ۱۸: ۳۴-۳۵ "پس مولای او در غضب شده، او را به جلاخان سپرد تا تمام قرض را بدهد. به همینطور پدر آسمانی من نیز با شما عمل خواهد نمود، اگر هر یکی از شما برادر خود را از دل نبخشد."
۵- لوقا ۶: ۳۷ "و عفو کنید تا آمرزیده شوید."

۶- لوقا ۱۷: ۳-۴ "احتراز کنید و اگر برادرت به تو خطا ورزد او را تنبیه کن و اگر توبه کند او را ببخش. و هرگاه در روزی هفت مرتبه به تو گناه کند و در روزی هفت مرتبه، برگشته به تو گوید توبه می کنم، او را ببخش."

۷- دوم قرنیتیان ۲: ۷ "پس برعکس شما باید او را عفو نموده، تسلی دهید که مبادا افزونی غم چنین شخص را فرو برد."

۸- غلاطیان ۶: ۱ "اما ای برادران، اگر کسی به خطایی گرفتار شود، شما که روحانی هستید چنین شخص را به روح تواضع اصلاح کنید. و خود را ملاحظه کن که مبادا تو نیز در تجربه افتی."

۹- افسسیان ۴: ۳۲ "و با یکدیگر مهربان باشید و رحیم و همديگر را عفو نمایید چنانکه خدا در مسیح شما را هم آمرزیده است."

بخشش و حفظ دوستی مجدد مسئولیت هر دو طرفین دعوی است.

۱- شخصی که علیه وی خطا شده می بایستی به تنهایی سراغ شخص خطاکار رفته، در خلوت خطای او را مطرح کند و اگر خطاکار توبه کرد، باید او را ببخشد تا دوستی مجدد بین طرفین حفظ شود. نباید خطای او را به دیگران مطرح کند تا آبروی او برده شود. "و اگر برادرت به تو گناه کرده باشد، برو و او را میان خود و او در خلوت الزام کن. هرگاه سخن تو را گوش گرفت، برادر خود را دریافتی" متی ۱۸: ۱۵
۲- خطاکار می بایست به تنهایی سراغ کسیکه علیه وی خطا کرده، برود و خطای خود را اعتراف و توبه کند تا دوستی مجدد بین طرفین حفظ شود. "پس هرگاه هدیه خود را به قربانگاه ببری و آنجا به خاطرت آید که برادرت بر تو حقی دارد، هدیه خود را پیش قربانگاه واگذار و رفته، اول با برادر خویش صلح نما و بعد آمده، هدیه خود را بگذران." متی ۵: ۲۳-۲۴

چگونه دیگران را ببخشیم؟

" ۱) و اگر برادرت به تو گناه کرده باشد، ۲) برو و ۳) او را میان خود و او در خلوت الزام کن."

۴) هرگاه سخن تو را گوش گرفت، ۵) برادر خود را دریافتی" متی ۱۸: ۱۵

سوالاتی که باید از شخصی که درباره برادر خطاکار خبرچینی می کند، بپرسیم:

۱- آیا سراغ آن خطاکار رفتی و خطای او را مطرح کردی؟ اگر نه، برو و مطرح کن در غیر اینصورت خفه شو و خبر چینی نکن.

۲- آیا آن خطاکار سخن شما را گوش گرفت و طلب بخشش کرد؟ اگر چنین است، آیا بخشیدی و دوستی مجدد را طبق دستور لوقا ۱۷: ۳-۴ حفظ کردی؟ اگر چنین است پس مسئله حل شده و دیگر

هیچ مشکلی باقی نمانده است. اما اگر خطای او را به دیگران منتشر کنید، در گناه بسر می برید و خبرچین هستید و دور از خدا. بنابراین این شما هستید که باید توبه کنید. اگر آن خطاکار سخن شما را گوش نگرفت، متی ۱۸: ۱۶-۱۷ را انجام دهید.

بخشش خداوند الگویی است تا انسانها نیز یکدیگر را ببخشند. لوقا ۱۱: ۳۲-۳۳

اعتراف کردن گناهان نزد خدا ارتباط انسان را با خدا دوباره برقرار می کند. این را می توانیم در مثل پسر گمشده بخوانیم زمانیکه پدر ارتباط خود را با پسرش به دلیل اعتراف کردن گناه دوباره بدست آورد. **بخشش دیگران وظیفه هر مسیحی است.**

۱- **یوسف** نمونه خوبی در کتاب مقدس است. برادرانش از او نفرت داشتند و با حسدی که به او می ورزیدند، او را به عنوان یک برده به اسماعیلیان فروختند و باعث شدند که او در مصر به زندان بیافتد. اما یوسف برادران خود را بخشید و ثروت خود را با آنان تقسیم کرد. پیدایش ۴۵: ۵

۲- بخشش چاشنی اصلی مسیحیت است. رومیان ۱۲: ۲۱

اگر ما دیگران را به اندازه ای که مسیح ما را دوست دارد، دوست داشته باشیم، بدون شک ما هم همانند مسیح می توانیم آنها را ببخشیم.

۳- **بخشش برخلاف روح این دنیاست.** هنگامیکه شخصی به شما آزار می رساند، در عوض انتقام، خداوند از شما می خواهد که به او نیکویی کنید. "ای محبوبان انتقام خود را مکشید بلکه خشم را مهلت دهید، زیرا مکتوب است «خداوند می گوید که انتقام از آن من است من جزا خواهم داد. پس اگر دشمن تو گرسنه باشد، او را سیر کن و اگر تشنه است، سیرایش نما زیرا اگر چنین کنی اخگرهای آتش بر سرش خواهی انباشت." رومیان ۱۲: ۱۹-۲۰

چرا باید دشمن خود را ببخشیم؟

۱- بخشش باعث می شود که انتقام از بین برود و در عوض آشتی بوجود آید.

۲- بخشش باعث می شود که دشمن شرمسار شده اخلاق خود را عوض کند.

۳- بدی کردن به عوض بدی ما را تلخ و سنگدل می کند، اما بخشش باعث می شود که تلخی و سنگدلی از وجود ما خارج شود.

۴- **بخشش عملی است که با اراده و تصمیم قلبی انجام می شود.** هنگامیکه شخصی به شما بدی می کند، واکنشی که نشان می دهید می بایست با محبت باشد. به او نشان دهید که می خواهید دوستی خود را حفظ کنید. هدیه ای به او بدهید و با تبسم با او سخن گوید نه با ترشروی. انجام عمل درست باعث می شود که احساس خوبی داشته باشید و وجدان شما پاک خواهد ماند.

۵- **اگر از بخشیدن دیگران امتناع کنیم، خداوند نیز از بخشش ما امتناع خواهد کرد.** "اما اگر تقصیرهای مردم را نیامرزد، پدر شما هم تقصیرهای شما را نخواهد آمرزد." متی ۶: ۱۵

۶- بخشش واقعی حساب خطاهای دیگران را نگاه نمی دارد، بلکه ۴۹۰ بار (همیشه) می بخشد. متی ۱۸: ۲۱

۷- بخشش واقعی الگویی از سوی خداوند است که همه گناهان ما را بخشید. ما باید همه خطایای دیگران را ببخشیم همانطور که خداوند همه گناهان ما را در مسیح بخشیده. افسسیان ۴: ۳۲ و کولسیان ۳: ۱۳

چرا باید دیگران را ببخشیم؟

- ۱- خداوند به ما فرمان داده تا دیگران را ببخشیم. مرقس ۱۱: ۲۵
- ۲- اگر ما دیگران را نبخشیم، خداوند نیز ما را نخواهد بخشید و در نتیجه با خداوند مشارکت نخواهیم داشت. این یعنی دعاهای ما مستجاب نخواهد شد (مرقس ۶: ۱۴-۱۵).
- ۳- بخشش دیگران نشان می دهد که قدر و ارزش بخشش خداوند را می دانیم.
- ۴- بخشش دیگران به ما کمک می کند که خود را بیشتر بشناسیم و روز به روز بهتر شویم.
- ۵- بخشش دیگران می تواند به خانواده آنها کمک کند که آنها نیز نجات یابند.
- ۶- بخشش دیگران به آنها کمک می کند که در ایمان خود رشد پیدا کنند و مسیحیان خوبی باشند.
- ۷- بخشش دیگران محبت مسیح به دیگران را از طریق ما به معرض نمایش می گذارد چنانکه مسیح به قاتلان خود نشان داد. بخشش دیگران به آنها یاد می دهد که آنها نیز به دیگران محبت کنند و آنها را ببخشند. بخشش دیگران محبت ما به خدا و دیگران را ثابت می کند.
- ۸- نابخشودگی دیگران را به چنگ شیطان می اندازد.
- ۹- نابخشودگی باعث می شود که دیگران نیز ما را نبخشند و بالعکس بیشتر از ما نفرت داشته باشند. هر چه را بکاریم همان را برداشت خواهیم کرد.
- ۱۰- به خاطر نابخشودگی باید به خدا حساب پس بدهیم. رومیان ۱۴: ۱۲
- ۱۱- نابخشودگی باعث می شود که سختدل شویم و در را برای گناهان دیگر باز می کند. افسسیان ۴: ۳۲

گفته های کلام خدا درباره نبخشیدن:

ماهیت انسان به گونه ای است که تقصیرات دیگران را می بیند اما نمی تواند تقصیرات خود را ببیند و اعتراف کند. انسانها تمام سعی خود را می کنند تا با بهانه های مختلف خود را تبرئه کنند و همه خطاها را گردن دیگران بیندازند تا اسم و آبروی آنها را لکه دار کنند. هنگامیکه شخصی درباره خطای دیگران به شما خبر چینی می کند، می بایست سراخ شخص خطاکار رفته از او نیز درباره جنجال بشنوید چون داستان همیشه دو سو دارد (متی ۱۸: ۱۵). چیزی را که برای خود می خواهیم، باید برای دیگران هم بخواهیم. لوقا: ۳۱

عواقب نبخشیدن:

۱- نبخشیدن دیگران ریشه تلخی و مرارت را در دل ما نمو می دهد و هنگامیکه خرچینی می کنیم، بسیاری به آن گناه آلوده می گردند و اخبار بد را درباره خطاکار به دیگران اعلام می کنند. "و مترصد باشید مبدا کسی از فیض خدا محروم شود و ریشه مرارت نمو کرده، اضطراب بار آورد و جمعی از آن آلوده گردند." عبرانیان ۱۲: ۱۵

۲- خداوند ما را نخواهد بخشید و دعاهی ما مستجاب نخواهد شد. متی ۶: ۱۴-۱۵

۳- خداوند ما را به جلا دادن خواهد سپرد تا ما را مجازات کند. متی ۱۸: ۳۴-۳۵

سوالات این درس:

- ۱- تعریف بخشش را بنویسید؟
- ۲- پنج شخصیت‌های کتاب مقدس که دیگران را بخشیدند، نام ببرید؟
- ۳- سه آیه از کتاب مقدس نام ببرید که به ما دستور می دهد تا دیگران را ببخشیم؟
- ۴- آیا بخشش و حفظ دوستی مجدد مسئولیت خطاکار است یا هر دو طرفین؟ با آیه ای اثبات کنید؟
- ۵- متی ۱۸: ۱۵-۱۸ را بنویسید؟
- ۶- چرا باید دشمن خود را ببخشیم؟
- ۷- افسسیان ۴: ۳۲ را بنویسید؟
- ۸- چرا باید دیگران را ببخشیم؟ چهار مورد را بنویسید؟
- ۹- عواقب نبخشیدن کدامند؟

آیه های کلیدی این درس: متی ۱۸: ۱۵-۱۸؛ افسسیان ۴: ۳۲؛ مرقس ۱۱: ۲۵-۲۶

درس ۴۱: زندگی پیروزمندانه در مسیح

"زیرا اگر به سبب خطای یک نفر و به واسطه آن یک موت سلطنت کرد، چقدر بیشتر آنانی که افزونی فیض و بخشش عدالت را می‌پذیرند، در حیات سلطنت خواهند کرد بوسیله یک، یعنی عیسی مسیح." (رومیان ۵: ۱۷)

پولس رسول یک زندگی مسیحی پر از امید را در آیه بالا به ما گوشزد می‌کند. ما که افزونی فیض و هدیه عدالت را دریافت کرده ایم، با کمک عیسی مسیح در زندگی سلطنت خواهیم کرد. ما مثل شاهان زندگی خواهیم کرد. این به این معنی نیست که زندگی ما مثل شاهنشاهی زمینی خواهد بود که پر از فساد و رشوه خواری و ظلم و ستم است. بلکه به این معنی است که شاهنشاهی که صاحب قدرت مطلق است و از آن بهره می‌برد اگر مسیحی خوبی باشد.

نیاز اصلی بیشتر مسیحیان پیروزی است. یعنی تجربه کردن زندگی پیروزمندانه که همیشه و هر روزه در دسترس باشد. شما که مدتی است، نجات پیدا کرده اید و برای چندین هفته است که این درس‌ها را خوانده اید، از خودتان بپرسید، آیا من پیروزمندانه زندگی می‌کنم؟ لطفاً با خودتان در حضور خدا رو راست باشید.

اگر شکست خورده اید و زندگیتان پر از پستی و بلندیهایی معنوی است، این درس ارزش خیلی زیادی برای شما خواهد داشت. ولی خواندن آن تنها کافی نیست بلکه باید در زندگی خود به انجام برسانید.

الف: وعده‌های زندگی پیروزمندانه:

۱. (یوحنا ۱۰: ۱۰) خداوند می‌خواهد که شما حیات فراوان داشته باشید.
۲. (مزمیر ۱۶: ۱۱) خداوند قصد دارد که شما یک زندگی پر از لذت را تجربه کنید.
۳. (یوحنا ۸: ۳۱، ۳۲) خداوند می‌خواهد که از طریق کلامش شما را یکی از یارانش بسازد و همچنین شما را آزاد کند. این آزادی از گناه به معنی نبودن گناه در زندگی نیست بلکه در رومیان ۶: ۱۴ خداوند آزادی از قدرت گناه خطاب می‌کند.
۴. کتاب مقدس پیروزی جلال‌مندان را به همه ایمان‌داران درس می‌دهد. با توجه به (اول یوحنا ۵: ۴) انسانهایی که از خدا تولد یافته‌اند بر جهان غلبه می‌کنند.

۵. پولس رسول در رومیان نوشته که گناه نباید بر ما مسلط باشد. (رومیان ۶: ۱۴)

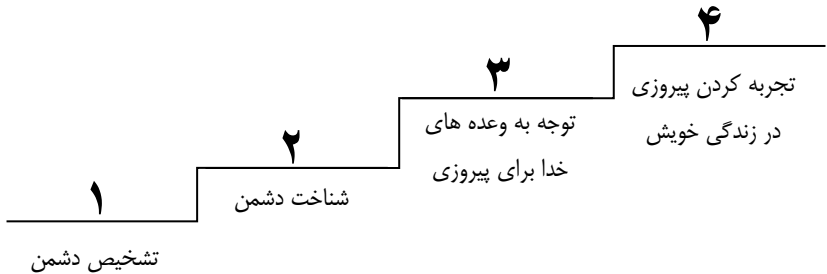
در آیه های زیر به قطعی بودن وعده خداوند برای پیروزی توجه کنید:
"بلکه در همه این امور از حدّ زیادۀ نصرت یافتیم، به وسیله او که ما را محبت نمود." (رومیان ۸: ۳۷)
"لیکن شکر خدا راست که ما را به واسطه خداوند ما عیسی مسیح ظفر می دهد. (اول قرن تیان ۱۵: ۵۷)
"لیکن شکر خدا راست که ما را در مسیح، دائماً در موکب ظفر خود می برد و عطر معرفت خود را در هر جا به وسیله ما ظاهر می کند." (دوم قرن تیان ۲: ۱۴)
"قوت هر چیز را دارم در مسیح که مرا تقویت می بخشد." (فیلیپیان ۴: ۱۳)
بدون شک خواسته و اراده خدا اینست که همه مسیحیان زندگی موفق و پیروزمانده در مسیح را داشته باشند. نه فقط پیروزی بلکه افزونی و فراوانی پیروزی بر دشمن روحانی خود.

ب: انتخاب زندگی پیروزمانده:

به عنوان یک مسیحی شما هنوز انتخاب آزاد دارید. اگر پیروزی را انتخاب کنید مطمئناً شما آن را به صورت هدیه از طرف خداوند خواهید داشت. اگر راه خدا را رد کنید، شما زندگی خود را با شکست ادامه خواهید داد. (رومیان ۶: ۱۶) " آیا نمی دانید اگر خویش را به زندگی تسلیم کرده، او را اطاعت نمایید شما آن کس را که اطاعت می کنید بنده هستید، خواه گناه را برای مرگ خواه اطاعت را برای عدالت."

ج: قدمهایی برای پیروزی در زندگی:

بعضی ها می پرسند، "راز پیروزی در زندگی مسیحی چیست؟ چه فرمولی است که باید برای بدست آوردن پیروزی بدانیم؟ راه و روش را به من نشان بده تا آنرا اجرا کنم." متأسفانه این به سادگی نسخه نوشتن یا مصرف دارو نیست. هرچند، اگر یک راز در زندگی مسیحی باشد، مردن برای خویشتن و تسلیم شدن به مسیح خداوند است. در این درس این حقیقت را یاد خواهید گرفت.
۱: برای اینکه قادر باشید از زندگی پیروزمانده مسیحی لذت ببرید چند قدم را باید دنبال کنید.



کتاب مقدس یاد می دهد که شما به عنوان فرزند خدا با سه نوع دشمن روبرو خواهید شد. هر کدام خواستار شکست معنوی شما هستند. این سه دشمن **جهان، نفس خویش، و ابلیس** هستند. ما هر کدام از این دشمن ها را با اجرا کردن آن ۴ قدم شکست خواهیم داد.

د: چگونه می توانم بر جهان پیروز شوم؟

۱- تشخیص دشمن

وقتی کتاب مقدس در مورد جهان به عنوان مخالف شما سخن می گوید، این به آفرینش جهان توسط خدا اشاره نمی کند بلکه به سیستم این جهان اشاره دارد که روی اصل خود خواهی، انگیزهای غلط، معیارهای غلط و بر علیه چیزهای معنوی خداوند است.

۱) مسیح فرمود که پادشاهی او از این جهان نیست. یوحنا ۱۸: ۳۶

۲) مسیح فرمود که سیستم این جهان از مسیحیان متنفر است همینطور که از مسیح متنفر بود. یوحنا ۱۵: ۱۸

۳) مسیح فرمود که ایمان داران از این جهان نیستند (یوحنا ۱۵: ۱۹)، این نشان می دهد که ما باید خودمان را از هر گونه ارتباط جهانی عایق کنیم. ما در جهان هستیم ولی از آن این جهان نیستیم.

"در آن رساله به شما نوشتم که با زانیان معاشرت نکنید. لکن نه مطلقاً با زانیان این جهان یا طمعکاران و یا ستمکاران یا بت پرستان، که در این صورت می باید از دنیا بیرون شوید." (اول قرنتیان ۵: ۹-۱۰). برای دوری کردن کامل از زناکاران، طمعکاران، ستمکاران، و یا بت پرستان تنها چاره اینست که از این جهان بیرون شویم و یا به عبارتی دیگر این جهان را ترک کنیم.

۴) دنیا پرستی برای مسیحیان فقط دشمنی با خداوند را به همراه خواهد داشت. (یعقوب ۴: ۴)

۵) در این آیه ها آیا فکر می کنید که چیز مشترک بین خداوند و جهان هست که ایمان داران ممکن باشد قبول کنند؟ خیر (متی ۶: ۲۴)

۶) وقتیکه مسیحیان از جهان شکست می خورند، خداوند را ترک می کنند. (دوم تیموتائوس ۴: ۱۰)

۲: شناخت دشمن

۱) چگونه جهان به مسیحیان حمله می کند؟ جهان مسیحیان را اغوا می کند.

۲) با توجه به اول یوحنا ۲: ۱۵-۱۷ کدام سه راه است که این جهان مسیحیان را اغوا می کند؟

الف: شهوت جسم ب: شهوت چشم ج: غرور زندگانی

۳) با توجه به آیه ۱۵ جهان می خواهد چه چیزی را از شما بدست آورد؟ عشق را

۳: توجه به وعده های خدا برای پیروزی

۱) در یوحنا ۱۶: ۳۳ مسیح به یارانش گفت: "خاطر جمع دارید که من بر جهان غالب شده ام"

۲) مسیح خداوند فرمود که او پیروزی را برای ما به ارمغان آورده است.

۴: تجربه کردن پیروزی در زندگی خویش.

خیلی هیجان انگیز است که مسیح خداوند پیروزی ما را در جهان به دست آورده است. اما من و شما نیاز داریم که این پیروزی را در زندگی خودمان تجربه کنیم تا خود ما نیز بتوانیم بر جهان غلبه کنیم.

این نکته های زیر راههایی هستند که می توانیم بر جهان غلبه کنیم:

۱: قبول کنید که شما در سمت پیروزی ایستاده اید.

ا. طبق اول یوحنا ۵: ۵ چه کسی بر جهان غلبه می کند؟ "او کسی است که ایمان بیاورد که مسیح پسر خدا است".

ب. آیا شما به مسیح خداوند ایمان دارید؟

۲: پیروزی خود را با ایمان ادعا کنید.

ا. اول یوحنا ۵: ۴ می گوید: "پیروزی که دنیا را مغلوب کرده است ایمان ماست."

ب. ایمان چیست؟ ایمان به صورت ساده، قبول کردن وعده ای که خدا در کتاب مقدس به ما می دهد، و همچنین عمل کردن به آن. این یعنی اعتماد و اتکا کردن کامل به خدا.

۳: همیشه خواسته خداوند را بجا آورید.

"لکن کنندگان کلام باشید نه فقط شنوندگان که خود را فریب می دهند." یعقوب ۱: ۲۲

۴: اندیشه هایتان را روی چیزهای آسمانی جلب کنید. اگر به چیزهای زمینی یا دنیوی فکر

کنید، به آسانی وسوسه خواهید شد.

ا. "آنچه که در بالاست بطلبید." (کولسیان ۳: ۱)

ب. "در آنچه در بالاست تفکر کنید." (کولسیان ۳: ۲)

ج. "زیرا هر جا گنج تو است دل تو نیز در آنجا خواهد بود." (متی ۶: ۲۱)

ب: چگونه می توانم بر نفس خویش غلبه کنم؟

۱- تشخیص دشمن:

وقتی که کتاب مقدس در مورد نفس که بر علیه ماست، سخن می گوید، منظور جسم و بدن ما نیست. منظور طبیعت کهنه و گناه کارانه ماست که در کتاب مقدس به "انسانیت کهنه" معروف است. آن طبیعت فاسد انسانهاست که تمامی بشر حتی مسیحیان نیز آن را دارند.

ا. وقتی شما نجات پیدا می کنید، طبیعت الهی را نیز دریافت می کنید (دوم پطرس ۱: ۴). اما با اینکه طبیعت روحانی جدید به دست آورده اید، طبیعت گناه کار و کهنه شما از بین نرفته است.

ب. در جسم (طبیعت کهنه) هیچ چیز خوب جای ندارد. رومیان ۷: ۱۸

ج. به عنوان یک مسیحی اینک شما دارای دو طبیعت می باشید یعنی: جسم و روح - کهنه و جدید - گناه کار و الهی

۲: شناخت دشمن:

جسم چطور به مسیحیان حمله می کند؟ جسم کشمکش و غوغا در درون ما به پا می کند و با جهان و شیطان همکاری می کند تا ما را مغلوب کند.

ا. با توجه به رومیان ۷: ۲۱ پولس رسول چه چیزی را کشف کرد؟ اینکه شیطان همیشه حاضر است.

ب. غلاطیان ۵: ۱۷ چگونه این کشمکش را توصیف می کند؟ "زیرا خواهش جسم و روح با هم تناقض دارند به طوری که آنچه می خواهید نمی کنید."

ج. طبق رومیان ۷: ۲۳ این کشمکش در کجا واقع می شود؟ در ذهن

۳: توجه به وعده های خدا برای پیروزی.

۱) سوال پولس در رومیان ۷: ۲۴ چیست؟ "کیست که مرا از جسم این موت رهایی بخشد؟"

۲) جواب سوال پولس در رومیان ۷: ۲۵ را بنویسید؟ "خدا را شکر می کنم بوساطت خداوند ما عیسی مسیح." خداوند مسیح پیروزی را برای ما به ارمغان آورده است.

۴: تجربه کردن پیروزی در زندگی خویش.

ا. غلاطیان ۵: ۱۶ می گوید: "در روح قدم بردارید."

ب. دوم قرنتیان ۵: ۷ ما را آگاه می کند و می گوید، "زیرا که با ایمان راه می رویم." این آیه ها از کتاب مقدس اهمیت زندگی کردن با مسیح خداوند را نشان می دهد.

ج. رومیان ۱۳: ۱۴ می گوید: "بلکه مسیح خداوند را بپوشید و برای شهوات جسمانی تدارک نبینید." این آیه یاد می دهد که نباید به جسم (نفس) خویش مجال و مهلت داد.

تغییر رفتار:

مردم اغلب اوقات تبدیل رفتارهای گناه آلود به رفتارهای عادلانه را پیروزی می خوانند. آن پیروزی همان مراحل "بیرون کردن" و "پوشیدن" است که در افسسیان ۴: ۲۲-۳۲ آمده است. ما مخلوقاتی هستیم که به چیزها عادت می کنیم. ما باید آن عاداتهای گناه آلود را با عاداتهای خداپسندانه عوض کنیم. به عنوان یک مسیحی هرگونه رفتار، نگرش ذهنی، یا فعالیتهایی که خدا از انسانها طلب می کند، بوسیله عیسی مسیح از طریق روح القدس قابل دست یافتن است.

د. جایگاهتان را در مسیح تشخیص دهید.

۱. با توجه به غلاطیان ۵: ۲۴ نفس یا طبیعت گناه کارانه شما به صلیب کشیده شده است.
۲. غلاطیان ۲: ۲۰ می گوید: "من با مسیح به صلیب کشیده شدم." این یک حقیقت است. در اینجا طبیعت کهنه شما با مرگ معامله شده است. اما عملاً طبیعت گناه کار شما هنوز با شماست که وسوسه می شود و زندگیبتان را کنترل می کند.
۵. رومیان ۶: ۱۱ "همچنین شما نیز خود را برای گناه مرده انگارید اما برای خدا در مسیح زنده."
- و. اول پطرس ۲: ۱۱ "ای محبوبان، استدعا دارم که چون غریبان و بیگانگان از شهوات جسمی که با نفس در نزاع هستند، اجتناب نمایید."

ج: چگونه میتوانیم بر ابلیس غلبه کنیم؟

۱: تشخیص دشمن

- ا. قبل از هر چیز درس ۳۸ یعنی "مقابله شیطان با مسیحیان" را مرور کنید، که بیشتر در مورد شیطان صحبت می کند.
- ب. طبق اول پطرس ۵: ۸ ابلیس دشمن ماست "هشیار و بیدار باشید، زیرا که دشمن شما ابلیس مانند شیر غرآن گردش می کند و کسی را می طلبد تا بلعد."

۲: شناخت دشمن

- شیطان چگونه به یک مسیحی حمله می کند؟ او از چندین ابزار برای حمله استفاده می کند. در این مورد دوم قرنیتیان ۲: ۱۱ را بخوانید.
- ا. شیطان از وسوسه استفاده می کند (اول تسالونیکیان ۳: ۵). شیطان در استفاده از جهان برای اغوای شما مهارت دارد.
 - ب. او از مکر استفاده می کند (افسیان ۶: ۱۱). منظور از مکر شیطان یعنی حيله گری با مهارت.
 - ج. او از غرور و تکبر استفاده می کند (اول تیموتائوس: ۳: ۶). او به جسم ما جذب می شود و ما را وادار به خودنمایی می کند.

د. او از دلسرد کردن استفاده می کند. (اعداد ۲۱: ۴)

ه. او از تیر آتشین استفاده می کند. (افسیسیان ۶: ۱۶)

۳: توجه به وعده های خدا برای پیروزی.

ا. علت آمدن مسیح چه بود؟ (اول یوحنا ۳: ۸) تا اعمال شیطان را نابود کند.

ب. مسیح چطور شیطان را شکست داد؟ (عبرانیان ۲: ۱۴) با مرگ خودش روی صلیب.

۴: تجربه کردن پیروزی در زندگی خویش.

ا. آگاه باشید که شما در سمت پیروزی هستید. اول یوحنا ۴: ۴ می گوید: "او که در شماست بزرگتر است از آنکه در جهان است."

ب. با توجه به اول یوحنا ۲: ۱۴ وقتی که کلام خدا در ما باقی بماند، می توانیم بر شریر غلبه کنیم.

ج. زره کامل خداوند را بپوشید. (افسیسیان ۶: ۱۳)

د. ابزارهای دفاعی این زره معنوی را که در افسسیان ۶: ۱۴-۱۸ اشاره شده را نام ببرید؟

کمر بند =

جوشن =

نعلین =

سپر =

کلاه خود =

ه. کدام یک از این ابزارها یورش آور است که می توانیم با آن حمله کنیم؟ شمشیر روحانی که همان کلام خداست.

و. طبق یعقوب ۴: ۷ ما باید در برابر شیطان استقامت کنیم.

ز. طبق افسسیان ۴: ۲۷ ما نباید به شیطان مجال بدهیم.

د: شخصی که پیروزمندانه زندگی می کند. پیروزی در داشتن رابطه ما با یک شخص بدست می آید، که آن خود شخص عیسی خداوند است.

۱. (فیلیپیان ۴: ۱۳) "... در مسیح که به من قدرت می دهد."

۲. (اول قرنتیان ۱۵: ۵۷) "... که ما را به وسیله خداوند مسیح ظفر می دهد."

۳. (دوم قرنتیان ۲: ۱۴) "... ما را در مسیح دائما در موکب ظفر خود می برد."

۴. (رومیان ۸: ۳۷) "... از حد زیاده نصرت یافتیم به وسیله او که ما را محبت نمود."

ر: مسیر زندگی پیروزمندانه

آیا توجه کردید؟ قدمهای پیروزی بر جهان، جسم و ابلیس را که در این درس با هم آموختیم، یک سبکی را یاد گرفتید که می توانید آن را در زندگی خودتان برای پیروزی بکار برید.

کتاب مقدس + ایمان به کلام خدا و عمل کردن به آن در زندگی = پیروزی

۱: با توجه به مزامیر ۱۱۹: ۹، ۱۱ مخفی داشتن کلام خدا در قلبتان برای شما چه سودی دارد؟ کمک می کند تا گناه نکنیم.

۲: با توجه به متی ۲۶: ۴۱ چه چیزهایی را باید برای دوری از وسوسه انجام بدهیم؟ هشیار بودن و دعا کردن.

ز: نصیحت های پایانی برای زندگی پیروزمندانه:

۱- نا امید نشوید، رشد روحانی در زندگی مسیحی به آهستگی صورت می گیرد. بلوغ فوری را انتظار نداشته باشید (یعقوب ۱: ۴) می گوید: "لکن صبر را عمل تام خود باشد تا کامل و تم شوید و محتاج هیچ چیز نباشید." هر روز با صبر برای رشدتان دعا کنید ("ان امروز ما را به ما بده"). بدن یک کودک هر روز رشد می کند، اما بلوغ و تغییرات روزانه غیر قابل مشاهده است اما به مرور زمان می توان آن را مشاهده کرد. شما نیز می توانید هر روزه رشد روحانی داشته باشید، و بعد از مدتی خواهید فهمید که چقدر در زندگی مسیحی خود رشد کرده و عوض شده اید.

۲- از دل خود محافظت کنید. متی ۶: ۳۳ می گوید: "لکن اول ملکوت خدا و عدالت او را بطلبید." این یعنی چه؟ خداوند اندیشه و علاقه قلبی شما را می خواهد، نه فقط علاقه اولیه شما را. اولویت شما در زندگی باید خدا باشد. برای مثال: شما به خانه وارد می شوید و به همسرتان می گوئید: "سلام عزیزم، امروز می خواهم بگویم خیلی دوستت دارم، تو جایگاه اول را در زندگی من داری." بعد دوباره اضافه می کنی، "گرچه از تو می خواهم که بدانی سارا، مریم و فاطمه در جایگاه دوم، سوم و چهارم هستند." آیا همسر شما از این که در میان چهار زن در جایگاه اول است، خوشحال می شود؟ به هیچ وجه. خداوند هم دوست ندارد که در میان دیگران اول باشد. که در این صورت جایگاه او به رقابت کشیده می شود. مسیح در لوقا ۱۴: ۲۶ فرمود: "اگر کسی نزد من آید پدر و مادر و زن و اولاد و برادران و خواهران حتی جان خود نیز دشمن ندارد، شاگرد من نمی تواند بود."

۳- دل خود را آزمایش کنید. پولس در کولسیان ۳: ۲ فرمود: "در آنچه بالاست تفکر کنید نه در آنچه زمین است." دل شما به چه چیزی متصل است؟ برای اینکه یافت کنید که آیا مسیح دارای جایگاه اول است یا نه، خود را در این محدوده های زیر آزمون کنید:

ا. زمانتان: آیا از بودن با خدا در زمان دعا، پرستش و تعلیمات لذت می برید؟ اگر نه، چه چیزی انتظار دارید که در بهشت باشد و شما از آن لذت ببرید؟

ب. افکارتان: فکر کردن در مورد چه چیزهایی به شما لذت می دهد؟ در امثال سلیمان ۲۳: ۷ خداوند می فرماید: "زیرا چنانکه در دل خود فکر می کند خود او همچنان است." برای همین او در امثال ۲۳: ۴ می گوید: "دل خود را به حفظ تمام نگاه دار، زیرا که مخرج های حیات از آن است." شما همان کس هستید که درباره اش فکر می کنید. آیا فیلیپیان ۴: ۸ را دنبال می کنید؟ و ذهنتان را با آن چیزها مشغول کنید؟

ج. بخشش هایتان: به دسته چک و حساب بانکی خود نگاهی بیاندازید تا ببینید که به چه چیزی در زندگی ارزش می دهید. در لوقا ۱۲: ۳۴ مسیح فرمود: "زیرا جایی که خزانة شماست دل شما نیز در آنجا می باشد."

۴- دلتان را با لذت ها خود اولویت بندی کنید. آیا قانون طلایی را بیاد دارید؟ (متی ۷: ۱۲)
"لہذا آنچه خواهید به شما کنند، شما نیز بدیشان همچنان کنید، زیرا این است تورات و کتاب انبیا."
چه می شد اگر شما به کسی دیگر مثل خودتان متکی بودید که راه نجات را برایتان توضیح می داد؟ احتمال نجات یافتن و رفتنتان به بهشت چقدر بود؟ اگر دعای شفاعت آنها برای نجات شما همانند دعای شما برای دیگران بود، چه اتفاقی می افتاد؟ آیا دوست داشتید که دانش ایشان از کلام خدا همانند دانش شما بود؟ در مورد محبت ایشان چطور؟ آیا دوست داشتید که درجه نگرانی آنها برای سرنوشت شما با نگرانی که شما برای دیگران دارید مساوی باشد؟ دنبال رو مسیح در مرقس ۱۰: ۴۵ باشید. "زیرا که پسر انسان نیز نیامده تا مخدوم شود بلکه تا خدمت کند و تا جان خود را فدای بسیار کند"

۵- دلتان را از طریق دعا کردن آماده کنید. وقتی زندگی نا آرام می شد و مشغله زیاد می شد، مسیح به کناری می رفت تا دعا کند. وقتی که تصمیمات مهم پیش می آمد، مسیح دعا می کرد. بزرگترین پیروزی مسیح در زمان رنج و زحمت در باغ جتسمانی به وقوع پیوست. او دعا کرد و گفت: "نه به خواهش من بلکه به اراده تو". اگر این پیروزی از طریق دعا اتفاق نمی افتاد، صلیب عیسی نمیتوانست وجود داشته باشد. به زندگی خود اجازه ندهید که شما را به زمین سرکوب کند. مرتباً از همه فاصله بگیرید و به خلوتی رفته، به زانو افتاده در تنهایی دعا کنید.

ط: اما اگر در این راه ها شکست بخوریم چطور؟

اگر در راه مسیح زندگی کنید و شکست بخورید، چه کاری انجام می دهید؟ (اول یوحنا: ۱۹) را به یاد داشته باشد. خداوند شما را رد نکرده است و شکست شما او را ضعیف نساخته است. او شما را خواهد

بخشید و حتی ممکن است از شکست شما به عنوان سنگ زیرپای شما استفاده کند تا شما را در آینده در مقابل شکستهای مشابه نیرو بخشند.

تکیه بر پیروزی گذشته برای رسیدن به پیروزی آینده نکنید. به جای آن همیشه به مسیح و کلام او تکیه کنید. آیه های کتاب مقدس را حفظ کنید و وقتی که لازم باشد آن را تکرار کنید. تنها زمانی که می توانید پیروزمندانه زندگی کنید الان است. امروز شروع کنید! حقیقت این درس را تنها برای اضافه کردن معلوماتتان یاد نگیرید، بلکه آنها را بکار بگیرید و در زندگیتان تجربه کنید.

مبشری در سخنان خود در مورد پیروزی چنین گفت: ".....نه اینکه ستیزه جو برای داشتن ایمان، بلکه چشم دوختن به آن وفادار (مسیح)، به نظر تنها چیزی است که ما نیاز داریم." دنبال رو مثال پولس رسول باشید "... نه من بعد از این، بلکه مسیح در من زندگی می کند.." (غلاطیان ۲: ۲۰).

سوالات این درس:

- ۱- اول یوحنا ۵: ۴ را بنویسید؟
- ۲- سه آیه را درباره قطعی بودن وعده خداوند برای پیروزی را در کلامش بنویسید؟
- ۳- راز پیروزی در زندگی مسیحی چیست؟
- ۴- سه مورد از چیزهایی که مسیح درباره جهان گفت را بنویسید؟
- ۵- چهار نکته از راههایی که ما می توانیم بر جهان غلبه کنیم را نام ببرید؟
- ۶- جسم چطور به مسیحیان حمله می کند؟
- ۷- چگونه پیروزی را در زندگی خودمان می توانیم تجربه کنیم؟ سه مورد را نام ببرید؟
- ۸- پنج ابزاری که شیطان برای حمله به یک مسیحی استفاده می کند را نام ببرید؟
- ۹- ابزارهای دفاعی زره معنوی را که در افسسیان ۶: ۱۴-۱۸ اشاره شده را نام ببرید؟
- ۱۰- مسیح چطور شیطان را شکست داد؟
- ۱۱- چگونه باید یافت کنیم که آیا مسیح دارای جایگاه اول در زندگی ماست یا نه؟

آیه های کلیدی این درس: اول یوحنا ۵: ۴ ؛ اول قرنتیان ۱۵: ۵۷ ؛ رومیان ۶: ۱۴

درس ۴۲: ماهیت خداوند

خواندن کتاب مقدس: مزامیر ۱۳۹: ۱-۲۴

هدف: اینست که درک بهتری از ماهیت خداوند که به دوست داشتن و اطاعت از او منجر خواهد شد را داشته باشیم.

مقدمه: انسان از نظر روحی کور و گمراه و به دور از خداوند متولد می شود. اما چگونه می توان به شناخت خداوند رسید و بینایی روحانی خویش را بدست آورد؟ بوسیله:

الف) تولد دوباره (ب) درک ماهیت و شخصیت خداوند

سوال: ماهیت خداوند چگونه است؟

الف. مشخصات طبیعی خداوند چیست؟

۱. دانش نا محدود. خداوند خود را می شناسد و هر آنچه که وجود دارد یا امکان وجود داشتن در گذشته، حال و آینده را دارد، می داند. دانش او بی نقص و ازلی است. او بهترین ها را برای تحقق آنچه خود می پسندد را می خواهد. "عدد ستارگان را می شمارد و جمیع آنها را به نام می خواند. خداوند ما بزرگ است و قوت او عظیم و حکمت وی غیرمتناهی." (مزامیر ۱۴۷: ۴، ۵) "لیکن همه موهای سر شما نیز شمرده شده است." (متی ۱۰: ۳۰).

تأثیر دانش نامحدود خدا بر ما چیست؟ الف) خداوند از تمامی نیازها و مشکلات ما حتی پیش از تولد به درستی و به کامل ترین شکل ممکن آگاه است. ب) می توانیم در مورد عشق خداوند نسبت به ما، توانایی و تمایل او برای کمک به ما انسانها و برآورده ساختن نیازهای ما مطمئن باشیم.

۲. قدرت نا محدود. خداوند قادر به انجام هر آنچه است که خود اراده کند، یعنی چیزهایی که با ماهیت وی همخوان باشد. خداوند نمی تواند:

ا. دروغ بگوید. "تا به دو امر بینگیز که ممکن نیست خدا در مورد آنها دروغ گوید." عبرانیان ۶: ۱۸
ب. گناه کند. "هیچکس چون در تجربه افتد، نگویید: خدا مرا تجربه می کند، زیرا خدا هرگز از بدیهه تجربه نمی شود و او هیچکس را تجربه نمی کند." یعقوب ۱: ۱۳

ت. گناه را نظاره کند. "چشمان تو پاکتر است از اینکه به بدی بنگری و به بی انصافی نظر نمی توانی کرد. پس چرا خیانتکاران را ملاحظه می نمایی و حینی که شریر کسی را که از خودش عادل تر است می بلعد، خاموش می مانی؟" حقوق ۱: ۱۳

ث. خویش را انکار کند. "اگر بی ایمان شویم، او امین می ماند زیرا خود را انکار نمی تواند نمود."

دوم تیموتائوس ۲: ۱۳

ج. چیزی برای او محال نیست. "هیچ چیز برای تو غیرممکن نیست." ارمیا ۳۲: ۱۷

ح. چرا که او قدرتمندترین است. "با خداوند همه چیز ممکن است." متی ۱۹: ۲۶

سه نوع اراده خداوند عبارتند از: الف) **اراده بی نقص** (ب) **اراده اختیاری** (مجاز) (پ) **اراده مسلط** (رهنمود)

خداوند قدرت و اختیار خود را با دادن حق اختیار به انسان محدود می کند و به همین دلیل است که خداوند گناه را از زمین دور نگاه نداشت (خداوند به انسان اختیار ارتکاب گناه را داد). خداوند هیچ انسانی را به اجبار نجات نمی دهد.

تأثیر قدرت نامحدود خدا بر ما چیست؟ "الحال او را که قادر است که بکند بی نهایت زیادتر از هر آنچه بخواهیم یا فکر کنیم، بحسب آن قوتی که در ما عمل می کند." افسسیان ۳: ۲۰

۳. حاضر در همه جا: خداوند همه جا حاضر و فعال است. او دربرگیرنده تمام دانش موجود در هر

مکانی است. مزامیر ۱۳۹: ۷-۱۲

- "از روح تو کجا بروم؟ و از حضور تو کجا بگریزم؟" مزامیر ۱۳۹: ۷
- "و کسی به آسمان بالا نرفت مگر آن کس که از آسمان پایین آمد، یعنی پسر انسان که در آسمان است." یوحنا ۳: ۱۳

تأثیر حاضر در همه جا بودن خدا بر ما چیست؟ (الف) آرامش مؤمنان (ب) هشدار، منع، تسلیم

کردن بی ایمانان که از دست خداوند نمی توانند بگریزند.

۴. ابدیت (بی پایان در زمان). خداوند بی کران و لایتنهای است. کلمه ابدیت در این مفهوم به دو شکل به کار می رود:

أ. **مجازی:** وجودی که شاید آغازی داشته باشد اما پایانی برای آن متصور نیست. مانند فرشتگان یا روح انسان.

ب. **عینی:** وجودی که آغاز و پایانی ندارد. مثل: خداوند،

- "کسی که پیش رفتنهای او از قدیم و از ایام ازل بوده است." میکاه ۵: ۲
- "قبل از آنکه کوهها به وجود آید و زمین و ربع مسکون را بیافرینی. از ازل تا به ابد تو خدا هستی." مزامیر ۹۰: ۲
- "من هستم الف و یا، اول و آخر، می گوید آن خداوند خدا، که هست و بود و می آید، قادر علی الإطلاق." مکاشفه ۱: ۸

تأثیر ابدی بودن خدا بر ما چیست؟ الف) می توانیم بدانیم که انسانها زندگانی ابدی خواهند داشت، خواه در جهنم خواه در بهشت. ب) درک عظمت مسیح. پ) استفاده بهینه از عمر خود برای دعوت دیگران به مسیح.

۵. **تغییر ناپذیر:** ذات و ماهیت خداوند هیچ گاه تغییر نمی کند.

- "عیسی مسیح دیروز و امروز و تا ابدآباد همان است." عبرانیان ۱۳: ۸
- "هر بخشندگی نیکو و هر بخشش کامل از بالا است، و نازل می شود از پدر نورها، که نزد او هیچ تبدیل و سایه گردش نیست." یعقوب: ۱۸

تأثیر تغییر ناپذیر بودن خدا بر ما چیست؟

الف) خداوند قابل اعتماد است و به آنچه وعده می دهد، پایبند خواهد ماند. ب) ما نیز می بایست تغییر ناپذیر باشیم و همواره عهد و پیمان خود را به یاد داشته باشیم و ایمان خویش را از یاد نبریم.

۶. **سه گانگی:** این یعنی سه شخصیت متحد (تثلیث) بدون وجود جداگانه از وجود یک خدای واحد. این ماهیت الهی در سه شخصیت خلاصه می شود: پدر، پسر و روح القدس. با این که خداوند وجودی یگانه دارد اما در سه شخصیت کاملاً مساوی و یکسان تجلی می یابد که با وجود داشتن ماهیت یکسان هر یک از شخص تثلیث خواص و کارایی متفاوتی دارند. پدر پسر را برای مأموتی می فرستد و پسر روح القدس را. نظریه سه گانگی به این معنی نیست که خداوند خویش را به سه حالت وجودی عرضه کند. همچنین به این معنی نیست که این سه ماهیتی متفاوت دارند. شواهد تثلیث یا سه گانگی در کتاب مقدس عبارتند از:

۱. **در مأموریت بزرگ:** پس رفته، همه امته را شاگرد سازید و ایشان را به اسم پدر و پسر و روح

القدس تعمیم دهید. متی ۲۸: ۱۹

ب. **دعای خیر پولس رسول:** "فیض عیسی خداوند و محبت خدا و شرکت روح القدس با جمیع

شما باد. آمین." دوم قرنتیان ۱۳: ۱۴

ت. **سه شاهدان بهشت:** "زیرا سه هستند در بهشت که شهادت می دهند، یعنی پدر، کلمه، و روح

القدس. و این سه، یک هستند." اول یوحنا: ۵: ۷

هر یک از این سه دارای ماهیت خدایی یکسان هستند. هر کدام در زنده کردن مسیح از مردگان، خلقت جهان و نجات انسان سهم دارند.

ب. ویژگی های اخلاقی خداوند چیست؟

۱. حقیقت: دانش و بیان خداوند همواره با واقعیت مطابق است. وفاداری خداوند دلیل به جای آوردن تمامی وعده های اوست. "خداوند، خدای حقیقت است". مزامیر ۳۱: ۵
۲. قداست: خداوند زلال و بری از هرگونه آلودگی و بدی و گناه است. (الف) شواهدی از قدوس بودن خدا در کتاب مقدس:

- "و یکی دیگری را صدا زده، می گفت: "قدّوس قدّوس قدّوس یهوه صباپوت، تمامی زمین از جلال او مملو است." اشعیا ۶: ۳
- "و آن چهار حیوان که هر یکی از آنها شش بال دارد، گرداگرد و درون به چشمان پر هستند و شبانه روز باز نمی ایستند از گفتن قدّوس قدّوس قدّوس، خداوند خدای قادر مطلق که بود و هست و می آید." مکاشفه ۴: ۸
- "زیرا او که عالی و بلند است و ساکن در ابدیت می باشد و اسم او قدّوس است چنین می گوید: من در مکان عالی و مقدّس ساکنم و نیز با کسی که روح افسرده و متواضع دارد، تا روح متواضعان را احیا نمایم و دل افسردگان را زنده سازم." اشعیا ۵۷: ۱۵
- "پدر مقدس" یوحنا ۱۷: ۱۱
- "زیرا مکتوب است، مقدّس باشید زیرا که من قدّوسم." اول پطرس ۱: ۱۶

(ب) علامت و نشانه های قداست خداوند عبارتند از:

- مقدس ترین مکان "خیمه عبادت" که کشیش اعظم سالی یک بار به آن وارد می شود.
- ده فرمان و قوانین وضع شده در زمان موسی. (لاویان ۱۱-۱۵)
- حدودی که خداوند در هنگام دادن ده فرمان به موسی بر کوه سینا قرار داد تا مردم نتوانند از آن محدوده عبور کنند و به بالای کوه به دیدن خدا بروند.
- در عهد عتیق برای نزدیک شدن به خداوند تقاضای قربانیها شده بود.
- امت بنی اسرائیل که در سرزمین خویش از دیگر امتهای کناره گیری و از بت پرستی آنها نهی شدند.
- "لیکن خطایای شما در میان شما و خدایتان حائل شده است و گناهان شما روی او را از شما پوشانیده است." (اشعیا ۵۹: ۲)
- صلیب نشان می دهد که خداوند تا چه اندازه قداست را دوست می دارد. مسیح نه تنها برای بخشودگی گناهان ما بلکه برای تقدّس و بخشیدن عدالت به انسان به صلیب کشیده شد. چرا که خداوند قداست را دوست می دارد.

تأثیر ویژگیهای اخلاقی خدا بر ما چیست؟

الف) می بایست با "احترام و خداترسی" به خداوند نزدیک شد و وی را عبادت نمود (حقوق ۱۲: ۲۸) و نه مانند مردم اشدود (اول سموئیل ۵: ۶).
ب) زمانیکه ما درک درستی از قداست خداوند داشته باشیم، درک درستی از گناه نیز خواهیم داشت. برای مثال اشعیا مقدسترین شخص در اسرائیل پس از آگاهی از میزان قداست خداوند در مقابل گناهان خویش به زانو درآمد. (اشعیا ۶: ۵-۷)
پ) نزدیکی به خداوند می بایست با استفاده از شایستگی عدالت عیسی صورت پذیرد.

۳. عدالت و راستی: فضیلت، درستکاری

"زیرا که یهوه خدای ما در همه کارهایش که انجام می دهد عادل است." (دانیال ۹: ۱۴)
عدالت: خداوند دولتها را در جهان مقرر کرده تا قوانینی را بر اساس عدالت وضع نمایند و مجازاتهایی را برای مجرمان ترتیب دهند.
راستی: خداوند قوانین خویش را اجرا می کند. صالحان را پاداش می دهد و گناهکاران را مجازات میکند. خداوند تمامی مناسبات خود با بشریت را همواره درست و با عدل انجام می دهد. عدالت او بر پایه قوانین اوست.
عدالت و درستی خداوند در موارد زیر مشهود است:

الف) **مجازات گناهکاران** (ب) **پاداش عادلان** (مزامیر ۵۸: ۱۱) (پ) **بخشایش گناهان توبه کنندگان** (ت) **وفای بعهده نسبت به مسیحیان** (نحمیا ۹: ۷-۸) (ث) **نجات مؤمنان از دست دشمنانشان** (استر ۹: ۲۴، ۲۵) (ج) **موعظه و دعوت به عدالت از طرف مؤمنان** (مزامیر ۴۰: ۹، ۱۰)

۴. **نیکویی**: خدا تمامی ویژگی های یک شخص ایده آل مانند عشق، خیرخواهی، رحمت، مهربانی و فیض را دارد. "بچشید و ببینید که خداوند نیکوست. خوشبحال کسی که به او توکل می دارد" (مزامیر ۳۴: ۸).

الف) **عشق** خداوند به آفریدگانش: مهربانی و محبت خداوند و توجه همیشگی وی به رفاه دنیوی و روحانی عشق وی را به بندگانش نشان می دهد. خداوند مهر و محبت خود را بدینگونه آشکار می سازد:

• محشور ساختن نام خویش با عشق. "خدا محبت است" (اول یوحنا ۴: ۸، ۱۶). خدایان امتهای متنفر و خشمگین هستند.

• "او ما را محبت نمود و پسر خود را فرستاد تا کفاره گناهان ما شود برای رستگاری انسان." (اول یوحنا ۴: ۹، ۱۰).

• او هرگز و در هیچ یک از مراحل زندگی ما را فراموش نمی کند. (اشعیا ۴۳: ۹؛ ۴۹: ۱۵، ۱۶).

• بخشندگی: خداوند همه چیز را دولت‌مندانه برای لذت بردن به ما عطا می کند. (مزامیر ۱۴۵: ۹، ۱۵، ۱۶؛ متی ۵: ۴۵؛ اول تیموتائوس ۶: ۱۷).

(ب) خیرخواهی خداوند: محبتی که خداوند نسبت به بشریت ابراز می نماید.

(پ) رحمت خداوند: نیکویی خداوند که همواره شامل حال گناهکاران، بندگان گرفتار، بدبخت و پریشانحال است. (یعقوب ۵: ۱۱؛ افسسیان ۲: ۴). خداوند نسبت به اسرائیل بخشنده است (مزامیر ۱۰۲: ۱۳)، و نسبت به امت‌ها (رومیان ۱۱: ۳۰-۳۲) و نسبت به تمام آنانی که ترس از خداوند دارند (لوقا ۵۰: ۵۰)، و تمامی کسانی که بدنبال نجات او هستند (اشعیا ۵۵: ۷). و او برآورنده نیازهای دنیوی و اخروی ماست.

(ت) مهربانی خداوند: برکات خداوند نسبت به بندگان مطیع خویش مستمر و بهترین نعمت اوست. "او که پسر خویش را دریغ نداشت بلکه او را در راه جمیع ما تسلیم نمود، چگونه با وی همه چیز را به ما نخواهد بخشید" (رومیان ۸: ۳۲). مهربانی و رحمت خداوند در پذیرفتن فرزند گمشده خود قابل مشاهده است. (لوقا ۱۵: ۱۱-۱۱؛ مزامیر ۶۳: ۳).

(ث) فیض خداوند: لطف خداوند نسبت به آنانی که مستحق مجازاتند. فیض خداوند در تأخیر وی برای تنبیه گناهکاران، فراهم کردن نجات، در دسترس قرار دادن کتاب مقدس، تأثیر مسیحیان، تأثیر روح القدس در زندگی انسان‌ها و نجات گناهکاران از زندگانی پر از گناه و سربلند کردن آنها مشهود است.

نتیجه گیری: بیایید با عشق به خداوند (تثنیه ۶: ۵)، به فرمانبرداری از او (اول سموئیل ۱۵: ۲۲)، خدمت به او (یوحنا ۱۲: ۲۶)، شناخت او (فیلیپیان ۳: ۱۰)، ستایش او (مزامیر ۱۰۷: ۸)، مطالعه درباره او (دوم تیموتائوس ۲: ۱۵)، و عبادت او (یوحنا ۴: ۲۳) بپردازیم.

سوالات این درس:

۱- چگونه می توان به شناخت خداوند رسید و بینایی روحانی خویش را بدست آورد؟

۲- شش مشخصات طبیعی خداوند را نام ببرید؟

۳- دانش بی پایان خداوند چه تأثیری بر ما دارد؟

- ۴- چرا خداوند گناه را از زمین دور نگاه نداشت؟
- ۵- حاضر بودن خدا در همه جا چه تأثیری بر ما دارد؟
- ۶- ابدی بودن خداوند چه تأثیری بر ما دارد؟
- ۷- تغییر ناپذیر بودن خداوند به چه معناست؟ آیه ای را ذکر کنید؟
- ۸- سه گانه بودن خداوند را تعریف کنید و شواهد سه گانگی خدا در کتاب مقدس را با ذکر آیه ای برای هر کدام، نام ببرید؟
- ۹- ویژگی های اخلاقی خداوند را نام ببرید؟
- ۱۰- حقیقت خدا را تعریف کنید؟
- ۱۱- قداست چیست؟ و این ویژگی خدا چه تأثیری بر ما باید داشته باشد؟
- ۱۲- عدالت و درستی خداوند در چه مواردی مشهود است؟
- ۱۳- نیکویی خداوند به چه معناست؟

آیه های کلیدی این درس: مزامیر ۱۳۹؛ عبرانیان ۱۳: ۸؛ متی ۲۸: ۱۹؛ مکاشفه ۴: ۸

درس ۴۳: درد و رنج

آتش پالاینده

جو بیلی و همسرش سه فرزند خود را از دست دادند. یکی از آنها در سن هشت سالگی و بعد از یک عمل جراحی از دنیا رفت. دیگری در سن پنج سالگی در اثر سرطان خون و سومین پسر در سن هجده سالگی بر اثر حادثه سورتبه سواری و همچنین بیماری هموفیلی از دنیا رفت. هرگاه امواج غم به ساحل آنها می زد، اشکهایشان جاری می گشت.

گریه یک زبان جهانیست و برای درک معنی آن نیازی به لغات نیست. گریه ارتباط عمیقی ایجاد میکند که کلمات قادر به بیان آن نیستند. آن زبان نیست که هرکسی در هر زمان و هر مکان با آن صحبت میکند. بیماری، تنهایی، فقر و مرگ عزیزی از خانواده باعث درد و رنج می شوند و انسان را با سؤالیهای مانند: "چرا؟ چرا من؟ چرا الان؟ و چرا اینگونه شد؟" رها کرده و به او احساس غرق شدن در دریایی از بهت و حیرت می دهند. این درس بیشتر از سایر درسها با احساسات ما سر و کار دارد. درد، تمام توجه ما را به خود جلب می کند. ما را متوقف و وادار به ارزیابی مجدد، بازنگری و تجدید نظر کردن در الویتها می کند. در زمان درد و رنج نیازی به پاسخهای کلیشه‌ای و پیش پا افتاده نداریم. خداوند تنها کسی است که در زمانهای دشوار نیازش داریم. این درس شما را با دیدگاه‌های کتاب مقدس در رابطه با درد و رنج آشنا می کند. همه انسانهای با ایمان آزمونهای گوناگونی را پشت سر می گذارند. برخی از این آزمایشها از طرف شیطان بوجود می آید و برخی از سوی مردم، و حتی برخی از آن آزمونها میتوانند از اعمال خود ما سرچشمه بگیرند. بخشی از آزمونها به دلایل مختلف از سوی خداوند بر ما نازل می شوند. مهم نیست منشاء این آزمونها کجاست و لیکن خداوند از درد و رنج برای کامل نمودن اراده خود برای ما استفاده می کند.

(۱) سوءتفاهم‌ها نسبت به درد و رنج

بعضی از مسیحیان به این عقیده اند که:

الف: هنگامیکه شخصی مسیحی می شود، مشکلاتش پایان می پذیرد.

این بنظر خوشحال کننده است ولی حقیقت ندارد. انسانهای با ایمان هنگام صحبت کردن درباره زندگی شگفت انگیز مسیحی خود ممکن است گاهی پا را فراتر از حقیقت بگذارند. تمامی شخصیت‌های کتاب مقدس رنج کشیدند، حتی خود عیسی مسیح.

ب: آزمون‌ها نتیجه اعمال و گناهان خود ما هستند.

بعضی‌ها می‌گویند: "شما مسیحی روحانی نیستید و بنابراین خداوند شما را مجازات می‌کند". این گفته ممکن است حقیقت باشد ولی همیشه بدینگونه نیست. در کتاب یوحنا ۹: ۲-۳ داستان مردی را می‌خوانیم که بدون هیچ گناهی از کوری رنج می‌برد.

پ: آزمون‌ها برای انسان خوب نیستند.

خیر، دقیقاً برعکس این قضیه است. آزمون‌ها برای ما مفید است و این درس به فواید آن اشاره دارد.

(۲) درد و رنج بخشی از برنامه خداوند است.

الف: درد و رنج در زندگی حتمی است.

- (۱) در یوحنا ۱۶: ۳۳ عیسی مسیح پیشگویی نمود که ما در زندگی آزمایش سختی خواهیم داشت.
- (۲) در دوم تیموتائوس ۳: ۱۲ پولس درباره اینکه مسیحیان با ایمان رنج می‌برند چه گفته است؟---

(۳) در اول پطرس ۴: ۱۲ پطرس می‌گوید که مواجه شدن با آزمونی آتشین برای ما مسیحیان عجیب نیست.

ب: تمام درد و رنجی که مسیحیان متحمل می‌گردند تحت کنترل مطلق خداوند و در چهارچوب نقشه و طرح مقتدرانه اوست.

دانستن اینکه خداوند قادر مطلق است، باعث زنده ماندن امید در هنگام سختی‌هاست. خداوند در اشعیا ۵۵: ۹ می‌فرماید که طریقه‌ها و افکار او بالاتر از طریقه‌ها و افکار ماست. از آنجاییکه پادشاهی و عظمت خداوند لایتناهی است، پیش بینی آن تقریباً ناممکن است. خداوند در هر شرایطی قادر به انجام هر کاری و با هر کسی و در هر مکانی است و این همواره صحت خواهد داشت.

۱: طبق رومیان ۸: ۲۸ خداوند طوری مقدر می‌فرماید که: "همه چیز برای خیریت ایشان با هم در کار هستند".

۲: خداوند کسانی را مورد آزمایش قرار می‌دهد که آنها را طبق هدف و منظور و طرح و نقشه خود خوانده است.

این بدان معنی نیست که خود را به دست سرنوشت واگذار کنیم بلکه باید طبق فرمان خداوند با ایمان زندگی کنیم. درد و رنج بخشی از نقشه خداوند است که برای ما مفید می‌باشد.

۳) فواید درد و رنج

درد و رنج صحت و اعتبار آنچه ما به آن ایمان داریم را مورد آزمایش قرار می دهد و خالص بودن ایمان ما را بر ما آشکار می سازد. در متی ۱۳: ۱-۹ مثل عیسی مسیح درباره برزگر و خاک را بخوانید و تفسیر آن را در آیه های ۱۸-۲۳ بخوانید و جدول زیر را کامل کنید.

نوع خاک	چه بر سر خاک آمد؟	شخصیتی که خاک نماینده آن است؟	چه بر سر این شخصیت می آید؟

چه چیز باعث می شود که زمین سنگی (سنگلاخ دار) بلغزد؟ (۲۱-۲۰) -----

الف: درد و رنج توان ایمان ما را آشکار می سازد. پیدایش ۲۲: ۱-۱۴ را بخوانید.

۱: طبق کتاب پیدایش ۲۲: ۱۲ اراده ابراهیم در قربانی کردن اسحاق نشان دهنده -----
----- ابراهیم از خداوند است.

۲: طبق عبرانیان ۱۱: ۱۷-۱۹ ابراهیم قصد قربانی نمودن اسحاق را کرد چون به این ایمان یقین داشت
----- که خداوند قادر است

ابراهیم به خداوند ایمان داشت، هرچند رستاخیز یعنی زنده شدن مردگان را ندیده بود. این ایمان شگفت انگیز با وجود یک آزمایش بسیار سخت نشان می دهد که افراد با ایمان قادرند با توکل و اعتماد به خداوند از پس آزمایشهای سخت برآیند. آزمایشها آشکار کننده ایمان ما هستند.

۳: در دوم تواریخ ۳۳: ۳۱ خداوند چگونه حرقیا را آزمایش کرد؟ -----

از آنجاییکه خداوند بر همه چیز آگاه است، برای دانستن آنچه در دل‌های ماست نیاز به آزمایش کردن ما ندارد بلکه هدف از آزمایش این است که آنچه در درون دل‌هایمان است را بر خود ما آشکار سازد. بدین ترتیب خداوند به ما کمک می‌کند که توشه‌ای روحانی برای خود گردآوریم.

ب: درد و رنج آنچه را که واقعاً به آن عشق می‌ورزیم را بر ما نمایان می‌سازد.

- (۱) کتاب تثنیه ۱۳: ۱-۳ به ما می‌گوید که خداوند شرایط زندگی را طوری وضع می‌نماید تا به ما ثابت نماید آیا با تمام جان و دل به او عشق می‌ورزیم و یا خیر.
- (۲) آزمایش ابراهیم ثابت نمود که او خداوند را بیش از اسحاق دوست می‌داشت.

پ: درد و رنج به ما فروتنی و شکیبایی را می‌آموزد و ما را هرچه بیشتر به خداوند وابسته می‌کند.

- (۱) طبق دوم قرن‌تین ۱۲: ۷ خداوند پولس رسول را مورد آزمایش قرار داد تا مبادا زیاده سرافرازی نماید.

پولس مکاشفات فراوانی از سوی خداوند دریافت نمود و می‌توانست خود را بسیار بزرگ و مهم در نظر دیگران نشان دهد، ولی خداوند برای حفظ فروتنی، او را با بیماری مزمن مواجه ساخت. بدین ترتیب پولس به این درک رسید که از خود هیچ قدرتی ندارد و توانایی‌های او همه وابسته به شکوه و عظمت خداوند است.

- (۲) در اول پطرس ۲: ۲۰ خداوند تحمل درد و رنج با شکیبایی را قابل قبول می‌داند. هلن کلر می‌گوید: *"با ناتوانی‌های خود مواجه شوید و به آنها اقرار کنید اما نگذارید بر شما مسلط گردند. بگذارید به شما درس شکیبایی و شیرینی و بینش بدهند."*

- (۳) درد و رنج باعث می‌شود که ما بیشتر مفید باشیم. طبق کتاب یعقوب ۱: ۲-۴ امتحان ایمان در ما صبر و شکیبایی ایجاد می‌کند. توماس منتون می‌گوید: *"هنگامیکه همه چیز آرام است، بر اساس احساساتمان زندگی می‌کنیم نه ایمانمان، اما ارزش سربازان هیچگاه در زمان صلح آشکار نمیشود."* در زندگی مسیحی همواره کشمکش روحانی وجود دارد که بطور مداوم با ایمانان را آماده نگه میدارد و عضلات معنوی ایشان را قویتر و سودمندتر می‌سازد. این واقعیت، دوام و استقامت روحانی و معنوی آنان را قویتر و برای آینده مفیدتر می‌سازد.

- (۴) طبق مزامیر ۲۷: ۱-۲ عکس العمل مزبور خوان هنگام مشکلات اینست:

"آواز من بسوی خداست و فریاد می‌کنم؛ آواز من بسوی خداست. گوش خود را به من فرا خواهد گرفت. در روز تنگی خود خداوند را طلب کردم."

با عصبانی شدن از دست خداوند، مرتکب اشتباهی بزرگ نشوید. خداوند به شما یاری می‌رساند نه آزار. بسوی او بروید و به او وابسته شوید.

ت: درد و رنج به ما توانایی کمک به دیگران هنگام درد و رنج آنها را می‌دهد.

(۱) طبق دوم قرن‌تین ۱: ۴ هنگامیکه در درد و رنج می‌افتیم، خداوند به ما آرامش و تسلی می‌دهد.
(۲) طبق آیه ۴ خداوند اینگونه می‌کند تا بتوانیم دیگران را در مصیبتشان تسلی دهیم. درد و رنج دوستی ما را با خداوند عمیقتر و از نظر معنوی ما را غنی می‌سازد. این امر برای دیگرانی که در میان آزمایش‌های الهی همسان هستند نیز مفید است.

(۳) طبق عبرانیان ۴: ۱۵ عیسی مسیح نیز درد و رنج کشید تا شریک درد و رنج‌های ما شود. "زیرا رئیس کهنه‌ای نداریم که نتواند همدرد ضعف‌های ما بشود، بلکه آزموده شده در هر چیز به مثال ما، بدون گناه." این نکته به این اشاره دارد که اگر ما خود دچار درد و رنج باشیم، بهتر می‌توانیم با دیگرانی که رنج می‌برند همدردی کنیم. طبق لوقا ۲۲: ۳۰-۳۲ عیسی مسیح به شمعون پطرس هشدار داد که شیطان او را مورد آزمایش قرار داده است. عیسی برای او دعا کرد که هنگام بهبودی و بازگشت از درد و رنج بتواند برادران ایماندار خود را استوار کرده، آنها را تسلی دهد.

ث: درد و رنج ما را قادر به درک ابدیت و ارزش‌های غیر قابل لمس زندگی می‌نماید.

۱. آزمایشها ما را مشتاق بهشت می‌سازند و به ما قدرت توجه هرچه بیشتر به مسائل ابدی و چشم‌پوشی از لذت‌های زودگذر زمینی را می‌دهند. رومیان ۸: ۱۸-۲۴ را بخوانید.
۲. دوم قرن‌تین ۴: ۱۶-۱۸ را مطالعه کنید.

- چه چیز فانی است؟ انسانیت ظاهری ما (ذات کهنه)
- چه چیز تازه می‌گردد؟ باطن ما (ذات تازه)
- زحمتهای سبک ما چقدر به طول می‌انجامد؟ یک لحظه

قیاس پولس

در دوم قرن‌تین ۵: ۱-۸ پولس بدن ما را "خانه زمینی" و "خیمه" می‌خواند. هرچند بدن ما نیست میشود، اما خانه‌ای در آسمانها داریم. بدنی آسمانی و ابدی که خالق آن خداوند است. ما باید در پی بدست آوردن این بدن و منزل با شکوه باشیم و صادقانه آنرا طلب کنیم. این بدن خاکی و فانی، بار سنگینی است که مدام در حال فریاد و شکایت است. روزی می‌رسد که این بدن را ترک می‌کنیم و بدن باشکوه جدیدی به خود می‌گیریم. طبق دوم قرن‌تین ۵: ۸ هنگامیکه این بدن را ترک میکنیم در نزد خداوند متوطن میشویم.

۴) عکس العمل در برابر درد و رنج

سؤال اما و اگر نیست، بلکه سوال این است که درد و رنج چه زمانی نازل می شود. خداوند در ایوب ۵: ۷ می فرماید: "بلکه انسان برای مشقت مولود می شود، چنانکه شراره ها بالا می پرند". عیسی مسیح موعظه خود سر کوه را با هشدار این حقیقت پایان داد. کسانی که از آن موعظه و تعالیم مسیح پیروی کنند انگار خانه خود را بر روی صخره بنا نموده اند و کسانی که آنها انکار کنند بر روی شن و ماسه. باران شدیدی فرو می آید. طوفان و سیل جاری می گردد. برخی در برابر آن ایستادگی می کنند و برخی دیگر خراب می شوند. آزمایشهای الهی در راه هستند، آماده باشید. اما چگونه؟

کلید آمادگی در یک زندگی مسیحی "بودن" است. بودن چه چیزی؟ بودن شاگرد مسیح. یعنی جاری ساختن حقیقت کلام خداوند در زندگی روزمره خود مانند یک مسیحی آگاه، خاص، متعهد، و پیروز. گناه را از زندگی خود جدا سازید. خود را از روح القدس پر کنید. اراده خود را به خداوند واگذارید. به او وفادارانه خدمت کنید تا در زمان آزمایشات الهی برای غلبه بر آنها از نظر معنوی به اندازه کافی رشد داشته باشید. آزمایشات الهی ایمان شما را بسط و گسترش می دهند. آنها را به عنوان تنبیه بدنی در نظر نگیرید. پس هنگامیکه ایمان شما گسترش یافت:

الف: بدانید که خداوند از آن مطلع است.

طبق متی ۱۰: ۲۹ "یک گنجشک به جز حکم پدر شما به زمین نمی افتد." خداوند همه چیز را درباره شما می داند، حتی تعداد موهای سر شما را.

ب: با دعاهای شکرگزاری به خداوند پاسخ دهید.

در فیلیپیان ۴: ۶ آمده: "برای هیچ چیز اندیشه نکنید بلکه در هر چیز با صلوات و دعا با شکرگزاری مسوولات خود را به خداوند عرض کنید".

۱- شکرگذار آزمایشات الهی بودن بهترین برطرف کننده نگرانی و اضطراب است.

۲- در آیه هفت آمده که نتیجه شکرگذار بودن قلبی، صلح و سلامتی خداوند است.

فیلیپیان ۴: ۶-۷ به ما می آموزد که خداوند در درجه اول در فکر نگرش قلبی ما است و نه در پی دادن پاسخی سریع به هوی و هوس ما.

پ: به مشیت الهی در زندگی روزمره خود اطمینان خاطر داشته باشید.

۱) پولس در فیلیپیان ۴: ۱۱ می گوید: "در هر حالتی که باشم آموخته ام که قناعت کنم".

۲) یوسف حضور خداوند را در آزمایش‌های الهی زندگی خود می‌دید. درباره اینکه بعنوان برده فروخته شد، به برادران خود گفت: "شما درباره من بد اندیشید، لیکن خداوند از آن قصد نیکی کرد تا کاری کند که قوم کثیری را احیا نماید، چنانکه امروز شده است". (پیدایش ۵۰: ۲۰)

۳) در یوحنا ۹: ۲ حواریون از عیسی مسیح پرسیدند: "ای استاد گناه که کرد؟ این شخص یا والدین او که کور زاییده شد؟" عیسی مسیح در پاسخ گفت: "گناه نه این شخص کرد نه پدر و مادرش، بلکه تا اعمال خداوند در وی ظاهر شود".

خداوند هدفی برای این مرد داشت. او از بچگی تا بلوغ کور بود و کور بودن او بخشی از مشیت خداوند بود. آزمایش‌های الهی بر آسایش شخصی ما ارجح هستند و خداوند در ما کار می‌کند.

ت: از وجود درد و رنج متعجب نشوید.

۱) در اول پطرس ۴: ۱۲ پطرس می‌گوید که نباید از آزمایش‌ها تعجب کنیم. "ای حبیبان، تعجب ننمایید از این آتشی که در میان شماست، و بجهت امتحان شما می‌آید،"

۲) در اول قرتیان ۱۰: ۱۳ پطرس می‌گوید که خداوند آزمایش‌هایی را نازل می‌کند که مناسب بشر باشد "هیچ تجربه جز آنکه مناسب بشر باشد، شما را فرو نگرفت. اما خدا امین است که نمی‌گذارد شما فوق طاققت خود آموخته شوید، بلکه با تجربه مفری نیز می‌سازد تا یارای تحمل آن را داشته باشید."

ث: در درد و رنجها خوش باشید. (اول پطرس ۴: ۱۳)

این بدان معنی نیست که ما از خود درد و رنج لذت می‌بریم بلکه از نتیجه آن خشنود می‌شویم. در سختی و عذاب می‌توانیم عیسی مسیح را درک کنیم و هنگامیکه او بازگردد با رهایی که شامل حال ما میکند، ما را از لذت و وجد، سرشار خواهد کرد. تصور کنید در هنگام درد و بیماریهای لاعلاج، عیسی مسیح بازگردد و همه دردها از میان بروند. آن روز چه روز لذت بخشی خواهد بود.

ج: در هنگام داشتن درد و رنج به خداوند اعتماد داشته باشید. اول پطرس ۴: ۱۹ می‌فرماید: "پس کسانی نیز که بر حسب اراده خداوند زحمت کشند، جانهای خود را در نیکوکاری به خالق امین بسپارند".

۱: تعهد یک واژه مربوط به بانکداری و به معنای پس‌انداز کردن برای حفاظت از خطر است. پطرس ما را به عنوان کسانی که دچار رنج و عذاب هستیم تشویق به تعهد و واگذاری خود به مراقبت خداوندی می‌کند.

۲: طبق لوقا ۲۲: ۴۲ عیسی مسیح در باغ جتسمانی اینگونه دعا نمود: "ای پدر اگر بخواهی این پیاله را از من بگردان، لیکن نه به خواهش من بلکه به اراده تو".

چ: برای خداوند انتظار بکشید.

برای خداوند منتظر باش و قوی شو و دلت را تقویت خواهد داد، بلی منتظر خداوند باش. مزامیر ۲۷: ۱۴
"اما آنانی که منتظر خداوند می‌باشند قوت تازه خواهند یافت و مثل عقاب پرواز خواهند کرد. خواهند دوید و خسته نخواهند شد. خواهند خرامید و درمانده نخواهند گردید". اشعیا ۴۰: ۳۱

(۵) چگونه درماندگان را کمک کنیم؟

"دو از یک بهترند چونکه ایشان را از مشقتشان اجرت نیکو می‌باشد؛ زیرا اگر بیفتند، یکی از آنها رفیق خود را خواهد برخیزانید. لکن وای بر آن یکی که چون بیفتد دیگری نباشد که او را برخیزاند". (جامعه ۴: ۱۰-۹)

در دسترس درماندگان باشید. درد و مشقت یکدیگر را بدوش بکشید. برای آنانیکه عذاب می‌بینند دعا کنید. نامه بنویسید و آنها را در آغوش بگیرید. سطح نگری را کنار بگذارید. به یاد داشته باشید هنگامیکه کسی در دنیا به زمین می‌افتد کمک کردن با عمل بهتر از هزاران نصیحت است. پل توریه میگوید: "برای تسلی دادن نیاز به زیاده‌گویی نیست. کفایت بشنوید، بفهمید و عشق بورزید." جو بیلی که در ابتدای این درس نیز به او اشاره شد، می‌گوید: "در غم و اندوه کناری نشسته بودم. کسی از راه رسید و دلیل ناراحتی را به من گفت و از حکمت خداوند و بودن امید در ناراحتیها سخن گفت. از چیزهایی گفت که به صحت آنها اطمینان داشتیم. بی حرکت بودم و فقط می‌خواستم که او مرا رها کند. او رفت و کسی دیگر آمد. بیش از یک ساعت در کنارم نشست و هنگامیکه چیزی گفتم فقط بطور مختصری پاسخم را داد، دعای بسیار ساده‌ای نمود و رفت. سخنان آن دو نفر مرا تکان داد و احساس راحتی کردم. از اینکه رفت بسیار ناراحت بودم." اینکه برای یک انسان درمانده چه کسی هستی مهمتر از سخنان شماس. نشستن و گوش دادن به یک درمانده مهمتر از سخنان شماس.

سوالات این درس:

- ۱- آزمایشها از چه ناحیه‌هایی سرچشمه می‌گیرد؟
- ۲- آیا درد و رنج در زندگی حتمی است؟ دو آیه در اینباره ذکر کنید؟

۳- دوم تیموتائوس ۳: ۱۲ را بنویسید؟

۴- رومیان ۸: ۲۸ " می‌دانیم که بجهت آنانی که خدا را ----- می‌دارند و بحسب اراده او ----- شده‌اند، ----- چیز برای ----- ایشان با هم در کار می‌باشند."

۵- فواید درد و رنج چیست؟

۶- طبق مزامیر ۷۷: ۱-۲ عکس العمل مزبور خوان هنگام مشکلات چه بود؟

۷- طبق عبرانیان ۴: ۱۵ و لوقا ۲۲: ۳۰-۳۲ چه کسانی دچار آزمایشات و درد و رنج شدند؟

۸- اول قرنتیان ۱۰: ۱۳ را بنویسید؟

۹- هفت عکس‌العملی که باید در برابر درد و رنج نشان داد را نام ببرید؟

۱۰- چگونه باید درماندگان را کمک کنیم؟

آیه های کلیدی این درس: دوم تیموتائوس ۳: ۱۲ ؛ اول پطرس ۱: ۷ ؛ یوحنا ۱۶: ۳۳

درس ۴۴: خانواده

نقشه خداوند برای خانواده ها

کتاب مقدس به ما می آموزد که خداوند سه نهاد اصلی را بر روی زمین بنا کرده است: خانه، کلیسا و دولت. برای یک مسیحی هیچ چیز نباید مهمتر از این سه نهاد باشد مخصوصاً خانه و کلیسا، زیرا خداوند اینگونه دستور داده است.

خانه و کلیسا کامل کننده یکدیگر هستند. مستحکمترین خانه‌ها آنهایی هستند که بوسیله کلیسا ساخته می‌شوند و مستحکمترین کلیساها آنهایی هستند که خانواده‌ها بطور منظم در آن حضور می‌یابند و صادقانه به خداوند خدمت می‌کنند. مسیح و کلیسای او مرکز اصلی رشد معنوی، همبستگی و فعالیتهای خانوادگی است. حضور وفادارانه ایمانداران متعهد در کلیسای محلی، آنرا تبدیل به بهترین مکان برای همبستگی خانوادگی می‌کند که هم خانواده و هم کلیسا از آن سود خواهند برد.

جای شگفتی نیست که شیطان در کلیسا و خانه فعالیتها می‌کند تا آنها را از هم بپاشد. واقعیت این است که برای سالهای متمادی، خانه‌ها بجای ساخته شدن بر روی صخره، بر روی سنگ ریزه‌ها ساخته شده‌اند.

کتاب مقدس، کتابی بسیار سودمند و دارای مطالب عملی بیشماری در رابطه با خانه است. خداوند برای خانه و خانواده شما دستورکار روشنی دارد. این درس شما را با فرامین خداوند آشنا می‌سازد تا با یادگیری آن، از فرامین خداوند اطاعت نمایید.

اولین خانه

۱- پیدایش ۲: ۱۵-۲۵ را باز نموده و بدقت مطالعه نمایید.

الف: چه چیز به گفته خداوند برای آدم خوب نبود؟

ب: اولین زن چگونه خلق شد؟

پ: در این بخش خداوند از زن به چه عنوانی برای مرد اشاره می‌کند؟

(به این معنی که زن کامل کننده مرد و مناسبترین کمک کننده او است.)

ت: بعد از ازدواج، زوجها باید چه کسی را ترک کنند؟

ث: بعد از ازدواج زن و مرد باید چگونه زوجی شوند؟

ج: در انجیل متی ۱۹: ۴-۶ خداوند عیسی مسیح درباره دائمی بودن رابطه زناشویی چه می‌فرماید؟ ---

ج: در رومیان ۷: ۱-۳ بر اساس دستور خداوند برای ازدواج، چه چیزی به ازدواج پایان می‌دهد؟-----

ج: در عبرانیان ۱۳: ۴ دو چیزی که خداوند آنها را قابل احترام می‌شمارد کدام هستند؟-----

خداوند در مورد پاکدامنی جنسی بسیار جدی است.

یک زوج ممکن است بدون ازدواج شرعی در کنار هم زندگی کنند و همبستر شوند و در نظر دیگران این عمل ممکن است امری عادی و توجیه‌پذیر باشد، ولی خداوند می‌فرماید که اینگونه فعالیت‌ها را قضاوت مینماید و به کیفر می‌رساند. دنیای ما پر است از اعمال جنسی نامطلوب ولی مردمان خداپرست با استانداردهای بالاتری زندگی می‌کنند. سازندگان پورنوگرافی ادعا می‌کنند که اعمال جنسی یک نوع فعالیت بدنی عادی است، حرکتی مشترک بین انسان و حیوان مانند خوردن، نوشیدن و خوابیدن که نوعی نیاز فیزیکی است و میبایست رفع گردد. اگر این نیاز رفع نگردد منجر به ناهنجاریهای روانی می‌گردد. سکس یک واقعیت است و باید این کوته فکری که باعث پنهان کردن ما از انجام آن می‌شود، ترک کرد. افکار بازدارنده را باید دور ریخت و باید شریک جنسی خود را بیابیم.

انسان اندیشمند پوچ بودن این اظهارات را با دیدن بارداری‌های خارج از زناشویی، تجاوزات جنسی، تولدهای غیر قانونی و بیماری‌های مقاربتی درک می‌نماید. عمل جنسی فقط یک حرکت بیولوژیک نیست بلکه طرحی است که خداوند برای تشکیل خانواده، زوج‌های متأهل را به آن امر فرموده است.

خ: در عبرانیان ۱۳: ۴ خداوند چه چیزی را قضاوت می‌نماید؟-----

۴- خارج از محدوده ازدواج با یکدیگر زندگی نکنید.

۵- کلام خداوند را در این باره پیروی کنید. "اما زنا و هر ناپاکی و طمع در میان شما هرگز مذکور هم نشود، چنانکه مقدّسین را می‌شاید." (افسیسیان ۵: ۳)

مسئولیت‌های مرد در قبال همسر خویش:

الف: طبق پیدایش ۲: ۲۴-----

ب: طبق افسسیان ۵: ۲۵-----

پ: عشق مرد به همسرش به چه چیزی تشبیه شده:

در افسسیان ۵: ۲۵ (عشق عیسی مسیح به-----

- در افسسیان ۵: ۲۸ (عشق انسان نسبت به)-----
- ت: طبق اول تیموتائوس ۵: ۸-----
- ث: طبق اول پطرس ۳: ۷-----
- ج: طبق اول قرنتیان ۷: ۳-----
- چ: طبق اول قرنتیان ۷: ۵-----
- در اینجا اشاره به رابطه خصوصی فیزیکی در ازدواج است.
- ح: طبق افسسیان ۵: ۲۳ جایگاه مرد در برابر همسر و در خانه چیست؟-----

در اینجا منظور این نیست که مرد باید یک دیکتاتور باشد بلکه به او عنوان رهبر و سرپرست را می‌بخشد. مرد و زن از نظر مقام و منزلت در یک جایگاه هستند و هرکدام ممکن است نقاط قوت مربوط به خود را دارا باشند. سرپرست بودن یک عنوان وابسته به وظایف است و اشاره به سلسله اختیاراتی دارد که خداوند مقرر فرموده است. هر نهادی نیازمند یک سرپرست و رهبر است.

مسئولیت‌های زن در قبال همسرش:

الف: اطاعت از همسر در اجرای مسئولیت‌های رهبری او در خانه (افسسیان ۵: ۲۲)

ب: احترام به همسر (افسسیان ۵: ۳۳). هرگز در حضور دیگران شوهر خود را نکوهش نکنید.

پ: پیش بردن امور خانه (اول تیموتائوس ۵: ۱۴).

ت: اگر همسر شما مسیحی نیست از آموزه‌ای که در اول پطرس ۳: ۱ آمده پیروی کنید.

آیا زنان باید از شوهر غیر مسیحی خود اطاعت نمایند؟

هرگز از شوهر خود سرپیچی نکنید حتی اگر مجبور به نیامدن به کلیسا باشید. به درگاه خداوند دعا کنید و او را به خدا بسپارید. اگر شوهری سنگدل و سرسخت دارید ممکن است در آغاز به این فکر کنید که باید به جای اطاعت از یک انسان از فرمان خدا اطاعت کنید و یا ممکن است با دوستی با ایمان مشورت کنید تا سرپیچی خود از همسران را موجه کنید. هرگز تلاش نکنید که با کتاب مقدس در مقابل همسر خود ایستادگی کنید، در عوض سعی کنید همانند انجیل زنده منعکس کننده زندگی عیسی مسیح برای شوهر خود باشید. از صمیم قلب برای همسر خود دعا کنید و به او عشق بورزید. از خداوند بخواهید که به شما فرصتی دهد تا بتوانید به او بشارت انجیل را بدهید و او را به کلیسا دعوت کنید.

آیا زن میتواند خارج از خانه کار کند؟

کتاب مقدس اشاره‌ای به اینکه زنان به ویژه در زمان نیازمندی نمی‌توانند خارج از منزل شغلی داشته باشند را ندارد، اما اولویت نخست او می‌بایست پیشبرد امور خانه باشد. در شرایطی که کار خارج از خانه باعث از یاد بردن همسر و فرزندان شود، زن باید از آن شغل اجتناب کرده و به خداوند اعتماد نماید. خداوند از اینکه فرزندان تحت نظارت و محافظت دیگران باشند در حالی که مادرشان خارج از خانه مشغول کار است، خشنود نخواهد بود. مادگرایی و فشارهای اجتماعی که منجر به کار کردن خارج از خانه می‌شوند، باعث می‌شوند که مادر فرزندان خود را ترک کند و دیگران آنها را بزرگ و تربیت نمایند. مادرانی که فرزندانشان نیمی از روز را بدون آنها سپری می‌کنند، نقش خود را که تأثیر زیادی بر این دنیا دارند را فراموش کرده‌اند.

ث: طبق اول قرن‌تینان ۷: ۴-۵ همسر نباید به شوهر خود----- کند.

توجه: مقصود از اجماع فیزیکی در ازدواج لذت محرمیت برای شوهر و همسر است. هرگز از این حرکت بعنوان وسیله‌ای برای کسب فایده و برتری نسبت به شوهر خود استفاده نکنید. شوهر و همسرش باید در این مقوله تلاش کنند تا به درک متقابل و توازن برسند.

مسئولیت‌های والدین در برابر فرزندان:

الف: طبق مزامیر ۱۲۷: ۳ فرزندان میراث خداوند هستند.

ب: طبق امثال ۲۲: ۶ فقط والدین مسئول تربیت فرزندانشان هستند (نه مدرسه و نه پرستار کودک و نه تلویزیون).

پ: طبق افسسیان ۶: ۴ پدران مسئول پرورش و تربیت فرزندان بر اساس روش و راهنمایی‌های خداوند طبق کتاب مقدس هستند.

۱. کودکان نیاز به فراگیری انضباط دارند و این باید در خانه به ایشان آموزش داده

شود. این امر به عهده والدین است که با احساس مسئولیت بالایی باید تلاش در پرورش فرزندان بکنند و این امر را به انجام برسانند.

أ. به فرزندان باید آموخت که بدون پرسش اطاعت کنند و در صورت نیاز به آنها آموزش داد که درخواست توضیح و تفسیر نکنند.

ب. اطاعت کردن باید بی‌درنگ و بدون مباحثه باشد.

ج. به منظور ساخت شخصیت مطلوب، والدین هیچگونه استثنایی را نباید قایل شوند.
۲. **کودکان باید یاد بگیرند که کار کنند.** در سالهای اول باید از جمع‌آوری لباسها و اسباب بازی‌هایشان شروع کنند.

۳. **کودکان میبایست عادت به شادکامی و مفید بودن را داشته باشند.**

- ا. کودکان میبایست سر یک ساعت منظم بدون گلابه کردن بخوابند.
- ب. کودکان باید به رعایت بهداشت شخصی عادت کنند.
- ج. کودکان باید عادت به تمیز و منظم بودن کنند و والدین میبایست الگوی آنها باشند.
- د. کودکان در تماشا کردن تلوزیون باید بدقت کنترل و محدود شوند. نباید به کودکان اجازه داد بدون حضور والدین به تماشای تلوزیون بنشینند.
- ه. باید به کودکان آموخت که مسئول اعمال خود باشند.
- و. در صورت نافرمانی و سرکشی، کودکان را می‌بایست با محبت تنبیه و اصلاح کرد و نه با خشم و عصبانیت.

۴. **باید به کودکان هنر زندگی کردن صلح‌آمیز در کنار دیگران در خانه را یاد دهیم.**

- ا. نباید به کودکان اجازه دعوا و نزاع داد.
- ب. باید به آنها آموخت که به وسایل شخصی سایر افراد خانواده دست نزنند و آنچه به ایشان تعلق ندارد را برندارند.
- ج. باید به آنها آموخت که دارایی‌هایشان را با دیگران قسمت کنند.
- د. باید به کودکان آموخت که ببخشند و طلب بخشش کنند.
- ه. باید به کودکان احترام به دیگران از قبیل والدین، بزرگترها و دوستان را آموخت.

۵. **به کودکان باید روش صحیح استفاده از پول را آموخت.**

- ا. هنگامیکه فرزندان بزرگتر شدند باید بیاموزند که کار کنند و درآمد داشته باشند. (ولی نباید برای کاری که وظیفه ایشان است مانند مرتب کردن تخت خواب و یا اتاقشان پول کسب کنند).
- ب. کودکان باید بیاموزند که ده یکها و هدایای خود را در کلیسا به خداوند بدهند.
- ج. کودکان باید بیاموزند که عاقلانه پولشان را خرج کنند.
- د. باید به کودکان پس انداز کردن پول را آموخت.

۶. **کودکان نیاز به گذراندن وقت با والدینشان را دارند و این امر باید اتفاق بیافتد.**

- ا. کودکان باید زمان مشخصی را با هریک از والدین و زمانی را با کل خانواده بگذرانند.

ب. والدین کودکان خود را باید طوری هدایت و تربیت کنند که بتوانند آنها را به مسیح هدایت کنند تا کودکان در همان خردسالی نجات عیسی مسیح را دریافت کنند.

تمام آنچه در بالا آمده است نیازمند **زمان** و **کار** مداوم است. اغلب والدین امروزی در اختصاص دادن وقت و تلاش جهت پرورش فرزندان خود تنبل هستند. اینگونه والدین انتظار نتیجه لحظه‌ای و آنی را دارند و در غیر اینصورت از دیگران می‌خواهند که اینکار را بجای ایشان به انجام برسانند. هم اینک تصمیم بگیرید که از الگوهای خداوند پیروی کرده و خود را متعهد سازید. مادامیکه در خانه فرزندی دارید این دستورات عمل‌ها را بطور مداوم و پی‌درپی بکار گیرید.

ت: به فرزندان خود طوری بنگرید که انگار خداوند آنها را نظاره می‌کند.

در کتاب *امثال* ۲۲: ۱۵ و *مزمور* ۵۸: ۳ آمده است که گناه در سرشت همگی ما وجود دارد.

ث: مقررات و تدارکات خداوند برای تربیت و اصلاح فرزندان را بخوانید.

۱: آموزش‌های پدر در *امثال* ۱۳: ۱

۲: چوب تأدیب در *امثال* ۲۲: ۱۵

ث: بسیاری از آموزه‌های انسانی بر این باورند که تنبیه بدنی کودکان اشتباه است، اما خداوند می‌فرماید که اینکار ضروری و درست است.

۱. چوب تأدیب باید در محل مناسب استفاده شود. هرگز بر صورت، سینه و یا کمر کودکان نکوبید. با آنها صحبت و ایشان را آموزش دهید.

۲. چوب تأدیب را باید با محبت بکار بست (*امثال* ۱۳: ۲۴). هرگز با خشم کودک خود را تنبیه نکنید و هیچگاه برای آرام کردن او با عصبانیت او را نزنید. کودک خود را به اتاقت فرستاده، چند دقیقه صبر کرده و به اتفاقات فکر کنید، سپس با او صحبت کنید و بگویید به چه دلیلی می‌خواهید او را تنبیه کنید. بعد از تنبیه، او را از عشق و محبت خود مطمئن سازید.

۳. چوب تأدیب باید از روزهای اول زندگی بکار گرفته شود. "پسر خود را تأدیب نما زیرا که امید هست، اما خود را به کشتن او وامدار" (*امثال* ۱۹: ۱۸).

۴. چوب تأدیب باید بطور مؤثر مورد استفاده قرار گیرد (*امثال* ۱۹: ۱۸). اگر به پشت زدن بطور صحیح انجام شود کودک به گریه می‌افتد. آنها ممکن است کاری کنند که والدین احساس کنند که انسانی وحشی هستند. تأدیب کردن را دریغ نکنید چون کودکان در صورت انجام رفتار اشتباه نیازمند تنبیه هستند. در اثر تنبیه است که احساس آزادی از گناه حاصل می‌شود.

۵. چوب تنبیه باید بطور پایدار مورد استفاده قرار گیرد. هرگز بخاطر اشتباهی که کودک از آن اطلاعی ندارد و یا برای اشتباهی که هفته پیش انجام داده، به پشت او نکوبید. درست بعد از هر رفتار ناپسند

این کار را انجام دهید تا از تأثیرگذار بودن و اثرات آموزشی آن مطمئن باشید. اگر قصد خود از به پشت کودک زدن را به زبان آوردید، هرگز خودداری نکنید و حتماً آنرا انجام دهید.

۶. بعد از بکارگیری چوب تأدیب زمان عشق و دعاست. هرگز از کودک خود بخاطر بر پشت زدن او عذرخواهی نکنید بلکه به او بفهمانید که اینکار از روی عشق به او انجام شده است. (امثال ۱۳: ۲۴)

وظایف فرزندان در برابر والدین

۱. "پدر و مادر خود را احترام نما، تا روزهای تو در زمینی که بپوهه خدایت به تو می‌بخشد، دراز شود". (خروج ۲۰: ۱۲)
۲. "پسر حکیم تأدیب پدر خود را اطاعت می‌کند، اما استهزاکننده تهدید را نمی‌شنود". (امثال ۱۳: ۱)
۳. "ای فرزندان، والدین خود را در خداوند اطاعت نمایید، زیرا که این انصاف است". (افسیان ۶: ۱)

زندگی خانوادگی (بهشت زمینی)

"در خانه مرد عادل گنج عظیم است، اما محصول شیرین، کدورت است". (امثال ۱۵: ۶)

الف: افسسیان ۴: ۳۱-۳۲ را بخوانید. شش عاملی که باید تلاش کنید تا از خانه و خانواده دور نگاه دارید را بنویسید؟

ب: در همان فصل سه عاملی که باید برای نگاه داشتن آنها در خانه تلاش کرد را نام ببرید؟

پ: در کتاب تثنیه ۶: ۵-۷ به چه چیز به عنوان عنصر دایمی یک خانه اشاره شده است؟

ت: در کتاب یوشع ۲۴: ۱۵ پند و تکیه کلام یوشع برای خانه‌اش را بنویسید؟

ایجاد یک محراب خانوادگی

یکی از مواهبی که می‌توانید از آن در خانه لذت ببرید، محراب خانگی است. محراب خانگی اشاره به زمان، مکان و رویدادی در زندگی خانوادگی شما دارد که طی آن تمامی اعضای خانه گرد هم می‌آیند و کلام خداوند را می‌خوانند، می‌سرایند، صحبت می‌کنند و دعا می‌کنند. در جوامع امروزی که ریتم زندگی بسیار سریع است، ایجاد این محراب خانوادگی سخت است ولی یکی از بهترین اعمالی است که میتوان انجام داد.

ا. چه کسی مسئول ایجاد محراب خانوادگی است؟ این مسئولیت بر عهده پدر خانواده است. (افسیان ۶: ۴ - کولوسیان ۳: ۲۱ - اول پطرس ۳: ۷ - اول قرتیان ۱۴: ۳۵)

ب. چگونه محراب خانوادگی را تشکیل دهیم؟

- مناسبترین زمان برای خانواده را در نظر بگیرید. می‌توانید با بقیه اعضای خانواده در این مورد مشورت کنید.
- برای تشکیل محراب خانوادگی نسبت به خداوند متعهد شوید و به آن پایبند باشید.
- طرحی برای خواندن کتاب مقدس و رازگهان فراهم آورید. در صورت نیاز با کشیش و بزرگان کلیسا برای فراهم آوردن مطالب مناسب برای تمامی اعضای خانواده مشورت کنید تا تمام اعضا با هر سنی از آن بهره ببرند.
- همین حالا این کار را انجام دهید و آماده مقاومت در برابر تیرهای آتشین مخالفت شیطان باشید.

پ. توصیه‌هایی درباره محراب خانوادگی

- ۱) همیشه بخش کاملی از یک متن را بخوانید. کتاب امثال برای خانواده بسیار مناسب است.
- ۲) برای هر ماه یک سرود روحانی را به همراه خانواده یاد بگیرید.
- ۳) برای زمان نیایش خانوادگی از کارت‌های دعا استفاده کنید. آنها را درست کنید و کشیش خود، معلمین، بشارت دهندگان، اعضای کلیسای خود، خویشاوندان و افراد نجات نیافته را در آن بگمارید تا برای ایشان دعا کنید.
- ۴) مختصر باشید. بهتر است این زمان را منسجم، مختصر و توجیه کننده کنیم تا اینکه طولانی و خسته کننده که منجر به ترک زود هنگام این عادت می‌شود.
- ۵) کلیه اعضای خانواده را گرد آورید.
- ۶) تنوع داشته باشید. خواندن زندگینامه مؤمنان مسیحی بسیار کمک کننده است.
- ۷) آنرا بطور غیر رسمی برگزار کنید، طبق آیین‌های کتاب مقدس پیش بروید و اعضا را به دادن پیشنهادات تشویق کنید و سعی در بهتر نمودن مراسم کنید.
- ۸) بازی کردن داستان‌های کتاب مقدس برای کودکان خردسال روش یادگیری بسیار جذابی است.

هشدار: توجه کنید که فضای خانوادگی شما هنگام تشکیل محراب خانوادگی تفاوت نکند در غیر اینصورت دو رنگی و ریا کاری تلقی می شود که برای نگرش کودکان بسیار زیانبار است.

رشد معنوی پیوسته و همیشگی

خداوند ما را به زندگی با ایمان و وفاداری خوانده است. خداوند می فرماید: "و دیگر در وکلا باز پرس می شود که هر یکی امین باشد" (اول قرنیتیان ۴: ۲). شما برخی از عادات و روشهای پایه‌ای رشد معنوی را تا به اینجا آموخته و به انجام رسانده‌اید. نکته مهم در اجرای متداوم و وفادارانه آنهاست. به لذت بردن از اوقات روحانی و خواندن کتاب مقدس ادامه دهید. داستان‌های کتاب مقدس را به دیگران بازگو کنید و با آنها درباره عیسی مسیح صحبت کنید. از نیایش در کلیسا لذت ببرید و اندرزهای کشیش خود را ثبت کنید.

نکته کمکی!

خانه و ازدواج‌های مسیحی بطور کامل عاری از فشار و مشکلات نیستند. گاهی مشکلات بزرگی پیش می‌آیند. همواره احساس کنید که می‌توانید با اعتماد به نفس و بطور محرمانه آنها را با کشیش خود در میان بگذارید. آنها می‌دانند که راه حل شما در کتاب مقدس آمده و بسیار مشتاق هستند که به شما کمک کنند. شما نیز باید مشتاق به پذیرش راه حل‌های کتاب مقدس و اجرای آنها بصورت عملی باشید.

سوالات این درس:

- ۱- سه نهادی که خدا بنا کرده را نام ببرید؟
- ۲- خدا در مورد کسانی که بدون ازدواج شرعی با هم زندگی می‌کنند، چه عکس‌العملی نشان می‌دهد؟
- ۳- سه مورد از مسئولیتهای مرد در قبال همسرش را نام ببرید؟
- ۴- سه مورد از مسئولیتهای زن در قبال همسرش را نام ببرید؟
- ۵- آیا درست است که یک زن مسیحی خارج از خانه کار کند، دلیل بیاورید؟

۶- آیا باید از شوهر غیر مسیحی خود اطاعت نماییم؟

۷- آیا مدرسه یا پرستار کودک و یا تلویزیون منبع خوبی برای تربیت کودکان است؟ چه کسی باید مسئول تربیت کودکان باشد و آیه ای را در این باره ذکر کنید؟

۸- شش روش و راهنماییهای خداوند از کتاب مقدس که والدین طبق آنها باید کودکان خود را تربیت کنند را نام ببرید؟

۹- چوب تأدیب برای کودکان چگونه باید مورد استفاده قرار گیرد؟ شش مورد را نام ببرید؟

۱۰- وظایف فرزندان در برابر والدین چیست؟ آیه ای را در اینباره ذکر کنید؟

۱۱- محراب خانوادگی چیست و چه کسی مسئول برپا کردن آن است؟

۱۲- سه توصیه مهم برای محراب خانوادگی را نام ببرید؟

آیه های کلیدی این درس: پیدایش ۲: ۱۵-۲۵؛ افسسیان ۵: ۲۵؛ افسسیان ۶: ۴

درس ۴۵: غذای روحانی

برای دریافت و مخفی کردن کلام خداوند در قلب خویش

"از فرمان لب های وی برنگشتم و سخنان دهان او را زیاده از رزق خود ذخیره کردم." (ایوب ۲۳: ۱۲)
بدلائل مکفی، کلام خداوند برای ایوب لازم بود. شیطان بوسیله نیروی خارق العاده ای به او حمله کرد که پیش از این کمتر کسی با آن برخورد داشته است. کلام خداوند برای ایوب مهمتر از غذا بود. شیطان همچنین درصدد است زندگانی مسیحی شما را از بین ببرد. "هشیار و بیدار باشید، زیرا که دشمن شما ابلیس مانند شیر غران گردش می کند و کسی را می طلبد تا بلعد." (اول پطرس ۵: ۸)

شیطان می خواهد که وجود شما برای خداوند کاملاً بی اثر و بیهوده باشد. زندگی براساس قوانین مسیحیت محل کارزار است و مهمترین دشمن شما شیطان است. ایماندار مسیحی که تحت تأثیر شیطان قرار بگیرد با بی علاقتی و شک و تردید و بسیاری احساسات منفی دیگر مسموم خواهد شد و دچار رکود در رشد و پیروزی و معنویت و قداست و کمک به گمشدگان و خدمت به دیگران خواهد شد. کلام خداوند مهمترین سلاح یک مسیحی در پیکار برعلیه شیطان است بنابراین با چنگ زدن به کتاب مقدس که شمشیر روح است نیرو بگیرید. "و خود نجات و شمشیر روح را که کلام خداست بردارید." (افسیسیان ۶: ۱۷)

ما ۱۵ درصد از آنچه می شنویم، ۳۰ درصد از آنچه می خوانیم، ۶۰ درصد از آنچه مطالعه می کنیم، و ۱۰۰ درصد از آنچه حفظ می کنیم را می توانیم به خاطر داشته باشیم و سپس تفکر کردن درباره آنچه که یاد می گیریم به درک عمیق تر آن کمک می کند.

کتاب مقدس درباره حفظ کردن کلام خدا چه می گوید؟ کتاب مقدس چگونگی حفظ کردن کلام خدا را آموزش می دهد:

الف. با فرمان واضح و آشکار

- ۱) تشنیه ۶: ۶ را بخوانید. خداوند امر کرده که سخنانش در کجا باشد؟ "در ..قلب..ما"
- ۲) امثال ۷: ۱-۳ را مطالعه کنید. کلام خداوند را می بایست بر روی چه نوشت؟ "بر...لوح.. در...قلب...ما"

ب. در مفهوم

مزامیر ۱: ۲ و یوشع ۱: ۸ را مطالعه کنید. در هر دو از این آیات چگونه کلام خداوند می تواند در قلب ما جای داشته باشد؟ با تفکر کردن در آن

پ. بوسیله عمل کردن

- ۱) مزامیر ۱۱۹: ۱۱ را مطالعه کنید. مزمورخوان چه می کند تا نسبت به خداوند مرتکب گناه نشود؟
".....کلام.....تو را در.....دل.....خود مخفی داشتم"
- ۲) متی ۴: ۱-۱۱ را مطالعه کنید. عیسی مسیح در آیات ۴ و ۷ و ۱۱ برای مبارزه با وسوسه شیطان چه کار کرد؟ قرائت کتاب مقدس
- ۳) پولس رسول در تمامی موعظه ها در کتاب اعمال رسولان و در باقی رسالات خود از عهد عتیق نقل قول می کرد.

چگونه متون کتاب مقدس را حفظ کنیم؟

الف. آیه های مورد نظر خود را مشخص کنید.

- هر آیه ای که برای شما پرمعنی تر باشد حفظ کردن آن راحت تر است.
 - لیستی از آیه های کتاب مقدس برای خود تهیه کنید.
 - بهتر است درباره هر موضوع یکی دو آیه حفظ کنید تا اینکه در مورد یک موضوع آیات زیادی را بخاطر بسپارید.
 - بعد از حفظ کردن آیات زیادی بر اساس موضوع می توانید به حفظ کردن باب های مورد علاقه یا کتاب های کوچکتر کتاب مقدس بپردازید.
- ب. برای خود فلش کارت تهیه کنید.

پ. در کتاب فروشی کتب مسیحی می توانید فلش کارتهایی تهیه کنید که هر کارت دارای یک آیه است و براساس موضوعی تفکیک شده است. برخی از تأثیرات مثبت استفاده از فلش کارت عبارتند از:

- می توانید به راحتی آنها را در کیف یا جیب خود حمل کنید.
- مرتب کردن آنها آسان است.
- می توانید آنها را به آینه یا دیوار یا غیره بچسبانید تا زمانیکه دستانتان مشغول کار دیگری است به حفظ آیات بپردازید.

ت. قواعد و قوانین حفظ آیات

سه قاعده اولیه و اصلی برای حفظ آیات وجود دارند:

۱. وابستگی و تداعی معانی: عبارتست از مطالعه پیشینه هر آیه و مطلع بودن از زمینه و شرایط پیرامون آن آیه.

۲. ذهن خود را از راههای مختلف تحت تأثیر قرار دهید:

الف. بیان آیه با صدای بلند

ب. نوشتن آیه

پ. بتصویر کشیدن آیه در ذهن

ت. به کار بردن حداکثر تنوع حواس در جریان حفظ کردن آیه. مثل بیان با صدای بلند و با تأکید یا راه رفتن در زمان حفظ آیات و استفاده از زبان بدن (اشارات و حرکات)

۳. **تکرار:** تکرار کلید اصلی یادگیری عمیق و حفظ کردن است. باید آیه را چنان خوب یاد گرفته باشید که بتوانید حتی زمانی که ذهن درگیر کار دیگری است هم آنرا بخاطر آورده بیان کنید.

نکته: ذهن انسان ظرفیت بیکرانی برای اطلاعات دارد. بسیاری از روانشناسان براین نکته توافق دارند که انسان ها معمولا تنها از ۵ تا ۱۰ درصد ظرفیت ذهن خود استفاده می کنند. شما نیروی ذهن خود را در اختیار دارید. پس از آن بهره ببرید!

ث. توضیح روش حفظ آیات:

۱. هدفی برای خود مشخص کنید. قصد داشته باشید که چند آیه در این هفته، این ماه و یا این سال حفظ کنید. بیاید با هفته ای یک آیه شروع کنیم. (۵۲ آیه در سال شروع خیلی خوبی است).

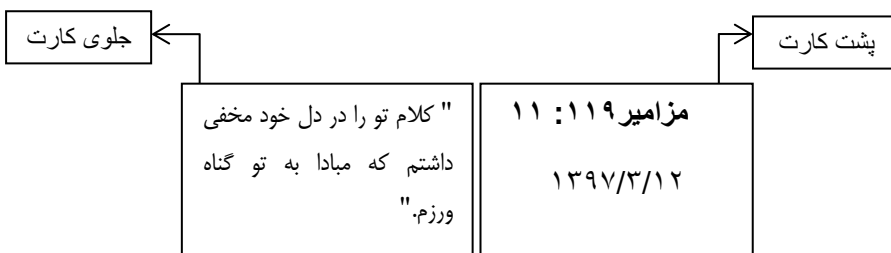
۲. اولین آیه را روی یک فلش کارت یادداشت کنید. مرجع آیه و تاریخ روز را نیز پشت کارت یادداشت کنید. چندین کارت دیگر نیز به همین روش آماده کنید.

۳. با توجه به قواعد حفظ آیات تا آنجاییکه می توانید بر روی یک آیه کار کنید تا بتوانید بدون اشتباه و با ذکر مرجع آنرا نقل کنید. اگر آیه طولانی است آنرا به چند قسمت تقسیم کنید و بعد از پشت سر گذاشتن مراحل تداعی معانی و تحت تأثیر قرار دادن ذهن، قسمت اول را چندین بار همراه با مرجع تکرار کنید و سپس قسمت بعدی را اضافه کنید تا سرانجام بتوانید کل آیه و مرجع آنرا از حفظ بیان کنید. حالا وارد مرحله تکرار منقطع شده اید. روز اول آیه و مرجع آنرا بیست و پنج بار با صدای بلند تکرار کنید و هر از گاهی فلش کارت خود را چک کنید تا مطمئن شوید که بیان شما صحیح است. بعد از هربار بیان آیه با صدای بلند نشانه ای روی یک تکه کاغذ بگذارید. در پایان تمرین روزانه بیست و پنج علامت بر کاغذ گذاشته اید که ممکن است بی مصرف بنظر بیاید اما بطرق مختلف به شما کمک خواهد کرد.

- به شما هدفی می دهد که برای تکمیل آن تلاش کنید.
- به تمرکز شما کمک می کند.
- بعد از پایان باعث ایجاد حس پیروزی می شود.
- از فراموش شدن بخشی از پروسه تمرین جلوگیری می کند.

• بعد از بیست و پنج بار تکرار آیه عدد بیست و پنج را پشت کارت یادداشت کنید.

۴. روز دوم: به مرجع پشت کارت نگاه می کنید اما نمی توانید آیه را بخاطر بیاورید. با کمی تلاش دوباره می توانید آیه را بدون اشتباه بیان کنید. با استفاده از سیستم علامتگذاری آیه و مرجع، آنرا بیست بار تکرار کنید. عدد بیست را پشت کارت یادداشت کنید.
۵. روز سوم: همین روش را تکرار کنید. نیاز خواهید داشت که به متن آیه نگاه کنید تا آنرا به یاد بیاورید. آیه را پانزده بار تکرار کنید و علامتگذاری را انجام دهید و عدد پانزده را پشت کارت یادداشت کنید.
۶. روز چهارم: آیه را ده بار تکرار کنید و عدد ده را پشت کارت یادداشت کنید. در این مرحله بخش زیادی از آیه را بدون نیاز به نگاه دوباره به متن به یاد می آورید.
۷. روز پنجم: آیه را پنج بار تکرار کنید و عدد پنج را پشت کارت یادداشت کنید. اگر در جریان حفظ کردن آیه آنرا فراموش کردید ناامید نشوید. برای اینکه چیزی را حفظ کنید می بایست آنرا یاد بگیرید، فراموش کنید، یاد بگیرید، فراموش کنید و حالا آنرا حفظ شده اید! گاهی چهار تا پنج جلسه هم طول می کشد تا آیه ای را کلمه به کلمه به یاد بیاورید.
۸. وقتی در طول پنج روز یک آیه را حفظ کردید پشت فلش کارت شما به این شکل خواهد بود.



۹. در طول چهل و پنج روز آینده روزی یک بار آیه را بیان کنید و پشت کارت علامتگذاری کنید.
۱۰. در انتهای این دوره شما پنجاه روز روی یک آیه کار کرده اید و اکنون آنقدر ملکه ذهنتان شده که حتی در خواب هم می توانید آنرا بخاطر بیاورید و بیان کنید. حالا این آیه را کاملاً حفظ شده اید.
- آیات دوم و بعدی را نیز با اجرا کردن کامل این روش حفظ کنید. می توانید به این روش هر هفته یا هر روز یک آیه را حفظ کنید. اگر چندین آیه را در طول هفته حفظ کنید پروسه تمرین آنها با یکدیگر تداخل خواهد داشت. بنابراین می بایست ابتدا روی آیه اول بعد آیه دوم، سوم، چهارم و غیره کار کرده و تمرین کنید. این کار زمان زیادی را نخواهد گرفت.
- بعد از اینکه پروسه پنجاه روزه یک آیه به پایان رسید برای هفت هفته، هفته ای یکبار آنرا مرور کنید و سپس ماهی یکبار به تکرار آن بپردازید. برای اطلاعات بیشتر در مورد این روش حفظ و یادگیری آیات به کتاب "چگونه با موفقیت کتاب مقدس را حفظ و بازخوانی کنیم" نوشته ران هود مراجعه کنید. این

کتاب بهترین روش حفظ آیات را ارائه می دهد و شما از رشد روحانی خود که ناشی از پنهان داشتن کلام خداوند در قلب شماست لذت بسیار خواهید برد.

ج. از همین امروز شروع کنید.

۱. ساعتی از روز را انتخاب کنید که می توانید همواره به حفظ کردن آیات اختصاص دهید.

۲. از آیاتی که حفظ کرده اید در فرصتهای مختلف استفاده کنید. فرصتهایی مانند:

- هنگام شهادت دادن
- نوشتن نامه به دوستان و آشنایان
- هنگام تعلیم
- هنگام مشاوره
- دفاع از ایمان خود
- در پاسخ به سوالات
- در دعا
- در مبارزه با وسوسه، نگرانی و تفکرات شیطانی

سوالات این درس:

- ۱- اول پطرس ۵: ۸ را بنویسید؟
- ۲- طبق افسسیان ۶: ۱۷ شمشیر روح چیست؟
- ۳- تثیبه ۶: ۶ را بنویسید؟
- ۴- پنج راهی که می توان از طریق آنها کلام خداوند را بطور قابل چشمگیر یاد گرفت را بنویسید؟
- ۵- سه راهی که کتاب مقدس چگونگی حفظ کردن کلام خدا را آموزش می دهد، با ذکر آیه ای برای هر یک نام ببرید؟
- ۶- سه قاعده اولیه و اصلی برای حفظ آیات را نام ببرید؟
- ۷- توضیح روش حفظ آیات را بطور مختصر شرح دهید؟
- ۸- مزامیر ۱۱۹: ۱۱ را بنویسید؟

آیه های کلیدی این درس: تثیبه ۶: ۶؛ مزامیر ۱۱۹: ۱۱؛ امثال ۷: ۱-۳

درس ۴۶: اطاعت

عملی که خداوند را خشنود می کند.

جان استورمر در کتاب **"رشد کردن به روش خداوند"** به این نکات اشاره می کند که اطاعت یکی از مهمترین کلمات کتاب مقدس است. مطیع بودن کلید دریافت فیض الهی است و انسان برای رستگاری و دور ماندن از گناه و آتش جهنم بایستی از فرمان خداوند اطاعت کند. "به خداوند عیسی مسیح ایمان آور که تو و اهل خانه ات نجات خواهید یافت" (اعمال رسولان ۱۶: ۳۶). انبوهی از نعمت‌ها و برکات مادی و معنوی برای کسانی که از فرمان خداوند اطاعت می کنند وجود دارد.

نافرمانی یکی از شاخص‌های این دوره است که بطور مستقیم از طبیعت گناهکار انسان سرچشمه می‌گیرد. در این باره دوم تیموتائوس ۳: ۲ و رومیان ۵: ۱۹ را بخوانید. نافرمانی در خانه، جامعه و در کلیسا وجود دارد که همگی ناشی از گرایش نافرمان بودن در برابر خداوند هستند. لجبازی و مقاومت، نافرمانی و جرم‌های وحشیانه و بی رحمانه روز به روز بیشتر می شوند. مجله تایم مقاله‌ای با عنوان **"کودکان ناهنجار ما"** منتشر کرد که در بالای آن عبارت **"بالا رفتن جرم و جنایات وحشیانه جوانان روح جامعه را به لزره درآورده است!"** ما به ملتی تبدیل شده‌ایم که ماهرانه شهروندان مجرم و نافرمان به جامعه تحویل می دهیم. اکنون وقت آن رسیده که بطور جدی خود را مسئول موضوع اطاعت از خداوند بنماییم.

تعریف اطاعت

جان استورمر اطاعت را بدینگونه شرح می دهد.

"اطاعت یعنی انجام اموری که مرجع دارای صلاحیت آنرا درخواست می نماید و در نقطه مقابل انجام کارهای خود به روش خودمان است. اطاعت واقعی یعنی انجام سریع، با رعایت احترام، با دلخوشی و لذت و بصورت کامل آنچه مرجع دارای صلاحیت از ما می خواهد."

اطاعت یعنی تسلیم اراده خود در برابر اراده کسی که در مقام صلاحیت است. منشاء اطاعت واقعی در واقع تسلیم بودن در برابر خداوند است.

نظر خداوند درباره اطاعت کردن

أ. اول سموئیل ۱۵: ۲۲ را بخوانید. خداوند چه چیزی را برتر از قربانی نمودن می داند؟ اطاعت نمودن را

ب. اعمال رسولان ۱۳: ۲۲ را بخوانید. خداوند "داود" فرزند یسعی را چگونه توصیف می کند؟ "داود بن یسعی را مرغوب دل خود یافته‌ام"

ج. چرا خداوند "داود" را در اعمال رسولان ۱۳: ۲۲ اینگونه توصیف میکند؟ چون او بطور کامل هر آنچه خداوند اراده نمود را به انجام رساند.

نظر خداوند درباره نافرمانی

أ. اول سموئیل ۱۵: ۲۳ را بخوانید. خداوند نافرمانی را به چه تشبیه می کند؟ به گناه جادوگری

ب. تثنیه ۲۱: ۱۸-۲۱ را بخوانید. بر اساس شریعت موسی مجازات افراد نافرمان سنگدل چه بوده است؟ سنگسار شدن.

منابعی درباره اطاعت:

أ. یوحنا ۱۴: ۱۵ "اگر مرا دوست دارید، احکام مرا نگاه دارید."

ب. یوحنا ۱۴: ۲۳ "اگر کسی مرا محبت نماید، کلام مرا نگاه خواهد داشت."

ج. اول یوحنا ۵: ۳ "احکام او گران نیست."

د. اول یوحنا ۴: ۱۹ "ما او را محبت می‌نماییم زیرا که او اوّل ما را محبت نمود."

نوید و برکات مربوط به اطاعت

أ. اول یوحنا ۳: ۲۲ را بخوانید. خداوند در مقابل اجرای احکام او و خشنود ساختنش، چه نویدی به ما داده است؟ او نیز آنچه از او طلب کنیم را به ما خواهد داد.

ب. طبق یوحنا ۱۵: ۱۰ یک مسیحی مطیع در کجا ساکن می شود؟ در محبت خداوند.

ج. متی ۶: ۳۱-۳۳ را بخوانید. اگر خداوند را در اولویت اول زندگی خود قرار دهیم، سه چیزی که خداوند به ما وعده داده تا همیشه برایمان فراهم نماید چیست؟ خوراک، نوشیدنی، پوشاک

د. طبق یوحنا ۱۵: ۱۴ اطاعت کردن ما را به چه چیزی تبدیل می کند؟ دوست خداوند.

ه. طبق اول یوحنا ۲: ۵ اگر احکام خداوند را اجرا کنیم چه چیزی در زندگی ما کامل می شود؟ محبت خداوند.

و. یعقوب ۱: ۲۲ را بخوانید. اگر کلام خداوند را بشنویم و به آن عمل نکنیم چه نتیجه‌ای خواهد داشت؟ خود را فریب داده‌ایم. یعقوب آنرا چه می خواند؟ گناه

ز. طبق متی ۷: ۲۴-۲۷ عیسی مسیح زندگی یک انسان مطیع را به چه چیز تشبیه میکند؟ مردی دانا.

نگرش صحیح درباره اطاعت

اطاعت از خداوند در نقطه مقابل طبیعت گناهکار انسان قرار دارد. اطاعت نتیجه آموزش است و مهمترین چیز در این میان نگرش و دیدگاه ماست.

الف: اطاعت باید بر اساس میل و رغبت باشد. مزامیر ۴۰: ۸

ب: اطاعت باید از دل و جان باشد. تثبیه ۲۶: ۱۶

پ: در اطاعت کردن باید قوی و دلیر باشیم. یوشع ۱: ۷

ت: در اطاعت کردن باید شتاب کرد و نه درنگ. مزامیر ۱۱۹: ۶۰

اطاعت یعنی:

۱. انجام آنچه به ما گفته می شود.

۲. انجام آن در همان زمانیکه به ما گفته می شود.

۳. انجام آن با نگرش و دیدگاه صحیح.

ث: رفتار ما هنگامیکه کلام خداوند با نگرش ما در تضاد است باید چگونه باشد؟ (لوقا ۵: ۷-۴) باید بگوییم: "آنها انجام خواهیم داد زیرا که خداوند فرموده است."

طبق متی ۲۱: ۲۸-۳۱ آیا داشتن نیت خوب و مثبت برای اطاعت کافی است؟ خیر

عرصه اطاعت از خداوند

هر مسیحی باید سلسله مراتب خداوند را در نظر گیرد و از آن اطاعت کند. این به چه معناست؟ تمامی کارهایی که از ما خواسته شده مستقیماً از جانب خداوند نیست بلکه خداوند اشخاصی را در برخی مراحل زندگی در برابر ما قرار داده است و از طریق ایشان اراده خود را به انجام می رساند. ما میبایست خود را تسلیم این اشخاص کنیم همانطور که در برابر خداوند تسلیم کرده ایم. مثالی از این سلسله مراتب در رابطه ازدواج در اول قرنیتیان ۱۱: ۳ آمده است.

انسانی که خداوند را براستی دوست دارد در برابر خداوند عیسی مسیح سر تعظیم فرو می آورد. همسری که خداوند را براستی دوست دارد خود را تسلیم رهبری شوهرش می کند همانطوریکه او خود را تسلیم امر خداوند کرده است. سلسله مراتب اطاعت کردن عبارتند از:

خداوند پدر → خداوند پسر → پدر → مادر → فرزندان

توجه: این سلسله مراتب در بحث خانواده ارتباطی با ارزشها و برابری انسانها ندارد بلکه تنها ترتیب و آرایشی هدفدار برای نظم جامعه است. حتی عیسی مسیح نیز مثالی از تسلیم و اطاعت است.

الف: عیسی مسیح فرزندی مطیع بود.

۱. او مطیع اراده خدای پدر بود. (یوحنا ۶: ۳۸ و ۳۹)
۲. او در هیچ شرایطی جدا از پدر نبوده است، چنانکه می فرماید "من و پدر یک هستیم." (یوحنا ۱۰: ۳۰)

۳. طبق فیلیپیان ۲: ۵-۸ عیسی مسیح مطیع مرگ بر روی صلیب شد.

۴. بعنوان یک کودک، عیسی مسیح خود را تسلیم پدر و مادر زمینی خود کرد. (لوقا ۲: ۵۱)

ب: پنج حیطة که نیازمند اطاعت برای یک مسیحی هست عبارتند از:

۱) **در ازدواج.** همسر باید خود را تسلیم شوهر خود کند. افسسیان ۵: ۲۲ و کولسیان ۳: ۱۸ و اول پطرس ۳: ۱-۶ را بخوانید.

۲) **در منزل.** فرزندان باید از والدین اطاعت کنند. افسسیان ۶: ۱ و کولسیان ۳: ۲۰ را بخوانید.

۳) **در محل کار.** کارکنان باید از مافوق خود (کارفرما) اطاعت کنند. افسسیان ۶: ۵-۷ و کولسیان ۳: ۲۲ را بخوانید.

۴) **در جامعه.** هر شهروندی باید مطیع قدرتهای برتر (دولت) باشد. رومیان ۱۳: ۱-۷ را بخوانید.

۵) **در کلیسا.** هر عضوی می بایست مطیع کسانی باشند که آنها را سرپرستی می کند. عبرانیان ۱۳: ۱۷ و ۱۷ را بخوانید.

خداوند از شما انتظار دارد همانطور که از او اطاعت می کنید، همچنین شخص مطیع و دارای مسئولیت در هر یک از این حیطه‌ها نیز باشید. امروزه در هر یک از آنها افراد یاغی و نافرمان را می بینیم، یعنی شوهری که از خداوند اطاعت نمی کند، همسرانی که مطیع شوهران خود نیستند، فرزندان که به حرف والدین خود گوش نمی دهند، گروههای جنگ طلب، هرج و مرج طلبها و آندسته از اعضاء کلیسا که رهبری روحانی را نمی پذیرند.

اجازه ندهید که روح نافرمانی در قلب شما رشد کند. نظر خداوند را در این موضوع می دانیم. "نافرمانی مانند گناه جادوگری است".

اگر شخص دارای مسئولیت در انجام وظیفه خود که رهبری پاسخگو و مسئولیت‌پذیر است، تصور کند، خداوند با او برخورد خواهد کرد. وظیفه و امور را به خداوند واگذارید و تلاش نکنید با شورش علیه مافوق امور را تصحیح کنید. هر رهبری با اعمال خود نزد خداوند می رود. اول پطرس ۳: ۱-۷ را بخوانید که می گوید شوهر رهبر است و به همسر گفته شده چگونه روح او را برای عیسی مسیح جذب

کند تا او نیز ایمان آورده و نجات یابد. نه با تسلط و بدست گرفتن امور خانه بلکه با فروتنی و فرمانبری.

مطیع بودن من

آیه‌های اشاره شده در جدول زیر را بخوانید و اصول مربوط به وظیفه شما در قبال مسئولین را بنویسید.

وظیفه در قبال مسئولین	
رومیان ۱۳: ۱-۷	
عبرانیان ۱۳: ۷-۱۷	
اول پطرس ۲: ۱۱-۱۷	

اطاعت مسأله‌ای قلبی است نه یک مسأله فکری. تفکرات اسوالد چمبرز درباره اطاعت برگرفته از کتاب *"My outmost for his highest"* را بخوانید.

شناخت راه راست:

"اگر کسی بخواهد اراده او را به عمل آرد، درباره تعلیم خواهد دانست که از خدا است یا آنکه من از خود سخن می‌رانم." یوحنا ۷: ۱۷

قانون طلایی برای درک و شناخت ذهنی نیست بلکه اطاعت و فرمانبری قلبی است. راهنمای انسانی که علاقه‌مند به علم و دانش است، کنجکاوی ذهنی خواهد بود، اما اگر خواهان بدست آوردن بینش و درون‌نگری درباره آموزه‌های عیسی مسیح باشید، تنها راه اطاعت است. اگر یک قضیه برای من مبهم است تقریباً مطمئن هستم که نباید این کار را انجام دهم. ابهامات فکری و ذهنی زائیده نادانی است و ابهامات روحانی در جهت نافرمانی بوجود می‌آیند.

هیچکس قبل از آزموده شدن، کلامی از سوی خداوند دریافت نکرده است. ما اطاعت نمی‌کنیم و متعجب می‌شویم که چرا به درجات روحانی نمی‌رسیم. عیسی مسیح فرمود: "پس هرگاه هدیه خود را به قربانگاه ببری و آنجا به خاطر آید که برادرت بر تو حقی دارد، هدیه خود را پیش قربانگاه واگذار و رفته، اول با برادر خویش صلح نما و بعد آمده، هدیه خود را بگذران." (متی ۵: ۲۳-۲۴). آموزه‌های عیسی مسیح زندگی ما را هدف قرار داده است. ما نمی‌توانیم برای یک لحظه او را فریب دهیم. عیسی مسیح کوچکترین مسایل را به ما آموزش می‌دهد. روح خداوند، روحیه خودخواهانه ما را برملا می‌سازد. خداوند ما را نسبت به آنچه تابحال به آنها فکر نکرده‌ایم، حساس می‌سازد. وقتی عیسی مسیح چیزی را با کلام خود به منزل می‌آورد، از آن اجتناب نکنید. اگر این کار را بکنید به یک مذهبی فریبکار تبدیل می‌شوید. اگر به آنچه از آن‌ها شانه خالی می‌کنید توجه کنید، خواهید دید که چرا از نظر روحانی رشد نمی‌کنید. حتی اگر شما را خشک مذهب و متعصب بخوانند باید کلام خداوند را اطاعت کنید.

سوالات این درس:

۱- واژه اطاعت را تعریف کنید؟

۲- خداوند چه چیزی را برتر از قربانی نمودن می‌داند؟ آیه ای را برای اثبات آن ذکر کنید؟

۳- خداوند داود نبی را در اعمال رسولان ۱۳: ۲۲ چگونه توصیف می‌کند و چرا؟

۴- نظر خداوند درباره نافرمانی چیست، آیه ای را برای اثبات آن بنویسید؟

۵- یوحنا ۱۴: ۱۵ را بنویسید؟

۶- اگر خداوند را در اولویت اول زندگی خود قرار دهیم، سه چیزی که خداوند به ما قول داده تا همیشه برایمان فراهم نماید چیست؟

۷- چهار مورد از نگرش صحیح در اطاعت را نام ببرید؟

۸- سلسله مراتب اطاعت کردن را به ترتیب نام ببرید؟

۹- عیسی مسیح در چه مواردی فرزندی مطیع بود؟

۱۰- پنج حیطة که نیازمند اطاعت مسیحی هستند را نام ببرید و برای هر یک آیه ای را ذکر کنید؟

آیه های کلیدی این درس: اول سموئیل ۱۵: ۲۲؛ یوحنا ۱۴: ۱۵؛ افسسیان ۶: ۱-۷

درس ۴۷: مسیحیت و نوشیدن شراب

آیا شرابی که امروز تولید می شود همانی است که در زمان کتاب مقدس بوده؟

برای پاسخ دادن به این سوال اولین کاری که باید انجام دهیم آنست که ببینیم به چه نوع از شراب در کتاب مقدس اشاره شده و سپس اینکه بدانیم چگونه می توان آنرا با شرابی که امروز تولید می شود مقایسه کرد. برخی مسیحیان شراب نوشیدن خود را اینگونه توجیه می کنند که این موضوع در هر دو کتاب عهد قدیم و جدید تأیید شده است. اما اگر شرابی که امروز تولید می شود با آنچه در دوران کتاب مقدس بوده متفاوت باشد آموزه های کتاب مقدس در این خصوص هم تفسیر متفاوتی خواهد داشت.

نوعی از شراب که در زبان یونانی "سیکرا" نامیده می شود (لوقا ۱: ۱۵) و در عبری، "شیکر" (امثال ۲۰: ۱ و اشعیا ۵: ۱) معمولاً "نوشیدنی قوی" ترجمه می شود. بدلیل میزان الکل زیادی که درون آن است به سرعت سبب مستی می شود و عواقب بعدی را برای کسانی که مست می شوند را بیار می آورد.

نوع دومی از شراب که "گلوکز" نامیده می شود و به شراب جدید اطلاق می شود، شیرین است. در روز پنطیکاست برخی از کسانی که موعظه های حواریون را شنیدند، آنها را به خوردن این نوع شراب اتهام کردند (اعمال ۲: ۱۳). کلمه عبری برای آن "تیروش" است (امثال ۳: ۱۰؛ حوشع ۹: ۲؛ یوئیل ۱: ۱۰). از آنجا که آب میوه تازه خیلی زود ترش می شود می تواند به سرعت سبب مستی شود حتی اگر خیلی کهنه نشده باشد. این نوع شراب معمولاً با آب مخلوط می شد قبل از آنکه نوشیده شود.

اما سومین نوع شراب همانی است که در هر دو کتاب عهد عتیق و جدید به آن اشاره شده است. کلمه عبری برای این نوع شراب "یابین" است که ریشه آن در قل زدن یا جوشیدن است. قل زدن نتیجه ریخته شدن شراب نیست بلکه به سبب جوشاندن شیره انگور برای غلیظ کردن آن است تا آنجا که حتی گاهی به شکل یک خمیر در می آمد و می توانستند آنرا یک پارچه جایی نگهداری کنند. از آنجا که جوشاندن سبب تبخیر بخش زیادی از آب شده و باکتری ها را نیز از بین می برد، آب میوه کنسانتره شده دیگر ترش نمی شود. یابین معمولاً به شیره یا خمیری اطلاق می شد که برای نوشیدن آنرا با آب مخلوط کرده و می نوشیدند (مزامیر ۷۵: ۸؛ امثال ۲۳: ۳۰). حتی زمانی که مخلوط جدید را برای تخمیر شدن کنار بگذارند میزان الکل آن بسیار ناچیز خواهد بود. بیشترین کلمه ای که در کتاب عهد جدید یونانی برای این نوع شراب استفاده شده "اونیوس" است که تقریباً معنی آب انگور را می دهد. در هر منبع یهودی می توان یافت که یابین، شراب مخلوط شده یا اونیوس به نوشیدنی سکر آوری که حاصل تخمیر است اشاره نمی کند بلکه عموماً به شیره غلیظ یا مربای تولید شده از جوشاندنی که راحت تر نگهداری شود اشاره می کند. در تعلیمی که مسیح درباره نگهداری شراب جدید در مشک جدید داد،

نشان می دهد که شراب در مشک جدید نگهداری می شد تا از تخمیر و ترش شدن آن جلوگیری شود (متی ۹: ۱۷).

غلیظ کردن آب انگور و تبدیل کردن آن به شیره یا دوشاب انگور به روش جوشاندن و تبخیر آب در زمان کتاب مقدس در کشورهای شرقی، یونان و رم روشی کاملاً مرسوم بوده و امروز هم در فلسطین، سوریه، اردن و لبنان و حتی در بعضی شهرهای ایران نیز خیلی مرسوم است. علاوه بر نوشیدن آن شیره با آب مخلوط شده، از آن بعنوان مربا هم استفاده می کردند و همراه نان صرف می کردند. شیره و شراب ساخته شده از آن هر دو موادی غیر مست آور و غیر سکر آور بودند.

میشنا یهودی، تفسیر زبانی و بعد ها نوشتاری قدیم فرامین موسی که پیش از تالمود فراهم شده، اعلام می دارد که یهودیان بطور منظم از شراب جوشیده استفاده می کردند که آب انگور غلیظ شده توسط حرارت است. شرابی که در مراسم فصیح استفاده می شده مخلوطی از یک پیمانه شراب و دو پیمانه آب بوده است. (maccabbes 15: 39). براساس آنچه در میشنا ذکر شده، "تا زمانی که آب بر شراب اضافه نمی شد دعای برکت بر آن خوانده نمی شد."

همچنین ارسطو شراب مورد استفاده در آرکادیا را آنچنان غلیظ توصیف کرده که می بایست از پوسته ظرفی که در آنها نگهداری می شده خراشیده و با آب مخلوط می گردیده تا نوشیدنی مورد نظر بدست آید.

پلینی تاریخ نگار رومی همواره به شرابی غیرمست کننده اشاره کرده است. همچنین هوراس شاعر رومی سال ۳۵ قبل از میلاد اینگونه سراییده که: "اینجا در سایه می توانی پیمانه ای چند از شرابی غیرمست کننده بنوشی". هومر در کتاب نهم اودیسه اشاره کرده که اولیس مشکی از پوست بز و پر از شراب سیاه شیرین در قایق خویش قرار داده که با بیست پیمانه آب رقیق شده بود.

در سال ۶۰ بعد از میلاد مسیح، پلوتارک شرح حال نویسنده یونانی به این موضوع اشاره کرده که شراب رقیق شده تأثیر منفی بر عقل و ذهن و احساسات ندارد و برای نوشیدن بسیار دلپذیرتر است. رابرت استین در مجله مسیحیت امروز بتاريخ ۲۰ ژوئن ۱۹۷۵ توضیح می دهد که یونانیان باستان شراب مخلوط نشده و جوشانده نشده خود را که دارای درصد بالایی از الکل بوده در پارچ های بزرگی به نام آمفور نگهداری می کردند و برای نوشیدن مقداری از آن را در ظرفی دیگر به نام کراتر می ریخته و با آب مخلوط می کرده اند به نسبت بیست به یک و تنها پس از آن بوده که شراب در جامهای افراد که کلیت نام داشته ریخته می شده است. و آنچه که بعنوان شراب (oinos) شناخته می شده در واقع این محلول رقیق شده بوده است و مایع رقیق نشده با نام "آکراتسترون" یا "شراب مخلوط نشده" شناخته می شده که هنوز برای رقیق شدن در یک "کراتر" ریخته نشده است. حتی در میان بی خدایان متمدن آن زمان نیز نوشیدن شراب خالص و مخلوط نشده نوعی از بربریت و حماقت بحساب می آمده است. رابرت استین به نقل از منستیوس آتی می نویسد:

"خدایان شراب را در اختیار فانیان قرار دادند تا نعمت بزرگی باشد برای آنان که طرز مصرف عاقلانه آنرا می دانند و بالعکس برای آنان که در نوشیدن آن حد و حدودی ندارند. چراکه برای عاقلان خوراک است و باعث سلامت عقل و بدن. همچنین دارویی بسیار مفید است و در صورت مخلوط شدن با آب و برخی داروها بسیاری از زخم ها را بهبود می بخشد. در مناسبات روزمره شادی و نشاط را برای آنان که شراب را مخلوط کرده و به اندازه می نوشند به ارمغان می آورد اما چنانچه نوشیدن آن از حد بگذرد منشاء خشونت خواهد بود. اگر پنجاه پنجاه مخلوط شود باعث دیوانگی خواهد شد و در صورتی که خالص نوشیده شود باعث از کار افتادن اعضای بدن خواهد گردید.

طبق آنچه در کتاب "سنت مسیحیت" متعلق به دوران ابتدایی مسیحیت نگاشته شده درمی یابیم که کلیساهای اولیه از شراب مخلوط استفاده می کرده اند که یا از شربت و یا از شراب خالص تهیه می شده است.

در زمان هومر (اودیسه - کتاب نهم ۲۰۹-۲۰۸) شراب به معنی مخلوط ۲۰ به ۱ آب و شراب خالص بوده است. پلینی آن را مخلوط ۸ به ۱ آب و شراب توصیف می کند. آریستوفانس مخلوطی قوی تر شامل ۳ پیمانۀ آب و ۲ پیمانۀ شراب را توصیف می کند. همچنین دیگر نویسندگان کلاسیک یونانی نیز انواع مخلوط های دیگر در تألیفات خود اشاره می کنند: هزیود - ۳ به ۱ الکیس - ۴ به ۱، دوسل آناکرون - ۲ به ۱ آیون - ۳ به ۱. میانگین این تعاریف مخلوطی از ۳ تا ۴ پیمانۀ آب و یک پیمانۀ شراب است.

شراب تخمیر شده در حالت عادی دارای ۹ تا ۱۱ درصد الکل می باشد. برای تهیه یک نوشیدنی الکلی مانند برندی، میزان بیشتری از الکل نیاز است بنابراین شراب تخمیر شده را به صورت مصنوعی تقطیر می کنند. بنابراین شراب مخلوط نشده باستانی دارای درصد الکل برابر ۱۱ درصد بوده است بنابراین حتی ترکیب ۵۰ / ۵۰ این شراب (که به گفته منستیوس باعث دیوانگی می گردد) نیز الکی کمتر از ۵ درصد داشته است. از آنجایی که قوی ترین شراب معمولاً به روش ۳/۴ آب و ۱/۴ شراب با یکدیگر مخلوط و نوشیده می شد میزان الکل آن برابر ۲/۲۵ تا ۲/۷۵ درصد بود که تفاوت فاحشی با درصد الکل ۳/۲ درصد دارد که حداقل میزان الکل در نوشیدنی های الکلی امروزی محسوب می گردد.

بنابراین روشن است که منظور از "oinos" یا "yayin" در کتاب مقدس تنها آب میوه است و یا مخلوطی از آب و آب میوه و یا مخلوطی از آب و شراب خالص که یا کاملاً بدون الکل بوده است و یا میزان الکل بسیار ناچیزی داشته است. برای آنکه با چنان نوشیدنی که مخلوطی از شراب و آب است انسان از خود بی خود شود نیاز است که مقدار زیادی از آنرا بنوشد همانطور که در عهد جدید به این امر اشاره شده است. "نه میگسار یا زنده یا طمّاع سود قبیح بلکه حلیم و نه جنگجو و نه زرپرست." (اول تیموتائوس ۳: ۳) و "زیرا که اُسُقْف می باید چون وکیل خدا بی ملامت باشد، و خودرأی یا تندمزاج یا میگسار یا زنده یا طمّاع سود قبیح نباشد" (تیطوس ۱: ۷). این آیه ترجمه کلمه یونانی

"paroinos" است که در لغت به معنای "درون یا درکنار شراب" است و در واقع بیانگر صرف زمان زیادی برای نوشیدن است.

پاسخ سوال اول روشن است. شرابی که در کتاب مقدس به آن اشاره شده است با آنچه اکنون به این نام می شناسیم و استفاده می کنیم متفاوت است. حتی غیر مسیحیان و بی خدایان زمان عیسی مسیح نیز نوشیدن شراب به معنای امروزی را بربریت و بی مسئولیتی و دور از انسانیت می دانستند.

آیا نوشیدن شراب ضروری است؟

دومین سوال که به ما کمک می کند به این سوال جواب بدهیم که آیا جایز است یک ایماندار مسیحی شراب به معنا و در شرایط امروزی مصرف کند یا خیر، این است که "آیا نوشیدن شراب برای من ضروری است؟"

در زمان کتاب مقدس و عیسی مسیح مانند بسیاری از مکان های جهان در دنیای امروزی، آب آشامیدنی مناسب یا وجود نداشت و یا بسیار کمیاب بود و مطمئن ترین نوشیدنی شراب بود. شرابی که مقداری الکل داشت مطمئن ترین شراب ها بحساب می آمد، بدلیل خاصیت ضدعفونی کننده الکل. در واقع الکل آب را ضدعفونی و تمیز می کرد. آب به چندین روش مختلف تمیز و ضدعفونی می شد. یک راه جوشاندن آب بود که زمانبر بود و هزینه زیادی در بر داشت. راه دیگر از صافی گذراندن آب بود که همچنان راه مطمئنی برای تمیز کردن آب محسوب نمی شد. تنها راه باقی مانده اضافه کردن کمی شراب به آب بود تا جرم ها و میکروب های آنرا از بین ببرد. به ازای هر پیمانه شراب ۳ یا ۴ پیمانه آب مخلوط می شد. این روش آب تمیز و خوش طعمی را فراهم می ساخت که شراب نامیده می شد.

باور آنکه شرابی که عیسی مسیح در جشن عروسی در قانا بصورت معجزه آسایی تهیه کرد و یا شرابی که در شام آخر و دیگر مناسبت ها فراهم ساخت، تخمیر شده بوده باشد، سخت است. چگونه مسیح می توانسته شرابی فراهم نماید که مصرف آن پتانسیل از خود بی خود کردن انسان ها را داراست. پیش از آنکه عیسی مسیح شراب را در قانا به میهمانان ارزانی کند به خدمتکاران دستور داد که در جامها آب بریزند. این خود شاهدهی بر این امر است که شرابی که مسیح برای میهمانان فراهم ساخت مخلوط شده بوده است و میهمانان حاضر در میهمانی از طعم و کیفیت مطلوب این شراب بسیار تعریف کردند. (یوحنا ۲: ۱۰) و از آنجاکه این نوشیدنی را "oinos" نامیده اند این امر نشان دهنده آنست که این همان نوشیدنی مخلوط آب و شراب جوشانده است که از آن نیز به آن آشنا بودند.

آن شرابی که در کتاب مقدس به آن اشاره شده دارای میزان بسیار کمی از الکل و یا کاملاً بری از آن بود. بنابراین مسیحیان کنونی نمی توانند عادت زشت شراب نوشیدن خود را براساس آنچه در کتاب مقدس بیان شده است توجیه کنند زیرا که در زمان حال انواع زیادی از نوشیدنی های جایگزین به راحتی و ارزانی برای انسان ها فراهم است. بنابراین نوشیدن نوشیدنی های الکلی در دنیای کنونی بندرت جزء واجبات محسوب می گردد و در بیشتر مواقع تنها انتخاب شخصی افراد است.

عدم استفاده از نوشیدنی های الکلی همچنین برای پرهیز از شرمسار کردن و اذیت کردن دوستان، همراهان و یا همکاران نیز لازم است. شهادت به مسیحی بودن گاهی برای ما همراه با هزینه و ریاضت است اما اگر مردم احساس کنند که این امر اقدامی صوری بوده و منشأ آن ایمان قلبی به درست زیستن نیست، به سختی به آن احترام می گذارند. در این حالت بحث سعی در پرهیز از اذیت کردن و شرمسار کردن دیگران بیش از آنکه مربوط به توجه به رفاه و احساسات آنان باشد مربوط به محبوبیت اجتماعی خود شخص است. برخی بر این باورند که هر از گاهی نوشیدن مشروب برای ایجاد ارتباط با انسانهایی که نجات نیافته اند و دعوت آنان و بشارت به مسیحیت لازم است. اما این باور در تفسیر قدرت خداوند و بشارت مسیح مستقل از وسایل انسانی ناموافق است.

آیا نوشیدن شراب انتخاب درستی است؟

از آنجاییکه نوشیدن شراب مشخصاً و کاملاً در کتاب مقدس نهی نشده است و از آنجاییکه نوشیدن شراب لازمه زندگی انسان های امروزی نیست این امر تنها مربوط به انتخاب شخصی انسان هاست. سوال بعد آنستکه: "آیا این بهترین انتخاب است؟"

در طول تاریخ زندگی بشریت خداوند معیارهای متعالی تری برای انسانهایی در نظر داشته که دارای مسئولیت های برتر بوده اند. در قوانین قربانی کردن در یهودیت که در لاویان ۴ - ۵ بیان شده است، هر انسان معمولی می بایست یک بز و یا گوسفند ماده برای کفاره گناهان خود قربانی می کرد و یا اگر بسیار فقیر باشد می توانست دو کبوتر و یا دو قمری (۵: ۷) و یا یک وعده غذای کامل از آرد را تقدیم خداوند کند (۵: ۱۱). اما حاکمان می بایست یک بز نر قربانی کنند و کاهن اعظم می بایست یک گاو نر قربانی کند.

همچنین هارون و دیگر کاهنان اعظم معیارهای شخصی بالاتری برای زندگانی داشته اند. به آنان دستور داده شده بود: "شراب و یا هیچ نوشیدنی قوی دیگری ننوشید. نه خودتان و نه پسرانتان آنگاه که به معبد خداوند وارد می شوید تا زمانی که بمیرید و این می بایست در نسل های بعد نیز در میان شما باقی بماند و رعایت شود" (لاویان ۱۰: ۹). از آنجاییکه کاهن اعظم مقام بالاتری داشته است می بایست نسبت به دیگران در برابر خداوند مطیع تر باشد و زندگانی وی می بایست کیفیت بهتری داشته

باشد. صرفنظر از اینکه آیا محدودیت نوشیدن در مورد آنان تنها محدود به زمان حضور در معبد بوده و یا تمام طول زندگانی خدمت آنان به خداوند تحت تأثیر پرهیز آنان از مشروبات الکلی قرار داشته است. ذهن و بدن آنان می بایست پاک باشد تا بتوانند بطور کامل در راه خدمت به خداوند از آن استفاده کنند و نمی بایست هیچ خطر اخلاقی و روحانی این مأموریت خدمت به خداوند را خدشه دار سازد.

همین معیارهای متعالی زندگانی در مورد حاکمان اسرائیل نیز صدق می کرد. "پادشاهان را نمی‌شاید ای لموئیل، پادشاهان را نمی‌شاید که شراب بنوشند، و نه امیران را که مسکرات را بخواهند. مبادا بنوشند و فریاض را فراموش کنند، و داوری جمیع ذلیلان را منحرف سازند." (امثال ۳۱: ۵و۴) قضاوت آنان نمی بایست حتی تحت تأثیر میزان ناچیز الکل در شراب "yayin" قرار داشته باشد که بسیار کمتر از بیشترین میزان الکل موجود در یک نوشیدنی قوی (shekar) است. نوشیدنی های قوی الکلی تنها برای ارائه به آنان که در حال مرگ بودند جایز بود تا مانند ماده مخدری از میزان درد آنان بکاهد (امثال ۳۱: ۶) و استفاده دیگری برای آن متصور نبود.

اما شراب مخلوط عادی در مواقع شادی و برای تمام کسانی که غم و دردی داشتند فراهم بود. "بگذارید بنوشد و فقر و بدبختی خویش را از یاد ببرد." (آیه ۶-۷) اما کاهنان اعظم و حاکمان به نوشیدن "yayin" یا "shekar" مجاز نبوده اند. هر شخصی در اسرائیل می توانست توسط سوگندی خود را وقف خداوند کند. این سوگند "نذیره" نام داشت (اعداد: ۲-۴). همچنین کسی که به پیمان و عهد نذیره پایبند بود نمی بایست سر خود را بتراشد و یا حتی به صورت تشریفاتی با دست زدن به جسدی خویش را بیالاید.

نام این سوگند "نذیره" که ریشه در کلمه عبری "نذیر" دارد و به معنای جدا شده یا وقف شده است. این جدا شدن یا وقف شدن بدون هیچ اجباری و بطور داوطلبانه از سوی خود فرد انجام می گرفت و می توانست از ۳۰ روز تا تمام طول عمر آن فرد ادامه یابد. اما در طی زمانی که مردی یا زنی خود را اینگونه وقف خدمت به خداوند می کرد، زندگانی او می بایست از زلالی و پاکی برخوردار می شد و این شامل خودداری از مصرف هرگونه نوشیدنی الکلی نیز می گردید. سوگند نذیره در واقع ارتقا به درجه حاکمان و راهبان اعظم بود که توسط شیوه خاص عزلت نشینی و وقف وجود شخص در راه خداوند حاصل می شد.

در کتاب مقدس نام سه تن ذکر شده که در تمام طول زندگانی خویش به پیمان نذیره پایبند بودند: شمشون، سموئیل و یحیی تعمید دهنده. هر سه اشخاص پیش از تولد وقف سوگند نذیره شده بودند. سموئیل توسط مادرش (اول سموئیل ۱: ۱۱) و شمشون و یحیی تعمید دهنده توسط خود خداوند (داوران ۱۳: ۳-۵ و لوقا: ۱۵). که مادران شمشون و سموئیل نیز از شراب و نوشیدنی قوی پرهیز

داشتند (داوران ۱۳: ۴ و اول سموئیل ۱: ۱۵). مادر شمشون تحت فرمان فرشته ای این پرهیز را اجرا میکرد.

با اینکه اسامی همه آنان آشکار نیست اما اشخاص بسیاری از اسرائیلیان به سوگند نذیره معتقد بودند و با پرهیز و رعایت شرایط این سوگند به خداوند خدمت می کردند (مرثیه ۴: ۷ و عاموس ۲: ۱۱). متأسفانه بسیاری از آنان تحت تأثیر دوستان خود و دیگر اسرائیلیان که "متعهدان سوگند نذیره را وادار به نوشیدن شراب می کردند" به بیراهه کشیده شدند (عاموس ۲: ۱۲ و مرثیه ۴: ۸).

جهانیان از انسانهایی که با زندگانی زلال و بلند مرتبه خود باعث ملامت و سرزنش فرومایگان میشوند، بیزارند و به جای سعی و تلاش برای ارتقای سطح و معیارهای زندگانی خودشان، دنیا طلبان به گمراه کردن بندگان بلند مرتبه خداوند می پردازند تا آنان را از مرتبه خود به زندگانی سخیف خویش سوق دهند.

در روزگار ارمیای نبی تمام طایفه رکیبان سوگندی یاد کرده بودند که هرگز شراب ننوشند و بر آن سوگند پایدار باقی ماندند. به دلیل این پایه از ایمان و فرمانبرداری، خداوند به ارمیا دستور داد آنان را به عنوان سمبل زندگانی راستین و صحیح قرار دهد بر خلاف قوم فاسد یهودا که خداوند در صدد مجازات آنان بود (ارمیا ۳۵: ۱-۱۹).

بهترین نمونه شخصی که سوگند نذیره داشت، یحیی تعمید دهنده بود که عیسی مسیح درباره وی گفت: "هر آینه به شما می گویم که از اولاد زنان بزرگتری از یحیی تعمید دهنده برنخاست" (متی ۱۱: ۱۱). پیش از آنکه یحیی به دنیا بیاید فرشته درباره وی گفت: "زیرا که در حضور خداوند بزرگ خواهد بود و شراب و مسکری نخواهد نوشید و از شکم مادر خود پر از روح القدس خواهد بود" (لوقا ۱: ۱۵).

با اینحال عیسی مسیح همچنین درباره وی گفت: "لیکن کوچکتر در ملکوت آسمان از وی بزرگتر است" (متی ۱۱: ۱۱). در نظر عیسی مسیح تمامی ما از مرتبه ای روحانی همچون یک کاهن اعظم، یک حاکم و یا یک نذیره ای برخوردار هستیم. مسیح به ما عشق می ورزد و ما را با خون خویش از گناهان تطهیر کرده و نزد خداوند و پدر آسمانی مرتبه ای همچون پادشاهان و کاهنان بخشیده است (مکاشفه ۱: ۵-۶). مسیحیان "قبیله برگزیده و کهانت ملوکانه و امت مقدس و قومی که ملک خاص خدا هستند" (اول پطرس ۲: ۹). هر مسیحی می بایست خود را وقف خداوند قرار دهد و از هرگونه ناپاکی و آرایش دوری کند (دوم قرنتیان ۶: ۱۷). پولس چنین می گوید: "خویشان را از هر نجاست جسم و روح طاهر بسازیم و قدوسیت را در خداترسی به کمال رسانیم" (دوم قرنتیان ۷: ۱).

خداوند معیار های خویش را در مورد مقدسان عهد جدید که طبق گفته عیسی مسیح حتی از یحیی تعمید دهنده نیز مرتبه بالاتری دارند، تنزل نداد. در هر دو کتب عهد عتیق و عهد جدید نوشیدن شراب و یا دیگر نوشیدنیهای قوی شخص را از رهبری خلق خداوند سلب صلاحیت می کند. رهبران مسیحی نیز همانند رهبران عهد عتیق می بایست معیار های زندگانی والایی داشته باشند. ناظران و اسقفان که همانند بزرگان و کشیشان هستند نمی بایست "معتاد به نوشیدن شراب" باشند که ترجمه لغت **paroinos** به معنای "کنار شراب نشستن" است. یک پیشوا در کلیسا نمی بایست حتی کنار بطری شراب قرار بگیرد. "باید" (اول تیموتائوس ۳: ۲) از کلمه یونانی **dei** می آید که به معنای منع قانونی است تا منع اخلاقی. بنابراین پولس می گوید که پیشوایان کلیسای خداوند "نه تنها شایسته نیست بلکه نباید شراب بنوشند" (آیه ۲-۳).

یعقوب گفت: "ای برادران من، بسیار معلّم نشوید، چونکه می دانید که بر ما داوری سخت تر خواهد شد" (یعقوب ۳: ۱). عیسی مسیح فرمود: "و به هر کسی که عطا زیاد شود، از وی مطالبه زیادتر گردد و نزد هر که امانت بیشتر نهند، از او بازخواست زیادتر خواهند کرد." (لوقا ۱۲: ۴۸)

اگر در عهد عتیق کاهنان اعظم پیروان سوگند نذیره پادشاهان و دیگر حکمرانان می بایست همواره ذهن هوشیاری می داشته اند، شکی نیست که خداوند معیارهای نازل تری برای رهبران کلیسا که نماینده مجسم پسرش عیسی مسیح هستند، در نظر نخواهد گرفت. پولس در این باره به تیموتائوس نصیحت کرد که "دیگر آشامنده آب فقط مباح، بلکه بجهت شکمت و ضعفهای بسیار خود شرابی کم میل فرما" (اول تیموتیوس ۵: ۲۳) که خود بیانگر این نکته است که تیموتائوس پیش از این زمان شراب نمی نوشیده است و پیشنهاد پولس برای نوشیدن "کمی شراب" تنها برای مقاصد پزشکی و درمانی بیان شده است. هر مؤمن خداوند می بایست همواره "بدن خود را قربانی زنده مقدس پسندیده خدا" بحساب آورده و کاملاً وقف خداوند نماید (رومیان ۱۲: ۱-۲).

آیا نوشیدن شراب می تواند به یک اعتیاد تبدیل شود؟

چهارمین موضوعی که باعث نگرانی مؤمنان راستین است مسئله اعتیاد است. بسیاری از چیزها و کارها بصورت عادت در می آیند و بسیاری از این عاداتها مقید هستند اما از طرف دیگر بسیاری از عادات نیز زیان آورند و ترک این عادات نیز آسان نیست.

اصلی که پولس به آن اشاره دارد آنست که با وجود آنکه همه چیز برای وی جایز است "اجازه نخواهد داد که چیزی بر وی تسلط یابد." اول قرنتیان ۶: ۱۲ نیز به روشنی اشاره به اعتیاد به الکل دارد. الکل به آسانی باعث وابستگی شدید افراد می گردد. علاوه بر تأثیرات منفی الکل بر روی عملکرد ذهنی و

جسمانی شخص مصرف کننده، حس وابستگی و اعتیاد ایجاد شده خود بنتهایی بر روی میزان توجه و نحوه قضاوت فرد معتاد تأثیر می گذارد.

یک مسیحی واقعی نه تنها می بایست از گناه دوری کند بلکه می بایست از موقعیت هایی که احتمال ارتکاب گناه را افزایش می دهند نیز فاصله بگیرد. ما هرگز نباید اجازه دهیم تا چگونه ای تحت تأثیر کسی یا چیزی قرار بگیریم که حتی ذره ای ما را از مسیری که خداوند برای ما در نظر گرفته منحرف کند. عاقلانه ترین و مطمئن ترین راه برای یک مسیحی دوری کردن از قرار گرفتن در موقعیت هایی است که احتمال تأثیرات بد در آنها وجود دارد.

حتی اگر چیزی برای ما اعتیاد آور نباشد ممکن است خطر آن را در میان کسانی که ما را بعنوان سرمشق زندگی خود قرار داده اند و یا از روش زندگی ما تقلید می کنند خطری ایجاد کند. از آنجاییکه تأثیر اعتیاد آور الکل در سطح جهانی شناخته شده است مصرف الکل در مواقع غیر ضروری توسط یک مسیحی می تواند پتانسیل اعتیاد به الکل در شخص دیگری را بالا ببرد.

آیا نوشیدن شراب بالقوه مخرب است؟

پنجمین موضوعی که می بایست مورد توجه قرار بگیرد تأثیرات مخرب بالقوه در مصرف الکل است. همانطور که نویسنده دوران بت پرستی بیان کرده است مصرف پیمانانه ای شراب که با نیم پیمانانه آب مخلوط شده باشد عقل را ذایل کرده و موجب دیوانگی می شود و شراب خالص باعث اختلال در عملکرد اندام های بدن خواهد گردید. تأثیرات مخرب ذهنی، فیزیکی و اجتماعی مصرف الکل واضح تر از آنست که نیاز به مدارک متعددی برای اثبات داشته باشد.

بیش از چهل درصد اتفاقات مرگبار (قتل های خشونت بار) به نوعی به الکل مربوط می شود و حداقل نیمی از تصادفات رانندگی مرگبار با مصرف الکل توسط رانندگان ارتباط مستقیم دارد. مصرف بیش از اندازه الکل باعث بیماری سیروز کبدی و بسیاری دیگر از بیماری ها می گردد. مشکلات مرتبط با الکل باعث از دست رفتن سالانه میلیاردها دلار از درآمد کارمندان، کارفرمایان و قراردادهای شرکت های بیمه و حق بیمه گزاف برای مشتریان این شرکت ها و انواع بسیار دیگری از مضرات غیر مستقیم است.

اصراف و عیاشی که نتیجه گریز ناپذیر مستی و اعتیاد به الکل است از کلمه "asotia" می آید که در لغت به معنای "چیزی که غیر قابل ذخیره است" می باشد و در مورد کسانی به کار می رود که بیماری لاعلاجی دارند که به بهبودشان امیدی نیست و همچنین در مورد زندگی بی بند و بار و عیاشانه مانند مثال پسر ولخرج در لوقا ۱۵: ۱۳ آمده است. بنابراین ولخرجی و بی بندوباری و اسراف نوعی تخریب شخصی نیز احتساب می گردد.

همانطور که پیش از این نیز در این فصل اشاره شد عهد عتیق مثال های زیادی از ارتباط مستقیم عادت شراب نوشیدن افراد با مشکلات اخلاقی، سرکشی، زنا و سرپیچی از فرمان والدین و انواع بسیار دیگری از مثال های زندگانی فاسد را بیان می کند. خشونت یکی از عواقب همیشگی عادت به نوشیدنی های الکلی است (امثال ۴: ۱۷). کلام خدا می فرماید: "شراب استهزا می کند و مسکرات عربده می آورد، و هر که به آن فریفته شود حکیم نیست" (امثال ۲۰: ۱). یوئیل پیامبر در این باره ندا می داد: "ای مستان بیدار شده، گریه کنید و ای همه میگساران به جهت عصیر انگور ولوله نمایید زیرا که از دهان شما منقطع شده است" (یوئیل ۱: ۵). او همچنین در باب سوم بعد اعلام می دارد: "و بر قوم من قرعه انداخته و پسری در عوض فاحشه ای داده و دختری به شراب فروخته اند تا بنوشند" (یوئیل ۳: ۳). همچنین حقوق نبی در این باره هشدار می دهد: "وای بر کسی که همسایه خود را می نوشاند و بر تو که زهر خویش را ریخته، او را نیز مست می سازی تا برهنگی او را بنگری. تو از رسوایی به عوض جلال سیر خواهی شد. تو نیز بنوش و غلغه خویش را منکشف ساز. کاسه دست راست خداوند بر تو وارد خواهد آمد و قی رسوایی بر جلال تو خواهد بود" (حقوق ۲: ۱۵ و ۱۶). یک مسیحی می بایست از خود سؤال کند که آیا عاقلانه است حتی کمی از چیزی را مصرف کند که چنین تأثیرات مخرب و گناه آلودی به دنبال دارد یا خیر؟

آیا امکان دارد که نوشیدن شراب باعث اذیت و آزار سایر مسیحیان شود؟

در مورد غذایی که به بت ها پیش کش می شد پولس گفت: "می دانیم که بت در جهان چیزی نیست و اینکه خدایی دیگر جز یکی نیست... ولی همه را این معرفت نیست، زیرا بعضی تا به حال به اعتقاد اینکه بت هست، آن را چون قربانی بت می خورند و ضمیر ایشان چون ضعیف است نجس می شود. اما خوراک، ما را مقبول خدا نمی سازد زیرا که نه به خوردن بهتریم و نه به ناخوردن بدتر. لکن احتیاط کنید مبدا اختیار شما باعث لغزش ضعفا گردد. و از علم تو آن برادر ضعیف که مسیح برای او مرد هلاک خواهد شد" (اول قرنتیان ۸: ۴ و ۷-۹ و ۱۱).

حدود اختیار و آزادی تفویض شده به ما از سوی مسیح تا آنجاست که به دیگران بخصوص سایر مسیحیان آسیبی وارد نسازد. ما اجازه نداریم که "به خوراک خود هلاک مساز کسی را که مسیح در راه او بمرد" (رومیان ۱۴: ۱۵). ما هیچگاه نمی توانیم حتی ذره ای به توانایی های شخصی خود در حفظ اعتدال در نوشیدن مطمئن باشیم و این اطمینان در مورد عدم تأثیر مخرب روش زندگانی ما بر دیگر افراد که شامل فرزندانمان نیز می گردد، حتی ناچیز تر است. "بجهت خوراک کار خدا را خراب مساز. البته همه چیز پاک است، لیکن بد است برای آن شخص که برای لغزش می خورد. گوشت نخوردن و شراب نوشیدن و کاری نکردن که باعث ایذا یا لغزش یا ضعف برادرت باشد نیکو است." (رومیان ۱۴: ۲۱)

اختیار و آزادی ما هرگز نباید برتر از رفاه حتی یک برادر مؤمن دیگر تلقی گردد. ما باید به انجام کارهایی مبادرت ورزیم "که منشأ سلامتی و بنای یکدیگر است" (آیه ۱۹).

آیا نوشیدن شراب شهادت خوبی برای یک مسیحی است؟

استفاده از آزادی شخصی که در اختیار ما قرار داده شده بصورتی که باعث ضرر احتمالی به یک برادر مسیحی دیگر گردد، نمی تواند تحت هیچ شرایطی قدر و منزلت شهادت ما را به مسیح در نظر غیر مسیحیان بیافزاید. ممکن است شراب نوشیدن باعث سهولت پذیرفته شدن در برخی اجتماعات گردد، اما کمبود یا عدم توجه ما به وضعیت دیگر برادران مسیحی همواره تصویر مثبتی که شخص انتظار دارد از خود به نمایش بگذارد را خدشه دار می کند. این امر همچنین می تواند تأثیرات منفی در وجهه شخص در نظر دیگر مسیحیان بگذارد. باوجود آنکه آنان ممکن است از بابت تأثیرات رفتار شما بر زندگانی خود و خدمت به خداوند نگرانی نداشته باشند اما این امر مشخصاً می تواند باعث نگرانی آنان در مورد تأثیرات منفی عادات زندگی شما بر دیگر مسیحیان باشد.

معیارهای زندگانی که پولس به قرنتیان ارائه می کند به روشنی اشاره دارد که رد دعوت یک غیرمسیحی بسیار مطلوب تر از اهانت و ایجاد دلخوری و نگرانی برای دیگر مسیحیان است: "هرگاه کسی از بی‌ایمانان از شما وعده خواهد و می‌خواهید بروید، آنچه نزد شما گذارند بخورید و هیچ پرسید بجهت ضمیر. اما اگر کسی به شما گوید این قربانی بت است، مخورید به خاطر آن کس که خبر داد و بجهت ضمیر، زیرا که جهان و پری آن از آن خداوند است. اما ضمیر می‌گویم نه از خودت بلکه ضمیر آن دیگر؛ زیرا چرا ضمیر دیگری بر آزادی من حکم کند؟" (اول قرنتیان ۱۰: ۲۷-۲۹)

ایمان و شهادت زندگی شما بسیار تأثیرگذارتر خواهد بود اگر یک شخص غیرمسیحی ببیند که شما چه اهمیتی برای برادران مسیحی خویش قائل هستید.

"زیرا احدی از ما به خود زیست نمی‌کند و هیچ‌کس به خود نمی‌میرد. زیرا اگر زیست کنیم برای خداوند زیست می‌کنیم و اگر بمیریم برای خداوند می‌میریم. پس خواه زنده باشیم، خواه بمیریم، از آن خداوندیم" (رومیان ۱۴: ۸و۷). چراکه هرچه یک مسیحی هست و دارد از آن خداوند است. همچنین در کتاب مقدس آمده است "اما اگر برخورد حکم می‌کردیم، حکم بر ما نمی‌شد. لکن هنگامی که بر ما حکم می‌شود، از خداوند تأدیب می‌شویم مبادا با اهل دنیا بر ما حکم شود. لهذا ای برادران من، چون بجهت خوردن جمع می‌شوید، منتظر یکدیگر باشید" (اول قرنتیان ۱۱: ۳۱-۳۳).

اگر چنانچه خواهان برقراری ارتباط با بندگانی باشیم که نجات نیافته اند و در عین حال مشوقی برای دیگر مسیحیان گردیم باید از مصرف مشروبات الکلی و یا انجام هر عمل دیگری که باعث گمراهی و یا لغزش آنان گردد، خودداری ورزیم.

آیا نوشیدن مشروبات الکلی کار درستی است؟

با توجه به تمامی سؤالات مطرح شده سؤال نهایی یک مسیحی آنست که آیا نوشیدن شراب برای یک مسیحی کار درستی است؟ همانطور که پیش از آن نیز اشاره شد پاسخ سؤال اول منفی بود. شرابی که در کتاب مقدس به آن اشاره شده است با آنچه امروز به این نام شناخته می شود متفاوت بوده است. همچنین پاسخ سؤالات دوم و سوم نیز منفی است. چراکه در جهان امروز نوشیدن شراب برای بسیاری از مسیحیان ضروری نیست و در واقع بندرت بهترین انتخاب برای نوشیدنی محسوب می گردد. پاسخ چهار سؤال بعدی حداقل تا اندازه ای مثبت است. نوشیدن شراب به روشنی باعث ایجاد اعتیاد می گردد و بصورت بالقوه ویرانگر است و باعث رنجش و تغییر دیگر مسیحیان و آسیب به وجهه ایمان و شهادت ما در نظر غیر مسیحیان خواهد شد.

روزی یک شخص مسیحی به من گفت: "من هر از گاهی با دوستانم آبدو می نوشم. آیا این اشتباه است؟" من پاسخ دادم: "خودت در این باره چه فکر می کنی؟" او به من گفت: "در واقع فکر نمی کنم که این کار اشتباهی است اما گاهی این موضوع ناراحتی می کند." من از او پرسیدم: "و آیا دوست داری احساس ناراحتی یا نگرانی داشته باشی؟" او گفت: "نه دوست ندارم." من نیز ادامه دادم: "و می دانی که چطور از دست این احساس ناراحتی خلاص شوی؟" که با پاسخ واضح این شخص مواجه شدم: "بله می بایست دست از نوشیدن بردارم."

پولس در اینباره می گوید: "لکن آنکه شک دارد اگر بخورد ملزم می شود، زیرا به ایمان نمی خورد؛ و هر چه از ایمان نیست گناه است." (رومیان ۱۴: ۲۳)

حتی اگر عقیده داشته باشیم که انجام کاری بخودی خود گناه آلود نیست اما در زمان انجام آن خاطری آسوده نداشته باشیم، گناه کرده ایم چراکه برخلاف وجدان و ضمیر خویش عمل کرده ایم. انجام اعمال برخلاف ندای وجدان سبب احساس گناه و محکومیت وجدانی نزد خویش می گردد. وجدان نوعی زنگ خطر خدادادی است تا از ما در مقابل انجام گناه محافظت کند و هرگاه که ما برخلاف ندای وجدان به انجام کاری مبادرت می ورزیم از حساسیت و قابلیت اتکاء و اعتماد به آن می کاهیم و در واقع خود را آموزش می دهیم که آنرا نادیده بگیریم. عدم توجه و انکار ندای وجدان بصورت مستمر در واقع مانند آنست که "ضمیر خویش را داغ کرده باشیم" (اول تیموتائوس ۴: ۲). هرگاه چنین اتفاقی رخ دهد نعمت بزرگی را که خداوند در اختیار ما قرار داده تا راهنمای ما باشد را از دست داده ایم (اول تیموتیوس ۱: ۱۹و۵). در ادامه سؤالاتی که در مورد شراب نوشیدن از خویش می پرسیم آخرین آنها که در واقع مهمترین نیز هست آن است که: آیا می توانم در حضور دیگران و در حضور خداوند بدون عذاب وجدان و با ایمان کامل شراب بنوشم؟ این موضوع بسیار مشکوک است.

سوالات این درس:

۱- آیا شرابی که امروز تولید می شود همانی است که در زمان کتاب مقدس بوده؟ بطور مختصر توضیح دهید؟

۲- آیا نوشیدن شراب لازم است؟ بطور مختصر توضیح دهید؟

۳- آیا نوشیدن شراب بهترین انتخاب است؟ بطور مختصر توضیح دهید؟

۴- آیا نوشیدن شراب به عادت تبدیل خواهد شد؟ بطور مختصر توضیح دهید؟

۵- آیا نوشیدن شراب بالقوه مخرب است؟ بطور مختصر توضیح دهید؟

۶- آیا امکان دارد که نوشیدن شراب باعث اذیت و آزار دیگر مسیحیان شود؟ بطور مختصر توضیح دهید؟

۷- آیا نوشیدن شراب شهادت و ایمان مسیحیت مرا تحت تأثیر قرار می دهد؟ بطور مختصر توضیح دهید؟

۸- آیا نوشیدن مشروبات الکلی درست است؟ بطور مختصر توضیح دهید؟

۹- رومیان ۱۴: ۲۳ را بنویسید؟

۱۰- آیا می توانیم در حضور دیگران و در حضور خداوند بدون عذاب وجدان و با ایمان کامل شراب بنوشیم؟

آیه های کلیدی: امثال ۲۳: ۳۱-۳۵؛ امثال ۲۰: ۱؛ لوقا ۱۵:

درس ۴۸: عیسی مسیح نجات دهنده و خداوند ما

این درس در مورد فردی است که شخصیت اصلی، مرکز و محوریت کتاب مقدس محسوب می شود. اگر بودا را از بوداییها حذف کنیم، اگر محمد را از اسلام جدا کنیم و یا اگر جوزف اسمیت را از دین مورمن دور کنیم، چیزی که می ماند یک سیستم اعتقادی است که بدون بنیانگذار آن ادیان نیز آن سیستم اعتقادی توسط پیروانشان ادامه خواهد یافت. اما اگر عیسی را از مسیحیت جدا کنیم هیچ چیز باقی نخواهد ماند زیرا که او تنها نجات دهنده است نه سیستم و تشریفات مذهبی.

مسیحیت یک سیستم اعتقادی نیست بلکه یک شخص است. ما توسط قوانین و تشریفات مذهبی نجات پیدا نمی کنیم بلکه توسط یک شخص نجات پیدا می کنیم که آن شخص خداوند عیسی مسیح است.

در این درس ما به دو مورد مشخص در مورد مسیح می پردازیم:

۱. او کیست

۲. او چه عملی انجام داده

مسیح مقدس کسی است که انسانها معتقدند که او شخصیت اصلی و اساسی مسیحیت است. مسیح به پطرس فرمود: "مردم مرا که پسر انسانم چه شخص می گویند؟" (متی ۱۶: ۱۳). شما فکر می کنید که مسیح کیست؟ نتیجه گیری شما در مورد هویت مسیح چیست؟

کنت اسکات لاتورته بزرگترین تاریخدان مسیحیت از دانشگاه یاله می گوید: "تعالیم عیسی مسیح نیست که او را قابل توجه می کند، هر چند که همین برای متمایز کردن او کافیست، اما ترکیبی از تعالیم او و انسانیت خود اوست که او را متمایز می کند و این دو جدا ناپذیرند."

سی اس لوییس پرفسور دانشگاه کمبریج نوشته: "من اینجا سعی می کنم تا از گفتن چیزهای نامربوط که اقلب توسط مردم راجع به مسیح گفته می شود، جلوگیری کنم. مثلاً: "من مسیح را به عنوان یک معلم خوب اخلاق قبول دارم اما ادعای او را به عنوان خدا قبول ندارم." این چیزی است که نباید گفته شود. یک مردی که صرفاً یک انسان بوده و چیزهایی را گفته که مسیح گفته است نمی تواند فقط یک معلم بزرگ اخلاق باشد. وگرنه یا او مجنون دیوانه بوده یا دروغگوی شیطانی از طرف جهنم است. ما باید گزینه خود را انتخاب کنیم یا آن مرد پسر خدا بود و هست و یا او یک دیوانه یا دروغگویی بیش بود."

مسیح ادعا کرد که خداست او برای ما انتخاب دیگری نگذاشت. ادعایی که او خدا است باید یا راست باشد و یا دروغ و این چیزی است که باید به آن توجه جدی شود.

الف : عیسی مسیح یک انسان کاملی بود.

۱. مسیح از یک زن به دنیا آمد. (غلاطیان ۴:۴)
۲. مریم شرایط بارداری عادی را تحمل کرد. او پسر خود را به دنیا آورد. (لوقا ۲: ۵-۷)
۳. در دوران بچگی مسیح بطور طبیعی بزرگ شد. (لوقا ۲: ۴۰-۵۲)
۴. در نظر زن سامری، او مانند یک مرد معمولی بود. (یوحنا ۴: ۷-۹)
۵. اشعیای نبی به ما می گوید که مسیح جذابیت و زیبایی نداشت. با توجه به متی ۲۶: ۴۸-۴۹ مسیح خیلی آدم معمولی و ساده بود که یهودای اسخریوطی مجبور شد که صورت او را ببوسد تا او را برای سربازان شناسایی کند.
- صنعت هنر و نقاشی، عیسی مسیح را طوری نقاشی کرده که چشمهای او آبی است با موهای طلایی دراز و قامتی بلند و جذاب که هیچ سختی با واقعیت و کتاب مقدس ندارد.



عیسی مسیح یک مرد یهودی معمولی بود با پوست گندمی، ریش و چشمان قهوه ای، با موهای سر کوتاه و سیاه رنگ.

۶. مسیح خستگی را تجربه کرد. یوحنا ۴: ۶
۷. مسیح نیاز به خواب داشت. (متی ۸: ۲۴)
۸. مسیح گرسنه می شد. (متی ۲۱: ۱۸)
۹. مسیح از درد محزون می گشت. (لوقا ۲۲: ۴۴)
۱۰. مسیح در تمام چیزها وسوسه شد درست مثل من و شما. (عبرانیان ۴: ۱۵)
۱۱. مسیح گناه نشناخت. (دوم قرنتیان ۵: ۲۱)

۱۲. مسیح از مرگ جسمانی رنج برد. (یوحنا ۱۹: ۳۳)

ب: عیسی مسیح خداست.

۱. در یوحنا ۱: ۱۴ چه کسی کلمه است؟ مسیح
۲. کلمه کیست؟ خدا (یوحنا ۱: ۱)
۳. در یوحنا ۵: ۱۸ چرا یهودیان سعی بر کشتن مسیح داشتند؟ چون او خود را با خدا یکی می دانست
۴. مسیح گفت، "من و پدر یک هستیم". (یوحنا ۳۰: ۱۰)
۵. یهودیان چگونه یوحنا ۱۰: ۳۰ را تفسیر کردند؟ ریاکاری (یوحنا ۱۰: ۳۱-۳۳)
۶. در یوحنا ۱۴: ۱۹ وقتی مسیح را می بینیم در واقع چه کسی را می بینیم؟ پدر را
۷. در یوحنا ۲۰: ۲۸ "توما در مورد مسیح چه گفت؟" خداوند من و ای خدای من." آیا مسیح او را به خاطر این توبیخ کرد؟ خیر
۸. در عبرانیان ۱: ۸ عنوان "ای خدا" به چه کسی نسبت داده شده؟ به پسر خدا عیسی مسیح
۹. در اول یوحنا ۵: ۲۰ خدای حق و حیات جاودانی کیست؟ مسیح خداوند
۱۰. تیطس ۱: ۳ را با تیطس ۱: ۴ مقایسه کنید:
 - در هر آیه به چه کسی به عنوان نجات دهنده رجوع می شود؟ خدا و عیسی
 - این به چه معناست؟ آنها یکی هستند.
۱۱. پیدایش ۱: ۱ را با یوحنا ۱: ۳ مقایسه کنید: نتیجه گیری غیرقابل اجتناب در مورد مسیح چیست؟ او خداوند است.
۱۲. بعد از آزمایش کردن کتاب مقدس نتیجه گیری کنید و ببینید که مسیح چه کسی است؟
 - مرد دیوانه
 - فقط یک انسان خوب
 - بت یا یکی از خدایان
 - خداوند و خالق هستیانتخاب جواب صحیح در گزینه های بالا با شمامست.

ج: عیسی مسیح از زن باکره به دنیا آمد.

از چیزی که در بالا یاد گرفتیم مسیح مقدس هم انسان و هم خداوند است. او ۵۰٪ انسان و ۵۰٪ خداوند نیست، بلکه او ۱۰۰٪ در انسانیت بی نقص و ۱۰۰٪ در خداوند بودنش بی نقص است. چگونه

این امکان دارد؟ او خدای به جسم ظاهر شده است! این اصلی است که به صورت شفاف در کلام خداوند درس داده شده، اما چیزی است که ما نمی توانیم آن را بطور کامل درک کنیم.

۱. اول تیموتائوس ۳: ۱۶ می گوید که مسیح خداوند است که در جسم ظاهر شد. درس هفتم را بخاطر بیاورید که خداوند، خدای تثلیث است که عیسی قسمتی از خداست که از مریم باکره بصورت انسان بدنی آمد تا برای گناهان ما مصلوب شود. در این درس در مورد مسیح ما باید قدر دان یک شخص با دو طبیعت باشیم، طبیعت خداوندی و طبیعت انسانی. در عین حال که ما نمی توانیم کاملاً آن را درک کنیم، اما به انجام رسیدن آن در معجزه به دنیا آمدن مسیح از زن باکره را شاهد هستیم.

أ. اگر مسیح، پدر زمینی و مادر زمینی می داشت، او یکی دیگر از گناهکاران روی زمین می شد و احتیاج داشت که نجات پیدا کند و حتی خودش را هم نمی توانست نجات دهد.

ب. اگر مسیح پدر و مادر زمینی نمی داشت او نمی توانست به عنوان خداوند مقدس که در نور ساکن است، قابل دسترس باشد.

ج. کتاب مقدس می گوید که مسیح پسر انسان است (چون مسیح از مریم به دنیا آمد) و پسر خدا (چون خدای پدر، پدر اوست).

۲. اشعیا ۷: ۱۴ پیشگویی عهد عتیق در حدود ۷۰۰ سال قبل از تولد مسیح است که می گوید مسیح از باکره به دنیا می آید.

۳. وقتی مسیح در رحم مریم بود، مریم با یوسف نامزد شد و آنها با هم ازدواج نکردند تا بعد از اینکه مسیح به دنیا آید. (متی ۱: ۱۸)

۴. باردار شدن مریم باکره از مسیح یک کار معجزه آسا از طرف روح القدس بود. (لوقا ۱: ۳۵)

د: دلیل مرگ خداوند ما عیسی مسیح

۱. عیسی مسیح آمد تا گمشدگان را بجوید و نجات دهد. (لوقا ۱۹: ۱۰)

۲. مسیح برای گناهکاران مرد. (رومیان ۵: ۸)

۳. در اشعیا ۵۳: ۶ چه چیزی در لحظه مرگ عیسی مسیح روی دوش او نهاده شد؟ گناهان جمیع ما انسانها

۴. به واسطه مرگ مسیح، ما با خدا آشتی داده شده ایم. (رومیان ۵: ۱۰)

۵. در یوحنا ۳: ۱۶ مسیح برای چه کسی مرد؟ برای هر کس

۶. در رومیان ۱۰: ۱۳ چه کسی می تواند از مرگ او فایده برد؟ هر کسی که نام او را بخواند.

۷. یوحنا ۱۹: ۳۰ و عبرانیان ۱۰: ۱۲ را بخوانید. چه چیز دیگری نیاز است که به مرگ مسیح اضافه شود تا نجات ما را کامل کند؟ هیچ چیز
۸. با ریخته شدن خون مسیح، او قادر است آنهایی را که به او اعتماد میکنند، فدیة کند. (غلاطیان ۴: ۵)

ز: رستاخیز مسیح

۱. در یوحنا ۲۰: ۱ عیسی مسیح در کدام روز هفته از مردگان زنده شد؟ روز اول هفته یعنی یکشنبه
۲. طبق متی ۱۲: ۴۰ چند وقت مسیح در قبر بود؟ سه روز و سه شب
۳. طبق اول قرنتیان ۱۵: ۳-۸ مسیح بعد از زنده شدن از مرگش به چه کسانی ظاهر شد؟ ۱- کیفا ۲- دوازده شاگرد ۳- پانصد برادر ۴- یعقوب ۵- جمیع رسولان ۶- پولس رسول
۴. طبق رومیان ۴: ۲۵ چرا مسیح از مردگان برخاست؟ به سبب عادل شدن ما
۵. به خاطر رستاخیز مسیح هر ایمان داری یک امید زنده برای میراث بی فساد و بی آلاش و ناپژمرده که در آسمان بالا نگه داشته شده است را دارد. (اول پطرس ۱: ۳-۴)

ر: خروج عیسی مسیح به آسمان

۱. طبق اعمال رسولان ۱: ۳، ۹ مسیح بعد از چهل روز به بهشت برگشت.
۲. طبق عبرانیان ۱۰: ۱۲ در حال حاضر مسیح در دست راست خداوند است.
۳. مسیح برای هر ایمان داری دعای شفاعت می طلبد. (عبرانیان ۷: ۲۵)
۴. مسیح در بهشت برای هر کدام از نجات یافتگان مکانی حاضر می کند. (یوحنا ۱۴: ۲)
۵. وقتی یک مسیحی گناه می کند، شفیعی در نزد پدر دارد که خود عیسی مسیح عادل است. (اول یوحنا ۲: ۱)

ط: بازگشت دوباره عیسی مسیح

۱. در یوحنا ۱۴: ۳ مسیح گفت: "باز می آیم".
۲. در اعمال رسولان ۱: ۱۱ دو فرشته بازگشت دوباره مسیح را وعده دادند.
۳. تیطس ۲: ۱۳ بازگشت مسیح را امید مبارک می نامد.
۴. طبق اول قرنتیان ۱۵: ۵۱-۵۲ وقتی که عیسی مسیح برای امت خود بازگشت می کند، با چه سرعتی این حادثه اتفاق می افتد؟ در یک چشم بهم زدن
۵. طبق اول تسالونیکیان ۴: ۱۶-۱۷ چه اتفاقی در بازگشت مسیح برای ایمان داران (زنده و مرده) می افتد؟ مسیح را در هوا ملاقات می کنند.

چرا ما مسیحیان به روز رستاخیز اعتقاد داریم؟ "که بدیشان نیز بعد از زحمت کشیدن خود، خویشتن را زنده ظاهر کرد به دلایل بسیار که در مدت چهل روز بر ایشان ظاهر می شد و درباره امور ملکوت خدا سخن می گفت." (اعمال رسولان ۱: ۳)

از اول آفرینش، مردم با گریه کردن برای عزیزان از دنیا رفته خود عکس العمل نشان می دهند. مانند ایوب که گفت، "اگر انسان بمیرد آیا بار دیگر زنده می شود؟" (ایوب ۱۴:۱۴). فلسفه دانان و دینهای دروغین تا بحال قادر نبوده اند تا به این سؤال بیشتر از یک علامت سؤال، و امید واهی جواب دهند. از نابغه فلسفه یونان یعنی افلاطون سوال شد: "آیا دوباره زنده می شویم؟" او جواب داد: "امیدوارم، اما کسی نمی داند." مقبره افلاطون، محمد و بودا و همه انسانها اشغال هستند اما مقبره مسیح تا به امروز خالی است.

چرا ما رستاخیز مسیح را که مهمترین تعالیم مسیحیان است باور داریم؟ حتی به صلیب کشیده شدن مسیح بدون رستاخیز او به صورت ساده نمادی است از رد شدن او از سوی مردم و به دار آویخته شدن و لعنت شدن او از سوی خدا. اما رستاخیز است که باعث می شود تا مسیح با قدرت ادعا کند که پسر خدا است و با رستاخیز است که مصلوب شدن رنجور مسیح برای گناهان انسانها از سوی خدا مورد قبول واقع شده است. رستاخیز محور اصلی و مرکز ایمان مسیحیان است. توسط رستاخیز بسیاری می ایستند و بسیاری دیگر می افتند. بنابراین تمام شک کنندگان از قرن نوزدهم بزرگترین اسلحه هایشان را بر اصل رستاخیز هدف گرفته اند.

شواهد رستاخیز عیسی مسیح بیشتر از شواهد دیگر حقایق تاریخی با دقت مورد آزمایش قرار گرفته است. رستاخیز مسیح توسط بزرگترین محققان بخصوص سیمون گرینلیف به خوبی مورد تفکر و ارزیابی واقع شده است. سیمون گرینلیف پرفسور قانون در دانشگاه هاروارد از سال ۱۸۳۳-۴۸ کسی که مدرسه قانون هاروارد را برتری بخشید و او بزرگترین قدرت در شواهد قانونی تاریخ جهان خوانده میشود که وقتی که گرینلیف ذهن خود را بر روی رستاخیز مسیح جلب و تمرکز کرد، نتیجه گرفت که رستاخیز مسیح یک حادثه تاریخی و یک واقعیت بود. هر کس این شواهد را آزمایش کرده بطور صادقانه متقاعد میشود که این امر واقعیت دارد. مانند فرانک موریسون، وکیل انگلیسی که شروع به نوشتن کتابی کرد تا رستاخیز مسیح را انکار کند. او این کتاب را نوشت اما کتابی نبود که منتشر کند. همینطور که او شواهد رستاخیز را بررسی می کرد، این مرد مشرک در این حین متوجه مقاومت این مسأله شد و راهی نداشت به غیر از اینکه قبول کند و جزء یکی از ایمانداران شود. بعد از اینکه به حقیقت پی برد و نجات یافت، او کتابی نوشت به نام "چه کسی سنگ را حرکت داد؟" که زمینه ساز شواهد رستاخیز مسیح شد و فصل اول کتاب را "کتابی که از نوشتن آن امتناع شد" نام نهاد. لو والاس نیز شروع کرد به نوشتن

کتابی بر علیه رستاخیز مسیح که در آخر کتاب معروف به نام "بن هور" نوشت که از رستاخیز دفاع می کند.

شواهد و حقیقت رستاخیز مسیح در ذهن آنهایی که آن را آزمایش کرده اند، بسیار قابل توجه است. خیلی از آدمها را می شناسم که به رستاخیز ایمان نداشته ولی هنوز کسی را ملاقات نکرده ام که حتی یک کتاب در مورد شواهد و حقیقت رستاخیز خوانده باشد و ایمان نیاورده باشد.

اجازه بدهید تا به چندین شواهد و حقایق درباره رستاخیز مسیح به خوبی فکر کنیم:

۱. **حقیقت روز اول هفته (یکشنبه).** برای هزاران سال عبرانیان روز هفتم را برای روز دعا انتخاب کرده بودند و نگاه داشته بودند. بعد از آن گروهی از اولین مسیحیان که یهودی بودند روز پرستش را از هفتم به روز اول هفته انتقال دادند. چه چیزی می توانست برای آنها به حساب بیاید تا روز به این مهمی را که سالها سنت آن را نگاه داشته بودند، ترک و آن را عوض کنند؟ هیچ چیز به جز این حادثه در خور توجه، که روز اول هفته اتفاق افتاد یعنی روز ظاهر شدن او بر حواریون و تعمید یافتن ایمانداران از روح القدس در روز پنطیکاست که در روز اول هفته بود. بنابراین روز اول هفته بود که یاران مسیح او را ملاقات و پرستش کردند.

۲. **روز قیام (ایستر).** روز قیام عیسی یکی دیگر از حقایق است. روز قیام جاگزین عید فصح یهودیان بود. چرا یهودیان که عید فصح برای آنها یکی از مهمترین عیدهای تاریخ ملت آنهاست ترک کنند و به جای آن عید قیام را جشن بگیرند؟ خوش آمد گویی به این صورت بود "مسیح برخاسته" در جواب "براستی مسیح برخاسته". چه حقیقتی به غیر از رستاخیز مسیح می تواند وجود عید قیام را توضیح دهد، عیدی که از کلیسای اولیه بوده است؟

۳. **سفارش عیسی مسیح به کلیسا.** حقیقت دیگر سفارشات عیسی مسیح به مسیحیان است از جمله سفارش برگذاری شام خداوند و تعمید آب. این سفارشات نه فقط اشاره به مرگ و رنج کشیدن مسیح دارد بلکه برای رستاخیز او نیز دلالت دارد. تمام اینها می تواند تا لحظه مرگ مسیح ردیابی شود.

۴. **حقیقت صنعت هنر مسیحیت.** در محل قبرستان شهر روم در زمان اعدام ها، کنده کاریهایی پیدا شده است که نشان دهنده رستاخیز مسیح به عنوان قسمتی از عقیده های مسیحیان در آن اوایل بود.

۵. **حقیقت سرود خواندن مسیحیان.** در اوایل روزهای مسیحیان، سرودهای مسیحی در مورد رستاخیز مسیح خوانده می شد.

۶. **کلیسا.** وجود کلیسای مسیحیان که یک حقیقت غیر قابل انکار است. خیلی از مردم رستاخیز مسیح را به کلیسا ربط نمی دهند برعکس همه دانشمندان مسیحی که آن را نقش و محور اصلی مسیحیت و کلیسا می دانند. کلیسای مسیحیت بزرگترین مؤسسه است که در تاریخ جهان وجود داشته که ۵ برابر بزرگتر از امپراتوری روم است. بیش از یک میلیارد و سیصد میلیون نفر امروزه عیسی مسیح پسر خدا، زنده و برخاسته از مردگان را پرستش می کنند، گرچه شاید رقم بیشماری از آنها نجات او را نداشته باشند. چگونه این مؤسسه به این وسعت و موجودیت رسید؟ شخصی گفت: "تنگه بزرگ توسط هندیهای آمریکا شکل نگرفت." همچنین وسعت کلیسای مسیحیت توسط خیال پردازان شکل نگرفت. کلیسای مسیحیان توسط بسیاری از مورخان ادعا می شود که از ۳۳ میلادی در شهر اورشلیم زمانی که مسیح روی صلیب جان داد و از مردگان برخاست، شروع به شکل گرفتن شد.

شما می توانید به صورت آنلاین کتاب تاریخ اچ. جی. ولز با عنوان "پیرامون تاریخ" و یا هر کتاب تاریخی سکولار را که مرگ و رستاخیز مسیح را توضیح می دهد، بررسی کنید. و سپس فصل جدیدی آغاز می شود که در مورد به وجود آمدن کلیسای مسیحیان و بشارت دادن حواریون صحبت می کند. به شکلی بین این دو فصل یک وجه اشتراکی وجود دارد. حقیقت تاریخی بی چون و چرا که بزرگترین مؤسسه (کلیسا) در تاریخ جهان در ۳۳ بعد از میلاد در واقع وقتی که رسولان شروع به بشارت دادن مردم درباره رستاخیز عیسی مسیح را کردند، در اورشلیم شروع شد. اولین و اصلی ترین پیغام مسیحیان در آن زمان این بود که مسیح از مردگان برخاست. اولین پیغام در پنطیکاست به مردم ابلاغ شد که کاملاً در مورد زنده شدن مسیح، پیشگویی ها در مورد این واقعه در کتاب عهد عتیق، حقیقتی که آنها او را مصلوب کرده بودند و خداوند او را از مردگان برخیزاند، حقیقتی که آنها این چیزها را مشاهده کردند، حقیقتی که مسیح برخاسته از مردگان مردم را از روح القدس پر کرده بود، حقیقتی که بخاطر رستاخیز او می توانست گناهان آنان را که به او ایمان می آورند را از میان بردارد، که همه این موارد در پنطیکاست صحبت شد. کتاب آسمانی، گواهی بی دینان و دشمنان مسیحیت تأیید می کنند که کلیسا به خاطر تعلیم و بشارت رستاخیز همه جا پخش شد. این حقیقتی است که کلیسای مسیح به وجود آمد به خاطر تأییدیه رسولان که مسیح از مردگان برخاست.

در این باره سه چیز مختلف احتمال دارد: (۱) این یک حيله بوده و رسولان دروغ گفتند. (۲) آنها اشتباه کردند و فریب خورده بودند. (۳) مسیح واقعاً از مردگان برخاست. اجازه بدهید خوب به تلاشهای بی ایمانان برای انکار رستاخیز فکر و بررسی کنیم.

در تمام سالهای مطالعه درباره رستاخیز، آن مثل جزیره ای است که با جزیره های کوچک محاصره شده. هر کشتی که تلاش می کند این جزیره را ویران کند در یکی از این جزیره های اطراف به خاک می نشیند. تنها مثنی از تئوری ها که توسط بی دینان و آزاد اندیشان، شکاکان مطرح شده آنهایی که بزرگترین اسلحه هایشان را بر رستاخیز هدف گرفته اند. کاری که باید انجام شود تا در رستاخیز مسیح بیشتر ایمان بیاوریم این است که این تئوری ها آزمایش شوند تا دیده شود که چقدر این تئوریا بی اساس هستند. در کتاب "دلیل و معالجه بی ایمانی" توسط دکتر دیوید نلسون ثبت شده که یک مرد جوان فارغ التحصل مدرسه که ایمانش را از دست داد ولی هنوز وجدان ناراحتی داشت، برای اینکه خودش را به بی اعتقادی بزند، او تمام کتابهایی که در مورد انکار رستاخیز مسیح صحبت می کند را خواند. هنوز از نظر ذهنی تیزهوش بود که انکار آنها را پوچ و بی اساس دید که این باعث برگشت او به مسیحیت شد.

ما با تحقق یافتن پیشگویی های کتاب مقدس در مورد رستاخیز روبرو شده ایم. پیش گوییهای از مسیح مقدس که او دستگیر و قربانی می شود و در روز سوم از مردگان برمی خیزد. اگر فرض کنیم که او در یک دسیسه شریک بود، ما با شخصیت خود مسیح رو برو می شویم، کسی که تمام دنیا جمع شدند تا بزرگترین، با اخلاقترین، خالص ترین و صادق ترین مردی که جهان به خود دیده را تأیید کنند. ما با مقبره خالی روبرو می شویم که تمام تئوریاها را تکان می دهد. ما با کفن روبرو می شویم که شاهد شهادتهاست، با دوازده موقعیت مختلف وقتی که مسیح به مردم ظاهر شد، با بیش از پانصد نفر که قیام مسیح را دیدند، با طبیعت این ظاهر شدن ها در صبح و بعد از ظهر و شب که آن شاهدان او را با دست لمس کردند، آنها با تغییر شگفت انگیزی مواجه شدند. آنها به دلیل شاهد بودن قیام مسیح، از رسولان ترسو، کمرو و بزدل به رسولان بشارت دهنده شجاع و با جرأت تبدیل شدند. پطرس رسول کسی بود که یک روز از دوشیزه کوچک ترسید، ولی بعد از چند روز که به دادگاه مشایخ یهودیان احضار شده بود، با جرأت به آنها اطمینان داد که او نمی تواند ساکت باشد و اعلام نکند چیزی را که با چشمان خود دیده و شنیده بود. بعد از این ما متعهد و متدین بودن شاهدان مسیح را داریم که به دلیل بشارت دادن خبر انجیل عیسی مسیح زجر کشیده، شکنجه دیده و مرگ در راه مسیح را قبول کردند، که بیشتر آنها با خون خود به شهادتشان مهر زدند.

این حقیقت به صورت حیاتی با اهمیت است. در تاریخ علم روانشناسی هرگز کسی شناخته نشده است که به چیزی که دروغ است علاقه داشته باشد و جان خود را به آن چیز دروغ بدهد. قبلاً متعجب بودم که چرا به این صورت بود که خداوند به رسولان و مسیحیان اجازه بدهد تا خودشان را به دست رنج و شکنجه عظیم بدهند. اساس مسیحیت بسیار بنیادی هستند که به راحتی تکان نمی خورند. پاول لیتل

گفت: "مردم برای چیزی که قبول دارند راست است، می میرند اگر چه ممکن است غلط باشد. اما آنها اگر چه برای چیزی که می دانند دروغ است، نمی میرند."

حقیقت و شهادت در مورد عروج مسیح به آسمان وجود دارد. شهادت غیر قابل انکار پولس رسول که او بعد از مسیح قیام شده، از سولس آزار دهنده و قاتل مسیحیان به پولس، بزرگترین رسول تاریخ مسیحیت تبدیل شد.

از نظر حيله گری و دروغ، نظریه و ایده ای وجود دارد که خود رسولان یا رسولان در ارتباط با مسیح توطئه چینی کردند تا جهان را فریب دهند که مسیح از مردگان برخاسته. این اولین تئوری است که گفته می شود. در کتاب مقدس آمده که وقتی که محافظان به اورشلیم آمده و به کاهن اعظم گزارش دادند که مقبره خالی است و نیز تمام چیزهایی که رخ داد. کاهن اعظم به سربازان مبلغ بزرگی را به محافظان می دهد و می گوید: "بگویید که شبانگاه شاگردان آمده وقتی که ما در خواب بودیم او را دزدیده و هرگاه این سخن گوش زد والی شود، همانا او را برگردانیم و شما را مطمئن سازیم" (متی ۲۸: ۱۳، ۱۴). در کل تاریخ حقوق در هیچ موقعیتی هیچ شهادی پیدا نشده است که اجازه داده شود تا شهادت به چیزی بدهد که آن را ندیده و یا در خواب بوده است. برای سربازان رومی جزای به خواب رفتن در هنگام پست اعدام ناگزیر بود و این حکمی بود که سخت اجرا می شد.

بعضی ها می گویند رستاخیز فقط یک افسانه ایست که رشد پیدا کرده. این یک تئوری مشهوری بود که در صده اخیر توسط منتقدان که می گفتند انجیل صد یا دویست سال بعد از واقعه نوشته شده به وجود آمد. باستان شناسی پیشرفته این ادعای آنها را خاموش کرده است. در حال حاضر می دانیم که انجیلها را مردان با جرأت نوشته و شهادت رستاخیز برمی گردد به دورانی که این اتفاق رخ داده است، بنابراین زمانی برای توسعه یافتن افسانه نمی ماند. این افسانه حداقل ۱۶ سال قبل از پولس رسول توسعه یافته بود، پانصد نفر که بیشتر آنها در زمان پولس زنده بودند رستاخیز را دیده بودند.

تئوری دیگر تئوری توهم است. این ظاهر شدن های مسیح را خیلی ساده یک رویا یا توهم فرض می کند که توسط انتظارات مردم در مورد رستاخیز به وجود آمده است. اگر این یک مسأله است، چگونه حساب می کنیم به روی حقیقتی که مریم بیرون مقبره به خاطر مسیح مرده و جسد دزدیده اش گریه می کرد؟ یا چگونه دو نفر که در راه عموآس پریشان و ناراحت بودند به خاطر اینکه کسی که کشته شده بود، مسیح آنها بود کسی که آمده بود که اسرائیل را نجات دهد، ولی متقاعد شده بودند که همه چیز از دست رفته است؟ چگونه حساب کنیم بر روی حقیقتی که مسیح در بالا خانه یاران خود را به خاطر کم ایمانی توبیخ کرد؟ نه، آنها منتظر رستاخیز نبودند. در تاریخ توهم و فکر و خیال تا به حال دیده نشده که پانصد نفر از کشورهای مختلف یک تصویر را در یک جا تصور کنند. اگر این فقط یک

توهم بود یاران او نباید مقبره را چک می کردند تا مطمئن شوند بدن او آنجا هست یا نه؟ وقتی پطرس در مورد این "توهم" در پنطیکاست بشارت می داد، او با مقبره ۱۰ دقیقه فاصله داشت که در آن روز هزاران نفر ایمان آوردند، و هزاران نفر دیگر شنیدند و باور نکردند. آیا کسی نمی توانست ۱۰ دقیقه راه را طی کند تا ببیند که آیا واقعاً مسیح برخاسته یا نه؟ قطعاً توطئه چینیها می توانستند از این فرصت استفاده کنند تا ثابت کنند که این فقط یک توهم بوده است.

در آخر، تئوری بیهوش بودن مسیح. این خیلی جالب است اگر چه بیش از هزار و هشتصد سال هرگز حتی یک زمزمه هم از دشمنان مسیح در مورد اینکه او زنده بود نشنیده بودیم. بعضی از نویسندگان جدید ایده ای را پرورش داده اند که مسیح روی صلیب غش کرد و فکر کردند که او مرده و سرمایه مقبره باعث شد که او بیدار شود و از قبر بیرون آمده و یاران خود را متقاعد کند که از مردگان برخاسته. آن کشتی حتی به صد کیلومتری جزیره رستاخیز نمی توانست برسد.

به این حقیقت فکر کنید که به پهلوی مسیح نیزه زدند و خون و آب ریخته شد، نشان دهنده آنکه زندگی به پایان رسیده است به خاطر اینکه خون از مواد تشکیل دهنده اش جدا شده بود. این شهادت را یک افسر رومی که توسط پیلاتس فرستاده شده بود را داد که وظیفه او این بود که از مرگ عیسی مسیح اطمینان یافته و آن را گزارش دهد. سپس حقیقت کفن قبر وجود دارد که یهودیان جسد را با کفن پیچانند و از موم استفاده کردند و کفن را به هم چسبانیدند. پزشکان می گویند اگر مسیح زنده بود برای نفس کشیدن هوا لازم داشت و همچنین در آن سرما برای کسی که بیهوش شده باشد احتمال سنکوب و ایست قلبی وجود دارد.

فرض می کنیم او خودش را از کفن خلاص کرده بود و بدون اینکه کسی را متوجه سازد در را از جای خود غلطانده بود. دستهایی که توسط میخ بزرگ رومیان سوراخ شده بود و همچنین با توجه به اینکه هیچ دستگیره یا جای دستی از داخل قبر برای جابجا کردن در وجود نداشت، باز کردن چنین دری برای خودش یک معجزه است. علاوه بر آن او مجبور بود بر محافظان قبر غلبه کند و ۱۴ مایل به سمت عمواس با پای سوراخ شده به جلیل جایی که از کوه بالا رفت، راه برود و برگردد.

دیوید استراوس منتقد معروف، کسی که اعتقاد به رستاخیز نداشت ولی عقیده ای هم به بیهوش شدن مسیح نداشت گفت: "برای کسی که تازه از قبر بیرون آمده باشد، که نیمه جان، ترسان، ضعیف و مریض حال این کاملاً غیر ممکن است بتواند روی یارانش تأثیر گذار باشد و ادعا کند که بر مرگ و دنیای مردگان غلبه کرده است."

به عروج مسیح فکر کنیم. او که توانست خود را زنده کند و از مقبره بیرون رود، آیا نمی توانست به آسمان نیز عروج کند؟ این چیزی است که حواریون تصدیق کرده اند. یا آیا ما درگیر حيله آنها شده ایم؟ به یاد بیاوریم که آنها جان خودشان را با مرگهای وحشتناک عوض کرده اند. تمام این تئوری های مطرح شده سقوط می کند همانطور که تمام شواهد را آزمایش کردیم و هیچ کس تا بحال قادر نشده که اثبات آنها را انکار کند. مقبره خالی پذیرفته شده و مورد قبول همه است نه فقط توسط دوستان بلکه توسط دشمنان مسیحیت نیز. محافظان قبر آن واقعیت را پذیرفتند. کاهن اعظم آن را پذیرفت همانطور که او به سربازان گفت که بگویند یاران او، جسد وی را دزدیدند.

ترینو، یکی از اولین و بزرگترین مدافع یهودیان در صحبتی با جاستین مارتیر می گوید: "مسیح، جلیلی حيله گر، کسی که ما او را به صلیب کشیدیم، ولی حواریون او را شبانه از مقبره جایی که او خوابیده بود، دزدیدند و حال بشر را توسط ادعا کردن اینکه او از مردگان برخاسته و به بهشت رفته است گول می زنند." در اینجا حتی ترینو قبول می کند که مقبره خالی بوده و یاران او، او را دزدیده اند، تئوری که امروزه کسی باور نمی کند.

حقیقت آخر تجربه مسیحیت است. اینکه خبر مسیح قیام کرده از مردگان، به تمام جهان رفته و انسانیت را به تمام ملتها و زبانها و اقوام زمین رسانده و میلیون ها نفر جمع شدند که او را که از مردگان برخاسته بشناسند. او به خانه های آنها آمده تا آنها را متحول کند. او کسی است که می گوید: "ترسان مباش! من هشتم اول و آخر و زنده و مرده شدم و اینک تا ابدالابد زنده هستم و کلیدهای موت و عالم اموات نزد من است... من قیامت و حیات هستم. هر که به من ایمان آورد، اگر مرده باشد، زنده گردد. و هر که زنده بود و به من ایمان آورد، تا به ابد نخواهد مرد. آیا این را باور می کنی؟" (مکاشفه ۱: ۱۸ و یوحنا ۱۱: ۲۵-۲۶). حتی عیسی امروز نیز در قلب ما را می کوبد و می گوید: "اینک بر در ایستاده می کوبم، هر کس آواز مرا بشنود و در را باز کند به نزد او در خواهیم آمد و با وی شام خواهیم خورد و او نیز با من" (مکاشفه ۳: ۲۰). ما آمده ایم تا به صورت تجربی در آزمایشگاه روح خودمان او را بشناسیم. ما بدون او هیچ امیدی در این جهان و جهان آینده نداریم. مسیح و خبر رستاخیز او از مردگان تنها امید جهان است. بدون آن هیچ چیز نداریم که برایش تلاش کنیم.

مسیح واقعاً از مردگان برخاسته و او هم اکنون زنده است، همانطور که خود او این واقعیت را پیشگویی کرد، و او خواستار آمدن و زندگی کردن در قلب ماست و این تنها زمانی صورت می گیرد که ما خواستار این باشیم که از راهها و گناهان و مذاهب سنتی خود توبه کرده و به عیسی ایمان داشته باشیم و دعا کرده نام او را بخوانیم تا منجی ما شود. او تنها کسی است که برای گناهان ما مرد و دوباره از مردگان برخاست تا ما را عادل کند. آیا از راههای خود توبه کرده اید و از مسیح خواسته اید تا منجی شما شود؟

سوالات این درس:

- ۱- آیا ما توسط قوانین و تشریفات مذهبی نجات پیدا می کنیم؟ اگر جواب شما نه است، پس چگونه نجات پیدا می کنیم؟
- ۲- عیسی مسیح یک مرد کامل است، برای اثبات آن، پنج مورد را با آیه ای برای هر یک بنویسید؟
- ۳- عیسی مسیح خداست، برای اثبات آن، پنج مورد را با آیه ای برای هر یک بنویسید؟
- ۴- عیسی مسیح از زن باکره به دنیا آمد. سه مورد را با آیه ای برای هر یک بنویسید؟
- ۵- پنج مورد از نتایج مرگ خداوند ما عیسی مسیح را با آیه ای برای هر یک بنویسید؟
- ۶- طبق اول قرن تیان ۱۵: ۳-۸ مسیح بعد از زنده شدن از مرگش به چه کسانی ظاهر شد؟
- ۷- پنج مورد از نتایج عروج عیسی مسیح به آسمان را با ذکر آیه ای برای هر کدام بنویسید؟
- ۸- سه دلیل درباره بازگشت دوباره عیسی مسیح را با ذکر آیه ای برای هر کدام بنویسید؟
- ۹- چرا ما مسیحیان به روز رستاخیز اعتقاد داریم بطور خلاصه شرح دهید؟
- ۱۰- شش شواهد و حقایق در باره رستاخیز مسیح را نام ببرید؟

آیه های کلیدی این درس: اول تیموتائوس ۳: ۱۶؛ دوم قرن تیان ۵: ۲۱؛ اول قرن تیان ۱۵: ۳-۸

درس ۴۹: عطیه زبانها

عطیه زبان ها به انسانها اعطا شد تا:

۱. هشداری باشد برای یهودیان بی ایمان تا به دلیل مجازاتی که در راه بود، توبه کنند.
۲. مصداقی باشد برای اثبات عهد جدید با نشانه ای از سوی خداوند (مرقس ۱۶: ۱۷-۲۰).
۳. اثباتی باشد برای حواریون بعنوان رسولان واقعی خداوند.

هشدار برای یهودیان بی ایمان

"در تورات مکتوب است که خداوند می گوید به زبانهای بیگانه و لبهای غیر به این قوم سخن خواهم گفت و با این همه مرا نخواهند شنید. پس زبانها نشانی است نه برای ایمانداران بلکه برای بی ایمانان؛ اما نبوت برای بی ایمان نیست بلکه برای ایمانداران است" (اول قرنتیان ۱۴: ۲۱-۲۲).

در سال ۷۱۲ قبل از میلاد اشعیای نبی به زبان ساده عبری یهودیان را به توبه از راههای گناه آلودشان دعوت کرد اما آنان پیام وی را به زبان عبری نپذیرفتند و بنابراین خداوند اعلام کرد که با آنان به زبان های دیگر سخن خواهد گفت مانند زبان آشوری تا ببیند که آیا آنها توبه خواهند کرد یا خیر. پولس این موضوع را در اول قرنتیان نقل می کند تا به این نکته اذعان کند که علت پدید آمدن عطیه زبان ها در قرن اول تثبیت و اعتبار دادن به عهد جدید عیسی مسیح خطاب به یهودیان گناه کار بود تا بلکه از گناهان خویش توبه کنند.

این موضوع در موارد ذیل مشهود هست:

۱. یهودیانی که در روز پنطیکاست از ۱۶ منطقه جغرافیایی مختلف دنیای باستان به اورشلیم آمده بودند هر یک به زبان و گویش مخصوص خویش تکلم می کردند و هر گروه از آنان پیام خداوند را که توسط رسولان به آنها ابلاغ شد به زبان و گویش خود دریافت کرده و فهمیدند. این پیام به آنان ثابت کرد که در مصلوب کردن مسیح گناه کار بودند و بیش از سه هزار تن از آنان توبه راستین انجام دادند (اعمال رسولان ۲).
۲. عطیه زبان ها به اهل بیت کورنلیوس برای آن بود که مسیحیان یهودی تبار را نسبت به نجات امتهای توسط خداوند مطمئن سازد. در آن زمان امتهای به مسیح ایمان داشتند اما نسبت به نجات خویش توسط خداوند اعتقادی نداشتند زیرا که خداوند تا آن زمان تنها ناجی یهودیان بود.
۳. عطیه زبان ها در کلیسای قرنتس نشانه ای برای یهودیانی بود که به عیسی مسیح ایمان نیاورده بودند.

ا. کلیسای قرن‌تس از نزدیک زیر نظر یهودیان بود چرا که پولس آنجا را از کنیسه یهودیان به کلیسا تبدیل کرده بود. (اعمال ۱۸: ۵-۱)

ب. یهودیان بی ایمان پولس را از کنیسه بیرون راندند و رهروان مبلغ پولس در صدد دعوت دیگر امت‌ها بر آمدند و به کلیسای جدیدی در خانه یوستس نقل مکان کردند که دیوار به دیوار یک کنیسه یهودی بود (اعمال ۸: ۱-۷). یهودیان بی ایمان با دقت فعالیت‌های آنان را زیر نظر داشتند چرا که در فاصله نزدیکی از آنها برگزار می‌شد.

ج. به زودی کرسپس سرپرست کنیسه یهودی و تمام پیروان وی به مسیح ایمان آوردند. اعمال ۱۸: ۸
د. سوستانیس بعنوان سرپرست جدید کنیسه یهودیان انتخاب شد اما او نیز به زودی به عیسی مسیح ایمان آورد چرا که پولس در اول قرن‌تیان ۱:۱ می‌نویسد: "سوستانیس برادر ما". پس کلیسای قرن‌تیان در یک کنیسه یهودی پایه‌گذاری شد، در ساختمان کنار آن به کار خویش ادامه داد و دو تن از روسای کنیسه از پیروان و اعضاء آن بودند! بنابراین کاملاً طبیعی بود که جامعه یهودیان بی ایمان قرن‌تس از نزدیک فعالیت آنان را دنبال کنند. خداوند عطیه زبان‌ها را در همین زمان اعطا کرد تا نشانه‌ای برای یهودیان باشد که ایمان نمی‌آوردند تا بدانند که بشارت مسیح خطاب به یهودیان فرستاده شده است. عطیه زبان‌ها هرگز بعنوان نشانه برای غیر یهودیان به کار نرفته است. چرا که غیر یهودیان هیچ مانع و باور دینی مانند شریعت یهودیت نداشتند تا مجبور باشند برای ایمان به مسیح و بشارت وی از آن دست بکشند.

۴. عطیه زبان‌ها بعنوان هشدار به یهودیان در عهد عتیق را می‌توان در موارد ذیل یافت:

- ا. خداوند پیامی برای مردم دارد.
- ب. مردم از گوش دادن به فرمان خدا سر باز می‌زنند.
- ج. خداوند از زبانها بعنوان نشانه‌ای از داوری استفاده می‌کند تا مردم بشنوند.
- د. پس از آن پراکندگی و تفرقه اتفاق می‌افتد.

اتفاق اول: در زمان ساخت برج بابل. (پیدایش ۱۱)

اولین بار در پیدایش ۱۱: ۱ به پدیده زبانهای بیگانه اشاره شده است. "و تمام جهان را یک زبان و یک لغت بود."

۱. خداوند پیامی برای انسانها دارد. پس از سیل نوح خداوند به انسان گفت: "بارور و کثیر شوید و زمین را پر سازید." (پیدایش ۹: ۱)

۲. مردمان از فرمان خدا سرپیچی کردند و برج بزرگی ساختند تا مبادا در زمین پراکنده شوند و گفتند: "بیابید شهری برای خود بنا نهیم، و برجی را که سرش به آسمان برسد، تا نامی برای خویشتن پیدا کنیم، مبادا بر روی تمام زمین پراکنده شویم." (پیدایش ۱۱: ۴)
۳. خداوند زبانهای آنها را تغییر داده و زبانهای مختلف در میان آنها قرار داد تا نشانه ای بر خشم و داوری وی باشد. "اکنون نازل شویم و زبان ایشان را در آنجا مشوش سازیم تا سخن یکدیگر را نفهمند." (پیدایش ۱۱: ۷)
۴. پراکندگی و تفرقه اتفاق افتاد. "پس خداوند ایشان را از آنجا بر روی تمام زمین پراکنده ساخت و از بنای شهر باز ماندند." (پیدایش ۱۱: ۸)

اتفاق دوم: اسرائیل عصیانگر در زمان موسی. (تثنیه ۲۸)

- خداوند وعده داد که اگر اسرائیل از شریعت خداوند اطاعت کند، آنان را برکت دهد و اگر از شریعت سرپیچی کنند آنان را گرفتار لعنت سازد.
۱. خداوند پیامی برای مردمان دارد. "و اگر آواز یهوه خدای خود را به دقت بشنوی تا هوشیار شده، تمامی اوامر او را که من امروز به تو امر می‌فرمایم بجا آوری، آنگاه یهوه خدایت تو را بر جمیع امت‌های جهان بلند خواهد گردانید." (تثنیه ۲۸: ۱)
۲. مردمان از گوش دادن به پیام خداوند سر باز می‌زنند. "و اما اگر آواز یهوه خدای خود را نشنوی تا هوشیار شده، همه اوامر و فریض او را که من امروز به تو امر می‌فرمایم بجا آوری، آنگاه جمیع این لعنتها به تو خواهد رسید، و تو را خواهد دریافت." (تثنیه ۲۸: ۱۵)
۳. خداوند زبانها را بعنوان نشانه ای از خشم خویش قرار داد. یکی از بلاهای خداوند که به اسرائیل وعده داده شده بود تصرف اسرائیل توسط مردمانی بود که به زبانهای بیگانه تکلم می‌کردند (تثنیه ۲۸: ۴۹).
۴. پراکندگی و تفرقه اتفاق افتاد (تثنیه ۲۸: ۶۴ - ۶۵). این اتفاقات در ۷۲۱ قبل از میلاد در اسرائیل، ۶۰۶ قبل از میلاد در یهودا و ۷۰ بعد از میلاد در اسرائیل رخ داد.

اتفاق سوم: در ۷۲۱ قبل از میلاد هنگامیکه آشوریان به اسرائیل حمله کرده و به زبانهای بیگانه حرف زدند. اشعیا ۲۸

آنگاه که پولس در اول قرن‌تین ۱۴: ۲۱-۲۲ هدف از عطیه زبانها را توضیح می‌دهد به اشعیا ۲۸: ۱۱ اشاره می‌کند و می‌گوید که زبانها به نشانه خشم خداوند نسبت به اسرائیلی‌ها که ایمان نمی‌آوردند فرستاده شد. "اما نخواستند که بشنوند." (اشعیا ۲۸: ۱۲)

در اشعیا ۲۸ : ۹ بنی اسرائیل اظهار می کردند که تعالیم اشعیا نه متناسب با آگاهی و سواد آنان بلکه مناسب کودکان شیرخواره است. آنان پیام خداوند از سوی پیامبران و روش تعالیم آنها را نپذیرفتند. خداوند این نافرمانی آنان را به روش خود ایشان پاسخ داد (اشعیا ۲۸: ۹-۱۰). وعده تصرف سرزمین آنان با زبانهای بیگانه را در اشعیا ۲۸ : ۱۱ اعلام داشت. "زیرا که با لبه‌های الکن و زبان غریب با این قوم تکلم خواهد نمود."

خداوند اولین بار توسط زبان ساده و گویای اشعیا با آنان سخن گفت ولی آنها نپذیرفتند و به آن اهمیت ندادند. اکنون خداوند با آنان توسط امت دیگر و زبانی بیگانه سخن خواهد گفت. زبان آشوری بسیار ابتدائی تر از زبان عبری بود و تنها سه حرف صدا دار آ، ای، یو داشت. اسرائیلیان با زبان آشوری هنگامیکه آشوریان بسیاری از شهرهای آنان را ویران کردند آشنا شدند (۷۱۰ - ۷۲۰ قبل از میلاد). به سیر اتفاقات پیشین در این مکان توجه کنید:

۱. خداوند پیامی برای مردمان داشت. (اشعیا ۲۸ : ۱ و ۱۲)

۲. مردمان از گوش دادن به فرامین خداوند سر باز زدند. (اشعیا ۲۸ : ۱۲)

۳. خداوند زبانها را به عنوان نشانه ای از قضاوت و خشم خویش قرار داد. (اشعیا ۲۸ : ۱۱)

۴. پراکندگی و تفرقه اتفاق افتاد. (اشعیا ۲۸ : ۱۳)

توجه داشته باشید که برای بنی اسرائیل زبانها نشانه ای از خشم و نفرین خداوند به آنان بود و بالعکس عدم وجود هر زبانی به جز زبان عبری نشانه ای از رضایت خداوند از قوم اسرائیل تلقی می شد. خداوند در دوره هزاره چنین وعده ای به اسرائیل داده است. اشعیا ۳۳: ۱۹ "قوم ستم پیشه و قوم دشوار لغت را که نمی‌توانی شنید و الکن زبان را که نمی‌توانی فهمید بار دیگر نخواهی دید."

اتفاق چهارم: در ۶۰۶ قبل از میلاد هنگامیکه بابلیان به یهودا حمله کرده و به زبانهای بیگانه حرف زدند. (ارمیا باب ۳ تا ۵)

۱. خداوند پیامی برای مردمان داشت. (ارمیا ۳: ۲۲)

۲. مردمان از گوش دادن به فرامین خداوند سر باز زدند. (ارمیا ۵: ۳)

۳. خداوند زبانها را به عنوان نشانه ای از قضاوت و خشم خویش قرار داد. اگر اسرائیل به هشدارهای ارمیا گوش فرا نمی داد، خدا با زبانهای بیگانه و شمشیرهای امتهای آنها سخن می گفت. (ارمیا ۵: ۱۵)

۴. پراکندگی و تفرقه اتفاق افتاد. (ارمیا ۵: ۱۹)

اتفاق پنجم: نازل شدن زبانها به اسرائیل در عهد جدید. (۳۳ - ۷۰ بعد از میلاد)

اسرائیلیها از تجربه پیشین خود از زبانها که با حمله آشوریان و بابلیان در سالهای ۶۰۶ و ۷۲۱ پیش از میلاد همراه بود درس نگرفتند. بنابراین خداوند دوباره به آنان از طریق عطیه زبانها در مسیحیان هشدار داد (۷۰-۳۳ بعد از میلاد) تا بلکه توبه کنند و ایمان بیاورند. این واقعه با ویرانی اورشلیم توسط تیطوس ژنرال رومی در سال ۷۰ بعد از میلاد رخ داد. به سیر اتفاقات در این واقعه توجه کنید:

۱. خداوند پیامی برای مردمان داشت: (متی ۱۱: ۲۸ و اعمال رسولان ۲: ۱۱ و ۳۸ و ۳۹)
۲. مردمان از توجه به پیام خداوند سرباز می زنند. (متی ۲۳: ۳۷)
۳. خداوند زبانها را نشانه ای از خشم خویش و داوری خود قرار داد.
- مسیح به یهودیان هشدار داد که مجازات و داوری خدا در راه است. (متی ۲۳: ۳۸ و ۲۴: ۲)
- خداوند زبانها را نشانه ای از خشم خود برای جامعه بی ایمانان یهودی قرار داد. (اعمال رسولان ۲ و ۱۰ و ۱۹) و (اول قرتینیان ۱۲-۱۴). هنگامیکه خداوند مسیحیان قرنسس را وادار کرد که به زبانها سخن گویند، یهودیان پیام خداوند را دریافت کردند. زبانها نشانه ای بود برای یهودیان بی ایمانی که مسیح را رد کردند. "پس زبانها نشانی است نه برای ایمانداران (مسیحیان) بلکه برای بی ایمانان (یهودیان)؛ اما نبوت برای بی ایمان نیست بلکه برای ایمانداران است" (اول قرتینیان ۱۴: ۲۱-۲۲).

۴. پراکندگی و تفرقه اتفاق افتاد. عیسای مسیح به درستی این واقعه را در لوقا ۲۱: ۲۰-۲۴ پیش بینی کرده بود. "آنگاه هرکه در یهودیه باشد، به کوهستان فرار کند و هرکه در شهر باشد، بیرون رود و هرکه در صحرا بود، داخل شهر نشود. زیرا که همان است ایام انتقام، تا آنچه مکتوب است تمام شود. لیکن وای بر آبستان و شیردهندگان در آن ایام، زیرا تنگی سخت بر روی زمین و غضب بر این قوم حادث خواهد شد. و به دم شمشیر خواهند افتاد و در میان جمیع امتهای به اسیری خواهند رفت و اورشلیم پایمال امتهای خواهد شد تا زمانهای امتهای به انجام رسد." این اتفاقات در سال ۷۰ بعد از میلاد مسیح روی داد در حالی که تیطوس ژنرال رومی اورشلیم را ویران کرد و یک میلیون یهودی را کشت و ۱۰۰۰۰۰ یهودی را به اسارت گرفت.

سوال: چه زمانی عطیه زبانها متوقف شد؟

پاسخ: اگر زبانها به راستی به نشانه خشم و نفرین خداوند از قوم اسرائیل بود و نشانه بلا، پس بعد از نازل شدن بلا در سال ۷۰ بعد از میلاد متوقف شد. آخرین واقعه تاریخی در رابطه با این پدیده در اول قرتینیان در سال ۵۹ بعد از میلاد ذکر شده است. عطیه زبانها وظیفه و اهداف خویش را به پایان رساند و

همانگونه که خداوند در اول قرن‌تین ۱۳: ۸ می فرماید متوقف شد. "محببت هرگز ساقط نمی شود و اما اگر نبوتها باشد، نیست خواهد شد و اگر زبانها، انتها خواهد پذیرفت و اگر علم، زایل خواهد گردید."

۲- نشانه‌ها اثباتی بود برای حقیقت کلام خدا. (مرقس ۱۶: ۱۷-۲۰)

و این نشانه‌ها برای رسولان مسیح فرستاده شد که ایماندار بودند:

• نشانه ۱: به نام من دیوها را بیرون کنند.

• نشانه ۲: و به زبانهای تازه حرف زنند.

• نشانه ۳: و مارها را بردارند.

• نشانه ۴: و اگر زهر قاتلی بخورند ضرری بدیشان نرساند.

• نشانه ۵: و هرگاه دستها بر مریضان گذارند شفا خواهند یافت.

"و ایشان (رسولان) بیرون رفته، در هر جا موعظه می کردند و خداوند با ایشان کار می کرد و به آیاتی که همراه ایشان می بود، کلام را ثابت می گردانیدند." (مرقس ۱۶: ۲۰)

از آنجایی که عهد جدید کتاب جدیدی بود می بایست صحت آسمانی بودن و از طرف خداوند بودن آن توسط مردم تأیید و اثبات گردد. به همین دلیل نشانه‌هایی به رسولان اعطاء گردید که یکی از آنها عطیه زبانها بود. اگر ۵ نشانه بالا در طول زندگانی یکی از رسولان اتفاق می افتاد آنگاه مرقس ۱۶: ۱۷-۲۰ به درستی به وقوع پیوسته است. اما این آیات نمی گویند که این نشانه همیشه و برای تمام ایمانداران اتفاق خواهد افتاد. آیه ۲۰ به ما می گوید که خداوند به وعده خود در آیات ۱۷ و ۱۸ عمل کرده است. فرقه کاریزماتیک عقیده دارند که آیات ۱۷ و ۱۸ به این معناست که تمامی ایمانداران مسیحی دارای عطیه زبانها و تمامی این پنج نشانه هستند. اما این باور اشتباه است چرا که:

۱. اول قرن‌تین ۱۲: ۳۰ می پرسد "آیا همه به زبانها سخن می گویند؟" و این یک استفهام انکاری است و پاسخ آن نه است.

۲. دوم قرن‌تین ۱۲: ۱۲ "بدرستی که علامات رسول در میان شما با کمال صبر از آیات و معجزات و قوات پدید گشت." این نشانه‌ها فقط از آن رسولان بود و نه تمامی مسیحیان. توجه کنید که فعل استفاده شده در این آیه به زمان گذشته است که خود مصداقی بر تمامیت عطیه زبانها و دیگر نشانه‌ها دارد.

۳. اعمال رسولان ۲: ۴۳ "و معجزات و علامات بسیار از دست رسولان صادر می گشت."

۴. اعمال رسولان (۴: ۳۳) "و رسولان به قوت عظیم به قیامت عیسی خداوند شهادت می دادند و فیضی عظیم بر همگی ایشان بود." سوال: چه کسانی قدرت آن را دارند که بر برخاستن مسیح از مرگ شهادت دهند؟ فقط رسولان و نه تمامی مسیحیان زیرا که فقط رسولان شاهد عینی قیامت عیسی مسیح بودند.

۵. اعمال رسولان: ۱۲-۱۶ " و آیات و معجزات عظیمه از دستهای رسولان در میان قوم به ظهور می رسید و همه به یکدل در رواق سلیمان می بودند. اما احدی از دیگران جرأت نمی کرد که بدیشان ملحق شود، لیکن خلق، ایشان را محترم می داشتند. و بیشتر ایمانداران به خداوند متحد می شدند، انبوهی از مردان و زنان، بقسمی که مریضان را در کوچه ها بیرون آوردند و بر بسترها و تختها خوابانیدند تا وقتی که پطرس آید، اقلأ سابه او بر بعضی از ایشان بیفتد. و گروهی از بلدان اطراف اورشلیم، بیماران و رنج دیدگان ارواح پلیده را آورده، جمع شدند و جمیع ایشان شفا یافتند. " توجه کنید:

(الف) نشانه ها و معجزات فقط توسط رسولان انجام می گرفت نه از طریق همه ایمانداران. (آیه ۱۲)
ب) ایمانداران بیماران را نزد پطرس و یوحنا می آوردند تا آنها را شفا دهند چرا که خود ایمانداران توانایی شفا بخشیدن نداشتند.

پ) همه مریضان شفا یافتند، امروز هیچ کس این کار را نمی تواند انجام دهد.
پیروان کلیسای کاریزماتیک به اشتباه ادعا می کنند که امروز هم ایمانداران عطیه شفا بخشیدن را دارند.

از آنجاییکه عطیه شفابخشی رسولان پایان یافته چهار نشانه دیگر نیز که شامل عطیه زبانها می شود پایان یافتند.

۶. اعمال رسولان ۱۴: ۳ " و او آیات و معجزات عطا می کرد که از دست ایشان (پولس و برنابا) ظاهر شود. "

۷. اعمال رسولان ۱۵: ۱۲ " پس تمام جماعت ساکت شده، به برنابا و پولس گوش گرفتند چون آیات و معجزات را بیان می کردند که خدا در میان امتهما به وساطت ایشان ظاهر ساخته بود. "

۸. اعمال رسولان ۱۹: ۱۱ " و خداوند از دست پولس معجزات غیر معتاد به ظهور می رسانید، "

۹. رومیان ۱۵: ۱۹ " به قوت آیات و معجزات و به قوت روح خدا. بحدی که از اورشلیم دور زده تا به الیرکون بشارت مسیح را تکمیل نمودم. "

۱۰. عبرانیان ۲: ۳-۴ " پس ما چگونه رستگار گردیم اگر از چنین نجاتی عظیم غافل باشیم؟ که در ابتدا تکلم به آن از خداوند بود و بعد کسانی که شنیدند، بر ما ثابت گردانیدند؛ در حالتی که خدا نیز با ایشان شهادت می داد به آیات و معجزات و انواع قوات و عطایای روح القدس برحسب اراده خود. " این آیه ها اشاره می کنند که نشانه ها، آیات و معجزات و برخی عطایای روح القدس فقط به رسولان محدود می شده است (آنهايي که از عیسی شنیدند و او را دیدند) و برای بقیه جمعیت مسیحیان دست یافتنی نبوده است.

پس ما چگونه رستگار گردیم، اگر از چنین نجاتی عظیم غافل باشیم؟ که:

الف) "در ابتدا تکلم به آن از خداوند (مسیح) بود."

ب) "و بعد کسانی که (رسولان) شنیدند (از عیسی مسیح)، بر ما ثابت گردانیدند؛"

"درحالی که خدا نیز با ایشان شهادت می داد به آیات و معجزات و انواع قوات و عطایای روح القدس برحسب اراده خود."

توجه کنید که این در آیه ۴: خداوند رسولان را توسط نشانه ها، عجایب، معجزات و عطایا شاهد خود قرار داد. خداوند از نسل آینده مسیحیان توسط نشانه ها و غیره شاهد خود برای مسیحیان دیگر قرار نداد به جز رسولان.

آیه ۳: رسولان پیام رستگاری مسیح را برای نسل آینده تصدیق کردند چرا که طی سه سال خدمت مسیح شنونده او بودند. نسل آینده هیچ گاه از طریق نشانه ها و غیره پیام مسیح را تصدیق نمودند.

سوال: خداوند چه موقع رسولان را توسط نشانه ها و آیات، شاهد خود قرار داد؟

پاسخ: در ابتدا، نه همیشه.

همگی افعال یونانی به کار برده شده در عبرانیان ۲: ۳-۴ نوعی از زمان گذشته (aorist) هستند که از کامل شدن فعل در زمان گذشته و تکرار نشدن آن در آینده حکایت دارند.

پطرس به این نشانه ها، معجزات و زبانهای محدود به دوره ابتدایی در اعمال رسولان ۱۱: ۱۵ اشاره می کند آجایی که عطیه زبانها در خانه کرنیلیوس را نه یک اتفاق معمول و روزمره بلکه مشابه عطیه زبانی که آخرین بار در روز پنطیکاست رخ داد، توصیف می کند. "و چون شروع به سخن گفتن کردم، روح القدس بر ایشان نازل شد، همچنانکه نخست بر ما" چه وقت؟ "نخست". پس نشانه ها برای زمانی در جریان بودند نه اینکه برای همه مسیحیان در همه اوقات.

۱۱. عبرانیان ۶: ۵ "و لذت کلام نیکوی خدا و قوات عالم آینده را چشیدند،"

این معجزات رسولان قوات عالم آینده توصیف شده اند به معنی فرمانروایی مسیح در دوره هزاره و نه عصر کلیسای حاضر بنابراین بسیاری از نشانه ها، عجایب و معجزات که در قرن اول روی دادند در دوره هزاره وقایع روزمره خواهند بود اما نه تا آن زمان.

۱۲. اعمال رسولان ۲۸: ۸-۹ "از قضا پدر پولیوس را رنج تب و اسهال عارض شده، خفته بود. پس

پولس نزد وی آمده و دعا کرده و دست بر او گذارده، او را شفا داد. و چون این امر واقع شد، سایر مریضانی که در جزیره بودند آمده، شفا یافتند."

۳- نشانه ها اثباتی بود برای رسولان به عنوان شاهدان حقیقی عیسی مسیح.

عبرانیان ۲: ۳-۴ "که در ابتدا تکلم به آن از خداوند بود و بعد کسانی که شنیدند، بر ما ثابت گردانیدند؛" بنابراین زبانها، نشانه ها و معجزات مرجعیت رسولان را معتبر می ساخت. خداوند همین کار را نیز برای موسی، ایلیای نبی و ایلیش نبی و مسیح و غیره انجام داد تا معجزاتشان تصدیق کند که ایشان از جانب خداوند فرستاده شده اند.

هنگامیکه عیسی مسیح به رسولان فرمان داد تا جمیع خلائق را به انجیل موعظه کنند (مرقس ۱۶: ۱۵) می دانست که رسولان می بایست به غیر یهودیان نیز موعظه کنند. این امر سبب می شد که یهودیان با آن بطور نژاد پرستانه مخالفت کنند. از این رو مسیح عطایا و معجزاتی به آنان بخشید تا در هنگام موعظه انجیل به عنوان پیامی از جانب خداوند اعتبار بخشد. این عطیه زبانها آنگونه در خانه کرنلیوس دیده شد که مجمع یهودیان اورشلیم را قانع نمود که انجیل برای غیر یهودیان نیز فرستاده شد. اعمال رسولان ۱۱: ۱۵-۱۸.

۴- اولین نویسندگان کلیسا از ابتدا تا ۳۲۰ میلادی اذعان کردند که زبانها در قرن اول منسوخ و متوقف گردید.

یک روش خوب برای دانستن هر تعلیم یا حقیقتی، رجوع به نویسندگان مسیحی ابتدای دوران کلیساست که شخصاً توسط رسولان تعلیم یافته بودند. نظرات آنها بازتاب دهنده سنت های کلیسا در سال های آغازین آن است.

مستندات فراوانی در تاریخ موجود است که زبانها در قرن اول منسوخ گردید.

۱. در هیچ یک از نوشته های پولس نمی توان چیزی در مورد زبانها یافت به غیر از

اول قرنیتیان که از اولین نگارش های اوست. رومیان که به مطالعه کامل تعلیم مهم مسیحیت می پردازد هیچ اشاره ای به زبانها نمی کند. افسسیان ۴-۶ هنگامیکه زندگی مسیحی به طریق شایسته را توصیف می کند هرگز از زبانها صحبت نمی کند.

وقتی پولس در تیتوس ۱ و اول تیموتائوس ۳ از صفات و شرایط کشیش بودن و خادمین کلیسا صحبت می کند هرگز به زبانها به عنوان عطیه ای الزامی اشاره نمی کند. زبانها فقط در مرقس ۱۶ (۳۳ میلادی)، اعمال رسولان ۱۰ و ۱۹ (به ترتیب ۳۳ و ۴۱ و ۵۴ میلادی) و اول قرنیتیان (۵۹ میلادی) با لحنی ملامت آیند، اصلاح کننده و محدود شده اشاره شده. پولس از این پدیده تمجید نمی کند بلکه استفاده نادرست از آن را کاهش می دهد.

۲. **کریسوستم (Chrysostem)** واعظی بود که از ۳۴۷ تا ۴۰۷ میلادی می زیست. آنچه از زبانها در اول قرنیتیان اشاره شده، او اینگونه تشریح نموده: "این موضوع بسیار مهم است و ابهام آن

از آنجا سرچشمه می گیرد که از بسیاری حقایق چشم می پوشیم و خود این موضوع نیز منسوخ گشته چیزی که قبلاً اتفاق می افتاده اما اکنون دیگر به پایان رسیده. " HOMILIES XXIX,1

۳. **آگوستین (Augustine)** حدود ۴۱۰ میلادی اظهار کرد که زبانها نشانه ای بوده که مطلقاً به زمان کتاب مقدس محدود می شود.

۴. **کلمنت رومی (Clement of Rome)** در سال ۹۶ میلادی به کلیسای قرنتس نامه ای نوشت و خواهان اصلاح همان مشکلاتی شد که پولس به آنها اشاره و اصلاح کرده بود. کلمنت به تمام مشکلات اشاره کرده بود به جز زبانها چرا؟ چون زبانها در آن زمان از قبل منسوخ شده بود.

۵. **اوریگن ORIGEN** (۲۵۴-۱۸۵ میلادی) با داشتن نگارش های مفصل و فراوان هیچ اشاره ای به این موضوع نکرد که زبانها و سایر عطایا و نشانه ها در زمره اتفاقات معمول هم زمان با او باشند.

۶. **دیگر نویسندگان** همچون ایگناتیوس اهل انطاکیه که نامه هایی به افسسیان نوشت، جاستین مارتر (۱۰۰-۱۶۷ میلادی) و آیرینیوس (۱۹۵-۱۳۰ میلادی) و اسقف لینوس هرگز به زبانها اشاره ای نکردند.

۷. **ترتولیان Tertollion** (۲۰۲-۱۵۵ میلادی) این موضوع را پدیده ای همزمان با رسولان می نامد و نه پدیده ای همزمان با خود.

۸. **مونتائوس Montanus** (۱۵۰ میلادی) که به دلیل اتفاق نیفتادن پیشگویی هایش پیامبری دروغین شناخته شد. او ادعا می کرد که از نسل رسولان است و می تواند به زبانها تکلم کند پلی کارپ (POLYCARP) و پاپیاس (PAPIAS) که از شاگردان یوحنا رسول بودند مونتائوس را پیامبری دروغین خطاب کردند.

۹. جدول صفحه بعد نشان می دهد که در کتاب اعمال رسولان، فقط زمانی که یهودیان حضور داشتند به زبانها سخن گفته می شد.

اورشلیم اعمال ۲	سامره اعمال ۸	قیصریه اعمال ۱۰	قرنتس اعمال ۱۸	افسس اعمال ۱۹
زبانها بود یهودیان بودند	زبانها نبود یهودیان نبودند	زبانها بود یهودیان بودند	زبانها بود یهودیان بودند	زبانها بود یهودیان بودند
۳۰۰۰ یهودی بی ایمان در اورشلیم نیاز داشتند تا زبانها را به عنوان نشانه ای از داوری بشنوند.	هیچ یهودی نمی توانست در سامره زندگی کند چرا که همه آنها از آنجا متنفر بودند.	پطرس و ۶ مسیحی یهودی تبار باور نداشتند که غیر یهودیان نیز می توانند نجات یابند.	یهودیان بسیاری که در قرنتس زندگی می کردند لازم بود تا زبانها را به عنوان نشانه ای از داوری بشنوند.	یهودیان بسیاری که در افسس زندگی می کردند لازم بود تا زبانها را به عنوان نشانه ای از داوری بشنوند.
۱- رسولان به زبانها صحبت کردند. ۲-۳۰۰۰ نفر نجات یافتند. ۳- ۳۰۰۰ نفر غسل تعمید گرفتند. توجه: ۳۰۰۰ نفر به زبانها سخن نگفتند.	۱- سامریان ایمان آوردند. ۲- غسل تعمید گرفتند. ۳- پطرس و یوحنا دست بر آنها گذاردند. ۴- روح القدس را دریافت نمودند. نکته: سامریان به زبانها سخن نگفتند. نکته: فیلیپس بر سامریان دست نگذارد زیرا فقط رسولان می توانستند با گذاشتن دست، روح القدس را انتقال دهند.	۱- کرنیلیوس ایمان آورد. ۲- از روح القدس پر شد. ۳- به زبانها سخن گفت. ۴- غسل تعمید گرفت. نکته: آنها به زبانها سخن گفتند تا مسیحیان یهودی تبار را متقاعد کنند که غیر یهودیان هم میتوانند نجات یابند و خداوند دیگر فقط از طریق یهودیان کار نمی کند.	۱- شاگردان یوحنا ایمان آوردند. ۲- غسل تعمید گرفتند. ۳- پولس دست بر آنها نهاد. ۴- روح القدس به آنها نازل شد. ۵- به زبانها سخن گفتند. نکته: زبانها هشدار بود برای اجتماع یهودیان از داوری آینده.	

سوال هایی که با پرسیدن از کلیساهای کازیماتیک می توان ثابت کرد که کتاب مقدس زبانها را رد می کند.

سوال ۱: اولین باری که شما به زبانها سخن گفتید به این دلیل بود که کسی از شما خواست؟ یا اینکه زبانها بدون آنکه شما خواسته باشید بر شما جاری شد و بدون اینکه کسی به شما آنرا توصیه کرده باشد همانگونه که در عهد جدید انجام می شد؟

سوال ۲: زمانی که به شما گفته شد به زبانها سخن بگویید، آیا گفتید نه، صبر کنید تا ابتدا کامل و عمیق معنی هر آیه را در عهد جدید مطالعه کنم؟

سوال ۳: آیا شما زبانها را برای هشدار دادن به یهودیان برای توبه کردن به کار می برید؟

سوال ۴: آیا همیشه زبانهای دعا شده را اجازه می دهید که به درستی ترجمه شود؟ "بنابراین کسیکه به زبانی سخن می گوید، دعا بکند تا ترجمه نماید." اول قرنتیان ۱۴: ۱۳

سوال ۵: آیا هنگامیکه به زبانها سخن می گوئید، خود را بنا کنید یا کلیسا را؟ "همچنین شما نیز چونکه غیور عطایای روحانی هستید بطلید اینکه برای بنای کلیسا افزوده شوید." اول قرنتیان ۱۴: ۱۲

سوال ۶: آیا بانوان در کلیسای شما به زبانها صحبت می کنند؟ "و زنان شما در کلیساها خاموش باشند زیرا که ایشان را حرف زدن جایز نیست بلکه اطاعت نمودن، چنانکه تورات نیز می گوید. اما اگر می خواهند چیزی بیاموزند، در خانه از شوهران خود بپرسند، چون زنان را در کلیسا حرف زدن قبیح است." اول قرنتیان ۱۴: ۳۴-۳۵

سوال ۷: آیا دو یا حداکثر ۳ نفر در جلسات شما به زبانها سخن می گویند؟ "اگر کسی به زبانی سخن گوید، دو دو یا نهایت سه سه باشند، به ترتیب و کسی ترجمه کند." اول قرنتیان ۱۴: ۲۷

سوال ۸: آیا کسانیکه به زبانها صحبت می کنند، به نوبت و پس از اینکه هر یک کاملاً ترجمه شدند سخن می گویند و یا یک باره با هم؟

سوال ۹: کدام روح عطیه زبان را به شما داد؟ اگر فکر می کنید که روح القدس بوده آیا می توانید آنرا ثابت کنید؟ چگونه؟

سوال ۱۰: آیا عطیه زبان را زمانی دریافت کردید که کسی به شما گفت که راحت و منفعل باشید و ذهن خود را خالی کنید و اجازه دهید هر چه هست بیرون آید؟

سوال ۱۱: آیا با جهد و کوشش با هر آنچه امکان داشت شیطان برای شما بفرستد مقابله کردید؟ آیا دعا کردید تا زمانی که مردم شما را به چالش می کشند که به زبانها صحبت کنید خداوند شما را از آنچه از او نیست محافظت کند؟

سوال ۱۲: آیا زبان شما را از کنترل خویش خارج می کند و آیا آن زمان رازگهان و دعا کردن شما را مختل می کند؟

سوال ۱۳: از طریق زبان چه چیزی را بیشتر درباره خداوند می آموزید؟

سوال ۱۴: آیا افراد در کلیسای شما وقتی مترجم حاضر نباشد به زبانها سخن گفتن خود را خاتمه می دهند؟ "اما اگر مترجمی نباشد، در کلیسا خاموش باشد و با خود و با خدا سخن گوید." اول قرنیتان ۱۴:

۲۸

سوال ۱۵: آیا می توانید یک نمونه در کتاب مقدس پیدا کنید که یک خانم به زبانها صحبت کرده باشد؟ سوال ۱۶: اول قرنیتان ۱۳: ۱۱ در خصوص زبانها، نبوت و علم چه می گوید؟ "زمانی که طفل بودم، چون طفل حرف می زد و چون طفل فکر می کردم و مانند طفل تعقل می نمودم. اما چون مرد شدم، کارهای طفلانه را ترک کردم."

سوال ۱۷: زبانها برای چه کسانی است و برای چه کسانی نیست؟ اول قرنیتان ۱۴: ۲۲ "پس زبانها نشانی است نه برای ایمان داران بلکه برای بی ایمانان؛ اما نبوت برای بی ایمان نیست بلکه برای ایمانداران است."

سوال ۱۸: چرا در اعمال رسولان ۸ در سامره به زبانها سخن گفته نشد؟

سوال ۱۹: چرا فیلیپس دست خود را بر سامریان نهاد تا آنها روح القدس را دریافت کنند؟

سوال ۲۰: چرا پطرس و یوحنا با دست نهادن می توانستند روح القدس را انتقال دهند اما فیلیپس نمی توانست؟

سوال ۲۱: آیا فیلیپس یک مسیحی بدی بود؟ (خیر، این عطیه فقط مخصوص رسولان بود)

سوال ۲۲: برخی از کارزماتیک ها ادعا می کنند که یوئیل ۲: ۲۸-۳۲ می آموزد که زبانها در زمان حال نشانه ای است از ظهور دوم عیسی مسیح.

کتاب مقدس در اینباره چه می گوید؟ جواب: "بعد از آن روح خود را بر همه بشر خواهیم ریخت و پسران و دختران شما نبوت خواهند نمود و پیران شما و جوانان شما رویاها خواهند دید." در این آیه "بعد از آن" اشاره ای است به بعد از آمدن ثانویه عیسی مسیح. زمینه ای که موارد فوق در یوئیل مطرح شده به ما اجازه نمی دهد که ریخته شدن روح به بشریت را به اتفاقات قبل از ظهور دوم مسیح نسبت دهیم.

این اصل سبب رد کردن تفکری می شود که زبانها امروز نشانه ای از ظهور دوم مسیح است.

نتیجه گیری: عطیه زبانها دیگر وجود ندارد همانطوریکه در سال ۷۰ میلادی متوقف شد.

سوالات این درس:

۱- عطیه زبانها به چه دلایلی به انسانها داده شد؟

۲- اول قرن‌تین ۱۴: ۲۱-۲۲ را بنویسید؟

۳- عطیه زبان‌ها بعنوان هشداری به یهودیان در عهد عتیق را در کدام چهار مورد می‌توان یافت؟

۴- پنج رویدادی که زبانها در طول تاریخ در کتاب مقدس آمده است را بنویسید؟

۵- چه زمانی عطیه زبانها متوقف شد؟

۶- در دوم قرن‌تین ۱۲:۱۲ آیات، معجزات و نشانه‌ها علامت چه کسانی هستند؟

۷- در مرقس ۱۶: ۱۸-۲۰ چرا خداوند معجزات و آیات را به رسولان خود داد؟

۸- نظر اولین نویسندگان کلیسا از ابتدا تا ۳۲۰ میلادی درباره زبانها چه بود؟ اسم پنج نویسنده را نام ببرید؟

۹- پنج سوال به دلخواه خود بنویسید که با پرسیدن از کازیماتیک‌ها می‌توان ثابت کرد که کتاب مقدس زبانها را رد می‌کند؟

۱۰- نتیجه‌گیری شما از عطیه زبانها چیست؟

آیه‌های کلیدی: اول قرن‌تین ۱۴: ۲۲ - اول قرن‌تین ۱۴: ۲۷ - اول قرن‌تین ۱۳: ۸

درس ۵۰: شباهت عیسی و موسی

هنگامیکه خداوند در کوه سینا بطور مستقیم از آسمان با بنی اسرائیل سخن گفت، به دلیل صدای بلند و رعد آسا و حضور آتشین خداوند بر سر کوه، بنی اسرائیل بسیار ترسان و لرزان شدند. بنابراین آنها از خداوند خواهش کردند که بطور مستقیم با آنها سخن نگوید بلکه از طریق موسی با آنها سخن بگوید، و خداوند دعای آنها را مستجاب کرد و موسی واسطه آنها با خدا شد. اما خداوند به موسی فرمود تا به بنی اسرائیل بگوید که روزی او نبی ای مثل موسی را از قوم بنی اسرائیل روی زمین خواهد فرستاد تا با مردم سخن گوید و احکام او را به مردم اعلام کند.

"یهوه، خدایت، نبی ای را از میان تو از برادرانت، مثل من برای تو مبعوث خواهد گردانید، او را بشنوید. موافق هرآنچه در حوریب در روز اجتماع از یهوه خدای خود مسألت نموده، گفتی: آواز یهوه خدای خود را دیگر نشنوم، و این آتش عظیم را دیگر نیبیم، مبادا بمیرم. و خداوند به من گفت: «آنچه گفتند نیکو گفتند. نبی ای را برای ایشان از میان برادران ایشان مثل تو مبعوث خواهم کرد، و کلام خود را به دهانش خواهم گذاشت و هرآنچه به او امر فرمایم به ایشان خواهد گفت" (تثنیه ۱۸:۱۵ - ۱۸)

آن نبی ای که مثل موسی و از قوم موسی بود، عیسی مسیح می باشد که خداوند وعده خود را بوسیله پسرش به تحقق رساند.

کتاب مقدس می گوید که خداوند به سه شکل مختلف در جهان ظاهر خواهد شد.

- ۱- **نبی**: تا کلام خدا را به مردم نبوت کند. دفعه اول که خداوند عیسی مسیح به این جهان آمد بصورت یک انسان و نبی، از طریق مریم باکره به دنیا آمد. یوحنا: ۱، ۱۴ و اعمال: ۳، ۲۲-۲۶
 - ۲- **کاهن اعظم**: هنگامیکه او از مردگان زنده شد به شکل کاهن اعظم بدست راست خدا نشست و هم اکنون به عنوان کاهن اعظم برای ما دعای شفاعت می طلبد. عبرانیان: ۷، ۲۴-۲۵
 - ۳- **پادشاه**: در بازگشت ثانویه، عیسی مسیح به شکل پادشاه پادشاهان وارد این جهان خواهد شد تا در تمامی دنیا سلطنت کند. مکاشفه: ۱۹، ۱۶
- خداوند وعده داد که به شکل یک نبی همانند موسی وارد این جهان شود و کلام خدا را اعلام کند. در جدول زیر به شباهت موسی و عیسی خواهیم پرداخت که این شباهتها اتفاقاتی هستند که در زندگی هر دو یعنی موسی و عیسی بوجود آمدند.

کارهای عیسی و موسی	موسی	عیسی
۱- هر دو در دوران طفولیت مورد تهدید مرگ قرار گرفتند.	خروج ۲۲:۱	متی ۱۳:۲-۱۶
۲- هر دو برای رهایی دادن امت خویش برگزیده شدند.	خروج ۱۰:۳	لوقا ۱۸:۴
۳- هر دو بعنوان یک نبی، کلام خدا را به مردم موعظه کردند.	تثنیه ۱۵:۱۸	یوحنا ۱۴:۶-۱۵
۴- هر دو مقام کهانت داشتند.	مزامیر ۶:۹۹	عبرانیان ۷:۲۳-۲۷
۵- هر دو مقام پادشاهی داشتند.	تثنیه ۱۵:۱۸	یوحنا ۱۵:۶ و ۱۹:۴
۶- هر دو مردم را داوری کردند.	خروج ۱:۲	یوحنا ۲۴:۵-۲۷ اعمال ۳۱:۱۷
۷- هر دو شبان بودند.	خروج ۱:۳	یوحنا ۱۱:۱۰-۱۴ و ۲۷
۸- هر دو واسطه بین خدا و انسانها بودند.	خروج ۸:۳۳-۹	اول تیموتائوس ۵:۲
۹- هر دو شفاعت کننده بودند.	اعداد ۷:۲۱	رومیان ۸:۴-۱۰
۱۰- شکوه و جلال پادشاهی زمینی را ترک کردند.	عبرانیان ۱۱:۲۴-۲۷	متی ۸:۴-۱۰
۱۱- گرچه دولتمند بودند اما بخاطر دیگران فقیر گشتند.	عبرانیان ۱۱:۲۶	دوم قرنتیان ۸:۹
۱۲- بخاطر جلال آینده، رسوائی را تحمل کردند.	عبرانیان ۱۱:۲۶	عبرانیان ۱۲:۲
۱۳- هر دو از مصر خوانده شدند.	عبرانیان ۱۱:۲۷	متی ۲:۱۵
۱۴- برادرانشان آنها را نشناختند و رد کردند.	اعمال ۷:۲۵-۲۸	یوحنا ۱:۱۰-۱۱
۱۵- از سوی مردم مردود شدند اما از سوی خدا سرافراز گشتند.	اعمال ۷:۳۵	اعمال ۲:۳۶

۱۱:۲۸-۳۱ متی	خروج ۵-۴:۵	۱۶- مردم را از کارها و زحمات آنها آسایش دادند.
لوقا ۴:۱۸	خروج ۳۳-۳۱:۱۲	۱۷- اسیران را رهایی دادند.
فلیپیان ۲:۹-۱۱	خروج ۸:۱۱	۱۸- دشمنان خود را به زانو در آوردند.
متی ۲۵:۶	خروج ۲۱:۱۴	۱۹- شبانگهان امت خود را رهایی دادند.
متی ۲۶:۷-۲۷	خروج ۲۱:۱۴	۲۰- بر دریا و طبیعت قدرت و تسلط داشتند.
یوحنا ۷:۳۷ و ۴:۱۴	خروج ۶:۱۷	۲۱- تشنگان را با آب سیر کردند.
یوحنا ۱:۶-۱۴ و ۳۳-۳۵	مزامیر ۲۷-۲۴:۷۸	۲۲- با معجزه ای امت خویش را با نان سیر کردند.
یوحنا ۸:۵۸-۵۹	خروج ۴:۱۷	۲۳- هر دو تهدید به سنگسار شدند.
متی ۱۱:۲۹	اعداد ۳:۱۲	۲۴- برای امت خویش دعوی کردند.
متی ۱۲:۳۰	خروج ۲۶:۴۳	۲۵- از مردم طلب جانبداری از خداوند را کردند.
متی ۱۱:۲۹	اعداد ۳:۱۲	۲۶- هر دو متواضع بودند.
مرقس ۱۵:۱۰	مزامیر ۱۶:۱۰۶	۲۷- از سوی دیگران مورد حسد واقع شدند.
متی ۱۷:۱-۳	خروج ۳۰-۲۹:۳۴	۲۸- چهره هر دو با نور با شکوهی تابان گشت.
دوم پطرس ۳:۳-۴	خروج ۱:۳۲	۲۹- قبل از بازگشت دوم از سوی مردم مورد تمسخر قرار گرفتند.
لوقا ۲۲:۲۰ عبرانیان ۱:۲۲	خروج ۸:۲۴	۳۰- هر دو خون عهد را به امت خویش پاشیدند.

درس ۵۱: الفبای زندگی مسیحی

هنگامیکه یک شخص با ایمان به عیسی مسیح و خواندن نام او نجات پیدا می کند، می بایست روش زندگی خود را با یاری روح القدس تغییر دهد. دوازده نکته زیر الفبای مسیحیت است که یک مسیحی می بایست در زندگی خود رعایت کند. دعا می کنم که بتوانید این دوازده نکته زیر را هر روزه در زندگی خود رعایت کنید تا بتوانید ثمره ای برای خداوند ما عیسی مسیح بوجود آورید.

۱. دعا کردن.

- "همیشه دعا کنید." (اول تسالونیکیان ۵:۱۷)
 - "و من به شما می گویم سوال کنید که به شما داده خواهد شد. بطلبید که خواهید یافت. بگویید که برای شما باز کرده خواهد شد." (لوقا ۱۱:۹)
۲. **از هر چیزی که به ظاهر بد و گناه آلود است، دوری کنید.** "از هر نوع بدی احتراز نمایید." (اول تسالونیکیان ۵:۲۲)

۳. نسبت به دیگران مهربان باشید.

- "و با یگدیگر مهربان باشید و رحیم و همدیگر را عفو نمایید چنانکه خدا در مسیح شما را هم آمرزیده است." (افسیان ۴:۳۲)
- "با محبت برادرانه یکدیگر را دوست دارید و هر یک دیگری را بیشتر از خود اکرام بنمایید." (رومیان ۱۰:۱۲)

۴. **عمل کننده کلام باشید نه فقط شنونده آن.** "لکن کنندگان کلام باشید نه فقط شنوندگان که خود را فریب می دهند." (یعقوب ۱:۲۲)

۵. **طریقهها و زندگی خود را به خداوند بسپارید.** "طریق خود را به خداوند بسپار و بر وی توکل کن که آن را انجام خواهد داد." (مزامیر ۳۷:۵)

۶. **ماتم زدگان را تسلی دهید.** "تسلی دهید! قوم مرا تسلی دهید! خدای شما می گوید." (اشعیا ۱:۴۰)

۷. **همه چیز را بدون گلايه و بدون جر و بحث انجام دهید.** "و هرکاری را بدون همه و مجادله بکنید،" (فلیپیان ۲:۱۴)

۸. بدانید که تمام چیزهایی که در زندگی دارید از طرف خداوند به شما بخشیده شده است. "هر بخشندگی نیکو و هر بخشش کامل از بالا است و نازل می شود از پدر نورها که نزد او هیچ تبدیل و سایه گردش نیست." (یعقوب ۱:۱۷)
۹. به دیگران حسودی نکنید. "به سبب شیرین خویشتن را مشوش مساز و بر فتنه انگیزان حسد مبر." (مزامیر ۱:۳۷)
۱۰. سخاوتمند و بخشنده باشید.
- "از مایملک خود خداوند را تکریم نما و از نوبرهای همه محصول خویش." (امثال ۳:۹)
 - "اما هرکس بطوری که در دل خود اراده نموده است بکند، نه به حزن و اضطراب، زیرا خدا بخشنده خوش را دوست می دارد." (دوم قرنتیان ۹:۷)
 - "فرخنده است شخصی که رثوف و قرض دهنده باشد. او کارهای خود را به انصاف استوار می دارد." (مزامیر ۱۱۲:۵)
۱۱. اگر خداوند شما را به خدمتی و یا جایی بفرستد، اطاعت کنید و بروید. "آنگاه آواز خداوند را شنیدم که می گفت: که را بفرستم و کیست که برای ما برود؟ گفتم: لبیک مرا بفرست." (اشعیا ۶:۸)
۱۲. در هر شرایطی و در هر چیزی شکرگزار باشید. "در هر امری شاکر باشید که این است اراده خدا در حق شما در مسیح عیسی." (اول تسالونیکیان ۵:۱۸)

درس ۵۲: چه نوع دستی دارید ؟

۱. **دست جنگنده در نبرد روحانی.** "خداوند که صخره من است، مبارک باد! که دستهای مرا به جنگ و انگشتهای مرا به حرب تعلیم داد!" (مزامیر ۱:۱۴۴) - افسسیان ۱:۶-۱۷
۲. **دست تنبل برهم نهاده شده.** "اندکی خفت و اندکی خواب، و اندکی بر هم نهادن دستها به جهت خواب. پس فقر مثل راهزن بر تو خواهد آمد، و نیازمندی بر تو مانند مرد مسلح." (امثال ۶: ۱۰-۱۱)
۳. **دستهای سست و ترسان.** "دستهای سست را قوی سازید و زانوهای لرزنده را محکم گردانید." (اشعیا ۳:۳۵)
۴. **دستهای خونین بشارت ندهنده.** "ای پسر انسان تو را برای خاندان اسرائیل دیده بان ساختم، پس کلام را از دهان من بشنو و ایشان را از جانب من تهدید کن. و حینی که من به مرد شریر گفته باشم که البته خواهی مرد، اگر تو او را تهدید نکنی و سخن نگویی تا آن شریر را از طریق زشت او تهدید نموده، او را زنده سازی، آنگاه آن شریر در گنااهش خواهد مرد، اما خون او را از دست تو خواهم طلبید." (حزقیال ۱۷:۳ - ۱۸) و
"و الحال این رامی دانم که جمیع شما که در میان شما گشته و به ملکوت خدا موعظه کرده ام، دیگر روی مرا نخواهید دید. پس امروز از شما گواهی می طلبم که من از خون همه بری هستم". اعمال ۲۰: ۲۵-۲۶
۵. **دستهای فعال و کاری.** "و حریص باشید در اینکه آرام شوید و به کارهای خود مشغول شده، به دستهای خویش کسب نمایید، چنانکه شما را حکم کردیم،" (اول تسالونیکیان ۴:۱۱)
۶. **دستهای دراز شده به سوی خدا در دعا.** "پس آرزوی این دارم که مردان، دست های مقدس را بدون غیظ و جدال برافراخته، در هر جا دعا کنند." (اول تیموتائوس ۲: ۸)
۷. **دستهای افتاده.** "لهذا دستهای افتاده و زانوهای سست شده را استوار نمایید." (عبرانیان ۱۲:۱۲)
۸. **دستهای سنگین موسی در خدمت دعا.** "و دستهای موسی سنگین شد. پس ایشان سنگی گرفته، زیرش نهادند که بر آن بنشینند. و هارون و حور، یکی از این طرف و دیگری از آن طرف، دستهای او را بر می داشتند، و دستهایش تا غروب آفتاب برقرار ماند." (خروج ۱۷:۱۷)
۹. **دستهای طاهر در مشارکت با خدا و نزدیک شدن به او.** "و به خدا تقرب جوید تا به شما نزدیکی نماید. دستهای خود را طاهر سازید، ای گناهکاران و دلپای خود را پاک کنید، ای دودلان." (یعقوب ۴: ۸)

۱۰. **دست رفاقت برای خدمت با سایر ایمانداران.** "پس چون یعقوب و کیفا و یوحنا که معتبر به ارکان بودند، آن فیضی را که به من عطا شده بود دیدند، دست رفاقت به من و برنابا دادند تا ما به سوی امتهای برویم، چنانکه ایشان به سوی مختونان." (غلاطیان ۲:۹)
۱۱. **دست سست.** "در آن روز به اورشلیم گفته خواهد شد که مترس! ای صهیون دستهای تو سست نشود." (صفینا ۳:۱۶)
۱۲. **دستهای پرکار و فعال زنان.** "درباره مزرعه فکر کرده، آن را می خرد، و از کسب دستهای خود تاکستان غرس می نماید." (امثال ۳۱:۱۳)
۱۳. **دستهای ماهر خداوند در هدایت و راهنمایی کردن ما.** "پس ایشان را به حسب کمال دل خود رعایت نمود و ایشان را به مهارت دستهای خویش هدایت کرد." (مزمیر ۷۸:۷۲)
۱۴. **دستهای مجروح عیسی مسیح برای آموزش گناهان ما.** "و او را خواهند گفت: این جراحات که در دستهای تو می باشد چیست؟ و او جواب خواهد داد آنهايي است که در خانه دوستان خویش به آنها مجروح شده ام." (زکریا ۱۳:۶)
۱۵. **افتادن چیزهای هولناک به دستان خدوند در داوری.** "افتادن به دستهای خدای زنده چیزی هولناک است." (عبرانیان ۱۰:۳۱)
۱۶. **دستان پر برکت.** "چون محصول خود را در مزرعه خویش درو کنی، و در مزرعه، بافه ای فراموش کنی، برای برداشتن آن برمگرد؛ برای غریب و یتیم و بیوه زن باشد تا یهوه خدایت تو را در همه کارهای دستت برکت دهد." (تثنیه ۲۴:۱۹)

درس ۵۳: چرا عیسی مسیح به این جهان آمد؟

- کتاب مقدس دلایل زیادی را مبنی بر آمدن عیسی مسیح به این جهان دارد که به مرور آنها خواهیم پرداخت.
- ۱- **او برای نجات گناهکاران به این جهان آمد.** "این سخن امین است و لایق قبول تام که مسیح عیسی به دنیا آمد تا گناهکاران را نجات بخشد که من بزرگترین آنها هستم." (اول تیموتائوس ۱: ۱۵)
 - ۲- **او آمد تا گناهکاران را به توبه دعوت کند.** "و نیامده ام تا عادلان بلکه تا عاصیان را به توبه بخوانم." (لوقا ۵: ۳۲)
 - ۳- **او آمد تا به انسانها خدمت کند و جان خود را برای آنها بدهد.** "چنانکه پسر انسان نیامد تا مخدوم شود بلکه تا خدمت کند و جان خود را در راه بسیاری فدا سازد." (متی ۲۰: ۲۸)
 - ۴- **او آمد تا تعمید یابد و برای ما نمونه ای باشد تا ما هم تعمید یابیم.** "و واقع شد در آن ایام که عیسی از ناصره جلیل آمده در اردن از یحیی تعمید یافت." (مرقس ۱: ۹) و متی ۲۸: ۱۹
 - ۵- **او آمد تا پیام انجیل را موعظه کند.** "بدیشان گفت: به دهات مجاور هم برویم تا در آنها نیز موعظه کنم، زیرا که بجهت این کار بیرون آمدم. پس در تمام جلیل در کنایس ایشان وعظ می نمود و دیوها را اخراج می کرد." (مرقس ۱: ۳۸-۳۹)
 - ۶- **او آمد تا بشارت مصالحه را به مردم برساند تا مردم بتوانند با خداوند مصالحه و آشتی کنند.** "و آمده بشارت مصالحه را رسانید به شما که دور بودید و مصالحه را به آنانی که نزدیک بودند. زیرا که بوسیله او هر دو نزد پدر در یک روح دخول داریم" (افسیسیان ۲: ۱۷-۱۸)
 - ۷- **او آمد تا شکسته دلان را شفا دهد.** "روح خداوند بر من است، زیرا که مرا مسح کرد تا فقیران را بشارت دهم و مرا فرستاد، تا شکسته دلان را شفا بخشم و اسیران را به رستگاری و کوران را به بینایی، موعظه کنم و تا کوییدگان را، آزاد سازم،" (لوقا ۴: ۱۸)
 - ۸- **او آمد تا شرایط و وضعیت مردم را ارزیابی کند.** شرایط اسرائیل (متی ۲: ۱۹)؛ رسولان (متی ۲۶: ۴۳)؛ کلیسا (متی ۲۴: ۴۲-۴۴).
 - ۹- **او آمد تا اراده پدر آسمانی را انجام دهد و به کمال رساند.** "زیرا از آسمان نزول کردم نه تا به اراده خود عمل کنم، بلکه به اراده فرستنده خود." (یوحنا ۶: ۳۸)

۱۰- **او آمد تا به ما برکت دهد و ما را از گناهانمان دور سازد.** "برای شما اولاً خدا بنده خود عیسی را برخیزانیده، فرستاد تا شما را برکت دهد به برگردانیدن هر یکی از شما از گناهانش." (اعمال ۳: ۲۶)

۱۱- **او آمد تا اعمال شیطان را از بین ببرد. او تمام نقشه های پلید شیطان و تسلط او بر دل و افکار انسانها را نابود کرد.** "و کسیکه گناه می کند از ابلیس است زیرا که ابلیس از ابتدا گناهکار بوده است. و از این جهت پسر خدا ظاهر شد تا اعمال ابلیس را باطل سازد." (اول یوحنا ۳: ۸)

۱۲- **او آمد تا کفاره ای برای گناهان ما باشد و به ما حیات جاودانی بخشد.** "و محبت خدا به ما ظاهر شده است به اینکه خدا پسر یگانه خود را به جهان فرستاده است تا به وی زیست نماییم. و محبت در همین است، نه آنکه ما خدا را محبت نمودیم، بلکه اینکه او ما را محبت نمود و پسر خود را فرستاد تا کفاره گناهان ما شود. ای حبیبان، اگر خدا با ما چنین محبت نمود، ما نیز می باید یکدیگر را محبت نماییم. کسی هرگز خدا را ندید؛ اگر یکدیگر را محبت نماییم، خدا در ما ساکن است و محبت او در ما کامل شده است. از این می دانیم که در وی ساکنیم و او در ما زیرا که از روح خود به ما داده است. و ما دیده ایم و شهادت می دهیم که پدر پسر را فرستاد تا نجات دهنده جهان بشود." (اول یوحنا ۴: ۹-۱۴)

درس ۵۴: چه چیزی در زندگی شما ناقص است؟

جوانی ثروتمند نزد عیسی مسیح آمد و ادعا کرد که همه احکام و شریعت خدا را بطور کامل از طفولیت نگاه داشته است و به عیسی مسیح فرمود که هیچ نقصی ندارد، "جوان وی را گفت: همه اینها را از طفولیت نگاه داشته ام. دیگر مرا چه ناقص است؟ عیسی بدو گفت: اگر بخواهی کامل شوی، رفته مایملک خود را بفروش و به فقرا بده که در آسمان گنجی خواهی داشت؛ و آمده مرا متابعت نما. چون جوان این سخن را شنید، دل تنگ شده، برفت زیرا که مال بسیار داشت." (متی ۱۹: ۲۱-۲۲)

نقص جوان ثروتمند این بود که پول و ثروت را در اولویت زندگی خود قرار داده بود و خداوند را در اولویت بعدی. از این جهت او به خاطر عشق به دنیا و مادیات نتوانست وارد ملکوت خدا شود. شما چه نقصی در زندگی خود دارید؟ نکته های زیر چیزهایی هستند که ما در زندگی خود نیاز داریم و نباید آنها در زندگی ما ناقص باشد.

- ۱- معرفت.** بدست آوردن دانش و شناخت خداوند از طریق خواندن کتاب مقدس و یا حضور در جلسات مطالعه کتاب مقدس در کلیسا. "قوم من از عدم معرفت هلاک شده اند. چونکه تو معرفت را ترک نمودی من نیز تو را ترک نمودم که برای من کاهن نشوی و چونکه شریعت خدای خود را فراموش کردی من نیز فرزندان تو را فراموش خواهم نمود." (هوشع ۴: ۶)
 - ۲- خدمت.** برای پیشبرد اهداف مسیح و نجات جان انسانها و بنای ایمانداران. "زیرا در کار مسیح مشرف بر موت شد و جان خود را به خطر انداخت تا نقص خدمت شما را برای من به کمال رساند." (فیلیپیان ۲: ۳۰)
 - ۳- فرصتها.** استفاده از فرصتهای مختلف برای بدست آوردن مهارت برای جلال خداوند. "و در خداوند بسیار شاد گردیدم که الان آخر، فکر شما برای من شکوفه آورد و در این نیز تفکر می کردید، لیکن فرصت نیافتید." (فیلیپیان ۴: ۱۰)
 - ۴- رطوبت.** رطوبت یعنی تعالیم خوب و مهم کتاب مقدس برای رشد ایمانداران. همانطور که رطوبت باعث رشد نهال می شود، تعالیم خوب کتاب مقدس نیز باعث رشد نو ایمانان می شود. "و پاره ای بر سنگلاخ افتاده چون روئید از آنجهت که رطوبتی نداشت خشک گردید." (لوقا ۸: ۶)
 - ۵- حکمت.** دانشی که خداوند به ما می بخشد تا بتوانیم عاقلانه در تمامی ناحیه زندگی خود تصمیم بگیریم. "و اگر از شما کسی محتاج به حکمت باشد، سؤال بکند از خدایی که هر کس را به سخاوت عطا می کند و ملامت نمی نماید و به او داده خواهد شد." (یعقوب ۱: ۵)
 - ۶- هشت خصوصیات خوب در دوم پطرس ۱: ۵-۱۰**
- (۱) ایمان (اعتماد کردن به خدا و وعده های او در وضعیت دشوار زندگی)

- ۲) فضیلت (قوت الهی برای بودن شاهد خوب برای خداوند عیسی مسیح)
- ۳) علم (۴) عفت (۵) صبر (۶) محبت برادرانه (۷) محبت (محبت در عمل، انجام کار خیریه)
- ۷- **فهم**. تشخیص خوب و بد و بکار بردن عقل در شرایط مختلف زندگی. "اما کسیکه با زنی زنا کند، ناقص العقل است و هرکه چنین عمل نماید، جان خود را هلاک خواهد ساخت. او ضرب و رسوایی خواهد یافت، و ننگ او محو نخواهد شد. زیرا که غیرت، شدت خشم مرد است و در روز انتقام، شفقت نخواهد نمود. بر هیچ کفاره ای نظر نخواهد کرد و هرچند عطایا را زیاده کنی، قبول نخواهد نمود." (امثال ۶: ۳۲-۳۵)
- ۸- **حمایت مالی از کلیسا و مسیونریها**. بخشیدن ده یکها و هدایاها به کلیسا برای کمک به موعظه و پخش پیام انجیل و نجات جان انسانها از هلاکت ابدی. "زیرا برادرانی که از مکادونیه آمدند، رفع حاجت مرا نمودند و در هرچیز از بار نهادن بر شما خود را نگاه داشته و خواهم داشت." (دوم قرنتیان ۱۱: ۹)
- ۹- **ایمان و تعلیم**. با یادگیری کلام خدا می توانیم ایمان خود را افزایش دهیم. "که شبانه روز بی شمار دعا می کنیم تا شما را روبرو ملاقات کنیم و نقص ایمان شما را به کمال رسانیم." (اول تسالونیکیان ۳: ۱۰)
- ۱۰- **هیچ چیز**. محتاج هیچ چیزی در زندگی نباشیم. "تا نزد آنانی که خارج اند بطور شایسته رفتار کنید و به هیچ چیز محتاج نباشید." (اول تسالونیکیان ۴: ۱۲)

درس ۵۵: چگونه شخصی را به مسیح هدایت کنیم؟

چهار مرحله ای که می بایست در هنگام بشارت مهارت داشته باشیم:

مرحله اول. آغاز مکالمه.

مرحله دوم. آیه های مورد نیاز و سوالاتی که می بایست پرسیده شوند.

مرحله سوم. چگونه فرد را به چالش بکشیم تا مسیح را بعنوان نجات دهنده خود دریافت کند.

مرحله چهارم. مطمئن ساختن فرد از نجات یافتن.

از این سوالات منطبق با برگه بشارتی "ایست" استفاده کنید. در این برگه چهار نکته

هست که باید آنها را با دقت به دیگران بشارت دهیم.

دنبال فرصتی باشید که با شخصی قرار و ملاقات بگذارید تا بتوانید پیام انجیل را از طریق برگه بشارتی

"ایست" بدون وقفه به او بشارت دهید.

مرحله اول. آغاز مکالمه.

چگونه مکالمه را شروع کنیم؟

پرسش ۱: ببخشید، ممکن است این جزوه را در اختیار شما بگذارم؟ (جزوه را به آنها بدهید و زمانیکه

انرا گرفتند، بگویید) این جزوه در مورد اینکه چگونه می توانید شخصاً خداوند را شناخته و

زندگی ابدی داشته باشید توضیح می دهد.

آیا تا بحال در مورد خداوند و حیات ابد فکر کرده اید؟

پرسش ۲: ممکن است از شما سوالی بپرسم؟ *بله*

پرسش ۳: اگر قرار باشد امشب بمیرید (یا یک زمان دیگر) آیا مطمئن هستید که ۱۰۰٪ به بهشت

خواهید رفت؟ نه

پرسش ۴: آیا می خواهید مطمئن شوید؟

پرسش ۵: این برگه بر اساس کتاب مقدس به ما نشان می دهد که چگونه از رفتن به بهشت مطمئن

شویم. اگر داخل برگه را نگاه کنید، خواهید دید که ۴ اصل مهم را ثابت می کند.

دوم. آیه های مورد نیاز و سوالاتی که می بایست پرسیده شوند.

نکته اول:

پرسش ۱. لطفاً محبت کنید تیتراژ داخل مستطیل و آیه زیر آنرا بخوانید؟

۱. همه گناه کرده اند

"زیرا همه گناه کرده اند و از جلال خدا محرومند." رومیان ۳: ۲۳

پرسش ۲. فکر می کنید موضوع اصلی در این آیه چیست؟ گناه

پرسش ۳. معنی گناه چیست؟ شکستن احکام خداوند

این چهار عکس زیر نشان می دهند که گناه چیست.

دور شدن از خداوند گناه است، رفتن به راه خود، خود را در اولویت قرار دادن، شکستن فرمان اصلی و دوم یعنی دوست نداشتن خداوند و همسایگانمان است.

گناه ما را از خداوند جدا می کند چنانکه دعوا کردن دوستان را از یکدیگر جدا می کند. ما بر اساس طبیعت گناه و همچنین به دلیل اختیار کردن آن گناهکاریم.

اگر معیار کمال را از ۰ تا ۱۰۰ در نظر بگیریم، خداوند ۱۰۰٪ کامل است، اما ما در مقایسه با خداوند تقریباً ۰٪ کاملیم. در مقایسه با سایر مردم ممکن است "خوب" به نظر برسیم اما در مقایسه با کمال خداوند همگی بشدت گناهکاریم.

گناه، شکستن ده فرمان است. فرمان اول می گوید: "هیچ خدایی غیر از خداوند یهوه نیست" با اینحال همه ما چندین و چند بار چیزی یا خودمان را فراتر از خداوند قرار داده ایم و یا خدای دیگری غیر از یهوه را پرستش کرده ایم (همین کار را در مورد بقیه ۱۰ فرمان انجام دهید).

پرسش ۴. زیر عکس گفته "ما همه گناهکاران بزرگی هستیم در مقایسه با قدوسیت خداوند".

آیا موافق هستید که شما، من و همه مردم جهان در مقایسه با قداست خداوند

گناهکاران بزرگی هستیم؟ بله

پرسش ۵. آیا می خواهی خدای کتاب مقدس (عیسی مسیح) خدای شما باشد؟

پرسش ۶. آیا می خواهی از گناهان رو برگردانی و بسوی خداوند بازگشت کنی؟ (توبه و

پشیمانی)

نکته دوم:

پرسش ۱. لطفاً ممکن است محبت کنید تیتراژ دوم و آیه زیر آنرا بخوانید؟

۲- مجازات گناه مرگ است.

"زیرا مزد گناه مرگ است اما هدیه خداوند حیات جاودان است از

طریق عیسی مسیح خداوند ما. " رومیان ۶: ۲۳

پرسش ۲. دیدیم که در مقایسه با قدوسیت خداوند همه ما گناهکاران بزرگی هستیم. می دانید نتیجه آن چیست؟ "مزد گناه موت است" - بدین معنی است که چون همه ما با شکستن احکام خداوند مرتکب گناه شده ایم، همگی به سمت مرگ روانه ایم. دو نوع مرگ وجود دارد. نخست زمانی که از دنیا می رویم و مرگ دوم، مرگ ابدی است که بسیار جدی تر است.

مرگ چیست؟
آنگاه مرگ و دنیای مردگان به دریایچه آتش افکنده شد، این است مرگ دوم . مکاشفه ۲۰: ۱۴

پرسش ۳. منظور از مرگ دوم در آیه دوم چیست؟ **دریایچه آتش**. بدین معنی که چون همه ما گناه کرده ایم، قانون خداوند می گوید که ما همه در راه دریایچه آتش هستیم. این خبر بدی است. من نمی خواهم برای مجازات گناهی که انجام داده ام به دریایچه آتش انداخته شوم. شما هم مطمئناً دوست ندارید که به دریایچه آتش انداخته شوید و خداوند هم نمی خواهد که ما به دریایچه آتش انداخته شویم. آیا راهی برای نجات از دریایچه آتش وجود دارد؟ بله. به خبر خوب توجه کنید: خداوند هدیه زندگی جاوید را به ما پیشنهاد می دهد.

پرسش ۴. معنی معمول "هدیه" چیست؟ پیشکش رایگان که می توان دریافت کرد یا انکار کرد، می توان پذیرفت یا رد کرد.

پرسش ۵. "زندگی جاوید" چیست؟ رفتن به بهشت بعد از مرگ و شناختن خداوند و ارتباط با او در این دنیا

پرسش ۶. چگونه می توانیم زندگی جاوید را بدست آوریم؟ ما آنرا از طریق کارهای خوب و یا از طریق مذهب بدست نمی آوریم، بلکه تنها از طریق عیسی مسیح خداوندمان. باید به آنچه خداوند برای ما انجام داده توجه کنیم.

نکته سوم:

پرسش ۱ لطفاً ممکن است محبت کنید تیتیر سوم و آیه زیر آنرا بخوانید؟

:

۳. عیسی تمامی مجازات ما را به خود گرفت

اما خدا محبت خود را برای ما ثابت میکند در آن موقع که ما هنوز

گناهکار بودیم، مسیح برای ما مرد. رومیان ۵: ۸

پرسش ۲: فکر می کنید موضوع اصلی در این آیه چیست؟ **مسیح برای ما مرد.**

پرسش ۳: معنی آن چیست؟

موارد زیر را توضیح داده شکل زیر را بکشید:

مسیح منجی تمام انسانهاست.

او آماده است که نجات دهنده تو نیز باشد.

توجه: خداوند تمام گناهان گذشته، حال و آینده

ما را گرفت و بر مسیح قرار داد.

"جمع ما مثل گوسفندان گمراه شده

بودیم و هر یک از ما به راه خود برگشته

بود و خداوند گناه همه ما را بر وی نهاد."

اشعیا ۵۳: ۶

عیسی مجازات کامل همه گناهان ما را روی

صلیب برداشت بجای ما که باید در دریاچه آتش تا

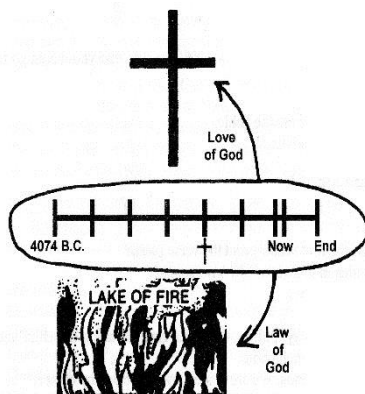
ابد مجازات می شدیم .

اما به سبب تقصیرهای ما او مجروح شد،

به سبب گناهان ما او کوفته گردید :

تأدیب سلامتی ما بر وی بود و با زخمهای

او ما شفا یافته ایم. اشعیا ۵۳: ۵



اگر ۲۰۰۰ سال پیش زمانی که مسیح روی صلیب در حال جان سپردن بود را تجسم کنید (صلیب بکشید). خداوند همه چیز را در مورد همه افراد از آغاز تا پایان بشریت می دانست (یک محور زمانی از ابتدا تا پایان بکشید). خداوند در مورد ما که اکنون در قرن ۲۱ زندگی می کنیم می دانست (۲ خط

بکشید). خداوند در مورد تمام گناهیانی که من از زمان تولد تا مرگم مرتکب می شوم می دانست. خداوند در مورد گناهیانی که شما از لحظه تولد تا مرگتان مرتکب خواهید شد، می دانست. خداوند در مورد گناهان همه کسانی که در گذشته زندگی کرده بودند و در مورد گناهان همه کسانی که در آینده زندگی خواهند کرد می داند. (خطوط زیادی قبل و بعد از زمان "حال" بکشید). زمانی که مسیح بر روی صلیب در حال جان سپردن بود، خداوند تمام گناهان شما، من و تمام افرادی که در گذشته، حال، و آینده زندگی کرده اند را برداشته و بر عیسی مسیح قرار داد. خداوند، مسیح را گناهکار قلمداد کرد و خدای پدر به جای آنکه ما را تا ابد در دریاچه آتش مجازات کند، عیسی مسیح را بر روی صلیب به مدت شش ساعت برای تمامی گناهان مجازات کرد. (یک دایره دور محور زمان کشیده و یک فلش از آن به سمت صلیب و یک فلش به سمت دریاچه آتش بکشید). "خداوند گناه جمیع ما را بر وی نهاد." اشعیا ۵۳: ۶

مسیح با مجازات شدن برای تمام گناهان ما بر روی صلیب به جای آنکه ما تا ابد بخاطر گناهانمان در دریاچه آتش مجازات شویم، منجی همه افراد شد. (کنار صلیب بنویسید: "**منجی همه افراد**") و زیر آن خط بکشید. بنویسید: "**آماده برای نجات ما**".)

مسیح اکنون منجی تمامی بشر است و اگر شما از او بخواهید، حاضر و آماده است تا منجی شما هم باشد. همین حالا مجازات تمام گناهان گذشته، حال و آینده شما، من و همه افراد توسط مسیح بر روی صلیب ادا شده است.

توجه: گفته می شود که حدود ۱۰۰ میلیارد نفر در طول تاریخ تابحال زندگی کرده اند (بنویسید ۱۰۰ میلیارد). می توانید تجسم کنید چه حالی خواهید داشت زمانی که بخاطر گناهاتتان در دریاچه آتش تا ابد مجازات شوید؟ می توانید مجازاتی که قرار است متحمل شوید را ضربدر ۱۰۰ میلیارد کنید؟ می توانید شدت تمام آن مجازات را که به شکل فشرده شده در مدت ۶ ساعت بر یک نفر، عیسی مسیح، وارد شد، تجسم کنید؟ این آن چیزی است که عیسی مسیح بخاطر من و شما بر روی صلیب تحمل کرد. پس همین الان، تمام گناهیانی که من و شما و بقیه افراد مرتکب شده و خواهند شد، عیسی مسیح مجازات آنرا بطور کامل متحمل شده است. درب بهشت برای ورود تمام افراد اکنون گشوده شده است. اما ما چگونه می توانیم وارد بهشت شویم؟

نکته ۴ به ما می گوید چگونه انسان می تواند راهی بهشت شود.

پرسش ۱: لطفاً نکته ۴ داخل مستطیل را بخوانید.

- ۴- (الف) اعتقاد داشته باشند که عیسی مسیح:
- خدای پسر است. (۱۰۰٪ خدا و ۱۰۰٪ انسان)
 - برای گناهان ما مرد.
 - بعد از مرگ دوباره زنده شد.
- (ب) عیسی مسیح را بعنوان منجی دریافت کنند.

توضیح: آیا شنیده اید که برای ورود به بهشت باید به مسیح اعتقاد و ایمان داشته باشید؟
"ایمان به مسیح" چه معنایی دارد؟

پاسخ: ایمان ۲ بخش دارد. ما باید به ۳ مطلب (الف) در ذهنمان ایمان داشته، سپس بر مبنای آنها به نکته (ب) در قلب خود عمل کنیم.

پرسش ۲. آیا ایمان دارید که عیسی مسیح ۱۰۰٪ خدا و ۱۰۰٪ انسان است؟ **بله**

پرسش ۳. آیا ایمان دارید که عیسی مسیح بر روی صلیب به جای ما مرد تا برای تمام گناهان گذشته، حال و آینده ما مجازات و ناجی ما نشود؟ **بله**.

پرسش ۴. آیا ایمان دارید که عیسی مسیح پس از ۳ روز با جسمش از مرگ برخاست و امروز زنده است؟ (اگر بله) پس شما نصف راه را پیموده اید. تنها کاری که حالا می بایست انجام دهید اینست که به خداوند بگویید که اکنون عیسی مسیح را بعنوان نجات دهنده خود دریافت می کنید. این بدان معناست که شما اکنون پذیرفته اید که خون مسیح بر روی صلیب قربانی بود که جزای تمام گناهان شما را پرداخت کرد، و شما تنها به مسیح برای نجاتتان اعتماد دارید، نه به اعمال خوبتان یا هر مذهبی. **با دعای نجات از صمیم قلب هم اکنون به شما آموزش گناهان و زندگی جاوید عطاء گردید.**

توضیح تصویر ۳: گویا خداوند مغفرتی را به ما پیشنهاد می دهد، و آن عیسی مسیح نجات دهنده ماست. هنگامیکه ما عیسی مسیح را بعنوان نجات دهنده خود دریافت می کنیم (حالا به عکس دوم اشاره کنید) تمام تقصیرات و گناهان از ما برداشته شده و (به عکس سوم اشاره کنید) عیسی مسیح مجازات کل گناهان ما را بعهده گرفته است.

ما می توانیم از نجات خود مطمئن باشیم، چرا که این وعده ای است که خداوند به ما در کتاب مقدس داده است.

پشت صفحه را باز کنید: این ۳ آیه هر یک شرطی را عنوان می کنند که ما می بایست آنها را به جا آوریم تا وعده خداوند شامل حال ما شود.

• یوحنا ۱: ۱۲

پرسش ۱. لطفاً آیه اول را بخوانید؟

پرسش ۲. در قسمت اول آیه ما چه کاری باید انجام دهیم؟ **می بایست مسیح را بعنوان نجات دهنده خود دریافت کنیم.**

پرسش ۳. با دریافت مسیح بعنوان منجی در قسمت دوم آیه چه خواهیم شد؟ **فرزندان خدا**

توضیح: این یعنی ما در خانواده خداوند متولد می شویم. خداوند پدر آسمانی ما می شود و ما فرزندان او می گردیم. می توانیم خداوند را "پدر آسمانی" خود خطاب کنیم چون تولد دوباره یافته ایم. می دانید سالها پیش چگونه در خانواده والدیتان متولد شدید؟ **بله.** آن اولین تولد شما بود. وقتی مسیح را بعنوان نجات دهنده خود دریافت می کنید، برای دومین بار از خدا متولد می شوید و وارد خانواده خداوند شده، تولدی دوباره می یابید. (هم اکنون شما ۲ خانواده، ۲ پدر، و ۲ تولد دارید.)

رومیان ۱۰: ۱۳

پرسش ۱. لطفاً ممکن است محبت کنید آیه ۲ را بخوانید؟

پرسش ۲. در قسمت اول آیه، ما چه کاری باید انجام دهیم؟ **می بایست نام عیسی مسیح را بخوانیم تا ما را نجات دهد.**

پرسش ۳. وقتی که نام عیسی مسیح را می خوانیم که ما را نجات دهد، برای ما چه اتفاقی می افتد؟ **نجات خواهیم یافت.**

پرسش ۴. از چه چیزی نجات می یابیم؟ **از دریاچه آتش.**

پرسش ۵. اگر چنین فردی بعد از ۵۰ سال بمیرد، به کجا خواهد رفت؟ **بهشت.**

پرسش ۶. چرا؟ زیرا از مسیح خواسته تا او را نجات دهد و مسیح او را نجات داده است.

پرسش ۷. اگر شما از عیسی مسیح بطلبید تا شما را نجات دهد، آیا به شما بله خواهد گفت یا نه؟ البته که بله

عیسی مسیح فرمود: "هر آنچه پدر به من عطا کند، به جانب من آید و هر که به جانب من آید، او را بیرون نخواهم نمود." یوحنا ۶: ۳۷

اول یوحنا ۵: ۱۲ و ۱۳

پرسش ۱. لطفاً ممکن است محبت کنید آیه سوم را بخوانید؟

پرسش ۲. اگر کسی با دریافت مسیح بعنوان نجات دهنده اش، پسر را داشته باشد، چه چیزی را دارد؟ **حیات ابد را**

پرسش ۳. اگر کسی پسر خدا را بعنوان نجات دهنده اش نداشته باشد، چه اتفاقی می افتد؟ **حیات ابد ندارد.**

پرسش ۴. آیا می توان با اطمینان کامل فهمید که کسی زندگی جاوید دارد؟ **بله.**

مرحله سوم. چگونه فرد را به چالش بکشیم تا مسیح را بعنوان نجات دهنده خود دریافت کند؟

تصویر دو راهی را می بینید؟ این نشان می دهد که دو راه در زندگی وجود دارد: راه مرگ که به جهنم ختم می شود و راه زندگی که به بهشت ختم می شود. ما همه در راه مرگ که به جهنم ختم می شود، متولد شده ایم، اما زمانیکه مسیح را بعنوان نجات دهنده خود دریافت می کنیم، از مرگ به زندگی و از جهنم به بهشت گذر می کنیم.

پرسش ۱. می توانید بپرسید: "چگونه ما مسیح را بعنوان نجات دهنده خود دریافت می کنیم؟"

پاسخ: می بایست وعده های اشاره شده در ۳ آیه فوق را بجا آوریم. اگر مسیح را بعنوان نجات دهنده خود دریافت کنیم، فرزندان خداوند می شویم. اگر نام خداوند عیسی مسیح را بخوانیم که ما را نجات دهد، از جهنم نجات خواهیم یافت. اگر پسر را بعنوان نجات دهنده خود داشته باشیم، حیات ابد خواهیم داشت.

پرسش ۲. این وعده ها در دعای پایین صفحه خلاصه شده اند. آیا ممکن است لطف کنید و آن دعا را آرام نزد خود بخوانید و ببینید که آیا بنظر شما منطقی است؟

پرسش ۳. منطقی بود؟ **بله.**

پرسش ۴. آیا این دعا آنچیزی هست که شما صادقانه از خداوند می خواهید؟ **بله.**

پرسش ۵. خداوند هم اکنون در این مکان حضور دارد و تمام آنچه ما می گوییم یا بدان فکر می کنیم را می شنود. اگر شما چنین دعایی را با نیت قلبی به خداوند بگویید، خداوند آنرا خواهد شنید و شما را نجات خواهد داد و به شما زندگی جاوید عطاء خواهد کرد و شما را فرزند خواهد کرد.

آیا مایلید همین حالا نام خداوند عیسی مسیح را بخوانید و از او بخواهید که شما را نجات دهد؟ **بله.** (بگذارید که او دعا کند و اگر دعا کردن را بلد نیست می توانید خاطر نشان کنید که از دعای داخل کادر استفاده کند و دعا کند).

مرحله چهارم. مطمئن ساختن فرد از نجات خویش.

• رومیان ۱۰:۱۳

پرسش ۱. لطفاً ممکن است محبت کنید دومین آیه از بالا را بخوانید؟ "زیرا هر که نام خداوند را بخواند نجات خواهد یافت." **رومیان ۱۰:۱۳**

پرسش ۲. در آن لحظه، آیا شما نام خداوند عیسی مسیح را خواندید تا شما را از گناهانتان و دریاچه آتش نجات داده، پس از مرگتان شما را به بهشت برده، و هدیه زندگی جاوید را به شما عطاء کند؟ **بله.**

پرسش ۳. آیا صادق بودید؟ **بله.**

پرسش ۴. پس خداوند می گوید اکنون شما چه هستید؟ **نجات یافته.**

پرسش ۵. نجات یافته از چه؟ **از گناهان و دریاچه آتش.**

پرسش ۶. اگر اکنون بمیرید، کجا خواهید بود؟ **بهشت.**

پرسش ۷. چرا؟ چون نام مسیح را خواندم که مرا نجات دهد و خداوند می گوید که

نجات یافته ام.

پرسش ۸. آیا کلام خداوند حقیقت است؟ **بله**. پس ما می توانیم از بهشت مطمئن باشیم. درست است؟ **بله**

• یوحنا ۱: ۱۲

پرسش ۱. لطفاً ممکن است محبت کنید آیه بالایی را بخوانید؟ اما همه کسانی که او را دریافت کردند، به آنها او قدرت داد تا فرزندان خدا گردند. یوحنا ۱: ۱۲

پرسش ۲. در آن لحظه، آیا شما مسیح را بعنوان نجات دهنده خود دریافت کردید؟ **بله**.

پرسش ۳. خداوند می گوید شما اکنون چه هستید؟ **فرزند خداوند**. شما اکنون در خانواده خداوند هستید. خداوند اکنون پدر آسمانی شماست و شما فرزند او هستید. شما اکنون می توانید خداوند را "پدر آسمانی" خطاب کنید. این یعنی "تولد دوباره". امروز دومین تولد شماست.

پرسش ۴. مایلید تاریخ امروز را در پایین صفحه یادداشت کنید؟ (او امضاء کرده، تاریخ زده و جزوه را نگه می دارد.)

• اول یوحنا ۵: ۱۲ و ۱۳

پرسش ۱. لطفاً ممکن است محبت کنید سومین آیه را بخوانید؟ "آنکه پسر را دارد، حیات را دارد؛ و آنکه پسر خدا را ندارد، حیات را ندارد... تا بدانید که حیات جاودانی دارید." اول یوحنا ۵: ۱۲، ۱۳

پرسش ۲. آیا شما عیسی مسیح را بعنوان نجات دهنده خود دریافت کردید؟ **بله**.

پرسش ۳. حال که شما پسر را دارید از چه چیز دیگر برخوردار هستید؟ **حیات ابد**

پرسش ۴. اگر امشب بمیرید، به کجا خواهید رفت؟ **بهشت**.

پرسش ۵. چرا؟ **چون مسیح را بعنوان نجات دهنده خود دریافت نموده ام**.

پرسش ۶. آیا می توانید مطمئن باشید که زندگی جاوید را دریافت کرده اید؟ **بله**.

پرسش ۷. چرا؟ چون خداوند می گوید، "تا بدانید که حیات جاودانی دارید."

یوحنا ۵: ۲۴

پرسش ۱. لطفاً ممکن است محبت کنید آیه کنار دیاگرام را بخوانید؟ عیسی مسیح فرمود:
"براستی براستی به شما می گویم، هر که کلام مرا بشنود و به او که مرا فرستاده
است ایمان آورد، حیات جاودانی دارد و به محکومیت نخواهد آمد، بلکه از مرگ به
حیات منتقل خواهد گشت." یوحنا ۵: ۲۴

پرسش ۲: کدام ۳ چیز را شما اکنون دارید؟ ۱- حیات جاودان ۲- به محکومیت نخواهم آمد. ۳- از مرگ به حیات منتقل خواهد گشت.

• یوحنا ۱۰: ۲۸

پرسش ۱. آیا ممکن است حیات جاودان را از دست داد؟ خیر
پرسش ۲. لطفاً یوحنا ۱۰: ۲۸ را بخوانید؟ عیسی گفت: من به ایشان زندگی جاوید
می بخشم و آنها هرگز هلاک نخواهند شد، هیچکس نیز نمی تواند
ایشان را از دست من بگیرد. یوحنا ۱۰: ۲۸

پرسش ۳. "تا به ابد هلاک نخواهند شد" به چه معناست؟ هرگز در جهنم هلام نخواهیم
شد و بنابراین هرگز زندگی جاوید را از دست نخواهیم داد. البته که امکان از دست
دادن پاداش های آسمانی وجود دارد.

پنجم. چگونه اولین قرار مطالعه کتاب مقدس را بگذاریم؟ کتاب "از من تعلیم یابید" را به
او بدهید.

پرسش ۱. در فهرست مطالب این کتاب، کدامیک از موضوعات کتاب برای شما جالب است؟
پرسش ۲. آیا می توانید در زمانی که مناسب شماست با هم نگاهی به آن موضوع مورد علاقه تو
بیاندازیم؟ چه زمانی برای شما مناسب است تا با هم ملاقات داشته باشیم و آن مطلب
را با هم مرور کنیم؟ آخر هفته

ایست!

و فکر کن! "زندگی جاودان را کجا سیری خواهی کرد"



هدیه خداوند زندگی جاودانه است.

آیا آن را دریافت کرده اید؟

عیسی مسیح گفت: "بیائید نزد من، ای تمامی زحمتکشان و

گرانباران و من به شما آرامش خواهم داد." متی ۱۱: ۲۸

"خداوند را مادامی که یافت می شود بطلبید و مادامی که نزدیک است او را بخوانید. شریک راه خود را، گناهکار افکار خویش را ترک نمایید و بسوی خداوند بازگشت کنید و او بر وی رحمت خواهد نمود و بازگشت کند بسوی خدا، زیرا او به فراوانی خواهد بخشید." اشعیا ۵۵: ۷ و ۶

چگونه ما می توانیم مطمئن شویم که زندگی جاودان داریم؟
ما باید ۲ اصل را بدانیم:

۱. همه گناه کرده اند

زیرا همه گناه کرده اند و از جلال خدا محرومند . رومیان ۳: ۲۳

اینها گناه هستند:

۱. خدای دیگری نیست
۲. هیچ تصویر حکمی شده ای از او نیست .
۳. بیپوده نام خدا را نبرید.
۴. روزی سبت را یاد داشته باش
۵. به پدر و مادر احترام کن

۶. قتل نکن
۷. زنا نکن
۸. نزدی نکن
۹. دروغ نگویند.
۱۰. چشم طمع نداشته باشید



محروم بودن از معیار کامل خدا



جدایی از خدا



به بیراهه رفتن

طاعت نکردن از احکام خداوند.
(کتاب مقدس) گناه است

• ما همه گناهکاران بزرگی هستیم در مقایسه با قدوسیت خداوند.

سوال ۱) آیا می خواهی خدای کتاب مقدس خدای تو باشی؟

سوال ۲) آیا می خواهی از گناهان روی برگردانی و به سوی خداوند بیایی؟ (توبه پشیمانی)

۲ - مجازات گناه مرگ است

زیرا مزدگناه مرگ است اما هدیه خداوند حیات جاودان است از طریق عیسی مسیح خداوند ما . رومیان ۶: ۲۳
آنگاه مرگ و دنیای مردگان به دریاچه آتش افکنده شد، این است مرگ دوم . مکاشفه ۲۰: ۱۴

توضیح: زیرا همه گناه کرده ایم و قانون خداوند میگوید که ما به سوی مرگ و دریاچه آتش می رویم . این خبر بدی است و من و تو نمیخواهیم به دریاچه آتش برویم..



مرگ دوم



مرگ اول

و قتیکه از دنیا میرویم



صفحه ای که بر می گردد، صفحه قبلی پاک نمیشه

آیا راهی برای نجات وجود دارد؟ بلی خداوند برای ما هدیه رایگان یعنی زندگی جاودانه را از طریق عیسی مسیح وعده داده است نه از طریق کارهای نیک یا از هر مذهبی.

زیرا بوسیله فیض نجات یافته اید از طریق ایمان;

و آن از خودتان نیست ; آن هدیه خداست:

نه از اعمال مبادا کسی به خود ببالد. افسسیان ۲: ۸، ۹

هدیه خداوند رایگان است که می توانید بپذیرید یا رد کنید .

زندگی جاودانه یعنی شناختن خداوند به شخصه و رفتن به بهشت هنگامیکه خواهیم مرد.

بنابراین قوتون خداوند میگوید ما باید به دریاچه آتش برویم و اما محبت خداوند از ما میخواهد که به بهشت برویم . توجه کنید که خداوند چگونه بخشش و زندگی ابدی را برای ما به صورت رایگان ارزانی داشته است.

۳- عیسی تمامی مجازات ما را به خود گرفت.

"اما خدا محبت خود را برای ما ثابت میکند در آن موقع که ما هنوز گناهکار بودیم. مسیح برای ما مرد." رومیان ۵: ۸

عیسی نجات دهنده کل بشریت است.

-عیسی آماده است که نجات دهنده تو نیز باشد.

توجه: خداوند همه گناهان ما را در گذشته، حال و آینده گرفت و بر روی مسیح گذاشت.

جمع ما مثل گوسفندان گمراه شده بودیم و هر یک از ما به راه خود برگشته بود و خداوند گناه همه ما را بر وی نهاد. اشعیا ۵۳: ۶

عیسی مجازات کامل همه گناهان ما را روی صلیب برداشت بجای ما که باید در دریاچه آتش تا ابد مجازات می شدیم.

اما به سبب تقصیرهای ما او مجروح شد. به سبب گناهان ما او کوفته گردید: تأذیب سلامتی ما بر وی بود و با زخمهایی او ما شفا یافته ایم. اشعیا ۵۳: ۵

الآن مسیح نجات دهنده کل بشریت است.

اکنون در بهشت برای همه انسانها باز است که داخل شوند.

اما چگونه ما می توانیم داخل بهشت شویم؟

کسانی که:

۴. الف) اعتقاد داشته باشند که عیسی مسیح:

- خدای پسر است (۱۰۰٪ خدا و ۱۰۰٪ انسان)
- برای گناهان ما مرد
- بعد از مرگ دوباره زنده شد
- (ب) عیسی مسیح را بعنوان منجی دریافت کنند.

بخشش و زندگی جاودانه حالا داده می شود.

این بدین معنا است که حالا شما خون قربانی شده مسیح بر روی صلیب را بعنوان ادای پرداخت شده برای کل گناهانتان قبول کنید، به عیسی بعنوان نجات دهنده اعتقاد داشته باشیم، نه به کارهای نیک یا به هر مذهبی.



ما می توانیم مطمئن باشیم که این وعده ها توسط خداوند در کتاب مقدس به ما داده شده است.

- سوال:** در این آیه ها چه کاری باید ما انجام دهیم و خدا چه چیزی به ما عطا خواهد کرد؟
- ۱- اما همه کسانی که او را دریافت کردند، به آنها او قدرت داد تا فرزندان خدا گردند. یوحنا: ۱۲
 - ۲- زیرا هرکه نام خداوند را بخواند نجات خواهد یافت. رومیان ۱۰: ۱۳
 - ۳- آنکه پسر را دارد، حیات را دارد: و آنکه پسر خدا را ندارد، حیات را ندارد. ... تا بدانید که حیات جاودانی دارید. " اول یوحنا ۵: ۱۲، ۱۳



عیسی مسیح فرمود:
 برآستی برآستی به شما می گویم،
 هرکه کلام مرا بشنود و به او که مرا
 فرستاده است ایمان آورد،
حیات جاودانی دارد
 و به محکومیت نخواهد آمد، بلکه
از مرگ به حیات منتقل خواهد گشت
 یوحنا: ۲۴

انتخاب با شماست اکنون هدیه حیات جاودان را می توانید داشته باشید یا قبول کردن عیسی مسیح به عنوان منجی و دعا کردن به خدا به مانند دعای ذیل :

ای خداوند قادر مطلق، من در اندیشه، گفتار و کردار علیه تو گناه کرده ام. متأسفم بخاطر اینها و از عیسی مسیح می خواهم تا همه گناهان مرا ببخشد. و حالا ای عیسی مسیح تو را بعنوان نجات دهنده و خداوندم دریافت میکنم و اکنون اسم تو را می خوانم تا:

- مرا از گناهانم و دریاچه آتش نجات دهی.
- وقتی که می میرم مرا به بهشت ببری.
- و حالا به من هدیه زندگی جاودان را عطا کن.

و حالا ای عیسی مسیح، قلبم و زندگی ام را بر روی تو می گشایم که بیایی و نجات دهنده، دوستم و خدای من برای همیشه باشی. همه این دعاها را در نام عیسی مسیح می طلبم. آمین

امضا: تاریخ: عیسی گفت: من به ایشان زندگی جاوید می بخشم و آنها هرگز هلاک نخواهند شد، هیچکس نیز نمی

تواند ایشان را از دست من بگیرد. یوحنا ۱۰: ۲۸

سوال ۱: آیا عیسی مسیح را بخاطر نجات گناهان خواندی؟ آیا صادق بودی؟ در رومیان ۱۰: ۱۳ خداوند برای شما چه کاری انجام داد؟ از چه چیزی نجات یافتی؟ اگر همین حالا شما بمیرید، کجا خواهید رفت؟ چرا؟ و اینک که نجات یافته اید آیا فکر می کنی امکان از دادن زندگی جاوید وجود دارد؟ به یوحنا ۱۰: ۲۸ (بالا) نگاه کن. هرگز هلاک نخواهند شد به چه مناسبت؟

«اگر با زبان خود عیسی خداوند را اعتراف کنی و در دل خود ایمان آوری که خدا او را از مردگان برخیزانید، نجات خواهی یافت.» رومیان ۱۰: ۹

سوال ۲: چگونه می توانی خدا را بهتر بشناسی؟ مطالعه کتاب مقدس بصورت هر روز (اول پطرس ۲: ۲) : صحبت کردن با خدا؛ شرکت کردن در جلسات مطالعه کتاب مقدس در کلیسا (عبرانیان ۱۰: ۲۵، ۲۴): به دیگران گفتن که مسیح چگونه می تواند آنها را نجات دهد؛ غسل تعمید گرفتن (اعمال رسولان ۱۰: ۴۸، ۴۷): به دیگران گفتن که تو نجات یافته ای (رومیان ۱۰: ۹): فرمانروایو مطیع عیسی مسیح باشی. اگر تو تصمیم گرفته ای که عیسی مسیح نجات دهنده تو باشد، لطفاً برای ما به ائرس زیر اطلاع دهید تا ما بتوانیم برای شما نوشتجات بفرستیم برای شناخت بهتر خدایمان عیسی مسیح. سرویس اتویوس کلیسا هر یکشنبه ساعت ۹ صبح از جلوی کتابخانه پاراماتا و سرویس فرسی زبان ساعت ۳: ۰۹ می باشد

LIBERTY BAPTIST CHURCH, PO Box 188, Cherrybrook NSW 2126. Ph (02) 9875 4321.
 Meeting at Cnr North Rocks Rd & Farnell Ave, North Rocks. Visit us on Sundays at 9:30 am & 6pm.
www.answersbook.org and www.libertybaptistchurch.org.au

پهشت

مقدسان
عهد عتیق
با مسیح
قیام کردند

روان با مسیح

ربایش
کلیسا

نخت
بزرگ شهیدان مصیبت
سفید
داوری دوره
خدا

مسیبت
هزاره دوره

عصر کلیسا

گمشده نجات یافته

بن
در قبر

گمشده نجات یافته

بن
در قبر

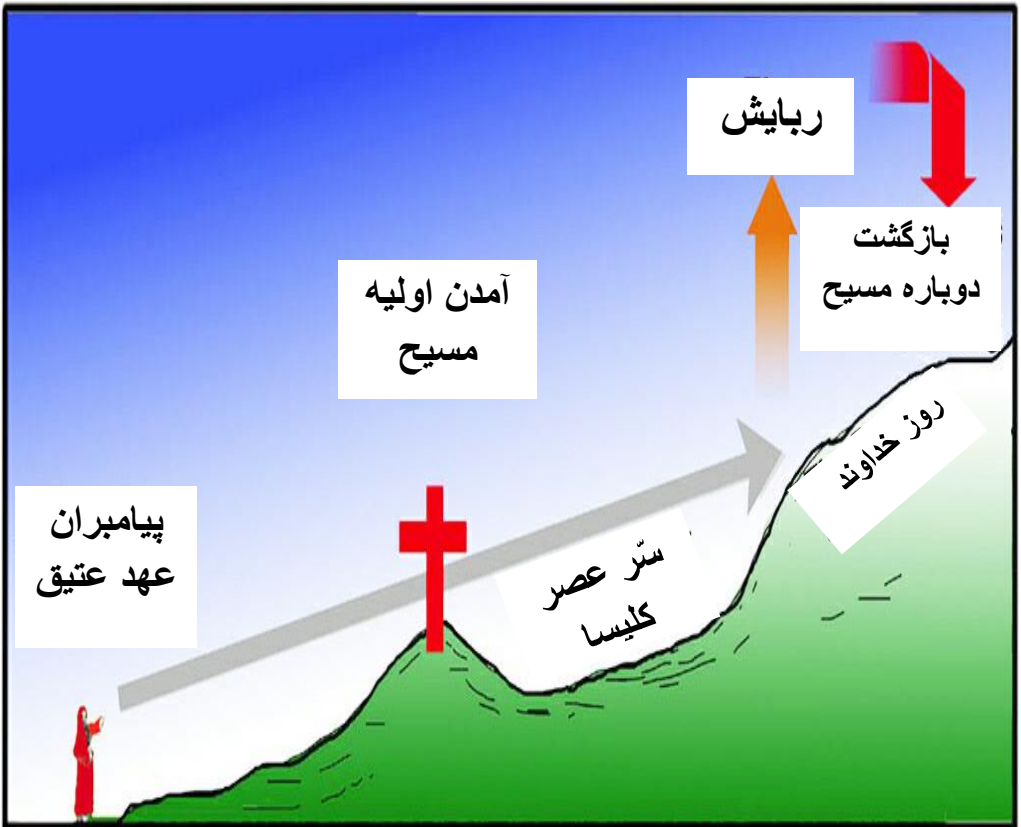
روان در فردوس
(آخوش ابراهیم)

ورطه عظیم

روان در عذاب

هیدیز (جهنم)

دریاچه آتش



کلیسا - "که آن در قرنهای گذشته به بنی آدم آشکار نشده بود" (افسیان ۳: ۵)

دانیال باب ۷



امپراطوری بابلیان
۶۰۶ تا ۵۳۶ قبل از میلاد



امپراطوری ایران
۵۳۶ تا ۳۳۲ قبل از میلاد

امپراطوری یونان
۳۳۲ تا ۶۳ قبل از میلاد



امپراطوری رومیان
۶۳ ق م تا بازگشت مسیح

سر طلائی =
بابلیان

سینه و بازوهای
نقره ای = ایران

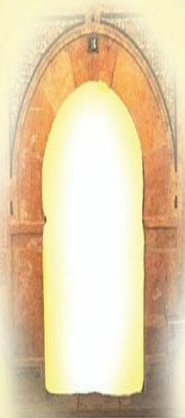
شکم و رانهای
برنجی = یونان

ساقهای آهنی
و پاها قدری
از آهن و
قدری از گِل =
رومیان



"بعد از این دیدم
که ناگاه دروازه
ای در آسمان باز
شده است... فی
الفور در روح شدم
و دیدم که تختی
در آسمان قائم
است و بر آن
تخت نشیننده
ای"

مکاشفه ۴: ۱-۲



"و آن آواز اول را
که شنیده بودم که
چون کرنا با من
سخن می گفت،
دیگر باره می گوید:
«به اینجا صعود
نما."

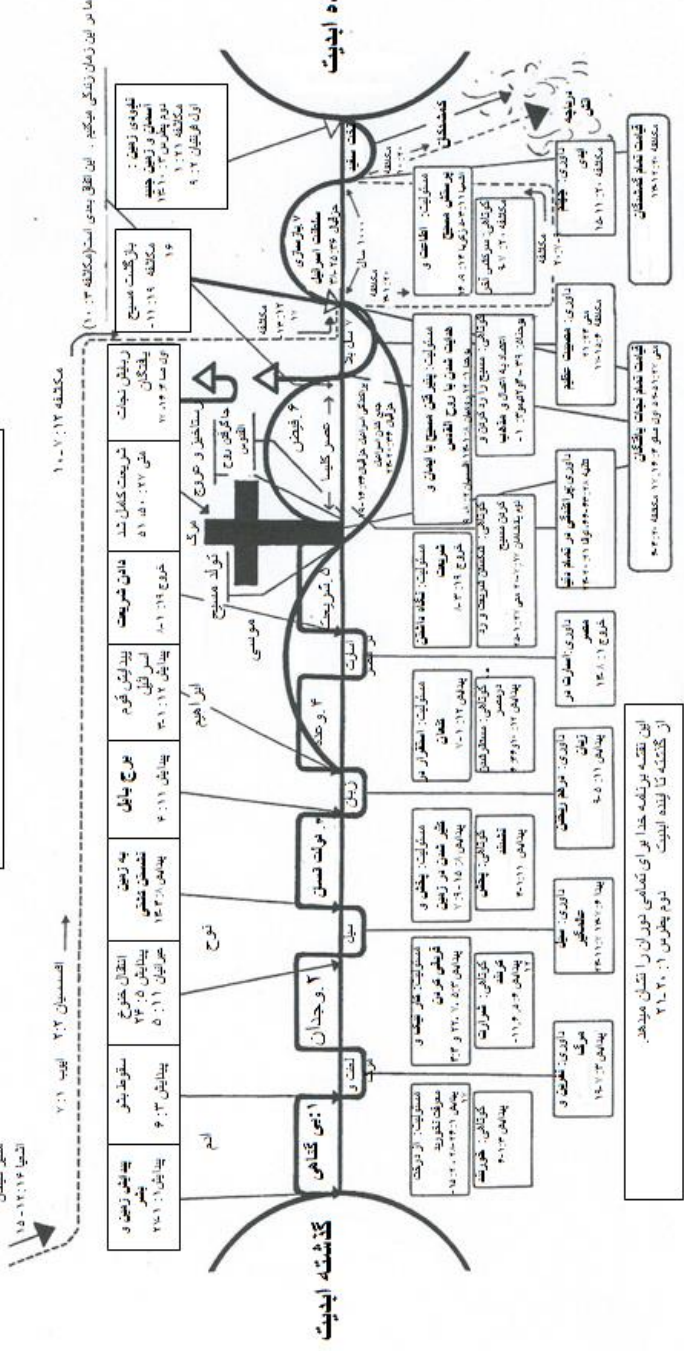
مکاشفه ۴: ۱

ربایش کلیسا

مسیر نشان
تاریخ: ۱۳۰۲-۱۳۰۳

۱۳۰۲-۱۳۰۳: ۷۰٪ اقصیسان → ۷۰٪ اقلی

اهداف و نقشه خداوند برای تملکی دوران



۱. اگر فقط بخواهیم آخرین دوران خداوند را در نظر بگیریم که قیامت برپا شد، یعنی در آن روز، خداوند، خداوند، گشتگان تملکی دوران را برنگان برمیگرداند، بر این پایه، باید به هر چه که در این دنیا باقی مانده خواهد شد، (مکلفه: ۲۰-۱۳۰۳)

تعمیر:

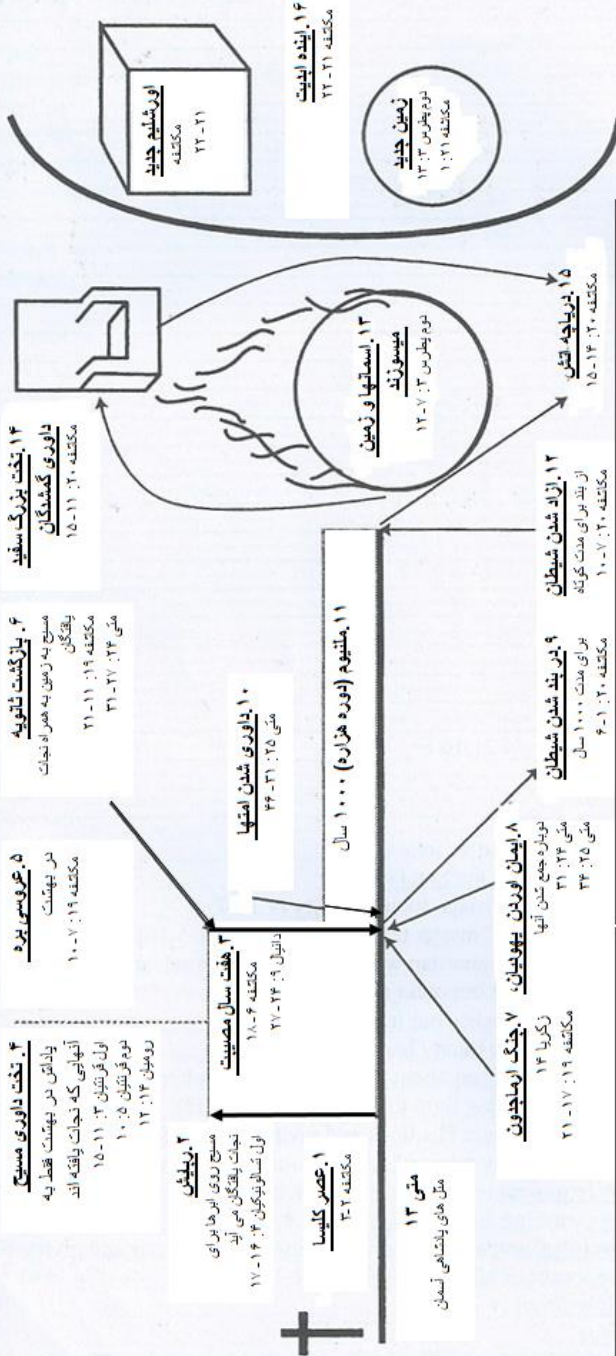
۱. اگر روز را بخواهیم بررسانیم، یعنی برپا شود، خداوند، ۲. دولت دارد که باید اجرا شود، یعنی خداوند، ۳. ۱۳۰۳-۱۳۰۴: ۷۰٪ اقصیسان → ۷۰٪ اقلی

پس بعد از ۷۰ سال عصیت، جسم مسیح را باقیان خردا جلال خدایه (مسیح تملکی) می کند تا در ۱۰۰۰ سال شکست خردا را از طرف کلمه خردا تملک (مسیح ۲۳، ۲۴، ۲۵، ۲۶، ۲۷، ۲۸، ۲۹، ۳۰، ۳۱، ۳۲، ۳۳، ۳۴، ۳۵، ۳۶، ۳۷، ۳۸، ۳۹، ۴۰، ۴۱، ۴۲، ۴۳، ۴۴، ۴۵، ۴۶، ۴۷، ۴۸، ۴۹، ۵۰، ۵۱، ۵۲، ۵۳، ۵۴، ۵۵، ۵۶، ۵۷، ۵۸، ۵۹، ۶۰، ۶۱، ۶۲، ۶۳، ۶۴، ۶۵، ۶۶، ۶۷، ۶۸، ۶۹، ۷۰، ۷۱، ۷۲، ۷۳، ۷۴، ۷۵، ۷۶، ۷۷، ۷۸، ۷۹، ۸۰، ۸۱، ۸۲، ۸۳، ۸۴، ۸۵، ۸۶، ۸۷، ۸۸، ۸۹، ۹۰، ۹۱، ۹۲، ۹۳، ۹۴، ۹۵، ۹۶، ۹۷، ۹۸، ۹۹، ۱۰۰) بداند.

این تملک بر پایه خداوند برای سالها از خلافت تا پایه ادبیت را نشان می دهد. (مسیح ۲۳، ۲۴، ۲۵، ۲۶، ۲۷، ۲۸، ۲۹، ۳۰، ۳۱، ۳۲، ۳۳، ۳۴، ۳۵، ۳۶، ۳۷، ۳۸، ۳۹، ۴۰، ۴۱، ۴۲، ۴۳، ۴۴، ۴۵، ۴۶، ۴۷، ۴۸، ۴۹، ۵۰، ۵۱، ۵۲، ۵۳، ۵۴، ۵۵، ۵۶، ۵۷، ۵۸، ۵۹، ۶۰، ۶۱، ۶۲، ۶۳، ۶۴، ۶۵، ۶۶، ۶۷، ۶۸، ۶۹، ۷۰، ۷۱، ۷۲، ۷۳، ۷۴، ۷۵، ۷۶، ۷۷، ۷۸، ۷۹، ۸۰، ۸۱، ۸۲، ۸۳، ۸۴، ۸۵، ۸۶، ۸۷، ۸۸، ۸۹، ۹۰، ۹۱، ۹۲، ۹۳، ۹۴، ۹۵، ۹۶، ۹۷، ۹۸، ۹۹، ۱۰۰) بداند.

این تملک بر پایه خداوند برای سالها از خلافت تا پایه ادبیت را نشان می دهد. (مسیح ۲۳، ۲۴، ۲۵، ۲۶، ۲۷، ۲۸، ۲۹، ۳۰، ۳۱، ۳۲، ۳۳، ۳۴، ۳۵، ۳۶، ۳۷، ۳۸، ۳۹، ۴۰، ۴۱، ۴۲، ۴۳، ۴۴، ۴۵، ۴۶، ۴۷، ۴۸، ۴۹، ۵۰، ۵۱، ۵۲، ۵۳، ۵۴، ۵۵، ۵۶، ۵۷، ۵۸، ۵۹، ۶۰، ۶۱، ۶۲، ۶۳، ۶۴، ۶۵، ۶۶، ۶۷، ۶۸، ۶۹، ۷۰، ۷۱، ۷۲، ۷۳، ۷۴، ۷۵، ۷۶، ۷۷، ۷۸، ۷۹، ۸۰، ۸۱، ۸۲، ۸۳، ۸۴، ۸۵، ۸۶، ۸۷، ۸۸، ۸۹، ۹۰، ۹۱، ۹۲، ۹۳، ۹۴، ۹۵، ۹۶، ۹۷، ۹۸، ۹۹، ۱۰۰) بداند.

ترتیب اتفاقات در برنامه خداوند چیست ؟



جمع شدن یوچاره اسرائیل و داوری آنها : حزقیال ۳۸-۳۹: ۲۰-۲۳ ، لویا ۱۶: ۱۶-۱۶
داوری امتها : متی ۲۵: ۳۱-۳۱ ، یوقیل ۳: ۱۷-۱۷
قوانین پادشاهی : متی ۷ تا ۷
اورشلیم شهر پایتخت : متی ۲۵: ۳۵-۳۵ ، زکریا ۸: ۲۴-۲۴
توصیف مجدد دوره هزاره : حزقیال ۴۰: ۵-۵ ، اشیا ۶۰: ۱-۱
داوری گردن برانده جوانان بر نوزاد قریب : متی ۲۸: ۱۹-۱۹ ، اشیا ۶۰: ۱-۱
اسرائیل بر سر زمینش : اشیا ۶۰: ۲۸-۲۸ ، حزقیال ۲۶: ۲۶-۲۶
میراث ما برای پادشاهی : حزقیال ۴۵: ۴۵ تا ۴۶: ۲۶ ، زکریا ۱۶: ۱۶-۱۶
قریبانی برای پادشاهی : اشیا ۲۷: ۲۷ و ۲۸: ۲۸ ، اشیا ۶۰: ۱-۱
برگشتن دوره هزاره : اعداد ۲۱: ۱۴ ، اشیا ۶۵: ۱۱ تا ۶۵: ۱۶ ، رومان ۸: ۱۶-۱۶
زیمن لغت از روی زمین : اشیا ۵۵: ۱۳ ، سلیمان ۹: ۱۳-۱۳
آخرین طغیان گری - جورج و ملوچ : مکاشفه ۲۰: ۷-۷

کنار گذاشته شدن اسرائیل به خاطر بی ایمانی : لوقا ۲۱: ۲۴ ، رومان ۱۱: ۱۲-۱۲
۲۱-۲۱ ، هوش ۴: ۳-۳ ، اعداد ۳۰: ۵-۵
گفته اسرائیل : رومان ۹
اسرائیل کلمی رومان ۱۰: ۱ تا ۱۱: ۱۱
آینده اسرائیل رومان ۱۱: ۱۲-۱۲

